ترجمه

ارشاد القلوب

در معارف و اخلاق

تألیف عارف زاهد

ابو محمد حسن بن محمد ابی الحسن الدیلمی

مترجم: آقای سید عبدالحسین رضائی

از انتشارات

کتابفروشی اسلامیه

تهران، خیابان ۱۵ خرداد تلفن ۵۶۲۵۴۴۸

ترجمهٔ

ارشاد القلوب

قسمت اول

معارف و اخلاقیات

تالیف

زاهد عارف

ابو محمد حسن بن محمد ابی الحسن دیلمی

از اعلام قرن هشتم

مترجم : دانشمند محترم آقای حاج سید عبدالحسین رضائی

بتصحیح آقای محمد باقر بهبودی

از انتشارات

کتابفروشی اسلامیه

تهران، خیابان ۱۵ خرداد شرقی، تلفن ۵۶۲۱۹۶۶

چاپ افست اسلامیه

نام کتاب: ارشاد القلوب(۱ و ۲)
مؤلف: محمد حسن بن محمد ابی الحسن دیلمی
مترجم: حاج سید عبدالحسین رضائی
ناشر: انتشارات اسلامیه
نوبت چاپ: سوم - ۱۳۷۷ شمسی
تعداد چاپ: ۲۰۰۰ جلد
چاپ و لیتوگرافی: اسلامیه
صحافی: جلوه

شابک ۲_۰۱۱_۴۸۱_۹۶۴
شابک(دوره) ۶_۰۹۹_۴۸۱_۹۶۴

ISBN-964-481-011-2
ISBN-964-481-099-6

ترجمهٔ مؤلف

علامهٔ خبیر، محدث بصیر، واعظ شهیر، زاهد وارسته، ابومحمد حسن بن محمد ابی الحسن بن علی بن عبدالله بن الحسن، مشهور به واعظ دیلمی، از بزرگان علم حدیث وفقه است، وباقتضای منبر وعظ وخطابه درتاریخ وسیر نیز دستی داشته‌است.

آثاری از او بجای مانده که ازهمه بیشتر کتاب(ارشادالقلوب) او مورد توجه واستفادهٔ صغیر وکبیر ازعلما ودانشمندان قرارگرفته قسمت اول آن دراخلاقیات و ترغیب به صفات حسنه وزهد و پارسائی و پرهیز از صفات سیئه و دنیا پرستی که اینك ترجمهٔ آن از نظر خوانندگان می گذرد، و قسمت دوم آن در فضائل و مناقب علی بن

ابی‌طالب عليه السلام و شرح غزوات و مکارم اخلاقی آن سرور ، و حل مشکلات علمی ومباحثات ومناظرات باعلمای ادیان و بطور کلی شرح مقامات ائمهٔ اطهار عليهم السلام و فضل شیعیان اهل بیت و دوستان ذریهٔ پیامبر صلى الله عليه وآله است .

شرح حال مؤلف ، گرچه از نظر تاریخ‌تولد ووفات‌روشن‌نیست ولی از بیانی که در کتاب (غررالاخبار ودررالاثار)آورده ومیگوید (بعد از انقراض دولت بنی‌عباس (سال ۶۵۶ ه) ضعف واختلاف‌شدیدی درمیان ملوك اسلامی پدیدآمد ، واینك که نزدیك بصد سال از آن دوران میگذرد ، هنوز هم کفار در شرق و غرب ممالك اسلامی بر مسلمانـان مسلطاند : خون مسلمین را میریزند و اموال آنان را به‌نهب و غارت می‌برند...) چنین برمیآید که در قرن هشتم زندگی میکرده است .

مؤید این‌مطلب این‌استکه شیخ زاهد عارف ،ابوالعباس‌احمدبن فهدحلّی درگذشتهٔ سال۸۰۱ هجری‌در کتاب معروف‌خود(عدةالداعی) ازایشان نقل‌حدیث کرده وعلامهٔ مؤلف ، خود ، ضمن اجازهٔحدیثیکه بنام شیخ محمد گیلانی درپشت کتاب (فقیه من‌لایحضره الفقیه) نوشته ، چنین تذکر میدهد که نزد پدر بزرگوارش ابوالحسن محمد بن علی ابن عبدالله بن الحسن دیلمی به تحصیل کمالات علمی پرداخته و از شیخ بزرگوار شهید اول‌درگذشتهٔ سال ۷۸۶ هجری اجازهٔروایت داشته و طریق روایتی هم بفخر المحققین فرزند علامهٔ حلی درگذشتهٔ سال ۷۷۱ دارد .

این جمله میرساند که مؤلف بزرگوار ما از اعیان محدثین بزرگان علم دین است که نه تنها به ارشاد عامهٔ مردم می پرداخته، بلکه حلقات درس علمی داشته و از جمله کتاب فقیه شیخ صدوق را نزد او قرائت می کرده اند.

برخی ازعلماء رجال بشرح حال او اشاره کرده‌اند، از جملهٔ آنان علامة المحدثین شیخ حرعاملی‌در کتاب(امل‌الامل)وعلامه‌سیدمحمد باقر خوانساری در (روضات الجنات) وعلامهٔ افندی میرزاعبدالله در (ریاض العلماء) ومحدث قمی در (الکنی والالقاب). ضمناً رسالهٔ موجزی از آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی دامت‌برکاته بنام(مفرج الکروب‌در ترجمهٔ صاحب ارشادالقلوب) درمقدمهٔ جزءاول(اخلاقیات) بچاپ رسیده‌است، علاقمندان مراجعه‌خواهند کرد.

ولی مقدم بر همه تمجید علامه مجلسی در بحار است به کتب ایشان اعتماد کرده و می‌فرماید :«کتاب (ارشادالقلوب) کتابی است لطیف ،مشتمل براخباری متین و در عین‌حال غریب وشگفت‌انگیز! از دو کتاب دیگر (اعلام‌الدین)و کتاب(غررالاخبار) کمتر نقل حدیث کردیم،زیرا بیشتر اخبار این دو کتاب،در کتب دیگری که ازحیث وثاقت بالاترند ،وجودداشت . گرچه از تمام اینها و اعتماد اکابر وبزرگان به این دو کتاب جلالت مؤلف به ثبوت می‌رسد».

مصحح : محمدباقر بهبودی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین وصلّی الله علی محمد خاتم النبیین و علی آله الطاهرین .

بعد از ستایش پروردگار وفرستادن درود بر محمد وخاندان پاکش میگویم که چون پادشاه وزمامدار شهوت وخشم بر انسانها پیروز ومسلط میشود و هر یک از آنانرا بسوی هوا وغفلت از عالم رستاخیز و قبر میکشاند این کتابرا نوشتم و ارشاد قلوب بسوی نیکیهائی که نجات دهنده است از کیفر ومجازات سخت کسی را که بخواند و عمل نماید نامیدم .

بدانید ایمردم خدای شمارا بیامرزد که همانا خدای تعالی دنیا را بیهوده نیافرید تابدون فایده آنرا واگذارد بلکه برای مردمان دنیا خردها قرار داده تابوسیله‌ی همان نورعقل آنانرا بهشناخت ومعرفت خویش راهنمائی کند وبدان سبب قدرت ویکتائی خویشرا آشکار کرد. ونیز قدرت و نیروی پرستش و طاعت و دوری از گناه بندگانش را بخشید تاعذری برای آنان نباشد ، پیامبران گرامی فرستاد آخرین فرد آنان حضرت محمد بن عبدالله پیغمبر راستگو ودرست کار بود، درود

خدا بروان پاك او وخاندان پاك وپاكدامنش .

خدا كتابهای آسمانی خویشرا كه حاكی از ترس ، بیم، بشارت زجر بود فرستاد سپس فرمود : رسلا مبشرين و منذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل(۱) فرمود : رسولان مژده دهنده و ترساننده فرستادم تا عذر وبهانه‌ای برای مردم پس ازفرستادن رسولان نباشد .

خدای سبحان فرموده : ولو انا اهلكنا بعذاب من قبله لقالوا ربنا لولا ارسلت الينا رسولا فنتبع آياتك من قبل ان نذل و نخزى (۲) اگرما پیش از آن هلاك ونابود میكردیم ایشانرا بعذاب هماناً میگفتند پروردگارا چرا پیامبری بسوی مانفرستادی تا آیات و نشانه‌های ترا پیروی كنیم، ما كنا معذبين حتى نبعث رسولا(۳) ماعذاب كنندگان نیستیم تاآنكه پیامبری بفرستیم .

ايها الناس قدجائتكم موعظة من ربكم و شفاء لما فى الصدور و هدى و رحمة للمؤمنين(۴) ایگروه مردمان هماناآمد شمارااندرزی ازطرف پروردگار و درمان وشفائی برای امراض سینه‌ها و هدایت و رحمتی برای مؤمنان، ويحذركم الله نفسه(۵) ومیترساند شمارا خدا ازخودش، واعلموا ان الله يعلم مافي انفسكم فاحذروه(۶) بدانید كه خدا میداند آنچه‌را كه در نهاد شماست پس از اوبترسيد واتقوا الله واعلموا

(۱) نساء ۱۶۵ .

(۲) طه ۱۳۴ ، (۳) اسراء آیه ۱۷ .

(۴) یونس ۵۷ ، (۵) آل‌عمران ۲۷ .

(۶) بقره ۲۳۵ .

انکم ملاقوه (۱) بپرهیزید ازخدا و بدانید ملاقات کنندگا اید او را واتّقون یااولی‌الالباب(۲) بترسید ازمن ایخرّدمندان .

واتقوا یوماً ترجعون فیه الی‌الله ثمّ توفی کلّ نفس‌ما کسبت وهم لایظلمون (۳) بترسیداز روزیکه برگردانیده شوید در آن روز بسوی خدا پس بخشیده شود هر کسی آنچه را که اندوخته و ایشان ستم نمیشوند واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً ولایقبل منها عدل ولاتنفعها شفاعة(۴) بترسیدازروزیکه پاداش نمی‌بیندهیچ کس‌ازکسی چیزی را وپذیرفته نشود از آن فدائی و سود ندهد درخواستی .

یاایهاالناس اتقوا ربکم واخشوا یوماً لایجزی‌والد عن ولده ولامولود هوجازعن‌والده شیئاً ان‌وعدالله‌حق فلاتغرنّکم‌الحیوة الدنیاولا یغرنّکم بالله‌الغرور(۵) ای گروه مردمان بپرهیزید از پروردگار و بترسید از روزیکه پاداش داده نمیشود پدری ازفرزندش و نه هم فرزندی پدرش را پاداش دهنده است چیزی راهمانا وعده‌ی خدا حق است پس نباید فریب دهد شما را زندگانی دنیاو نباید فریب دهدشما را نسبت بخدا آن فریب دهنده .

یاایهاالناس اتقوا ربکم إنّ زلزلةالساعة شیء عظیم(۶) ایگروه مردمان بترسیدازپروردگارتان‌همانازلزله‌ی‌قیامت‌چیزی است بزرگ یاایهاالناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة وخلق‌منهازوجها وبث منهما رجالا کثیراً ونساء (۷).

---

(۱) بقره ۲۲۴ (۲)بقره ۱۹۴ .

(۳) بقره ۲۸۱ (۴) بقره۱۱۷ .

(۵)لقمان۳۳ (۶)حج ۱ (۷)نساء ۱ .

ایمردمان بترسید ازپروردگارتان که آفرید شما را از یك تن واز همان تن آفریدهمسر اورا وپراکنده کرداز نسل آندو مردان و زنان بسیاری‌را یا عباد فاتقون (۱) ای بندگان پارسا شوید.

واتقواالنارالتی و قودها الناس والحجارة (۲) پس بترسید از آتشی که آتش افروزش مردمان‌وسنگها باشد اقترب‌للناس‌حسابهم‌وهم فی غفلة معرضون مایأتیهم من‌ذکر من ربهم محدث الا استمعوه وهم یلعبون(۳) حساب مردمان نزدیك شد وایشان در بیخبری باشند‌واز حساب دوری کنند پندی تازه نمی‌آید ایشان‌را مگر اینکه‌شنیده‌اند ولی سرگرم بازی میباشند .

یاایهاالذین آمنوا لاتتبعوا خطوات الشیطان ومن‌یتبع‌خطوات‌ـ الشیطان فانه یامر بالفحشاء والمنکر (۴) ایگروه مؤمنان گامهای شیطانرا پیروی مکنید هرکس که گامهای شیطانرا پیروی کند اورا فرمان کارهای زشت وناپسند دهد یاایها الذین آمنواقواانفسکم و اهلیکم ناراً وقودها الناس والحجارة علیها ملائکة غلاظ شدادلایعصون الله ماامرهم ویفعلون ما یؤمرون (۵) ایکسانیکه ایمان آورده‌اید‌خود وکسانتانرا نگهداریداز آتشیکه هیزم آن مردمان‌وسنگ‌گوگرد است بر‌آن آتش فرشتگان درشت سخن‌پاسبانند نافرمانی خدارا نمیکنند درآنچه که ماموریت دارند وانجام دهندآنچه‌را که‌فرمان داده‌شوند.

یاایهاالذین آمنوا اتقواالله ولتنظر نفس ماقدمت لغد واتقواالله ان الله‌خبیر بما‌تعملون (۶) ای‌کسانیکه ایمان آورده‌اید بپرهیزید از

---

(۱) زمر ۱۶　(۲) بقره ۲۴۵　(۳) انبیاء ۱ .

(۴) نور ۴۱　(۵) تحریم ۷　(۶) حشر ۱۸.

خدا و باید هر نفسی بنگرد که چه چیز پیش فرستاده برای فردا و از خدا بترسد که همانا خدا آگاه است بآنچه که انجام میدهند واتقوا الله ان الله شدید العقاب (۱) از خدا بترسید که مجازات و کیفرش خیلی سخت است یا ایها الانسان ماغرك بربك الكريم (۲) ای انسان چه چیز ترا از پروردگارت فریفت.

الم یان للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذکر الله وما نزل من الحق (۳) آیا آن هنگام نرسیده که دلهای مؤمنان برای خدا و آنچه که از طرف حق فرود آمد کرنش کنند افحسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لاترجعون (۴) آیا گمان کرده اید که شمارا بیهوده آفریدیم و بسوی ما نخواهید آمد.

ایحسب الانسان ان یترك سدی ألم یك نطفة من منيّ يمنى (۵) آیا گمان میکند انسان که بیهوده واگذاشته میشود؟ آیا اسپری از منی ریخته شده نبوده افأمن اهل القرى ان یأتیهم باسنا بیاتاً وهم نائمون او امن اهل القری ان یأتیهم باسنا ضحی وهم یلعبون (۶) آیا پس ایمن شدند اهل قریه ها که شب هنگام فرا گیرد ایشانرا عذاب در حالتیکه خفته گانند آیا ایمن شدند اهل آبادیها که هنگام چاشت فراگیرد ایشانرا عذاب و آنان سرگرم بازی باشند.

فأما من طغی و آثر الحیوة الدنیا فان الجحیم هی المأوی واما من خاف

(۱) بقره ۱۹۳ (۲) انفطار ۶.

(۳) حدید ۱۶ (۴) مؤمنون ۱۱۷.

(۵) قیمة ۳۶. (۶) اعراف ۹۶.

مقام ربه ونهی النفس عن‌الهوی فان‌ّ الجنة هی‌المأوی (۱) پس آنکس که سرکشی کرد وزندگانی دنیا را برگزید همانا جایگاهش دوزخ باشد وآنکه از پروردگارش بیمناك شد و نفسش را از خواهش بیجا جلوگیری کرد پس همانا بهشت جای‌اوست اولم نعمّرکم‌مایتذکر فیه من‌تذکر وجائکم النذیر (۲) آیاشمارا‌یکعمر مهلت ندادیم که‌اندرز بگیرید دراین‌مدت از کسی کـه یادآوری کرد و شما را ترساننده آمد و انیبوا الی ربکم واسلموا له من قبل ان یأتیکم العذاب ثم لا تنصرون (۳) وبرگردید بسر پروردگارتان ورام گردید‌خدای‌راپیش ازآنکه عذاب شمارا فراگیرد که بعدهم یاری نخواهیدشد.

توبوا الی‌الله جمیعاً ایهاالمؤمنون لعلکم تفلحون (۴) ایگروه مؤمنان بسوی خدا برگردید باشد تارستگارشوید یاایهاالذین آمنوا توبوا الی‌الله توبة نصوحاً (۵) ایکسانی که ایمان‌آورده‌اید بسوی خدا برگردید برگشتنی بـاخلاص افلا یتوبون الی‌الله و یستغفرونه و الله غفوررحیم (۶) آیا بسوی خدا برنمیگردید که‌ازاو درخواست آمرزش کنید وخدا بسیار آمرزنده ومهربانست.

پس‌از این‌آیات که یادآورشدیم خدابندگانش‌را ازچگونگی وکیفیت روز رستاخیز وزمین لرزه‌های آنروز وخطرهای‌آن‌ترسانده وآنروزرا قیامت نامید برای بندگان که‌بزرگترین نامهاست تااینکه از گرفتاریها ورنجهای طولانی آنروز آنانرا بترساند وآمادهٔ آنروز

---

(۱) نازعات ۴۲. (۲) فاطر ۳۴.
(۳) زمر ۵۵. (۴) نور ۳۲.
(۵) تحریم ۸. (۶) مائده ۷۹.

گردند بوسیلهٔ بهترین زاد و بزرگترین توشه خدای آنروز راواقعه راجفه ، طامّه، صاخّه ، حاقّه، ساعة ، یوم‌النشور ، یوم‌الحسرة ، یوم الندامة ، یوم‌المسئلة ، یوم‌الندم ، یوم‌الفصل ، یوم‌الحق ، یوم‌الحساب ، یوم المحاسبة ، یوم‌التلاق (۱) یوم لاینفع مال‌ولابنون الا من اتی‌الله بقلب سلیم نامیده آنروز که ثروت و فرزند فائده‌ای ندارد مگر آنکس که بیاید خدارا بادل‌پاک .

ویوم ینفخ فی‌الصور ففزع من فی‌السموات والارض‌الا من‌شاءالله

---

(۱) روز قیامت واقعه نامیده شد بواسطه کثرت آنچه که واقع میشود در آنروز از سختیهاوگرفتاریها ، راجفه گویند زیراکه‌رجف بمعنی‌اضطراب است واضطراب مردم در آن روز زیاد است .

طامه گویند زیراکه طامه مصیبت بزرگ‌راگویند وآنروز بزرگ‌ترین مصیبت هاست برای گنه‌کاران .

صاخه گویند زیراکه‌صاخه صیحه وصدای‌سخت‌راگویندرآن روزصداها وصیحه ها از شدت عذاب بلند شود

حاقه‌گویند زیرا بمعنی ملس‌است وملس‌کشاندن را گویندورآن‌روزمردم ازگورستانها بسوی حساب کشیده‌میشوند

یوم‌النشور گویندزیراکه‌درآنروز مردم ازگورستان‌هابرانگیخته‌میشوند

یوم الحسرة گویند زیرا در آنروز مردم حسرت‌فراوان دارند.

یوم الندامة گویند زیرا درآنروزمردم ازکرده های خویش پشیمانند

یوم المسئله‌گویند زیرا آن روز روز سؤال وپرسش است .

یوم الفصل گویند زیرا که در آنروز دشمنی‌ها قطع وجدا میشود.

یوم‌الحق گویند زیرا که حقایق در آنروز آشکار شود .

یوم الحساب گویند زیرا از مردم حساب میخواهند .

یوم التلاق گویند امام فرمود در آنروز اهل زمین و آسمان یکدیگر را ملاقات میکنند .

وكلٌّ اتوه داخرين وترى الجبال تحسبها جامدة وهي تمرّ مرّ السحاب صنع الله الذى اتقن كل شيء انه خبير بما تفعلون (۱) آنروز که دمیده شود در صور سپس هراسان شود هر کس در آسمان و زمین است مگر آنکس را که خدا بخواهد و همه در پیشگاه پروردگار زبون آیند و می‌بینی کوهها را گمان میکنی که ساکن و آرامند آنها مانند ابر بسرعت درحر کتند صنعت واختراع ساختهٔ او همه‌چیز را محکم کرده او آگاه است به آنچه که شما انجام میدهید.

كانهم يوم يرون مايوعدون لم يلبثوا الّا ساعة من نهار بلاغ فهل يهلك الّا القوم الفاسقون (۲) گویا ایشان می‌بینند روزیرا که وعده داده میشود ودرنگ نکرده‌اند مگر اندکی از روز که رسانیدنی است پس جز گروه تبه کار کسی تباه وهلاک نخواهد شد.

واستمع يوم ينادى المناد من مكان قريب يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج (۳) وبشنو روزیرا که نداميكند ندا كننده ازجائی نزدیك که آنروز می‌شنوند صیحه‌وفریاد صور اسرافیل را براستی اینست روز بیرون آمدن از گورستانها.

يوم تمور السماء مورا وتسير الجبال سيرا فويل يومئذ للمكذبين (۴) روزیکه آسمانها موج میزند وکوهها روان میگردد پس وای بر دروغگویان است در آنروز يوم يكشف عن ساق ويدعون الى السجود فلا يستطيعون خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة (۵) روزیکه بزرگ و مشکل شود کار وگنه کاران دعوت بسجود شوند پس قدرت آنرا نداشته

---

(۱) نحل ۸۹.　(۲) زخرف ۳۵.　(۳) ق ۴۱.

(۴) طور ۹.　(۵) ن والقلم ۴۲.

باشند دیدگانشان فروافتد وفرا گیرد ایشانرا خواری‌وپستی.

یوم‌تکون‌السماء کالمهل‌وتکون الجبال کالعهن ولایسئل حمیم حمیماً یبصرونهم یود المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ ببنیه و صاحبته واخیه وفصیلته التی تؤیه ومن‌فی الارض جمیعاً ثم ینجیه (۱) روزیکه آسمان ماننده‌فلز گداخته‌میباشد و کوهها مانند پشم‌پرا کنده باشند ودر آنروز نپرسد دوست وخویشی از حال دوست خود آنانرا بیکدیگر نشان دهند دوست دارد گناه کار اگر ممکن‌شود فدا دهد در چنین روزی فرزند و همسر و برادر و خویشاوندانش را که نگهداری میکرد و هر کس را که دراین‌تودهٔ خاك است تا خویشتن را وارهاند.

یوم ترجف‌الارض والجبال وکانت‌الجبال کثیباً‌مهیلا (۲)روزی که زمین و کوهها بجنبش در آیند و کوهها مانند تپه های ریك پرا کنده باشند.

وکیف تتقون ان کفرتم یوماً یجعل الولدان شیباً‌السماء‌منفطر به‌کان وعده مفعولا (۳) اگر کافرید چگونه می ترسید روزیرا که کودکان را پیرگرداند درآنروز آسمان شکافته‌شود ونیز وعدهٔخدا انجام خواهدشد.

الی ربك یومئذ المساق (۴) درآنروزمردم بسوی پروردگارتو کشیده‌شوند الی‌ربك‌یومئذالمستقر ینبؤالانسان‌یومئذبماقدّم‌واخّر (۵)

---

(۱) معارج ۱۴. (۲) مزمل ۱۴.

(۳) مزمل ۱۷ (۴) قیمة ۱۲.

(۵) قیمة ۱۳.

درآنروز آرامگاه در پیشگاه پروردگارتوست آدمی از کردارخویش ازآنچه پیش فرستاده وبازپس داده آگاهمیشود درآنروز .

هذا یوم لا ینطقون ولا یؤذن لهم فیعتذرون(۱) اینست روزیکه کافران را نیرو وقدرت سخن گفتن نیست بآنان اجازه‌هم داده نمی‌شود تا پوزش طلبند هذا یوم‌الفصل جمعنا کم والأولین فان کان‌لکم کید فکیدون (۲) این است روز داوری ، شما و پیشینیانرا گرد آوریم پس اگر برای شما راه چاره‌ای باشد چاره کنید.

ان یوم‌الفصل کان میقاتاً یوم ینفخ فی الصور فتأتون افواجاً وفتحت السماء فکانت ابواباً وسیرت الجبال فکانت سراباً ان جهنم کانت مرصاداً للطاغین مآباً لابثین فیها احقاباً لایذوقون فیها برداً و لا شراباً الاّ حمیماً وغساقاً یوم یقوم الروح والملائکة صفاًلایتکلمون الاّ من اذن له‌الرحمن‌وقال‌صواباً. ذلك الیوم‌الحق فمن شاء اتخذ الی ربه مآباً انا انذرنا کم عذاباً قریباً یوم ینظرالمرء ماقدمت یداه ویقول الکافر یا لیتنی کنت تراباً (۳).

همانا وعده گاه روزقیامت می باشد آنروزیکه در صور دمیده شود ، پس مردم گروه گروه بیایند ، درآنروز درهای آسمان بازشود پس برای آسمان درها باشد ، کوهها روان‌گردد پس مانند دورنما باشد ، همانا جهنم کمینگاه وجایگاه‌سرکشان باشد ، سالهای‌پی‌درپی درآن درنگ نمایند ، آب گوارا وسرد درآنجا ننوشند مگر آبهای داغ وچرکهای جراحات .

---

(۱) مرسلات ۳۶ . (۲) مرسلات ۳۹ .

(۳) آیات سورهٔ عم .

روزیکه جبرئیل وفرشتگان در صفهای منظم بپاخیزند ، سخن نگویند مگر آنانرا که خدااجازهٔ سخن گفتن دهد آنهم سخن پسندیده اینست روزحق پس هر کس بخواهد درپیشگاه پروردگار رود ، ماشما را ازعذاب نزدیك ترسانديم ، روزیکه مردبنگرد آنچه را که پیش فرستاده و کافر گوید ایکاش دراین روزخاك میبودم .

یوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة ، قلوب یومئذ واجفة ابصارها خاشعة (۱) روزیکه بلرزد زمین يك لرزيدني شگفت انگیز ازپی در آید آن لرزه را نفخهٔ صور ، دلها در آنروز ترسان باشند دیدگان فرورفته باشند یوم یتذکر الانسان ما سعی و برزت الجحیم لمن یری (۲) روزی که آدمی یاد آورد کوششهایش را ، جهنم آشکار شود برای آنکه می بیند .

یوم یکون الناس كالفراش المبثوث و تکون الجبال كالعهن المنفوش،فامامن ثقلت موازینه فهو فی عیشة راضیة و امامن خفت موازینه فامه هاوية (۳) روزیکه مردم مانند پروانه پراکنده شوند و کوهها مانند پشم از هم بپاشند پس آنکه خوبی هایش سنگین تر باشد زندگانی پسندیده دارد و آنکه خوبیهایش سبك تر باشد جایگاهش دوزخ است وتو نمیدانی دوزخ چیست ؟ آتشی بسیار داغ وسوزنده است. یوم نقول لجهنم هل امتلأت وتقول هل من مزید (۴) روزی که بجهنم گوئیم آیا پرشدی؟پاسخ دهد که بیش ازاین هست ؟

---

(۱) نازعات ۶-۹ . (۲) نازعات ۳۴ .

(۳) قارعه . (۴) ق ۳۰ .

ووضع الکتاب فتری المجرمین مشفقین مما فیه و یقولون یا ویلنا مال هذا الکتاب لایغادر صغیرة ولا کبیرة الا احصیها (۱)

و نامهٔ عمل تبه کاران در مقابلشان نهاده می شود پس می بینی آنانرا ترسندگان از چیزهائیکه در آن نامه است و میگویند وای بر ما این چه نامه‌ای است که عمل کوچك و بزرگ من در آن فروگذار نشده .

خدای تعالی تکرار فرموده‌است یادآوری روز رستاخیز را در جاهای بسیاری وسوره‌ای درقرآن کمتر پیدامی‌شود که‌یادی در آن سوره ازآنروز نشده‌باشد بواسطهٔ اینکه این یاد آوری قیامت رساتر باشد درترساندن مردم وپافشاریش بیشتر باشد درواجب بودن حجت برمردم ونیز وسیلهٔ بینائی ومهربانی برآنان باشد از جهت ترساندن وپوزش طلبیدن بسوی آنان ونیز پند واندرزیست مرایشانرا پس دور اندیشی آنروز را کنید و دلهارا برای آنروز مهیا کنید بی خبران نباشید زیرا که خدای‌تعالی میفرماید : افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها (۲) آیاآیات قرآنرااندیشه نمیکنند یاآنکه‌بردلهایشان قفلها است .

پس ای برادر آگاه‌شو به‌وسیلهٔ دوراندیشی وفکر و بینائی و اندرز وعبرت گرفتن زیرا رسول‌اکرم فرموده است : که فتنه ها و آشوبهای تاریك کننده مانند پاره‌های شب بیاید شمارا، عرضکردند ایرسول‌خدا درآن هنگام رهائی مردم ازفتنه‌ها درچیست ؟ فرمود : برشماباد به‌قرآن زیراهر کس قرآنرا رهنمای‌خویش قراردهدقرآن

(۱) کهف ۴۷ . (۲) محمد ۲۶ .

اورا بسوی بهشت برد وهر کس قرآنرا پشت‌سر افکند قرآن اورا بسوی آتش کشاند وقرآن روشن‌تر راهنمائی‌است بسوي راه‌نیك هر که سخن قرآن گوید راست گفته آنکه ازطریق قرآن‌داوری کند دادگراست آنکس که قرآنرا بگیرد پاداش داده خواهدشد و آنکه عمل به‌قرآن کند کامیاب است .

ونیز حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام آنگاه که مؤمنانرا ستایش می‌کرد فرمود : عمل کنندهٔ به‌قرآن اختیارش را به قرآن سپرده وقرآن زمام امر اورا بدست گرفته پس قرآن جلودار و راهنمای اوست‌هر کجا که‌بخواهد بار بگشاید قرآن اورافرودآورد ودرهر کجا که منزل بگیرد جایگاهش‌دهد ونیست برای نیکوئیها پایانی مگر اینکه قرآن اورا بدان رهنمائی میکند ونیست منزلی مگر اینکه اورا بدانجابرد .

ونیز حضرت فرموده‌است که‌قرآن ظاهرش شگفت انگیز و باطنش دریائی ژرف وبی‌پایان از حقایق است شگفتیهای قرآن نابود شدنی نیست ومشکلات و اسرارش بپایان نمیرسد تاریکیها بر طرف نمیشود مگر بواسطهٔ قرآن پس اندیشه کنید وبپرهیزید ازبدی‌ها بسبب فرمان خدای‌تعالی که میفرماید : وانذرهم یوم‌الازفة اذالقلوب لدی‌الحناجر کاظمین‌ما للظالمین من‌حمیم‌ولاشفیع‌یطاع(۱) و بترسان ایشانرا ازروز قیامت هنگامیکه دلها بگلو آید که خشم خویش‌را فروبرند درآنروز برای ستمگران نه دوست وخویشی‌است و نه یارتیی که به‌حرف آنان گوش دهد.

---

(۱) مؤمن ۱۸.

ونیز خدای سبحان فرموده‌است : وانذرهم یوم‌الحسرة اذ قضی الامر وهم فی غفلة و هم لایؤمنون (۱) و بیم ده ایشانرا از روز رستاخیز هنگامیکه کار از کار گذشته باشد و ایشان در خواب غفلت باشند و ایشان ایمان نیاورند ازفةالآزفة لیس لها من دون الله کاشفة(۲)رستاخیز نزدیک‌شد وجزخدا کسی آنروزرا آشکار نمیکند وانذرالناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا ربنا اخّرنا الی اجل‌قریب نجب دعوتك ونتبع‌الرّسل ـ فاجابهم ـ أولم‌تکونوا اقسمتم من‌قبل مالکم من‌زوال وسکنتم فی مساکن‌الذین ظلموا انفسهم وتبین لکم کیف فعلنابهم وضربنا لکم‌الامثال (۳)

وبیم‌ده ایشانرا از روزی که عذاب آید آنانرا پس آنانکه ستم کرده‌اند میگویند پروردگارما یک‌مدتی عذاب‌را بتأخیراندازتا ندای‌ترا پاسخ بدهیم وپیامبرانت‌را اطاعت کنیم درپاسخ آنان گفته شود مگرشما نبودید سوگند یاد کردید که‌ازبرای‌شما زوال‌وفنابودی نیست وجای‌گزین‌شدید در کاخهائیکه ستمگران به‌خودشان ستم کردند وبرشما رفتارما روشن‌بود که باآنان چه کردیم وبرای‌شما داستانها بیان کردیم‌تا عبرت‌بگیرید .

الا یظنّ اولئك انهم مبعوثون لیوم عظیم یوم یقوم الناس لربّ العالمین (۴) آیا اینان گمان نمیکنند برای روزی بزرگ‌برانگیخته می‌شوند روزی که مردم برای فرمان خدا بپاخیزند یوم‌تجد کل نفس ماعملت من خیر محضراً وماعملت من‌سوء تودّلوان بینها وبینه امداً

---

(۱) مریم ۴۰. (۲) نجم ۵۸ .
(۳) ابراهیم ۴۵ (۴) مطففین ۳

بعیداً و یحذّرکم الله نفسه والله رؤف بالعباد (۱)

روزی که می‌یابد هر کسی کرده‌های خوب و بدخویش‌راحاضر دوست‌دارد که بین‌او و کرده‌هایش فاصله‌ای دور باشد وخدا شمارا از خودش می‌ترساند واو نسبت ببندگانش مهربان‌است یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما ارضعت وتضع کل ذات حمل‌حملها وتری‌الناس‌سکاری وماهم بسکاری ولکن عذاب‌الله شدید (۲) روزی که می‌بینی هر شیر - دهنده‌ای ازبچهٔ‌خود غافل‌است ومینهد هرصاحب‌حمل وباری‌بارخویش را ومیبینی مردمان‌رامست درحالی که مست نیستند ولی عذاب خدا سخت است .

یوم یجعل‌الولدان شیباً السماء منفطر به کان وعده مفعولا (۳) روزی که کودکان‌پیرشوند ، آسمان در آن‌روز شکافته‌شودوعدهٔ پروردگار انجام شود ، بندگان خدا بترسید از آن‌روزی که موی کودکان سفید می‌شود مردان مست گردند ، بارداران بار خویش را فرونهند یوم تبیض وجوه وتسوّد وجوه روزی که صورتهائی سپید وصورتهائی سیاه می‌شود.

یومئذ اشتاتاً لیروا اعمالهم فمن یعمل‌مثقال ذرة خیراًیره و من یعمل مثقال ذرة شرّاً یره (۴) روزی که مردم پرا کنده برگردند تا پاداش کارهای خویش‌را ببینند پس‌هر کس باندازهٔ ذره‌ای عمل خوب داشته باشد پاداش آن‌را می‌بیند واگرهم باندازهٔ ذره‌ای عمل‌بد داشته است کیفر ومجازاتش‌را میبیند .

---

(۱) آل عمران ۲۸ . (۲) حج ۲ .
(۳) مزمل ۱۸ . (۴) زلزال ۶ .

یوم لایغنی مولی عن مولی شیئاولاهم ینصرون (۱) روزی که بی‌نیاز نمیکند دوستی دوست‌خویش‌را ونیز ایشان یاری نخواهند شد یوم یفر المرء من‌اخیه وامه وابیه‌وصاحبته‌وبنیه‌لکل‌امرء منهم یومئذ شان یغنیه (۲) روزی که مرد از برادر و پدر ، مادر ، همسر و فرزندانش فرار کند برای هر کسی در آن‌روز کاری‌است که او را سرگرم دارد .

یوم تأتی کل‌نفس تجادل عن نفسها وتوفی کل‌نفس ماعملت‌وهم لایظلمون (۳) روزی که بیاید هر نفسی‌باخود بجنگد وپاداش‌داده‌شود هر نفسی آنچه‌را که‌انجام‌داده وایشان ستم کرده نمیشوند ، یوم ینظر المرء ماقدمت یداه ویقول الکافر یالیتنی کنت تراباً (۴) روزی که بنگرد مرد عملهائی را که دستهایش پیش فرستاده ومیگوید کافر: ای کاش من دراین روزخاك بودم .

یوم لاینفع الظالمین معذرتهم ولهم اللعنة و لهم سوء الدار (۵) روزی که سود نمیدهد ستمگران‌را پوزش آنان‌ومر ایشانراست‌نفرین وجایگاه ایشان دوزخ‌است وجییء یومئذ بجهنم یومئذیتذکر الانسان وانی له‌الذکری‌یقول یالیتنی قدمت‌لحیوتی‌فیومئذ لایعذب‌عذابه‌احدولا یوثق وثاقه احد (۶) وجهنم درچنین روزی آورده‌شود دراین‌روز پند واندرز گیرد انسان ولی کجا پند برای‌او درآن‌روز فائده‌دهدآنروز انسان میگوید ای کاش من چیزی برای زندگی خویش پیشتر از

---

(۱) دخان ۴۱ . (۲) عبس ۳۴ .
(۳) نحل ۱۱۳ . (۴) عم ۴۱ .
(۵) مؤمن۵۵ . (۶) فجر ۲۴ .

خود میفرستادم، دراین روز هیچ کس مانند او عذاب نشود و هیچ کس مانند او گرفتار بند نگردد.

یوم تبدّل الارض غیر الارض والسموات وبرزوا لله الواحد القهار (۱) روزی که زمین بزمین دیگر دگرگون شود وآسمانها نیز تغییر کنند ودر پیشگاه خدای یکتا غالب وپیروز آشکار شوند.

ویوم نسیر الجبال وتری الارض بارزة وحشرناهم فلم نغادر منهم احداً وعرضوا علی ربك صفا لقد جئتمونا کما خلقناکم اول مرة بل زعمتم الّن نجعل لکم موعداً (۲) وروزی که روان گردانیم کوهها را وببینی زمین را آشکار وبرانگیزانیم ایشان را پس یکنفر از آنان را درقبر وانگذاریم ودر پیشگاه پروردگارت درصفی منظم عرضه داده شوند، وبآنان گفته شود همانطور که شما را آفریدیم بار اول بباز بسوی ما آمدید بلکه ادعا کردید که برای شما هرگز وعده‌گاهی قرار ندادیم.

وترکتم ما خولناکم وراء ظهورکم وما نری معکم شفعائکم الذین زعمتم انهم فیکم شرکاء لقد تقطع بینکم وضلّ عنکم ما کنتم تزعمون (۳) و واگذاشتید پشت سرتان آنچه را که مالك بودید و شفیعان شمارا آنان که گمان کردید که ایشان باشما شریکند باشما نمی‌بینیم درحقیقت جدائی افتادبین شما وایشان وگم‌شد آنچه را که از خود گمان میکردید.

یوم نطوی السماء کطیّ السجل للکتب (۴) روزی که آسمانها را

(۱) ابراهیم ۴۹. (۲) کهف ۴۵.

(۳) انعام ۹۵. (۴) انبیا ۱۰۴.

مانند طومار درهم بپیچیم یوم تشهد علیهم السنتهم وایدیهم وارجلهم بما کانوا یعملون (۱) روزی که بر ایشان گواهی دهد زبانها ، دست‌ها و پاهایشان آنچه را که انجام میدهند و یخافون یوماً کان شره مستطیراً (۲) ومی ترسند روزی‌را که بدی آن‌روز نوشته شده .

ونضع الموازین القسط لیوم القیمة فلاتظلم نفس شیئاً وان کان مثقال حبة من خردل اتینا بها وکفی بنا حاسبین (۳) ومینهیم ترازوهای عدل وداد گری را برای روزقیامت که هیچ نفسی ستم کرده نمیشود چیزی‌را واگر عمل باندازهٔ دانهٔ خردلي باشد آن‌را خواهیم آورد و همین اندازه در حسابگری ما کافی‌است یابنی ان تك مثقال حبة من خردل فتکن فی صخرة او فی السموات او فی الارض یأت بها الله ان الله لطیف خبیر (۴) ای پسرك من اگرعمل انسان باندازهٔ وزن دانهٔ گیاه خردل بر زیر سنگی باشد یا درآسمانها یادرزمین‌ها خدا آن‌عمل‌را می‌آورد همانا خدا باریك بین وآگاه‌است .

وخداوند مطلب‌را بوسیلهٔ سوگند بذات مقدسش تأکید کرده و فرموده فو ربك لنسئلنهم اجمعین عما کانوا یعملون (۵) پس سوگند بپروردگارت که از تمام ایشان بازجوئی خواهیم کرد از کردارشان .

فلنسئلن الذین ارسل الیهم ولنسئلن المرسلین فلنقصن علیهم بعلم وما کنا غائبین (۶) البته‌خواهیم پرسید از آنانکه‌پیامبربسوی ـ

---

(۱) نور ۲۴ (۲) دهر ۷ .
(۳) انبیاء ۴۶ . (۴) لقمان ۱۶ .
(۵) حجر ۹۲ . (۶) اعراف ۶ .

شان فرستاده‌شده ونیز ازپیامبران آنان پرسش خواهیم کرد داستان آنان‌را برایشان بوسیلهٔ‌علم بازگو کنیم و نیز ما پنهان نه‌خواهیم بود ونکتب ماقدموا وآثارهم وکل‌شیء احصیناه فی امام مبین، می‌نویسیم آنچه‌را که پیش فرستادند واثرهای ایشان را و تمام چیزها را برای پیشوای روشن وآشکارا شمردیم وحسابش بدست اوست.

یوم یبعثهم‌الله جمیعاً فینبئهم بماعملوا احصاه‌الله ونسوه والله‌علی کل شیء شهید (۱) روزی که‌تمام ایشانرا خدا بر انگیزاند سپس خبردهد آنانرا بکردارشان که‌خدا ضبط کرده ولی‌خودآنان‌فراموش کرده‌اند وخداوند برتمام چیزها شاهد وناظراست یوم‌یعض الظالم‌علی یدیه ویقول یالیتنی اتخذت مع‌الرسول‌سبیلا (۲)

روزی که ستمگر دودستش رابدندان میگزد، میگویدایکاش راهی‌بارسول فراگرفته بودم سپس خدای سبحان‌ازرحمت خود نا امید نمیکندآنکس‌را که‌درحق‌خودبدی‌وستم کرده‌واوراوعده‌ی‌پذیرش‌وقبولی توبه‌ودوستی برآن‌داده‌است‌هرگاه‌توبه کندوبرگرددپس‌فرموده است: ومن‌یعمل‌سوءاًاو یظلم‌نفسه ثم‌یستغفرالله یجدالله‌غفوراًرحیماً(۳) وهرکس بدی‌یاستم کند خودش‌رابعدازخداطلب آمرزش کند وخدا را می‌یابد بسیار آمرزنده و مهربان کتب ربکم علی‌نفسه‌الرحمة‌انه من‌عمل‌منکم سوءاًبجهالة‌ثم تاب واصلح فانه غفوررحیم (۴)پروردگارشما رحمت را برخودش‌واجب فرموده است همانا هرکس از شما عمل‌ناشایسته‌ای‌از

---

(۱)مجادله ۷ . (۲) فرقان ۲۹ .

(۳) نساء۱۱۱ . (۴) انعام ۵۴ .

روی نادانی انجام‌دهد بعد توبه‌نماید وخویشرا آراسته کند پس همانا خدا آمرزنده و مهربانست والذین اذافعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذکروا اللّٰه فاستغفروا لذنوبهم ومن یغفر الذنوب الا اللّٰه ولم یصروا علی مافعلوا وهم یعلمون (۱)

آنانکه‌هرگاه کردار ناشایسته‌ای‌انجام‌دهند یا برخودستم کنند خدارا بیادآورند سپس برای گناهان خود طلب آمرزش کنند مگر غیر ازخدا آمرزنده‌ای‌هست ؟ و کوشش‌هم بر کردار بدشان ندارند و خود ایشان هم میدانند

ولوانهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا اللّٰه واستغفر لهم الرسول لوجدوا اللّٰه توابا رحیماً(۲) واگر ایشان‌هنگامی که خویشتن را ستم کنند وبه پیشگاه توبیایند وطلب آمرزش کنندازخدا رسول‌هم‌برای ایشان طلب آمرزش کندخدارامی یابندتوبه‌پذیرومهربان‌خدای‌سبحان بندگانش رابه‌لطیف‌ترین کلام‌وامیدوارترین امید ها خوانده وخویش بدلهای آنان نزدیك کرده ازنظر لطف ومرحمت از خودش و وادار کردن آنانرا که میل بسوی او کنند سپس فرموده است :قل یاعبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لاتقنطوا من رحمة اللّٰه ان اللّٰه یغفر الذنوب جمیعاً انه‌هو الغفورالرحیم(۳) بگو ای بندگان من که زیاد روی در گناه کرده‌اید ازرحمت پروردگار ناامید نشوید همانا خدا تمام گناهان رامی آمرزدهمانا او آمرزنده و مهربانست

ان اللّٰه لایغفر ان یشرك به ویغفر مادون ذلك لمن یشاء(۴) همانا خدا

---

(۱) آل عمران ۱۲۹ (۲) نساء ۶۶.

(۳) زمر ۵۴. (۴) نساء ۵۰.

نمی آمرزد که شرك آورده شود باو ولی گناه پائین تر از شرك را می آمرزد برای هر کس که بخواهد ، وسارعوا الی مغفرة من ربکم وجنة عرضها السموات والارض(۱) وبشتابید بسوی آمرزش از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش باندازه آسمانها و زمین است ونیز خدا فرموده است : ادعونی استجب لکم(۲) بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را پس بندگان خویش را وعده ی اجابت داده

ونیز در کتاب خویش آنانرا که فرمانبردارند وسرعت کننده ی بسوی نیکیهایند ستایش فرموده تا تحریص کند بندگارا در عمل کردن به خوبیها همچنانکه آنانرا از کارهای بد ترسانده تا مردم از آن بدیها دوری کنند سپس فرموده : ومن یتق الله یجعل له مخرجاً ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدراً (۳)

وهر کس ازخدا بپرهیزد خداهم برای او جایگاه بیرون آمدن از ناراحتیها قرار میدهد وروزی رساند اورا ازجائیکه گمان ندارد و هر کس بر خدا توکل کند پس آن توکل او را کفایت نماید همانا خدا رساننده است کار او را خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده .

وقال ومن یتق الله یجعل له من امره یسراً (۴) وهر کس از خدا بپرهیزد خدا کارش را برای او آسان میکند ومن یتق الله یکفر عنه سیآته ویعظم له اجراً (۵) وهر کس ازخدا بپرهیزد خدا بدیهایش را

(۱) آل عمران ۱۳۳٠ (۲) مؤمن ۶۲٠
(۳) طلاق ۲، (۴) طلاق ۴٠ (۵)طلاق ۴.

بپوشاند وپاداش بزرگ باو بخشد. الذین آمنوا و کانوا یتقون لهم البشری فی الحیوة الدنیا وفی الاخرة لاتبدیل لکلمات الله ذلك هو الفوز العظیم(۱)

آنانکه ایمان آوردند وبودند که پرهیزکاری میکردند مر- ایشانراست مژده درزندگی دنیا وآخرت تغییری در سخنان خدانیست اینست همان کامیابی بزرگ قل بفضل الله وبرحمته فبذلك فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون (۲) بگو بفضل و کرم خدا ورحمت او پس بهمان بایدشاد شوند که آن بهتراست ازآنچه گرد میآورند.

یا عباد لاخوف علیکم الیوم ولاانتم تحزنون الذین آمنوا بآیاتنا و کانوا مسلمین ادخلوا الجنة انتم وازواجکم تحبرون (۳) ای بندگان من امروز برشما بیمی نیست و نه هم اندوهگین می شوید آنانکه بآیات ما ایمان آوردند ورام بودند وارد بهشت شوید شما و همسرانتان باسرور وشادمانی.

وازلفت الجنة للمتقین غیر بعید هذا ماتوعدون لکل اواب حفیظ من خشی الرحمن بالغیب و جاء بقلب منیب (۴) و بهشت برای پرهیزکاران دورنیست ونزدیك میشود این همان است که وعده داده شدید برای هربازگشت کننده‌ای نگهداری است آنکه در پنهانی از خدای بخشندهٔ مهربان بترسد وبا قلبی تائب بیاید.

پس خدا ناامید نکرده است هیچکس را از کرم و رحمتش بخشش ورحمت خودرا گسترش داده وبندگانش را وعدهٔ بهشت وجهنم داده تااینکه بنده درمیان دوصفت ترس وامیدواری قرار گیرد همان طور

---

(۱) یونس ۶۳ . (۲) یونس ۵۷ .
(۳) زخرف ۶۸ . (۴) ق ۳۰

که روایت‌شده همانا اگر امیدواری وترس بنده‌را از خدا ، بسنجند هیچکدام ازاینددوصفت بردیگری نچربد وهرگاه ترس‌وبیم سنگین‌تر شد اورا بسوی سلامتی میکشاند .

زیرا که‌خدای‌تعالی‌درپاره‌ای‌از کتابهای‌آسمانی که فروفرستاده فرموده : سوگند بعزت وجلالم که گردنیاورم بندهٔ مؤمن‌را میان‌دو ترس و دوایمنی هرگاه در دنیا از من بهراسد در آخرت ایمن باشد واگر در دنیا از من درامان‌باشد روزرستاخیز اورا بیم‌وترس دهم ودلیل براین‌مطالب درقرآن بسیاراست پاره‌ای از آن سخن خدای‌تعالی‌است که‌فرموده : لمن‌خاف مقامي وخاف‌وعيد (۱) ازبرای کسی‌است که در پیشگاه‌من ترسیده ونیز از وعدهٔعذاب من بیمناك است .

واما‌من‌خاف مقام‌ربه ونهی النفس‌عن‌الهوی‌فان‌الجنة‌هي المأوی(۲) واما آنکس که بیمناك است درپیشگاه پروردگارش و نگه‌داشت نفس را از خواهش پس همانا بهشت جایگاه‌اوست و لمن خاف مقام ربه جنتان (۳) وبرای کسیکه درپیشگاه پروردگارش بترسددوبهشت‌است انما يخشى‌الله من‌عباده‌العلماء (۴) جز این نیست بیمنا کند خدا را بندگان‌دانشمند .

واقبل بعضهم علي‌بعض يتسائلون قالوا انا كنا قبل في اهلنا مشفقين فمن الله علينا ووقينا عذاب السموم (۵) و اهل بهشت بسلامتی گروهی بگروه دیگر رو آورند و از یکدیگر بپرسند و جواب و

---

(۱) ابراهیم ۱۷ . (۲) نازعات ۴۰

(۳)الرحمن۴۶ (۴) فاطر ۲۵ .

(۵)طور ۲۵

سؤال کنند گویند همانا بودیم ما پیش ازاین در میان فامیل‌مان خداترسان‌پس خدا بر ما منت نهاد و ما را نگهداشت از عذابی که آتشزا است .

قال رجلان من الذین یخافون انعم الله علیهما ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون (۱) گفتند دومرد ازآنانکه خداترس بودند که خدا بآن دو نعمت بخشیده بود که واردشوید برایشان‌از آندرپس هرگاه ازآن در واردشهر شدید همانا شما پیروزشوندگانید خداوند باین‌بیان ایشانرا مت[illegible] ‌ود‌ه است ویدعوننا رغباً ورهباً وکانوا لنا خاشعین (۲) وماراخواندند باحال بیم‌وامیدواری‌وپوزش گرنش‌میکردند

ونیزخدا ازقول هابیل‌وقابیل بیان‌میکند انی اخاف الله رب العالمین همانامیترسم ازخدا ئیکه پروردگار جهانیان است ونیزفرموده است : فاتقون یااولی الالباب (۳) بپرهیزید مرا ایخردمندان

وآیات دراین‌زمینه فراوانست اندرز میگیرد و اندیشه میکند دراین‌آیات آنکس که‌خدااورااستعدادتمندقرارداده بواسطه‌ی یادآوری‌ها وبیدارش کرده بوسیله‌بینائی‌ها ونیز اورا گرفتار آرزوها نکرده‌پس همانا گروهی از مردم رامغرور کرده آنانرا آرزوهای‌آمرزش و بخشش خدابه همین جهت از دنیا بیرون شدید بدون توشه وزادیکه آنانرا بمقصد برساند وبدون عملی که‌آنانرافائده‌ای‌بخشد پس‌تجارت آنان زیان آورده‌است وسودایشان‌نیکونباشدوخدابر ایشان کرداری راکه بحساب نمی‌آوردند آشکار کند

---

(۱) مائده ۲۴ . (۲) انبیاء ۹۰ .

(۳) بقره ۱۹۳ .

از خدا توفیق و کامیابی راخواهانیم که ما را بدینوسیله یاری کند ازنا خود آگاهی ورهنمائی بسوی راه‌راست کند

چنین گوید بنده‌ی نیازمند برحمت و بهشت پروردگارش (ابو محمد حسن فرزند ابی الحسن فرزند محمد دیلمی) گرد آورندهٔ این آیات که همانا آغاز کردم کتاب را به اندرزهای قرآن زیرا که بهترین یاد آورنده و رساترین اندرزهاست وپس ازآن شروع کنم به سخنی از فرمایشات سید ومولایمان رسول خدا صلی الله علیه و آله آنکه تایید شود مرموز آسمانی و ارشادبعصمت شده آنهم سخنی کوتاه و پرمعنی ورسا که به‌هیچ فردی این چنین سخنی جزازبیان آنسرور نرسیده چنانکه خودش فرمود: اوتیت جوامع الکلم بمن تمام دستورات وسخنان عطاشده

مسلم راست گفته است رسول خدازیرا آنگاه که بنده اندیشه‌ای درفرمایش آنسرور کند که فرمود: اکثروامن ذکرهادم اللذات فراوان بخاطر آورید درهم شکننده‌ی خوشی هارا (یعنی بسیار بیاد مرگ باشید) میداند که بااین بیان کوتاه چقدر پند و اندرز و چه یادآوریهای رسا آورده بر این مطلب بیان خدای تعالی دلالت میکند آنگاه که باابراهیم خلیل ونسل او منت میگذارد و میفرماید: انا اخلصناهم بخالصة ذکری الدار (۱) همانا ایشانرا پاکیزه گردانیدیم برای یادآوری سرای آخرت.

ونیز آنحضرت فرمود: وایاك وماتعتذرمنه کاری انجام ندهی که ازآن پوزش طلبی مسلم دراین عبارت کوتاه رسول اکرم تمام آداب وروشهای زندگانی دنیاجا گزین است ونیز در بیان آنحضرت است که فرمود: واگذار آنچه را که ترا بشك وتردیدمی افکند و بردبسوی

---

(۱) ص ۴۶.

آنچه که‌تردیدی‌در آن نیست بواسطه‌ی جلوگیری‌ازشبهات

ونیز فرموده‌است : که کارهاسه‌قسم است(۱) کاریکه روشن‌است هدایتش‌پس‌از آن کارپیروی کنید (۲) کاریکه بدی‌آن‌آشکاراست پس‌بپرهیزید از آن (۳) کاریکه برای شماخوبی‌وبدیش واضح‌نباشد آنرابسوی خدابرگردانیدونیز فرمود : ایاك ومایسوء‌الادب بپرهیزید ازآنچه‌ادب وتربیت‌انسانرابد میکند.

حضرت بـااین‌حدیث حق‌مطلب‌را بطور کامل ازنظر مکروهات وبدیها ادا فرموده‌است ودر بیانات‌آنحضرت قسمتی‌از اندرزها وآنچه که مانع ازبدیها میشود سخنانی‌است که‌رساتراست ازسخنان‌مردمان ومن که گردآورندهٔ این کتاب‌هستم اگرخدابخواهد ومیسرشودآنهارا بیان‌میکنم‌باانداختن سلسلهٔ‌سندهای‌احادیث‌زیرا که همهٔ‌اینهاسندشان در کتابها مشهوراست وبعداز سخنان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گفتار فرزندان و اهل‌بیت پاکش را بیان میکنم وپس‌ازگفتار اهل‌بیت سخنان پیروان شایستهٔ آنانرا نقل میکنم.

انس بن‌مالك‌گفت مردی خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد سپس عرض کرد یارسول‌الله بشما ازقلب سخت‌خود شکایت میکنم حضرت فرمود بگورستان مردگان برو وبرای روزیکه برانگیخته از قبر می‌شوی پند وعبرت بگیر ونیز فرمود : مریضان‌را عیادت ودیدن کنید وتشییع جنازه‌ها بنمائید که‌روز قیامت را بیاد وخاطر شماآوردوهمانا خدای تعالی پافشاری دراندرزها فرموده و نیز رسول‌خداهم تحریص وترغیب بپند واندرز کرده‌است.

سپس خداوند فرموده : ادع الی سبیل ربك بالحکمة و الموعظة الحسنة(۱) دعوت کن مردم را براه پروردگارت بوسیلهٔ برهان و اندرزهای نیکو ونیز فرموده است : وعظهم وقل لهم في انفسهم قولا بليغاً(۲) واندرز دهایشانرا وبگو ازبرای ایشان درنفسهایشان گفتاری رسا ونیزمیفرماید وذکرفان الذکری تنفع المؤمنین(۳) وپند بده پس همانا پند دادن مؤمنان را فایده بخشد وذکرهم بایام الله (۴) و پند ده ایشانرا بروزهای خدا یعنی روز قیامت و روز مردن و روز بازجوئی درقبر و روزیکه ازقبر برانگیخته شوند .

واز سلامتی این روزها که عیسی بن مریم ازخدای تعالی بگفتهٔ خودش پرسیده والسلام علي يوم ولدت ويوم اموت ويوم ابعث حياً (۵) ودرود برمن روزیکه بدنیا آمدم وروزیکه بمیرم و روزیکه سر از قبر برآرم وزنده شوم .

بیان عیسی بن مریم «يوم ولدت» که دراین گفتار اقسام سپاسگزاری برای سلامتیش از آن نعمت میباشد دلالت می کند بر سختی رنج آنروزها مصنف این کتاب « رحمة الله علیه » گوید که این کتاب را پنجاه وچهار باب ترتیب دادم .

باب اول در پاداش پند و اندرز

پیغمبر فرمود : بهترین ارمغانیکه مسلمان ببرادر مسلمانش میدهد پند واندرزیست که هدایت اورا زیاد وازهلاکت اورا نگهدارد

---

(۱) نحل ۲۶ . (۲) نساء ۶۶ .
(۳)ذاریات ۵۵ . (۴) ابراهیم ۵
(۵)مریم ۳۴

ونیز فرمود : بهترین بخشش وارمغان پند واندرز است خدای تعالی بحضرت موسی وحی فرستاد که نیکی را بیاموز وبدیگران هم تعلیم ده که من آموزنده ویاد گیرنده را روشن ونورانی کنم گورآنها را بطوریکه از تاریکی قبر نهراسند.

وروایت شده که در محضر نبی اکرم از دومردیکه یکی از آنان نماز واجبش را بجامیآورد سپس می نشیند خوبی ونیکی را بمردم آموزد امامرد دیگر روزها را روزه‌دار است وشبها شب زنده‌دار فرمود : برتری اولی بر دومی مانند برتری من است بر مردم وخدای تعالی ستایش کرده است اسماعیل را بفرمایش خود که میفرماید : انه کان صادق الوعد و کان رسولا نبیاً و کان یا مراهله بالصلوة و الزکوة و کان عند ربه مرضیاً (۱)

همانا اسماعیل در وعدهٔ خویش ثابت واستوار بود او هم رسول و هم نبی بود، کسانش را فرمان نماز و زکات میداد و در پیشگاه پروردگارش پسندیده بود.

وحضرت فرموده است که بهترین انفاق مؤمن در پیشگاه پروردگار پندیست که بدان پند اندرز میدهد مردم پراکنده وگمراه را وخداهم مسلم به آن پند نفع میدهد ایشان را واین موعظه بالاتر از عبادت وبندگی یکسال است.

پس گوش فراده ای خردمند پند واندرز را و از یاد خدا غافل مشو واعراض و دوری مکن بر هوای نفس پیروز شو و با نفس پیکار کن وآسوده خاطر باش زیرا که خدا گوش برای تو قرار داده تا بوسیلهٔ

---

(۱) مریم ۵۵ .

آن حکمت واندرز بشنوی وچشم برای عبرت گرفتن است از آفریده های آسمانها وزمین واز آنچه که ما بین آسمان وزمین است از آفریدگان وزبان برای سپاسگزاری نعمت وستایش پروردگار وخواندن قرآنست ودل برای اندیشه کردنست خودرا سرگرم آخرت و کارهای مربوط بدان سرای کن تمام همت را بکارهای آخرت گمار زیرا آنچه که از دنیا بهرهٔ تو باشد بدون فکر واندیشهٔ در آن بتو خواهد رسید .

همانا امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرموده : گروهی ازمردم که ازهمه بیشتر نماز خواندند وروزه گرفته‌اند بسوی بهشت عدن سبقت و پیشی گیرند هنگامیکه بدر بهشت رسند آنان‌را بر گردانندو مانع ازورود در بهشت شوند .

سپس گفته می‌شود چرا آنان‌را باید برگردانند مگر در دنیا نماز نخواندند وروزه نگرفتند وطواف خانهٔ خدا نکردندتا گاه صدائی ازطرف خدای تعالی بلندشود وبگوید درست است که اینان از همه بیشتر نماز خواندند و روزه گرفتند وحج وعمره بجای آوردند ولی ایشان از پند واندرزهای قرآن واز خدا غافل بودند بدین سبب آنان‌را بر گرداندند .

سالم ازپدرش او ازرسول‌خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل‌میکند که آن‌حضرت فرمود : بهترین ودوسترین مؤمنین در پیشگاه‌خدا کسی است که نفس خویش‌را درطاعت‌خدا قراردهدوامت پیغمبرش‌را پند واندرز دهد ودر عیبهای خویش اندیشه کند و آنهارا اصلاح کند وبداند و عمل کند و بیاموزد .

ونیزانس گفت که رسول‌خدا فرموده : آیا شمارا بسخاوتمندترین

مردم آگاه نکنم عرض کردند چرا یا رسول الله فرمود: سخاوتمندترین مردم خداست و من سخی‌ترین فرزندان آدمم و سخاوتمندترین مردم بعد از من مردیست که بعد از من دانشی بیاموزد و آن دانش را نشر دهد و پراکنده کند روز قیامت آن مرد از قبر برانگیخته میشود درصورتیکه درحکم یک امت وجمعیت است از نظر بزرگی و نیز مردیکه در راه خدا جانبازی وفداکاری کند تا کشته شود.

واز آن حضرت روایت شده که فرمود: هر کس دانشی را بکسی بیاموزد برای آموزنده پاداش آنکس است که عمل بدانش خود کرده تاروز قیامت و نیز رسول خدا فرمود: هرگاه مرد بمیرد عملش تمام می‌شود وارتباطش بادنیا قطع می‌شود مگر سه عمل که قطع شدنی نیست ۱- صدقهٔ جاریه (بناهای خیریه که ساخته است) ۲- علم ودانشی که مردم از آن بهره ببرند (کتابهای علمی که بعد از او باقی بماند) ۳- فرزند صالح و شایسته ایکه بعد از او بماند و برای پدر طلب آمرزش کند.

حضرت عیسی فرموده است که هر کس عمل بعلمش کند درجهان ملکوت وآسمانها بزرگ شمرده می‌شود.

وروایت شده که مردی را روز قیامت بیاورند سپس کردارش را در میزان بگذارند پس از آن چیزی مانند ابر بیاورند ودر آن میزان بگذارند بعد باو گویند میدانی این که مانند ابر است چیست؟ میگوید نه!! گویند این همان علم ودانشی است که به مردم آموختی پس از درگذشت تو بآن علم عمل کردند.

، نبی اکرم فرمود : دنیا ملعون و نفرین شده‌است و نفرین شده هر کس که دراین‌دنیاست مگر دانشمند و دانش جو یا آنان که بیاد خدایند . و روایت‌شده در کلام خدای تعالی ان ابراهیم کان امة قانتاًلله حنیفاً ولم یك من المشرکین (۱) همانا ابراهیم پیشوائی‌حق‌گرای وفرمانبردار خدا بود هیچگاه از مشرکان نبود ، همانا او نیکوئیها را می‌آموخت ، و گفته‌شده که پند واندرز نگاهدارندهٔ از خطا وایمنی از ناراحتی وروشنی برای‌دلهاست ازتاریکی .

وحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌است: زاهدان دردنیا گروهی می‌باشند که پند داده می‌شوند وپند میگیرند و ترسانده می‌شوند ومیترسند دانشمند می‌شوند وعمل‌بدانش خویش میکنندا‌گردرآسایش وراحتی قرار گیرند سپاسگزاری کنند واگر درتنگنای سختی قرار گیرند شکیبائی کنند .

عرضکردند ای‌جانشین رسول خدا ما امر به‌معروف نمی کنیم تاخودمان عمل بآن کنیم ونهی ازمنکر نمیکنیم‌تاتمام آن‌را ترك‌نکنیم حضرت فرمود : نه ، بلکه شما امر به‌معروف کنید اگرچه بتمام گفته‌های خود عمل نمی کنید ونهی‌ازمنکر کنید اگر چه تمام آنچه را که نهی میکنید عمل نمی کنید و فرمود : بدترین‌مردم روزقیامت ازنظر مجازات کسی است دانشی بیاموزد ولی‌بهره‌ای‌از آن نبرد .

ونیز فرمود : بیاموزید هرچه می خواهید همانا شما بهره‌ای نمی‌برید مگر اینکه عمل بعلمتان کنید بواسطهٔ اینکه همت علماء عمل‌است وهمت سفیهان یادگرفتن ونیز حضرت رسول فرمود : همانا

---

(۱) نحل ۲۱ .

خدا بیکی از پیامبرانش وحی فرستاد در قسمتی از وحیش که بگو آنانرا که‌علم فقه را برای غیر دین می‌آموزند وداناش‌را برای غیراز عمل می‌آموزند دنیا را بوسیلهٔ عمل آخرت طلب میکنند (صورت حق‌بجانب دینی برای دنیا می‌گیرند) لباس میش‌دارند اما دلهایشان دل گرگان است زبانهایشان شیرین‌تر ازعسل‌است وکردارشان تلخ‌تر از صبراست مرا فریب میدهند، وبمن مغرور می شوند، بدین من استهزاء ومسخره میکنند ورحم نمیکند مرایشانرا آشوبیکه‌داناپانرا سرگردان میگذارد.

وحضرت‌فرموده: مثل کسی که‌می‌آموزد وعمل بعلمش نمیکند مانند چراغی‌است که خودش را میسوزد ودیگری را نور می‌دهد، ودانشمند کسی‌است که از دنیا می‌هراسد میلی هم بدنیا ندارد زیرا که دانش او رهنمائی میکند که دنیا زهریست هلاك وتباه کننده‌پس اورا وادار میکند که از هلاکت و نابودی فرار کند پس هرگاه عالم میل بدنیا کرد مردم می فهمند که او در گفتهٔ خود کاذب و دروغگو است.

ونیز نبی‌اکرم فرموده است: همانا برای‌خدا بندگان خاصی از آفریده‌هایش هست که‌جای میدهد ایشانرا دردرجات بلندبهشت زیراکه آنان خردمندترین مردم دنیا می‌باشند گفته‌شد ای‌رسول‌خدا چطور خردمندترین مردم دنیا می‌باشند حضرت فرمود: همت وهدف ایشان رفتن بسوی خداست درآنچه که رضا وخوشنودی خدادرآنست بنابراین دنیا درنظرشان پست می‌شود ومیلی در زیادیهای‌دنیانمیکنند اندکی صبر کردند نتیجه‌اش آسایش طولانی و دراز است

و فرمود برای هرچیزی گنجینه ایست و گنجینهٔ پرهیزکاری دلهای عارفان است .

ونیز فرمود : که روز قیامت بنده قدم ازقدم برندارد مگر اینکه از پنج خصلت ازاو بپرسند وسؤال کنند ۱- ازعمرش می‌پرسند که در چه راهی مصرف کرده ۲- ازجوانی او پرسند که درچه چیز کهنه کرده ۳- و ۴- از دارائی وثروتش که ازکجا آورده و در کجا خرج کرده ۵- ازعلم ودانشش پرسند که چه عملی کردی از آنچه دانستی

و حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرموده : همانا مردم طلب علم ودانش را ترک کردند بواسطهٔ آنچه که از دانشمند بی‌عمل دیدند .

وحضرت رسول فرمود : دانشیکه بهره‌ای از آن برده نشود مانند گنجی‌است که‌انفاق نمی‌شود ، ونیزفرموده است : دانش دوقسم است ۱- دانش بزبان که‌آن حجت است برصاحبش ۲- وعلم‌ودانش بدل که‌آن بهره‌دهنده است برای کسیکه عمل به‌آن کند وایمان به‌آرزو ممکن نیست ولی ایمان آن‌است که دردل جایگزین باشد و اعضا و جوارح به‌آن عمل کنند .

وبرنگین‌انگشتر حضرت حسین بن‌علي عليه‌السلام این جمله نقش بسته که هرگاه دانستی عمل کن وگروهی گفته اند که اولین‌مرحله علم سکوت کردن است بعد ازآن شنیدن سپس نگه‌داری بعد عمل بآن علم بعد ازآن پراکندن ونشردادن‌است وگفته شده‌است دربیان خدای تعالی : ونبذوه وراء ظهورهم (۱) دانش‌راپشت‌سرشان‌افکندندفرمود : عمل به‌علم وانتشارآن راواگذاشتند

---

(۱) آل عمران ۱۸۳ .

وفرمود : مثل آنچه که من بآن برانگیخته شدم از ارشاد و رحمت مانند بارانی است که بزمین میریزد قسمتی از آن زمین گیاه تازه میروید وقسمتی از آن زمینها گودیهای مستطیل است که آب رانگاه میدارد سپس مردم فایده می برند و آب میخورند و بدیگرانهم می آشامانند وزراعتهای خویش راآب می دهند وقسمتی از آن زمینهاشوره زار است و آب را فرو میبرد و زراعتی از آن نروید مانند همین زمینها است دلهای دانایان که بعلم خود عمل میکنند و دلهای دانایانیکه بدانائی خویش عمل نمیکنند .

و حضرت رسول اکرم فرموده : مرد مسلمان نخواهد بود تا زمانیکه مردم از زبان ودستش درامان باشند و نیز مؤمن نمیباشد کسیکه برادرش از ستم او درامان نباشد وهمسایه اش ازشر او ایمن نباشد ودانشمند نیست عالمیکه بعلم خویش عمل نکند وپرهیزکار نیست عابدیکه دارای ورع نباشد ودارای ورع نباشد تااینکه بپرهیزد درآنچه که در دست مردم است .

مؤلف گوید ایبرادر سکوت خویشرا طولانی کن وفکر واندیشه رازیاد کن وعمل به پند واندرز نما و خنده را کم کن واز گناه خویش پشیمان شو که درپیشگاه خدا باآبرو باشی ونیز پیغمبر فرمود : شب معراج دیدم گروهی را که لبهای آنان راباقیچی های آتشین قیچی میکنند وبعد می اندازند بجبرئیل گفتم اینان کیستند عرضکرد سخنوران و خطیبان است که مردم را امر بخوبی میکردند ولی خودشان رافراموش می نمودند اینان کتاب خدارا میخواندند امانمی اندیشیدند .

وگروهی گفته اند که دانشمند دکتر امت است و دنیا درد است

وهر گاه دیدی که دکتر درد را بسوی خود میکشاند او را در دانشش متهم کنید واو کسی است که بگفته هاش نمیشود اعتماد کرد.

ونیز پیغمبر فرموده است دانش وعلم را برای مباهات بدانشمندان نیاموزید ونه هم برای کوچك شمردن سفیهان و نه برای خودنمائی در مجالس ونه برای توجه دادن مردم را بسوی خودتان برای ریاست بر آنان هر کس این چنین کند در آتش است ودانش او حجت است بر ضررش روز قیامت ولی طلب کنید وبدیگران هم یاد دهید

باب دوم زهد دنیا ومیل بعبادت

آیات نازلهٔ در این باب از این قرار است که خدای تعالی میفرماید: یا ایها الناس اتقوا ربکم واخشوا یوماً لایجزی والد عن ولده ولامولود هو جازعن والده شیئاً ان وعدالله حق فلا تغرنکم الحیوة الدنیا و لا یغرنکم بالله الغرور (۱).

ای گروه مردمان از خدا بترسید و نیز از آن روزیکه نه فرزند برای پدر فایده‌ای دارد ونه پدر برای فرزند ، بیمناك باشید همانا وعدهٔ خدا راست است زندگانی دنیا شمارا فریب ندهد و شما را به خدا مغرور نکند.

ونیز خدای سبحان فرموده : یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ماقدمت لغد واتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون (۲) ای کسانیکه ایمان آورده‌اید بپرهیزید از خدا وباید بنگرد هر نفسی که چه چیز پیش فرستاد برای فردایش وبیمناك باشد وخدای را بترسد همانا خدا

---

(۱) لقمان ۳۳

(۲) حشر ۱۸ .

آگاه است بکرداریکه انجام میدهید و نیزخدای تعالی فرموده است : وفرحوا بالحیوة الدنیا وماالحیوة الدنیا فی‌الآخرة الا متاع (۱) وشادمان شدند بزندگانی دنیا ولی زندگی دنیا در مقابل آخرت جز کالائی بیش نیست یعنی مرداری است .

انّ الذین لایرجون لقائنا و رضوا بالحیوة الدنیا و اطمأنوا بها والذین هم عن آیاتنا غافلون اولئک مأویهم النار بما کانوا یکسبون (۲) هماناآنانکه دیدارمارا امیدوار نیستند وبزندگی دنیا خوشنودند و اطمینان خاطر بدنیا دارند ، و نیز آنانکه از آیات و آثار ما غافلند وبی‌خبرند جایگاه ایشان در آتش است بواسطهٔ کرداری که انجام میدادند .

ومیفرماید خدای‌تعالی : انما مثل الحیوةالدنیا کماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات‌الارض مما یأکل الناس والانعام حتی اذا اخذت الارض زخرفهاوازینت وظنّ اهلها انهم قادرون علیها اتیها امرنا لیلا أونهاراًفجعلناها حصیداً کان‌لم تغن بالامس کذلک نفصل الایات لقوم یتفکرون (۳)

جز این نیست که‌مثل زندگی دنیا مانندآبی‌است که‌ازآسمان فرومیفرستیم آن‌را پس آمیختهٔ به‌آن می‌شود گیاه زمین از آنها که مردمان وچهارپایان می‌خورند تا وقتیکه زمین بخود بگیرد سبزی وخرمیش‌را وزینت پیدا کند، واهل‌زمین خیال کنند که‌ایشان نیروی وتوانائی برآن دارند شبانگاه وروز فرمان مابیاید آن گیاهان سبز

(۱) رعد ۲۶ (۲) یونس ۷.
(۳) یونس ۲۴.

وخرمرا خشك و درو كند ونابودشود بطوريكه گويا ديروز گياهى نرسته ونبوده اين‌چنين آيات ونشانه‌هارا تفصيل دهيم براى آنان كه مى‌انديشند وفكرميكنند .

وفرموده‌است خداى تعالى : من كان يريد العاجلة عجلنا له فيها مانشاء لمن نريد ثمّ جعلنا له جهنم يصليها مذموماً مدحوراً ، ومن اراد الاخرة وسعى لها سعيها وهومؤمن فاولئك كان سعيهم‌مشكوراً(۱)

هر كس كه ارادهٔشتاب دارد شتاب مى كنيم براى‌او در كارش بهراندازه كه مى‌خواهيم براى كسيكه اراده مى كنيم بعد قرار دهيم براى‌او دوزخ را و اورا داخل دوزخ كنيم درحالت نكوهش و رانده شده وكسانيكه ارادهٔ آخرت‌را دارد و براى‌آن كوشش وفعاليت خود را كرده وحال اينكه اومؤمن است پس‌ايشان كوشش‌هايشان‌ستايش گرديده شده .

وخداى‌تعالى فرموده‌است : من كان يريدالحيوة الدنيا وزينتها نوفّ اليهم اعمالهم‌فيها وهم فيها لايبخسون ، اولئك الذين ليس‌لهم‌فى الاخرة الا النار وحبط ماصنعوا فيها وباطل ما كانوا يعملون (۲)

و كسانيكه اراده‌مى كنند زندگى دنيا و زينت آن را پاداش كردارشان‌را ميدهيم درهمان دنيا وچيزى‌از ايشان كم‌نمى‌شوداينانند كسانى كه در آخرت جز آتش چيزى برايشان نيست و نابود شود آن چه در دنيا انجام دادند و ناچيز و باطل است آن چه را كه انجام مى‌دهند .

---

(۱)اسراء ۱۹ . (۲) هود ۱۷ .

ونیز خدای تعالی میفرماید: من کان یرید حرث الاخرة نزد له فی حرثه ومن کان یرید حرث الدنیا نؤته منها و ما له فی الاخرة من نصیب (۱) کسیکه ارادهٔ کسب آخرت رامی کند برای او در کسبش زیاد می کنیم ولی کسیکه ارادهٔ کسب دنیارامی کند عطامی کنیم اورا از آن دنیا ونیست برای او در آخرت بهره‌ای.

کلاّ بل تحبون العاجلة وتذرون الاخرة (۲) نه‌چنین است بلکه دوست میدارید باشتاب دنیا را ولی وامیگذارید آخرت را ان هؤلاء یحبون العاجلة ویذرون ورائهم یوماً ثقیلا (۳) همانا ایشان با شتاب دنیارا دوست دارند ولی روزی گران وسخت را وامی گذارند، وما اوتیتم من شیء فمتاع الحیوة الدنیا وزینتها وماعندالله خیر وابقی (۴) وآن‌چه بخشیده‌شدید پس کالای زندگی دنیا وزینت آن است ولی آن‌چه که در پیشگاه‌خداست بهتر وجاویدتر است.

وماهذه الحیوة الدنیا الاّ لهوولعب وانّ الدار الاخرة لهی الحیوان لو کانوا یعلمون (۵) ونیست زندگی این دنیا جز بازیچه و سرگرمی وهمانا خانهٔ آخرت خانهٔ زندگی وجاویدان است اگر بدانید.

اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب ولهو وزینة وتفاخر بینکم وتکاثر فی الاموال و الاولاد کمثل غیث اعجب الکفار نباته ثم یهیج فتریه مصفراً ثم یکون حطاماً وفی الاخرة عذاب شدید ومغفرة من الله ورضوان

---

(۱) شوری ۱۹.

(۲) قیمة ۲۰.
(۳) دهر ۲۷.

(۴) قصص ۶۰.
(۵) عنکبوت ۶۴.

وماالحیوة الدنیاالا متاع الغرور (۱)

همانا بدانید که زندگانی دنیا بازیچه وسرگرمی وآرایش ونازش وخودستائی وزیادی دردارائی وفرزندان است درمیان شما همانند بارانی که بشگفت آورد کافران را گیاهش سپس خشك شود پس می بینی آن گیاه را زردشده بعد میباشد درهم شکسته ، و در روز قیامت عذابی است سخت ، وآمرزش وخوشنودی ازطرف خداوند است وزندگانی دنیا جز کالائی فریبنده چیزی نیست .

لایغرنك تقلب الذین کفروا فی البلاد متاع قلیل ثم مأویهم جهنم وبئس المهاد لکن الذین اتقوا ربهم لهم جنـات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها نزلا من عندالله وماعندالله خیر للابرار (۲)

فریب ندهد ترا دگرگونی کسانی که در شهرها کافر شدند ، کالائی است اندك بعد جایگاه ایشان دوزخ است ولی بد آسایش گاهی است ، لکن آنان که پرهیزکار شدند نسبت بپروردگارشان برایشان بهشت هائی است که اززیر آنها نهرها جاریست جاویدانند در آن بهشت ها و از طرف خدا در آنجا فرود آمده اند وآن چه که در پیشگاه خداست برای نیکان بهتر است .

ولاتمدن عینیك الی مامتعنا به ازواجاً منهم زهرة الحیوة الدنیا لنفتنهم فیه ورزق ربك خیر وابقی (۳) البته چشمانت را نگشای بسوی آن چه که ما کامیاب کردیم به آن اصناف وطبقاتی را ازایشان ازخوشی زندگانی دنیا تابدان واسطه آزمایش کنیم ایشان را ولی روزی پروردگار تو بهتر وجاویدان تر است .

---

(۱) حدید ۱۹ .

(۲) آل عمران ۱۹۶ . (۳) طه ۱۳۱ .

قل متاع الدنیا قلیل والاخرة خیر لمن اتقی ولاتظلمون فتیلا(۱)
بگو کالای دنیا اندک است وآخرت بهتر است برای پرهیزگار وستم -
گردیده نشوند بقدر ذره‌ای .
پیغمبر صلی الله علیه و آله به ابی‌ذرغفاری فرمود : جوری دردنیا زندگی کن
که گویا غریبی وخویشتن را درشمار مردگان حساب کن ، پس هرگاه
شب را صبح کردی سخن ازشام مگوی و هرگاه روز را به‌شب رساندی
حرفی از فردا نگو ودر تندرستی خویش بفکر هنگام مریضی باش
ودر جوانی فکر پیری کن واززندگی بفکر دوران مردن باش زیرا که
تو نمیدانی فردا درچه شرائط اززندگی قرارداری .
ونیز نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : بسیار بفکر مرگ ودرهم شکنندهٔ
خوشیها باشید زیرا اگر شمادر تنگنای زندگانی باشید یادمرگ بر
شما گشایش می‌دهد پس بزندگی خویش راضی و خوشنود و پا برجا
می‌شوید واگر درغنا ودارائی باشیددر نظرشما مبغوض می‌شود و کوشش
درانفاق آن میکنید وپاداش داده می‌شوید زیرا هرگاه یکنفر از شما
بمیرد قیامتش بپاخیزد می‌بیند آن‌چه‌را که از برای اوست ازخیر وشر
هماناشبها جداکنندهٔ آرزوهاست وروزها شهرهای اجلهاست .
وهمانا مرد هنگام رسیدن اجلش و واردشدن درقبرش می‌بیند
پاداش عملهائی را که پیش فرستاده و کمی نیازمندی آنچه را که
پشت‌سر انداخته شاید از باطل گردآورده آنرا یاحقی رامنع کرده
سعد به سلمان فارسی درمرض موتش گفت :چگونه خویشتن
رایافتی سلمان گریه کرد پرسید چه چیز ترابگریه درآورد؟ پاسخ

(۱) نساء ۷۹ .

دادبخدا سوگندمن از غصه دنیا گریه نمی کنم لکن گریه من بدین جهت است که رسول خدا فرمود: که باید ثروت شما از دنیا باندازه‌ی زادوتوشهٔ یك مسافر باشد میترسم از اینکه بیش از این داشته باشم درحالتیکه در خانه سلمان جز یك آفتابه و کاسه و طشت لباس‌شوئی چیزی نبود.

وثوبان ازرسول خدا پرسید چه‌اندازه‌ی از دنیا مرا کافیست حضرت فرمود آنقدر که جلو گرسنگی ترا بگیرد وآنقدر که شرمگاه ترابپوشاند و اگر تراخانه ای‌باشد پس‌مبارك‌است ومبارك‌ولی تو بعدازاین باز جوئی خواهی‌شد.

ونیز فرموده‌است بهر اندازه که‌قدرت‌دارید ازغمهای دنیافارغ‌بال وآسوده‌خاطر باشید زیرا هر کس که بفکردنیاباشد دلش سخت می‌شود وفقر ونیازمندیش‌پیش‌دوچشمانش باشدباوجز همان بهره‌ایکه برایش‌نوشته‌شده چیزی بیش‌نخواهندداد اما آن کس که‌همتش آخرت باشد خدا کارش‌را درست کند وثروت وبی‌نیازیش‌را دردلش‌قرار دهد و دنیابا فروتنی باو رو آورد.

حضرت‌موسی بن‌جعفرفرموده: دنیارا پست بشماریدزیرا که گواراترین چیز برشما آن‌باشد که درنظرشما پست‌ترین چیزهاباشد هرقومیکه دنیارا پست‌شمردند خدای زندگی‌دنیارا برایشان گوارا کرد و هر گروهی که دنیا را عزیز شمردند خودشان پست شدند و به مشقت وزحمت افتادندوسرانجام کارشان پشیمانی‌بود ونیز حضرت‌رسول صلی‌الله علیه وآله بهابی‌ذر فرمود: ای‌اباذر دنیا زندان مؤمن‌است و گورستان جایگاه ایمنی‌او و بهشت جایش باشد ولی دنیا بهشت‌کافراست وقبر مجازات

وعذابش وجهنم آرامگاهش باشد .

ونیز فرمود : زاهد دردنیا قلب وبدنش در آسایش است

و فرمود : مؤمن زاد و توشه برگیرد ولی کافر از دنیا بهره ولذت برد . ای‌پسر آدم از محرمات‌خدا خویش‌را نگه‌دار تاعابدباشی وخوشنود باش به‌آن‌چه که‌خدا برایت قسمت کرده تابی‌نیاز ثروتمند باشی ، به‌همسایه‌ات نیکی کن که‌مسلمان‌باشی وهمراهی کن مردم‌را همان‌طوریکه دوست‌داری باتوهمراهی کنند تابا انصاف باشی .

هماناپیش‌ازشما گروهی‌بودند که اموال‌زیادوبسیاری گردآوردند و بناهای بلند و زرنگار ساختند و آرزوهای دراز داشتند شب را بروز آوردند در صورتیکه بامدادان تباه شدند و خانهایشان بصورت گورستان ها در آمد .

ای‌فرزندآدم تودرگرو کردارت‌باشی وروی‌آورندهٔ‌بپروردگارت هستی پس کوشش کن باآن‌چه در دست داری ،زمین‌را زیرپامیکوبی طولی نمیکشد که همان زمین که تو بر زبرش راه میروی در دلش جایگاه‌توباشد از روزیکه از رحم مادر قدم بروی زمین گذاردی بفکر خرابی کاخ زندگانیت باشی .

وفرمود : آن که خدااورابی‌نیاز کندمردم بوی نیازمندباشند حضرت امیرالمؤمنین فرمود : دنیا انتهای دیدن کوراست وبس که بعد ازآن چیزی‌را نمیبیند .

وحضرت امیرالمؤمنین فرموده : دنیا آخرین دیدگاه و هدف کوردل است جزدنیا چیزی نمیبیند ولی روشن‌دل بینا دیده‌اش‌را باز میکند ومیداند که دربس این‌سرای دیگرسرائی‌است بینا از دنیا

دوري ميكند اما كوردل بسويش مي شتابد ، بينا هم از دنيا توشه برگيرد كوردل هم توشه بردارد اما او براى آخرت اين براى دنيا .

ونيز فرموده : كه زهد در دنيا كوتاهي ايدهها و آرزوهـا و سپاسگزارى بر نعمتها ودورى از محرمات است اگر اين خصلت ازشما دورشد زينهار كه حرام برصبر شما پيروزشود ومباد آنكه سپاسگزارى را در وقت نعمت فراموش كنيد زيرا كه خداى تعالى بواسطهٔ پيامبران وامامان كه حجتهاى آشكارايند وپابرجا و نيز بوسيلهٔ كتابهاى آسماني روشن وظاهر عذرى برايتان باقي نگذاشته .

ونيز آن حضرت فرموده : ايگروه مردمان همانا دنياجايگـاه گذر وعبوراست اما آخرت خانهٔ ثابت وپابرجاست پس ازاين دنيا بنفع آخرت خويش بگيريد وپيش از آن كه شمارا ازاين دنيابيرون برند قلبهاى خويش را ازاين جاخارج كنيد زيراكه شما براى سراى آخرت آفريده شدهايد ولي در دنيا زنداني شدهايد همانا مرد هنگاميكه بميرد فرشتگان گويند چه چيز پيش ازخود فرستاد (براى وحدت وحشت وظلمت قبرش) ولي مردمان گويند ازاو چه باقي ماندهاست پس بسوى خداست بر گشت شما چيزى پيش از رفتن بفرستيد كه بنفع شما باشد نه آن كه چيزى بفرستيد كه برضرر وزيان شما باشد همانا دنيامانند زهراست كه اورا نادان ميخورد .

ونيز فرمود: خوشبختان امروز از دنيا فرار ميكنند .

وفرمود : چه ميكند بامال وفرزند كسيكه ازدنيا بيرون ميرود و بر آنها حسابش را ميكشند برهنه وارد دنيا شديد و برهنه از آن بيرون مي شويد همانا دنيا پلي است از آن بگذريد آن را

پشت سر اندازید .

ودر دعایش فرمود : خدای مرا فقیر ونیازمند بمیران نه غنی وثروتمند مرا درشمارهٔ تهی‌دستان برانگیز ونیز فرمود : بدبخت‌ترین مردم کسی است که براو گردآید تهیدستي دنیا و عذاب و مجازات آخرت .

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود : میل در آن‌چه که در پیشگاه پروردگار است سبب بشارت و آسایش است امامیل در دنیا باعث غم و اندوه‌است و فرمود : بعضی از صفات دوستان خدا اعتماد بخداست درهر چیزی وبی‌نیاز شدن بسبب خدا ازهرچیزی ونیازمند بخدا در جمیع شئون زندگانی .

وفرمود : بدم دنیارا بهمان اندازه‌ایکه زاد وتوشه داری وبآن خواهی‌رسید سپس این‌اشعاررا خواند :

ادفع الدنیا بماانـدفعت واقطع الدنیا بماانقطعت
تطلب المرء الغنی‌عبثاً والغنی فی‌النفس لوقنعت

دنیارا دورکن باهرچه که دور می‌شود ، دورکن دنیارا ازخود با هر وسیله‌ایکه دور می‌شود ، مرد بیهوده ثروت ودارائی طلب‌میکند ثروت ودارائی در نفس انسان‌است اگر قناعت داشته‌باشد .

وفرمود : بخدا سوگند آن‌قدر این‌جامه‌ام را وصله وپینه زدم ازآن که آن‌را وصله میکرد خجالت کشیدم وگوینده‌ای بمن گفت یاعلی آیا این‌جامه‌را دورنمی‌اندازی گفتم فردا ازمن دور میشودجامه مردمان ازآن که آن‌را دور اندازد سپاسگزاری میکنند .

وفرمود : پارسایان دردنیا پادشاهان آخرت ودنیایند ، آن کس

که دردنیا پارسا نباشد ومیل بدنیا کندفقیردنیا وآخرت‌است‌هر کس دردنیا بپارسائی کند مالك دنیا گردد وهر کس میل بدنیا کند دنیا او را مالك‌شود .

نوف بکالی گفت شبی در خدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بودم ناگاه از بستر خوابش بلندشد نگاهی بستارگان کرد سپس این آیه‌راازسورهٔآل‌عمران قرائت فرمود: انّ في خلق السموات والارض (۱) سپس فرمود: اینوف خوابی یابیدار ؟ عرضکردم بیدارم‌ای‌امیرمؤمنان پس از آن فرمود : ای‌نوف خوشا بحال پارسایان دردنیاودلباختگان آخرت اینانند کسانیکه زمین‌را بساط وخاکش‌را فرش وآب آن‌را گوارا قراردادند ، شعارشان‌قرآن ولباس افتخارشان دعا ، سپس دنیا را بعاریت گرفته‌اند مانند عیسی‌بن‌مریم ، ای‌نوف همانا خدا بحضرت عیسی بن‌مریم وحی کرد بنی‌اسرائیل بگو که داخل خانه ای از خانه‌های من‌نشوند مگر بادلهای‌پاك ولباسهای پاکیزه و زبان های راستگو ونیز اینان‌را آگاه کن که مستجاب نمیکنم دعاء هر کسی را که حقی براو باشد ازبندگانم .

ای‌نوف‌همانا رسول‌خدادراین‌ساعت‌ازشب بلندمی‌شد ومیفرمود: این ساعتی‌است که‌دعای هیچکس ردنمیشود مگر آنکه باج گیر ، گمرکچی ، پاسبان‌وشاعریکه هجو کندوصاحب دهل بزرگ‌وکوچك باشد ونیز برعکس روایت‌شد، پیروی‌نکردم هیچ کس‌را که گناه کند خدارا دربارهٔتو بمانند این که پیروی کنی توخدا را دربارهٔ خودت ، کاربرادرت را حمل برصحت کن ، گمان‌بد مبر بسخنی که ازآن

(۱) آل‌عمران ۱۸۷ .

شری خارج شود درصورتیکه تو درآن سخن راه خیری پیدا میکنی ، هرکس راز خویش را پنهان کرد صاحب اختیار خودش میشود ونیکی بدست خودش میباشد .

وهرکس خویش را درمعرض تهمت قرارداد جز خودش کسی را نکوهش نکند ونکوهش بکند کسی را که باو گمان بدبرده ، برشما باد که برادران راستگو انتخاب کنید که در پناه آنها زندگی کنید ، سوگند یاد کردن را سبك نشمارید که خدا شمارا سبك می شمارد آن چه را که برای شما فائده ای ندارد گردش نروید .

برشما باد براستی که سرمایهٔ نجات است وراه نجات زینهار از دشمنان جنی و انسی خویش بترسید ، بافاجران همراه مباشید ، با دین داران و پنددهندگان مشورت کنید که شمارا راهنمائی کنند برادران را برادری کنید برای خدا در عیبیکه خود شما دارا هستید نکوهش مکنید کسی را .

و سوید بن غفله گفت : بخانهٔ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شدم درآن خانه چیزی ندیدم عرضکردم اثاثیهٔ خانه کجاست یا امیرالمؤمنین ، حضرت فرمود : یاابن غفلة ماخاندان برای خانهٔ دنیا اثاثیهٔ انتخاب نمی کنیم عمدهٔ اثاث را ما انتقال بخانهٔ آخرت داده ایم مثل ما دردنیامانندمسافریست که درسایهٔ درختی فرودآید پس از رفع خستگی حرکت کندوبرود .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : سخت ترین چیزیکه برشما بیمنا کم ازآن دوچیز است یکی آرزوهای دراز ، دیگری پیروی ازهوای نفس

زیرا که پیروی نفس جلوگیری میکند شمارا ازحق و درازی آرزو آخرت را ازیادشما میبرد، همانا خدا دنیارا میدهد بدوستان ودشمنانش ولی آخرت را جز بدوستانش بکسی عطا نخواهد کرد ، همانا برای دنیا وآخرت فرزندانیست پس شما از فرزندان آخرت باشید نه از فرزندان دنیا زیرا که هرفرزندی اطاعت ازمادرش میکند .

وهمانا دنیا کوچ کرده وپشت بشما نموده ولی آخرت بخوبی وخوبروئی بشما روآورده جز این نیست که شما امروز سرگرم عمل هستید وحسابی دراین روز نیست امیداست روزگاری بیاید که سرگرم حساب باشید و درآن روز عملی نیست .

وحضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود : مردم ! خویشتن را فریب ندهید زیرا که خدا چیزی را بیهوده نیافریده اگر چنین می بود آفریدن ذرات ومورچگان وپشه ها بیهوده بود . ابن مسعود گفته است که همانا شما دراین دنیا مدت کوتاهی باشید و کردارشما بایگانیست و مرگ ناگهانی میرسد پس هرکس بذر نیکی بپاشد زراعتش را بامیل ورغبت درو کند وهر کس بذربدی بکارد زراعتش باترس وبیم درو کند هر کس خیری بکسی برساند خداهم باو خیری عطافرمایدوهر کس خویشتن را از شرّی نگهدارد خداهم اورانگهداری کند .

پرهیزکاران بزرگند وفقیهان وپیشوایانند همنشینی با آنان سبب زیادی فهم ودانش است واگر ما گناهی دردنیا جز دوستی دنیانمیداشتیم همین گناه برای ما کافی بود و مسلم پیغمبر فرمود که : دوستی دنیا سررشتهٔ تمام گناهان است وکلید تمام بدیهاست وسبب تباه شدن هرخوبی باشد وشگفت این جاست که پروردگار فرموده : انما اموالکم و

اولاد کم فتنة (۱) ولی مردم مالهارا جمع میکنند وفرزندان را دوست میدارند بـا اینکه میدانند از آنها جدا میگردند واز آنها بـازجوئی میشوند وچه نیکو سروده شاعریکه دراین‌موضوع شعری‌سروده :

هي‌الدنيا تقول لمن عليها حذار حذار من‌بطشي‌وفتكي

فلا يغرركم حسن ابتسامي فقولي مضحك والفعل مبكي

این‌دنیاست که باهلش میگویدبترسیدبترسید که ناگهان شمارا میکشم‌لبخند دنیاشمارافریب ندهد سخن‌من گاهی‌خنده‌آور است گاهی گریه‌آور.

باب سوم در نکوهش دنیا

(۱) عجباً لغفلة الانسان قطع الحياة بذلة وهوان

(۲) فكرت في الدنيا فكانت منزلا
عندي كبعض منازل الركبان

(۳) مجرى جميع الخلق عندي واحد
فكثيرها و قليلها سيان

(۴) ابغي الكثير الى الكثير مضاعفاً
و لو اقتصرت علي القليل كفاني

(۵) لله در الوارثين كأنني
بأخصهم متبرم بمكاني

(۱) انفال ۲۸ جز این نیست که مالها و فرزندانتان سبب آزمایش و امتحان است .

(۶) قلقاً یجهزنی الی دار البلا
متحیراً لکرامتی بهوانی

(۷) متبریاً حتی اذا نشر الثری
فوقی طوی کشحاً علی هجران

۱-شگفتا از ناخودآگاهی انسان که چگونه زندگی را باذلت و خواری سیر میکند.

۲-من درباره‌ی دنیا اندیشیدم در نظر من مانند بعضی از منزلهای مسافران میباشد که باید زود از آن منزل حرکت کرد.

۳-مسیر تمام مردم در این مسافرت یکی است چه جمعیت زیاد باشند یا کم در این سفر یکسانند

۴-در این فکر و اندیشه بودم که چندین برابر بمالم بیفزایم ولی اگر باندك قناعت میکردم مرا بی نیاز میکرد.

۵-از این مال خیر زیادی است برای وارثین و گویا می بینم که بوسیله‌ی نزدیکترین آنها من در جای خودم اذیت و آزار میشوم.

۶-دنیا حرکت میدهد مرا و آماده‌ی آخرت میکند متحیر و سرگردانم که کردار من مرا بکجا خواهد برد.

۷ - در حالیکه مرا بخاك میکشاند هنگامیکه خاکها بر فراز من پراکنده شود و دوری میکند وجدائی نماید و مبتلای به هجران میکند.

و شاعر دیگر گفته است:

(۱) نل ما بدالك ان تنال فانما تعطی و تسلب

و اعلم بانك غافل فی الغافلین و انت تطلب

(۲) والمشکلات کثیرة والوقف عندالشك اصوب
یبغی المهذّب في الامور جمیعها ومن المهذّب

۱- برس به آنچه که از مال دنیا بدایت آشکار شود اگر رسیدی همانا بتو داده میشود و نیز از تو گرفته خواهد شد و بدان که تو اگر دنیا را طلب کنی بیخبری باشی درمیان بیخبران .

۲- ولی مشکلات بسیار است و توقف در هنگام شك بهتر است ، واختیار میکند اصلاح کننده‌ی در کار ها تمام اصلاح کارش را از آدم پاك وپاکیزه .

وروایت شده که این کلمات بر دروازهٔ شهری پیداشده، درصورت امکان فرصت را از دست مده ، کارها را بعاقبت اندیش واگذار ، بر نفس اندوه و غصهٔ روزیکه نیامده تحمیل مکن ، زیرا که اگر آن روز بخاطر تو باشد خدا هم روزي ترا درهمان روز میرساند کاری مکن که برای دیگران عبرت باشی و در جمع آوری مال اقتداء بمغرورین منما چه بسیار کس که دنیارا جمع آوری کرده برای شوهر همسرش و سخت گیری مرد بر نفس خویش افزودن خزینه و گنجینهٔ غیر خودش میباشد .

خلیل بن احمد گفته است همانا مرد مالرا جمع میکند برای یکی از سه نفر و تمام ایشان دشمنانش باشند برای همسر همسرش، برای همسر پسرش ، برای همسر دخترش پس دارائی مرد برای این سه طایفه است اگر چیزی ازاو بجا بماند پس خردمند اندرز دهنده‌ی نفسش آنکس است که از این دارائی زاد و توشه برای سفر آخرتش بگیرد وایشانرا برخویشتن مقدم ندارد.

شعر

(۱) یاجامعاً لا هیاً والدهر یومقه مفکراً ای باب عنه یغلقه

(۲) جمعت مالا فقل لی هل جمعت له یاغافل القلب ایاماً تفرقه

۱- ای گردآورنده‌ی دنیا روزگار ترا بقدری دوست دارد همیشه بفکر آن هستی که کدام در از درهای دنیا بروی تو بسته میشود

۲- ثروتی را گردآوردی بمن بگو آیا برای اهل دنیا جمع آوری کردی ای بیخبر چند روزی بیش نگذرد که دنیا آنرا از تو جدا کند.

از ابوالعتاهیه است

اصبحت و الله فی مضیق هل من دلیل الی الطریق (۱)

اف لدنیا تلاعبت بی تلاعب الموج بالغریق (۲)

و نیز گفته است

نظرت الی الدنیا بعین مریضة وفکرة مغرور وتدبیر جاهل (۳)

فقلت هی الدنیا التی لیس مثلها ونافست منهافی غرور وباطل (۴)

وضیعت احقاباً امامی طویلة بلذات ایام قصار قلائل (۵)

۱- سوگند بخدا که درسختی بسر بردم آیا راهنمائی در این راه میباشد.

۲- تفو بر این دنیا که بامن بازی میکند مانند موج که غریق را زیر و رو میکند.

۳- بدنیا نگاه کردم باچشم مریض واندیشه آدم فریب خورده ودور اندیشی نادان.

۴- سپس گفتم این همان دنیاست که مانندش نیست ونکوهش

کردم دنیارادر یك حالت وغرور وباطلی .

۵ـ ودورانی ازعمر خویش را بخوشیهای کوتاه ناپایدار دنیا تباه کردم.

ونیزدیگری گفته :

و ان امرء دنیاه اکبر همّه	لمستمسك منها بحبل غرور (۱)
طلبتك یادنیا فاعذرت فی‌الطلب	وما نلت الا الهم والغم والنصب(۲)
واسرعت‌فی‌ذنبی ولم‌اقض‌حسرتی	هربت بذنبی ان‌نفع الهرب (۳)
و لم ارحظاً کالقنوع لاهله	وأن‌یحمل‌الانسان‌ماعاش‌فی‌الطلب۴

۱ـ وهمانا مردیکه بزرگترین همتش دنیاست ازآن دنیا چنگ بریسمان غرور وفریب میزند .

۲ـ ای‌دنیا ترا خواستم اماتو به‌من توجهی‌نکردی و فایده‌ای جز حزن و اندوه و مشقت از تو ندیدم .

۳ـ و برای بدست آوردن تو تندروی در گناه کردم ولی تو حاجت مرا بر نیاوردی.و فرار کردم اگر فرار از گناه فایده داشته باشد .

۴ـ وبهره‌ای مانند قناعت برای اهل‌دنیا ندیدم در حالتیکه با خود میبرد انسان آنچه‌را که در طلب زندگانیست .

وپیغمبر اکرم‌فرمود : فرمان‌خدارا مخالفت‌نکنید.عرض‌کردند ایرسولخدا این مخالفت چیست ؟ فرمود : کوشش کردن در آبادی خانه‌ایکه فرمان خدا برخرابیش اجراشده .

وحضرت علی بن الحسین این شعررا میخواند :

و من یصحب الدنیا یکن مثل قابض

علی‌الماء خانته فروج الاصابع (۱)

۱- طالب دنیا مانند کسی است که بامشت آبرا برداشته و از میانهٔ انگشتانش میریزد .

و نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : همانا خدای تعالی دنیا را خانهٔ مصیبت و آخرت را سرای پاداش قرارداده پس قرارده گرفتاری دنیارا پاداش وثواب آخرت و پاداش آخرت عوض از گرفتاریهای دنیاست پس میگیرد تاببخشد و گرفتار میکند تا پاداش وجزا دهد و همانا دنیا زود گذر است و بسرعت انتقال پیدا میکند زینهار بترسید از شیرینی شیر دنیا که تلخی آن وقتی است که از شیر بگیرد و ترا از خود جدا کند .

دور کنید خوشگذرانی زود گذر دنیا را بواسطهٔ ناراحتیهای آیندهٔ آن و نباید باو پیوند کنید که مسلم خدا حکم و فرمان بدوری دنیا فرموده و نباید کوشش در آبادی آن کرد که خدا فرمان ویرانیش را داده مبادا آن که گرفتار خشم پروردگار و سزاوار مجازاتش گردید .

شاعر فرموده است

الدار دار نوائب و مصائب و فجیعة بأحبّة وحبائب(۱)

ماینقضی رزئی بفرقة صاحب الا اصبت بفرقة من صاحب(۲)

فاذامضی الالاف عنك لطعنة والمؤنسون فات اول ذاهب(۳)

۱- دنیاسرای حزن واندوه و درد است برای دوستان و کسانیکه اورا دوست دارند .

۲- هنوز مصیبت من در فراق دوستم و همراهم تمام نشده که

گرفتار بجدائی و دوری دوست دیگر میشوم.

۳ـ پس هر گاه سالها گذشت از عمر تو ودوستانت برای کوچ کردن تو اولین کوچ کننده‌ای.

باب چهارم ترك دنیا

از نبی‌اکرم صلی الله علیه و آله روایت‌شده که‌همانا مردم دردنیا میهمانانند وهرچه دردست آنان‌است عاریه‌باشد همانا میهمان کوچ کننده است عاریه‌هم بصاحبش برمیگردد، آهای‌مردم همانا دنیا متاعست آماده که ازآن نیك و بد میخورد ولی آخرت وعده‌ایست راست که در آن روز فرمان میدهد پادشاهی دادگر غالب پس خدا رحم میفرماید به‌هر کس که بنفس خویش‌نگاهی کند وآمادهٔ برای شب اول قبرش باشد و ریسمانش را بر گردنش افکنده باشد پیش از آن که مرگ او برسد و آرزویش را قطع کند ندامت و پشیمانی برایش فایده‌ای ندارد.

حضرت امام‌حسن علیه السلام فرموده: هر کس دنیا را دوست بدارد بیم‌آخرت از دل او برود وآن که حرص و آزش در دنیا زیاد باشد بهره‌ای جز دوری از دنیا ندارد و نیز خشم‌خدا بر او زیاد گردد، انسان آزمند نادان‌است ولی‌پارسا قانع است هردوی اینها خوردنشان یکسان‌است چیزی از روزی آن‌دو کاسته نمی‌شود پس برای‌چه شتاب درآتش کنید، خیر وخوبی تمامش دریك‌ساعت شکیبائی و صبر است که موجب وسبب آسایش‌دراز وخوشبختی فراوانی میشود.

مردم دوگروهند گروهی دنیارا میخواهند وطلب میکنندتا باو برسند نابود میشوند و گروهی طالب آخرتند تا باو برسند نجات پیدا می کنند بدان ایمرد هرگاه بهآخرت رسیدی آنچه کهدردنیا از دست تو رفته وآنچهرا که از سختیها بتورسیده زیانی ترا نرساند و نیز سودی ندارد آن چه که از دنیا بتو رسیده زمانیکه از آخرت محروم باشی .

عمر عبدالعزیز بحسن بصری نوشت که مرا پند و اندرز ده حسن بصری نوشته سر آمد آنچه که ترا شایسته و اصلاح میکند پارسائی دردنیاست و بدان که پارسائی بستگی به یقین دارد و یقین در فکر است واندیشه ، اندیشه عبرت گرفتن است پس هرگاه دربارهٔ دنیا اندیشه کردی میبابی که گردآوری تمام دنیا برایت فائدهای ندارد تاچهرسد بقسمتی از آن نفس وخویش را می یابی که گرامی داری اورا بهپست کردن دنیا و بیادآوری گفتهٔ خدای عزوجل را که میفرماید و كل انسان الزمناه طائره في عنقه و نخرج له يوم القيمة كتاباً يلقيه منشوراً .

و نامه عمل هر انسانی را بگردنش اندازیم وبیرون آوریم برای او نامهاش را روز رستاخیز بازوگشاده .

پس همانا بتو عدالت ودادگری کرده آنکس که حسابگر تو نفسترا قرارداده که او چنین میفرماید : اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم عليك حسيباً

و بخوان نامهٔ خویش را بس است نفس ترا امروز که

حسابگر تواست

وگفته‌است که‌رفاقت کردم دردنیا مردمی را که بخدا سوگند باعث روشنی چشم بودند و کلامشان دارو و شفای دلها بود ، بخدا سوگند در حلال ازشما پارساتر بودند نافله ها و مستحبات را کاملا بیشتر ازشما رعایت می کردند که‌شما درواجب‌ملاحظه میکنید وایشان بخدا سوگند از کردار نیکو و اعمال پسندیدهٔ خویشتن بیمناك‌تر اند از کردار بدشما نسبت به‌آنها مجازات و کیفر میشوید سوگند بخدا ترس آنان از آشکارشدن کردار خویشان بیشتر بود از مشهورشدن کارهای بدشما .

بخدا ایشان چنین بودند که کارهای خوب خود را پنهان میکردند همان‌طور که شما کار ناشایستهٔ خویش‌را پنهان میکنید ، بااین که نیکوکارانند گریه میکنند ولی‌شما گناه میکنید و خندانید برگشت ماهمه بسوی خداست ، ستم آشکارشده ، دانشمندان کم‌شدند ازسنت خودداری شده ، کتاب دور افتاده ، بدعت آشکارشده ، مردم بازیگر شدند ، یکدیگر بقرض ستایش میکنند ، مردم‌نیك ازمیان رفتند واراذل‌وپست‌ها باقی ماندند.

نزدیك‌است خدارا بخوانید و جواب نشنوید و بر شما آشکار شود دستهای بیگانگان مشرك وشمارا کسی پناه‌ندهد و فریاد رسی نداشته باشید پس جواب‌را آماده کنید که‌ازشما سؤال خواهد شد ، بخدا سوگند اگر برعیب یك‌دیگر آگاه می‌شدید وپرده ازروی‌کارها برداشته میشد کسی کسی‌را دفن‌نمیکرد .

وپیش فرستید زیادی‌ازمال‌خویش‌را که همانا کسانیکه پیش

ازشما بودند بقدر کفایت واحتیاج خود از دنیا میگرفتند مازاد بر احتیاج را ببرادران مؤمن وتهی‌دستان و یتیمان و فقیران بدهید از خواب گران بیدار شوید زیرا که مرگ رسوائی دنیارا آشکارمیکند وبرای خردمندان شادمانی قرار نداده‌است .

بدانید که‌هر کس خدارا بشناسد اورا دوست‌داردسپس بندگیش را کند وهر کس دشمنی و کینه‌توزی شیطان را بداند مخالفت نماید هر کس دنیا و فریبش را نسبت باهلش بشناشد پارسائی در آن کند دهمانا مؤمن اهل لهو و لعب و بـازیچه و غفلت نیست همانا همتش اندیشه کردن‌است وپند گرفتن .

شمارش ذکر ویاد خداست درتمام احوال چه‌ایستاده‌وچه‌اشسته سخنش ذکر است ، سکوتش اندیشه ، نگاهش عبرت زیرا او میداند که‌صبح میکند وشام گرفتار سه‌خطر بزرگ است بلائی که فرودآید یا نعمتی که‌ازدست می‌رودیامرگی که حتمی‌است مسلم یاد مرگ تیره کرده خوشی هرعاقلی را .

شگفتا بر مردمیکه‌فریاد کوچ کردن را شنیده‌اند و هنوز هم غافلند وبی‌خبر از آماده کردن زاد وتوشه بااین که میدانند برای هر سفری زاد وتوشه‌ایست که ناچارند از آن ولی غافل و بیخبر نشسته اول ایشان‌از آخر کارشان درصورتیکه‌ازآخر کار فراموش کرده‌اند و سرگرم بازی میباشند .

ودروایت شده درگفتهٔ خدای تعالی : و آتیناه الحکم صبیاً (۱)

---

(۱) مریم ۱۳ زمامداری را در دوران کودکی باو عطا کردیم .

از حضرت یحیی علیه السلام که برای او هفت‌سال بود کودکی باو گفت: باما بیا تا بازی کنیم سپس حضرت یحیی فرمود: ما برای بازی آفریده نشده‌ایم.

وحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر گفتهٔ خدای تعالی: ولا تنس نصیبك من الدنیا (۱)

فرموده است که فراموش مکن تندرستی، نیرو، جوانی، بی‌نیازی، آمادگی خودرا فراموش مکن که بفکرآخرت باشی وآن‌سرای را طلب کنی، گروه دیگری گفته که آن بهره کفن است ازتمام آن‌چه که داری فراموش نکنی که همان کفن‌است بهرهٔتو از تمام دنیا.

وحضرت علی بن‌الحسین علیه السلام فرموده: بزرگترین افرادمردم‌از نظر مرتبه وارزش انسانیست که باکش نباشد دنیا در دست کیست ونیز محمد حنیفه گفته است هرکس که نفسش در نظرش بزرگ باشد دنیا در پیش او پست خواهدشد.

رسولخدا فرمود: نمی‌افزاید گذشت زمان مگر سختی‌وناراحتی وعمر جز کمی‌وکاستی‌وروزی جز کمی ودانش‌مگررفتن وآفریده‌شدن مگر ناتوانی ودنیا مگر پشت کردن ومردم مگربخالت وساعت‌مگر نزدیکی قیامت را بپاشود برای مردمان بد.

ونیز فرموده است: گنجی که قرآن درداستان موسی و خضر اشاره میفرماید لوحی بود که این کلمات بر آن نوشته شده‌بود: شگفتا بر کسیکه یقین بمرگ دارد چگونه می خندد؟ شگفتا کسی

(۱) وفراموش مکن بهرهٔخویش را ازدنیا سورهٔ قصص۷۷.

که یقین بروزی دارد چگونه افسرده خاطر است؟ عجبا از آنکس که یقین به جهنم دارد چطور گناه میکند؟ حسنرتا بر آنکه دنیارا شناخته ودگرگونی آنرا باهلش دانسته چگونه اطمینان بدنیا دارد؟

ونیز رسول خدا فرموده: هر گاه خدا بنده‌ای را دوست دارد گرفتارش میکند وهر گاه دوستی ازحد بگذرد برای او چیزی از ثروت وفرزند باقی نمیگذارد وهمانا خدای تعالی بنده مؤمنش را دلجوئی میدهد که‌مال وجان و فرزندانش را گرفتار مصیبت و ناراحتی کند آنچنانکه مادر فرزندش را به شیر پستانش دلجوئی میکند و همانا جلوگیری میکند بنده مؤمنش رااز دنیا آنچنانکه‌دکتر مریض را از خوردن غذامنع میکند.

و حضرت امیر المؤمنین عليه السلام میفرمود: بار پروردگارا! دنیا را ازیاد من ببر بواسطه‌ی دشمنی که به‌آن دارم زیرا که نیکیش اندك است و شرش بسیار وصفا وجلایش تیره وتازه‌های آن کهنه میشود و آنچه که دردنیا از دست رفت برنمیگردد وآنچه ازدنیا برسد فتنه است مگر آنکس راکه تو عصمت عطا کنی وشامل رحمت خود گردانی، پس مرا از آنانکه‌بدنیا خوشنود شده اند واطمینان باوپیدا کرده‌اند قرار مده‌زیرا هر کس بدنیا اطمینان‌پیدا کندخائن‌است‌و آنکه اعتمادبدنیا داشته باشد فریب خورده.

چه‌نیکوسروده آنکه دنیا را تعریف میکند

رب ریح لاناس عصفت	ثم ما ان لبثت ان سکنت(۱)
و کذاك الدهر في اطواره	قدم زلت واخری ثبتت (۲)

و کذا الایام من عاداتها انها مفسدة مااصلحت (۳)

۱ـ چه‌بسا تند بادهائی که برای پراکندگی مردم‌وزید که بعد ازآن نه جای‌درنگ وزندگي‌ونه‌جای‌ماندن بود

۲ـ روزگار در گردش چنین است که گامی‌می‌لغزدو گامی استوار است .

۳ـ وهم‌چنین ازعادتهای‌روزوشب‌است که آنروز وشب‌تباه میکنند نه اصلاح.

ودیگر گفته

لا تحرصنّ علي الدنیا و ما فیها

واحزن‌علی‌صالح لم یکتسب‌فیها (۱)

واذکر ذنوباً عظاماً منك قد سلفت

نسیت . کثرتها و الله محصیها (۲)

۱ـ آزمندبردنیاوآنچه که دردنیاست‌مباش بلکه افسرده خاطر باش بر کردار شایسته‌ای که نتوانستی دردنیا انجام دهی .

۲ـ و بیاد آور گناهان بزرگی را که از تو سر زده که تو فراوانی آنها را فراموش کرده‌ای ولی خدا تمام آن را شمرده وضبط کرده است .

ودرگفتهٔ خدای تعالی‌است : کم ترکوا من‌جنات وعیون‌وزروع و مقام کریم و نعمة کانوا فیها فاکهین کذلك‌واورثناهاقوماً آخرین فمابکت علیهم السماء والارض و ماکانوا منظرین (دخان۲۴ـ۲۹)

چه بسا باغها وچشمه‌ها و کشتزارها وجاهای خوب‌ونعمتهائیکه در آنها متنعم بودند واگذاشتند و ما مردم دیگری‌را از آن نعمتها

بهره‌مند کردیم .

وعارفي گفته‌است که از کنار خرابه‌ای گذشتم سرم را داخل خرابه کردم واین شعر را گفتم :

نادِ ربَّ الدار ذاالمال‌الذی جمع الدنیا بحرص مافعل

صدا بزن صاحب‌خانه صاحب ثروتیکه گردآورده است دنیا را باحرص و آز که عاقبت چه کرد و چه‌شد .

صدای غیبی اورا پاسخ‌داد :

کان في دار سواها داره علّلته بالمنى حتى‌انتقل

در خانه‌ای غیر از دنیا خانه اش باشد مرگ اورا منتقل بخانهٔ آخرت کرد .

و قتاده در تفسیر گفتهٔ خدای تعالی : و قد خلت من قبلهم المثلات (۱) گفته‌است که داستانهای عصرهای گذشته و آن‌چه که بایشان رسیده از خرابی خانه‌ها ونابودی آثارها میباشد وحضرت‌امام حسین عليه‌السلام عبور کردند بقصر اوس پرسیدند این کاخ از کیست ؟ عرض کردند از اوس است حضرت فرمود : دوست داشت‌اوس که‌درآخرت برای او بجای این کاخ گردهٔ نانی باشد .

وابوالعتاهیة شعر گفته :

جمعوافما أكلواالذی جمعوا وبنوامساكنهم فماسكنوا(۱)

و كأنهم كانوا بها ظعناً فما استراحوا ساعة ظعنوا(۲)

۱ـ مال دنیارا گردآوردند ولي آنان که جمع‌آوری کردند نخوردند و کاخ‌ها ساختند اما درآن‌ها جایگزین نشدند .

---

(۱) وگذشت پیش از این عقوبتها .

۲ـ وگویا ایشان در کاخها مسافر بودند که هنوز استراحت وآسایش نکرده بودند کوچ کردند .

و مسروق گفته است که خانه ای پر از سرور و نعمت نمیشود مگر اینکه از حزن واندوه عبرت پرخواهد شد این شعر را سروده است :

کم ببطن الارض ثاو من وزیر وامیر
وصغیر الشأن عبدخامل الذکر حقیر(۱)
لوتأملت قبور القوم فی یوم قصیر
لم تمیزهم ولم تعرف غنیاً عن فقیر(۲)

۱ـ چقدر وزیر و زمامدار ودون شأنان و آنهائیکه زیاد بیاد خدا بودند دردل زمین دفن شدند و کوچك میباشند .

۲ـ که اگر تأمل کنی در یکروز کوتاهی قبرهایشان‌را از یك‌دیگر تمیز نمیدهی ونمیشناسی فقیر کدام ودارا کدام‌است .

ودروایت شده که‌چون سعدابی‌وقاص زمامدار عراق شد خرقة دختر نعمان‌را طلبید اوهم باگروهی از کنیزان آمد سعد به آنان گفت کدام‌یك ازشما خرقه میباشید ؟ کنیزان اشاره کردند و گفتند این‌است خرقه اوهم گفت آری‌من‌خرقه‌هستم چرا مرااحضار کرده‌ای ای‌سعد ؟ بخدا سوگند آفتاب نتابیدوچیزي‌درسایهٔ کاخ خورنق‌حرکت نکرد مگر اینکه در زیر فرمان ما بود .

پس آفتاب ما غروب کرد بطوریکه همان‌ها که بر ما حسد می‌بردند مارا مورد ترحم خویش قرار دادند این‌را بدانکه خانه‌ای در دنیانیست که‌سروروشادمانی درآن واردشود مگراینکه‌دنبال آن‌سرور

غم و غصه وارد آن خانه شود سپس این شعر را سرود میگفت :

فبينا نسوق الناس والامر امرنا اذا نحن فيهم سوقة نتنصف(۱)

فاف لدنيا لا يدوم سرورها تقلبنا تاراتها و تصرف(۲)

هم الناس ماساروا يسيرون حولنا وان نحن اومينا الى الناس اوقفوا(۳)

۱ــدر همان زمانیکه مردم را زیر فرمان خویش میکشیدیم و فرمان فرمان ما بود ناگاه درمیان مردم ما را کشاند و خدمتکار رعیت کرد .

۲ــپس اف براین دنیا که شادمانیش دوام ندارد دگرگون کرد مارا حالات وعوارض دنيا .

۳ــایشان که دور تو میکردند دور ما گردش میکردند اگر ما یك اشاره میکردیم بسوی مردم که بجای خویش بایستیدمی ایستادند .

بعد گفت همانا دنیا سرای نابودی وزوال است همیشه بیك حال نیست اهلش را از حالی انتقال بحالی میدهد ما پادشاهان همین کاخ بودیم اهل این کاخ دوست داشتند که بر ما وارد شوند پس امر برگشت وروزگار ما را زجر کرد پس جمعیت مارا پراکنده کرد و همینطور است روزگار برای هیچ کس دوام ندارد پس گریه کرد و بگریه در آورد .

شعر

ان للدهر صولة فاحذر بها لا تقولين قد امنت الدهورا(۱)

قد يبيت الفتى معافاً فيوذى ولقد كان آمنا مسروراً (۲)

۱ــهمانا برای روزگار قدرتی است پس بترس از آن ومگو از

روزگار ایمن خواهم بود.

۲- وگاهی مرد جوان شب رابصبح بیاورددر حال سرور وایمنی وبخشیده شده‌ی ازدنیا ناگاه گرفتارش میکند.

سعدوقاص گفت حاجت تنهاخودت رابخواه در پاسخ گفت دست امیر در بخشش از زبان من بازتراست پس همراهان اورابااوعطا کرد وبخشش امود خرقه گفت ازتو سپاسگزاری می کنم خدای‌ترانیازمند نکند بعدازبی نیازی وترابنده‌ی دیگران قرار ندهد.

وخدا پاداش این کار نیک‌تورا بجایش عنایت فرماید و تو را نیازمند مردمان پست قرار ندهدوتراازنعمتهای خویش خالی‌نگرداند مگر اینکه وسیلهٔ برگشت آن نعمت‌را فراهم کندسعد دستوردادنامه خرقه‌را در دفتر عطایا وبخشش‌های دولتی بنویسند پس‌چون خرقه‌از کاخ زمامدار بیرون‌آمد زنان ازاو پرسیدند امیر باتو چه کرد گفت امیر ضمانت بودجهٔ زندگی مرا کردو مرا گرامی داشت جز این نیست بزرگان بزرگان‌را گرامی‌دارند.

چه خوب سروده آنکس که این شعرراگفته

وماالدهر والایام‌الا کما تری رزیة مال او فراق حبیب (۱)

و انّ امرء قد جرّب الدهر لم یخف

تقلب یومیه لغیر اریب (۲)

ودیگری گفته است:

هو الموت لا ینجی من الموت و الذی

احاذر بعد الموت ادهی وافظع (۳)

۱- روزگار شب و روز نیست جز آن‌چه که می‌بینی یا مصیبت

ثروت است یاجدائی دوست .

۲ـ وهمانا مردیکه دنیارا تجربه کردنمی‌ترسد ازدگرگونی دو روز دنیا

۳ـ او مرگست که کسی از چنگ او نجات پیدا نمیکند ولی مراحل بعدازمرگ دردناكتر است ومیترسم .

و دیگری گفته :

اذا الرجال كثرت اولادها وجعلت اوصی بهایعتادها (۱)

و اضطربت‌من كبر اعضادها فهی زروع قددنی حصادها(۲)

بزرگی گوید به کاخ ستمگری که بخود وسلطنتش مغروربود عبور کردم پس صدای هاتفی‌را شنیدم که میگفت :

و ما سالم عما قلیل بسالم وان كثرت احراسه ومواكبه(۳)

ومن يك‌ذاباب‌سديد وحاجب فعما قليل يهجر الباب حاجبه(۴)

ويسبح‌في‌لحد من‌الارض‌ضيقاً يفارقه اجناده و مواكبه (۵)

وما كان‌الاالموت‌حتی‌تفرقت الی غیره احراسه و كتائبه (۶)

۱ـ زمانیکه فرزندان مرد فراوان‌شود وآنان وصی و جانشین او قرار داده شوند .

۲ـ وکاخ قدرت وجودیش از پیری بلرزه‌درآید پس آن‌مانند کشتی است که‌هنگام‌دروش رسیده .

۳ـ وسلامت نمی‌ماند ازمرگ‌هیچ سلامتی اگر چه پاسبانان ونگهبانان فراوان داشته باشد .

۴ـ وهرکه صاحب کاخ ودژبان باشد طولی نمیکشد که همان دژبانان از او دوری کنند .

۵ـ وشب راصبح کند درمیان گوری تنگ در زمین که تمام ارتش و سربازانش ازاو دوری کنند .

۶ـ و چاره‌ای جز مرگ نیست که نگهبانان و سربازانش بسوی دیگری پراکنده کند .

واصبح مسروراً به کل کاشح و اسلمه احبابه و حبائبه (۱)
بنفسك فاکسبها السعادة جاهداً
فکل امرء رهن بما کان کاسبه (۲)

۱ـ وصبح میکند درحالتیکه دشمنان اوشادمان ولي دوستان او را وامیگذارند ومیروند .

۲ـ بانفس خویش پیکار کن کسب خوش‌بختی نما پس هر مردی در گرو نفس خویش باشد .

وگفته است که گروهی از ایشان هرگاه بزنی زیبا نگاه میکرد چنین می سرود :

یاحسان الوجوه سوف تموتون وتبلی الوجوه تحت التراب (۱)
یاذوی الاوجه الحسان المصونات و اجسامها المغاظ الرطاب (۲)
اکثروا من نعیمها و اقلوا سوف تهدونها لعفر التراب (۳)
قد نعتك الایام نعیاً صحیحاً بفراق الاعیان و الاصحاب (۴)

۱ـ ایگروه خوب‌رویان درآینده نزدیکی میمیرید وصورتهای شما زیر خاکها کهنه و پوسیده شود .

۲ـ اي‌صاحبان صورتهاي زیبا که نگهداری شد و بدن های سخت و تازه .

۳ـ چه‌نعمت آن بدن‌هارا زیاد کنید وچه کم بزودی باید در

دل‌خاك ارمغان فرستيد آنها را .

(۴) مسلم بگرياند ترا روزگار گريه اى درست در فراق بزرگان و دوستان.

ديگرى گفته است :

تذكر فلا تنسى المعاد و لا تكن
كأنك في الدنيا مخلّى و ممرج
فلا بدّ من بيت انقطاع و وحشة
و ان غرّك البيت الانيق المدبج

قيامت‌را بيادآور وفراموش مكن ومباش دردنيا مانند كسيكه نه مى‌ميرد وبكلى نابود ميشود پس ناچارى از خانهٔ قبر و وحشت آن واگر چه ترا مغرور كند كاخ نيكوى زينت شده وبرفراز بعضى از گورها اين‌نوشته پيداشده كه اشعار ذيل در آن بوده :

تزوّد من الدنيا فانك لا تبقى
وخذ صفوها لما صفت‌ودع‌الزلقا (۱)

و لا تأمنن الدهر انى امنته
فلم يبق لى خلاّ ولم يرع لى حقاً (۲)

قتلت صناديد الملوك ادع
عدواً ولم امهل علي ظنة خلقاً (۳)

و اخليت دارالملك من كل بارع
فشردتهم غرباً و مزقتهم شرقاً (۴)

فلما بلغت النجم عزاً و رفعة
فصارت رقاب الخلق لی رقاً (۵)

رمانی الردی رمیاً فأخمد جمرتی
فها انا ذا فی حفرتی مفرداً ملقی (۶)

فأفسدت دنیائی و دینی جهالة
فمن ذالذی منی بمصرعه اشقی (۷)

۱- از سرای دنیا توشه بر گیر زیرا که باقی نمی مانی وخوشی‌هایش چونکه زیادشد بگیر ولی وا گذار لغزش‌را .

۲- واز روزگار ایمن مباش همانا من خویش‌راایمن دانستم که نه‌حق مرا مراعات کرد و نه‌دوستی برای‌من باقی گذارد.

۳- بزرگان پادشاهان‌را کشته کسی‌را باقی نگذارده و مهلت وفرصت نداده بنابر کمان آفریدگان‌را .

۴- وخالی کرده‌است دارالملک‌را از بلندپایگان و دور افکنده آنان‌را و آبرویشان‌را برده .

۵- چون ستارهٔ اقبال من باوج عزت رسید وتمام مردم را بندهٔ خالص من قرار داد .

۶- دور افکنده مرا وچراغ مرا خاموش کرد اکنون‌درگودالی تنها افتاده‌ام .

۷- نادانی دین و دنیا مرا فاسد کرد پس از من بدبخت تر کیست دردنیا .

وگروهی از بزرگان گفته‌اند ای انسان خویشتن را بزرگ مشمار زیرا کسی‌که آفریده‌شدهٔ ازخاك و بخاك بر میگردد بزرگ

نیست چگونه تکبر ونازش میکند کسیکه اولش نطفه‌ای پلید و آخرش مرداری گندیده بوده و اکنون حامل کثافت میباشد بدان بزرگ نیست آنکس که مرضها اورابزانو درآورده ودردها فریادش را بلند کرده وروزگار او را فریب داده و از روزگار در امان نیست که جوانیش را ازاو میگیرد وثروتش ازدستش میرود واز فراز تخت قدرت فرودآید بسوی گوری تنگ هما نا ملك آن است که ازاین عیبها بدور باشد سپس این شعر را سروده‌است :

اين الملوك و ابناء الملوك و من قاد الجيوش الا بئس ما عملوا (۱)

باتوا على قلل الاجبال تحرسهم غلب الرجال و لم يمنعهم قلل (۲)

فانزلوا بعد عز من معاقلهم و اسكنوا حفراً يابئس ما نزلوا (۳)

ناداهم صارخ من بعد ما دفنوا اين الاسرة و التيجان والكلل (۴)

أين الوجوه التى كانت منعمة من دونها تضرب الاستار والحلل (۵)

فأفصح القبر عنهم حين سائلهم تلك الوجوه عليها الدود تنتقل (۶)

قدطال ما اكلوا دهراً وماشربوا فأصبحوا بعدطيب الاكل قداكلوا (۷)

سالت عيونهم فوق الخدود ولو رأيتهم ما هناك العيش يارجل (۸)

۱ـ کجایند پادشاهان وفرزندان پادشاهان وفرماندهان لشکرها آگاه باش که بدکرداری داشتند.

۲ ـ برفرازقله‌های کوه شبها را سحر کردند و دژبانان خشن آنان‌را نگهبانی میکردند ونتوانستند مانع ازمرگ آنان شوند.

۳ـ پس فرودآورده شدند از کاخها وجایگاهشان و جای داده شدند گودالهای قبررا و بدجائی فرود آورده شدند .

۴ـ پس‌از دفنشان فریاد کننده‌ای آنان‌را صدازد که کجایند

فرزندان وخانواده‌ها و تاجها .

۵- کجایند صورتهائیکه غرق درنعمت بودند وبابهترین وسائل زینت آرایش داده میشدند .

۶- قبر بابیانی گویا ازآنان پرسش کرد وکرمهای زمین برآن صورتها بالاوپائین میرفت

۷- بدرازا کشید روزگاری خوردن وآشامیدنشان پس شب را سحر کردند بعد خوردن غذاهای لذیذ کرمها بدنهایشان را خورد .

۸- دیدگانشان برفراز گونه هایشان روان شد اگر آنها را میدیدی دگر زندگی وخوشی آن برایت گوارا نبود ایمرد .

وحضرت امام حسین عليه‌السلام فرمود : ای فرزندآدم اندیشه کن و بگو پادشاهان دنیا کجایند و آنانکه دنیای ویران را آباد کردند کجایند آنها که نهرهای آب را روان ساختند ، شهرها بنا نمودند با ناراحتی همه‌را گذاشتند ورفتند گروه دیگر وارث آنان شدند ماهم درآینده‌ی نزدیکی به آنان ملحق می‌شویم ، ای فرزند آدم بیاد آر آنجارا که روزگار ترابزمین زندودرگورتو خوابگاه تست وياد کن آنروزی راکه درپیشگاه پروردگار قرار گیری اعضای تو بر ضررت گواهی دهند درآنروزیکه گامها بلغزدو جانها به گلوگاه رسد گروهی روسفید وجمعی سیه روباشند ورازهای نهفته آشکارشودمیزان دادگری نهاده گردد ، ای فرزند آدم بیادآر خوابگاه پدران ونیاکانت و فرزندانت را که چطور بودند وچگونه فرودآمدند و گویا توهم در آینده‌ی نزدیکی بهمان مکان ایشان فرودخواهی آمد وبرای دیگران عبرت وپند خواهی شد واین شعر راسرود :

این الملوك الذی عن حفظها غفلت
حتی سقاها بكاس الموت ساقیها(۱)

تلك المداین فی الأفاق خالیة
عادت خراباً و ذاق الموت بانیها(۲)

اموالنا لذوی الوراث نجمعها
ودورنا لخراب الدهر نبنیها(۳)

۱-پادشاهانیکه از نگهداری نفس خویش بیخبر بودند کجایند تاسر انجام ساقی مرگ جام مرگ رابه آنان چشانید.

۲-این شهرستان ها که دراطراف دنیاخالی شده‌است و بصورت خرابه‌ای درآمده‌اند بنیان گذارشان مرگ راچشیده است.

۳-مالهارا برای وارثین جمع کردیم وخانهایمانرابرای خرابی روزگار ساختیم.

آنچنانکه حضرت امیرالمؤمنین ؑ دنیارا نکوهش فرموده هیچکس بدینسان نکوهش نکرده است میفرماید: دنیا سرائی است بگرفتاری وبلا پیچیده شده و بفریب معروف و شناخته شده گردش و حالات دنیادوام نداردساکنینش سلامت نمی‌مانندوعوارضش دیگرگون خوشی درآن نکوهش گردیده، امنیت در او وجودندارد همانا اهلش درآن مانند هدفهای تیر میباشند که دنیا آنانرا تیر باران میکند و باتیر آنهارانابود میکنند.

بدانید ای‌بندگان خدا که شماو آنچه‌دراختیار شماست‌ازاین دنیا بر همان روش گذشتگان میباشید که‌عمرشان‌از عمر شما درازتر ودیارشان آبادتر و آثارشان دورتر و صداهایشان خاموش، بادهایشان

ایستاده و بدنهایشان پوسیده و شهرهایشان خراب، آثارشان درهم شکسته کاخهای سر بفلك کشیده محکم و متکاهای رنگارنگ را تبدیل به سنگهای سخت وقبرهای تاریك که بنایش بر خرابی ونابودی شده و ساختمانش با خاك محکم شده.

قبرها بهم نزدیك اما ساکنانش ازیکدیگر دورند در میان محله بیمنا کنان وحشت زدگان وفارغ بالان وسر گرمان که انسی بقبرها ندارند با اینکه بیکدیگر نزدیکند مانند همسایگان رفت و آمد نمیکنند چگونه رفت آمد داشته باشند بلاهای بد آنانرا آرد کرده وسنگ وخاك زمین آنانرا خورده و گویا شما نیز چنین خواهید شد و این خابگاه شما را گروگان گیرد وآن اما نتگاه شمارا در آغوش را کشد پس چگونه خواهد بود حال شما هنگامی که کار شما بپایان رسد وگورستان دگرگون شود.

هنالك تبلوا كل نفس ما اسلفت وردوا الى الله مولاهم الحق وضل عنهم ما كانوا يفترون(١).

اینجا است که بیابد هر نفسی آنچه را که پیش فرستاده و بازگردد بسوی خدا که صاحب اختیار ایشانست بر حق وگمراه گرداند ایشانرا خدایان دروغی، ابو هذیل وارد کاخ مأمون شد پس گفت که همانا این کاخ تو جای سکونت پادشاهانی پیش از تو بود که نشانه‌های شان کهنه شد و عمرشان تمام شد وخوشبخت کسی است که از گذشته گان اندرز بگیرد.

(١) یونس ٣٠.

باب پنجم در ترسیدن و بیمناک شدن از کتاب خداست

و نخوفهم فما یزیدهم الا طغیاناً کبیراً (۱) و بیم میدهیم ایشانرا پس نمی‌افزاید ایشان‌را مگر سرکشی و سرافرازی، و خدا میفرماید: بل‌الساعة موعدهم و الساعةادهی و امر (۲) بلکه قیامت وعده‌گاه ایشانست‌وقیامت ناگزیر سخت‌تر وتلخترا است.

أأمنتم من فی‌السماء أن یخسف بکم‌الارض فاذا هی‌تمور امامنتم من فی‌السماء أن یرسل علیکم حاصباً فستعلمون کیف نذیر (۳) آیا درامان شدید از آن‌خدائیکه درآسمان‌است که فروبرد باشمازمین‌را پس‌دراین هنگام زمین به‌اضطراب در می‌آید یااینکه ایمن شدید از خدائیکه درآسمان‌است که بفرستد برشما تندباد را، زود باشد که بدانید چگونه انذار میشوید و میترسید.

وما نرسل بالآیات الا تخویفاً (۴) و نمیفرستیم آیات ونشانه‌هارا مگر برای‌ترساندن افامن اهل‌القری‌أن یأتیهم بأسناضحی وهم یلعبون افامنوا مکرالله فلا یامن مکرالله الاالقوم الخاسرون (۵) آیا ایمن شدند ساکنان آبادیها که بیاید ایشان‌را عذاب ما هنگام چاشتگاه وایشان سرگرم بازی باشند آیا ایمن شدند مکر خدارا ایمن نخواهند ماند مگر مردمان زیانکار.

ویل لکل افاك اثیم یسمع آیات‌الله تتلی علیه ثم‌یصر مستکبراً

---

(۱) اسراء ۶۲.
(۲) قمر ۴۶.
(۳) ملك ۱۶.
(۴) اسراء ۶۱.
(۵) اعراف ۹۶.

کأن لم یسمعها فبشره بعذاب الیم(۱) وای بر هر دروغگوی گنهکاری که می‌شنود آیات خدا را که بر او خوانده می شود بعد پافشاری در سرفرازی میکند مثل اینکه آیات را نشنیده پس او را مژدهٔ عذاب دردناك بده.

ولو یؤاخذالله الناس بظلمهم ما ترك علیها من دابة (۲) و اگر خدا مردم‌را بستمکاریشان کیفر میکرد جنبنده ای روی زمین باقی نمیماند ظهر الفساد في‌البر والبحر بما كسبت ایدی الناس لیذیقهم بعض‌الذی عملوا لعلهم یرجعون (۳) در دریا وخشکی فساد آشکار شده است بسبب آن چه که دستهای مردم انجام داده تا بچشاند ایشانرا قسمتی از پاداش عملهایشانرا شاید ایشان ازاین تبه کاری بر گردند .

وتلك القری اهلکنا هم لما ظلموا (۴) و این دهکده را تباه ساختیم چونکه ستم کردند فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم طیبات احلت‌لهم (۵) پس بسبب ستمی که از یهودیان سرزدحرام کردیم بر ایشان حلالی‌را که پاکیزه‌است برای ایشان .

وخدای سبحان فرموده : ولولا كلمة سبقت من ربك لكان لزاماً وأجل‌مسمی(۶) اگرپیشی نمیگرفت‌کلمهٔ پروردگارت درتأخیرعذاب و از کافران تاروز قیامت که آن کلمه لكان لزاماً میباشد مسلم خدا

(۱) جاثیه ۶۰ (۲) نحل ۶۲
(۳) رو ۴۰.
(۴) کهف ۵۸ (۵) نساء ۶۰
(۶) طه ۱۲۹۰

آنانرا دردنیا عذاب و کیفر میکرد .

ما کان الله لیعذبهم و انت فیهم و ما کان الله معذبهم و هم یستغفرون (۱) وخدا ایشانرا عذاب نمیکند درصورتیکه تو در میان ایشان باشی و نیز مجازات کنندهٔ ایشان نیست در حالتیکه طلب آمرزش‌ازخدامیکنند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده که در میان مردم دو امان است رسولخدا صلی الله علیه و آله واستغفار ، پس رسولخدا ازمیان مردم بر داشته شد یکی از آن‌دو امان بجای ماند که همان استغفار باشد .

رسولخدا فرمود : بندگان خدا لختی ازنافرمانی خدا عنان در کشید وخودرا کنترل کنید زیرا که کیفر و مجازات خدا سخت است و نیز رسولخدا فرموده که‌همانا خدا چیزی ببندگانش نبخشید که ازآنان بگیرد پس اگر نعمتی بقومی عطافرموده باقی گذارده آنرا تازمانیکه شب وروز باقی‌است واین نعمترا از ایشان‌نمیگیرد درصورتیکه ایشان سپاسگزارند .

مگر اینکه کفران نعمت کنند و ازحالت‌شکر وسپاسگزاری بناسپاسی گرایند و از اطاعت خدا بنافرمانی خدا منتقل شوند آیهٔ شریفه بهمین مضمون اشاره میکند ، ان‌الله لایغیر مابقوم حتی‌یغیروا ما بانفسهم (۲) همانا خدا نعمت هیچ گروهی‌را دگرگون نمیکند تا زمانیکه خودشان رادگرگون نکرده‌اند .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده : که خدای تعالی همانا گرفتار میکند بندگانش‌را وقتیکه گناهشان طولانی شد بکمی‌میوه‌ها

(۱) انفال ۳۳ . (۲) رعد ۱۲ .

وحبس بر کنها وبستن درهای گنجینه‌های خوب را تا توبه کننده‌توبه کند وبرگردد وخودداری ازگناه کند و معصیت‌را ریشه کن نماید و بیادخدا بیفتد یادکننده وخویشتن‌را مانع از گناه شود همانا خدا استغفار و طلب آمرزش را سبب از برای آمرزش و فزونی رزق و رحمت از برای آفریدگان قرار داده .

پس خدای سبحان فرموده : استغفروا ربکم انه کان غفاراً یرسل السماء علیکم مدراراً ویمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات ویجعل لکم انهاراً (۱) طلب آمرزش کنید از پروردگارتان که آمرزندهٔ گناهان میباشد از آسمان برای شما باران پی در پی میفرستد وپاری میکند شمارا بمالها وپسران ، وباغهای سرسبز وخرم برایتان قرار میدهد ونیز برایتان نهرهای جاری‌قرار میدهد .

پس خدای بیامرزد کسی‌را که توبه‌اش را مقدم دارد وشهوتش را دنبال اندازد ولغزش‌را فسخ کند زیرا که آرزوی درازش او را فریب دهد ومرگش از او پنهان‌است نمیداند کی اجلش میرسد و شیطان براو موکل است که توبه‌اش‌را بتأخیر اندازد تاهلاکش کند وگناه‌را درنظرش جلوه میدهد تاانجام دهد تا به‌آرزوی خویش‌برسد و او بی‌خبرترین بیخبران میباشد پس افسوس بر بیخبریکه تمام عمرش بر او حسرت وپشیمانی‌است ، وتمام روزگارش رابسوی‌بدبختی کشیده شده .

پس از خدای تعالی خواهانیم که ما و شما را از کسانیکه نعمتهای خدارا بیهوده مصرف میکنندقرار ندهد وبدین سبب کوتاهی

---

(۱) نوح

در فرمانبرداری پروردگار نکنیم و بدین جهت پس از در گذشت مرگمان پشیمانی وغصه بما نازل نشود

و رسول‌خدا فرمود: اگر ایشان هنگامیکه نعمت از آنان گرفته میشود و سزاوار بلامیشوند با حرص و آز بخدا پناه آورند و بترسند ونیتهایشان را درست وباطنشان‌را خالص کنند نعمت از دست رفته برایشان باز گردد ومسلم هرفاسدی بر ایشان‌اصلاح گردد.

ونیز نبی اکرم فرموده: هماتا برای خدای تعالی فرشته‌ای است که هرشب فرود می‌آید سپس صدا میزند و میگوید: آهای بیست‌ساله‌ها سعی و کوشش کنید، سی‌ساله‌هازندگانی‌دنیاشمارا نفریبد فرزندان چهل ساله چه چیز برای روز ملاقات پروردگارتان مهیا کرده اید.

ای پنجاه سالگان پیری در رسید، آهای شصت ساله ها شما مانند زراعت وکشتی هستید که فصل دروش نزدیك شده، ای هفتاد ساله‌ها شمارا صدامیزنند جواب دهید، هشتادساله‌ها ساعت آخرعمر فرارسید وحال‌اینکه شما بی‌خبرید، بعد آن‌فرشته میگوید اگر نبود بندگانیکه همیشه در رکوعند ومردانیکه فروتنی میکنند وکودکان شیر خوار و چهارپایانیکه سر گرم چریدن میباشند بر فراز سر شما عذاب میبارید.

وپیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: گرامی‌دارید ضعیفان خویش‌را زیرا که به ضعیفان روزی داده میشود ونصرت ویاری خواهند شد.

ونیز فرموده: ای پسران هاشم و ای فرزندان عبدالمطلب ای اولاد عبدمناف وپسران قصی خویشتن‌رااز‌خدا بخرید وبدانید که من

بیم‌دهنده‌ام ومرگ تغییردهنده است ساعت و قیامت وعده گاه است و چونکه این آیه نازل شد و انذر عشیرتك الاقربین (۱) و بیم ده خویشاوندانت را .

بر کوه صفا بالا رفت خویشانرا جمع کرد وفرمود : ای‌پسران عبدالمطلب ، و ای فرزندان عبدمناف ، ای اولاد قصی خویشتن را از خدا بخرید زیرا که من شمارا از خدا بی‌نیاز نمی کنم بهیچ‌وجهی‌ای عباس عموی محمد و ای صفیه عمهٔ محمد و ای‌فاطمه دختر محمد ، سپس صدازد هرمردیرا بنامش و هرزنی را باسمش .

آگاه‌باشید مردم روزرستاخیزمی‌آیند ومیگویند : محمدازماست وفریاد میزنند ای‌محمد ! ای‌محمد ! من ازشما دوری میکنم بواسطهٔ کردار ناپسندتان بخدا سوگند دوستان من از شما جز پرهیزکاران کسی نیست ان اکرمکم عندالله اتقیکم(۲) گرامیترین‌شما درپیشگاه‌خدا پرهیزگارترین شماست .

و روایت شده که چون پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مریض‌شد بهمان مرضی که درگذشت از خانه خارج‌شد درحالتیکه دستمالی‌بسر بسته وبدوش امیرالمؤمنین علیه‌السلام وفضل‌بن‌عباس تکیه کرده مردم‌هم پشت‌سرش‌روان بودند سپس‌فرمود : ایگروه مردمان مرگ‌من نزدیك‌شده‌مأمورم که برای‌اهل بقیع طلب آمرزش از خدا کنم بعد رسول‌خدا آمد تاوارد بقیع‌شد بعد فرمود : السلام علیکم یا اهل التربة یااهل الغربة درود بر شما ای گروه خاك‌نشینان و ای دورافتادگان .

---

(۱) شعراء ۲۱۴ . (۲) حجرات ۱۳ .

گوارا باد شمارا آن‌حالتی که در آن شب را بسحر رساندید پس از در گذشت شما فتنه‌ها مانند پاره‌های شب تاریك آمد که‌اول آن پیروی از آخرش میکند سپس برایشان طلب آمرزش کرد‌واستغفارش بدرازا کشید و برگشت بر فراز منبر بالا رفت مردم هم گردش جمع‌شدند

سپس ستایش خدارا کرد‌بعد فرمود:ای گروه مردمان‌در گذشت من رسیده زیرا که جبرئیل در سال یك‌مرتبه قرآن‌را بمن عرضه میداشت وهمانا امسال دومرتبه قرآن‌را از نظرم گذرانده ومن‌چیزی دراین‌باره‌نمی‌گویم جز اینکه بگویم اجل ومرگم نزدیك‌شده هر کس ازمن طلبی دارد خاطر نشان کند تا بپردازم وبهر کس وعده ای داده‌ام یادآوری کند تا وفانمایم .

ای‌مردم آرزو نکند آرزو کننده‌ای نخواهد کسی راه نجات زیرا که بخدا سوگند نجات ورهائی نیست مگر بکردار نیك ورحمت خدا اگرمن‌هم که پیغمبرم گناهکار باشم سقوط خواهم کرد بعدصورت بسوی آسمان بلند کرد وعرضکرد بارپروردگارا ! انجام وظیفه کردم و رساندم .

پیغمبر (ص) فرمود : زینهار بپرهیزید از گناهان کوچك زیرا که برای همان گناهان کوچك ازطرف‌خدا پرسش کننده‌ایست و همانا گناهان کوچك بر مرد جمع میشود تا اینکه او را هلاك وتباه کند.

و فرمود : اگر میدانستید آنچه را که من میدانم مسلم کم خنده میکردید وزیاد گریه برخود مینمودید وبکوه و صحرا خارج

می‌شدید و گریه بر کردار خویش میکردید اگرچهارپایان میدانستند از مرگ آنچه‌را که شما میدانید گوشت‌چاق و فربه پیدانمیشد که شما بخورید .

ورسول‌خدا فرمود : بدانید بخدا سوگند اگر آنچه‌را که من دانایم شما میدانستید برخویشتن گریه‌میکردید و مسلم سر بکوه و صحرا میگذاشتید از کردار‌خویش پشیمان میشدید ودارائی‌خودبدون حافظ ونگهبان وامیگذاشتید وبیمی برثروت خودنداشتید ولی شما فراموش کردید آنچه‌را بخاطر داشتید وخاطرآسوده شدیدازآن‌چه شمارا می‌ترساند پس رأی‌شما متزلزل وامرتان پراکندهٔ برشماشد.

بدانید بخدا سوگند که‌من وعده‌داده شده‌ام که همانابگروهی ازشما بهتر پیوندم مردمیکه بخدا نیکو رای برتری دارند از نظر حکمت گفتارشان راست وا گذارندگان سرکشی وستم ازهمان‌اول‌راه راست‌را پیمودند بزندگی جاویدان آخرت و کرامت همیشگی دست یافتند و پیروز شدند .

بدانید بخدا سوگند که برشما آشکارا شود ومسلط‌گرددپسری از قبیلهٔ بنی‌ثقیف که‌از فراوانی کبر ونخوت جامه‌اش بزمین کشیده میشود و ازحق روگردان باشد مال‌شمارا بخورد وپیه‌شمارا آب کند که‌او حجاج بن‌یوسف ثقفی باشد .

وحضرت رسول نیز فرموده که : پارسایان در دنیا دلهایشان گریه میکند اگرچه ظاهراً خندان باشد وسخت اندوهنا کند اگرچه ظاهراً شادمان باشند وخشمشان برنفسشان فراوانست‌اگرچه‌رشک‌بیرند

به آنچه روزی داده شده‌اند .

وحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درطی خطبه ئی بعداز ستایش خدا فرموده: همانادنیا پشت کرده باهلش وبجدائی آنها اعلان کرده و همانا آخرت رو آورده‌است ونزدیك شده آگاه باشید که امروز روز آماده‌شدن و فردا روز پیشی گرفتن، پیشی گرفتن بسوی بهشت و پایانش آتش است پس آیا توبه کننده‌ای از گناه پیش از مرگ نیست و آیا نیست کسیکه پیش‌از رسیدن روز سختی وبدبختی برای نجات‌خویشتن چاره‌ای کند .

آگاه باشید شما در روزگار آرزو و امید باشید کـه پشت سر این‌روز مرگست‌وبس، پس هـر کس در روزگار امیدواریش پیش از رسیدن مرگش کاری کرد کردارش او را بهره بخشد مرگش زیانی باو نرساند وهر کس در روزگار پیش ازمرگ کوتاهی کند کردارش زیان‌آورد وهلاکش کند و مرگش زیان آورد .

آهای هنگام راحتی عمل کنید همانطور که هنگام ترس وبیم عمل میکنید آگاه باشید کـه‌همانا من طالبی را مانند طالب بهشت خوابیده ندیدم وعذابی‌را مانندوزخ ندیدم که‌گریزان ازآن‌درخواب غفلت باشد هر کس که حق باو فایده نرساند مسلم باطل بوی زیـان خواهد رساند وهر کس بواسطه حق براه راست نیامد گمراهی اورا بسوی پستی وهلاکت برگرداند .

آگاه باشید که همانا شما مأمور بکوچ کردن و حرکت و راهنمائی بتوشه برداشتن شده‌اید وهمانا دوچیز مهم‌است که بر شما ترسان‌وبیمناکـهستم یکی پیروی هوای نفس و دیگری آرزوی دراز

پس از دنیا توشه بر گیرید در همین دنیا چیزی را که در قیامت شمارا نجات دهد .

میگوید بندهٔ نیازمند برحمت خدا (حسن فرزند محمد دیلمی) که خدا اورا به‌رحمتش بپوشاند که همانا این کلام از آنحضرت پندیست بزرگ ومهم است فائدهٔ آن ، گفتاریست رسا اگر سخنی باشد که از آن پند و اندرز گرفته‌شود همین سخن علي عليه السلام دراین‌زمینه کافی است ریشه کن کنندهٔ آرزوهاست .

واثر گذارندهٔ نور پندواندرزاست وبخدا گردنهای‌اندیشمندان دراین‌سخن کشیده میشود و آنان را بسوی زهد و پارسائی میبرد واین سخن مردم‌را مجبور بکارهای آخرت میکند پس ای‌خردمندان اندرز بگیرید ، اندیشه کنید ، دیدگان را به‌معنی‌های‌این‌سخنان بینا کنید .

ودرخطبهٔ دیگر که آن‌خطبه هم مانند همین است فرموده : بدنیا مانند نگاه پارسایانی که دوری ازآن کرده‌اند نگاه کنید زیرا که بخدا سوگند دنیا بزودی ساکنانش‌را نابود میکندوصاحبان‌نعمت را غمگین و افسرده خاطر میسازد آنچه که ازدست‌انسان گرفته شده بر نمیگردد و از آیندهٔ دنیا خبر ندارد باید انتظار داشت که شادمانی‌دنیا آمیختهٔ به غمهاست نیرو وقدرت مردان دنیا به سستی و ناتوانی میرسد .

پس فریب ندهد شما را زیادی آنچه که شما را به شگفت می آورد بواسطه‌ی کمی آنچه که همراه شماست از دارائی دنیا ، خدای‌بیامرزد آنکس‌را که اندیشه کند و پند بگیرد و بینا باشد ،

گویا آنچه که در دنیاست در آینده‌ی نزدیکی نابود شود و آنچه که مربوط به‌آخرت است برای همیشه ثابت و پابرجا باشد و هرچه که‌از دنیا بحساب آید کم خواهد شد و هرچه‌را که در انتظارش باشید می‌آید وهر آینده ای نزدیك است

و دانشمند آنکس است که ارزش خویش را بشناسد ، در نادانی مرد همین بس که قدر خود را نشناسد و دشمن‌ترین بندگان بسوی خدا همانا بنده ایست که‌خدا او را بخودش واگذارد سرگردان وحیران ازراه راست باشد و هدفش‌را نداند چیست وبدون راهنما راه را به‌پیماید اگر بسوی کسب مال‌دنیا دعوت شود اجابت میکند اگر بسوی آخرت دعوت شود کاهلی میکند گویا عملی را که برای دنیا انجام میدهد بر او واجب است و آنچه برای آخرت انجام میدهد از او ساقط است اینها در زمانیست که در آن زمان کسی سالم‌نمی‌ماند جز مؤمنی که دائم الذکر است و کم اذیت که اگر حاضر باشد کسی او را نشناسد واگر غایب باشد جستجویش نکنند.

اینان چراغهای هدایت و مشعلهای فروزان برای شبروان و برای سخن چینی وفساد در گردش نیستند نادان و سفیه نباشند که گناهانرا انتشار دهند واشاعه فاحشه کنند خداوند درهای رحمتش را بروی اینان میگشاید و از ایشان عذاب سختش را برطرف میکند ایمردم همانا روزگاری می‌آید که‌مردم فقط باسم اسلام بی نیاز باشند و از اسلام خبری نباشد آنچنانکه ظرف تنها به آنچه که در آن ریخته میشود بی‌نیاز باشد .

ایمردم خداشمارا پناه‌داده از اینکه آتش برشما فرستد و شما راعذاب‌نمیکند مگراینکه آزمایش‌تان کند چنانکه میفرماید :ان في ذلك لايات وان كنا لمبتلين (۱) همانا این داستان نشانه‌هائیست و گرچه ما آزمایش کنندگانیم.

ونیز حضرت درخطبه‌ی‌دیگر که‌مسیرهمین‌خطبه راطی میکند فرموده: آگاه‌باشید که دنیا مسلم گذشته ودر آستانهٔ نابودی است و فنای خودرا اعلام کرده‌وگذشت‌خودرانیزاخطار کرده‌است تغییر داده است خوبیهایش راوبسرعت باهلش پشت کرده دنیا با مشقت‌ها اهلش را کوچك میکند وبوسیلهٔ مرگ همسایگانش رابیم‌میدهدو میترساند شیرینهایش تبدیل به تلخی میشود صفا وجلا وروشنیش کدرو تیره میگردد پس بجانمی ماند از دنیامگر کمی باندازه‌ایکه در ته مشك آبی بجامانده یاقطره‌ای مانند اشك چشم که اگر طلب کند آنرا تشنه فایده‌ای نه‌بخشدبسرعت کوچ کنید ای‌بندگان خدا از این خانه‌ایکه زوالش براهلش مقدر است وشمارانفریبددراین دنیا مدت زندگانی وطولانی نشود بر شما این مدت سوگند بخدا ایمردم اگر ناله‌وفریاد کنید شما مانند ناله و فریاد شتران بچه مرده و بخوانید مانند خواندن کبوتر وبسوی خدابلند کنید صدایتان را بدعا مانند صدای رهبانی که ترك دنیا کرده‌اند و مالها وفرزندانتان راواگذارید بواسطه نزدیکی بخدادر بلندی مقامها ودرجات وآمرزش گناهانیکه که کرام الکاتبین‌شمرده‌اندونوشته‌اند ونگهداری کرده‌اند .

---

(۱) مؤمنون ۲۹ .

مسلم کم است درمقابل کرداری که بیمنا کم برشماازمجازاتش و در مقابل کردار نیکی از پاداش آن برایشان امیدوارم و بخدا سوگند اگر آب شود دلهایتان و ازدیدگانتان خون بجای اشك بریزید ازترس وبیم خدا بعددراین دنیا تاباقیست زندگی کنید پاداش کردار شما برابری نعمتهای بزرگی که خدا بشما بخشیده وشما را راهنمائی بسوی ایمان کرده نخواهدشد .

ونیز رسول خدا فرمود : زمانی بیاید که دوروئی آشکار شود امانتداری ازمیان برداشته شود ، خوبی ومهربانی عوض و بدل شود ، امین تهمت زده شود ، خائن امین گردد فتنه ها مانند شبهای تیره شما را بیابد .

ودر گفتهٔ خدای تعالی چنین آمده: ونادوا یامالك لیقض علینا ربك(۱) واهل دوزخ فریاد کنند ای مالك بمیراند مارا خدای تو تا ازاین عذاب نجات پیدا کنیم چهل سال فریاد زنند وایشان را جواب ندهند پس از چهل سال میگوید که نجاتی برای شما نیست سپس میگویند ربنا اخرجنا منها فان عدنا فاناظالمون (۲) پروردگارا مارااز جهنم بیرون آر پس اگر برگشتیم بدنیا ومعصیت تراکردیم ماناستمکارانیم چهل سال خدارا می خوانند پس ازچهل سال بایشان گفته میشود : اخسئوا فیها ولا تکلمون (۳) دورشوید درجهنم و بامن سخن نگوئید .

بعدازاین آنگروه نا امید میشوند ازنجات ، باقی نمی ماند مگر داد وفریاد آنچنانکه الاغ فریادمیزند .

---

(۱) زخرف ۷۶. (۲) مؤمنون ۱۰۹.
(۳) مؤمنون ۱۱۰.

وفرموده است که سخت میشود بر اهل آتش گرسنگی در آن عذابیکه بسر میبرند هی‌فریاد میزنندغذا! غذا! طعامی به‌آنان داده میشود که گلوگیر باشد وعذابی دردناك و آبی گرم به آنها میدهند که احشاءوامعایشانرا از یکدیگر جدا میکنند پس بمالکین جهنم گویند بخوانید پروردگارتان را یك روز هم که شده عذاب ما را سبك نماید.

سپس بآنان گفته میشود مگرچنین نبود که آمد شمارا رسولان وپیغمبران بادلیل وبرهان روشن، گویند بلی‌آمدند بآنان گویند پس بخوانید خدارا وخواندن کافران جز گمراهی‌نیست.

وحضرت حسن بن‌علي عليه السلام فرموده که: همانا خدای‌تعالی غل وزنجیرهارا در گردن‌اهل جهنم قرارنداده که‌آنان‌را عاجز و ناتوان کند بلکه برای این‌است که‌هر گاه شعلهٔ‌آتش‌خاموش گردد آنان را درته جهنم اندازد.

بعد ازاین گفتار حضرت مجتبی عليه السلام بیهوش گردید چون‌ازحالت بیهوشی بخودآمد فرمود: ای‌فرزند آدم پرهیزده نفس خود را زیرا او یك‌نفس بیش نیست اگر خویش‌را دوست‌داری نجات پیدا میکنی و اگر هلاك ونباه‌شدی نجات دیگران برای‌تو فایده‌ای ندارد.

وحضرت رسول فرموده است: وای بر ثروتمندان از دادخواهی نیازمندان وفقیران در روز قیامت ورستاخیز آنگاه که نیازمندان میگویند پروردگارما ثروتمندان‌در بهره‌ایکه ازاموالشان برای‌ماواجب ومعین کردی ستم کردند وحق مارا ندادند.

وحضرت فرمود: بد بنده‌ایست آن‌بنده که‌دلش بسوی غیر خدا رود وسرگرم لهو ولعب وغافل‌باشد و از خـانهٔ قبر و گرفتاریش فراموش نماید و نیز بدبنده‌ای است بنده‌ایکه سرکشی وطغیان‌نماید واز اول وآخر ومبدء ومعادش فراموش‌نماید ، بدبنده‌ایست آن‌بنده که آز وطمع اورا بهرکجا که‌خواهد بکشاند وثروت اورا سرکش کند وهوای‌نفس پستش نماید .

خلیفة بن حصین روایت کرده‌قیس بن‌عاصم گفته‌است که با گروهی بررسول‌خدا واردشدم حضرت‌فرمود : خویشتن‌را باآب‌سدر بشوی پس خودم‌را شستم وبسوی آنحضرت برگشتم وعرضکردم ما را اندرزیکه فایده‌دارد بده سپس فرمود : ای‌قیس هما نا با هر عزت وبلندی ذلت و پستی همراهست و بازندگی مرگ است و مردن .

همانا همراه دنیا آخرت‌است هرچیزی در دنیا حسابی دارد ، برای هرچیزی نگهبانیست ، برای هرکار خوبی پاداش و جزائیست ، برای هر کار زشتی کیفری‌است ، ای‌قیس چاره‌ای نیست از رفیقیکه باتو دفن‌شود واو زنده‌است وتو که بااو دفن می‌شوی مرده‌ای .

پس اگر رفیق‌تو گرامی وکریم‌باشد تورا گرامی‌دارد و اگر پست‌باشد تراواگذارد بعددفن نخواهی‌شد مگر بااو و دفن نمیشود او مگر باتو پس آنرافرارمده مگرشایسته وصالح زیرا آن‌رفیق اگر شایسته‌باشد یار ومونس هم‌اوست واگر ناشایسته‌باشد بوحشت نیندازد ترا مگر هم‌او .

سپس عرضکرد ای رسول خدا اگر این پند و اندرز بصورت

شعری درآید افتخار میکنیم برهر کس که از عرب بعدازما بیاید. حضرت اراده فرمودند که حسان بن ثابت را بخوانند تااین جملات را به‌نظم در آورد مردی در آنجا بنام صلصال بود این شعر را گفت:

تخیّر خلیطاً من فعالك انما قرین الفتی فی القبر ما کان یفعل(۱)
فلا بد بعدالموت من ان تعدّه لیوم ینادی المرء فیه فیقبل(۲)
فان کنت مشغولا بشیء فلاتکن بغیر الذی یرضی به‌الله تشغل(۳)
فلن یصحب الانسان من بعدموته ومن قبله الا الذی کان یعمل (۴)
الا انما الانسان ضیف لاهله یقیم قلیلا بینهم ثم یرحل (۵)

۱ـ از کردار نیکوی خویش هم‌نشینی انتخاب کن که همانا همراه مرد درقبر کردار اوست.

۲ـ ناچار و ناگزیر است که بعدازمرگ آماده‌ومهیا شود برای آنروز که مرد راصدازنند درآنروز سپس رو بیاورد.

۳ـ اگر بناست بچیزی سرگرم باشی جزآنچه که خوشنودی خدا در اوست بچیز دیگر مشغول وسرگرم مباش.

۴ـ پس هرگز همراه نمیشود انسان پیش ازمرگ مگر همان کرداری را که انجام داده.

۵ـ آگاه باش کـه انسان چند روزی مهمان خانواده‌اش هست مدت کوتاهی باشد درمیان ایشان سپس کوچ میکنند.

ورسول خدافرموده: برای هرانسانی سه دوست است یکی از آنان میگوید اگر مـرا پیش از خودفرستی برای تـو خواهم بود و امادیگری گوید: من با تو هستم تا دم گور تااینکه ترا در آنجا به سپارم وبرگردم سومی گوید: من باتو هستم هیچگاه از تو جدا نشوم

رفیق‌اول ثروت اوست و اما دومی خـانواده و فرزندان اوینه سومی کردار نیك اوست اینجاست که میگوید بخدا سوگند ایکردارنیك تو دردنیا ازهر سه‌تای اینها درنظرمن پست‌تر وبی‌ارزشتر بودی‌ایکاش من جز تو بکاردیگر سرگرم ومشغول نمیشدم .

وعرباض بن‌ساویه گفته‌است که پندواندرز میداد مارارسول خدا اندرزی که دیدگان بسوی‌او برگشت ودلها ازآن اندرز بیمناك شد سپس عرضکردیم ای‌رسولخدا همانا این‌پند واندرز شما امانت‌است برای‌ما پس به‌چه‌چیز مارا وصیت میکنی .

حضرت فرمود : شمارا واگذاشتم درراهی راست وروشن کـه شبش مانند روز روشن است پس‌ازاین کسی منحرف و گمراه نمیشود مگر اینکه نابود وتباه‌گردد و هرکس از شما زنده بماند بعدازاین اختلافات زیادی‌می‌بینند پس برشما باد بعدمن برآنچه‌را که‌ازسنت ودستورات من بخاطر دارید .

وبرشما باد عملکردن بدستورات‌جانشینان‌من‌هدایت کنندهٔ‌از اهلبیت‌من پس باشجاعت بدامان آنان چنگ بزنید و پیروی از حق کنید گرچه صاحب‌حق غلامی حبشی باشد زیرا کـه مؤمن مانند شتریست که‌اورا مهار کرده‌اند وبهر کجابکشندمیرودازصاحب‌خویش اطاعت میکند وحضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود : درتفسیر آیهٔ ثم لتسئلن یومئذ عن‌النعیم (۱) که‌مراداز‌این نعمت تندرستی ، امنیت ، نیرو وقدرت ، سلامتی و گفته شده‌است که‌مرادازاین نعمت آب سرد است درهوای گرم .

---

(۱) تکاثر ۸ .

ورسول‌خدا صلی الله علیه و آله چنین بود که هرگاه آب می نوشید میفرمود: الحمدلله الذی لم یجعله اجاجاً بذنوبنا و جعله عذباً فراتاً بنعمته ستایش خدائیراست که این آب‌را بواسطهٔ گناهان‌ما تلخ وشور قرار نداد بلکه آن‌را گوارا قرارداد و سفیان عیینه (۱) گفته‌است بنده‌ای از بندگان‌خدا نیست مگر اینکه خدابراو حجتی قرارداده، یااینکه دراطاعت خدا سهل‌انگاری کرده یا مرتکب گناهی شده یااینکه در سپاسگزاری کوتاهی نموده.

ورسول‌خدا فرموده: که خدای‌تعالی میفرماید: ای‌فرزند آدم مراانصاف ندادی آیابوسیلهٔ‌نعمتهایم باتودوستی نکردم اماتوباگناهانت بامن دشمنی میکنی، خیرمن بسوی‌تو فرودآمده وشرتوبسوی من‌بالا آمده وهمیشه‌گاه‌و بیگاه در هر روز فرشته‌ای گرامی زشتی‌های کردارت رابسوی من می‌آورد.

ای‌پسر آدم اگربشنوی کسی بدگوئی تراکرده وحال اینکه نمیدانی‌عیبجو کیست باشتاب بسوی خشم وغضب اومیروی و بر او خشم میکنی وفرموده‌است که درازی آرزو فرجام ومهلت طولانی شمارا فریب ندهد زیرا که گرفتن و کیفر او دردناك وعذابش دشوار وسخت است همانا برای خدای‌تعالی درهر نعمتی حقی است که آن سپاسگذاری خداست آنکه سپاس گذاری کند نعمتش زیاد میشود وآنکس که درسپاسگذاری کوتاهی کند نعمت ازاو گرفته میشود وسلب میگردد پس خدا بلایش رابشمانشان دهددر حالتیکه بیمناك باشید، آنچنانکه شما رادر حال نعمت

(۱) بروزن جهینة.

شادمان دید .

وابن عباس گفته است آخرین آیه‌ایکه نازل شد این آیه بود واتقوا یوما ترجعون فیه الی الله ثم توفی کل نفس ما کسبت وهم لایظلمون(۱) بترسید از آنروزیکه بسوی خدا بر گردید سپس پاداش داده شود هر نفسی آنچه را که اندوخته وایشان ستمکرده نمیشوند .

ونیز رسول خدا فرمود: که من آیه‌ای از کتاب خدا سراغ دارم اگر خدا به آن تمام مردم را بگیرد آنانرا کافی باشد عرضکردند یا رسول الله آن آیه کدام است سپس فرمود : ومن یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب (۲) وهر کس از خدا بپرهیزد خدا هم برای او مخرجی قرار میدهد و روزی رساند او را از مکانیکه گمان ندارد .

فکلا اخذنا بذنبه فمنهم من ارسلنا علیه حاصباً و منهم من اخذته الصیحة و منهم من خسفنا به الارض ومنهم من اغرقنا وماکان الله لیظلمهم ولکن کانوا انفسهم یظلمون (۳)

پس هر طایفه‌ای را بگناهشان گرفتار کردیم بعضی از آنان کسانی بودند که سنگ بر آنان بارید، گروهی از آنان گرفتار صدای آسمانی شدند ، قسمتی از آنانرا بزمین فرو بردیم، دسته‌ی دیگر را غرق کردیم خدا بآنان ستم نکرد بلکه خودشان بخود ستم میکنند .

رسول خدا فرمود ظاهر و آشکار میشود درمیان امت من ذلت و خواری و تهمت ، عرض کردند ای رسول خدا درچه زمانی گرفتار خواری

---

(۱) بقره ۲۸۱ . (۲) طلاق ۳ .

(۳) عنکبوت ۳۹ .

وتهمت میشوند فرمود: هرگاه غناء زنان خواننده.خوردن شرابها آشکار شود وشب زنده‌داری میکنند گروهی از امت من باسرور زیاد و نعمت فراوان ولعب وبازی و شب را صبح میکنند درحالتیکه میمون و خوك میباشند بواسطه‌ی حلال شمردن ایشان حرام را و بواسطه‌ی گرفتن زنان رقاصه وخوردن شراب و گرفتن فرع ودر باو پوشیدن لباس ابریشم.

وحضرت فرمود: هرگاه زمامدارستم کند باران کم میشود و هرگاه اهل ذمّه را فریب دهند ونیرنك بازی کنند دشمنانشان بر آنان آشکار گردد وهرگاه کارهای زشت وناپسندید آشکار شود زمین لرزه ایجاد شود وهرگاه امر بخوبی‌ها معروف وپیشگیری ازمحرّمات کم شود محرمات مباح شمرده شود همانا گناه بجای ثواب وثواب بجای گناه قرار گیرد بعد اندیشه کنندپس ازفکرواندیشه پشیمانی و بازگشت است .

قال الله تعالى : ذرهم يأكلوا و يتمتعوا ويلههم الامل فسوف يعلمون (۱) واگذار ایشانرا تابخورندوبهره ببرند و سرگرم کند ایشانرا آرزوها بزودی بدانندو حضرت فرموده : کەمرگ آیدپیش از رسیدن بآرزو وگروهی گفته‌اند اگرمسیر مرگ را ببینی کجاستمسلم دشمن‌داری آرزو و فریبش را .

انس گفته که ما درمحضر رسول خدا بودیم‌سپس لباسهایش را زیرسرش گذاشت وخوابید تند بادی وزیدحضرت بیمناك از خواب بلند شد وردایش را گذاشت، سپس عرضکردیم‌ایرسول‌خداترا چه‌میشود فرمود: گمان کردم کەهمانا قیامت برپا شد . و فرمود: پسر آدم‌پیر

(۱) حجر ۳

میشود ولی دو خصلت با او باقی میماند یکی حرص و آز دیگری آرزو .

وحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای فرموده : بپرهیزید از خدا که‌چه‌بسیار صاحب‌آرزوئی بآرزویش نرسد وگردآورندۀ مال که‌ثروتش خوردۀاو نشود وشایدهم ازحرام جمع‌آوری کرده باشد و چه‌بسا حق‌واجب آنرا منعکرده باشد وحرام در مالش رسیده باشد و دشمنش آنرا بارث ببرد وزر ووبالش برای‌اوبماند و بر پروردگارش زیانکار وغمگین وافسرده‌خاطر واردشود وزیانکار دنیا وآخرت باشد این‌است خسران وزیان آشکارا .

و اصمعی گفت ازمرد عربی شنیدم که میگفت همانا آرزوها گردن مردان‌را قطع کرده مانند سراب که امیدوار بخودش را پشت سر افکنده ولی آنکس که آنرا ازدور دیده فریبش داده و کسیکه شب‌وروز مرکب سواریش باشد اورا بسرعت بمنزل مرگ میرساند وبدیگران ملحق می‌نماید چنانکه شاعر گفته‌است :

و یمشي المرء ذا اجل قریب و في‌الدنیا له امل طویل(۱)
و یعجل للرّحیل‌ولیس یدری الي ماذا یقرّب به الرحیل (۲)

ودیگری گفته‌است :

یا ایها المطلق آماله من دون آمالك آجال (۳)
کم أبلت‌الدنیا و کم‌جددت فیناوکم تبلی وتغتال (۴)

۱ـ ومرد راه‌میرود درحالتیکه مرگ‌او نزدیك‌است و برای او دردنیا آرزوی دراز است .

۲ـ برای‌حرکت و کوچ کردن شتاب‌دارد ولی نمیداند کاروان

اورا بچه‌چیز نزدیك میکند .

۳- ای کسیکه آرزوهای‌خویش‌را رها کرده‌ای پیش‌ازآرزوهای تو مرگهاست .

۴- چقدر دنیا درمیان‌ما تازه و کهنه کرد چقدر گرفتار کرد و فریب داد .

وحضرت حسین‌بن‌علي عليه السلام فرمود : ای‌پسر آدم همانا تو مانند روزگاری هرروزیکه برتو بگذرد قسمتی ازتو کاسته و کم‌گردد ، و بمردی گفتند حال‌تو چطوراست ؟ گفت : به‌خدا سوگند شب را صبح کردم دربی‌خبری از مرگ با گناهانیکه دورمرا گرفته ومرگی که بسوی من درشتاب‌است وبرزحشتی که نمیدانم بچه سختی‌ومشقتی‌مرا می‌اندازد بنابراین از من بدتر وخطرش بزرگتر کیست ؟ بعد گریه کرد ، ابوالعتاهیه وارد شد بر ابی‌نواس در مرض فوتش پرسید نفس خودرا چگونه یافتی وخود را چطور می‌بینی ؟ ابی نواس این‌شعر را خواند :

رب في الفني سفلا و علواً　　　واراني‌اموت عضواًفعضواً(۱)

ذهبت جدتي بطاعة نفسي　　　فذكرت طاعة الله نضواً(۲)

ليس من ساعة مضت بي الاّ　　　نقضتني بمرّها جزؤاً (۳)

قد أسأت كلّ الاسائة فاللهم　　　صفحاً عنّا وعفواً عفواً (۴)

۱- پیری خیلی مرا پائین و بالا انداخت دمی‌نماید مرگ مرا که‌روح من عضوی پس‌ازعضوی ترك می‌نماید بدنرا .

۲- کوشش وسعی من درپیری نفسم مصرف شد پس‌درحالت‌ضعف وناتوانی بیاد اطاعت پروردگار افتادم .

۳- ساعتی بر من نمیگذرد مگر اینکه با تلخی درهم می شکند قسمتی ازعمر مرا .

۴- خیلی بدی کردم پروردگارا بگذر از گناهم دیبخش مرا .

یمدّ المنی للمرء آمال نفسه
وسهم الرّدی من لحظ عینیه قد نزع(۱)

لمن یجمع المال البخیل و قد رآی
مصارع من قد کان قد جمع (۲)

بیچارگی میکشاند مردرا آرزوها و آمال بطوریکه تیر مرض قدرت دیدن‌را از دیدگانش گرفته ونمی‌بیند که برای کی مال را جمع میکند بخیل وحال‌اینکه دیده‌است خوابگاه کسانی‌راکه‌مال‌ها را گردآوردند .

باب هشتم گذشت عمر

پیغمبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرمود : عمر امت من بین شصت‌تاهفتاد سال است و کم‌است کسیکه عمرش بیش ازین باشد چنانچه در قول خدای‌تعالی‌است أولم نعمرکم ما یتذکر من تذکر (۱) آیاعمرندادیم شمارا آن‌قدر که پند واندوز گیرد کسی که باید پند بگیرد دراین بیان‌خدا چهل‌سالگان راملامت و نکوهش میکند و گفته شده خطاب بجوانان هجده‌ساله است وآمد شمارا بیم دهندهٔ پیری در قول خدای

(۱) فاطر ۳۷.

تعالی که میفرماید : وقد بلغت من الکبر عتیاً (۱) وبدرستیکه ازپیری درنهایت ناتوانی رسیده‌ام یعنی از شصت‌سال تجاوز کردم .

ودروایت‌شده که فریاد میزنند ای‌مردمان شصت‌ساله خود را در شمار مردگان بیاورید وگروهی از بزرگان گفته‌اند همانا کسیکه خودرا باول شصت سال برساند مرگ‌او نزدیك میشود وبعضی ازشاعران چنین سروده‌اند :

تزوّد من الدنیا فـانك لاتبقی

وخذ صفوها لمّا صفت ودع الزّلقا (۱)

و لا تأمنن الدهر انی امنته

ولم یبق لی خلاّ ولم یبق لی خلفاً (۲)

ودیگری گفته‌است

تزوّد من الدنیا فانك راحل

و بادر فان الموت لاشكّ نازل (۳)

و انّ امرء قد عـاش ستین حجة

ولم یتزوّد للمعـاد فجـاهل (۴)

۱ـ ازسرای دنیا توشه‌برگیر زیرا که در آن بـاقی نمی‌مانی و خوشیهایش‌را بگیر ولی لغزشش‌را واگذار .

۲ـ واز روزگار ایمن‌مباش ، همانا من خویش را ایمن دانستم که نه‌دوست ونه جانشینی برایم باقی‌گذارد .

۳ـ زاد وتوشه ازدنیا بردار زیرا که تو کوچ کننده‌ای وشتاب

(۱)مریم ۹.

کن زیرا که بدون‌شك مرگ فرا میرسد .

۴- وهمانا مرد اگر شصت‌سال دردنیا زندگي کند و زاد و توشه برندارد برای روزرستاخیز جاهل ونادانست .

ودیگری گفته است

اذا كانت الستون عمرك لم يكن
لدائك الا أن تموت طبيب (۱)

وان امرء قد عاش ستين حجة
الى منهل من ورده لقريب(۲)

اذا ذهب القرن الذي أنت فيهم
و خلّفت في قرن فانت غريب (۳)

۱- هرگاه عمرتو بشصت سال رسید برای درد تو دکتری جز مرگ نمی باشد .

۲- و اگر مردی شصت‌سال زندگی کند بسوی آبگاه مرگ مسلم‌نزدیکست.

۳- هرگاه بگذرد عصریکه تودرآنعصر زندگی میکني و داخل عصر دیگری شدی پس‌تو در آنعصر غریبی .

ودر قول خدای‌تعالی آمده‌است : انما نعدّلهم عدّاً(۸۸ مریم) نفس‌هائیکه میکشید برایتان می شماریم ، نفس‌هائیکه زیان دارداگر درغیرطاعت وبندگی‌خدا مصرف‌شود ، وگروهی گفته‌اند که عمر کوتاه است وسفردور باصلاح روزهایت مشغول‌شو که درآن‌روزهاچه‌میکنی؟ وتوشه برگیر برای سفردورودرازت وازآنچه که جمع‌آوری کرده‌ای بهره‌بردار پس چیزي ازین سرای گذران ومحل عبورت برای سرای

جاویدانت بفرست پیش از آنکه بااضطراب از آن جدا شوی وحساب پس بدهی و فایده و لذتش را دیگران ببرند پس چقدر درنگ تو در دنیا کم است و چقدر مقام تو در آخرت ارجمند است . وبعضی ازشاعران سروده‌اند.

لهفي على عمر ضيّعت أوله
وغال آخره الاسقام والهرم (۱)

كم أقرع السن عندالموت من ندم
وأين يبلغ قرع السن والندّم (۲)

هلا انتهيت و وجه العمر مقتبل
والنفس في جدة والعزم مختزم (۳)

۱- دریغا برعمریکه دراول جوانی تباه‌شد وآخرش‌راهم‌دردها وپیری‌نابود کرد .

۲- وچقدر هنگام جان‌دادن دندان بدندان بکوبم از پشیمانی وکجا فائده دارد دندان بهم فشاردادن وپشیمانی .

۳- کاش ازکار بددست میکشیدم‌موقعی که جوانی به‌من روآورد ونفس‌در کوشش واراده آهنین بود .

ودر گفتهٔ خدای تعالی آمده است لقد خلقنا الانسان في أحسن تقويم ثمّ رددناه أسفل سافلين(۱) بتحقیق آفریدیم‌انسان را در بهترین صورت جوانی بعد برمیگردانیم او را بحالت پیری ، گروهی گفته‌اند که پیری جاسوس مرگست وطلیعهٔ نابودی و قاصد مرگست و جدا ـ کنندهٔ آرزوها و اولین قدم آخرت و مقدمهٔ پیری و جاسوس انتقال

(۱) تین ۴ و ۵ .

آدمی و طلیعهٔ آخرت و اندرزدهنده‌ای گویا و او برای نادانان ترساننده و برای خردمندان مژده دهنده و او نشانهٔ وقار است وشعارنیکان وخوبان‌است ومرکب تندرو مرگ و جوانی لذتی خواب مانند است.

وگفته شد بپیری عابد که‌زندگی‌را برای چه‌دوست‌داری‌گفت: برای اینکه برگناهانم اشک بریزم.

وحضرت نبی‌اکرم فرمود: بهترین‌جوانان‌شما آنانند که روش پیران را داشته‌باشند وبدترین پیران شما کسانی باشند که بصورت جوانان درآیند ونیز حضرت‌رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله گفته که خدای‌تعالی‌فرموده: سوگند بعزت وجلالم همانا آزرم وشرم دارم ازبنده‌ام وکنیزم که‌در اسلام‌پیر شده‌اند آندورا عذاب کنم بعد گریه کرد سؤال‌شدیارسول‌الله چرا گریه میکنید فرمود: گریه میکنم برای کسانیکه خدا شرم دارد از عذابشان ولی آنان ازنافرمانی شرم‌وحیا ندارند.

وگروهی گفته‌اند هرکس که تیرمرگ در جوانی بماو نرسد پای‌بند پیری اورا مقیدسازد ونیزبعضی‌ازشاعران گفته‌اند:

انی اری رقم البلا — في قرن رأسك قد نزل(۱)

و أراك تمشي دائماً — في كل يوم بالعلل (۱)

والشيب و العلل الكثير — ة من علامات الاجل (۳)

فاعمل‌لنفسك ايهاالمغرور في‌وقت‌العمل (۴)

وديگرى گفته است:

و لقد رأيت صغيرة — فسترت شيبي بالخمار(۵)

قالت غبار قد علاك   فقلت ذا غير الغبار (۶)

هذا الذی نقل الملوك   الی القبور من الدیار (۷)

۱- همانا نوشته مرگ را می بینم که بر فراز سرت فرود آمده .

۲- و نیز ترا می بینم که همیشه و هر روز بواسطهٔ علتها و دردها سقوط میکنی .

۳- و بدانکه پیری و علل فراوان از نشانه های مرگ میباشد .

۴- برای خویشتن کاری کن ای فریب خورده در هنگام عمل .

۵- روزی دخترك کوچکی را دیدم موهای سفیدم را با دستمالی پوشیدم .

۶- بمن گفت غبار است که بر چهره ات نشسته گفتم این سوای غبار است.

۷- این همانست که پادشاهانرا بسوی گورستانها از شهر و دیارشان انتقال میدهد .

باب نهم در فلسفه ی مرض

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی باصحاب و همراهانش فرمود : کدام یك از شما سلامتی را دوست دارد و مایل است که مریض نشود عرض کردند تمام ما یارسول الله چنین هستیم سپس فرمود : آیا مایلید مانند الاغی گمشده باشید ؟ آیا شما دوست ندارید از آنان باشید که مرضشان کفارهٔ گناهشان باشد ؟ سوگند بپروردگاریکه جانم در دست قدرت

اوست برای مرد درجه‌ایست در بهشت که بهیچ عملی از اعمال بآن نمیرسد مگر بصبر وشکیبائی در بلا وبزرگی پاداش و جزا در برابر بلائی بزرگ وهمانا خدا هرگاه بنده‌ای‌را دوست‌دارد اورا گرفتار بلای بزرگی میکند پس‌اگر بآن بلا خوشنود و شکیبا بود خوشنودی خدا برای اوست واگر درمقابل آن‌بلا و گرفتاری خشمگین و غضبناك بود غضب وخشم‌خدا برای اوست .

وحضرت فرموده است : اگر مؤمن میدانست دربلا و گرفتاری ومرض چه فایده‌ای برای اوست دوست نداشت که‌آنی از مرض جدا شود ونیز فرمود که مردمان سلامت دوست دارند روز قیامت که‌با قیچی گوشتهای آنانرا بچینند بواسطهٔ آنچه که می‌بینند از پاداش و جزای مردمیکه دردنیا گرفتار بودند .

وحضرت موسی عرض کرد پروردگارا دوست ندارم مرضی‌را که بواسطهٔ ناتوانی از آن درعبادت‌بخل ورزم‌ونیزدوست نمیدارم‌تندرستی راکه خدارا ازیادمن ببرد ولی دوست‌دارم که بین ایندو باشم گاهی مریض وگاهی تندرست یکمرتبه مریض شوم که بیادتو باشم وباری تندرست باشم سپاسگزاری ترا نمایم .

وروایت‌شده که ابی‌دردا مریض و بیمارشد سپس او را عیادت کردند عیادت کنندگان گفتند از چه شکایت‌داری ؟ پاسخ داد از گناهانم پرسیدند میل بچه‌داری ؟ گفت بآمرزش پروردگارم گفتند نمیخواهی برایت دکتر بیاوریم گفت دکتر خودش مرا مریض کرده گفتند ازاو بپرس چرا ترا بیمار کرده ؟ گفت پرسیده‌ام فرموده است من هرچه‌را اراده کنم انجام میدهم .

ونیز مردی مریض‌شد باوگفتند خودت‌را معالجه و درمـان کن گفت قوم عاد و ثمود واصحاب رس (۱) و مردمـانیکه بین‌این اعصار بودند دکترهای متخصص دراسراض گوناگون داشتند وداروهای‌مؤثر نیز داشتند نه از دکتر ها اثری بـاقیست و نه‌از بیمارهـا کسی باقیمانده‌اگر بنابود دارو بکلی جلو مرض را بگیرد نه دکتری میمرد و نه پادشاهی .

باب دهم پاداش عیادت بیمار

حضرت ابیعبدالله علیه‌السلام فرمود که رسول‌خدا فرموده‌است : تب جاسوس مرگست وزندان خداست درروی زمین و گرمی تب از دوزخ است واین بهرهٔ هرمؤمنیست از آتش ونیکو دردی‌است تب هر عضوی از بدنرا بهرهٔ خودش رااز بلا میدهدونیست خیری در کسیکه گرفتار ومبتلا نشودوهمانا مؤمن‌چون یکمرتبه تب کند گناهانش مانندبرگ درخت میریزد .

پس اگر در بستر مرض نـاله‌ای کند آن‌نـاله درحکم تسبیح پروردگار است واگر فریاد کشد فریادش ثواب لااله الا الله دارد و در بسترش که از پهلوئی بپهلوی دیگر میغلطد مانند سربـازیست که درراه خدا شمشیر میزند واگر درحال مرض عبادت خدا را بکند

---

(۱) قوم عاد امت حضرت هود وقوم ثمود امت حضرت‌صالح واصحاب رس امت حضرت شعیب بودند .

آمرزیده میشود ، وتب یکشب کفارهٔ گناه یکسال است زیرا که درد تب یکسال در بدن باقی میماند وآن کفارهٔ گناهان گذشته وآینده‌اش میباشد وهر کس که یکشب بیمار شود وآن بیماری را با آغوش باز بپذیرد وسپاسگزاریش را ادا کند برایش کفارهٔ گناه شصت سال گناه‌است بواسطهٔ قبول کردن مرض و یکسال هم برای صبر در بیماری باشد و بیماری برای مؤمن پاکی ورحمت‌است و برای کافران عذاب و نفرین است و همیشه مؤمن هم آغوش بیماریست تا زمانیکه گناهی بر او باقی نماند و درد سر یکشب تمام گناهانرا بر طرف میکند جز گناهان بزرگ .

وحضرت رسول فرموده‌است : که برای مؤمن درمرضش چهار خصلت است : قلم ازاو برداشته میشود وخدا بفرشتگان امر میکند که برایش بنویسند همان ثوابیکه‌درحال تندرستی انجام‌داده وگناهانش میریزد آنچنانکه برگ‌درخت میریزد وهر کس مریضی‌را دیدن کند ازخدا چیزی نخواهد مگراینکه باو ببخشد وخدا بفرشتهٔ دست‌چپ‌او فرمان میدهد که بر بندهٔمن گناهی ننویسی تا زمانیکه در حفظ و نگهبانی من‌است وبفرشتهٔ دست‌راست دستور میدهد که نالش اورا حسنه‌قرارده ، بیماری‌بدن‌را از گناه خالی‌میکند آنچنانکه‌دم‌آهنگر آهن‌را صاف میکند وهرگاه بچهٔ کوچك مریض‌شود کفارهٔ گناه پدر و مادر باشد .

وروایت شده که‌در مناجات حضرت موسی باپروردگارش عرض کرد پروردگارا مرا آگاه کن باداش عیادت‌مریض چیست ؟ فرمود : گناهان اورا میشویم مانند روزیکه از مادرش متولدشده فرشته ای

براو موکل میکنم تاروز رستاخیز اورا عیادت کنند موسی عرض کرد: ثواب کسیکه اورا بشوید چیست؟ فرمود گناهان اورا میشویم مانند روزیکه از مادرش متولد شده عرض کرد پاداش آنکه تشییع جنازه‌اش را کند چیست؟ فرمود: فرشتگانم را امر میکنم که آنانرا در گور مشایعت کنند تاروز محشر عرض کرد پاداش آنکس که مصیبت‌زده‌ایرا تسلیت بدهد چیست؟ فرمود: در آنروزیکه هیچ سایه‌ای جز سایهٔ رحمت‌من نیست اورادرسایهٔ رحمت‌خود نگاه‌دارم.

و نیز پیغمبر اکرم فرمود که: عیادت کنندهٔ بیمار غرق در رحمت الهی میشود و در آن فرومیرود وهنگامیکه در پیش مریض بنشیند پوشیدهٔ دررحمت‌خدا شودومستحب است که برای‌بیماردعا کند پس‌بگوید:

اللهم رب السموات ورب الارضین و ما فیهن و ما بینهن و ما تحتهن و رب العرش العظیم اشفه بشفائك و داوه بدوائك و عافه من بلائك واجعل شکایته کفارة لمامضی من‌ذنوبه ولمابقی (١)

و برای بیمارهم مستحب است که‌در حق عیادت کننده دعا کند زیرا که دعای بیمار مستجاب است و کراهت دارد زیاد نشستن پیش مریض.

---

(١) بارالاها. پروردگار آسمان‌هاوزمینهای هفتگانه و پروردگار آنچه که درزمینها و مابین آسمان و زمین است و آنچه در زیر زمین است وای پروردگار عرش بزرگ شفا بده بیمار را بشفای خودت و درمان کن اورا بدرمان خود وامان ازبلایا عنایت فرما و شکایت‌اورا کفارهٔ گناهش قرار ده.

باب یازدهم توبه و شرایط آن

یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبة نصوحاً (۱) ای کسانیکه ایمان آوردهاید بسوی خدا بازگشت کنید بازگشتی خالص وهمیشگی.

انما التوبة علي الله للذین یعملون السوء بجهالة ثم یتوبون من قریب فاولئك یتوب الله علیهم (۲) جز این نیست که پذیرفتن توبه بر خدا برای کسانیست که بنادانی بدی راانجام میدهند بعد بزودی توبه میکنند پس ایشانند که خدای توبهٔ آنانرامیپذیرد، جهالت در آیه یعنی هنگامیکه عذابرا می بیند ولیست التوبة للذین یعملون السیآت حتی اذا حضر أحدهم الموت قال انی تبت الأن ولا الذین یموتون وهم کفار (۳)

و نیست توبه برای آنانکه بدیهارا انجام میدهند هنگامیکه آثار مرگ یکی از آنان آشکارشود بگوید من همین الان توبه میکنم و نه هم برای آنانکه میمیرند وحال اینکه ایشان کافرانند خدای تعالی نفی کردهاست پذیرش توبهٔ از گناه را هنگام دیدن نشانهٔ مرگ همانا توبه پذیرفته میشود هنگامیکه یقین بمرگ نکردهباشد زیرا که خدای تعالی وعده داده بگفتهٔ خودش پذیرفتن توبهرا .

چنانچه میفرماید : وهوالذی یقبل التوبة عن عباده و یعفوا عن السیآت (۴) وآن خدائیستکه توبهٔ بندگانشرا میپذیرد وازبدیهایشان

(۱) تحریم ۸ . (۲) نساء ۱۷ .
(۳) نساء ۲۳ . (۴) شوری ۲۳ .

در میگذرد ، و باز به قول خودش فرموده : غافر الذنب قابل التوب شدید العقاب (۱) آمرزندهٔ گناه و پذیرندهٔ توبه سخت انتقام گیرنده .

پس توبه از کارهای زشت واز خلل رساندن بواجبات ذاتاً واجب است بعد اگر توبه، حق خدای تعالی باشد مانند ترک نماز وروزه وحج وجهاد وزکوة وحقوق دیگر یکه برای نفس و بدن یا یکی از این دو واجب است .

پس بر توبه کننده واجب است شروع در توبه باقدرت وتصمیم بر آن توبه وپشیمانی از آنچه که درگذشته کوتاهی کرده نسبت باحکام وتصمیم گرفتن براین که دوباره آنعمل را انجام دهد ولی اگر توبه از حقوق مردم باشد واجب است بر گرداندن حق مردم را بخودشان اگر زنده‌اند واگر مرده‌اند بعداز مرگ بوارثین آنان باید بر گرداند در صورتیکه عین مال باقی باشد واگر عین مال نبود مانند همان مال را بر گرداند ولی اگر وارثی نداشتند باید از نیابت آنان صدقه بدهد اگر میداند چقدر بوده واگر نمیداند آنقدر بدهد که گمانش غلبه پیدا کند که بآن اندازه داده .

وپشیمان باشد برمالیکه غصب کرده وقصد کند که دوباره مانند آن عمل را انجام ندهد وطلب آمرزش از خدا کند و استغفار نماید براین که تجاوز ازفرمان خدای تعالی و پیامبر وامام زمانش کرده باشد پس برای خدا ورسول وامام دراین جا حقیست که بوسیلهٔ استغفار

(۱) مؤمن ۲.

ادا میشود .

واگر توبهٔ از آبروریزی دیگران است یاسخن وتهمت بدروغ بر مردم زده واجب است در اختیار آنانکه حقی بر او دارند قرار گیرد واز آنان اطاعت کند و اقرار نماید بدروغیکه نسبت بآنان داده و حق آنانرا ادا کند وذمه‌اش را بری نماید یا بوسیله‌ای آنانرا از خودش راضی کند

واگر توبهٔ ازآدمکشی یا مجروح کردن یا وارد کردن نقص دربدن آنها باشد پس درمقابل صاحبان حق تسلیم شود و رام گردد برای بیرون آمدن ازحق آنان بطوریکه امر بآن از طرف خدا شده از قبیل قصاص یامجروح کردن بدنش یا پرداختن دیه از کشتن نفس محترمی که عمداً کشته اگر صاحبان مقتول بخواهند و بدیه راضی شوند وگرنه درمقابل کشتن کشتن است .

واگر توبهٔ ازمعصیت و گناه زنا یامیخواری و مانند این گناهان باشد پس توبهٔ از آن گناه پشیمانی وندامت است بر آنعمل زشت وقصد این که دو مرتبه باین گناه بر نگردد ولی توبه تنها گفتن مرد استغفرالله ربی واتوب الیه نیست گفتن این کلمه نه حق خدا نه رسول نه امام و نه حق مردم را ادا میکند .

پس گفتن مرد استغفرالله بدون ادای حق مردم مسخره کردن خودش میباشد و گناه را بسوی خویش بدروغ میکشاند چنانچه روایت شده که همانا بعضی ازمردم بمردی گذشت وحال اینکه اومیگفت استغفرالله و مردم را هم فحش میداد فحش واستغفار را تکرار میکرد

آنکس که فحشهای او را میشنید باو گفت من هم از این استغفار تو استغفار میکنم و برمیگردم تو ایمرد خودت را مسخره میکنی ؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : ایمردم بسوی خدا برگردید برگشتنی خالص پیش از آنکه بمیرید و سبقت و پیشی بگیرید بکردار شایسته پیش از آنکه سرگرم دنیا شوید واصلاح کنید بین خود و پروردگارتانرا تا خوشبخت و سعادتمند شوید و صدقه بسیار بدهید تا روزی شما فراوان شود وامر بمعروف کنید تا نگهداری شوید ونهي از بدیها کنید تا خدا شمارا یاری کند .

ایمردم زیرکترین شما آنکس است که بسیار بیاد مرگ باشد و دور اندیش ترین شما کسی است که آمادهٔ مرگ است و همانا از نشانه‌های خرد اطمینان نداشتن بدنیای فریبنده است و برگشت بسوی سرای جاویدان است ورفت وآمد کردن بگورستان وآماده شدن برای روز قیامت .

وحضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرمود در دعایش: اللهمّ اغفر لی کل ذنب وتب عليّ انك أنت التواب الرحیم بار پروردگارا بیامرز برای من تمام گناهانرا وبپذیر توبهٔ مرا همانا تو پذیرنده‌ای مهربانی.

وگفته شده که همانا شیطان گفته است بعزت تو ایخدا همیشه فرزندان آدم را گمراه ودعوت بگناه میکنم تازمانیکه روح دربدنشان باشد سپس خدای فرمود : بعزت و جلال خودم او را از توبه مانع نمیشوم تازمانیکه روح ازبدنش جدا نشده و خدا بنده‌ای را نمیمیراند مگر بعداز آنکه بداند که اگر زنده هم بماند توبه نمیکند .

همانطور که خبر داده ازقول اهل جهنم که میگویند خدایا ما را برگردان که عمل صالح انجام دهیم و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه انهم لکاذبون (۱) و اگر بر گردانده شوند بهمان کرداریکه نهی شده اند بر گشت میکنند و از سر میگیرند و همانا ایشان دروغگویانند.

وهمانا رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درهر روزی هفتادمرتبه استغفارمیکرد ومیگفت: استغفر الله ربی و اتوب الیه وهمین‌طور بودند اهلبیت پاك وپاکدامنش و اصحاب شایستهٔ آن حضرت بنا بگفتهٔ خدایتعالی که میفرماید: وأن استغفروا ربکم ثم توبوا الیه (۲)وهمانا طلب آمرزش از پروردگارتان کنید بعدهم بسوی او برگردید.

مردی بحضرت رسول عرض کرد ایرسول‌خدا گناه کارم فرمود: طلب آمرزش ازخدا کن عرض کرد توبه کرده‌ام بازمرتکب گناه شده‌ام حضرت فرمود: هرچه گناه میکنی بازهم بگو استغفرالله عرض کرد ایرسول‌خدا درآنوقت گناهم بسیار است حضرت فرمود بخشش خدا از گناه‌تو بیشتراست همیشه توبه کن تا این که شیطان از تو دور گردد و فرمود: همانا خدا شادمانتر است بتوبهٔ بنده از خود بنده نسبت بخودش وخدافرموده است: ان‌الله یحب التوابین ویحب المتطهرین (۳) خدا پاکان‌وتوبه کنندگان‌را دوست میدارد.

و نیز رسول خدا فرمود: نیست بندهٔ گناهکاریکه گناه کرده سپس بر خیزدوضو بگیرد ودورکعت نماز بخواند وطلب آمرزش کند

---

(۱) انعام ۲۸. (۲) هود ۰۳

(۳) بقره ۲۲۲.

مگر این که خدا اورا بیامرزد و بر خدا سزاوار است که توبهٔ اورا بپذیرد زیرا که خدا فرموده : ومن یعمل سوءاً أو یظلم نفسه ثم یستغفر الله یجدالله غفوراً رحیماً (۱) وهر کس گناهي را انجام دهد یا بر خود ستم کند بعداز خدا طلب آمرزش کند خدا رابخشنده و مهربان می یابد .

وفرمود که بنده همانا گناه میکند ووارد بهشت میشود گفته شد که چطور میشود این یا رسول الله ؟ فرمود : همیشه گناه خود را پیش نظردارد ودائماً از آنگناه استغفارمیکند وپشیمان بر آن کردارش میباشد پس خدااورا وارد بهشت میکند ومن چیزي بهتر از کردار نیکی که بعد از گناه قدیم و پیشین که پیدا میشود ندیدم انّ الحسنات یذهبن السیئات ذلك ذکری للذاکرین (۲) همانا نیکوئیها بدیها را میبرد واین اندرزیست برای پند گیرندگان .

وفرمود هر گاه بنده گناه کند نقطه‌ای سیاه بردلش باشد پس اگر آن بنده توبه کند وبر گردد آن نقطه‌راریشه کن کندو چون طلب آمرزش نماید دلش از آن سیاهی پاك ونورانی گردد واگر توبه‌ نکرد وطلب آمرزش ننمود گناه بالای گناه باشد و سیاهي بالای سیاهی بطوریکه همهٔ دلش‌را سیاهی بپوشاند پس بواسطهٔ پرده‌های زیاد گناه برآن‌دل دلش بمیرد چنانکه خدای تعالی میفرماید : بل ران علی قلوبهم ماکانوا یکسبون (۳) بلکه گناه بردلهای آنان پرده‌های سیاه

(۱) نساء ۱۱۰ . (۲) هود ۱۱۶ .

(۳) تطفیف ۱۴ .

را غلبه‌داده، خردمند آن کسیست که خودشرا مرده‌حساب کند واز خدا بخواهد که‌اورا بدنیا برگرداند تااین که توبه کندو نقطهٔ‌سیاه‌دل را ریشه کن نماید وخویشتن‌را اصلاح کند پس خدا او را جواب دهد ادهم سعی و کوشش دراین‌کار نماید.

و در قول خدایتعالی آمده و لنذیقنّهم من العذاب الادنی دون العذاب الاکبر لعلهم یرجعون(۱) ومیچشانیم‌ایشانراعذاب دنیا سوای عذاب بزرگ قیامت شاید ایشان برگردند فرموده است مراد بعذاب ادنی مصایب در مال‌واهل وعیال‌وفرزند و نفس است سوای‌عذاب‌اکبر که‌عذاب جهنم‌باشد وقول خدایتعالی که درآیه میفرماید شاید ایشان برگردند یعنی ازگناه ومعصیت برگردند واین‌کار مربوط بدنیاست که ازگناه‌برگردند.

و خداوند بداود پیغمبر وحی فرستاد که ای داود بترس از آن زمان که ترا قبض روح کنم و تو فریب خورده باشی و بدون توبه بمیری.

وروایت‌شده کلماتی‌را که‌آدم ازپروردگارش یادگرفت و بهمان واسطه خدا توبهٔ‌آدم‌را قبول کرد اینهاست که خدامیفرماید: ربنا ظلمنا انفسناوان‌لم تغفر لنا وترحمنالنکوننّ من‌الخاسرین(۲).

پروردگارا مابخویشتن ستم کردیم واگر تو مارا نیامرزی وبر ما رحم نکنی مسلم ما از زیانکارانیم وروایت‌شده که‌آدم و حوا دیدند که بردر بهشت نوشته‌شده محمّد،علي، فاطمه ،حسن وحسین‌برگزیدگان آفریده‌های منند پس خدارا بحق آنان سوگند دادند خداوند هم‌توبهٔ

(۱) سجده ۲۱ . (۲) اعراف ۲۲ .

آنـان‌را پذیرفت .

وبرای توبه چهار شرط است :

۱- پشیمانی بدل
۲- تصمیم براین که برگشت بگناه‌رادوباره ترك نماید
۳- ادای حقوق مردم هرحقیکه ازمردم بعهدهٔ اوست .
۴- تمام‌اعضا هرعملی‌را انجام میداده‌اند ترك نمایند .

توبهٔ نصوح توبه‌ایست که توبه کننده دو باره برگشت بگناه نداشته‌باشد . و توبه کنندهٔ از گناه مانند کسی است کـه گناهی نداشته و آن که پافشاری بر گناه دارد و استغفار میکند خودش را مسخره میکند وشیطان‌هم اورا مسخره‌میکند وهماتامرد هرگاه‌بگوید پروردگـارا از توطلب آمرزش میکنم و بسوی تو بر میگردم وتوبه می‌نمایم بعد برگردد بعد بازطلب‌آمرزش و توبه کند بازبر گردد تـا چهارمرتبه دربار چهارم از دروغگویان شمرده میشود و بعضی گفته خودصاحب واختیاردار خویشتن باش اختیار خویش‌را بدست دیگران مده تو که خودت‌را درزندگیت ضایع میکنی چگونه جانشینان خویش را برضایع کردن ملامت ونکوهش میکنی .

حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام شنید که مردی میگوید استغفرالله سپس فرمود : مادرت بعزایت بنشیند تو حد واندازهٔ استغفاررامیدانی؟ استغفار درجه وجایگاه علیین وبلند پایگانست وآن نامی‌است که‌شش معنی دارد :

۱- پشیمانی بر افعال و کردارگذشته .

۲- تصمیم اینکه دگر برگشت بآن کردار نکنی .
۳- حقوق مردم‌را بخودشان برگردانی تا خدا را پاك و پاکیزه ملاقات کنی .
۴- هرواجبی که از توفوت‌شده قضایش‌را بجاآوری .
۵- گوشتیکه از حرام ومعصیت روئیده قصد کنی که‌به ناراحتی عبادت آبش کنی .
۶- بچشانی بدنترا الم و زحمت اطاعت همانطوریکه شیرینی گناه ومعصیت را چشانده‌ای .

مضی أمسك الماضی شهیداً معدلا
و أصبحت فی یوم علیك شهیداً (۱)
و ان کنت بالامس اقترفت اسائة
فثن باحسان و أنت حمید (۲)
و لا تدع فعل الصالحات الی غد
لعل غداً یأتی و أنت فقید (۳)

۱- دیروز تو گذشت درحالیکه گواهی دهندهٔ دادگری است بر ضرر تو و بامداد کردی در روزی که بر ضرر و علیه تو گواهی میدهد .
۲- واگر تو دیروز نزدیك بکردار بدی‌بودی پس‌ستایش نیکو کن درصورتیکه ستایشگر خوبی باشی .
۳- کارخوب امروزرا بفردا میَنداز شایدفردا بیاید وتو نباشی .
ودیگری گفته است :

(تمتع انما الدنیا متاع		و انّ دوامها لا یستطاع (۱)

(وقدّم ما ملكت وأنت حيّ امير فيه متبع مطاع(۲)
(ولا يغررك من توصي اليه فقصر وصية المرء الضياع(۳)
(ومالي أن املك ذاك غيري واوصيه به لولا الخداع (۴)

۱- بهره برگیر ازدنیا که‌دنیا متاع وکالائیست هماناهمت باقی نخواهد ماند .

۲- وپیش‌فرست از آنچه مالکی وحال‌این که تو زنده‌ای وصاحب اختیار هستی که فرمانت اجرا واطاعت میشود .

۳- وفریب ندهد ترا کسیکه باو وصیت میکنی که خیلی از وصایای‌مرد ناقص‌ماند وتباه گردید .

۴- وعذری برای من نبود که‌این مال‌را بدیگری بدهم و باو دربارهٔ مصرفش وصیت کنم اگر فریب نمیداد .

اذا ما كنت متخذاً وصياً
فكن فيما ملكت وصي نفسك (۱)
ستحصد ما زرعت غداً و تجني
اذا وضع الحساب ثمار غرسك (۲)

۱- هرگاه خواستی وصی وجانشینی برای‌خود بگیری پس در دارائی خود وصی نفس خویش باش .

۲- بزودی درو کنی آنچه راکه کاشته‌ای روز قیامت ، و میوه نهالی که‌کاشته‌ای بچینی روز حساب .

باب دوازدهم در یادآوری مرگ

حسن فرزند ابی‌الحسن دیلمی مصنف این کتاب که خدا اورا برحمت خود بپوشاند گفته‌است که همانا هرکس مرگ‌را پیش دو دیدگانش قراردهد اورا دردنیا پارسا کند وگرفتاریهارابرایش‌آسان نماید واورا مایل بکارهای خوب گرداند وواداراش بتوبه کند ونگذارد اوراکه جری‌شود ومانع ازدرازی آرزو وگسترش آن میشود در دنیا وکم اتفاق‌افتد که دلش‌شادمان شود بچیزی از دنیا وبزرگترین نعمت که‌خدا ببنده‌اش عطا کند اینست که آخرت‌را پیش دیدگانش قرار دهد و بدین‌جهت خدا بر ابراهیم وفرزندان او منت گذارده بگفتهٔ خودش انا أخلصناهم بخالصة ذکری الدار (۱)

همانااابراهیم‌را خالص وپاك قرارداديم برای یادآوری آخرت

وپیغمبر اکرم فرمود: زیادبفکر ویاد درهم کوبندهٔ لذتها «مرگ» باشید زیراکه شما اگر درتنگی معیشت وزندگی‌باشید آنرا بر شما گسترش ووسعت میدهد سپس خوشنود وراضی میشوید بآن زندگی وپابرجا وثابت‌قدم میگردید واگرشما نیازمند و ثروتمند باشید آن ثروت درنظرتان مبغوض میشود سپس جود وبخشش میکنیدپس‌پاداش داده میشوید زیراکه مرگها قطع کنندهٔ آرزوهاست و شبها نزدیك کنندهٔ مرگهاست وهمانا مرد هنگام‌مردن وداخل‌شدن درقبرمی‌بیند پاداش آنچه‌را که پیش فرستاده وناچیزی‌دارائی‌را که‌پشت‌سرانداخته

(۱) ص۴۶ .

وشاید آن دارائی را ازحرام گردآورده یا اینکه دیگری را از حق مسلمش مانع شده .

وحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده : کسیکه بداند بر گشت او بمرگست ، جایگاه ورودش قبراست ، درحضور پروردگار میایستد اعضای بدانش بر کردارش گواهی میدهند ؛ اندوهش طولانی وگریه اش فراوان واندیشه وفکرش همیشگی میگردد .

ونیز فرمود : کسیکه بداند ازدوستان جدامیشود ، جایگاهش خاك میباشد ، باحساب وبازجوئی روبرومیگردد ؛ سزاوار بجدا کردن آرزو وانجام دادن کرداریکومیباشد خدای رحمت کند شمارا بیاد بیاورید گفتهٔ خدای تعالی را که میفرماید : وجاءت سکرةالموت بالحق ذالك ما کنت عنه تحید فکشفنا عنك غطائك فبصرك الیوم حدید(۱) فرا رسید بیهوشی مرگ بحق وحقیقت این همان مرگست که ازآن فرار میکردی پس پرده را ازپیش چشم تو برداشتیم پس دیده ات امروز تیز است یعنی مشاهده میکنی چیزیرا که دگرشك وریب برای تو باقی نماند بعدازآنکه همه چیزرا فراموش کرده بودی .

ونیز حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود : آیا میدانید زیرکترین شما کیست ؟ عرض کردند نه ای رسولخدا ، فرمود : آنکه بیشتر بیاد مرگست وآن که استعداد وآمادگی برای مرگ را ازدیگران بهتر دارد عرض کردند نشانهٔ این کس چیست ایرسول خدا ؟ فرمود :دوری کردن ازسرای فریب ، برگشت بسرای جاویدان ، زادوتوشه برگرفتن برای

---

(۱) ق ۱۸- ۲۲ .

سرای وحشت ووحدت قبر ، مهیاشدن برای روز قیامت ورستاخیز .

ونیکو سروده هر کس سروده :

(اذکر الموت هادم اللذات — وتجهز لمصرع سوف یأتی (۱)

دیگری گفته :

(ماذا تقول و لیس عندك حجة — لوقد اتاك منغص اللذات (۲)

(ماذا تقول اذادعیت فلم تجب — فاذا ترکت فانت فی غمرات (۳)

(ماذا تقول اذا حللت محلة — لیس الثقاة لاهلها بثقاة (۴)

۱- بیادمرگیکه درهم شکنندهٔ خوشیهاست باش وآمادهٔ برای خانه قبر باش .

۲- چه میگوئی ؟ وحال اینکه ترا دلیل وبرهانی نیست اگر بیاید ترا تیره کنندهٔ خوشیها یعنی مرگ .

۳- چه میگوئی ؟ هنگامیکه خوانده شوی پس پاسخ وجواب ندهی پس هرگاه واگذاشته شوی تودر جهالت ونادانی باشی .

۴- چه میگوئی؟ هرگاه وارد محله ای شدی که مردمان محل وثوق اطمینانی باهل آنجاندارند .

باب سیزدهم سبقت در عمل

مصنف این کتاب میگوید که : آگاه باش ای انسان وبیدار شو ازخواب گرانت وبهوش بیا ازمستی وهنوز که مهلت داری کردار نیك انجام ده پیش ازآنکه مرگ دررسد وبخشش کن ازآنچه که دردست توست برای آخرت زیرا پیش روی تو گردنه ای است که عبورازآن

مشکل است و از آن نتوانند بگذرند مگر سبکباران .

پس خودرا نیکو مهیا کن برای خانهٔقبر که برهنه وارد آن میشوی و برهنه از آن بیرون میآیی چنانکه خدای تعالی فرموده : لقد جئتمونا فرادی کماخلقناکم اول مرة وترکتم ماخولناکم وراء ظهورکم ومانری معکم شفعاءکم الذین زعمتم(۱) وآمدیدما را تنها بهمانطوریکه شما را دراولین بار آفریدیم ووا گذاشتید آنچه را که شما را مالك آن قرارداديم پشت سرتان و نمیبینیم برای شما شفیعان ویارانی هائی را که گمان کردید .

رسول اکرم فرمود : کردار نیك انجام دهید درروزگارسلامتی پیش از آنکه مریض شوید ودر روزگار جوانی پیش ازآنکه پیرشوید و در دوران فارغ بالی و آسودگی قبل از آنکه سرگرم و گرفتارشوید و در دوران حیاة و زندگی پیش ازآنکه بمیرید که جبرئیل برمن فرود آمد گفت ای محمد پروردگارت تراسلام میرساند و میفرماید : هرساعتی که مرا یاد کنی درآنساعت، آنساعت در پیشگاه من برای تو اندوخته است و هرساعتی که بیاد من نباشی در آنساعت همان ساعت تو ضایع و تباه است .

و خدای تعالی بداود پیغمبر وحی فرستاد که ای داود هرساعتی را که بیاد من نباشی در آنساعت عمرت را ضایع کرده ای و حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود همانا مردیکه یکساعت ازعمرش را ضایع کند در غیرآنچه که خدا آفریده سزاوار است روزقیامت اندوهش طولانی برآنساعت باشد .

(۱) انعام ۹۴ .

و روایت شده که جوانی ثروت زیادی ازپدرش باو رسیدشروع کرد مصرف کردن آن دارائی را در راه خدا مادر جوان ایندداستان را بیکی از دوستان پدر آنجوان درمیان گذاشت وگفت میترسم پسرم فقیر و نیازمند شود آن مرد دوست بجوان دستور داد قدری ازین‌مال برای خویشتن باقی بگذار جوان گفت چه میگوئی در باره‌ی مردی که ساکن است در خارج شهر و قصد دارد وارد شهر گردد سپس غلامانش هرچه‌از متاع دارد بشهر می‌آورند و در خانه ی او جای میدهند بعدخودش وارد شهر می‌شود این بهتراست یامردیکه خودش هرچه دارد به شهر بیاورد و قسمتی از اموالش‌را پشت سر بگذارد نمیداندچه کسی را برای آوردن آنها بفرستد .

مرد دوست فهمید که آن جوان راست‌میگوید درین مثال‌سپس بآنجوان‌دستور داد که ازثروت‌خودانفاق نماید، پس برتو باد ای‌برادر بدوام صدقات زیرا که دوامش دلیل‌خوش بختی‌است در دنیا و آخرت وکمی صدقه را کوچك منگر زیرا که آن کمی با کمی دیگر مانند خودش ضمیمه شود سپس‌زیاد گردد وپیشی بگیرازروی میل به‌بیرون آوردن زکوة زمانیکه بر مال واجب شود زیرا که‌صدقه‌ازدست‌مؤمن خارج نمیشود مگر اینکه اورا از چنگال هفتاد شیطان آزاد کند که هر یك ازآنها نگهدارند فرزند آدم را و نهی کنند اورا از خارج کردن صدقه .

بزرگ مشمار ای برادر آنچه را که می‌بخشی بعنوان صدقه و اطاعت کردن خدا را نیز بزرگ‌مشمار هرگاه‌مؤمن‌بزرگ‌بشمرد آنرا در پیشگاه خدا کوچك میشود آن عمل و هرگاه بنده‌ی‌مؤمن

عملش را کوچك بشمارد در نزدخدا بزرگ می‌شود.

ودر خبر است که حضرت‌موسی به شیطان‌گفت مرا خبرده‌بآن گناهیکه هرگاه فرزند آدم انجام دهد تو بر او مسلط شوی شیطان‌در پاسخ موسی بن عمران گفت هرگاه عجب کند بخودش و کردار وصدقه‌اش را بزرگ بشمارد و گناهانش را فراموش کنددرین وقت براو مسلط میشوم و زینهار بپرهیز و بپرهیز از اینکه فقیر و سائلی را نا امید و محروم کنی اگرچه به نصف خرما باشد و اگر درسئوال التماس زیاد کرد او را باگرمی ومهربانی رد کن‌هرگاه‌چیزی نداشتی که او را عطا کنی زیرا که او نگهدارد نعمت خدا را برای تو وچه بسا سائل فرشته ای باشد که خدا او را بصورت آدم فرستاده که ترا بوسیله او امتحان و آزمایش کند تابه بیند چگونه رفتار میکنی بآنچه که بتو روزی داده و بخشیده.

و درحدیث است چونکه‌موسی مناجات کردخدای‌تعالی فرمود ایموسی سائل را رد ننمائی اگرچه باندك باشد و اگر خواستی اورا رد کنی با خوبی وگرمی رد نما زیرا پیش تو می آید کسیکه نه از جن است و نه انسان بلکه فرشتگانی از فرشتگان رحمانند و از تو میخواهند ازآنچه که روزی تست و آزمایش میکنند ترا در آنچه که روزی تو شده.

و روایت شده که بعضی از دانشمندان در مجلس نشسته بود و اطرافش اصحاب و حاشیه نشینان بودند فقیری‌واردشدوچیزی خواست عالم باطرافیانش فرمود: آیا میدانید این مردمسکین‌بشماچه‌میگوید؟

میگوید بمن به بخشید تا برای آخرت شما حمل نمایم تا پس اندازی باشد برای فردای شما درروز محشر که پیش میفرستید پس ایبرادر بر تو واجب است که بافقیران ومستمندان چیزی خوب ازمالت بسوی سرای جاوید فرستی تاپاداش تو فردا بهشت باشد درسرای پر نعمت وچه نیکو سروده شاعر :

(یا صاح انك راحل فتزوّد فعساك فی ذااليوم ترحل أوغد (۱)
(لاتغفلن فالموت ليس بغافل هيهات بل هو للانام بمرصد(۲)
(فليأتين منه عليك بساعة فتود انك قبلها لم تولد (۳)
(و لتخرجن الی القبور مجرداً مما سعيت بجمعه صفر اليد(۴)

۱- ای صاحب، زادوتوشه برگیر که امیداست تو امروز یافردا کوچ کنی

۲- غافل و بیخبر منشین زیرا که مرگ غافل از تو نیست بلکه مرگ درکمین همگان است.

۳- پس آنمرگ بیاید دریکساعتی ترا بطوریکه دوستداری پیش از آن بدنیا نیامده بودی .

۴- وترا مرگ بسوی گورستان برهنه وعریان میبرد وازآنمالیکه درگردآوریش سعی وکوشش داشتی تهی دست خواهی بود .

خلیل بن احمد بدوست ثروتمندش گفت که جزاین نیست که ثروت را بخاطر سه کس گردآوزی که هرسهٔ آنان دشمنان تواند ۱- شوهر بعدی همسرت ۲- شوهر دخترت ۳- همسر پسرت و همهٔ اینها آرزوی مرگ ترادارند وغمگین وافسرده ازطولانی شدن عمر تو

باشند پس اگر تو خردمندی واندرز دهنده‌ای بنفس خویش مالت‌را باخودت بردار برای آخرتت وهیچ کس ازینان را برخود مقدم‌مدار وچه‌نیکو سروده‌شاعر:

تورع عما حرم الله وامتثل

اوامره في كل ما أنت فاعله (۱)

و انت بهذا الدار لا شك تاجر

لدار غد فانظر غداً من تعامله (۲)

۱- بپرهیز ازمحرمات خدا وفرمانبر فرمانهای خدارا در هر کاری که‌انجام میدهی.

۲- وتودراین دنیا بی‌شك‌وشبهه تجارت میکنی برای‌سرای‌فردا ببین که فردا باچه کسي سودا میکنی.

ومردی شایسته وصالح گفت ببعضی از دانشمندان که‌مرااندرز ده آنمرد دانشمند فرمود: یك‌پند بتومیدهم دانسته باش که همانا شب‌وروز درتو اثر میگذارند وعمرت‌را کوتاه‌میکنند تو هم در آندو اثری بگذار وعمل شایسته‌ای انجام‌ده واین‌گفته‌را زمانیکه‌دوراندیشی کند خردمند میداند که رساترین‌اندرزهاست وبدانشمندی گفته شد که پسندیده‌ترین چیزها وشیرینترین آنها چیست دردل‌مؤمن ؟ گفت یك‌چیزاست وآن نتیجهٔ کردار شایسته‌است از آن دانشمند پرسیدند که پایان‌شادمانی چیست ؟ گفت ایمن‌بودن ازترس هنگام مردن بعد باین‌دوشعر استشهاد کرد وگفت :

ولدتك اذ ولدتك امك تبكي

والناس حولك يضحكون سروراً (۱)

فاجهد لنفسك ان تكون اذا بكوا

في يوم موتك ضاحكا مسرراً (۲)

۱- هنگامیکه مادرت ترا زائید تو گریان بودی و مردم در اطرافت خنده میکردند و شاد بودند.

۲- پس کوشش کن برای خود هنگامیکه بر تو گریه میکنند روز مردنت تو خندان و شاد باشی.

مردی بحضرت صادق عليه السلام عرض کرد مرا پند و اندرز ده فرمود: خویشتن را مجهز و آماده کن، زاد و توشهٔ فراوان بردار برای سفر دور و دراز، صاحب اختیار خویشتن باش، از غیر خود ایمن نباش، که فرزندانت پس از مرگ تو بسوی قبرت حسنات و خوبیها فرستند زیرا که فرزند تو چیزی بسوی تو نفرستد.

چقدر حق و حقیقت پیش دیدگان آشکاراست هما نا کوچ کردن در یکی از این دو روز خواهد بود از کردار شایسته توشه بر گیرید و از مالهای پاك صدقه بدهید زیرا که حرکت و نابودی نزدیکست.

شعر

خرجت من الدنيا وقامت قيامتي

غداة اقل الحاملون جنازتي (۱)

وعجل أهلي حفر قبري فصيّروا

خروجي عنهم من اجل كرامتي (۲)

۱- چون بیرون شدم از دنیا قیامت من بپاشود فردا جنازه‌ی مرا حمل کنندگان حمل میکنند.

۲ـ خاندان من در کندن قبرم شتاب کردند ومرا بزدند رفتن من از کرامات بزرگ من واز معجزات من بود .

بر انسان خردمند واجب است که وقتهای نمازرا مواظب باشد وشتاب کند بسوی کارهای خوب وکردار نیك از قبیل خوبی کردن بمردم وصدقه دادن زیرا که عمر وزندگی چندلحظه بیش نیست که ناگاه گفته میشود فلانی مرد ! هرگاه معاینه کند درقبر وببیند ترس وبیم واندوه وحسرت را میگوید : مرا بدنیا برگردانید تاباثروتم صدقه وانفاق کنم باو گفته شود که دوراست برگشتن تو .

پس ایخردمند هوشیار غنیمت بشمار آنچه‌را که ازوقتت باقی مانده زیرا که ماندهٔ عمرت دوامی برایش نیست، بهمین وقت اندك تلافی کن آنچه‌را که از دستت رفته، کوشش کن که بینائی خود را برای آخرت قراردهی پس آن آخرت بسوی تو بسرعت برگردمانند نظر کردن تو بسوی دنیا زیرا که دنیا نابودشدنی است وآخرت باقیست وخوشبخت کسی است که آمادهٔ سفر آینده باشد و پیش فرستد عمل شایسته‌ای را قبل از آن که مرگ دررسد وقبل از روزیکه درآن روز نه ثروت وفرزندان فائده‌ای ببخشد .

(بادر شبابك ان یهرما و صحة جسمك أن یسقما (۱)

(وایام عزك قبل الممات فما کل من عاش ان یسلما (۲)

(وقدم فكل امرء قادم علی كل مـا كان قدقدّما (۳)

۱ـ پیشی گیر جوانیت را پیش از اینکه پیر شوی و تندرستیت را پیش از آن که مریض شوی.

۲ـ وروزگار عزتت پیش از مردن که نیست هر زنده ای همیشه

تندرست .

۳- وپیش فرست انفاقرا وبخشش کن که هرمردی بسوی آنچه فرستاده خواهد رفت .

میگویم راجع بگردآوری انسان مال وثروت را وبخل ورزیدن بآن بر نفسش وبخشش آن مال درراه خوشنودی خدایتعالی آنچنانکه خدا در کتاب خودش فرموده :

ولا یحسبن الذین یبخلون بما آتیهم الله من فضله هو خیراً لهم بل هو شرٌ لهم سیطوقون مابخلوا به یوم القیمة (۱) و نپندارند آنان که بخل میورزند نسبت بآنچه خدا ایشان را داده از فضل خودش که آن بخل بهتر است برایشان بلکه آن بخل شر است برای آنان در آینده نزدیکی آنمال را طوقی از آتش کنند روز قیامت و در گردن آنان گذارند .

و در خبر است از نبی اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود روز قیامت مال یکی از شما را که مراد همان بخیل باشد خدا بصورت ماری در آورد پس طوقی میشود در گردن صاحبش و میگوید آنمار من همان مالم که مرا از صدقه دادن منع کردی سپس اورا با نیشهایش بگزد در آنهنگام فریاد بکشد فریادی بزرگ .

بعد از این روایت میگوید برتو باد ای طالب بهشت ونعماتش بترك مهر دنیا وزینتش زیرا که خدای تعالی دنیا را نکوهش فرموده چنانکه در کتابش میفرماید : من کان یرید الحیوة الدنیا و زینتها

(۱) آلعمران ۱۷۵

نوف اليهم اعمالهم و هم فيها لايبخسون (۱) کسانیکه زندگی‌دنیا و زینت آنرا بخواهند بطور کامل بایشان میدهیم وپاداش کردارشان کم نخواهد شد از مال و ریاست‌و شخصیت اولئك الذين ليس لهم فى الاخرة الا النار و حبط ماصنعوا فيها (۲) ایشان کسانی باشند که در روز رستاخیز جز آتش چیزی برایشان نیست و کردارشان نابودشود.

وقال الله تعالى من كان يريد العاجلة عجلنا له فيها مانشاء لمن نريد ثم جعلنا له جهنم يصليها مذموماً مدحوراً (۳)

کسیکه دنیا را اراده کند بزودی باو خواهیم داد درهمان‌دنیا هرچه بخواهیم و برای هر کسی که‌خواسته باشم‌سپس‌شتاب می کنیم برای او جهنم را کشیده میشود در آن‌نکوهش شده ورانده شده.

و خدای تعالی فرمود: «من كان يريد حرث الاخرة نزد له فى حرثه و من كان يريد حرث الدنيا نؤته منها و ماله فى الاخرة من نصيب(۴)هر کس‌اراده‌ی آخرت کندبرایش‌زیادخواهیم کرد وهر کس اراده‌ی دنیا کند ازآن دنیا بوی میدهیم ولی‌درآخرت‌برایش بهره ای نیست‌مراد از حرث آخرت‌همان کرداریست که برای آخرت انجام دهد که بدان سبب بنده سزاوار بهشت میشود وبعضی گفته اند:

ان‌الناس الاهالك و ابن‌هالك و ذونسب فى الهالكين عريق (۱)

اذاامتحن الدنيا لبيب‌تكشفت له عن عدو فى ثياب صديق (۲)

۱ـ مردم‌دردنیا جز تباه‌شونده وفرزند تباه‌شونده چیزی نیستند

(۱) هود ۱۷ . (۲)هود ۱۸.

(۳)اسراء ۱۷. (۴) شوری۱۹

وصاحب‌نسبی که درشمارهٔ تباه‌شوندگان باشد غرق است .

۲- هرگاه دنیا خردمندی‌را آزمایش کند پرده برمی‌افتدبرای او که دنیا دشمنی‌است که‌خودرا در لباس دوست‌جلوه میدهد.

ودیگری‌گفته :

کأحلام نوم أو کظل زائل ان اللبیب بمثلها لایخدع (۱)

۱- دنیا مانند خواب یا سایه‌ایست که همانا خردمند فریب آنرا نمیخورد .

ونبی‌اکرم فرمود که اهل‌بهشت برچیزی‌ازمالهای دنیاپشیمان نمی‌شوند مگر بر آن‌ساعتی که بآنان دردنیا گذشت وبیاد خدا نبودند ونیز نبی‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود : روزی بر بنده نمیگذرد مگر اینکه خدای‌عزوجل صدامیزند بندهٔمن انصاف ندادی من‌ترایادمی کنم ولی تو مرا فراموش میکنی ، من‌ترا بسوی عبادت خودم‌میخوانم وتوبسوی دیگری‌میروی،ازگنجینهٔخودم‌بتوروزی‌میدهم‌ومیگویم بخاطرمن‌صدقه وانفاق کن اطاعت‌مرا نمیکنی وبروی‌تو درهای روزی‌راگشوده‌ام و از مالم بقرض خواستم سرت را پائین افکندی بلاهـا را ازتو دور کردم‌شب‌زنده‌داری برگناهان میکنی ای پسر آدم فردا جواب تو چه خواهدبود .

و بعضی از دانشمندان گفته اند که مردگان از مرگ گریه نمی کنند زیرا که مرگ ومردن حتمی‌است وگریزی از آن نیست و همانا گریه‌می کنند که‌چرا وقت گذشت وکاری نکردند وچطورشد که زاد وتوشه برنگرفتند از کردار شایسته اینکه بدانها سزاوار درجات بلند میشدند وبواسطهٔ این که ازآن زادوتوشه برنداشتند و بسرائی

میروند که آنرا آباد نکرده‌اند پس درین هنگام میگویند دریغا بر آن زیاده روی وتفریط که در مقابل خدا کردیم !!

ونیز نبی اکرم فرمود: شبی نیست که فرشتهٔ مرگ صدا نکند که ای‌ساکنان گورستان برای کی رشك می‌برید ومسلم شما خود مشاهده کردید ترس وبیم آخرت‌را سپس مردگان گویند همانا رشك میبریم مؤمنان‌را که در سجده‌گاه‌هایشان باشند زیرا که ایشان نماز میگزارند وما چنین نیستیم، زکوة میدهند ومانمی‌دهیم، روزهٔ ماه رمضان میگیرند ماهمی گیریم، صدقه میدهند اززیادی مالشان و ما نمیدهیم، فراوان بیاد خداهستند ومانیستیم.

پس دریغا برما که همهٔ اینها دردنیا ازمافوت‌شد ولقمان بفرزندش گفت که‌ای پسرك‌من اگربهشت‌را دوست‌داری خداهم اطاعت‌وبندگی ترا دوست‌دارد، پس دوست بدار آنچه‌را که خدا دوست‌دارد تا آنچه را که دوست میداری بتو ببخشد واگر توآتش دوزخ‌راناخوش‌داری خداهم گناه کردن‌ترا ناخوش‌دارد پس ناخوش‌دار آنچه‌را که خدا ناخوش‌دارد تا از آنچه که ناخوش‌داری نجات ورهائی دهد ترا.

وبدانکه عقبات وگرفتاریهای بعد ازمرگ بزرگتر ودردناك‌تر است از خودمرگ چنانچه خدای‌تعالی در کتاب محکم ومتقن‌خویش فرمود: ونفخ فی‌الصور فصعق من فی‌السموات ومن فی‌الارض الامن‌شاء الله ثم نفخ فیه اخری فاذاهم قیام ینظرون (۱) ودمیده‌میشود درصور پس بیهوش‌شود آنکه درآسمانها و درزمین‌است مگرآنکس‌را که خدا بخواهد بعد باردیگر درآن‌صور دمیده میشود آنگاه مردم بلند

(۱) زمر ۶۸.

میشوند ونگاه میکنند .

و روایت کرده اند مردمان محل اطمینان از حضرت زین‌العابدین ؑ که صور اسرافیل شاخی‌است بزرگ که یك سر دارد ودوطرف دارد وبین آنطرفیکه به‌سوی زمین است تاآنطرفیکه بالاست بسوی آسمان مانند فاصلهٔ زمینهای هفتگانه تا فراز آسمان هفتگانه‌است درآن‌صور سوراخ‌هائیست بشمارهٔ روح مردم گشادی‌دهن آنصور باندازهٔ بین زمین‌وآسمان‌است .

و برای‌آن صور سه‌نفخه است واسرافیل سه‌مرتبه درآن میدمد یك دمیدن فزع دوم دمیدن مردن سوم دمیدن زنده شدن هرگاه دوران نابودی‌رسدخدای عزوجل فرمان‌دهد اسرافیل را که بدمد در صور دمیدن فزع‌را پس زمانی که فرشتگان ببینند که‌اسرافیل فرود آمده وهمراه‌او صوراست‌میگویند که‌خدا اجازهٔ‌مردن اهل‌آسمانهارا داده پس اسرافیل دربیت‌المقدس فرودآید سپس رو بقبله ایستد و در صور دمیدن فزع‌را بدمد خدای‌تعالی فرموده : یوم‌ینفخ فی‌الصورففزع من فی السموات و من فی‌الارض الا من شاءالله و کل أتوه داخرین الی‌قوله تعالی ، من جاء بالحسنة فله خیر منها و هم من فزع یومئذ آمنون(۱)

وروزیکه دمیده‌شود درصورپس‌هراسان‌شود هر کس درآسمانها وهر کس در زمین است مگر آنکس را که‌خدا بخواهد و همه در پیشگاه‌خدا ذلیل بیایند وهر کس کردار نیکی آورده‌باشد برای‌اواز آن کردار خیری است و ایشان از هراس و بیم آنروز در امانند و

۱-نمل ۹۱ - ۹۹

زمین بجنبش در آید وفراموش کند زن شیرده ازبچه‌ایکه شیر می‌دهد وهر بارداری بارش‌را بزمین گذارد ومردم هلاک می‌شوند و مردمان روی یکدیگر بیفتند بطوریکه گویا مستانند در صورتیکه مست نیستند ولکن‌از بزرگی ترس‌وبیم آنروز است وازترس ریشهای‌جوانان سفید شود وشیاطین باطراف زمین ازترس پرواز می کنند و اگر این نبود که خدای‌تعالی روحهای مردم‌را درجسدها نگاه‌می‌داردازترس این نفخه ازبدنها خارج می‌شد وبهمان حالت درنگ می کردند که خدامیخواهد .

بعد امر می کند خدا باسرافیل که بدمد درصور نفخه‌ای که غش می کنند ازبیمش پس صدائی بیرون‌آید ازآن‌سریکه بطرف‌زمین است پس بجا نماند درزمین جن وانسی وشیطانی ونه هم جز ایشان ازصاحبان روح مگر اینکه غش کنند وبمیرند وبیرون‌آید صدائی از آنطرفی که بسوی آسمانست پس بجانماند درآسمانها صاحب روحی مگراینکه بمیرد خدای‌تعالی فرموده : مگرآنکس‌را که خدابخواهد وآنکس جبرئیل و میکائیل واسرافیل وعزرائیل،پس‌ایشانند کسانی که خدا خواسته‌بجامانند .

پس خدا میفرماید : ای فرشتهٔ‌مرگ چه کسانی از آفریدگان من بجا مانده‌اندفرشتهٔ مرگ عرض کند پروردگارا تو زنده‌ای‌هستی که هیچگاه نمی‌میری جبرئیل و میکائیل و اسرافیل بجا مانده‌اند ومنهم زنده‌ام سپس خدا فرمان میدهدبقبض روحشان‌اوقبض می کند روحهایشان را بعد خدا می‌فرماید ای‌فرشتهٔ مرگ چه کسی باقی‌مانده پس ملک‌موت گوید بندهٔ‌ضعیف تهی‌دست تو فرشتهٔ مرگ

بجاست خدا می فرماید بفرمان من ای‌فرشته مرگ بمیر پس‌اوهم می میرد.

ولی وقت بیرون آمدن روح از بدنش فریادی بزرگ می زند که فرزندان آدم اگر پیش‌از مرگشان بشنوند هلاك ونابود می‌شوند و فرشتهٔ مرگ می گوید: من اگر می دانستم که در کندن جان فرزندآدم این تلخی وسختی وناراحتی‌است‌هما نا در گرفتن جان‌آنان مهربان بودم.

پس درین‌هنگام یك‌نفر از بندگان‌خدا نه درآسمان ونه‌درزمین بجانمی‌ماند خدای‌جبار جل‌جلاله‌صدامیزندای‌دنیا کجایندپادشاهان وفرزندانشان؟ ستمگران وفرزندانشان کجایند کجاست آنان که بـاطراف دنیا زمام‌داری می کردند، کجایند آنها کـه روزی مرا میخوردند ازمالشان حقی خارج نمیکردند بعد پروردگارمیفرماید: امروز کشور بـرای کیست هیچکس جواب نمیدهد پس ذات خداوند خودش‌جواب میفرماید و میگوید ملك‌وکشور برای خدای قهاراست.

بعد فرمان بآسمانها میدهد پس دور میزنند باچرخ‌ها و افلاك وستارگان مانندسنگ‌آسیا وفرمان بکوه‌ها میدهد پس‌حرکت‌میکنند همانطور که ابرها حرکت میکنند بعد زمین بزمین دیگری تبدیل می‌شود که برزبرآن‌زمین گناهی انجام‌داده نشده وخونی‌ریخته‌نشده وکوهی وگیاهی درآن‌نباشد مانند روز اولیکه پهن شده و همین‌طور آسمانها تبدیل گردد همانطور که خدای تعالی میفرماید: یوم تبدل

الارض غیرالارض والسموات وبرزوالله الواحد القهار (۱) روزیکه زمین تبدیل بغیر این زمین وآسمانها دگرگون شود وبپیشگاه خدای تعالی آشکارشوند وعرش خود باز بروی آب بر گردد همانطوریکه پیش ازآفرینش آسمانها وزمینها بقدرت خدااستقلال داشت .

بعد خدا فرمان میدهد که آسمان چهل روز برزمین ببارد تا اینکه برفراز هرچیزی دوازده ذراع آب بایستد بدنهای مردم بروید مانندسبزی کهمیروید اجزاء بدنها که خاک شده بیکدیگر نزدیک می شوند بقدرت خدای عزیزحمید بطوریکه اگر در یک قبر هزارمرده دفن شود وگوشتها وبدنها واستخوانهای پوسیده تمام خاک شود وبعضی با بعضی دیگر بهم آمیخته شود خاک بدن مرده‌ای بمردهٔ دیگر مخلوط نمیشود زیراکه در آن قبر خوشبخت و بدبخت است یکی نعمت بهشت بوی ارزانی شده و دیگر بآتش دوزخ عذاب میشود پناه میبریم بخدا از آن آتش .

سپس خدا امرمیفرماید که زنده شودجبرئیل (امیر برخدا) و میکائیل واسرافیل وحاملین عرش بفرمان خدا زنده میشوند سپس خدا اسرافیل را فرمان دهد که صوررا بردارد بعد روحهای آفریدگان را فرمان دهد که درصور واردشوند بعد واردصور گردند پس فرمان دهد خدا باسرافیل که درصوربدمد برای زنده‌شدن، فاصلهٔ دو نفخهٔ صور چهل‌سال است .

پس ارواح مردم ازسوراخها بیرون آیند مانند ملخهای پراکنده پس بین زمین و آسمان پر گردد روحها در زمین وارد پیکرها

(۱) ابراهیم ۴۹.

شونددرحالتیکه بدنها درگورها خوابیده‌اند پس هر روحی وارد پیکر خود گردد .

پس روح در بینی‌های آنان داخل شودوبفرمان خدای‌تعالی زنده شوند واز گورستان بیرون آیند چنانکه خدای‌تعالی میفرماید . یوم یخرجون من‌الاجداث سراعاً کأنهم الی‌نصب یوفضون خاشعةابصارهم ترهقهم ذلة ذالك‌الیوم الذی کانوا یوعدون (۱) روزیکه بـا شتاب از گورها بیرون می‌شوند گویا ایشان بسوی‌هدف‌معینی می‌شتابند در حالتیکه‌چشمهایشان فروافتاده بپوشد ایشانرا ذلت و خواری این‌است روزیکه وعده‌داده شدید بعد خدا امر فرماید در صور دمیده شود پس ناگاه مردگان بپاخیزند وباطراف خود نگاه کنند بعد بسوی عرصهٔ محشر خوانده شوند .

سپس خدا فرمان‌دهد که خورشیداز آسمان چهارم بـآسمان دنیا فرودآید که گرمیش بسرهای مردم نزدیك‌شود تااز آن گرمی سختی بزرگی بآنان رسد تا از سختی آن عرق کنند تاغرق‌درعرقشان گردند بعد بصحرای محشر برهنه‌پا وعریان بدن وتشنه فرستاده شوند تمام آنهـا زبـانهایشان از دهن بیرون آمده آنقدر گریه کنند که اشك چشمشان تمام شود سپس بجای اشك خون از دیدگانشان جاری‌شود .

راوی که حسن بن‌محبوب است سند روایت‌را بیونس بن‌ابی‌- فاخته رسانده اوگفته است که حضرت زین‌العابدین علیه‌السلام رااهنگام

(۱) معارج ۴۳ .

رسیدن بگورستان دیدم ناله وگریه میکرد مانند انسان بچه مرده و میفرمود: آه آه برعمرم که چگونه آنرا ضایع کردم درغیرعبادت خدا تااینکه ازنجات یافتگان وفائزین باشم.

میگویم که این مضمون بیان‌حضرت درتفسیر قوله خدایتعالی درآخر سورهٔ مؤمنون است: حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعونی لعلّی اعمل‌صالحاً فیما ترکت (۱) تازمانیکه دریابد یکی از ایشانرا مرگ‌گوید پروردگارامرا بدنیا برگردان شاید کرداری شایسته انجام‌دهم از آنچه که ترک نمودم یعنی درآنچه که ازاموال گذاشتم برای بازماندگانم تااینکه صدقه بدهم ازآن‌مالها و از جملهٔ شایستگان باشم.

پس در پاسخ‌او فرشتهٔ مرگ بگوید: خاموش‌باش این سخن‌را میگوید بواسطهٔ ناراحتی که از سختی و تلخی جانکندن‌و هراسهائیکه معاینه میکند ازعذاب قبر وبیم قیامت‌و پرسش نکیر و منکر می‌بیند خدا میفرماید: ولو ردّوا لعادوا لما نهوا عنه وانهم لکاذبون (۲) واگر بدنیا برگردانده شوند باز هم ازآنچه نهی شدند دست برندارند ودوباره همان کردار زشت‌را انجام‌دهند وهمانا اینان دروغگویانند یعنی اگر برگردانده شوند برمیگردند بسوی همان حالت که بودند که بخل‌ورزیدن بمالها که صدقه ندهند، گرسنگانرا سیر نکنند، برهنگان‌را نپوشانند، مساوات وهمکاری باهمسایگان ننمایند بلکه پیروی واطاعت شیطان‌را کنند، دربخل‌ورزیدن‌وترک

(۱) مؤمنون۱۰۱.

(۲) انعام۲۸.

اطاعت خدانمودن .

بعد خدای‌تعالی میفرماید :ومن‌ورائهم برزخ الی‌یوم‌یبعثون(۱) واز پیش رویشان فاصله‌ایست تاروزیکه برانگیخته شوند ومراد از برزخ قبر است که اولین‌قدم عالم برزخ باشدبعد خدای‌تعالی‌میفرماید: فاذانفخ فی‌الصور فلاأنساب بینهم یومئذولایتسائلون فمن ثقلت‌موازینه فاولئك هم المفلحون ومن خفت موازینه فاولئك‌الذین خسرواأنفسهم فی‌جهنم خالدون تلفح وجوههم النار وهم فیها کالحون (۲)

پس هر گاه درصور دمیده‌شود پس نباشد نسبتی درمیان ایشان واز یکدیگر هم نپرسند پس‌هر کس سنجش کردارش سنگین‌تر باشد پس ایشانند رستگاران وکسانی که‌میزان‌عمل وکردارشان سبك‌باشد پس ایشان کسانی باشند که زیان کردند نفسهایشانرا در دوزخ جاویدانند می سوزاند روهای ایشانرا آتش و آنان در آتش ترش روبان باشند .

پس در خبر صحیح از نبی‌اکرم ﷺ است که همانا مردمان هرگاه معاینه کنند روز رستاخیز و دقت حساب وردناکی عذاب را همانا پدر درین‌روز بفرزندش می‌چسبد ومیگوید من‌چطورپدری‌برای تو دردنیا بودم؟ آیامن ترا تربیت نکردم ، ازدست‌رنج وزحمت‌خودم ترا غذا ندادم وترا نپوشاندم ؟ احکام‌را بتو نیاموختم ، آیـاقرآن‌را بتو آموختم ازفامیل خودم برای‌تو زن ازدواج کردم بودجهٔ زندگی تو وهمسرت را تا زنده‌بودم تأمین کردم بعدازمرگ‌هم مال فراوانی

(۱) مؤمنون۱۰۲ .
(۲) مؤمنون ۱۰۳.

برایت بجاگذاشتم.

فرزند میگوید پدرم راست و درست میفرمایی خواستهٔ شما چیست ؟ پدرمیگوید : پسرم همانا میزان عمل و کردارم سبك است گناهم ازثوابم بیشتر است فرشتگان گفته‌اند اگر یك حسنهٔ دیگر داشته‌باشی میزان خوبیها از بدیهاسنگین‌تر میشود هم‌اکنون‌خواهش من ازشما این‌است که‌یك‌حسنه‌از کردار نیك‌خویش‌بمن‌ببخشی‌تامیزان خوبیهایم بواسطهٔ همان حسنه سنگین شود امروزی که خطرش بزرگ‌است .

فرزند بپدر میگوید نه بخدا حاضر نمی‌شوم پدرجان خودمن هم میترسم که کفهٔ گناهانم سنگین و کفهٔ کارهای نیك‌من‌سبك‌باشد من قدرت این که چیزی بتو ببخشم ندارم سپس پدرمیرود در حالیکه پشیمان دگریانست برآنخوبیها که بفرزندش‌دردنیا کرده .

وهمین‌طور مادر ملاقات میکند فرزندش‌را درین‌روز ومیگوید پسرم آیا رحم‌من جایگاه‌تو نبود ؟ میگوید بلی ای مادر آیا پستانم برای‌تو وسیلهٔ آشامیدنی‌نبود؟ میگوید بلی مادرم سپس‌مادر میگوید پسرم گناهانم سنگین وفراوانست‌ازتومیخواهم که‌یکی از گناهانم‌را تو تحمل کنی وبپذیری تاسبکبار شوم .

میگوید ای‌مادر ازمن دورشو همانامن سرگرم نفس و حساب خودم باشم سپس اشکریزان از پسر جدامی‌شود این‌است تـأویل‌گفتهٔ خدای‌تعالی فلا أنساب بینهم یومئذولا یتسائلون‌و مردهم بهمسر متوسل می‌شود ومیگوید فلانی من‌چطور همسری‌بودم برای‌تو در دنیا ؟ زن

اول اورا ستایش بخوبی میکند ومیگوید که تو شوهر خوبی بودی برایم سپس مرد باو میگوید: من فقط یك حسنه ازتو میخواهم شاید بدان واسطه نجات پیدا کنم ووارهم ازین باریك بینی حساب وسبکی میزان وعبور ازصراط ، زن بهمسرش میگوید نه بخدا من طاقت این راندارم منهم مانند تو بیم تا کم ازسرنوشت امروزم پس شوهر بادلی غمگین وافسرده وسرگردان از کنارزن میرود .

این موضوع درتأویل گفتهٔ خدای تعالی وارد شده و ان تدع مثقلة الی حملها لا تحمل منه شیء ولو کان ذاقربی (۱) اگر گرانباری بخواند بسوی برداشتن بارش کسی برندارد بار کسی را و گرچه از نزدیکانش باشد یعنی نفسی که گرانبار بگناه شده از اهل خود میخواهد که چیزی از بار او بردارند همانا ایشان برندارند باری از گناهش را.

بلکه حال مردم روز قیامت چنین است هر کسی میگوید : خودم خودم آنچنانکه خدای تعالی میفرماید: یوم یفر المرء من اخیه و امه و ابیه وصاحبته وبنیه لکل امرء منهم یومئذ شأن یغنیه (۲) روزی که فرار می کند مرد ازبرادرش و مادر و پدرش و از همسرو برادرش ، برای هرمردی ازایشان روز چنین کاری است که او را از هر چیز بی نیاز میکند .

رسولخدا صلی الله علیه و آله فرمود : جبرئیل « امر برخدا » مرا خبر داد در آنمیان که مردمان درصحرای محشر ایستاده اند ناگاه خدای تعالی فرماندهد فرشتگان مأمور آتش را کـه جهنم را بکشند پس هفتاد

(۱) فاطر ۱۹

(۲) عبس ۳۴.

هزار فرشته جهنم‌را بکشند وبصحرای محشر آورند سپس مردمان دریابند گرمی وشرارهٔ آنرا ازفاصلهٔ‌یکماه راه که بامرکب‌تندروی طی‌شود شرارهٔ‌آتش پردرآورد وپرواز کند وبالا رود.

پس هرگاه بصحرای‌محشر نزدیك شود تیر می‌اندازد از آن شراره مانند تیریکه هدفی ندارد یا بهدف نمیرسد پس بجا نمی‌ماند درآنروز پیغمبری و نه‌وصی پیغمبری ونه شهیدی مگراین که بزانو درآیند و غیر از پیامبران که‌دیگر ازمردم باشند برو می‌افتند و تمام فریاد می‌زنند پروردگارا مارا نجات ده مگر تو ای پیغمبر خدا زیرا که تو ایستاده‌ای می‌گوئی پروردگارا من و فرزندانم و شیعیانم و دوستان فرزندانم را نجات‌بده.

پس پیغمبر از خدا میخواهد که جهنم ازایشان دورشود سپس خدای‌تعالی فرمان میدهد بمأمورین جهنم که دوزخ‌را بجای خویش برگردانند واین کلام درتفسیر کلام خدای‌تعالی است که درسورهٔ فجر میفرماید:وجیء یومئذ بجهنم یومئذ یتذکرالانسان‌وانی له‌الذکری(۱) وچنین‌روزی جهنم آورده شود که‌پند بگیرد انسان وکجا پندگرفتن درچنین روزی برای‌اوسودمنداست؟

مراد ازآنروز روز رستاخیز است ومراد از تذکر یعنی فرزند آدم بیاد گناهانش می افتد و پشیمان می‌شود از آنچه را که پیش فرستاده که روز قیامت برضررش تمام‌شده وگفتهٔ خدای تعالی که میفرماید وکجا پندگرفتن برای‌اوسودی‌دارد روز قیامت‌است‌زیرا که

(۱) فجر ۲۳.

واگذارده پندگرفتن‌را درسرای کردار وعمل وبیدار نشده مگر در سرای پاداش ومجازات،درآنروز هم که پندگرفتن سودی ندارد .

وگفتهٔ خدای‌تعالی حکایت میکند از فرزندآدم کهمی گوید : یالیتنی قدمت لحیوتی یعنی ای کاش چیزی پیش از خود میفرستادم صدقه‌ای برای رضای‌خدا می‌دادم کردار خوب‌را مانند نماز وعبادتها وتسبیح‌ها و ذکر خدای‌تعالی زیاد می کردم تابه‌سبب آنکردارامروز بدرجات عالی ونعمات جاویدان میرسیدم ودر بلندترین مرتبهٔ بهشت باشهیدان ومردان شایسته می‌بودم .

وهمانا خدا آخرت را آخرت نام نهاده زیرا نعمات‌بهشت جاویدانست تمامی ندارد تاخدا باشد آنهاهم بیجا وباقی باشند بخلاف دنیا زیرا که زندگی دردنیا قطع‌شدنی است علاوهٔ براین آمیختهٔ باغم و اندوه ومرض وترس وضعف وناتوانی و پیری و قرض و سایر اینهاست .

پس ای‌برادر از خواب گران غفلت سربردار وبیدارشوخودت بحساب نفست پیش‌از حساب روزقیامت رسیدگی کن و از پیروی بندگان واطاعتشان بیرون‌آی ، و از آنها که ربا گرفته‌ای رضایت و خوشنودی آنانرا حاصل کن ، آنانراکه نسبت بزنا داده‌ای ازآنها پوزش طلب ، آنانرا که غیبت کرده‌ای و با آبرویشان بازی کرده‌ای نظرشانرا جلب کن زیراکه بنده تاوقتی که دردنیاست توبه‌اش‌پذیرفته می‌شود آنگاه که ازگناهانش توبه کرد وازطلب کارانش عذرخواهی کرد باد رحم میکنند و از وی درمی‌گذرند وتمام حقوق خویش را

می‌بخشند اما در آخرت نه‌حقی بخشیده می‌شود و نه پوزشی پذیرفته میگردد ونه‌هم گناهی آمرزیده‌شودونه‌گریه‌ای سودمند است .

وحضرت فرمود که‌هیچ ترس و بیمی بیمناك‌تر از ترس وبیم روز قیامت‌نباشد که براو حسرت واندوه می‌باشد مرد برای‌بیهودگی ولهو آفریده نشده نگاه کنید بگفتهٔ خدای‌تعالی کـه میفرماید : أیحسب الانسان أن یترك‌سدی(۱) آیاانسان می‌پندارد که بی‌حساب و بی‌فایده واگذارده می‌شود ؟ أفحسبتم أنما خلقناکم عبثاً (۲) آیـا گمان میکنید کـه شما بیهوده آفریده شده‌اید ؟ هان ای برادران بدانید که عمر سرمایهٔ بازرگانی وتجارت است که سودش بزرگ و هر نفسی ازآن‌عمر کوهی گران بهاست چگونه چنین‌نباشد ؟

پیغمبر فرمود که‌هرکس بگوید : اشهد أن لااله الاالله‌وحده لاشریك‌له الهاً واحداً فرداً صمداً لم‌یتخذ صاحبة و لا ولدا خدا بهر کلمه‌ای ازاین کلمات ثواب چهل وپنجهزارهزارحسنه می‌نویسد وچهل وپنجهزار هزار گناه‌از نامهٔ عملش برطرف می‌شود وچهل و پنجهزار هزار درجه بالا میرود سپس جبرئیل(امر خدا)عرضکرد ای رسول خدا هرچیزی‌را میشود شمرد وحساب کردمگرثواب گفتن « لااله الا الله وحده‌لاشریك له » زیرا کسی ثواب لااله الاالله‌را نمیداند مگر خدای تعالی چنانکه میفرماید که آن ثواب را برای تو وامت تو پس انداز کرده‌ام مرا یاد کنید تا شمارا یاد کنم .

وهمانا خدای تعالی‌میفرماید یاد آوران و اهل ذکر من‌مهمان

(۱) قیامة۳۷ . (۲) مؤمنون ۱۱۷ .

منند و اهل طاعت من در نعمت من باشند و سپاسگذاران در فراوانی نعمت باشند واهل معصیت را نا امید از رحمت خویش نگردانم اگر توبه کنند ، من دوست آنانم واگر بیمار شوند طبیب آنهایم و درد آنانرا درمان کنم به محنت ها و معصیت ها مسلم آنانرا پاك و پاکیزه‌ی از گناهان و عیبها کنم .

وحضرت علي بن الحسين عليه السلام فرمود: خرد رهنمای خوبیهاست وهوای نفس مرکب گناهانست وفقه ظرف عمل است ودنیا بازارآخرت است و نفس تاجر وبازرگانست وشب و روز سرمایه و بهشت سود و استفاده ی این تجارت و دوزخ زیان وضرر این تجارت است. بخدا تجارتی که کسادی ندارد و سرمایه ایکه زیان ندارد خداجمع کرده است تمام این خصوصیات را درگفته‌ی خودش که میفرماید :

« یا ایها الذین آمنوا لا تلهکم اموالکم ولا اولادکم عن ذکر الله و من یفعل ذلك فاولئك هم الخاسرون (۱) .

ایکسانیکه ایمان آوردید سرگرم وغافل نکنند شمارا مالها و فرزندانتان ازیاد خدا و کسانیکه دل بآنها بندندپس ایشان زیانکارانند

ونیز خدای سبحان فرموده « رجال لاتلهیهم تجارة ولابیع عن ذکر الله » (۲)

مردانیکه باز نمیدارد ایشانرا بازرگانی و خرید و فروش از یاد خدا و نیز خدای تعالی فرمود : « فاعرض عن من تولی عن ذکرنا

---

(۱) منافقون ۹ .

(۲) نور ۳۹ .

ولم يرد الا الحيوة الدنيا ذلك مبلغهم من العلم »(۱) ای پیامبر دوری کن از آنانکه دوری از ذکر ما کرده و جز حیوة و زندگانی دنیا نخواسته این است منتهای دانششان و خدای تعالی فرمود ، «ولا تطع من اغفلنا قلبه عن ذكرنا و اتبع هويه و كان امره فرطاً » (۲) و پیروی مکن کسی را که دلش را بیخبر گردانديم از یاد ما و پیروی هوای نفسش را کرده و کار او تباه شد.

و حضرت امیر المؤمنین عليه السلام فرموده که : همانا ذکر جلوه دهنده‌ی دلهاست که به سبب آنها اوامر و نواهی خدا را میشنود و می بینند و بدان نور می بینند بعداز هدایت و پس از دشمنی بسوی خدا کشیده میشود و خدا گشادگی وشرح صدرمیدهد بندگانش را در قسمتی از زمان ودر دوران فترت و سستی ونجات می‌دهد دلهایشان را و باخردمندانشان رازگویند بامداد کنندشب را بنور و روشنیو بیداری در گوشها و چشمها و دلها وروزهای‌خدا را بمردم‌یاد آوری کنند (۳) که با نافرمانی سپری کرده اند.

آن‌روزهاما نندرهنمایان‌داها یندبرای کسیکه بمقصدبرسدراههائیکه ستایش کرده اند بواسطهٔ راست بودن وآنانرا مژده نجات داده اند و هر که‌بطرف راست‌یا چپ برود راهش‌رانکوهش ومذمت کرده‌اند(۴) و اورا از هلاکت ترساندند واین روزهای خدا بااین صفات که‌گفته

---

(۱) نجم ۲۹ .		(۲) کهف ۲۷ .

(۳) مراد از روزهای خدا ائمه علیهم‌السلام‌باشد چنانچه روایت دارد لاتعادوا الایام فانهم یعادوکم .

(۴) مراد از راه چپ و راست دین‌یهود و نصاری باشد ـ مترجم.

شد چراغهای آن تاریکهاست و برهانهای آن شبهه ها باشد و همانا برای ذکر و یاد آوری خدا مردمانی باشند که بجای دنیا یاد خدارا انتخاب کرده اند.

پس اینانرا تجارت و خرید و فروشی ازیاد خدا غافل نکند و روزهای زندگی را با یاد خدا سپری کنند و فریاد میزنند و منع کنندگانند از محرمات خدا که در گوشهای مردمان غافل طنین انداز است و فرمان به خوبیها دهند که خود آنرا انجام دهندو از بدیها مردم را بدور دارند وخود چنین نباشند گویا اینان دنیا را بواسطهٔ آخرت طی میکنند و بچشم خود می بینند ماورای این دنیا را و گویا آگاهند عیب های اهل برزخ را درمدتی که درآنجا هستند وعذاب رستاخیز برای آنان سبك شده.

پس پردهٔ روز قیامت از پیش اهل دنیا برداشته میشود بطوری که گویا می بینند آنچه را که مردم نمی بینندومی شنوندآنچه را که مردم نمیشنوند واگر آنان را در پیشگاه خرد خود مجسم کنی در آن مقامات پسندیده و مجلسهای شایسته که پرونده ی اعمال و کردارشان بازشده پس مهیای حساب نفس خویشند برای هر کردار کوچك و بزرگی که بانجام دادنش مأمور شده اند پس کوتاهی در آن کرده اند ویانهی شده اند از انجامش ولی افراط از آن کرده اند وبار گناه شانرا بدوش گرفته اندوپس از حمل آن بارضعیف و ناتوان شده اند.

پس با گریه جواب دسئوال با خویشتن میکنند و ناله و فریاد

میکشند از روی پشیمانی و اقرار بگناه در پیشگاه پروردگار، هرآینه نشانه های رستگاری و چراغهای شب تاریك را خواهی دید که فرشتگان دورشانرا گرفته و برایشان آرامش ووقار فرود آمده و درهای آسمان برویشان گشاده شده و برایشان جایگاههای گرامی آماده شده در جایگاهیکه خدا آگاه است .

پس کوششها پسندیده و مقامشان ستایش گردیده در صورتیکه بوسیله مناجات با خدا نسیم بخشش از گناهان برای آنها میوزد . گروگانهای نیازمندی بفضل خدایند اسیران پست در مقابل بزرگی پروردگارند غمهای طولانی و گریه‌های دراز دلها و چشمهایشانرا مجروح کرده برای هر دریکه در آن رغبت و میل بسوی خداست از اینان دستی کوبنده است میخواهند از کسیکه فراخیها برایش تنگ نمی‌شود و سائلین ازدرگاهش ناامید برنمیگردند پس برای خودت حسابگر نفست باش زیرا دیگران از مردم حسابگری غیراز تو دارند.

و از رسول‌خدا روایت شده که‌فرمود : درباغهای بهشت‌بچرید عرضکردند باغهای بهشت چیست ؟ فرمودذکر خدا در هرشام وسحر بگوئید وبیاد خداباشید وهر کس که بخواهد درجه‌اش را در پیشگاه خدا بداند نگاه کند به بیند منزلت خدا درنزد او چقدر است‌زیرا که خدای تعالی بنده را احترام میکند بهمان اندازه که بنده‌حرمت خدا را نگاه دارد .

آگاه باشید که بهترین اعمال و کردار شما پاکی شما درنزد خداست و بلندترین درجات شما در پیش پروردگار و بهترین چیزی که آفتاب برآن می‌تابد ذکر خدای سبحانست خدا ازذات مبارکش

خبرداده که من همنشین آنانم که بیاد من باشندوچه مقام‌ومنزلتی بالاتر از هم نشین خداست .

و روایت شده که جمع نمیشوند گروهی که ذکر خدا را بگویند مگر اینکه شیطان ودنیااز آنان‌دوری کندشیطان‌بدنیا گوید که می بینی بندگان خدا چه میکنند سپس دنیا به شیطان میگوید واگذار ایشانرا اگر از این حلقه‌ی ذکر پراکنده شوند گریبان گیر تمام آنها می‌شوم .

و نبی اکرم ﷺ فرمود خدای تعالی میفرماید : که هر کس حدثی از او سرزند وتجدید وضو نکند ستم بمن کرده وهر کس‌حدثی از او سرزند و تجدید وضو کند و دورکعت‌نماز بجانیاورد ومرانخواند بمن ستم کرده وهر کس حدثی از او سر زند و تجدید وضو کند و دو رکعت نماز بجا آورد و مرا بخواند و منهم او را جواب ندهم در مقابل خواسته‌های دینی و دنیائی او مسلم او را ستم کرده ام و حال اینکه من خدای ستمگر نیستم و روایت شده که هرگاه‌آخرشب شود خدای تعالی میفرماید : آیا گرفتاری هست که مرا بخواند تا او را پاسخ دهم در خواست کننده وسائلی‌هست که از من بخواهد و او را عطا کنم و خواسته اش را تامین نمایم کسی هست که طلب آمرزش کند تا اورا بیامرزم ؟ توبه کننده ای هست تا اورا بپذیرم.

و نیز روایت‌شده که خدای تعالی‌وحی بداودفرستاد که‌ای‌داود هر کس دوستی را دوست دارد گفته اش را‌تصدیق میکند و هر کس انس بگیرد بدوستی قولش‌را قبول میکند و بکردارش خوشنوداست وهر کس اطمینان بدوستی داشته باشد اقراربدو دارد وهر کس‌اشتیاق

بدیدار دوستی دارد کوشش‌میکند تا خود را باو برساندای‌دارد ذکر من برای ذاکرین من است و بهشتم برای اطاعت کنندگانم باشد و دیدار من برای دل باختگانم باشد ومن ویژهٔ دوستانم باشم و فرمود بر هر دلی‌خادمی است ازشیطان‌پس هرگاه‌صاحبدلی‌ذکر و یادآوری خدا کند شیطان پنهان‌شود وهرگاه‌ذکر خدا ترك کند شیطان اورا می بلعد و بسوی خود میکشد و گمراهش میکند و طلب لغزش وسرکشی‌از او می نماید .

و روایت کرده است کعب‌الاحبار که خدای تعالی به پیغمبری از پیغمبرانش وحی فرستاد که اگر اراده داری فردامرا ملاقات کنی در بهشت‌جاویدان، باید مانند غریبان ناامید بیاد وذکر من باشی واز خداییمناك باشی‌مانند مرغی که در بیابان بی آب وعلف زندگی‌میکند و از میوه درختان میوه دار میخورد چون اورا شب‌فرا رسد بسوراخ ولانه اش برگردد که مرغی‌وحشت ندارد از آن تاریکی شب وانس اوباپرورد گارش باشد.

رسول‌خدا فرمود که‌همانافرشتگان‌بر مجلسهاوانجمنهای ذکر خدا میگذرند و برفراز سر آنان می ایستند بواسطه‌ی گریه‌ی آنان گریه میکنند و بر دعای آنان آمین میگویند .

وهرگاه فرشتگان بآسمان پرواز میکنند خدای تعالی میفرماید :

فرشتگان من کجابودید بااینکه خدا داناست که‌در کجابودند پس عرض میکنند پروردگار ما توداناتری که ما درمجلسی ازمجالس ذکرحاضر شدیم پس آنانرا دیدیم که‌تراتسبیح کنند و تقدیس‌نمایند و نیز طلب آمرزش از تومیکنند از آتش تو میترسند و امیدوار

پاداش تو اند سپس خدای سبحان‌میفرماید : شمارا گواه میگیرم که همانا من ایشانرا آمرزیدم و از آتش دوزخم امان دادم و برای آنان بهشتم را واجب کردم سپس میگویند پروردگارما همانا تو میدانی در میان این گروه کسانی باشد که ذکر تورا نگفته‌اند پس‌خدای سبحان میفرماید : مسلم اورا آمرزیدم بواسطه‌ی هم‌نشینی او با اهل ذکرمن زیرا که هم نشین ذاکرین بدبخت نمیشود.

وروایت شده از بعضی صالحین و مردان شایسته که گفت شبی خوابیدم صدای هاتفی را شنیدم میگفت آیا بنده میخوابد در محضر خدا و حال اینکه او میان‌دوستان‌خودبراتهای بهشت‌رابخش‌میکند پس هرکس اراده‌ی لطف بیشترخدا دارد شب‌دراز را نخوابد ونفس‌خویش را باندك قانع نکند .

ونیز کعب الاحبار گفته است که در تورات نوشته شده ای موسی هرکس مرا دوست دارد فراموشم نمیکند وهرکس امیدوار خوبیهای من است التماس در سئوال و خواسته هایش از من‌میکندای موسی من از آفریدگانم بیخبر نیستم ولی دوست دارم که فرشتگانم ناله و فریاد دعای آنانرا بشنوند و فرشتگان نگهبان‌به بینند نزدیك شدن بنی آدم را بسوی من .

ایموسی به بنی اسرائیل بگو نعمتهای دنیا شما را خوشنود نکند که بزودی از شما میگیرم و از یاد و سپاسگذاری من بیخبر نباشید که نعمتها از شما گرفته می‌شود اگرذلت و پستی بشما روآورد اصرار در دعا کنید که اجابت شامل‌حالتان‌شود وگوارا کنم نعمت

شمارا با عافیت وسلامتي و در گفته‌ی خدای تعالی آمده «اتقوا الله حق تقاته» (۱) بترسید از خدا چنانکه سزاوار است یعني اطاعت کنید وگناه نکنید، بیاد آور خدا را و فراموش مکن سپاسگذاری کن کفران نعمت منما.

ورسول خدا فرموده: بابی‌ذر که ای اباذر شهوتهایت را کم کن که نیازمندیت اندك شود، گناهانرا کم کن تا حسابت سبك شود قناعت کن بآنچه ترا دادم تا مرگ برتو آسان شود و پیش فرست مالت را تا بآساني تو بآن مال ملحق شوی و نگاه کن کرداری را که دوست داری ترا مرگ در رسد و مشغول آن کردار باشی انجام ده وغافل مباش از واجباتي که برتو واجب شده و مبادا اینکه بتاخیر اندازی واجب را بواسطه‌ی دنیا و روزی دنیا که خدا ضامن آنست و بیاد آنخانه میباش که فنا پذیر نیست هنگام انتقال به آن.

باب چهاردهم - مؤمن هنگام مردن

نبی اکرم فرمود: که همانا وقتیکه مرگ مؤمن برسد فرشتگان رحمن بسوی او آیند با پرونده ای سفید پس بروح او میگویند با خوشنودی از پیکر بیرون شو بسوی گلستانها و گلها و بسوی پروردگاری که خشمگین نیست پس مانند بوئی که ازعطر برآید بیرون می آید و بسوی آسمان پرواز میکند پس ساکنین آسمان میگویند

(۱) آل عمران ۹۷

چه قدر.این روح خوشبوست بهر اندازه که آنروح بالا میرود از آسمانی بآسمانی‌دیگر پرواز میکند اهل آن آسمان مانند آسمان گذشته میگویند این روح چقدر خوشبوست تا اینکه آنروح را با روحهای مؤمنان به بهشت میبرند وسپس آسایش و استراحت از غم و رنج دنیا میکند.

و اما کافر فرشتگان عذاب هنگام جاندادنش می‌آیند پس میگویند بروحش که بیرون‌شو با ناراحتی بسوی عذاب خدا و سختی های آن و بسوی پروردگاری که بر توخشمگین‌است و نبی‌اکرم‌فرمود آیا نمی بینید که محتضر هنگام مردن چشم های‌خود را باز میکند عرضکردندبلی ای رسول‌خدا فرمود چشمش را باز میکند که به‌بیند روحش بکجا میرود.

و نبی اکرم فرمود خانه ای نیست که فرشته‌ی مرگ روزی پنج مرتبه بآن‌خانه نیاید پس هرگاه بیاید که‌اجل مرد بپایان‌رسیده و خوردنش در دنیا تمام شده حزن و اندوه مرگ را برروی اندازد و فراگیرد او را غصه های مرگ و سختی جان کندنش فرا رسد پس گروهی از خانداش مو پریشان شوند بعضی‌بصورت زنند بعضی دگر گریان باشند، عده ای صدارا بواویلا بلند کنند سپس فرشته‌ی مرگ میگوید وای برشما این جزع و بیتابی چیست؟ بخدا سوگند که من روزی یکنفر از شمارا نبردم و اجلش را نزدیک نکردم من باجازه خودم نیامدم روحش را بدستور خودم نگرفتم وهمانا برای‌من بسوی‌شما بر گشتنی است بعد بر گشتن که یکنفرازشماها باقی نماند.

بعد میگوید بآنخدائیکه جان من در دست قدرت اوست اگر جای اورا به بینند و کلامش را بشنوند از مرده‌ی خویش فراموش کنند و بر خویشتن اشك بریزند تا اینکه میت را در تابوت بگذارند و بطرف گورستان بروند روحش بر فراز نعش بپرواز درآید وفریاد میکند ای خاندان و فرزندان من دنیا شمارا مانند من بازی ندهد ثروتی را که گرد آوردم از حلال وحرام‌پشت سر گذاشتم برای شما، برشما گوارا ولی وزر ووبالش بگردن من ماند بترسید از آنچه که من گرفتار شدم و چه نیکو سروده گوینده‌ی شعر:

« لقد لهوت و جدّ الموت فی طلبی
و ان للموت لی شغلا عن اللعب » (۱)

« لو شمرت فکرتی فیما خلقت له
ما اشتد حرصی علی الدنیا ولا طلبی » (۲)

۱ - سرگرم بازی بودم‌ولی‌مرگ در پی من سعی و کوشش کرد وهمانا مرگ مرا از بازی باز داشت.

۲ - اگرفکرمن می‌پرسید که برای‌چه‌آفریده‌شدم حرص من بر دنیا در طلب مال سخت نمیشد.

دیگری گفته

« أبقیت مالك میراثاً لوارثه
فلیت شعری ماأبقی لك المال » (۱)

« القوم بعدك فی حال یسرهم
فکیف بعد هم حالت بك الحال » (۲)

«ملوا البکاء فما یبکیك من احد
واستحکم القیل فی المیراث والقال» (۳)

«أنستهم العهد دنیا أقبلت لهم
و ادبرت عنك والایام احوال» (۴)

۱ ـ ثروت خویشتن را برای وارث گذاشتی ایکاش برای تو نفعي بیجا می ماند.

۲ ـ مردم بعداز تو درحال سرورند حال تو اینك چگونه است؛

۳ ـ زیاد گریه کن که هیچ کسی برای تو گریه نمی کند وحلم در بارهٔ میراث تو قیل وقال است.

۴ ـ دنیا ترا از خاطر ایشان برد پشت بتو کرد و رو بایشان آورد روزگار.

ودیگری گفته

«هون الدنیا و ما فیها علیك و أجعل الهم لما بین یدیك»

«ان هذا الدهر یدنیك الی ملك الموت و یدنیه الیك»

«فاجعل العدة ما عشت له انه یأتیك احدی لیلتیك»

۱ ـ دنیا و آنچه که در دنیاست بر خویشتن پست شمار همت خود را برای آیندهٔ خود قرار ده همانا این روزگار ترا بفرشته ی مرگ و فرشتهٔ مرگ را بتو نزدیك میکند ثروت خو درا برای روزی قرار ده که در آنروز زندگی میکنی هماتا ترا مرگ در یکی از این دوشب تومیرسد

ومسلماً سه چیز مرا بخنده آورد و سه چیز دیگر مرا بگریه در آورد بخنده آورد مرا بیخبری که خدا از او بیخبر نیست و کسی که

لب پر خنده دارد ولی مرگ او را طلب میکند و آرزومند دنیا که نمیداند کی مرگش میرسد وگریاندم رادوری دوستان وبیم روزقیامت و ایستادن در پیشگاه پروردگار نمیدانم که برمن خشمگین است یا از من خوشنود است .

بدانید ای بندگان ، خدا شمارا بیامرزد که همانا سالم انتظار بیماری را دارد که اورا پست میکند و انتظار مرگی را دارد که به بلا نزدیکش میکند وگویا در دنیا ساکن نمی باشد ومیلی هم بآن ندارد مرگ بر او فرود آید وشب را به بامداد رساند در میان خاندان و فرزندانش در حالیکه کلامی را نمی فهمد و جواب سلامی را هم نمیدهد .

صورتش زرد و چشمش باز و سینه اش تنگی کند وآب دهنش خشک شود بندهای اعضایش بحرکت درآید احشاء و امعایش زیرو رو شود و دوستانش را در اطرافش به بیند ولی نشناسد و سخنان آنان را بشنود ولی جواب ندهد صدایش کنند جواب ندهد کاخهارا پشت سر اندازد خانه ها از او خالی ماند و برگردن مردان حمل شود او را با شتاب بسوی گورستان و سرای حسرت و اندوه و خانه‌ی تنهائی و غربت و وحشت برند بعد دارائیش را بخش کنندو خانه‌هایش را ساکن شوند و همسرانش راازدواج کنند حاصل مطلب که او درقبر باشد .

پس خدای رحمت کند کسی که غصه‌ی خویش رایکی قراردهد و روزیش را بخورد و کردارش را نیکو نماید و آرزویش را کوتاه کند و روایت شده که هرگاه دشمن خدا را بسوی قبرش ببرند فریاد کند به تشییع کنندگان که ایبرادران بترسید ازآنچه که

من در آن گرفتار شدم همانا شکایت میکنم ازدنیائیکه فریب داد مرا بطوریکه بآن اطمینان پیدا کردم بعد مرا خوار کرد.

و شکایت می کنم دوستانی را که میل بآنان داشتم از من دوری جستند و مرا خوار کردند و شکایت میکنم فرزندانی را که برخودم مقدم میداشتم مرا تسلیم مرگ وقبر کردند وشکایت میکنم به شما مالی را که در جمع آوریش در صحرا و دریا زحمتها کشیدم ورنجها بردم پس نصیب دشمنانم شد، وزر وبال آن مال نصیب من و فایده اش نصیب دیگران شد.

وشکایت میکنم بشما ازخانه‌ی تنهائی و تاریك قبر و ازپرسش نکیر و منکر که از کوچك و بزرگ گناهانم می پرسند زینهار بترسید ازآنچه که برمن وارد شد ای وای‌ازبلای طولانی و بزرگی رنج ومشقت من که نه مرا دوستی ونه یارتی باشد.

و چنین بود رسول خدا که هرگاه داخل گورستان می شد می فرمود درود برشما ای‌بدنهای متلاشی و استخوانهای پوسیده‌ایکه از دنیا با حسرت واندوه‌بیرون‌شدند ودرگرو کردارخود میباشند. «اللهم ادخل علیهم روحاً منك ومنا یاأرحم الراحمین»(۱) وعبدالله جرهمی که از پیر مردان است گفت که روزی جنازه‌ای را تشییع میکردم ناگهان مرا گریه گرفت در همانحال این‌شعر را سرودم وگفتم:

«یا قلب انك فی الدنیا لمغرور

فاذکر وهل ینفعن الیوم تذکیر» (۱)

---

(۱) بار پروردگارا روح و بشارتی از طرف خود و ما بر آنان وارد کن.

« فبینما المرء فی الاحیاء مغتبطاً
اذ صار فی الرمس تعفوه الاعاصیر »(۲)

« یبکی الغریب علیه لیس یعرفه
و ذوقرابته فی الحی مسرور » (۳)

« فاسترزق الله خیراً و ارضین به
فبینما العسر اذ دارت میاسیر » (۴)

۱ ـ ای قلب تو همانا در دنیا مغرور و فریب خورده ای همین روز را برای خود بیاد آور آیا یاد آوری فایده دارد .

۲ ـ دربن میانکه‌مرددراجتماع‌زندگان‌براورشك‌میبرندناگاه‌در قبرمیرود و گرد بادها برآن‌قبر می‌وزد.

۳ـ اشك میریزدبراو غریبی که نشناسد اوراولی‌خویشاوندانش در میان زندگان شادمانند .

۴ ـ از خدا طلب روزی کن و رضا باش بآن که پس‌ازسختی آسایست .

مردی از همراهان جنازه گفت میدانی این شعر از کیست گفتم نه بخدا نمیدانم گفت صاحب همین جنازه این شعر را سروده وگفته است که تو غریبی‌وگریه میکنی برو ناشناس وخاندانش‌شاد ـ ماند بترك او آنانرا .

پس ابوالعتاهیه این شعر را سروده

« اری الدنیا تجهز بانطلاق مشمرة علی قدم وساق » (۱)

« فلا الدنیا بباقیة لحی ولا حی علی الدنیا بباق» (۲)

۱ ـ می‌بینم دنیا که آماده‌ی رفتن‌است و باسرعت قدم‌برمیدارد

۲ـ پس نه دنیا برای زندگانی باقی است و نه زندگانی دردنیا باقی می ماند.

بعضی گفته اند که محله‌ی مردگان رساترین پند واندرزهاست پس زیارت کنید قبرها را و برای روزقیامت عبرت‌بگیرید وروایت شده که بعضی از بزرگان شبها داخل مقبره‌ای‌میشد و فریاد میزد و میگفت ای اهل گورستان شما چکاره اید؟ بعد خودش جواب خودش را میداد و میگفت‌مائیم‌پدران و مادران وبرادران وخواهران، مائیم دوستان، همسایگان، از رفیقان و برادران، مائیم دوستان که طعمه‌ی بلاها شدیم وزیر خاکها پنهان گشتیم بعضی‌چنین‌سرده اند.

«خمدوا و لیس یجاب من ناداهم

موتی وکیف اجابة الاموات» (۱)

۱ـ مردگان خاموشند و پاسخ نمیدهند کسی را که آنان را صدا زند چطور میشود که مرده جواب بدهد.

براء بن عازب گفته است که در آن میان‌که با رسول‌خدابودم ناگاه حضرت جنازه‌ای را دید که دفن‌میکنند حضرت باسرعت‌بسوی آنجنازه رفتند تا اینکه در مقابل آنجنازه ایستاد، بعد گریه کرد بطوریکه جامه اش ترشد بعد متوجه ما شد و فرمود: ایبرادرانم:

«لمثل هذا فلیعمل العاملون» (۱) برای چنین جائی عمل کنند نیکوکاران ازین مکان بترسید و برایش کردار نیك انجام دهید.

و مردی بپادشاهی نوشت اورا پند میداد که ای پادشاه برعیت

---

(۱) صافات ۵۹.

دادگری کن ، بزیر دستان رحم کن ، بر آنان ستم‌مکن ، خویش را بلند مرتبه‌مشمار، از آن‌قبریکه آخرت‌منتهی بآنجا میشود فراموش منما زیرا که مرگ ترا میرسد بهر اندازه که عمرت طولانی باشد حساب پیش روی تو است ، قیامت وعده گاه شماست ، و این کاریکه تو گرفتار آن و این سلطنت که در آن‌هستی‌بدست دیگری است و بزودی از تو بدیگری منتقل شود همانطور که از دیگران بتورسیده همانا این کشور داری نه برای تو باقیست و نه برای او بجا ماند.

پیش‌فرست برای خویش خوبی را و توشه برگیر ازاین‌سرای فریب دهنده برای سرای شادمانی وسرور وعبرت بگیر ازکسانیکه پیش از تو ثروتها را ذخیره و پس انداز کردند و ازتنگدستی‌بیمناك بودند مردان را گرد خویش‌جمع کردند قدرتی‌برای برطرف کردن مرگ نداشتندتامصیبت هارا برطرف کنند پس بدنیای پست که‌خدا راضی نشده باداش دوستان و عذاب دشمنانش باشد راضی مشو وازقول گوینده‌ی شعر عبرت بگیر و اندرز .

و کیف یلذ العیش من کان موقناً

بان المنایا بغتة ستعاجله (۱)

وکیف یلذ العیش من کان مؤمناً

بان اله الخلق لابد سائله (۲)

وکیف یلذ العیش من کان صائراً

الی جدث یبلی الشباب منازله (۳)

و کیف یلذ النوم من اثبتواله

مثاقیل اوزان الذی هو فاعله (۴)

۱ـ وچگونه زندگی لذت بخش‌است کسی‌را که یقین دارد که بزودی وناگهان مرگش میرسد

۲ـ وچگونه زندگی لذت بخش است کسی را که ایمان دارد آفریدگار مردم از او و کردارش می پرسد.

۳ـ و چگونه زندگی لذت بخش است برای کسیکه میرود بسوی‌قبریکه‌منزلش هست ولباسهایش پوسیده میشود.

۴ ـ وچگونه لذت بخش است خواب کسیکه‌برای اوثابت است که اعمالش را می‌سنجند.

باب پانزدهم ـ اندرز مصنف

نویسنده‌ی این کتاب فرموده است که همانا پند واندرز برای کسیکه اورا منع کنند؛ از گناه ایست فایده ای ندارد وحال‌اینکه اندرز دهنده ای از درون خود نداشته باشد وخدا چیزی بهتر ازواعظ درونی به بنده اش عطا نکرده که او از منع کننده‌ی او از محرمات باشد وکم است که پند و اندرز در مردمان خود خواه متکبر اثر بگذارد.

همانا من در شگفتم ازمردمیکه در راه‌بنده آزاد کردن‌رفتند ولباسهای نازك پوشیدند، بر کشورها مسلط شدند وامانتها بآنها داده شد وخیانت کردند تا اینکه بانتهای آرمان خود رسیدند اهل فضل ودانش از آنان ترسیدند زیردستان را ظلم وستم کردند، بدنهایشان را چاق و فربه کردند و دینشان را لاغر کردند، دنیای خویش را

آباد و آخرتشان را ویران و خانه هایشان‌را وسیع و پهناور کردند ولی گورهایشان را تنگ نمودند .

و تکیه میکند یکی از آنان بر طرف چپ و مال دیگری را میخورد و بعدازشیرینی ترشی میخواهد وبعداز ترشی خشکی‌می‌طلبد و بعداز گرمی سردی مایل است شکم او از پرخوری سنگین میشود مریضی بر او مسلط می‌شود بکنیزش میگوید بیاور چیزی که غذا را هضم کند و داروئی که درمان کننده باشد .

بخدا سوگند ای نادان مغرور غذایت‌را درهم نه شکستی بلکه دینت را درهم شکستی ویقینت را از میان بردی تهی‌دست تو کجاست یتیم تو کجا است ؟ همسایه‌ی تو کجاست ؟ آنکه حق‌مسلمش راغصب کردی و بر او ستم نمودی کجاست ؟ با سلطنت خویش خودستائی کردی بضرر همه‌اینها، باشد تا اینکه این‌مظلوم ستم رسیده دردادگاه الهی‌بتو برسد ومطالبه‌حقش‌را کند و تو را درمجازات گناهان‌حبس‌و زندانی کند .

او میگوید که من زیارت ائمه رفته‌ام حج بجا آورده ام صدقه داده ام ولی گفته‌ی‌خدای تعالی را فراموش میکند که‌میفرماید: « إنما يتقبل الله من المتقين » (۱) جز این نیست که خدا ازپرهیز- کاران می پذیرد ونیز میفرماید : « تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لايريدون علواً في الارض‌ولا فساداً والعاقبة للمتقين» (۲)این‌است سرای آخرت که قرار داده‌ایم برای کسانیکه نمیخواهند درزمین سر-

(۱) مائده ۳۰ .

(۲) قصص ۸۳ .

بلندی وفساد کنند و پایان کار برای پرهیز کاران است و نبی اکرم فرمود ایمان بقرآن نیاورده کسیکه محرمات خدا را حلال بشمرد.

ونیز حضرت امیرالمؤمنین فرموده از شیعیان و پیروان من نیست کسی که مال مؤمن را بعنوان حرام بخورد .

وهمانا زندگی میکند کسیکه اینطور حالی داردگمراه وفریب خورده میمیرد وروز قیامت خواهد گفت برای کسیکه وارد بهشت شود از مردم خوشبخت آیا من با شما نبودم میگویند چنین است ولی شما خویشتن را گمراه کردید انتظار بدی، داشتید آرزوها شمارا فریب داد تا مرگ گریبان گیر شما شد مغرور شدید پس دربن روز از شما و کسانیکه کافر شدند فدائی در مقابل گناهانتان گرفته نمیشود این روایت دلالت میکند که اینان کافر نیستند .

باب شانزدهم - نشانه های قیامت

قال الله تعالی « هل ینظرون الا الساعة ان تأتیهم بغتة فقد جاء اشراطها » پس آیا انتظار دارید جز روز قیامت را که ناگاه بیاید علامتهایش و نیز خدای تعالی فرموده « بل الساعة موعدهم والساعة ادهی و امر » (۲) بلکه قیامت وعده گاه ایشانست وروزقیامت بسیار سخت وناگوار است و خدای تعالی فرموده : « و ان الساعة آتیة لاریب فیها » (۳) و همانا ساعت قیامت آینده است و شکی در آن نیست .

(۱) محمد ۲۰ (۲) قمر ۴۶ .

(۳) حج ۷ .

و روزی رسول خدا خطبه ای خواند و سپس فرمود : که همانا راست‌ترین سخنان کتاب خداست و بهترین راهنمائیها راهنمائی خدااست و بدترین کارها بدعتهائیست که در دین خدا بوجود می‌آورند و هر بدعتی گمراهی‌است سپس مردی بپای خاست وعرضکرد ایرسول خدا قیامت چه زمانی خواهد بود فرمود من‌ازتو داناتر دراین‌امر نیستم قیامت نخواهد آمد مگر ناگهانی سپس آنمرد عرضکرد مارا ازعلامات قیامت آگاه کن .

بعد فرمود ، قیامت نیاید تااینکه دانش مردم زیاد شود ،زلزله فراوان گردد : فتنه و آشوب و خونریزی بسیار گردد ، هرج و مرج آشکار شود ، وهوا پرستی درمیان شما فراوان‌گردد ، آبادیها ویران ، ویرانه ها آباد ، و در آنوقت در مشرق و مغرب وجزیرة العرب زمین فرو رود، آفتاب از مغرب بتابد،جنبندگان‌بیرون آیند ، دجال آشکار شود ، یأجوج و مأجوج پراکنده‌ی در زمین شوند ، عیسی بن مریم از آسمان فرود آید .

اینجاست که باد فتنه و آشوب از طرف یمن می وزد که نرم تر ازحریر است برای هیچ کسی ذره‌ای ازایمان بجا نگذاردمگر اینکه بگیرد و همانساعت برپانمیشود مگربرای بدان سپس آتشی‌از طرف عدن بیاید و بکشاند بقیه‌ی کسانیکه بر فراز زمین باشند و برانگیزاند آنانرا .

عرضکردند یارسول الله کی این حوادث واقع میشود فرمود : هرگاه قاریان بازمامداران سازش کنند، ثروتمندان‌را بزرگ بشمارند فقیران را اهانت و جسارت کنند ، آوازه خوانی آشکار شود ، زنا

شیوع پیدا کند ، کاخ ها سر بفلك بکشد و بلندشود، قرآن باآواز و غنا بخوانند . اهل باطل بر اهل حق پیروز شوند .

امر بمعروف ونهی از منکر کم‌شود ، نمازها ضایع وتباه شوند مردم از خواسته های خود پیروی کنند و میل بهوای نفس کنند ، زمامداران ستمگر پیش افتند ، پس آن زمامداران خیانت کنند وزیران مردمان فاسق باشند ، حرص و آز درقاریان آشکارشود، نفاق و دوئیت در میان دانشمندان ظاهر گردد .

پس درین هنگام بر مردم بلا نازل میشود زورمندان ناتوانان را یاری نکنند مسجد هارا زینت وآرایش نمایند ، قرآنهارا طلا کاری کنند بیسوادان بر فراز منبرها بالا روند ، صفهای نماز فراوان ، صدای گریه و مناجات درمسجدها بلندشود، و بدنهای متحد فراوان بازبانهای مختلف گردهم جمع شوند ، و دینشان لقلقه‌ی زبان باشد اگر چیزی بآنها داده شود ستایش کنند وگر منع شوند بدگوئی و نکوهش نمایند .

به خرد سالان‌رحم نکنند، پیر مردان را احترام نکنند ، خود را بر دیگران مقدم دارند ، حرمت و احترام یکدیگر را پامال کنند، در قضاوتها ستم کنند ، بندگان بر آنان فرمانروا شوند، بچه ها زمامدار شوند ، تدبیر کارها بدست زنان باشد ، مردان باطلا و نقره خویش را زینت کنند ، لباس ابریشم بپوشند ، زنان لباسهای بدن نما بپوشند ، پیوند خویشاوندی را قطع کنند .

راهها نا امن میشود ، باجگیران‌را برای باج گرفتن نصب کنند تابا مسلمانان‌نبرد کنند و آنانرا در اختیار کافران قرار دهند درین

وقت باران فراوان ببارد ولی گیاه کم بروید، نادان زیاد و دانایان کم شوند، زمامداران ظالم زیاد. مردمان امین کم.

پس در این هنگام در نزدیکی فرات کوهی است که در آن معدن طلا پیدا می شود مردم بر سرآن می جنگند و یکدیگر را میکشند بطوریکه از صد نفر نود و نه نفر کشته میشوند فقط یکنفر سالم میماند.

مردی گفت با رسول خدا شبی نماز خواندیم مردی فریاد زد که ایرسول خدا قیامت چه زمانی است سپس اورا از پرسش منع کرد تا اینکه صورتش نورانی شد ونگاهی بطرف آسمان کرد و فرمود: منزه است آفریدگار و گسترانندهٔ آن ساعت بعد فرمود: ای پرسش کنندهٔ از روز رستاخیز قیامت هنگام بدسرشتی زمامداران، سازش کاری قاریان دوئیت دانشمندان، وهنگامی که امت من علم نجوم را تصدیق کنند وقضا و قدر را تکذیب نمایند دراین وقت است که امانت بازیافت شمرده شود، صدقه وانفاق با اکراه داده شود، زشت کاریها آزاد، عبادت خدارا برای خاطر مردم طولانی کنند.

وفرمود: بخدائیکه جان من در دست اوست قیامت بپا نخواهد شد تا وقتیکه برشما امیران فاجر و وزیران خائن حکومت کنند، عارفان ستمگران، قاریان فاسقان، و عابدان نادانان، خدا درهای فتنه هائیکه روز کارشانرا تاریك می کند برویشان بگشاید.

پس در آن تاریکی حیران و سرگردان بمانند همانطوریکه یهود حیران و سرگردان بودند و در این هنگام نقص در اسلام پیدا شود و مسلمانان دسته دسته شوند بطوریکه فریاد زنند خدا خدا.

حضرت امیر المؤمنین عليه السلام فرمود : پادشاهی نیست که خدا باو قدرت و سلطنت و نعمت عطا کند و سوء استفاده‌ی از قدرت نماید و بر بندگان ستم کند مگر اینکه خدا سلطنت را از او زوال بیاورد مگر نمی بینی گفته ی خدای تعالی را که میفرماید :

« ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم » (۱) .همانا خدا نعمت مردمی را عوض نمیکندتا زمانیکه مردم‌خودرا عوض کنند و نافرمانی خدا کنند .

ونیز نبی‌اکرم صلى الله عليه وآله فرمود : همیشه این امت از نعمتهای‌خدا برخوردار و در پناه خدایند تا آنگاهیکه قاریان آنان میل بسوی زمامداران نکنند وبرمردمان شایسته زمامداران ناشایسته فرمانروا نباشند پس هرگاه این کارها را انجام دادندخدا نعمتش را از آنان بگیرد و آنان را نیازمند و تهی دست کند و مردمان فرومایه را بر آنان مسلط کند و دلهای آنانرا پر از ترس وبیم کند. و ستمگران آنان را آزار دهند ، سپس مانند شخص غرق شده‌از روی اخلاص‌خدا را بخوانند ولی دعای آنان مستجاب نشود .

وفرمود بد بنده ایست بنده ایکه از خدا آمرزش می‌طلبد ولی گناه میکند ، امیدوار نجات‌است ولی کاری برای نجاتش نمیکنداز عذاب خدا میترسد ولی خود را نمیترساندوشتاب در گناه میکندولی توبه‌رابتأخیر می‌اندازد و با نداشتن کردارنیك از خداآرزوهای بیجا می‌نماید پس وای بر او ، وای براوازآنروزیکه اورا در پیشگاه خدا بیاورند. .

---

(۱) رعد ۱۳ .

وروایت شده که چون عمر بن هبیرة از طرف هشام بن عبدالملك آستاندار عراق شد شعبی و حسن بصری را احضار کرد بآندو گفت که هشام بن عبدالملك پیش از آنکه مرا آستاندار عراق قرار دهد از من عهد و پیمان گرفته و نامه‌ی اوهم مرتب می‌رسد که اگر مردم عراق نافرمانی کنند حقوقشان از بیت المال مسلمانان قطع و گردنهایشان را بزنم و اموالشان را غارت کنم رای شما دو نفر در این باب چیست ؟

شعبی که با او سازش کرد و گفته‌ای دو پهلو گفت ولی حسن بصری گفت ای عمر همانا من ترا مانع می‌شوم که متعرض خشم خدا نشوی بواسطه‌ی خشنودی هشام و دانسته باش که خدا میتواند ترا از شر هشام نگهدارد ولی هشام نمیتواند ترا ازخشم خدا و مردم روی زمین نگهدارد: آیا خدا کتابی برای تو نفرستاده که عمل بآن کنی، دادگری احسان بمردم نمائی و کتابی بتو رسیده از پیغمبرت رسول خدا و نیز نامه ای هم از هشام بتو رسیده بخلاف نامه‌ی رسولخدا آیا بنامه ی هشام عمل میکنی و کتاب خدا و سنت پیغمبر خدا را وامیگذاری ؟ و اینکار همانا جنگی بزرگ با خدا وزیانکاری است آشکار .

ای عمر بپرهیز از خدا و بترس زیرا ممکن است فرشته ای از آسمان فرود آید و ترا از این مقام بلند و تخت ریاست و این کاخ پهناور بخانهٔ تنگ قبر بکشاند بعد عاملی بر گشادی قبر جز کردار نیك نداری اگر کردارت خوب باشد ، بوحشت نیندازد ترا درقبر مگر کردار زشت دانسته باش که اگر خدارا یاری کنی خداهم ترا یاری کند و ترا ثابت قدم ویا برجا نگهدارد زیرا که خدا تعهد فرموده عزت دهد کسی که اورا عزیز بشمارد و یاری کند هر کسی که اورا یاری نماید .

خدای سبحان میفرماید: «ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم» (۱) اگر یاری کنید خدا را یاری نماید شمارا وقدمهای شمارا استوار کند ونیز میفرماید «ولینصرن الله من ینصره» (۲) مسلم خدا یاری کند هر کس‌را که‌خدارایاری کند و حضرت رسول فرمود: چگونه خواهید بود هنگامیکه بدعتها در میان شما آشکار شود بطوریکه درآن بدعتها بچه ها بزرگ و بزرگسالان پیر شوند و عجمها تسلیم برآن بدعت شوند و هرگاه‌بدعت آشکارشود گفته میشود سنت است و هرگاه که به سنت عمل شود گفته میشود بدعت‌است.

عرضکردند کی خواهد بود اینها فرمود هرگاه که بواسطه‌ی عمل آخرت دنیارا بدست آورید، ابن عباس گفت زمانی برمردم بگذرد که در آن زمان سنت را بکشندوبدعت‌رازنده کنند بطوری که سنت ها بمیرد و بدعتها زنده گردد و بعد گفت بخدا سوگند که مردم را هلاك نکرد و دستشان را از دامن‌حجت‌هایشان کوتاه نکرد مگر دانشمندان که سرراه آخرت می‌نشینند ومردم را مانع می‌شوند که از آن راه بروند و آنان‌را مردودمیکنند.

مثال این مثل مرد تشنه است که کوزه‌ای پراز آب‌می‌بیندواراده میکند که از آن آب بخورد پس‌مردی‌باو میگوید که دست میان‌این خمره‌ی‌آب مبر که در میانش افعی است دستت را میگزد و آن خمره‌ی آب را پر از زهر کرده سپس مرد را از خوردن آب مانع می شود بعد همین مردیکه این خبر افعی‌را داده دست خود راداخل

(۱) محمد ۷ (۲) حج ۴۱

خمره‌ی آب میکند مرد تشنه میگویداگر دراین ظرف آب زهراست چرا خودش دستش را داخل ظرف آب میکند .

وهمینطور است حال مردم با علماء ودانشمندان بدکه مردم را به پارسائی دنیا وادارمیکنند ولی خودشان میل در آن دنیا میکنند و مردم را مانع میشوند که بدربارزمامداران بروندو آنان‌را تعظیم کنند ولی‌خودشان بەدربار زمامداران میروندو کوچکی میکنندوآنانرانیز ستایش‌وثنا خوانی میکنندو کردارشانرا تحسین و وعده‌ی‌سلامتی بآنها میدهند بالاتر ازین میگویند ما برای شما خوابهای بزرگ دیده ایم که شما در کاخهای سر بفلك کشیده بسر میبرید مقامهای بلند دارید کردارتان مورد توجه و قبول خداست آنها را باین حرفها فریب میدهند .

ولی گفته‌ی خدای تعالی را فراموش کرده اند که میفرماید: « ان الابرار لفي نعيم وان الفجار لفي جحيم »(۱) هما نا خوبان در بهشت و بدان در دوزخند « ماللظالمين من‌حميم ولاشفيع يطاع» (۲) نیست برای ستمگران درقیامت‌دوستی و نه هم شفیعی که آنانرا شفاعت کند « ويوم يعض‌الظالم على يديه »(۳) و روزیکه ستمگردوانگشتش را بدندان میگزد « يوم‌لايغني مولى‌عن‌مولى‌شيئاً »(۴) روزیکه کفایت نمیکند دوستی از دوستی چیزیرا .

و پیغمبر اکرم فرمود : بهشت حرام است بربدنیکه‌غذای حرام خورده و حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود : از شیعیان‌من نیست کسی

(۱) انفطار ۱۳	(۲) مؤمن ۱۹.
(۳)فرقان ۱۹.
(۴)دخان ۴۱

که مال مردی را بحرام بخورد.

و نیز نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: بوی بهشت را نمی‌شنود بدنیکه بحرام پرورش یافته و فرمود: همانا یکنفر از شما دستهایش‌را برای دعا بسوی آسمان بلند میکند و میگوید: یارب یارب وحال اینکه خوراکش از حرام ولباسش از حرام بااین‌حال چه‌دعائی از اومستجاب شود و چه عملی وکرداری از او پذیرفته گردد در صورتیکه او از مال حرام انفاق میکند، حج بجامی‌آورد، صدقه از حرام میدهد، اگر ازدواج کند بحرام‌ازدواج کرده اگر روزه بگیرد باغذای حرام افطار کرده.

پس وای بر او نمیداند خداوند پاك است و پاکیزه رامی‌پذیرد و در کتابش فرموده است «انما یتقبل الله من المتقین»(۱).

همانا خداوند از پرهیزکاران می پذیرد و حضرت نبی‌اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: درمیان شمازمامداران بدی میباشد پس هرکس گفتار آنان را تصدیق کند و آنان را در ستمهایشان همکاری وکمك نماید وبدربار آنان داخل شود از امت من نخواهد بودآنکس و منهم پیغمبر او نیستم و روز قیامت در حوض بر من وارد نخواهد شد.

حضرت بحذیفه‌ی یمانی فرمود: چگونه خواهی بود ای حذیفه زمانیکه زمامدارانی‌باشند که‌اگر گوش بفرمانشان‌باشید شما را نسبت بکفر دهند و اگر سر از فرمانشان به پیچید شما را بکشند حذیفه عرضکرد پس چکار کنیم ای رسول خداحضرت فرموداگر توانیروی

---

(۱) مائده ۳۰.

مبارزه است با آنان بجنگ وگرنه از آنان فرار کن .

و حضرت فرمود : دو طایفه‌ی از امت من است که هرگاه شایسته باشند مردم شایسته اند و هرگاه فاسد باشندمردم‌را فاسد کنند زمامداران و دانشمندان. خدای‌تعالی‌میفرماید «ولاترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار »(۱)

ومیل نکنید بسوی ستمگران که‌شمارا‌آتش فرا خواهدگرفت

و نیز میفرماید «فلاتطغوا‌فیه‌فیحل‌علیکم‌غضبی»(۲) پس‌نباید سرکشی کنید در فرمان من که خشم من شمارا فراگیرد بخدا سوگند کار مردم تباه نشد مگر به تباهی همین دوطایفه بویژه ستم کننده‌ی در قضاوت و داوری و قبول کننده‌ی رشوه در احکام و چه‌قدرنیکو گفته ابونواس در شعرش :

« اذا خان الامیر وکاتباه
وقاضي الامر داهن في القضاء » (۱)

« فویل ثم ویل ثم ویل
لقاضي الامرمن قاضي‌السماء » (۲)

۱ ـ هرگاه که امیر و نویسندگانش خیانت کردندوقاضی هم درقضاوت و داوریش سازش کرد .

۱ ـ پس وای بعد وای بعد هم وای بر قاضی امر از داور آسمان ها .

(۱) هود ۱۱۵ .
(۱) طه ۸۲

و در تفسیر قول خدای تعالی آمده «لاتجدقوماً یؤمنون بالله و الیوم الاخر یوادون من حاد الله و رسوله» (۱) نمی یابی گروهی را که بخدا و روز رستاخیز ایمان آوردند دوست دارند مخالفان خدا و رسولش را این آیه در بارهٔ کسانی نازل شده که باسلاطین وستمگران رفت و آمد می کنند.

و حضرت فرموده است که اسلام اقرار بزبان وایمان سر نهانی دل و قلب است وپرهیز کاری عمل باعضا وجوارح است چطور مسلمانی هستی که مردم از تو در سلامت نیستند و چطور مؤمنی هستی که مردم از تو در امان نیستند چگونه پرهیز کاری باشی که مردم از شر تو می ترسندو فرمود هر کس که ادعای دوستی ما را کند وعمل بفرمان ما نکند نه او از شیعیان ماست و نه ما مولای او باشیم آیا نشنیده اند قول خدای تعالی را که از قول پیغمبرش خبر میدهد و میفرماید:

«قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله» (۲) بگو ای محمد اگر شما دوستدار خدا میباشید پیروی مرا کنید خدا شما را دوست می دارد.

وچون اصحاب حضرت باو بیعت کردند ازآنها عهد و پیمان گرفت در سختی ها وآسانی ها در همه حال فرمان خدا را از دل وجان اطاعت کنند و حق را بگویندو هر کجا که باشند دبه نکوهش نکوهش کنندگان گوش ندهند فرمود: و همانا خدابحساب می آورد کردار بندگانش را حتی نالهٔ آنان را که دربستر مرض می نالند.

---

(۱) مجادله ۲۳.

(۲) آل عمران

و گواه این مطلب قول خدای تعالی است که میفرماید: «مایلفظ من قوله الا لدیه رقیب عتید» (۱) بیرون افکنده نمیشود گفته ای مگر اینکه دوفرشته‌ی رقیب و عتید آنرا ضبط میکند «وان علیکم لحافظین کراما کاتبین یعلمون ما تفعلون» (۲) وهمانا برشما نگهبانان نویسنده است که میدانند چه کرداری انجام میدهید و نیز قول و گفته خدای تعالی که میفرماید «و ان تبدوا مافی انفسکم اوتخفوه یحاسبکم به الله» (۳) و اگر آشکار کنید آنچه را که درضمیر ونهاد شماست یا پنهان کنید بهمانها شمارا خدا بازجوئی میکند

باب هفدهم ـ مجازات زناکار و رباخوار

نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: که همانا برای اهل دوزخ فریادیست از بوی (فرج) شرمگاه زناکاران پس بپرهیزید شما از زنا کردن که در آن شش خصلت بد است سه تای آن در دنیا وسه تا درآخرت پس آن سه تا که در دنیاست، یکی اینست که آبروی انسان را میبرد دومی باعث فقر وتهی دستی میشودسومی عمر زناکار را کوتاه میکند و اما آنسه که مربوط بآخرت است یکی سبب خشم وغضب پروردگار میشود دومی سبب بدی حساب گردد سوم مجازات وعذاب زناکار را درقیامت بزرگ میکند زناکاران روزقیامت می‌آیند ولی از شرمگاه (فرج) آنان آتش زبانه میکشد آنان از بوی گند شرمگاه شان (فرج) شناخته میشوند که زناکارند.

---

(۱) ق ۱۷. (۲) انفطار ۱۰.

(۳) بقره ۲۸۴

ونیز نبی اکرم فرمود : که خداوند شمارا خلیفه‌ی خود در دنیا قرار داد پس مواظب باشید که چگونه عمل میکنید زینهار بپرهیزید از زنا و ربا خوردن، گفته شده که معتزله روزی در مجلس حضرت رضا (ع) گفتند که بزرگترین گناهان قتل نفس است بدلیل گفته‌ی خدای تعالی که میفرماید : « ومن يقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فيها » (۱) کسیکه بکشد مؤمنی را ازروی عمد پس مجازات و کیفر او دوزخ است همیشه در آن جاویدان .

وحضرت رضا (ع) فرمود : بزرگترین گناهان وزشت ترین آنها در پیش من زنا است زیرا که قاتل بواسطه‌ی آدمکشی دیگری را تباه وفاسد نمیکند ولی مرد زنا کار تا روز قیامت نسل بشر را فاسد میکند وحرام را حلال میکند در مجلس مأمون که حضرت این بیانرا فرمود فقیه و دانشمندی نبود که دست آنحضرت را نه بوسد و اقرار بگفته‌ی آنحضرت نکند .

وحضرت رسول فرمود : هر گاه درمیان شما پنج چیز باشد به پنج بلا گرفتار خواهید شد هر گاه ربا بخوريد زمین نعمتش را ازشما دریغ دارد ، هرگاه درمیان شما زنا آشکار شد مرگ ناگهانی فراوان شود ، زمانیکه زمامداران ستم کنند چهارپایان بمیرند زمانی که مردم بیکدیگر ستم کنند دولت آنها بزوال گراید ، وقتیکه سنت واگذارده شود بدعت روی کار آید .

ونیز آنحضرت فرمود هر گاه مردمان پیمان شکنند دشمن بر آنان

---

(۱) نساء ۹۵ .

چیره گردد ، و هیچ قومی ستم نکردند مگر اینکه کشتار درمیان آنان زیاد شد ، و منع نکردند گروهی زکاة رامگراینکه آسمان بارانش را از ایشان دریغ داشت ، وهرقومیکه درمیانشان زنا شیوع داشت مرگ ناگهانی در آن جمعیت فراوان بود ، هر قومیکه کم فروشی کردند گرفتار قحطسالی شدند .

ونیز فرمود : هرگاه امت من پانزده عمل را انجام دهند بلا آنان را فرا گیرد هرگاه غنائم ثروت شخصی شود وامانت جزء غنیمت ها شمرده شود ، وصدقه را گروگیرند ، مرد از همسرش اطاعت کند ، نافرمانی مادر کنند ، بدوستان خوشرفتار وبا پدران ستم کنند ، آوازها در مسجد ها بلند شود ، وبعضی از مردم از ترس شرشان احترام شوند رهبر مردم از اراذل و اوباش باشد مردان لباس ابریشم بپوشند ، زنان خواننده را اختیار وانتخاب کنند ، و آشکارا شراب بخورند و زنا فراوان شود ، پس انتظار داشته باشید درین هنگام باد سرخی را که میوزد یا زمین اهلش را فرو برد یا اینکه انسانها بصورت حیوانها در آیند و مسخ شوند یا اینکه دشمنان بر ضرر شما آشکار شوند وکسی شمارا یاری نکنند .

باب هجدهم ـ سفارشهای لقمان به پسرش

از دانشها وحکمتهای رسا ـ فرمود ای پسرم خروس از تو زیرکتر نباشد و نگهداریش به نماز از تو بیشتر نباشد ، آیا نمی بینی آنرا در سحرها و هنگامیکه برای نماز اذان گفته میشود صدایش را بلند

می کند و حال اینکه‌تودرخوابی وفرمود پسر کم‌هر کس مالك زبانش نباشد پشیمان می‌شود ، هر کس جدال‌زیاد کندفحش می‌شنود هر کس درجاهای بد برود تهمت زده می‌شود ، هر کس همراه رفیق بدباشد سالم نمی ماند ، هر کس‌همنشینی‌دانشمندانرا کندغنیمت دانش میبرد و دانشمند میشود پسر کم توبه را عقب‌نینداز زیرا که مرگ ناگهان فرا می‌رسد .

پسرم بی نیازی خویش‌را دردلت قرارده و هرگاه فقیرونیازمند شدی فقر خود را بمردم مگو که‌بدیده‌ی حقارت‌و کوچکی برتو نگاه کنند ولی از فضل خدا بخواه آنچه را که نیاز داری پسرم دروغ‌گفته است کسیکه‌گفته شر و فتنه‌را بافتنه و شر بایدخواباند مگرنمی‌بینی که آتش آتش را خاموش نمی کند بلکه آتش با آب خاموش میشود و همچنین شر جز با خیر خاموش نمی‌شود .

پسرم بگرفتاری های دیگران‌شاد مشو وگرفتاران را سرزنش مکن ومانع از خوبیها مشو زیرا که آنها پس اندازند‌برای تو در دنیا و آخرت پسر کم با سه طایفه واجب است که خدا را سازش کنی یکی مریض دوم سلطان سوم زن، با قناعت زندگی کن که همیشه ثروتمند و بی نیاز باشی پرهیز کار باشی که همیشه عزیز باشی .

پسر کم همانا تو از هنگامیکه از مادر متولد شدی دنیا بتو پشت کرد وآخرت‌رو بتو آورد و تو هر روز بآخرت نزدیك میشوی و از دنیا دور میگردی پس توشه برگیر برای خانه ایکه رو بتو می آورد .

برتو باد پرهیز کاری زیرا که سودمند ترین بازرگانیهاست

وهرگاه گناه تازه ای انجام میدهی بیدرنگ ازخدا طلب آمرزش کن وپشیمان شو و تصمیم بگیر که مانند آن گناه را انجام ندهی همیشه مرگ را پیش دو چشمت مجسم کن و آنروز را که در پیشگاه پروردگار بایستی درنظر بگیر که اعضای تو گواهی دهند بکردار تو و بر ضرر تو در آن روز فرشتگان موکل برتو نیز گواهی‌دهند بکردار بدت وتو از آنان وپروردگاری که ناظر کردارت بود شرم میکنی وخجالت میکشی .

و برتو باد به پند و اندرز و عمل کردن بآنها، عمل کن که در پیش خردمندشیرین تراز عسل است ولی بر نادان سخت تراست از بالا رفتن پیرمردی بر فراز قله‌ی کوه وگوش بلهو و لعب مده که آخرت را ازیاد تو میبرند ولی به تشییع جنازه برو بزیارت اهل‌قبور نیز برو ، بیاد مرگ و ترس و بیمهای بعد از مرگ باش وبترس.

پسرم پناه بخدا ببر از شر زنان‌واز خوبان آنان برحذر باش پسرم به ستم کردن هیچ کس شاد مباش بلکه افسرده خاطر باش از ستمی که بر دیگران می کنی پسرم ستم کردن تاریکی روز قیامت است و ستم روز قیامت باعث حسرت ، و اندوه باشد وهرگاه که‌نیرو وقدرت تو ترا وادار به ستم بزیردستان می کند بیاد آر از قدرت و نیروی‌خدا بر خودت .

پسرم یاد بگیر ازدانشمندان آنچه را که نمیدانی و بمردم یاد بده آنچه را که نمیدانند تا درین عمل ترا درملکوت یادآوری کنند پسرم داراترین مردم کسی است که بآنچه در دست داردقناعت کند و فقیرترین‌مردم کسی‌است که‌چشمش رابسوی آنچه که دردست

مردم است بکشد و زینهار نا امید باش از آنچه که در دست مردم است و اطمینان داشته باش بآنچه که خدا وعده فرموده .

کوشش کن در آنچه که خدا بر تو واجب کرده و کوشش زیاد مکن در بارهٔ روزی که خدا برای تو ضمانت کرده و در تمام کارها بخدا توکل کن که ترا کفایت میکند و هرگاه نماز میخوانی مانند کسیکه وداع و خدا حافظی میکند نماز بخوان بطوریکه گمان کنی که آخرین نماز تو است و بپرهیز از انجام دادن عملی که از آن پوزش طلبی زیرا کار خیر نیازی بپوزش ندارد و هرچه را که برای خویشتن دوست داری برای مردم دوست دار، هرچه را که خودت را ناخوشایند است برای مردم ناخوش بدار، آنچه را که نمیدانی مگو.

کوشش کن که امروز تو برایت از دیروزت بهتر باشد و فردایت نیز از امروزت بهتر باشد زیرا که هر کس دو روزش یکسان باشد او مغبون است و کلاه سرش رفته و هر کس امروزش از دیروزش بدتر باشد ملعون است.

بآنچه که خدا برای تو مقدر کرده خوشنود باش زیرا که خدای سبحان میفرماید : گناهکار ترین بندگانم آنکس است که راضی و خوشنود بقضای من نباشد و سپاسگزاری نعمتهایم را نکند، و بر بلاهایم صبر ننماید .

و رسول خدا معاذ بن جبل را سفارش کرد و باو فرمود : که سفارش میکنم ترا بترسیدن از خدا و راست گفتن و پرداختن امانت ، تواضع و فروتنی وفای به پیمان، واگذاردن خیانت ، خوش رفتاری همسایگان، پیوند خویشاوندی مهربانی یتیم ، نرمی سخن ، سلام کردن

بدیگران ، کردارنیك ، کوتاهی آرزووآرمان. محکم کردن‌ایمان فقیه شدن در دین، اندیشیدن در قرآن، یادآوری آخرت،خاطر نشان کردن ناراحتی حساب ، زیاد بفکر و یادمرگ بودن و مسلمانی را دشنام‌ندادن .

پیروی گنه‌کار را منما ، ترك رفت آمد با خویشاوندان مکن بکردار زشت مردم خوشنود مشو که‌توهم مانند انجام دهنده‌ی آن کردار زشت خواهی‌بود، خدارابیاد بیاور درمقابل هردرخت و کلوخ وسنگی بویژه هنگام سحر ها و در هرحالی بیاد خدا باش زیرا که خدا یادکننده است یاد کننده‌ی خود را و سپاس کننده است سپاس گذارش‌را و برای هرگناهی که انجام میدهی تجدید توبه کن چه آن گناه نهان باشد وچه آشکار .

بدانکه راست ترین سخنان کتاب خداست و مطمئن ترین عزت ها تقوا است ، با شرافت ترین ذکر ها یاد خداست ، بهترین داستانها قرآن است : بدترین کارها بدعتهاست، بهترین هدایتها رهنمائی پیامبر است ، بهترین مرگها شهید شدن در راه خدا ، و در خون طپیدن است بدترین کوریهاگمراهیست بعداز هدایت ، بهترین دانش‌آنست که‌ازآن بهره‌برده شود، بدترین کوریها کوری دل‌است.

دست بالا بهتر است از دست پائین (دستی که میدهد بهتراست از دستی که میگیرد) آنچه که کم است و کفایت میکند انسان را در دنیا بهتر است از آنچه که زیاد است و انسان را غافل‌ازخدا می کند بدترین پوزشها پوزش خواستن هنگام‌مرگ است ، بدترین

پشیمانیها پشیمانی روز رستاخیز است بدترین گناهان‌زبان دروغ‌است
بهترین ثروتها بی نیازی نفس است ، بهترین توشه ها پرهیزکاریست
سرآمد حکمت‌ها ترس از خدا است . در آشکار و پنهان ، بهترین
چیزی که در دل افکنده‌شودیقین است ، و سرچشمه‌ی تمام گناهان
دروغ‌است وشك ، زنان دامهای شیطانند،و جوانی نمایندگی جنونست
بدترین کاسبی ها رباست بدترین گناهان خوردن مال یتیم است ،
خوشبخت‌کسی است که از دیگران پند بگیرد ، بدنی پرورده‌ی
بحرام نمی‌شود مگر اینکه در آتش باشد ، هر کس غذای حرام
بخورد پس آتش سزاوار اوست ودعایش مستجاب نمی‌شود.

نماز نور است ،صدقه نگهدارنده است روزه سپراست ازآتش
وقار غنیمت است و ترك وقار ضرر است .

برخردمنداست که‌برای‌او وقتی باشد که‌درآن‌وقت‌باپروردگارش
راز ونیاز کند و ساعتی‌باشد که در آن درآفریدگان خدا بیندیشد
وساعتی که در آن نفسش را باز جوئی‌نماید وساعتی که درآن روزی
حلال تهیه کند ، برمردخردمند است که کوشش‌او خلاصه‌ی درسه
چیز شود ، توشه برگیرد برای قیامت، اصلاح برای‌معاش، بهره‌بردن
از غیر حرام ، و برانسان عاقل است که بینائی کامل برعصر خویش
داشته باشد ، متوجه شأن‌خود باشد ، زبانش را نگهدارد

و در تورات حضرت موسی است که در شگفتم‌از کسیکه یقین
بمرگ دارد چگونه دلشاداست و از کسیکه یقین‌بحساب دارد چگونه

گناه میکند ، یقین بتقدیر الهی دارد چطور غمگین و افسرده خاطر است وبرای کسیکه یقین بدوزخ دارد چگونه میخندد و کسیکه دگرگونی دنیارا برای اهل دنیا می بیند چطور بدنیا مطمئن است و کسیکه یقین بپاداش دارد چطور عمل نمیکنند ، خردی مانند دین نیست ، پرهیز کاری مانند خود داری ازگناه نیست، حسب ونسبی مانندحسن خلق نیست .

و ابوذر گفته است که وصیت کردمرا رسول خدابه هفت خصلت ، دوستی تهی دستان ونزدیك شدن بآنها ، دوری ازثروتمندانو اینکه پیوندخویشاوندی کنم وبجز از سخن حق چیزی نگویم ، در راهخدا ازنکوهش نکوهش کننده نترسم ، همیشه نگاه بزیر دستم کنم و ببالا دست خود نگاه نکنم ، و بسیار بگویم « سبحان‌الله‌والحمدلله ولا اله الا الله والله اکبر و لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم » زیرا که اینها باقیات صالحات میباشند (بجا مانده های‌شایسته از انسان بعداز مرك است) .

وبعضی گفته اند که هر کس به راه هموار برود از لغزش ایمن است و صبر مرکب رهوارسلامتی است ، بیتابی مرکب پشیمانی است تلخی بردباری گوارا تراست ازشیرینی انتقام، نتیجه‌ی حسدپشیمانی است، هر کس صبر کند برچیزی که‌خوش ندارد دریابد آنچه را که دوست دارد ، صبر بر مصیبت مصیبتی است بر دشنام دهنده ، بیتابی بر آن مصیبت مصیبتی است دومی بواسطه از دست رفتن ثواب و این از دست دادن ثواب بزرگترین مصیبت هاست .

ورسول‌خدا فرمود : بهترین رزق آنست که انسان را کفایت کند و بهترین ذکر آنست که پنهان باشد وهمانا من شمارا سفارش

میکنم بپرهیزگاری خدا ونیکو توجه به نفستان کنید و از روز قیامت کمتر غافل و بیخبر باشید ، خریدن نعمتهای همیشگی را به نعمتهای فانی ، همانا بدانید که روزها شمرده شده و روزی ها بخش و تقسیم شده ، مرگها معلوم ، آخرت همیشگی است و انتها و آخری ندارد ونعمتهایش زوال پذیر نیست .

پس بشناسید چه میکنید وچه برای‌شما آماده شده ، واگذارید کارهائیکه در دنیا شمارااز آخرت باز میدارد، بترسید از حسرت و اندوه اسراف کنندگان و پشیمانی فریب دهندگان ، چند روزیکه از عمرمانده عمل را ازسر بگیرید و تلافی کنید آماده‌ی کوچ کردن باشیدازسرای‌امتحان‌وآزمایش بسوی سرای‌جاویدان، بترسیدازاینکه مرگ شمارا ناگهان دریابد بر این حالت غرور و فریب و شتابش از آمادگی شما بیشتر باشد.

وهمانا خدای تعالی میفرماید : « فلا یستطیعون توصیة ولا الی اهلهم یرجعون »(۱)پس قدرت‌سفارش کردن‌ندارندونه‌هم‌بسوی کسانشان باز گردند ، پس چقدر ازخردمندان‌اسیر و سرگرم هوی‌شدندبطوری که مانند بی خردان گردیدند و برای خطاهای نفسهایتان درگناه عذر و پوزش نتراشید ، و برآنچه که موافق‌هوای نفستان باشد بیهوده جدال‌نکنید.

همیشه همت تان را یاری کردن حق قرار دهید چه از طرف خودتان و چه از طرف کسی که باشما بحث میکند زیرا که خدای

(۱) یس ۵۰ .

تعالى میفرماید: «یا ایها الذین آمنوا کونوا انصار الله»(۱) ای گروهیکه ایمان آوردید یاوران خدا باشید، مبادا اینکه یار هوای نفستان و یار شیطان باشید و بدانید که همانا چیزی مانند پیشوائیکه گمراه شود و مانند بحث منافق بر باطل دین را ویران و خراب نمیکنند، دنیا جدا کرده گردنهای طالبین و آنان را که بدو میل کرده اند همانا گورستان بوستانی است از بوستانها و باغهای بهشت یا گودالیست از گودالهای جهنم.

پس فرش قبر را از کردار شایسته قرار دهید مثل یکی از شما که کار نیك و شایسته انجام میدهد مانند دانشمندیست که سخنش را گسترش میدهد و برای خودش عمل میکند چنانچه خدای تعالی میفرماید: «ومن عمل صالحاً فلا نفسهم یمهدون»(۲) و کسانیکه کردار شایسته انجام دهند پس برای خودشان انجام داده اند، و هر گاه دیدید که خدا هرچه را که بنده اش دوست دارد باو می بخشد و بنده هم قیام به معصیت خدا کرده پس بدانید که مهلتی است برای او چنانکه میفرماید: «سنستدرجهم من حیث لا یعلمون» بزودی بگیریم ایشان را ازجائیکه ندانند.

از ابن عباس پرسیدند از صفت کسانیکه خدا را از ترس خدا تصدیق کردند سپس گفت: ایشان مردمی هستند که دلهایشان از خوف خدا اندوهگین است، دیدگانشان گریان واشك بر گونه هاشان جاری، میگویند چطور خوشحال باشیم وحال اینکه مرگ پیش روی

---

(۱) صف ۱۴

(۲) روم ۴۳.

ما وقبر محل ورودماست،وقیامت وعده گاه و مارا به پیشگاه خداوند آورند، گواه مااعضا وجوارح ما باشد، راه‌ماازبالای پلی است که بر بالای جهنم است، بر خداست بازجوئی‌ما .

پس منزه است خدای‌تعالی هماناما بآنخدا پناه میبریم از زبانهائیکه در مقام‌وصفند و از اعمالیکه مخالف است با دلهائیکه‌اورا شناخته اند زیرا که عمل نتیجه علم وترس‌نتیجه عمل و امیدواری نتیجه‌ی یقین است و هر کس که اشتیاق بهشت را دارد کوشش کند دروسیله‌ی رسیدن به بهشت و هر کس که از آتش‌می‌ترسددوری کند از آنچه که اورا نزدیك دوزخ میکندوهر کس دوست‌دارد که رحمت خدا را به بیند آماده‌ی دیدن باشد.

وروایت‌شده که خدای تعالی در بعضی از کتابهای آسمانی می فرماید: ای پسر آدم من‌زنده ای هستم که نمیمیرم فرمان‌برداری مرا بکن در آنچه که بتو فرمان دادم تا اینکه ترازنده ای‌قراردهم که هرگز نمیری، ای پسر آدم من بهرچه بگویم باش هست میشود پس توهم اطاعت مرا بکن در آنچه بتو فرمان‌میدهم تا اینکه ترا قرار دهم بطوریکه بهرچه بگوئی باش هست شود .

وهمچنین فرموده خدای تعالی در کتاب‌عزیزش « ولکم فیهاما تشتهی انفسکم ولکم فیهاما تدعون نزلامن‌غفور رحیم» (۱) وبرای‌شما است در آن بهشت آنچه را که نفسهایتان بخواهد و برای شماست در آنجا آنچه راکه طلب کنید حاضر از خدای مهربان و آمرزنده

---

(۱) فصلت ۳۱٠

است .

و رسول خدا فرمود : سه چیز باعث هلاکت و سه چیز وسیله نجات است و اما آن سه که باعث هلاکت است حرص و آز است ، پیروی هوای نفس، خود بینی و عجب مرد است ، و آما آن سه که وسیله‌ی نجاتست ترس از خدا در آشکار ونهان ، میانه‌روی در ثروت و تهی دستی و دادگری در حال خوشنودی وخشم .

وحضرت امام حسن عليه السلام فرمود : که گروهی شب را بروز آوردند بهشت ونعمتهایش وجهنم وعذابش را میدیدند نادانان خیال میکردند که آنان مریضند وحال اینکه ایشان را مرضی نبود ومضطرب بودند همانا آنانرا کاری بزرگ که ترس وبیم از خداباشد مضطرب کرده بود و مهابت خدا در دلهای ایشان بود چنین میگفتند که مارا بدنیا نیازی نیست نه برای دنیاآفریده‌شدیم‌ونه برای سعی و کوشش دنیا مامور شدیم مالهایشان را در راه خدا انفاق کردندخونهایشان‌را درراه‌خدا ریختند با شهادت رضاوخوشنودی خدارا خریدند دانستند که خدا مالها ونفسهایشان را بابهشت معامله میکندپس بخدافروختند آنچه را که داشتند تجارتشان سودمند بود و خوشبختی بزرگی نصیب آنان شد ورستگار شدند .

پس ای مردم از آنان پیروی کنید ودنبال آنان را بگیرید خدای شمارا رحمت کنداقتدای‌بآنان کنید که‌خداوند برای پیغمبرش تعریف کرده صفت پدرانش ابراهیم و اسماعیل و فرزندان آن دو را که‌فرمود : « فبهدیهم اقتده»(۱) سپس بارشاد آنان اقتدا کن ،

(۱) انعام ۹۰ .

بدانید ای بندگان خدا که شما در اقتدای بآنان پاداش‌داده خواهید شد.

پس کوشش و جدیت کنید و بترسید که مبادا از کمك کنندگان ستمگران باشید زیرا که رسولخدافرمود: هر کس باظالم و ستمگری راه‌رود ودرین راه رفتن کمکی به ستم‌گر کند پس‌ازروش اسلام بیرون شده و کسی که شفاعت او سوای شفاعت خدا و رسولش باشد مسلم خدا و رسولش را به خشم درآورده.

و هر کس ستمگری را کمك کندبرای اینکه حق مسلمانی را پاما ل کند از ذمه‌ی اسلام و خدا ورسولش بدور است وهر کس بقا و دوام ستمگری‌را بخواهد نافرمانی‌خدا را دوست داشته است و پیش‌او هرگاه‌که به مؤمنی ستم شود یا غیبت‌آن مومن شود و او قدرت بر یاری آن مؤمن داشته باشد و او را یاری نکند پس برگشت او به خشمی از خدا و رسولش باشدو هر که آن مؤمن را یاری کند پس سزاوار بهشت است از طرف خدا.

و همانا خدای تعالی وحی فرستاد بسوی داودکه بفلان ستمگر بگو که من ترا نفرستادم تادنیاارا جمع کنی ودرویهم بگذاری وبلکه ترا فرستادم که ستمدیدگانرا یاری کنی زیرامن‌سوگند یاد کرده‌ام بخودم که یاری کنم ستمدیده را و انتقام اورا بگیرم از کسانیکه‌در مقابل آنها باوستم شده و اورا یاری نکرده اند.

و نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرموده: اگر هر کسی‌مؤمنی‌را آزاردهد اگرچه بواسطه‌ی یك جمله سخن باشد روزقیامت محشور می‌شود در حالتیکه در پیشانی او نوشته شده نا امید ازرحمت‌خداست واو مانند

کسی است که کعبه و بیت المقدس را خراب کرده و ده‌هزارفرشته را کشته .

رفاعةبن‌اعین گفته‌است که امام صادق علیه السلام بمن فرمود : آیا خبر دهم ترا از کسانیکه روز قیامت عذابشان از همه سخت تراست‌عرض کردم بلی آقای من مرا خبر ده فرمود : سخت ترین مردم از حیث عذاب روز قیامت کسی است که ستمگری را بضرر و زیان مؤمنی کمك کند اگر چه بیك کلمه حرف باشد بعد حضرت فرمود خبر دهم ترا بکسیکه از این کس عذابش سخت تراست عرضکردم آری سید و آقای من فرمود کسی که عیب جوئی مؤمن رابکند چه ازنظر گفتار و چه از حیث کردار .

بعد حضرت فرمود نزدیك من بیا تا کم کم زیاد کنم ، ایمان بخدا و رسول و دوستی ما نیاورد کسیکه مومنی پیش او بیاید برای حاجتی وبصورت او نخندد وگشاده رونباشد اگر ممکن است حاجتش را روا کند واگر هم ممکن نباشد کفالت اورا بنماید تازمانی که حاجت او برآورده شوداگر اینطور نباشد بین ما واودوستی‌نباشد و اگر مردم قدر و منزلت مؤمن را در پیشگاه خدا بدانند مسلم گردنهایشان برای‌مؤمن خم خواهد شد زیرا که خداوند نام مؤمن‌را از نام خودش جدا کرده پس خدا یکی از نامهایش مؤمن است و نام بنده اش را مؤمن گذارده از جهت احترام وگرامی داشتن اورا و روز قیامت هم ایمان بخدا دارد وهمان ایمان اورا از عذاب نگاه‌نمیدارد .

و خدای تعالی فرموده است‌مسلم اعلان جنگ بامن کرده‌است

کسیکه اذیت کند یا بترساند مؤمنی را وچنین بود عیسی بن‌مریم که میفرمود: ایگروه همراهان من خویشتن را دوست خدا کنید بوسیله دشمن داشتن اهل معصیت وبخدا نزیك شوید بادوری از آنان و رضای خدا رابدست آورید درخشمگین‌شدن‌با آنهاوهر گاهی‌نشینید باکسی هم نشینی کنید که در مجالست آنان کردار نیك شما از سخنان او زیاد نی شود و دیدنش شما را بیاد خدا اندازد و مایل بآخرت کند شمارا عمل‌آنکس .

حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام بابی ذر فرمود: همیشه دلت را وادار بفکر کردن و زبانت را مأمور ذکر گفتن خدا وتنت را وادار بعبادت و چشمت را مأمور گریه کردن از خوف خدا کن و روزی فردا را اهمیت‌مده و همیشه درمسجد هاباش که همانا آباد کنندگان مساجد اهل خدایند،وبویژه آنانکه در مسجد ها قرآن می خوانند و عمل بآن میکنند.

و حضرت فرمود: جوانمردی در شش چیز است سه تای آن در سفر و سه‌ی دیگر درحضر است آن‌سه که در حضراست: خواندن قرآن، آباد کردن‌مسجد و مردم را برادر گرفتن در راه خدا ، واما آن سه که در سفر است بخشیدن زاد و توشه بهمراهان ، اخلاق نیکو ، خوش رفتاری با همراهان.

وچنین‌بود حضرت حسن بن علی علیهما‌السلام که می فرمود: ای‌پسر آدم کیست ماندتو که پروردگار تو بین تووخویش‌با تو خلوت کرده هرگاه بخواهی بدربار الهی‌وارد شوی وضو بساز ودر پیشگاهش‌بایست

او بين خودش و تو مانع و دربانی قرار نداده بسوی او غمها و تهی دستيت را شكايت ميكنى وازاوخواسته هايت را ميخواهی و ميفرمود كه ساكنان مسجد زائرين خدايند و برخداست كه زيارت كنندگانش را هديه ای بدهد .

وروايت شده آنها كه‌در مسجد بازی ميكنند يا غنا می‌خوانند روز قيامت آثار پستي وذلت از چهره‌هايشان پيدا می‌شود و مردم در مسجد ها سه گروهند گروهی نمازگذاران ، گروهی تلاوت كنندگان قرآن ، گروهی دانشجويان ، تا از مسجدبيرون آيند بعضی سرگرم خريد و فروش می‌شوند ، گروهی مشغول غيبت مردم ، و جمعی سرگرم دشمنی ها وگفته های باطل و حضرت فرمود بايد بدانيد آنانكه در باره‌ی قبله بازی ميكنند روز قيامت برانگيخته ميشوند كه‌آثارذلت از چهره‌ی آنان هويدا است .

و فرمود كه خدای تعالی ميفرمايد: نماز گذار بامن مناجات ميكند ، انفاق كننده بمن قرض ميدهد ، روزه دار بمن نزديك ميشود و فرمود : دو مرد باهم يك نماز ميخوانند ولي فاصله بين آندو از زمين تا آسمانست از نظر ثواب (زيرا كه يكی توجهش بيشتراست از ديگری) .

باب نوزدهم - خواندن قرآن مجید

رسولخدا فرمود که همانا این دلها زنگار میگیرد همانطوری که آهن زنگار میگیرد و همانا جلوه‌ی دلها بخواندن قرآنست .

و ابن عباس گفته است که هر کس قرآنرا بخواند و عمل کند در دنیا گمراه نمی‌شود و درآخرت‌هم شقی و بدبخت نمی‌باشد وگفته است سزاوار است که شناخته‌شود در شب هنگامیکه مردم درخوابند بخواندن قرآن و روزش هنگامیکه مردم غافلند و بوسیله گریه اش آنگاه که مردم میخندند و پرهیزکاری از حرام هنگامیکه مردم حرام میخورند وبه خشوع و کرنش هنگامیکه مردم شوخی می کنند و بواسطه خاطر افسرده اش هنگامیکه مردم شادمانند و بسکوتش هنگامیکه مردم در سخن و حرف دیگران فرو میروند .

وحضرت نبی‌اکرم فرمود : مطالب قرآن در پنج بخش خلاصه می شود : بخشی حلال وبخشی محرمات و قسمتی محکم وبعضی‌متشابه و بعض دگر داستانها است بحلال عمل کنید و از حرام دوری کنید محکمات را پیروی نمائید بمتشابهات ایمان بیاورید از داستانهایش عبرت وپند بگیرید ، ایمان‌بقرآن نیاورده کسیکه‌محرماتش راحلال بداند و بدترین مردم کسی است که قرآنرا بخواند و رعایت حرام وحلال و منهیاتش رانکند .

وحضرت جعفربن محمد علیه‌السلام فرموده در قول خدای تعالی که میفرماید : « الذین آتیناهم الکتاب‌یتلونه حق تلاوته(۱) آنانکه کتاب

---

(۱) بقره ۱۱۰ .

را داديمشان مى‌خوانند و حقش را هم‌اداميكنند حضرت فرمود آياتش را ميخوانند و تفقّه در آن آيات مى كنند وباحكامش عمل ميكنند واميدواروعده‌هايش ميباشند وازوعيدش‌مى‌ترسند وازداستانهايش‌عبرت و اندرز مى گيرند و فرمانهايش را اطاعت ميكنند وازنواهيش پرهيز مى كنند بخداسوگند قرآن براى حفظ كردن آيات و درس دادن حروفش و تلاوت كردن سوره‌هايش ودرس‌دادن ده جزء وپنج جزئش نيست حروفش را حفظ كردند ولى‌حدودش را ضايع كردند جز اين نيست كه قرآن براى انديشيدن درآياتش و عمل كردن باحكامش باشد و خداى تعالى فرموده : « كتاب انزلناه اليك مبارك ليدبروا آياته » (۱) كتابى بسوى تو فروفرستاديم كه مبارك است براى‌اينكه در آياتش انديشه و فكر كنيد بدانيد خداى شما را بيامرزد كه دين خدا يكيست و تمام دينها هدايت كننده است و عالم عامل را بسوى بهشت برگرداند و مخالف را بسوى دوزخ برد .

و جز اين نيست كه ايمان تنهاآرزو نيست بلكه‌اقرار بقلب و عمل كردن باعضا و جوارح است و تصديق كردن كارهاى شايسته است و درين عصر ستم آشكار است ، وفا كم است ، سنت واگذاشته شده ، بدعت آشكار گرديده ، و مردم دركارهاى زشت يكديگر را كمك مى كنند ، حيا از ميان رفته ، معرفت نابود شده ، نادانى بجا مانده ، نمى بينى جز ستمگران صاحب دنيا كه براى دنيا خشمگين گردند و بواسطه دنيا بايكديگر مى‌جنگند .

مردمان شايسته رفتند و مردمان‌رذليكه مانند سبوس جو و

---

(۱) ص ۱۱۰.

تفاله‌ی خرماست بجا مانند و حضرت امام حسن عليه السلام فرمود: که درین دنیا چیزی جز قرآن باقی نماند پس قرآن را امام و پیشوای خویش قرار دهید شما را براستی رهنمائی میکند و همانا سزاوارترین مردم کسی است که بقرآن عمل کند وگرچه آیاتش را حفظ نکند، واز قرآن دور باشند کسانیکه بقرآن عمل نکنند واگرچه آنرا بخوانند.

وفرمود: هرکس قرآن را بنظر خویش تفسیر کند اگرچه موافق با واقع هم باشد مسلم خطا کرده است وفرمود که این قرآن روز قیامت می آید گروهی را بسوی بهشت میکشاند که حلال قرآن را حلال و حرامش را حرام دانسته اند و ایمان بآیات متشابه قرآن آورده‌اند ونیز گروهی را بسوی دوزخ میکشاند که حدود و احکام قرآنرا ضایع کرده اند وحلال شمردند محرماتش را.

و حضرت رسول صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: که قرآن را منظم و نیکو بخوانید نه مانند نثر ومانند شعر تند نخوانید در عجایب قرآن بایستید وفکر کنید و بواسطه قرآن دلهارا تکان دهیدوهمت شما این نباشد که تند بخوانیدو زودبآخر سوره برسید و حضرت رسول خطبه ای خواند وفرمود: خیری در زندگی نیست مگر برای عالم سخنور یا شنونده ایکه اندرزها را بگوش گیرد مردم شما در زمان بلا قرار گرفته‌اید و همانا عمر بسرعت میگذرد شما شب و روز را دیدید که هر تازه ای را کهنه می کند وهر دوری را نزدیك میکند ووعده‌هارا میرساند.

سپس مقداد عرضکرد ای پیغمبر خدا هدنه چیست؟ فرمود:

سرای بلا وجدائی پس هر گاه شما را فتنه‌ها مانند پاره های شبهای تاریك فرا گیرد در این‌هنگام برشما بادبقرآن‌زیرا که قرآن‌شفاعت کننده ایست که شفاعتش پذیرفته میشود وگواهیست راستگو .

هر کس که قرآن را پیشوای خویش قرار دهد او را بسوی بهشت میکشاند و هر کس که قرآن را پشت سر اندازد اورا بسوی دوزخ میکشاند و قرآن‌راهنمائیست روشن بسوی راه خیر و خوبی ظاهرش حکم است و باطنش دانش است شگفت انگیزی هایش بی شمار است امور غریبه اش تمام شدنی نیست و او ریسمان متین خداست .

راه قرآن‌راست است‌هر کس‌سخن‌قرآن بگویدراست گفته‌است و هر کس‌بادادگری کندداد گر است ، هر کس‌بقرآن‌عمل کندنتیجه میبردهمانا مؤمنی که‌قرآن‌بخواند مانند ترنج‌است مزه اش‌خوش‌وبوی عطر ازدهانش بیرون آید وهمانا کافر مانند حنظل طعمش تلخ است و بویش بد است .

ونیزحضرت رسول فرمود : آیا شما را راهنمائی کنم به کسل‌ترین، بخیل ترین، ستمگرترین مردم، عاجزترین،ودزد ترین‌مردم،

عرضکردند بلی یا رسول الله فرمود : کسل‌ترین مردم بنده‌ی سالم وآسوده خاطریست که زبان ولبانش‌ذکرخدا نمیگوید ، بخیل‌ترین مردم کسی است که برمسلمانی بگذرد و سلام نکند ، فرمود: دزد ترین مردم مردیست که از نمازش بدزدد مانندپارچه ای کهنه

نمازش رادرهم می‌پیچد پس فرشتگان آن نمازرا برگردانند وبصورتش بزنند وستمکرترین مردم بنده‌ایست که نام من دربرابرش برده شود و برمن صلوات نفرستد و عاجزترین مردم مردمی‌است که ازدعا کردن عاجز باشد .

باب بیستم سخنرانی رسولخدا

ای مردم در باره‌ی قرآن مجید اندیشه وفکر کنید که شمارا راهنمائی براه راست کند و خدا قرآنرا سالم از تحریف نگاهداشته زیرا که‌خدا آنچه را که اراده کند انجام‌میدهد بترسید ازروزقیامت و فرمان خدا را اطاعت کنید این است شأن بندگان و ازغضب خدا بترسید پس چقدر از ستمکران نابود شدند .

ق والقرآن المجید سوگند بقدس و قدرت خداوندی کجایند کسانیکه کاخهای سر بفلك کشیده ساختند و بر مردم امارت و زمامداری کردند وگمان میکردند که‌این ریاست ازآنان بدیگران منتقل نمیشود ناگهان زمان برگشت‌ریاست ازآنان گرفته شد وسپس جام هلاکت را نوشیدندوصدای‌گریه‌بر آنان‌بلند شد .

« افعیینا بالخلق الاول بل هم فی لبس من خلق جدید » (۱)

آیا پس ناتوان شدیم بآفریدن نخست پس در قیامت هم‌اززنده کردن ناتوان نیستیم که دوباره زنده کنیم .

پس ای انسانیکه سبب‌عبرت‌دیگران‌شده‌است امروزو دیروزش

(۱) ق ۱۵ .

و گردش ماه وخورشید اورا تغییر داده واز او فرزند و برادر وعروسش را جدا کرده و او کوشش در خطا میکند و دامنش را برای گناهان بکمر زده وحال اینکه اجلش نزدیك شده .

« ولقد خلقنا الانسان و نعلم ماتوسوس به نفسه و نحن اقرب الیه من حبل الورید » (۱) و همانا آفریدیم انسان را و میدانیم آنچه را که وسوسه میکند بآن نفسش و ما نزدیکتریم به او از رگ گردن آیا نمیدانی که تو پرسیده میشوی از دوران عمرت وبرضرر تو گواهی می دهند روزیکه اعضا و جوارح تو به سخن آیند آنچه که در دنیا انجام داده ای تمامش نگهداری شده بوسیله دو فرشته‌ی مامور تو « اذ یتلقی المتلقیان عن الیمین و عن الشمال قعید ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید » (۲)

هنگامیکه فرا گیرندگان فرا گیرند از راست و چپ نشسته و از دهان بیرون نیفکند سخنی مگر اینکه در آنجاست دونگهبان آماده وگویا نسبت بمرگ مانند برقی است که آناً انسانرا میگیرد و قدرت بر جلوگیری از مرگ نداری اگر پادشاهان شرق وغرب با تو همکاری کنند .

و دراین هنگام بر آن زیادرویها که درزندگی کرده‌ای پشیمان شوی بعد از آنکه‌عاجز وناتوان گردی وافسوس فراوان خوری برآنچه که ازاعمال ترك کرده ای ولی افسوس و پشیمانی فایده ای ندارد

---

(۱) ق ۱۶.

(۲) ق ۱۷ .

«وجائت سکرة الموت بالحق ذالك ما کنت منه تحید» (۱) و آمد مستی مرگ بحق وراستی این است آنچه که بودی از آن می گریختی سپس از کاخها بسوی گورستان کوچ کنی تك وتنها بمانی روزگارها بر تو بگذرد مانند اسیر تا نفخه صور گرفتار باشی «ونفخ في الصور ذالك يوم الوعيد» (۲) و دمیده شود در صور این است روزیکه بشما وعده داده شده.

درین هنگام است که بدنهای درمیان خاکها بر گردند و بیکدیگر ذرات پراکندهٔ در دل خاکها متصل شوند بقدرت خدا وهمهٔ آنها را گرد آورد و در صور دمیده شود صدای صور را بشنوند «وجائت کل نفس معها سائق و شهید» (۳) و بیاید هر نفسی که باو است کشاننده و گواهی دهنده ای.

و در این روز برادر تو از تو فرار کند و تو از برادرت فراموش کنی و دوری کند از تو رفیقت و دوستانت ترا از پیش خود برانند و از تو دور شوند و خوبیهای ترا انکار کنند و می بینی هول ووحشت ها که صدای فریاد ترا بلند کند وفراموش میکند ترا زن وفرزند «لقد کنت في غفلة من هذا فكشفنا عنك غطائك فبصرك اليوم حديد» (۴) بتحقیق تو از ین روز غافلی پس از پیش چشم تو پرده را برداریم دیده ات در این روز تیز است واشك حسرت درین روز جاری میکنی واز حسرت

---

(۱) ق ۱۸.

(۲) ق ۱۹. (۳) ق ۲۰.

(۴) ق ۲۱.

این روز جگرها فرو ریزد و آتش بسوی کافران شعله‌میکشد وایشان را درهم می‌شکند و پیدا نمیکند گناهکار از آتش پناهی

«و قال قرینه‌هذا مالدی‌عتید» (۱) ورفیقش گوید این‌است‌آنچه نزد من آماده است روزیکه شعله‌ی آتش بسوی کافران بلند میشود پس فرشته هائیکه آنان را بسوی آتش میکشند پیش می آیند و با زور وجبر آنانرا بسوی‌آتش میکشند و اشکشان میریزد و آتش بسوی کافران بلند میشود مانند بلند شدن شیر زمانیکه‌نعره میزند پس شعله‌ی آتش ذلیل میکند هر کس را که خود را در دنیا عزیز می‌دانسته و تکبر میکرده «الذی جعل مع الله الها آخر فالقیاه فی العذاب الشدید» (۲) آنکه قرار داد باخدا خدای دیگری پس اورا در عذاب سخت بیندازید.

و خداوند می فرماید که مسامحه وسهل انگاریرا از میان برداشته‌درآنروزرسیدگی‌این کاربدست‌من‌است که‌ستمدیدگان‌رایاری کنم «قال لاتختصموا لدی وقدقدمت‌الیکم بالوعید» (۳) درپیشگاه من نزاع نکنید و بتحقیق‌پیش فرستادم بسوی شما وعده عذاب‌را در کتابها و همانا‌ترساندم شمارا در گذشته‌ی از روزگار آیا نترسانیدم شمارا از معصیت ها وگناهان؛ آیا شما را باین روز وعده ندادم.

«ما یبدل القول‌لدی وماانا بظلام للعبید» (۴) هیچ سخنی در نزد من تغییر نمی کند و نسبت ظلم برای بندگان بمن داده نمیشود.

---

(۱) ق ۲۲.

(۲) ق ۲۵. (۳) ق ۲۷.

(۴) ق ۲۸.

پناه بخدا ازین کار و روز وحشتناکی که در آن پیغمبران سرگردانند و خردمندان از آنروز فراموش میکنند و مسلم آنروز مهیا شده برای کسانی مانند عبدالرحمن بن‌ملجم مرادی قاتل‌حضرت علي عليه‌السلام و برای یزید بن معویه «ونقول‌لجهنم هل‌امتلات و تقول هل من مزید» (۱) ومیگوئیم به جهنم در آنروز آیا ازین کافران پر نشدی؟ پاسخ دهد بیشتر ازین هست:

پس حسرت واندوه باد بر گنه‌کاران اندوه وحسرتیکه جبران پذیر نیست پس نصرت و یاری. بر بندگان مخلص باد که روز تکامل آنهاست در آنروز وارد بهشت می شوند «لهم مایشاؤن فیها و لدینا مزید» (۲) مرایشانراست آنچه که بخواهند در آن بهشت و در نزد ماست بیش از خواسته آنان.

توجه کنید ای بندگان خدا تفاوت بین دو دسته‌ی گنه‌کاران ونیکوکاران را بحضور قلب پس غنیمت بشمازید سلامتی خویش را پیش از آنکه دل از جایش کنده شود زیرا که خوشگذرانیها نابود می‌شود و ننگش بجا می‌ماند «ان في ذالك لذكرى لمن كان له قلب او القى السمع وهو شهيد» (۳) همانا درین کار پندیست برای کسی که اورا دلي باشد یاگوش شنوائی که او گواه است.

وحضرت نبی اکرم فرمود به هیچ کس غم و اندوهی نرسداگر این دعا را بخواند «اللهم انی عبدك و ابن عبدك و ابن امتك نفسی

(۱) ق ۲۹.

(۲) ق ۳۴. (۳) ق۳۶

بيدك ماض في حكمك عدل في قضائك اسئلك بكل اسم هولك سميت به نفسك او انزلته في كتابك او علمته احداً من خلقك اواستأثرت به في علم الغيب عندك ان تصلي علي محمد و آل محمد و ان تجعل القرآن ربيع قلبي ونور بصري وشفاء صدري و ذهاب غمي و جلاء حزني ياارحم الراحمين » .

پروردگارامن بندی تو پسر بنده و کنیزتوام جان من درقبضه‌ی قدرت تو است گذشت‌حکم تو در باره‌ی‌من دادگریست‌فرمانت نسبت بمن از تو میخواهم بحق هر اسمی که خودت برای خود گذارده‌ای یا آن نام را در کتاب های آسمانیت معین فرموده‌ای یادانا کرده ای بآن اسم یکی از آفریده‌هایت را یا آنرا در علم غیب خود اختیار کرده ای که همانا درود بفرست برمحمد وآل محمد و همانا قرآنرابهار قلب‌من‌قراردهی وروشن کن دیده ام را وشفاده‌سینه‌ام را وبیراندوه‌مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان .

ونیز چنین بود که آنحضرت‌ایندعارا میخواند .

اللهم اقسم لنا من خشيتك ما يحول بيننا و بين معصيتك و من طاعتك ما يبلغنا جنتك و من اليقين ما يهون علينا من مصائب الدنيا و متعنا باسماعنا و ابصارنا و انصرنا علي من عادانا ولاتجعل الدنيا اكبرهمنا ولاتسلط علينا من لا يرحمنا .

اللهم لك الحمد و اليك المشتكى و انت‌المستعان و فيما عندك من الرغبة ولديك غاية الطلبة اللهم آمن روعتي و استر عورتي اللهم اصلح ديننا الذي هو عصمة امرنا و اصلح لنا دنيانا التي فيها معاشنا

و اصلح آخرتنا التی الیها منقلبنا و اجعل الحیوة زیادة لنا فی کل خیر والوفاة رحمة لنا من کل سوء.

اللهم انا نسئلك موجبات رحمتك وعزائم مغفرتك والغنیمة من کل بر و السلامة من کل اثم یا موضع کل شکوی وشاهد کل نجوی و کاشف کل بلوی فانك تری ولا تری وانت بالمنظر الاعلی اسئلك الجنة و ما یقرب الیها من قول او فعل.

اللهم انی اسئلك خیر الخیر رضوانك و الجنة واعوذ بك من شر الشر سخطك و النار اللهم انی اسئلك خیر ما تعلم و اعوذ بك من شر ما تعلم فانك انت علام الغیوب ».

پروردگارا ترسی نصیب ما کن که فاصله شود بین ما و نافرمانی تو وبما به‌بخش از اطاعت خود آنچند که ما را به‌بهشت برساند یقین بما بده که مصیبتهای دنیا را برما آسان کند و از چشم و گوش ما بهره ای خوبی بما بده ما را بر دشمنان یاری ده و پیروز کن و قرارمده بزرگترین همت ما را بدنیا و آنکه رحم نمیکند برما چیره مگردان.

بارالاها تو سزاوار ستایشی و بسوی تو است شکایت ما و تو یاری کننده ای در آنچه که پیش تو است از میل ورغبت و در پیشگاه تو است انتهای طلب طلب کنندگان بارالاها مرا از ترس ایمن دار، مرا رسوا مکن.

بارالاها اصلاح و شایسته گردان دین ما را که نگهدارنده‌ی ماست و اصلاح نما دنیای ما را آن دنیا که در اوست وسیله زندگی ما اصلاح کن آخرت ما را، آن آخرت که بازگشت ما بآنجا است

وزندگی مارا در خوبی ما قرار ده، مرگ مارا وسیله‌ی آسایش از هر بدی قرار ده، بارالاها از تو خواهانیم وسیلهٔ رحمت را وغنیمت از هر خوبی و سلامتی از هر گناهی ای جایگاه هرشکایت کننده و برطرف کننده‌ی هر معصیت زیرا که تو می‌بینی و دیده نمی شوی و تو در دیدگاه بلندی قرار داری از تو بهشت وهرچه که ما را نزدیك بآن میکند خواهانیم از گفتار و کردار.

بارالاها ازتو خواهانم بهترین خوبیها را که بهشت تو است و پناه میبرم بتو از شر بدیهای خشم تو بار پروردگارا از تو میخواهم بهترین چیزی را که خودت میدانی و پناه میبرم بتو از بدترین چیزی را که خودت میدانی زیرا که تو داننده‌ی پنهانی ها باشی.

و ازذوالنون مصری روایت شده که گفت سنگی در بیت المقدس پیدا کردم که بر آن نوشته شده بود که هر ترساننده‌ای فرار کننده است و هر امیدواری طلب کننده است وهر گناهکاری وحشت زده است و هر اطاعت کننده ای انس گیرنده است وهر قناعت کننده‌ای عزیز است و هر درخواست کننده ای ذلیل است.

پس درست در آن سخنان اندیشه کردم دیدم ریشه‌ی هرچیز یست ومیگفت پیش بینی می کنندمردم ولی مقدرات بر آنان خنده می کند.

باب بیست ویکم - یادخدا

خدای تعالی فرمود: «فاذ کرونی اذ کر کم»(۱) پس یاد کنید

(۱) بقره ۱۴۷.

مرا تا شمارا یاد کنم وخدای سبحان دربعضي از کتابهای خود فرمود اهل ذکر وکسانیکه مرا یاد میکنند مهمان منند و فرمانبرداران من درنعمت من کسانیکه سپاسگذاری مرا میکنند موقعی که در فراوانی ازنعمت من باشند وگنه کاران را از رحمت خود ناامید نگردانم اگر توبه ی ازگناه کنند من آنانرا دوست دارم اگر بیمار شوند دکتر آنان منم آنان را بوسیله محنت ها و مصیبت ها درمان میکنم تا از گناهان وعیبها پاکیزه کنم ایشان را.

وحضرت علي بن الحسین علیه السلام فرمود: که همانا میان شب وروز (بین طلوعین) باغی است که در روشنی آن خوبان می چرند وغرق در نعمت باغهای آن باشند پرهیزکاران (۱) از خوف خدا شبها را بیدارند وروزها را روزه دارند.

پس بر شما باد بخواندن قرآن در اول شب و بتضرع و زاری و استغفار در آخرشب و چون وارد روز شوید همت بکارهای خوب و ترك منکرات وهرچه که شمارا پست میکند ازگنان کوچك بگماریدزیرا که آن گناهان کوچك شمارا نزدیك بهگناهان وزشتیهای بزرگ میکند وگویامرگ شمارا فرا گرفته وساعت آن فرا رسیده پس همانا بانگ زننده ی مرگ شمارا بانگ میزند که حرکت کنید پس بترسید ازپشیمانی اززیاد روی درگناه آنهم وقتیکه پشیمانی سودی ندارد روزیکه گامها بلغزد.

(۱) آن ساعت از ساعتهای بهشت است و در آن ساعت از نعمت های بهشتی گویا برخور دارند - مترجم

وحضرت فرمود که خدای سبحان فرموده است هرگاه کسیکه معرفت بمن دارد نافرمانی مرا بکندمنهم براو چیره گردانم کسی را که مرا نشناسد و فرمود: مؤمن سخنش ذکر است، سکوتش فکر است، نگاهش عبرت است.

وفرموده است که همانا دشمن من حاجتش را از من میخواهد منهم حاجت او را بزودی بر آورم از ترس اینکه مبادا دیگری حاجت او را برآورد یا اینکه اوبی نیاز شود وثوابش از من فوت شود وازمعنی پارسائی ازآنحضرت پرسیده شد فرمود: زاهد کسی است که بیش از قوت روزانه اش نخواهد و آماده‌ی برای مرگ باشد.

و فرمود دنیا خواب وخیالست و آخرت بیداریست و ما در بین دنیا و آخرت خواب و بیدار هستیم.

و فرمود: نزدیکترین حالات انسان به خشم خدا وطاعت شیطان وقتی است که خشم کند بدیگران و عمربن عبدالعزیز دریک سخنرانی گفت ای مردم بدانید که شما بیهوده آفریده نشده اید و شما را مهمل وانگذارند وهمانا برای شما وعدگاهیست که خدا شمارا درآن گرد آورد برای روز حکم و قضاوت بین شما همانا زیانکار است کسی که بیرون آورد اورا خدا از رحمتش که گسترش داده برهرموجودی و از بهشتی که پهنایش باندازه‌ی زمین و آسمانهاست بواسطه‌ی بدی عمل و کردارش.

و همانا فردا امان از آتش دوزخ برای کسی است که دنیای ناچیز را بآخرت با ارزش وفنا و نابودی را به بقا و دوام فروخته

باشد و شقاوت را با سعادت معامله کرده باشد آیا نمی بینید که‌شما جانشین گذشته گانید و گروه دیگری بجای شما می آیند میراث شما وخانه های نیاکان شما را می گیرند؟

در هر روز صبح و شام آماده شوید که وقت گذشته و هنگام ملاقات خدا رسیده که آنان را درمیان قبر قرار دهد نه بالش و نه بستری همه چیز از آنها گرفته شده از یاران جدا شده وخاک‌نشین گردیده اند شب را صبح کردند در حال تهی دستی نسبت بآنچه از آنان در پشت سرمانده نمی توانند ثوابی زیاد کنند ونه‌گناهی از نامه‌ی عمل خود کم نمایند!

بدانید که برای هرسفری انسان ناچار اززاد و توشه است که تهیه کند پس توشه بر گیرید برای سفرتان پرهیز کاری را ومانند آنها باشید که گویا بچشم می‌بینیدآنچه را که خدا وعده فرموده از ثواب وعقاب تا بترسید ومیل پیدا کنید بآخرت.

آرزوهای دراز شما را فریب ندهد که مرگ‌رادوربه‌بینید زیرا که بخدا سوگند آرزوی درازندارد کسی که نمی داند روز را بشب می‌رساند یاشب را بروز خواهد رساند و شب‌را صبح می کند مرگ هم برق آسا میرسد باخطرهای آرزوی درازیکه از طرف شیطان فریبنده می‌رسد و شیطان برای شما گناه را آرایش می دهد تا انجام دهید و از توبه فراموش کنید تا اینکه ناگهان مرگ در رسد و شما بی‌خبرترین مردم از مرگ باشید.

پس نباید بسوی فریب شیطان میل کنید که شمارا صید کند

و ایمان شما را بوسیله شرك ببر دبدانید که مورد رشك مردم می شود و آرامش خاطر پیدا میکند هر کس که اطمینان دارد به نجات از عذاب خدا وهولهای روز رستاخیز ولی کسیکه نمی داند آیا خدا ازاو خوشنود است یا بر او خشمگین است چگونه اطمینان دارد .

ای مردم پناه میبرم بخدا از اینکه شما را امر ونهی کنم از چیزی که خودم مخالف آنرا انجام دهم تا اینکه ضرر من در بن سودا زیاد باشد و بزرگ شود جزع من روزیکه نجات نمی یابد کسی مگر بوسیله راستی و درستی ونمی رهد مگر آنکه با دل پاك وسالم بسوی خدا آید .

و حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود : ای مردم بشتابید بسوی پروردگارتان همان طوری که خدای تعالی فرموده : فاستقیموا الیه و استغفروه » (۱) پس رو بسوی خدا آورید وطلب آمرزش کنید وفرموده است « ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا »(۲)

هما نا آنانکه گفتند پروردگار ما خداست بعد ایستادگی کردند ای مردم « ولا تکونوا کالتي نقضت غزلها من بعد قوة انکاثاً تتخذون ایمانکم دخلا بینکم »ومباشید مانند زنیکه رشته ی خود را به همدیگر واپس می تابد بعداز محکمی تارهایش که سوگندهای خود رااستوار ومحکم کنیدبرای فریب در میان خودتان بدانید هر کس درآن صفتی که دارد پا برجا نباشد اصلاح نمی شود و روش درستی نخواهد داشت و از عزت پرهیز کاری بسوی ذلت گناه میرود و هم ازانس طاعت

---

(۱) فصلت ۵.　　(۲) فصلت ۳

بسوی وحشت گناه میرود و با برادران دینی خود نیرنگ و خدعه نکنید ظاهر و باطن تان یکسان باشد.

وهر کس چنین باشد آثار نیرنك برچهره اش ظاهر و آشکار است و از لغزش های زبان مطلب روشن میشود پس بواسطه نیرنگ بازی ذلیل و پست میشود در دنیا وعذاب پشیمانی است برایش در آخرت پس شب را بامداد کند درصورتیکه از زیان کاران باشد از نظر کردار و عمل.

وحضرت صادق عليه السلام فرمود: سه چیز است که با آنها چیزی زیان نمیرساند دعا در گرفتاریها و غمها استغفار هنگام گناه کردن و شکر هنگام نعمت و فرمود: در حکمت آل داود است که ای پسر آدم چطور سخن از هدایت وراهنمائی دیگران میگوئی ولی خودت بر بدیها پیروز نمیشوی.

ای پسر آدم شب را صبح کردی در حالتیکه دل تو تیره است است و از بزرگی خدا فراموش کرده ای اگر تو آگاه بخدا وشناسا ببزرگیش باشی همیشه از او میترسیدی وبرحمت او امیدوار بودی وای بر تو بیاد قبر وتنهائی و در خانه قبر نیستی

و رسول خدا فرمود: دو فرشته در طرف راست و چپ آدمی باشند فرشته‌ی طرف راست بر دست چپی ریاست دارد پس هر گاه بنده گناهی از او سر بزند دست راستی بدست چپی می‌گوید، شتاب مکن گناه اورا تا هفت ساعت منویس مهلتش بده پس هر گاه هفت ساعت گذشت و آن بنده توبه نکرد میگوید بنویس که چقدر این بنده بی شرم است.

و از حضرت صادق علیه السلام فرمود: هنگامیکه حضرت رسول بر جنازه‌ی سعد بن معاذ نماز گذارد فرمود نود هزار فرشته برسعد نماز خواندند جبرئیل گفت او در هرحال ایستاده نشسته، سواره، پیاده در رفت و آمد ها سوره «قل هوالله احد» را قرائت می کرد.

و نیز رسول خدا فرمود که چون مرا بآسمانها شب معراج بردند وارد بهشت شدم در آنجا کاخی از یاقوت سرخ دیدم بواسطه ی نوری که از آن کاخ درخشش می کرد داخل آن کاخ از بیرون دیده می شد دو قبه‌ی ازدر و زبرجد در آن کاخ بود سپس بجبرئیل گفتم ای جبرئیل این کاخ از کیست؟ گفت از کسیکه سخن خوب بگوید و همیشه روزه دار باشد، بمردم غذا بدهد، شب زنده دار باشد، در وقتی که مردم همه در خوابند.

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد درمیان امت شما کسی هست که قدرت این اعمال را داشته باشد؟ رسول خدا فرمود: آیا می‌دانی کلام خوب چیست، عرضکرد خدا ورسولش داناترند حضرت فرمود: کلام خوب سبحان الله و الحمد لله ولا اله الا الله و الله اکبر است.

بعد فرمود، یا علی آیا می دانی ادامه دادن بروزه چیست؟ عرضکردم خدا و رسولش داناترند فرمود هر کس ماه رمضان را روزه بگیرد و روزی از آنرا روزه اش رانخورد مانند این است که روزه‌اش را ادامه داده یا علی آیا می‌دانی غذا خوراندن بمردم چیست؟ عرض کردم خدا ورسولش داناترند فرمود کسیکه نیازمندی‌های زن و بچه اش را تامین کند که نیازی بمردم نداشته باشندگویامردم راطعام‌داده.

بعد فرمود یا علي میدانی شب زنده داری چیست ؟ عرضکردم خدا و رسولش داناترند فرمود کسیکه نخوابد تا اینکه نماز خفتن را بخواند و مردم از یهود و نصرانی و کافر در خواب باشند مثل این است که شب زنده داری کرده .

و نیز حضرت رسول فرمود : چون شب معراج بآسمانها پرواز کردم وارد بهشت شدم سپس زمین همواری را دیدم که در آن زمین فرشتگان بقعه ای میساختند یك خشت از طلا و یکی از نقره پرسیدم چرا گاهی مشغول کار هستید و گاهی هم بیکار گفتند منتظر مصالح هستیم پرسیدم از کجا مصالح ساختمانی برای شما میآید گفتند مصالح ساختمانی ماگفتن مؤمن است « سبحان الله و الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر » هرگاه این ذکر را بگوید مامشغول ساختن بقعه میشویم هرگاه از این ذکر خاموش شود ماهم بیکار میایستیم .

باب بیست و دوم - فضیلت نماز شب

خدای تعالی میفرماید : « کانوا قلیلا من اللیل ما یهجعون و بالاسحارهم یستغفرون » (۱) و اندکی از شب را میخوابیدند و ایشان در سحرها طلب آمرزش میکردند و فرموده است « تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفاً و طمعاً و مما رزقناهم ینفقون» (۲) پهلوهایشان شب ها ازخوابگاه برمی‌خیزد خدای را میخوانند درحالت ترس و امیدواری و از آنچه بآنان روزی دادیم انفاق میکنند .

(۱) ذاریات ۱۷ . (۲) سجده ۱۶ .

ونیز خدای سبحان میفرماید: «امن هوقانت آناء اللیل ساجداً و قائماً یحذر الاخرة و یرجوا رحمة ربه» (۱) کسی که شب زنده دار است دلهای شب در حالت سجود وقیام است و از آخرت بیم دارد و امیدوار رحمت خداست.

و خدای تعالی فرمود: «فالذین یبیتون لربهم سجداً و قیاماً» (۲) و آنانکه شب را بروز آوردند برای پروردگارشان در حال سجود ونیز فرموده است «ومن اللیل فتهجد به نافلة لك عسی ان یبعثك ربك مقاماً محموداً» (۳) پس قسمتی ازشب را بیدار باش بواسطه‌ی خواندن نافله برای خودت شاید پروردگارت ترا برای مقام ارجمندی برانگیزاند.

ونیز فرموده «یا ایها المزمل قم اللیل الا قلیلا نصفه او انقص منه قلیلا او زد علیه و رتل القرآن ترتیلا» (۴) ای گلیم بخود پیچیده اندکی از شب را برخیز نصفش را یا اندکی ازآنرا و قرآن را بانظم و ترتیب بخوان و خدا پیامبرش را نمیخواند مگر برای امری مهم د منفعت و از نبی اکرم روایت شده که آبرو وشرف مؤمن به نماز شب است وعزتش در بی نیازی از مردم است.

ونیز فرموده: چون روز قیامت خدامردمان اولین و آخرین را گرد آورد ندا دهنده ای صدا میزند که بپا خیزند شب زنده داران که خدای را در دلهای شب میخواندند پس بپاخیزند گروهی اندك بعداز ایشان بحساب بقیه مردم رسیدگی شود.

و در حدیث صحیح از رسول خدا نقل شده که فرمود همانا

---

(۱) زمر ۱۲.　　(۲) فرقان ۶۵

(۳) اسری ۸۱.　　(۴) مزمل ۴

در بهشت عدن درختی است که بیرون آید از آن درخت اسبهای ابلق که زینهائی از یاقوت و زبرجد دارند و دارای بالها باشند نه سرگین اندازند و نه هم ادرار کنند دوستان خدا بر آنها سوار شوند پس بسوی بهشت پرواز کنند بهر کجا که بخواهند سپس اهل بهشت آنان را صدا کنند که ای برادران ما شما انصاف نکردید.

پس عرض کنند پروردگارما بچه عملی بندگان تو باین مقام ارجمند رسیدند.

فرشته ای از عرش آنان را صدا کند که اینان کسانی بودند شب زنده داری کردند و شما میخوابیدید، اینان روزه دار بودند شما افطار میکردید ، بواسطه خداوند از اموال خویش صدقه دادند و انفاق کردند اما شما بخل ورزیدید اینان زیاد بیاد خداوند بودند وسستی در ذکر نکردند و از خوف خدا گریه میکردند .

و در مناجات های حضرت داود پروردگار بوی فرمود ای داود بر تو باد باستغفار در شبهای تاریك و سحر گاهان ای داود هرگاه تاریکی شب ترا فرا گرفت نگاه کن به ستارگان بلند در آسمان و تسبیح مرا بگو و بسیار بیاد من باش که منهم ترا یادمی کنم ای داود همانا پرهیزکاران شب هایشان را نمی خوابند به خواندن نماز بسر میبرند و روزشان را سپری نمی کنند مگر بذکر من .

ای داود همانا عارفان دیدگانشانرا سرمه ی بیداری میکشند و در دلهای شب بپاخیزند و خوشنودی مرا طلب کنند ، ای داود هر کس نماز شب بخواند و حال اینکه مردم در خواب باشند و اراده کند

باین نماز رضای مرا پس به فرشتگانم فرمان دهم که برایش طلب آمرزش کنند و بهشت من مشتاق او باشد و هر تر و خشکی برای او دعا کنند.

ای داود بشنو آنچه را که من میگویم و من حق را میگویم من رحم میکنم بر بنده‌ی گنه کارم بیشتر از خود او برای خودش و من دوست دارم بنده‌ی خودم را برای اینکه او مرا دوست دارد و من از او شرم دارم او از من شرم نمیکند.

(چنین گوید مؤلف کتاب) : ای برادر بدانکه روز و شب در گردش خود سستی نمیکنند و همانا گردش آندو عمر پسر آدم را کم میکنند و آن شب و روز ساعتها و گاه ها میباشند پس هرگاه با سرعت سیر آندو سرگرم لهو و لعب شدی و از نماز و ذکر خدا غافل شدی ساعتهای تو تمام در غفلت گذشته بعد شب آمد و تو خوابیدی تمام شب را تو از کسانی خواهی بود که خیری در آن شب و روز برایش نباشد و هر کس عمرش را بدین منوال سپری کند و حالش چنین باشد پس مرگش برای او بهتر است از حیوة و زندگیش زیرا که اگر او زنده است قلبش مرده و خیری در بدنی که قلبش مرده باشد نیست و خیر فراوان بر گوینده‌ی این شعر باد :

ایقظان انت الیوم ام انت نائم

و کیف یلذ الیوم حیران هائم (۱)

فلو کنت یقظان الغداة لحرّقت

مدامع عینیك الدّموع السّواجم (۲)

نهارك یا مغرور لهو و غفلة

ولیلك نوم و الرّدی لك لازم (۳)

و سعیك ممّا سوف تکره عنده
و عیشك فی الدّنیا کعیش البهائم (۴)

تسر بما یفنی و تفرح بالمنی
کما سرّ باللذات فی النّوم حالم (۵)

فلا انت فی الیقظان یقظان ذاکر
ولا انت فی النّوام ناج و سالم (۶)

(۱) آیا تو امروز خوابی یا بیدار چگونه لذت میبرد از عمر کسیکه خوابست و سرگردان.

(۲) اگر تو بیدار باشی برای فردا اشك چشمت بر گونه ات اثر میگذارد و جاری میشود.

(۳) روز تو ای مرد فریب خورده در بیخبری و غفلت است و شبهایت درخواب سیری شود و پستی و ذلت ترا سزاوار است.

(۴) و کوشش تو از چیزهائیست که ناخوش داری آنرا و زندگیت مانند زندگی حیوانانست.

(۵) به آنچه از دست میدهی شادی مانند شادی خوابیده از خوابی که دیده است.

(۶) پس نه بیداری زیرا که بیدار بیادخداست و نه خوابی زیرا هرخوابیده‌ای سالم است.

بعدگفته است: ای کسیکه شبها مانند مرداری افتاده‌ای و روزها کردارفاجران را انجام میدهی و آرزوی منزلهای نیکان را داری خیلی دور است تا کی بیهوده آهن سرد میکوبی.

... وازنبی اکرم روایت شده که فرموده: بیشتر فرزندان آدم در

غفلت وبیخبری میباشند مگراندکی ازآنان آیا نمی‌بینی هرگاه مالش زیاد میشود خوشنوداست واگر کم شود ناراحت واین شب‌وروزعمرش را کم وکوتاه میکند اهمیتی نمیدهد که عمر کوتاه شد برای عمر از دست داده افسرده خاطر و غمگین نمیشود و بی‌نیاز نمیشود کسیکه مالش زیاد و عمرش کم گردد.

بمردی از بزرگان گفته شد که فلانی مال فراوانی بدست آورد در پاسخ گفت: آیا جز عمرعزیزروزگار دیگری درآن صرف کرده؟ ونیز گفته شد: برای خدا فرشته‌ایست که فریاد میزند: ای پنجاه ساله ها شما کشته‌ای را مانید که هنگام دروش رسیده. ای مردمان شصت ساله شما چه چیز برای خویش از کردار شایسته جلوفرستادید وچقدر از ثروت خود بجا گذاشتید برای کسانیکه برشما رحم نمی‌کنند. ای هفتاد ساله ها: شما خود را در ردیف مردگان بشمارید، ایکاش مردمان آفریده نمیشدند و ایکاش میدانستند برای چه آفریده شدند.

ای برادر بشناس خود را که برای چه آفریده شده‌ای و کوشش کن برای کردار نیك بعد سبقت بگیر بکردار نیك پیش از آنکه مرگ گریبانگیر توشود و تورا هیچکس از مردم سرگرم وغافل نکند از نماز ودعا و یاد پروردگارت که مبادا دوفرشته‌ی عتید و رقیب بسرعت بنویسند کرداری را که تاکنون از تو ننوشته‌اند وخدا باآن کردار از بنده راضی نباشد بلکه خدا میخواهد از بنده‌اش که درهر روز اطاعت وبندگی اورا بیشتر از روزیکه درآنروز قرار دارد.

و رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرموده: هر کس دوروزش باهم یکسان

باشد فریب خورده وهر کس فردایش از امروز بدتر باشد ملعون است وهر کس بفکر کمی کردارش نباشد خردمند نیست وآنکه کردار و عقلش کم باشد پس مرگ برای او بهتر است از زندگیش.

بدان ای برادر که خردمندان خداشناس سعی و کوشش میکنند در بدست آوردن رضای خدا می‌بینی که تمام شب آنان بذکر خدا سپری میشود وکاملالذت میبرند و درعبادت خدا زیرورومیشوند مابین نمازها نافله میخوانند و تسبیح پروردگار میکنند و طلب آمرزش می‌نمایند و دعا میخوانند و دستها را به‌آسمان بلند میکنند و اشك میریزند ازخوف خدا و شبها را نمیخوابند مگراندکی وآسایش نمی‌کنند مگر کمی پس اینان نیك مردانند این است علامت آنان.

امّا نشانه‌ی تو این است که درشب مانند مردار افتاده‌ای وروز هم عمر عزیزت را بیهوده سپری میکنی و عذر می‌آوری برای ترك نمودنت شب زنداری را بعذرهای دروغی که میگوئی من ضعیف و ناتوان می‌باشم روززحمت‌فراوان داشتم‌وخسته‌شدم قدرت‌حرکت‌ندارم و مریضم در تابستان عذرت گرمی هوا ودر زمستان سردی باشد و این عذرهاهمه دروغی‌باشدولی‌اگرپادشاهی‌بتو دیناری‌یالباسی‌عطا کند وترا فرمان دهد که شبها دژبانی کاخ اورا کنی از او درین عمل استقبال خواهی‌کرد بالاترازاین‌اگربگوید سلاح جنگی خود را بپوش ودپیش روی من با دشمنم ابردکن همانا جانت را فدایش میکنی.

وچه بسیار انسانها که پول میگیرند برای نگهداری و حفظ زراعت یا باغ دیگران و تمام شب را بیدار میمانند در سردی وگرمی بزرگ و اگر تو اراده‌ی مسافرت یا کاری از کارهای دنیا

کنی تمام شب را بیدار میمانی یا برای کاردیگر یا تجارت وبازرگانی آماده‌ای که تمام شب رابیدار بمانی.

دراینجا هیچ عذری ازعذرهای عبادت وشب زنده داری را نمی‌آوری و همین ها دلیل است بر دروغ تو و ضعف یقین تو به آنچه که خدا به نیکوکاران وعده کرده از ثواب وبهشت زیرا که تودراین عذر خواهي از نفست که همیشه فرمان گناه بتو میدهد پیروی کرده‌ای واطاعت شیطان را کرده‌ای و حال اینکه خدا ترا از پیروی شیطان ترسانده پس خدای تعالی فرموده :

« ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدوّاً انّما یدعوا حزبه لیکونوا من اصحاب السعیر (۱)

همانا شیطان دشمن‌شماست پس شماهم اورا دشمن دارید جزاین نیست که سپاهیانش را میخواند تا ازاهل دوزخ باشند.

و خدای تعالی فرموده : « الشیطان یعدکم الفقر و یامرکم بالفحشاء والله یعدکم مغفرة منه و فضلا » (۲)

شیطان شما را وعدی تهیدستی‌میدهد وفرمان‌گناه وبدی میدهد ولی خدا شما را وعده‌ی آمرزش واحسان ازخود میدهد.

پس ای برادر بپرهیز ازخواب طولانی وپرستش کن پروردگارت را تا ازطرف اوبمراد وآرزویت برسی وخیرزیاد بر بعضی از پارسایان هنگامیکه این شعررا گفته است :

(حبیبی تجافَ عن المهاد خوفاً من الموت والمعاد (۱)

(۱) دوست من بزودي از خوابگاهت دور شو از ترس مرگ و قیامت.

---

(۱) فاطر ۶ (۲) بقره ۲۷۱

(من خاف من سکرة المنایا لم یدر ما لذة الرقاد (۲)
(قد بلغ الزرع منتهاه لابد للزرع من حصاد (۳)

(۲) هر کس از سختی جان کندن بترسد لذتی از خواب خود نمیبرد .

(۳) کشت هنگام دروش رسیده ناچاراست کشت از درو شدن .

پس بیدار شو ای برادرازخواب گرانت که بیشتری از عمرتو دربی‌خبری وخواب گذشت فراموش مکن ازبندگی خدا در آنچه که ازعمرت باقیمانده تا پایان کارت بخوبی بپایان رسد غنیمت بشمارچند روز مانده‌ی ازعمررا و بی‌خبرمباش، پشیمان خواهی شد که خدا روز رستاخیز را روز اندوه وپشیمانی نام نهاده و درجای دیگر روز تغابن وضررنام نهاده .

ازنبی اکرم روایت شده که فرموده : آفریده‌ای نیست مگر اینکه روز قیامت پشیمان می‌شود ولی پشیمانی‌اورا فایده‌ای ندهد امّا خوشبخت زمانیکه می بیند بهشت و آنچه را که خدای‌تعالی برای پرهیزکاران وعده فرموده‌پشیمان میشود زیرا که‌اوعملی مانند کردار متقین وپرهیزکاران ندارد و آرزو میکند عبادت بیشتری‌از عبادت ایشان تا به پایه‌ی بلند از مقام آنان برسد در فردوس اعلی و اگر از بدبختها باشد زمانی که شعله های آتش و آنچه را که خدا از عذاب دردناك در دوزخ وعده کرده به بیند فریاد میکشد و پشیمان میشود هنگامیکه نمیتواند گناه را ریشه کن کند تا سالم بماند از آنچه که در آن گرفتار است پس این است اندوه وغصه ودرد بزرگ .

هان ای برادر عمل را ازسربگیر اشك را جاری کن بر حال

خودت گریه کن هنگامیکه شایستگی نداشته باشی که در پیشگاه پروردگارت بایستی ترا بخواباند و اگر دانسته شود توشایستگی داری که در پیشگاه او بایستی ترا بیدار کند پس بسیار سعی و کوشش کن پیش از آنکه عمرها فانی شود زیرا که دنیا محل کشت برای آخرت است و بهمان اندازه که در دنیا بکاری در آخرت درو خواهی کرد و همانا خدای عزوجل فرمان داده است به شتاب کردن بسوی طاعت ها وسرعت بسوی آنها پس فرموده است: «سابقوا الی مغفرة من ربکم وجنة عرضها کعرض السماء والارض اعدت للذین آمنوا بالله و رسله(۱) پیشی بگیرید بسوی آمرزش از پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن باندازه‌ی پهنای زمین و آسمان است آماده شده برای کسانی که ایمان آورده‌اند بخدا وفرستادگان خدا.

وهر کس شب زنده داری نکند و بجای عبادت بخوابد فرمان خدا را که سبقت بسوی آمرزش وورود بهشت باشد اجرا نکرده بدان که هر کس تمام شب را بخوابد این خوابیدن دلیل است که روزگناه بزرگی کرده پس خدا او را مجازات کند و از دربارش و مرافقت و همراهی عابدان دورش نماید واگر شخص خوابیده بداند که چه ثوابی بزرگ از نمازشب از او فوت شده وچه اجری را از دست داده همانا گریه‌اش طولانی خواهد شد بر آنچه که از دستش رفته.

از ابن مسعود روایت شده که رسول خدا فرمود: درناامیدی مرد همین بس که شب را بیدار باشدودورکعت نمازنخواند ودرآنشب بیاد خدا نباشد تا اینکه سحر شود.

---

(۱) حدید ۲۱

ونیز بحضرت رسول گفته شده که فلانی شب‌را خوابید تااینکه صبح شد فرمود : اینمردیست که شیطان در گوشش‌ادرار کرده از خواب بیدار نخواهد شد و بعضی از پارسایان چنین بود که تمام شبش‌را نماز میخواند و چون‌سحرمیرسید چنین میگفت:

الا یا عین و یحك و اسعدینی بطول الدّمع فی ظلم اللّیالی (۱)

لعلك فی‌القیمة ان تفوزی بحور العین فی قصر اللّئالی (۲)

(۱) ای دیدگان وای بر تو مرا خوشبخت کنید به‌سبب ریختن اشك در دلهای شب تار .

(۲) شاید تو در روز قیامت بهره‌ای ببری در کاخهای بهشتی از حوریان آنجا .

و بعضی از مردان خدا گفته در خواب دیدم که گویا در کنار نهری باشم که عطر از آن جاریست و در اطراف آن نهردرختانی‌از لؤلؤ ونیستانی‌ازطلا ناگاه کنیزانی آرایش کرده که لباسهائی‌ازسندس بهشتی پوشیده بودندبدیدم گویا که صورتشان ماه شب چهارده بود و آن کنیزان«سبحان‌المسبّح بکلّ لسان سبحانه سبحان الموجود فی کلّ مکان سبحانه سبحان الدّائم فی کل‌الازمان‌سبحانه» میخواندند .

به‌آنها گفتم : شما چکاره‌اید؟ پس این شعررا گفتند :

(ذرأنا إله النّاس ربّ محمّد لقوم علی الاطراف باللیل قوّم (۱)

(یناجون ربّ العالمین‌الههم وتسری هموم‌القوم والنّاس‌نوّم (۲)

(۱) آفریده‌است ما را خدای محمّد برای کسانیکه شب زنده داری میکنند .

(۲) مناجات و نیایش میکنند در دل های شب پروردگارشانرا اشکهایشان جاریست وحال اینکه مردم در خواب ناز فرورفته‌اند .

سپس گفتم : خوشا بحال این گروه ازمردم اینان چکاره‌اند ؟ حوریان گفتند : کسانیکه شب را به بیداری وتهجد و خواندن قرآن و ذکرفراوان سپری میکنند درآشکارا ونهان انفاق میکنند واستغفار مینمایند در سحر های آ نشب ها .

پس ایبرادر نفس سرکش خویشرا نکوهش کن عذرهای بیجای اورا میذیر در ترك شب زنده داری که این عذرها و پوزشها تمام دروغی باشد پس شب زنده داران بی‌خوابی و قیام وقعود شب را تحمل میکنند و صبر مینمایند صبری نیك وخوب این بیخوابی زود گـذر آسایشی طولانی دارد در نعمتی که هرگز از اوجدا نمیشود وتو ای تهی‌دست اگر مانند آنان صبروشکیبائی کنی و کرداری مانند کردار آنان داشته باشی میرسی به‌آنمقام که آنان رسیده‌اند .

ولی چه فایده که تو لذت خواب را برزاد و توشه سفر آخرت مقدم داشتی و آنرا اختیار کردی و از مال و ثروت خود برتهی‌دستان ومستمندان چیزی نبخشیدی ، پس خدا بندهگان پارسا و زاهدش را برتومقدم داشت وآنانرا انتخاب کرد و نزدیك بخود قرار داد و ترا از خود دور کرد آنانرا به پیشگاه خود نزدیك و ترا ازآنجا راند .

بدانکه دراینوقت تو سرعت بسوی کارهای خوب و عبادت خدا نکردی و بدانکه تورا گناهانت در قید و بند کشید ، پس ای برادر پیشی بگیر پرهیز کاران را درشب زنده داری تا در وارد شدن بهشت از آنان جلوتر باشي پس شب بهترین مرکبی‌است کـه بندگان شـایسته

خدا سوار شوند وبسوی بهشت شتاب کنند پس از آنان باشند که‌خدا در قرآن ستایش فرموده :

تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربّهم خوفاً و طمعاً و ممّا رزقناهم ینفقون (۱)

بندگان خاص از خوابگاهشان برخیزند خدای خویش را از راه بیم و امیدواری بخوانند و از آنچه که خدا به آنان عطا فرموده بخشش کنند .

پس بنگرید که چطورخداوند آنانرا ستایش فرموده بخواندن نمازشب و انفاق از آنچه که خدا روزیشان داده برمستمندان و اگر میترسی که برای نمازشب بیدار نشوی بعدازخواب پیش‌ازخواب بخوان وبهره‌ی نمازشب را ببر و زینهار بکوش‌به استغفار در سحرها مبادا اینکه غافل شوی زیرا دراینوقت پرندگان بیدارند وتسبیح خدا گویند ویاداوباشند .

و برتوباد بخواندن دعاها ومناجات و نیایشها که همانا دعا مغز عبادت است و اگر ناچار از خوابیدنی ساعتی را برای بازگشت به سوی خدا بیدار شو اشك بریز و دعا کن پس اگرغافل و بی‌خبرشدی وهمان ساعت راهم خوابیدی مسلّم‌دل تو مرده است و آنکسکه‌دلش مرده باشد خدا اورا از مقام قربش دورسازد .

(مؤلف کتاب‌میفرماید): .کمترین حالات مؤمن این است که در شبی چهاررکعت نماز شب بجا آورد و پائین تر از اینحالت این است که شبی‌صدآیه از کتاب خدای بخواند بعد خدای راتسبیح‌گوید

---

(۱) سجده ۱۶

و برای خود وپدر ومادرومؤمنان دعا کند بعد هم ازخدای تعالی‌طلب آمرزش نماید تا اینکه نامش دردفتر بی‌خبران نوشته نشود .

- بدانکه نماز بین شام وخفتن ثواب و پاداشی بزرگ دارد که آنرا نمازتوبه کنندگان گویند و روایت شده که آنرا غفیله گویند چونکه درآن ساعت بنده غفلت دارد و این نماز دورکعت است بین نماز مغرب وخفتن دررکعت اول میخواند حمد و ذاالنّون اذذهب مغاضباً الخ ودر رکعت دوم حمد وعنده مفاتح الغیب و این نماز در پیشگاه پروردگاربرتر از روزه روز است .

بدان ای برادر هرگاه تو اطاعت و بندگی خدا را کردی و مواظبت برعبادات از روزه وصدقه نمودی قصدونیّت تو خدای‌تعالی باشدوبکلی از ریاء که عملها را تباه میکند خالی و خالص باشد در اینجا پیروی از گفته ی خدای تعالی کن که فرموده : «ولدارالاخرة خیر » همانا سرای آخرت بهتر است .

وحضرت رسول صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرموده که خدای تعالی میفرماید : همیشه بنده‌ی من بوسیله نمازهای نافله بمن نزدیك می‌شود درصورتی که کاملا بمن اخلاص دارد تا اینکه اورا دوست دارم پس هرگاه اورا دوست داشتم آنچه را که من می‌بینم و میشنوم اوهم می‌بیند و می‌شنود او بمنزله‌ی قدرت من است اگرازمن چیزی بخواهدباومیدهم و اگر پناه‌بمن آورد پناهش می‌دهم.

ونیزحضرت فرموده است که هرگاه بنده ازخوابگاهش بلند شود و دیدگانش خواب آلود باشد تا اینکه پروردگارش را بوسیله‌ی نمازشبش خوشنود کند خداوند بوسیله‌ی این‌بنده بفرشتگانش مباهات

و نازش کند سپس میفرماید : آیا نمی‌بینیداین بنده‌ی را که ازبستر خوابش بلند شده ولذت خوابش را واگذاشته برای خواندن نمازیکه براو واجب نکرده‌ام، شما فرشتگان من گواه باشید که‌من‌او را آمرزیدم.

وفرمود: ازخوردن غذای سحر برای روزه‌ی روز کمك بگیرید و ازخواب قیلوله برای بیداری یاری بخواهید و هیچ کس تمام شب را نمی‌خوابدمگراینکه شیطان‌درگوشهایش‌ادرار کرده باشدوروز قیامت تهی دست وارد محشر می شود وکسی‌نیست مگراینکه‌فرشته‌ای‌اورا ازخواب بیدارش میکند درشبی دومرتبه آن فرشته میگوید : بنده‌ی خدا بنشین و بیاد خدا باش در مرتبه‌ی سوم که فرشته اورا بیدار می‌کند اگرآگاه نشد شیطان درگوشش ادرار میکند .

و از عایشه روایت شده گفته است که : رسول خدا از خواب برمی‌خاست و نماز وقرآن میخواند وگریه میکرد بعد می‌نشست قرآن و دعا میخواند و اشك میریخت بطوریکه محاسن و گونه های مبارکش از اشك دیدگانش تر می‌شد . عایشه گفت عرض‌کردم : ای رسول خدا آیا خدا گناه گذشته و آینده‌ی ترا نیامرزیده ؟ حضرت فرمود : آیا بندهٔ سپاسگزار نباشم ، و نیز آن حضرت فرمود: زمستان بهار مؤمن‌است زیرا که روزهایش برای روزه گرفتن کوتاه است وشبهایش برای شب زنده داران بلند است ونیز فرمود: کسیکه میترسدازخواب بیدارنشود برای‌نمازشب باید بخواند هنگام خوابیدن « قل انّما انا بشر مثلکم یوحی الیّ انّما الهکم اله واحد فمن کان یرجولقاء ربّه فلیعمل عملا صالحاً ولا یشرك بعبادة ربّه

احداً(۱) ونیز هنگام خوابیدن بگوید: اللّهم نبّهنی لاحب الساعات الیك ادعوك فتجیبنی واسئلك فتعطینی واستغفرك فتغفرلی، و نیز هنگام خوابیدن میخوانی.

اللّهم ابعثنی من مضجعی لذکرك وشکرك وصلوتك واستغفارك و تلاوة کتابك وحسن عبادتك یا ارحم الراحمین.

وحضرت نبی اکرم ﷺ فرموده: همانا خانه هائیکه در آنها نمازشب وقرآن خوانده میشود آسمان را روشن میکنند همانطوریکه ستارگان درّی زمین را روشن مینمایند و بدانید دانستنی یقینی که هیچ چیزمؤمن را بخدا ازنمازشب وتسبیح ولااله الاالله گفتن ومناجات و نیایش پروردگار عزیز حمید و استغفار از گناه و دعاها ونماز شب با حالت گریه وخشوع نزدیکتر نمیکند پس از آنها خواندن قرآن تاطلوع صبح ومتصل کردن نمازشب رابنماز صبح پس من مژده میدهم آن بنده را بگشایش روزی در دنیا بدون زحمت و رنج و بسلامتی بدن.

ونیز اورا مژده میدهم که هرگاه بمیرد بانعمت وروشنی بهشتی در قبرش قرارگیرد بنور این نماز شب تا روز رستاخیزش و نیز اورا مژده دهم که خدای تعالی از اوحسابی نخواهد و فرشتگان را فرمان دهم که اورا دربلندترین درجات بهشت واردش کنند درهمسایگی محمّد ﷺ واهل بیت پاکش که درود خدا برمحمّد وآلش تمامی باد پس قدر این فرصت را بدانید که چه عاقبت خوبی است زمانی که ازعجب و ریا سالم بماند.

---

۱) آیهٔ آخرسورهٔ کهف.

و نیز حضرت رسول در وصیتش بامیرالمومنین علی عليه‌السلام فرمود: که برتو باد بنماز شب خواندن سه مرتبه حضرت رسول اینکلام را تکرار کرد سپس فرمود: مگر نمی‌بینی شب زنده داران را که صورت آنان از تمام مردم زیباتراست چه آنان درشب با خدا خلوت میکنند خدا آنان را بنور خود میپوشاند.

و از امام باقر عليه‌السلام سؤال شد کـه وقت نماز شب کی باشد؟ فرمود: هما نوقتي است که ازطرف جدم رسول خدا معین شده، جدم فرموده: که برای خدای تعالی ندا کننده‌ای است که‌در سحرها فریاد میزند که آیا خواننده‌ای هست که اوراجواب دهم و حاجت و نیاز- مندیش‌را برآورم، استغفار کننده‌ای میباشد که من اورا بیامرزم، طلب کننده‌ای هست که او را عطا کنم.

بعد فرمود: آنوقتی است که یعقوب پیغمبر در سحر ها به فرزندانش وعده کرد که آنوقت طلب آمرزش کـند برای آنان و آنوقت‌همانوقتی‌است که ستایش‌شده‌اند‌در آنوقت‌استغفار کنندگان که خدا میفرماید: والمستغفرین بالاسحار.

وهمانا نماز شب در آخرهای شب از اول شب افضل است وآن وقت هنگام بر آورده شدن حاجتها واستجابت دعاست ونماز در آنوقت ارمغان مؤمن است بسوی پروردگارش پس ارمغانهای خویش را برای پروردگارتان نیکو کنید که خدا جائزه های شما را نیکو کند زیرا که این ارمغان را نگهداری نمیکنند مگر مؤمن درستکار راستگو.

بدانکه خداترا یاری کند: وقت‌نمازشب‌برای کسیکه رکوع وسجودش را طول میدهد و دعا بیشتر میکند اول شب ازآخرشب بهتر

است اما برای کسیکه مختصر میکند آخر شب از اولش بهتر است .

حضرت صادق عليه‌السلام فرمود : چشمتانرا زیاد بخواب عادت ندهید زیرا که کمتر سپاسگذاری میکنند و روایت شده مردی که دروغ بگوید از نمازشب محروم میشود پس هر گاه از نمازشب محروم شد بدینجهت ازروزی فراخ محروم میشود و نیزفرمود : دروغ گفته است کسیکه نمازشب بخواند و بگوید روزش گرسنه مانده .

و درآنچه خدا بموسی بن‌عمران وحی فرستاد میباشد که ای موسی اگر به بینی آنانرا که درتاریکی شب نمی‌خوابند گمان کنی که مرا می‌بینند ومرا مخاطب قرار میدهند و بامن سخن میگویند و من آنانرا عزیز وبزرگ میکنم ای پسرعمران از دوچشمت برای‌من اشك بریز ، از دلت بمن خضوع بده و از بدات خشوع بمن بخشا بعد مرادر دل های شب تاریك بخوان که من را نزدیك و پاسخ دهنده می‌یابی .

ای پسرعمران ! دروغ میگوید کسیکه گمان میکند که اومرا دوست دارد ولی در تاریکی شب میخوابد و ازمفضل بن صالح روایت شده اوگفته که امام صادق عليه‌السلام فرمود :

ای مفضّل همانا برای خدا بندگانیست که او را با نیت خالص درپنهان پرستش‌میکنند خداهم بخوبی با آنان معامله میکند و اینان کسانی هستند که روزقیامت نامه هایشان را با ترس از نظر میگذرانند وهرگاه در پیش گاه پروردگاربایستند نامه هایشان راپر میبینند از کردارهای خوبی که در پنهان انجام داده‌اند .

سپس از آن حضرت پرسیدیم که چطور میشود فرمود : خدا

آنها را بزرگتر ازین میداند که فرشتگان بر کردارشان آگاه شوند و درین بیان امام دلالتی براین است که عبادت نهانی، افضل و برتر از آشکار است و نیز از بیان پیغمبر (ص) این استفاده میشود که فرمود بهترین عبادت پنهان ترین عبادات است و بهترین ذکرها ذکر پنهان است.

و نیز فرمود: نماز پنهان ثوابش هفتاد برابر نماز آشکاراست و بدینجهت خدا زکریّا را در قرآن ستایش فرموده: اذ نادی ربّه نداءاًخفیاً(۱) بیادآر زکریّارا هنگامیکه خدارادرنهان خواند و نیز میفرماید: واذکر ربّک فی نفسك تضرّعاً و خیفة و دون الجهر من القول بالغدوّ والاصال ولا تکن من الغافلین (۲) ویاد کن پروردگارت را در نفس خویش از روی بیم و زاری در پنهان نه آشکارا صبح و شام ومباش ازبی‌خبران.

و این آیه روشن است دربرتری عبادت نهانی، پیغمبر (ص) شنید که گروهي با صدای بلند خدا را میخوانند فرمود: شما کسی را میخوانید که بینا و شنواست وحاضراست و با شماست، اگر بگوئی: چرا نماز شب را باید باصدای بلند خواند میگوئیم آنچه که دربارهٔ نمازشب برای بلند خواندن رسیده فقط مربوط بقرائت است و بس سوای دعا کردن در آن نماز.

بدانکه چگونگی بلند کردن دودست درنمازاینطور است کـه دستها را بگشایند و درمقابل سینه قراردهند و از سعدبن یساررروایت

---

(۱) مریم ۲. (۲) اعراف ۲۰۴

شده که امام صادق عليه السلام فرمود چنین است رغبت و میل ، کف دست ها را بسوی آسمان کرد وفرمود : این است رهبت وترس، پشت دستها را بطرف آسمان بلند کرد و فرمود: این است تضرع وزاری وانگشت سبابه را بطرف چپ وراست بحرکت درآورد و فرمود : این است تبتل ودست را بلند کرد مقابل صورت فرمود: این است ابتهال . وفرمود: هنگام دعا کردن درحال ابتهال باشید و کوشش کنید اشک شما جاری شود اگر اشك نریزید خود را شبیه بگریه‌کنندگان کنید و هر کس قدرت ندارد که نمازشب را ایستاده بخواند نشسته ادا کند .

وحضرت امیرالمؤمنين عليه السلام فرمود : هر کس هنگام سحر هفتاد باراستغفرالله بگوید درشماره‌ی آنانکه خدا در شأنشان فرموده : وبالاسحارهم‌یستغفرون خواهد بود ونیز فرمود: هر کس شبی هفتاد آیه از قرآن بخواند ازبی‌خبران شمرده نمی‌شود . وگروهی‌ازبزرگان گفته‌اند : شب را تا صبح بخوابی و صبح پشیمان شوی که چرا دیشب تا صبح خوابیدم ونماز نخواندم بهتراست از اینکه تاصبح مشغول نماز باشي وبخود عجب ونازش کنی .

مردی ازبني اسرائیل گوسفندی قربانی کرد و پذیرفته نشد بدینجهت‌نفس خویش‌رانکوهش وسرزنش میکرد که‌قبول نشدن‌قربانی من بواسطه‌ی تو میباشد که خود پسندی وعجب کردی پس از آن صدائی شنید که باو گفت : خشم کردن تو بر نفست بهتر از عبادت هزارسال‌است‌مردی‌ازمردان‌شایسته‌گفت : شبی خوابیدم وعبادت نکردم سپس گوینده‌گفت : در محضر پروردگار می‌خوابی در صورتیکه او جایزه های بهشت را بین دوستانش بخش‌میکند هر کس توقع‌جایزه‌ی

بیشتر ازما دارد پس باید شبهای دراز نخوابد و نفسش راازعبادت باندك قانع نسازد.

و مستحب است که هنگام دعا کردن دستش زیرلباسش نباشد از بعضی از مردان شایسته نقل شده که دعا میکرد درصورتیکه یکدستش زیرلباسش بود و دست دیگرش بیرون از لباس در خواب دیددستیکه از زیر لباس بیرون بود پر از نور است و دست دیگرش خالیست در خواب پرسید چرا این دستم خالیست بوی گفته شد اگر آنرا از زیر لباس بیرون میکردی آنهم پر بود پس سوگند یاد کرد که هیچ گاه آن طور دعا نکند.

ونیز حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: برای قرائت کننده‌ی قرآن در نماز شب بهر حرفیکه از قرآن بخواند یکصد حسنه نوشته میشود و اگر نشسته نمازشب را خواند بهر حرفیکه از قرآن تلاوت کند پنجاه حسنه داردو اگر در غیر از نماز باوضو قرآن تلاوت کند بیست و پنج حسنه و بدون وضو ده حسنه

فرمود بدانید که من نمیگویم المرا یك حرف است بلکه برای الف ده حسنه و برای لام ده حسنه و برای میم ده حسنه و برای راء ده حسنه دارد حضرت رسول اکرم فرمود که خدا فرموده کسی که وضویش باطل شود وضو نگیرد به من ستم کرده وهر کس وضوبگیرد دو رکعت نماز با آن وضو نخواند مسلم بمن ستم کرده وهر کس دو رکعت نماز بخواندمرا نخواند بمن ستم کرده و هر کس وضو گرفت و نماز خواند و مرا یاد کرد و من اورا جواب ندادم مسلم باو ستم

کرده‌ام ولی بدانید که من پروردگاری ستم کننده نیستم.

رسول اکرم فرمود، که بیشتر از وقت خود را در مسجد ها بسر برید و دلهای خود را بمهربانی و نرمی عادت بدهید، زیادفکر و اندیشه کنید، از خوف خدا اشك بریزید، در دنیا مانند میهمانان باشید زیاد بیاد پروردگار باشید و نیزحضرت فرمود: هر کس بیخبر از آخرت باشد پشیمانیش درقیامت بسیاراست رسولخدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود هر کس یك ساعت از عمرش را بیهوده تباه کند سزاوار است حسرت و اندوهش روز قیامت طولانی باشد.

و نیز فرمود: دو نعمت است که بسیاری از مردم از آندو مغبونند یکی تندرستی وسلامتی دیگری آسوده‌خاطری. رساتر وفصیح تر ازین روایت بیان پروردگار است که میفرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لاتلهکم اموالکم ولااولادکم عن ذکر الله و من یفعل ذالك فاولئك هم الخاسرون»(۱) ای کسانیکه ایمان آورده‌اید فرزندان و مالهایتان شمارا از یاد خدا بیخبر نگرداند و کسانیکه غافل از خدا شدند پس آنان زیانکارانند اگرچه تربیت فرزندان از نظر اسلام مستحب است ولی در برابر ذکرخدازیان وضرر است زیرا که سود اندك در برابر استفاده‌ی بیشتر ضرر است.

حضرت رسول فرمود: باید زبان شما همیشه بذکر خداگویا باشد تا از بیخبران نباشید خدای تعالی میفرماید: «فلا تطع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا و اتبع هواه و کان امره فرطاً» (۲) پس پیروی مکن

---

(۱) منافقون ۹ (۲) کهف ۲۸.

کسی را که قلبش اورا بیخبر از یاد ما کرده وازهوای نفسش پیروی میکند و کار او تباه است وخدای تعالی میفرماید : «فاعرض عمن تولی عن ذکرنا ولم یرد الاالحیوة الدنیا ذالك مبلغهم من العلم » (۱)

پس دوری کن از کسی که ازیاد خدا دوری میکند و هدفی جز زندگی دنیا ندارد منتهای آرزویشان از دانش همین است و بس باین آیات ما مأمور شده ایم که همیشه بیاد خدا باشیم

باب بیست وسوم . گریه‌ی ازترس خدا

از حضرت ابی عبدالله روایت شده خدا بحضرت عیسی وحی فرستاد که ای عیسی از ترس من گریه کن دل خود را خاشع بدنت راخاشع گردان و دیدگانت را سرمه حزن واندوه بکش در آن هنگام که مردمان بیخبر خنده میکنند بر فراز قبرستان بایست و مردگان را با صدای بلند بگو که منهم بشما ملحق میشوم شاید از آنان پند بگیری و حضرت علی علیه السلام فرموده است که گریه کنندگان پنجنفرند آدم و یعقوب و یوسف و یحیی وفاطمه .

اما آدم از فراق وهجران بهشت آنقدر گریه کرد که اشکش جاری شد ، یعقوب آنقدر گریه کرد که دیدگانش در هجران یوسف سفید شد ویوسف آنقدر در فراق یعقوب گریه کرد که اهل زندان را ناراحت کرد بطوریکه گفتند یاشب گریه کن یاروز فاطمه آنقدر از فراق رسول خدا گریه کرد که مردم مدینه ناراحت شدند بسوی

(۱) نجم ۳۰ .

قبرستان بقیع میرفت و در آنجا گریه میکرد .

و حضرت علي بن الحسین علیه السلام بیست سال تمام گریه کرد هروقت غذا یا آب می‌دید گریه میکرد آنحضرت را نکوهش کردند درین گریه‌ی طولانی‌او در پاسخ میفرمود هرگاه یاد از قتلگاه پدر و اهل بیتم میکنم گریه گلوگیرمن میشود (۱) .

و نیز حضرت امیر المؤمنین فرموده است همانا خدارابندگانی است که دلهایشان از خوف خداشکسته بطوریکه هیچ‌سخن نمیگویند با اینکه آنان سخنسرایان‌فصیح میباشند ، نجیب مردانند که بسوی اعمال شایسته پیشی می‌گیرند با اینکه مردان شایسته اند خود نمائی بشایستگی نمیکنند کردار نیك زیاد دارند ولی اندك می شمارند و خویشتن را از بدان می‌شمارندبا اینکه از خوبانند .

و نیز خدا بحضرت موسی وحی‌فرستاد که‌ای‌موسی زینتی‌ندارند زینت کنندگان که برای من در دنیا بهتراز پارسائی باشد و کسی بمن نزدیك نمی شود مگر بوسیله ورع از ترس من و کسی نمیتواند مانند اشك ریختن از خوف من مراعبادت کند موسی‌عرضکردخدایا پاداش آنان چیست در مقابل این اعمال ؟ خطاب رسید اما آنانکه زینتشان‌پارسائیست‌همانا بهشتم‌رابر آنان‌مباح‌میکنم آنانکه بواسطه‌ورع و پرهیزاز حرام بمن‌نزدیك‌میشوندآنانرادر بهشت ها داخل میکنم‌و کسی را شریکشان نمی کنم، اما گریه کنندگان‌ازخوف من آنان را بازجوئی نمی کنم چنانچه مردم دیگر را روز قیامت بازجوئی میکنم

(۱) در صدر روایت یحیی دارد ولی در ذیل آن زین العابدین باید صدر هم مانند ذیل باشد .

رسولخدا بحضرت امیرالمؤمنین فرمود: که یاعلی برتوبادباشک ریختن از ترس خدا زیرا که خدا بشماره‌ی هردانه‌ی‌اشك تو خانه‌ای در بهشت برایت میسازد و فرمود : اگر گریه کننده ای در میان جمعیتی باشد خدا بواسطه‌ی او بر تمام آن مردم رحم میکند .

و فرمود : هرگاه خدا بنده ای را دوست دارد پرده ای از غم دلش را فرا میگیرد زیرا که خدا دوست دارد دلهای غمگین وخاطر های افسرده را و هرگاه بنده ای را دشمن دارد دلش را شادمان و مسرور گرداند از خنده وهیچگاه کسی که‌ازخوف خدا گریه‌میکند وارد آتش نمیشود تا اینکه شیریکه از پستان بیرون آمده به پستان دوباره بر گردد (۱) و جمع نمیشود گرد راه خدا و دود جهنم دربینی مؤمنی هیچ گاه .

ونیز فرمود : اشك ریختن از ترس‌خدا آتش‌خشم خداراخاموش میکند و خداوند نکوهش فرموده آنانرا که وقت شنیدن قرآن‌گریه نمیکنند در کلام خودش که میفرماید : « افمن‌هذاالحدیث تعجبون وتضحکون ولا تبکون » (۲) آیا ازاین‌سخن درشگفتید خنده‌میکنید و گریه نمیکنید .

و خداوندستایش کرده کسانی راکه هنگام شنیدن قرآن گریه میکنند چنانچه‌در قرآن کریم‌میفرماید:

« و اذا سمعوا ما انزل الی الرسول تری اعینهم‌تفیض من‌الدمع

---

(۱) کنایه از اینکه‌همانطوریکه شیر به پستان بر نخواهدگشت گریه کننده هم بآتش نخواهد رفت .

(۲) نجم ۵۹ .

مما عرفوا من الحق يقولون ربنا آمنا فاكتبنا مع الشاهدين » (۱)

و هرگاه بشنوند آنچه را که برسول فرستاده شد می بینی دیدگانشانرا که اشك میریزد از آنچه‌را که از حق شناختندمیگویند پروردگارا ما ایمان‌آوردیم ما را در شماره گواهی‌دهندگان‌بنویس.

و حضرت فرموده : برای هرچیزی کیل و وزنی است مگر گریه کردن زیرا که‌اشك دریای آتش را خاموش می کند.

و روایت شده که یکی از پیامبران برسنگی میگذشت دید آب زیادی از آن میجوشد پیامبر در شگفت شد پس از خدا درخواست کرد که آن سنگ‌ رابه سخن آورد سنگ‌بنطق آمدپیغمبر از او پرسید با این کوچکی اندام چقدر آب ازتو می‌جوشدسنگ در پاسخ گفت این آبها اشك حزن و اندوه‌است زیراکه شنیدم از خدای تعالی که میفرماید: آتشی که آتش گیره اش مردمان وسنگها باشند من می‌ترسم از همان سنگها که آتشگیره‌ی جهنم است باشم.

پس پیغمبر از خدا خواست آن سنگ آتشگیره‌ی جهنم نشود خدا اورا پاسخ داد که پذیرفته شده پیغمبر او را مژده داد بعد اورا واگذاشت و رفت پس از مدتی برگشت بازدید ازآن‌سنگ آب‌میجوشد پیغمبر پرسید مگر خدا ترا ایمن نگردانید سنگ عرضکرد چرا آن گریه‌گریه‌ی حزن واندوه‌بود این‌گریه گریه‌ی‌سرورو‌شادمانیست.

و روایت شده که یحیی بن زکریاآنقدر گریه کرد که اشك بر گونه‌هایش اثرگذاشت مادرش‌چیزی‌از نمددرست کرد وبگونه‌هایش

(۱) مائده ۸۶ .

بست تا اشک برصورتش اثر نگذارد و بربالای آن نمد جاری شود.

وحضرت حسین علیه السلام فرمود: هرگاه برپدرم وارد می‌شدم میدیدم اورا که گریه میکند و فرمود: هرگاه پیغمبر باین آیه‌ی از قرآن میرسید هنگام خواندن گریه میکرد «فکیف اذا جئنا من کل امة بشهید وجئنابك علی هؤلاء شهیداً(۱) پس چگونه باشد وقتیکه بیاریم از هرامتی گواهی و ترا برآنها گواه بیاریم.

پس بنگر بسوی گواه که چطور گریه میکند و شما که مشهود میباشید چگونه خنده می کنید بخدا سوگند اگر نادانی نبود کسی خنده نمیکرد چگونه خنده میکند کسی که شب را روز وروز راشب میکند در صورتی که مالك نفس خویش نیست و نمیداند که فردا روزگار با او چه بازی میکند نعمتش نابود میشود یا بلا براو فرود می‌آید یا اینکه مرگ ناگهانی اورا درمی‌یابد ودرپیش رویش روزیست که کودکانرا پیر کند و بزرگان مانند مستان باشند وزنان باردار بار خویش بر زمین نهند واندازه‌ی آنروز ازبزرگی هول و بیم پنجاه هزار سال است پس بازگشت‌ما همه بسوی خداست.

اللهم اعنا علی هوله وارحمنا فیه وتغمدنا برحمتك التی وسعت کل شیءٍ ولاتؤیسنا من روحك ولاتحل علیناغضبك و احشرنا فی‌زمرة نبیك محمد و اهل بیته الطاهرین صلواتك علیه وعلیهم اجمعین» (۲)

---

(۱) ۴۵ نساء

(۱) بارالهایاری کن مارا برهول وبیم آنروزورحم کن مارا درآن روز و بپوشان مارا برحمتت آن‌رحمتی که بر تمام موجودات گسترش پیدا کرده و مارا از رحمت خود نا امید مگردان‌وخشم خود را برماروامدار ـــه

پس پیغمبر اکرم فرمود: هرمؤمنی که باندازه بال مگسی اشك از چشمش بیرون آید و بگونه اش برسد خدا آتش دوزخ را بر او حرام گرداند.

و فرمود: سه چشم است که آتش را نمی بینند چشمی که از خوف خدا گریه کند و چشمی که بیدار بماند در اطاعت پروردگار وچشمی که از نامحرم پوشیده شود

و فرمود هیچ قطره آبی درپیشگاه خدادوست تر ازقطره ی اشکی که از ترس و بیم خدا ریخته شود و ازقطره ی خونیکه در راه خدا ریخته شود نیست و هر بنده اینکه از خوف خدا گریه کند خدا اورا از جام رحمتش سیر آب کند و اورا در بهشت شادان وخندان کند وخدا بواسطه ی او رحم کند بر تمام اطرافیان فامیلش اگرچه شماره ی آنها به بیست هزار برسد و هر چشمی که اشك در آن دوران زند خدا بدنش را بر آتش دوزخ حرام گرداند سختی و ذلت باو نرسد اگر بنده ای درمیان قومی اشك بریزد خدا بواسطه گریه ی او تمام آنمردم را نجات عنایت فرماید.

و حضرت فرمود: هر کس بر گناهی اشك ریزد خدا اورا بیامرزد و هر کس از ترس آتش گریه کند خدا اورا از آتش نگهدارد وهر کس بعشق بهشت گریه کند خدا اورا در بهشت جای دهد واورا از سختی روز قیامت ایمن کند و هر کس از خوف خدا گریه کند خدا او را

و مارا در ردیف محمد وآل پاکش محشور گردان وبرانگیز درود تو برمحمد وآل پاکش.

با پیامبران وراستگویان و شهیدان و مردمان شایسته برانگیزاند و محشور کند و نیکوهمراهانید پیامبران و شهدا وصالحین.

و فرمود: گریه‌ی‌ازخوف‌خدا کلیدرحمت پروردگاروعلامت‌قبولی اعمال واجابت دعاست و فرمود: هرگاه بنده گریه کند از خوف خدا گناهانش مانند برگ‌درختان میریزد پس‌بجا میماند مانند روزی که از مادر بدنیا آمده.

باب بیست وچهارم - پیکار در راه خدا

قال الله تعالی: «و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا» (۱)

آنانکه در راه ما جنگیدند راه خود را برای آنان نشان میدهیم و نیز خدای سبحان فرموده: «لکن الرسول والذین آمنوا معه جاهدوا باموالهم و انفسهم و اولئك لهم الخیرات واولئك هم المفلحون» (۲)

لیکن رسول و آنانکه ایمان آوردند با اوبمالها وجانهایشان‌درراه خدا جنگیدند و برای‌ایشانست خوبیها و ایشان رستگارانند.

ونیز خدای سبحان فرموده: «ان‌الله اشتری‌من‌المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم‌الجنة یقاتلون فی‌سبیل‌الله فیقتلون‌ویقتلون وعداً علیه حقاً فی‌التوراة و الانجیل‌والقرآن‌ومن اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذالك هو الفوزالعظیم» (۳)

---

(۱) عنکبوت ۶۹. (۲) توبه۸۹.

(۳) توبه ۱۱۲.

همانا خدا جانها و مالهای مؤمنان را در مقابل بهشت خریده که آنان کار زار کنند در راه‌خدا‌پس‌دشمنان‌خدارامیکشند یااینکه خودشان کشته میشوند وعده ایست بر آنان‌حق ودرست در تورات و انجیل و قرآن وکیست که از جانب خدا به پیمانش وفا کند پس مژده باد شمارا که خریدوفروش کردید و این بزرگترین بهره‌ایست برای شما .

و از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده برای بهشت دریست که آنرا در مجاهدین وپیکار کنندگان در راه خدا میگویند از همان در وارد میشوند وفرشتگان‌باآنان‌مرحبامیگویند واهل محشر تماشای کرامتی که خدا باآنان فرموده میکنند و بزرگترین جهاد ، جهاد با نفس است زیرا که نفس فرمان‌دهنده‌ی بدیها است میل کننده‌ی به‌شرهاوشهوتهاست و در اعمال خیر آدم نسبت بآن اعمال سنگینی میکند آرزوهایش زیاد،فراموش کننده است‌هول وهراسهای قیامت را طلب کننده‌دنیاست و آسایش است خدای تعالی میفرماید: «ان النفس لامارة بالسوء الا مارحم ربی » (۱) همانا نفس فرمانده بدیهاست مگر اینکه پروردگار من رحم فرماید .

ونیز حضرت فرمود : بهترین نبرد وپیکار سخن عدل‌است که در پیشگاه سلطان ستمگر گفته سود و هر کس‌بخواهد که خودش را اصلاح کند باید مرامش را جنگیدن بانفس قرار دهد مخالفت این مرام را نکند تا آنجا که موافق کتاب خدا و سنت‌پیغمبر و آداب

---

(۱) یوسف ۵۳ .

امامان از اهل بیت آن پیغمبر باشد .

وحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده: هیچ مؤمنی روزوشب را سپری نمیکند مگر اینکه نفسش در پیش او متهم است به گمانهای بد و اورا بشك و تردید می اندازد .

گفته شده که مردی در بنی اسرائیل خوابش برد و نمازشبش را نخواند چون از خواب بیدارشد نفسش را نکوهش و ملامت کرد وگفت غفلت من از نماز شب از طرف تو است زیاد روی تو مرا از عبادت پروردگارمحروم کرد .

پس خدا بموسی وحی فرستاد که به بندهی ما بگومن بواسطهی نکوهش تو نفست را پاداش صد سال عبادت بتو عطا کردم و سزاوار است برای خردمند که با نفسش بجنگد بواسطه قیام کردن بحقوق خدا وطی کردن راه سلامتی زیرا که خدای فرموده است :

« والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا » (۱) آنانکه در راه ما با نفس خود جنگیدند ما آنهارا براه خود راهنمائی می کنیم.

وهر کس اراده دارد که از شر شیطان سالم بماند پس باید با نفسش بجنگد وازاو مانند یك شریك باز جوئی کند وحسابش را برسد وچقدر نیکو فرموده است ابوذر در گفتهی خویش که خدا بهترین چیزیکه به بندهاش عطا فرموده این است که در مبارزهی با نفس نفسش را ناراحت کند و زجر دهد فرمانش رادر دست گیرد باو امر و نهی کند .

---

(۱) عنکبوت ۶۹ .

و قسمت دیگر از کار زار با نفس این است که غذا نخورد مگر آن زمانکه احتیاج بغذا دارد و نخوابد تا آنگاه که خواب اورا برباید وسخن نگوید مگر در مورد لزوم و خلاصه خواسته‌های نفس را ریشه کن کند آنچنانکه خدای تعالی میفرماید: «واما من خاف مقام ربه ونهی النفس عن الهوی فان الجنة هی المأوی» (۱) وهر کس در پیشگاه پروردگار بترسد و نفس خویش را ازخواسته‌های نابجاجلو گیری کند پس همانا بهشت جایگاه اوست بدانید که دنباله‌ی مجاهده‌ی بانفس راحتی و آسایش است .

باب بیست وپنجم - ستایش گوشه نشینی

بدانکه تمام خوبیها در گوشه نشینی و دوری ازمردم است زیرا که بواسطه کناره گیری اخلاص در عمل بدست آید ودر غیبت وسخن چینی و بیهوده گوئی بسته میشود وسلامتی چشم وگوش در اعتزال از مردم است و دوری کردن ازمردم نشانه‌ی انس باخداست و از سفیان ثوری نقل شده که گفت خواستم برحضرت جعفر بن محمد ﷺ واردشوم اجازه‌ی ورودخواستم و اجازه داداورا در زیر زمینی دیدم دوازده پله داشت عرضکردم ای پسر رسول خدا شما درین گوشه‌ی انزوا قرار گرفته اید با اینکه مردم بشما نیاز دارند حضرت فرمود : ای سفیان روز گار فاسد و بد شده برادران نیز بد شده اند و همه چیز عوض گردیده بدین جهت تنهائی رااختیار کردیم آیا قلم و کاغذ داری که

(۱) نازعات ۴۰.

بنویسی عرضکردم بلی فرمود بنویس آنچه را که میگویم : سپس فرمود :

لاتجزعنّ لوحدة و تفرد	ومن التفرد فی زمانك فازدد(۱)
فسد الاخاء فلیس ثمة اخوة	الا التملق باللسان و بالید(۲)
و اذا نظرت جمیع ما بقلوبهم	ابصرت ثم نقیع سم الاسود (۳)
فاذا فتشت ضمیره من قلبه	وافیت عنه مرارة لا تنفد (۴)

۱ ـ از تنهائی و گوشه نشینی جزع مکن واز تنهائی وگوشه نشینی خود توشه برگیر .

۲ ـ برادران فاسد شدند و درآنجا برادری نیست جزچاپلوسی و تملق بوسیلهٔ دست و زبان .

۳ ـ اگر بدلهای تمامشان نگاه کنی در آن دلها خواهی دید زهرهای کشنده ی مارسیاه.

۴ ـ پس هرگاه بازجوئی کنی از دلش ناراحتی تمام نشدنی خواهی دید .

و کناره گیری در واقع دوری از صفت های نکوهش شده وبد است و چیزیست که بواسطه آن علوم و معارف دینی بدست می آید کناره می کند بعد اساس دینش را برپایه‌ی استواری بنا میکند و برای کسی که از مردم دوری میکند سزاوار است که سرگرم ذکر خدا باشد و اندیشه کند در آفریده های خدا وگرنه گرفتار بلا و فتنه خواهد شد .

اگر چنین شد در پیش اوداشی میباشد که وسوسه‌های شیطانرا از او دور کند و شکی نیست که درین هنگام خیر دنیا و آخرت

دربن گوشه گیری و اندك نمودن ارتباط های دنیائی است و شر دنیا وآخرت در بسیاری رفت وآمدبا مردم‌است‌وگوشه نشینی ریشه‌ی تمام خوبیهاست .

و بعضی از بزرگان گفته اند که یکی از امامان را در خواب دیدم که میفرمود : گوشه نشینی و دوری از مردم نعمتی است که مردم از آن‌ابا وامتناع میکنند و ریاست بلائی‌است که مردم‌آرزوی آنرا دارند و ثروت فتنه ایست که تمام مردم آرزوی آنرا میکنند و نیازمندی و فقر نگهدارنده ایست که تمام آنرا دشمن دارند ومرض ریزاننده‌ی گناه‌است که‌تمام مردم ازآن روگردانند و مرد اختیارش دست خودش باشد تا زمانیکه معروف نشده پس زمانیکه معروف شد اختیارش دست دیگری‌است .

و حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به کمیل‌بن زیادنخعی‌فرمود گوشه گیری اختیار کن خویش را مشهور مگردان و شخصیت خود را از مردم پنهان بدار نام خود را بر سرزبانها مینداز بیاموز و عمل کن، خاموش باش که سلامت بمانی خوبان را شاد و شادمان کن گرچه فاجران خشمگین شوندو باکی بر تو نیست هرگاه احکام دین‌خویش را آموختی مردم ترا نشناسند یا تو آنانرا نشناسی .

و هرکس همیشه دلش در فکر و اندیشه و زبانش بذکرخدا مشغول باشد خدا دلش را از ایمان ورحمت و حکمت و نور پر کند و همانا اندیشه کردن وعبرت گرفتن از دیگران از دل مؤمن سخنان حکمت آمیز بیرون آورد که دانشمندان‌میشنوند خوشنود میشوندو

خردمندان فرونی میکردند وحکیمان درشگفت آیند ،

وروایت شده که مردی ازمادراویس پرسید این حالت بزرگ را که پیغمبر ستایش فرموده : وهیچ کس‌راچنین ستایش نکرده‌پسرت ازکجا آورده در صورتیکه او پیغمبر را ندیده گفت از کناره گیری ما، او همیشه‌فکرمی کرد وعبرت میگرفت .

و حضرت فرموده که خدا بموسی وحی فرستاد که هر کس دوستی را دوست دارد باو انس میگیرد و هر کس بدوستی انس‌گرفت گفته‌ی اورا تصدیق‌میکند و بکردارش خوشنود می شود و هر کس اطمینان بدوستی پیدا کرد باو اعتماد دارد وهر کس شوق‌دیداردوستی را دارد کوشش می کند خودش‌را باو برساند .

ای موسی یاد من برای یاد آورندگانست ، زیارتم برای دل باختگانست، بهشتم برای‌اطاعت کنندگان است ، من‌ویژه‌ی‌دوستانم.

کعب الاحبار(۱) گفته‌است: خدا به بعضی از پیامبران وحی فرستاد که اگر اراده‌ی دیدن مرا فردای قیامت داری پس در دنیا غریب وغمگین باش مانند مرغیکه تنها در بیابان بی آبادی پرواز می کند از برگها و میوه‌های درختان میخورد چون شب فرا رسد بآشیانه ی خود میرود و مرغ دیگری با او نیست و از مردم وحشت دارد توهم از مردم وحشت‌داشته باش و انس بپروردگارت داشته باش،

و هر کس گوشه گیری کرد انس به کناره گیری گرفت بخدا انس گرفته و سختی و صبر برگوشه نشینی آسان تر است ازعاقبت بد

---

(۱) احبار جمع حبر است حبر عالم یهود را گویند .

تماس گرفتن با مردم و تنهائی روش راستگویانست و ازنشانه های تهی دستی انسان نزدیك شدن بمردم است و رفت آمد بامردم فتنه‌ای است بزرگ در دین زیرا هر کس بامردم رفت و آمد کرد باآنان مدارا میکند وهر کس مدارا کرد سازش میکند دوستی خدا ومراقبت مردم باهم صحیح نباشد .

وهر کس میخواهد دینش سالم ، دل و بدنش در آسایش باشد از مردم کناره گیری کند زیرا که این‌عصر عصر دوری ووحشت از مردم است و خردمند پند دهنده نفسش کسی است که تنهائی را اختیار کند و انس به تنهائی بگیرد، من عارفی را ندیدم باخداباشد و وحشت داشته باشد .

پس گوشه نشینی را اختیار کنید ودر پشت دیوار پنهان شوید نام خود را از دلهای مردم بزدائید و محو کنید تا از فریب مردم سالم بمانید بدینجهت است که هرگاه علي ؑ یاد این زمان و فتنه‌اش را میکرد میفرمود: این زمانیست که سالم نمی‌ماند دراومگر مؤمنیکه هرگاه او را به بینند نشناسند و هرگاه از نظر پنهان شد او را کسی جستجو نکنند .

اینان چراغهای هدایت و نشانه های‌روشن باشند درزمین که سخن چینی و فساد نکنند و دروغ نگویندایشان‌خدا برایشان درهای رحمت را باز کند و درهای‌بلارا برویشان به بندد وهرگاه خدا اراده کند که بنده ای را از پستی بسوی‌عزّت طاعت ببرد و ازفتنه‌وآشوب مردم بسوی سلامتی انتقال دهد اورا آشنای به گوشه نشینی میکند و

مهر تنهائی را در دل او جایگزین می کند او را به قناعت بی نیاز کند عیبهایش را بر او بنماید و از عیبجوئی او را نگهدارد و به هر کس که این صفات پسندیده داده شود خیر دنیا و آخرت باو داده شده .

باب بیست و ششم - پرهیز از گناه

حضرت صادق عليه السلام فرمود : بر شما باد به دوری از گناه و راست گفتن و برگرداندن امانت برای کسی که شما را امین دانسته که همانا اگر کشنده‌ی حضرت امام حسین عليه السلام شمشیری را که با آن امام حسین را کشته پیش من بعنوان امانت بگذارد خیانت نمی کنم و باو برمیگردانم.

و فرمود : سزاوار ترین مردم بدوری از گناه آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم و پیروانشان باشند تا اینکه مردم بآنان اقتدا کنند زیرا که آنان پیشوایانند برای پرهیز کاران پس ای مردم بپرهیزید خدا را و اطاعتش کنید زیرا نخواهید رسید برحمتهای خدا مگر بوسیله پرهیز کاری و دوری از گناه زیرا که خدای تعالی می‌فرماید «ان اکرمکم عندالله انقاکم » (۱)

وحضرت فرمود : بدانید بخدا سوگند که شما بر دین خدا و فرشتگانید پس ما را بورع و دوری از گناه و کوشش در کردار نیک و بسیاری عبادت یاری کنید ، و روایت کرده حضرت ابو عبدالله عليه السلام که من با پدرم بودم تا اینکه بقبر و منبر پیغمبر رسیدیم ناگاه گروهی از یاران پدرم را دیدم پس پدرم در مقابل آنان ایستاد و سلام کرد.

---

(۱) حجرات ۱۴ .

سپس فرمود: بخدا سوگند که من شما و بوی شما و روح شما را دوست دارم مرا بورع و اجتهاد یاری کنید زیرا که شما بدوستی ما امیرسید مگر بواسطه‌ی ورع و دوری از گناه وهر کس به‌پیشوائی اقتدا کرد باید کردار اورا انجام دهد سپس فرمود شمائید سربازان خدا ، شمائید شیعیان خدا، شمائیدسابقون واولون‌سابقون درآخرت بهشت میروندما به‌ضمانت خدا ورسول بهشت‌را بر ایشان‌ضمانت کرده‌ایم شما وزنهای شما پاکان وپاکیزه‌گانیدوهرمؤمني‌صديق وهرمؤمنه ای حوريه بهشتی‌است

وچه قدر حضرت علي عليه السلام بقنبر ميفرمرد : مژده باد تو را و توهم بدیگران مژده ده با آنهابگوبدیگران‌مژده دهند که بخداسوگند رسول خدا از دنیا رفت و او بر تمام امتش خشمگین بود غیر ازگروه شیعیان آگاه باشید که برای هرچیزی پیشوائیست و پیشوای زمینها زمینیست که شیعیان در آن جای گزینند و برای‌هرچیزی آبروئیست آبروی دین شیعیانند بخدا سوگند اگر شما نبودید زمین اهلش را فرو می کشید .

وکسیکه باآنها که مخالف ما هستنداگرچه کوشش در عبادت هم داشته باشند مشمول این آیه خواهند بود : « وجوه يومئذخاشعة عاملة ناصبة تصلی ناراً حامية » (۱)

صورتهائیکه درین روز بیمنا کند عمل کننده و رنج کشیده‌اند وارد می‌شوند در آتش بسیار گرم .

بخدا سوگند هردعای‌خیریکه مخالف ما بکند در باره‌ی شما

(۱) غاشیه ۴ .

شیعیان مستجاب می شود ونیست دعای خیری ازشما مگر اینکه خدا برای او صد برابرآن دعا عنایت فرماید و سئوال نمی کند از شما مسئله ای مگر اینکه‌چند برابرش برای‌او حاصل می‌شودبخداسوگند روزه دار شما در بوستان بهشت میچرد.

بخدا سوگند حاجی و انجام دهنده‌ی عمره‌ی از شما از مقربین و خواص پیشگاه خدایند و شما تمامتان دعا کنندگانی هستید که دعایتان مستجاب است ترس وبیم برشما نیست غمگین و افسرده خاطر مباشید تمام شما دربهشتید پس جای‌بگیرید در درجات بهشت بخدا کسی ازشیعیان مانزدیکتر بعرش‌پروردگار نیست خوشا بحال‌شیعیان ما چقدر صنع خدا در باره‌ی آنان نیکوست.

بخدا سوگند حضرت امیر المؤمنین فرموده که شیعیان ما از قبرها بیرون آیند در حالیکه روهایشان میدرخشد دیدگانشان روشن است که امان بآنان داده شده مردم همه درآنروز بیمنا کند آنانرا ترس و بیمی نیست بخدا سوگند هیچ یك ازشما برای نماز کوشش نمی کند مگر اینکه‌فرشتگان او را در برگیرند خدا را بخوبی در باره‌ی او میخوانند تا وقتیکه از نماز فارغ شوند.

آگاه باشید که برای هرچیزی جوهریست وجوهر فرزندان آدم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ما و شماباشیم و خداوند بسوی موسی وحی فرستاد که بهیچ وسیله ای کسی‌بسوی من‌نزدیك نمی‌شود مگربورع و دوری کردن از محرمات.

باب بیست و هفتم - خاموشی و سکوت

حضرت رضا عليه السلام فرمود: که نشانه های فقه حلم است وحیا و خاموشی، سکوت دری است از درهای حکمت همانا بوسیله‌ی سکوت کسب محبت و دوستی میشود، سکوت باعث سلامتی و آسایش فرشتگان نویسنده می‌شود: همانا سکوت راهنمای برای تمام خوبیهاست.

و حضرت امیرالمؤمنین فرمود: که همیشه مرد مسلمان سالم است تا زمانیکه خاموش است پس هرگاه سخن گفت در نامه‌ی عملش یا ثواب و یا گناه نوشته می شود.

و نیز رسول خدا بمردی فرمود: که آیا ترا بر کاریکه خدا بواسطه آن ترا وارد بهشت کند رهنمائی نکنم عرضکرد بلی ای رسول خدا، فرمود: انفاق کن از آنچه خدا بتو عطا کرده، عرضکرد اگر چیزی نبود که انفاق کنم فرمود: یاری کن ستمدیده را عرضکرد اگر قدرت یاری نداشتم چکنم؟ فرمود: سخن حق و خیر بگو تا فایده بری یا اینکه خاموش باش تا سلامت بمانی.

و مردی بحضرت رضا عرضکرد مرا وصیت و سفارشی فرما حضرت فرمود زبانت را نگهدار تا عزیز باشی و شیطان برتو چیره نشود که ترا بسوی خود بکشد پس ترا خوار کند.

و حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود در وصیتیکه بفرزندش محمد حنفیه کرد بدانکه زبان سگی است درنده اگر اورا رها کنی اذیت می کند ترا و چه بسا سخنی گوید که نعمتی را از توسلب کند و بلائی را بسوی تو بکشاند زبانت را نگهداری کن آنچنانکه طلا و نقره‌ی

خود را نگهداری می کنی وهر کس در سخن گفتن شتاب کرد زبانش اورا بسوی بدیها کشاند .

و حضرت رسول فرمود آیا مردم را روز قیامت برو در آتش می‌افکند چیزی غیر از زبانهایشان وهر کس سلامتی دنیا وآخرت را طالب است زبانش را مقید سازد بافسار شرع ، مگر در چیزهائیکه منفعت دنیا و آخرت داشته باشد و حضرت رسول فرمود هر کس خاموش باشد نجات پیدا می کند.

عقبة بن عامر گفت عرضکردم برسول خدا که نجات و رهائی در چیست ؟فرمود : زبانت را نگهدار ، در خانه بنشین ، برگناهانت گریه کن و رسولخدافرمود هر کس خود را از شر شکم و زبان و عورت نگهدارد از تمام بدیها خویشتن را نگهداشته و فرمود: ایمان هیچ بنده ای راست و محکم نمی‌شود مگر اینکه دلش را آرام و محکم کند و دلش آرامش پیدا نکند مگر اینکه زبانش‌را نگهداری کند .

زیرا که زبان مؤمن در پشت قلبش باشد هرگاه بخواهد سخن بگوید دور اندیشی‌میکند درسخن زمانیکه دید آن سخن خیر وحق است ظاهر میکند اگر سخن شر و بد بود پنهانش کند ولی منافق دلش در پشت زبانش باشد هرچه بزبانش آید بدون فکر واندیشه میگوید باکی ندارد که آن سخن برضرریانفعش باشدوهماناپیشتر گناهان فرزند آدم از راه زبانست .

ورسول خدا ﷺ فرمود: هرکس زبانش را نگهداردخداوند

بدیهای اورا میپوشاند وهر کس خشم خود را فرو برد خداوند از عذابش اورا نگهدارد وهر کس از خدا پوزش طلب کند خداهم از او میپذیرد .

مرد عربی برسول خدا عرضکرد مرا بر کرداری رهنمائی کن که بآن عمل نجات بیابم ، فرمود : گرسنه‌را سیر کن ، تشنه را آب ده ، امر بمعروف کن ، نهی از منکر بنما اگر براینها قدرت نداشتی زبانت را نگهدار زیرا که بواسطه همین زبان شیطان بر تو چیره شود .

وفرمود : خدا در پیش زبان هر گوینده ایست . پس گوینده باید پرهیز کند از سخنی که رضای خدا در آن نیست و بداند که چه بر زبان میراند .

وفرمود : هر گاه دیدی که مؤمن خاموش و باوقار است باو نزدیك شو زیرا که او کلمات حکمت آمیز گوید .

و حضرت عیسی بن مریم گفت عبادت ده قسم است نه قسمت آن در سکوت و خاموشی است یك بخش از آن در دوری از مردم است.

و در حکمت آل داود است که بر عاقل است که آشنای بزمانش و نگهدارزبانش ومتوجه آبرویش وبیمناك از مطمئن ترین برادرانش باشدو هر کس بسیار بیاد مرگ باشد باندك چیزی خوشنودمی شود و بیشتری از مشکلات زندگی براو آسان شود وهر کس درسخنانش نسبت بکردارش حساب داشته باشد سخنش کم خواهد بود مگر در کارهای خیر .

و بدانکه بهترین حالات تو این است که زبانت را ازغیبت و

سخن چینی و حرفهای بیهوده نگهداری و زبانت را سرگرم بذکر کنی یا مشغول آموزش باشی زیرا که تعلیم وآموزش هم ذکر خداست.

همانا عمر سرمایه بزرگ تجارت است هر نفسی از آن گوهری است گرانبها پس هرگاه از یاد خدا غافل شد و زبانش را سرگرم لغو و بیهوده کرد مانند کسی خواهد بود که در* گرانبها را می بیند اراده میکند بردارد سپس بجای در* کلوخی را برمیدارد .

زیرا که انسان هرگاه فرشته‌ی مرگ را آماده‌ی گرفتن جانش دید اگر از او تقاضای تاخیر کند که یك ساعت یا یکنفس اورا مهلت دهد که لااله الا الله در آن یك نفس بگوید و تمام دنیا را در برابر یکنفس مهلت باو به بخشد فرشته ی مرگ نمی پذیرد و چقدر ازین ساعت های عمر بیهوده تلف شد این خود زیانیست بزرگ

و مؤمن همان کسی است که سخنش ذکر است و سکوتش اندیشه است و نگاهش عبرت است و حضرت رسول خدا صلى الله عليه وآله باابی‌ذر فرمود : آیاترا عمل و کرداری نیاموزم که بر زبان آسان و درمیزان سنگین باشد عرضکرد بلی ایرسولخدا بیاموز مرا حضرت فرمود: آن عمل سکوت و خوش خلقی وترك نمودن حرفهای بی فایده است .

و روایت شده لقمان داود را دید که زره میسازد لقمان خواست بپرسد که چه درست می کنی ساکت شد ونپرسید پس از آنکه داود زره ساخت و بر تن پوشید لقمان بدون پرسیدن فهمید که داود چه درست میکند .

و گفته است هر کس که کلامش زیاد باشد لغزشش فراوانست

وهر کس که خطا ولغزش او زیاد باشد بیهوده گوئیش بسیاراست وهر که چنین باشد دروغش فراوانست وهر کس دروغ زیادداشت گناهش بسیاراست آنکه گناهش فراوانست آتش بر او سزاوار تر است و خدای تعالی بواسطه زیان فروان زبان او را بچهار چیز پنهان کرده بدولب و دو دندان و بعضی از دانشمندان گفته اند که هماتا خدای برای انسان یك زبان و دوگوش و دو چشم آفریده تااینکه بیشتر به بیند وبشنود و کمتر بگوید و روایت شد که سکوت میراث حکمت است .

باب بیست و هشتم - ترس ازخدا

و روایت شده که حضرت ابراهیم هنگامیکه درنماز می‌ایستاد از خوف خدا صدائی از سینهٔ او شنیده میشد مانند صدای دیگی که می جوشد وسید وبزرگ ما رسول‌خدا نیز چنین بود .

و حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام چنین بود هرگاه میفرمود: « وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض » (۱) صورتش تغییر میکرد و رنگ مبارکش زرد میشد بطوریکه همه می دانستنداز خوف خدا این حالت بوی دست داده و حضرت یکهزار بنده ازدسترنج خود در راه خدا آزاد کرد کارش این بود که نهال درخت میکاشت بعد میفروخت و از پول آن بنده میخرید و در راه خدا آزادمیکرد و باهمین حالت آنان‌را چیزی ازمال خود می بخشید که نیازی بمردم

(۱) انعام ۷۹.

نداشته باشند.

بعضی از غلامان بآن حضرت خبردادند که چشمه‌ای در یکی از باغ ها آبش چنان میجوشد مانند گردن شتر از آن چشمه آب بیرون می پرد سه مرتبه فرمود وارث های آن چشمه را مژده دهید سپس حضرت چند گواه طلب کرد و آنانرا گواه گرفت که این چشمه‌را در راه خدا وقف کردم تا پایان دنیا و فرمود : اینکار را کردم تا آتش را از چهره‌ی من دور کند.

معویه همان نخلستان را از حضرت امام حسن عليه السلام بدویست هزار دینار خریداری کرد حضرت فرمود چیزی از آنرا نمی فروشم چه پدرم آنرا در راه خدا وقف کرده و هیچ گاه از برای حضرت امیرالمؤمنین دو کار روی نمیداد که رضا و خوشنودی خدا در آن بود مگر اینکه حضرت مبادرت بکار سخت تر میفرمود وحالش چنین بود که هر گاه دوسجده‌ی شکر بجا می آورد در حال سجده غش میکرد از خوف خدای تعالی وحضرت فاطمه عليها السلام در نمازش از ترس و بیم خدا میلرزید وحضرت علي بن الحسين عليه السلام صورتش درنماز تغییر میکرد از ترس خدای تعالی.

و لقمان به پسرش فرمود: پسرك من بترس از خدا بطوریکه اگر ثواب تمام جن و انس را داری بازهم از عذابش ایمن نباشی و امید وار باش بخدا بطوریکه اگر گناه تمام جن و انس راداشته‌باشی امید وار باشی که ترا بیامرزد.

وحضرت علي بن الحسين عليه السلام فرمود : ای پسر آدم تو همیشه

در حال خوبی و خیر خواهی بود تا وقتیکه برای تو اندرز دهنده‌ای از طرف نفست باشد و تا زمانیکه شعار تو ترس و بیم و حزن و اندوه باشد ای پسر آدم تو خواهی مرد پس جواب را آماده کن .

و خدای تعالی بموسی وحی فرستاد که بترس از من در پنهان که من نگهداری کنم ترا درلغزش هایت ، بیاد من باش در خلوت و نهان وهنگام شادمانی لذتهایت که من ترا یاد کنم هنگام غفلت هایت و خشمت را فرو بر از کسیکه بر او مسلط هستی من هم خشمم را از تو نگهدارم ، رازهای نهان مرا پنهان دار و مدارا کن درآشکارا با دشمن من .

و حضرت صادق عليه السلام فرمود : دنیا درپیش من‌مانند مرداریست که هرگاه ناچار شدم از آن بخورم ای‌حفص‌خدای تعالی میداند که بندگان عمل کننده‌اش کیانند وکجا میروند پس صرف نظر میکند از ایشان هنگام کردارهای ناشایسته‌ی آنان بواسطه علمی که پیشی گرفته بکردارشان و همانا شتاب میکند کسیکه میترسد فرصت از دست برود فریب ندهد ترا تاخیر مجازات .

بعد حضرت این آیه را تلاوت فرمودند : «تلك الدار الاخرة نجعلها للذين لايريدون في الارض علواً ولافساداً والعاقبة للمتقين »(۱) این است سرای آخرت که قرار دادیم برای کسانیکه ارادهٔ بلند پروازی ندارند در زمین و نه هم خیال تباه کاری و سر انجام نیك برای پرهیز کاران است و حضرت شروع کرد بگریه و می گفت در پیشگاه این‌آیه آرزوها برباد رفته .

---
(۱) قصص ۸۳ .

بعد فرمود: بخدا سوگند نیکان نتیجه بردند و اشرار زیان آیا میدانی نیکان کیانند آنان کسانی هستند که ازخدا ترسیده‌اند و با اعمال‌شایسته باو نزدیك شده اند درآشکارا ونهان‌ازاو ترسیده‌اند کفایت می کند ترس خدا از حیث دانش وکافیست فریب خوردن از نادانی ای حفص هر کس دانش بیاموزد وبآن عمل کند نامش در عالم ملکوت بزرگ نوشته میشود.

همانا دانشمندترین مردم بیمنا کترین آنانست ازخدا وپارسا ترین ایشانست در دنیامردی بآن حضرت عرضکرد که‌مرا وصیتی‌فرما حضرت فرمود: بپرهیز از خدا در هر کجا باشی زیرا که تو وحشت نمی کنی.

وحضرت صادق عليه‌السلام فرمود روزی رسول‌خدا نشسته بود ناگاه جبرئیل فرود آمد پس رسولخدا فرمود: ای برادر جبرئیل چرا ترا غمگین و افسرده خاطر می بینم؟ عرضکرد چرا چنین نباشم امروز مناقیح جهنم را برداشتند حضرت فرمود: مناقیح جهنم چیست؟ عرضکرد که خدا فرمانداد آتش را بر افروختند هزار سال تا اینکه سفید شد بعد از آن هزارسال تافتند تا سیاه شد پس آن آتش سیاه است و تاریك است بعضی از آن تاریك تر از بعض دیگر.

اگر یك حلقه از زنجیر هائیکه درازی آن هفتاد ذراع است بر فراز کوههای عالم گذارده شود مسلم از گرمی آن زنجیر آب خواهد شد و اگر قطره‌ای از آبهای زقوم و ضریع جهنم در آبهای اهل دنیا ریخته شود تمام اهل دنیااز بویش بمیرند.

سپس رسول خدا و جبرئیل گریه کردند پس خدا برسولش و و جبرئیل وحي فرستاد که شما دو نفر راایمن دارم ازاینکه گناهی انجام دهید که سزاوار آن آتش گردید ولی بایدهمیشه ازمن ترسان باشید. در قرآن سخن از ترس و بیم فراوان گفته شده مانند قول خدای تعالی که میفرماید، «وخافون ان کنتم مومنین» (۱) و از من بترسید اگر ایمان دارید و نیز فرمود: «فایای فارهبون» (۲) پس از من هراس داشته باشید.

ودرستایش گروهی فرموده: «یخافون ربهم من فوقهم» (۳) میترسند پروردگارشانرا که ازبالای سرشان عذاب فرستد و فرموده است «ولمن خاف مقام ربه جنتان» (۴) و برای کسیکه از پیشگاه پروردگارش هراس داشته باشد دو بهشت است.

ونیز فرموده: «واما من خاف مقام ربه ونهی النفس عن الهوی فان الجنة هي المأوی» (۵) وهر کس بترسد درپیشگاه پروردگارش ومانع شود نفسش را و باز دارد پس بهشت جایگاه او است.

و نیز فرموده است: «انما یخشی الله من عباده العلماء» (۶) جزاین نیست که بندگان دانشمند خدا از اومی‌ترسند وثمرۀعلم ترس است و دانشی نیست برای کسیکه ترس از خدا ندارد خوف از خدا چراغ نفس است که به‌آن هدایت می‌شود از تاریکیش و خوف از

---

(۱) آل عمران ۱۶۹. (۲) نحل ۵۳.
(۳) نحل ۶۲. (۴) رحمن ۴۷.
(۵) نازعات ۴۱. (۶) فاطر ۲۶.

خدا این نیست که کسی گریه کند واشکش بگونه‌اش سرازیرشود بلکه اینقسم خوف ترس دروغی است بلکه خوف این است که انسان واگذارد آنچه را که باعث عذابش میشود اگرهمانطوریکه مرداز فقر هراس دارد از آتش دوزخ بیمناك باشد مسلم از آن آتش در امان خواهد بود.

وهمانا مؤمن دلش آرامش پیدانمی کند وترسش آرام نمی‌شودتا اینکه از پل جهنم بگذرد رو بطرف دربهشت بیاورد وبرطرف نمیکند ترس آنروز را مگر قلب کسیکه ایمان آورد.

وهم‌چنین فرموده خدای تعالی سوگند بعزت وجلال خودم جمع نخواهم کرد برای بنده‌بین دو ترس و بیم و دوامان، زمانیکه بترسد از من در دنیا اورا ایمن‌دارم در آخرت و هرگاه در دنیا از من‌ایمن باشد اورا در آخرت بترسانم و ترس در هر ساعت‌انتظار عقوبت دارد ترس وبیم‌جدا نمیشود مگر ازدلی که ویران است و مواظبت می کند ذکر خدای تعالی را در نهان و آشکارا بطوریکه ترس در دلش به هیجان و جنبش آید و از نشانه های ترس از خدا کوتاهی آرزوها وشدت عمل ودوری از محرمانست.

مردی بحضرت رسول خدا صلی‌الله علیه وآله عرضکرد که تفسیر این آیه چیست؟ «والذین یؤتون ماآتو اوقلوبهم وجلةانهم الی ربهم‌راجعون»(۱) یعنی آنانکه اعمال نیك بجا می آورند و حال اینکه دلهایشان ترسانست و بسوی پروردگارشان بر میگردند حضرت فرمود: نه چنین‌است لیکن مرد روزه می گیردونماز می خواند وصدقه‌میدهد

---

(۱) مؤمنون ۶۲.

با اینحال بازهم ترسانست که عملش قبول نمی شود و هرگاه خوف در دلش جا گرفت جای شهواتهای آن میسوزد وازآن دل میل بدنیا بیرون میرود و بر صورتش نشانه های اندوه وغم آشکارمی‌شود .

باب بیست و نهم ـ امیدواری بخدا

از حضرت ابیعبدالله علیه السلام روایت شده که هرگاه یکی از شما اراده کندهرآنچه‌را که ازخدا بخواهد باو داده شود امیدش را باید از مردم قطع کند تا بآن برسد هرگاه این مطلب‌را فهمید از خداهم چیزی طلب نمی کند مگر اینکه باو داده شود .

ورسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل گفته است که خدای تعالی فرموده : بنده‌ی من‌هرگاه‌مرا شناختی عبادت مراکردی و امیدوار بمن بودی وکسی را با من شریك نساختی ترا می آمرزم اگرچه گناهانت دنیارا پرکرده باشدمنهم دنیارا برای‌توپرازآمرزش میکنم و باکی هم ندارم .

وحضرت رسول خدا فرمود : که خدای عزّوجل میفرماید : که از آتش بیرون شود هرکس که باندازه‌ی دانه‌ای ایمان در دلش باشد بعد می فرمایذ سوگند بعزت و جلالم که قرار نخواهم داد ساعتی از شب و یا روز کسی راکه بمن ایمان آورده با کسی که ایمان نیاورده.

اصل امیدواری گسترش دادن آرزو است در رحمت‌خداوگمان خوب بخدا داشتن .

: بدانکه نشانه‌ی امیدواری کردار نیك است برای امیدواری سه مرتبه است یکی اینکه مردی کردار نیك انجام داده و امیدواری قبولی آنرا دارد.

دیگر اینکه مردی کردار بد انجام داده امیدواری آمرزش آنرا دارد سوم مردی دروغگو مغرور بخود گناه و معصیت میکند و آرزوی آمرزش دارد باگناهان پی در پی.

مردی بحضرت صادق عرض کرد که همانا گروهی از شیعیان شما معصیت می کنند و می گویند امیدواریم خدا ما را بیامرزد حضرت فرمود: دروغ می گویند آنان از شیعیان ما نیستند هر کس بچیزی امید وار است برای آن کار کوشش می کند بخدا سوگند از شیعیان ما نیستند مگر آنانکه از خدا بپرهیزند گروهی با علي عليه السلام رو برو شدند بر آنحضرت سلام کردند و عرض کردند ما از شیعیان شما هستیم یا امیرالمؤمنین.

سپس حضرت فرمود: من در چهره‌ی شما نشانه‌ی شیعه را نمی بینم عرض کردند مگر چهره‌ی شیعه چطور است یا امیرالمؤمنین فرمود زرد چهره اند از بیخوابی، دیدگانشان از گریه ضعیف شده، شکمهایشان به پشت چسبیده، لبهایشان از اثر دعا خشکیده، پشتهایشان از بسیاری قیام در نماز خمیده، بسکه فروتن هستند روی خاکها می نشینند.

.. مردی عرض کرد ای پسر رسولخدا من گناه میکنم و بعد ناراحت می شوم با اینحال امید بخشش دارم حضرت فرمود ای مرد

بترس از خدا وانجام وظیفه کن بااینحال امیدوار بخشش باش زیرا که نیکو ترین مردم کسی است که بخدا گمان خوب داشته باشد وامیدواریش بزرگ ودام‌ترین مردم بخدا باشد وهمانا امیر المؤمنین عليه‌السلام ازهمه گمانش بخدا بهتر و امیدواریش بیشتر و بیمنا کترین مردم نسبت بخدا بود. وابهتش ازهمه مهم تر وهمچنین بودند سایر پیامبران در زمان هریك از آنان هیچ کس در این صفات از آنها بهتر نبود.

وحضرت امیر المؤمنین بیارانش فرمود: اگرمی‌توانید سخت‌از خدا بترسید وگمان خودرا باو نیکو نمائید بین این‌دوصفت جمع کنید زیرا که گمان‌خوب‌بنده‌بپروردگارش باندازه‌ی‌ترس از خداست‌وهمانا خوش گمانترین مردم بپروردگار همانهایند که سخت بیمنا کند پس آرزوهارا واگذارید فعالیت وکوشش کنید تا بتوانید حق خالق و مخلوق را ادا کنید وهر کس که حق خدا را ادا کند برایش دوری ازآتش باشدونیست برای کسی بر خدا حجتی‌ونه بین خدا و کسی خویشاوندیست.

خدا داستان گناه آدم را مثل نزده مگر برای بیداری شما و همانا امیرالمؤمنین عليه‌السلام چنین بود که در تسبیحش عرض می کرد «سبحان من جعل خطيئة آدم عبرة لاولاده» منزه است خدائیکه گناه آدم را برای فرزندانش پندواندرزقرار داد.

ومراد حضرت این است که آدم پدر شما و تمام انبیاست اورا گناهکار نامید و از بهشت راند بسوی زمین آدم و مادر شما حوا از برگهای بهشت خود را پوشاندند بواسطه‌ی‌خوردن یکدانه گندم پس

شما چگونه خواهید بود که گندمها خواهید خورد این نیست مگر همان طمع بزرگ در مقابل پروردگار .

و سزاوار است که امیدواري وترس مانند دو بال پرنده باشند در دل مؤمن هرگاه هردو مساوی شدند پریدن ممکن شود و هرگاه یکی از آندو بدست آمد سوای دیگری یکی از آن دو بال شکسته و نقصی در دل وعمل پیدا شود و برای بنده سزاواراست که گسترش دهد امیدواری خود را در بارهٔ خدای‌تعالی وبانفس خودگفتگو کند که به بیند بخشش و رحمت و کرم خدارا هنگام ملاقات که‌گویا حسابی نداشته .

وشکی نیست که عاقل و خردمند نفس خود را مجرم‌می‌بیند و برای او اطمینانی بقبولی عملش نیست اعتمادی‌ندارد‌مگر بر نیکوئی گمان بر خدا و امیدواری به بخشش و حکمت وکرم او و تضرع و زاری کند در پیشگاه پروردگار چنانکه حضرت می‌گوید .

الهی ذنوبی یخوفنی وجودك يبشرني عنك فاخرجني بالخوف من الخطایاو اوصلني بجودك الى العطايا حتى اكون غداً في القيمة عتيق كرمك كما كنت في الدنيا ربيب نعمك و ليس‌ما تبذله غداً من‌النجاة باعظم مما قد منحته من الرجا و متى خاب في فنائك امل ام متى اصرف بالرد عنك سائل الهي ما دعاك من لم تجبه لانك قلت‌ادعوني استجب لكم و انت لاتخلف‌الميعاد اللهم فصل على محمد وآل محمد واستجب عائي ولاتقطع رجائي برحمتك ياارحم‌الراحمين»(۱)

بارإلاهاد گناه‌من‌مرا ازتومیترساندو بخشش‌تومرا بشارت‌میدهد

پس مرا بواسطه‌ی ترس ازخوداز گناهان بیرون‌آور وبجود خودمرا بعطایای خود برسان تا فردا در قیامت آزاد شده‌ی کرم‌تو باشم همان طور که در دنیادر دامن نعمت‌تو هستم‌وآنچه‌فردا بمن‌میدهی بزرگتر از امید واری تو نیست کی‌ناامیدمی‌شود آرزومند یا کی سائل تو رد می‌شود خدا هر کس ترا خواند نا امید نشد زیرا تو فرموده ای که مرا بخوانید تا جواب دهم وتو خلاف وعده نمي کنی پروردگارا بر محمد و آلش درود بفرست و دعای مرا مستجاب فرما و امید مرا ناامید مگردان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان .

وروایت شده که سبب نزول قول خدای تعالی « نبیء عبادی انی انا الغفور الرحیم » (۱) بندگان مرا خبر ده که من آمرزنده و رحم کننده‌ام .

اینست که رسولخدا بگروهی گذشت که میخندیدند فرمود: خنده می کنید ؟ اگر آنچه را که‌من می‌دانم شما بدانید خنده‌ی شما کم خواهدبود و گریه تان طولانی سپس جبرئیل فرود آمد عرضکرد ای‌محمد پروردگارت ترا سلام میرساند و میفرماید : نبیء عبادی انی‌انا الغفور الرحیم و ان عذابی هو العذاب الالیم » بندگان مرا خبر ده که من‌آمرزنده‌ام ولی عذاب من دردناك است .

ام سلمه گفته است از رسول خدا شنیدم میفرمود : که همانا خدای تعالی درشگفت است ازبنده ایکه از رحمت و بخشش او ناامید است با بزرگی گسترش رحمت خدا .

وروایت شده که حضرت علي بن الحسین عليه السلام بزهري‌گذشت و

---

(۱) حجرات ۴۹ .

او دیوانه شده بود وخنده میکرد فرمود : چرا این خنده میکند عرضکردند او کسی را کشته و ازخوف خدا دیوانه شده‌حضرت‌فرمود بخدا سوگند ناامیدی او از رحمت خدا ازآدم کشتنش سخت‌تراست و سزاوار است که بنده بحسن‌ظنش برخدانکیه کند زیرا که حسن ظن وسیله‌ی بزرگیست زیراکه خدا میفرماید که من‌در نزد گمان خوب بنده ام می باشم .

یکی از بزرگان‌رفیقش را در خواب دید که دربهترین‌حالات است از او پرسید بچه‌چیز باین حال خوب‌رسیدی‌گفت بوسیله گمان خوب به پروردگارم‌وهیچ کس نخواهد رسید به خیردنیا و آخرت مگر بوسیله‌ی گمان خوب بخدای تعالی .

و حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود :اطمینان وحسن ظن بخدا حصاری‌است که درآن داخل‌نمیشود مگرمؤمن وتوکل بخدا وسیله‌ی نجات از هر بدی و امان ازهر دشمنی است .

و حضرت صادق عليه‌السلام فرمود ، بخدا سوگند مؤمنی خیردنیا و آخرت بوی داده نمیشود مگر بخوبی‌گمانش بخدا و امیدوار بودن باو وخلق نیك و متعرض نشدن بمردم زیرا که خدای تعالی بعد از توبه و استغفار هیچ کس را عذاب نمی کند مگر ببدی گمانش و کوتاهی در امیدواری و بدی اخلاقش و غیبت کردنش مؤمنین را و هر کس گمان خوب بخداداشته باشد پروردگارهم باهمان گمان‌خوب با او رفتار میکندزیرا که‌خدای‌تعالی کریم است‌حیا می کند مخالفت گمان خوب وامید واری بنده اش را نماید .

پس گمان خود را بخدا خوب کنید و میل کنید بآنچه که‌در

پیش خداست زیرا که خدای سبحان میفرماید : «الظانین بالله ظن السوء علیهم دائرة السوء و غضب الله علیهم ولعنهم و اعدلهم جهنم و ساءت مصیراً »(۱) بدگمانان بخدا روزگار بدی بر آنان بگذرد و خدا خشم کند بر آنان و نفرین برایشان فرستد و آماده کند جهنم را برای آنان که منزلگاه بسیار بدی است .

و نقل شده است یکی از بزرگان رفیقش را در خواب دید باو گفت خدا باتو چه کرد در پاسخ گفت مرا آمرزیده و تمام گناهان مرا بر طرف کرد بواسطه‌ی گمان خوبی که باو داشتم ، و روایت شده که خدا میفرماید : که من در پیش گمان خوب بنده ام باشم او بمن جز گمان خوب ندارد .

ونقل شده است که یکی ازبزرگان همیشه از خدا درخواست عصمت می کرد، شبی درخواب دید که باو گفتند : شما ازمن درخواست عصمت می کنید پس هرگاه تمام شمارا عصمت از گناه به بخشم عفو و بخششم پس شامل کی شود .

خدا بداود پیغمبر وحی فرستاد که ای داود من شمارا نیافریدم که ازشما سودی برم بلکه آفریدم که شما ازمن بهره‌ای برید راست فرموده خدای بزرگ بدلیل اینکه یك عمل خوب‌را ده برابر پاداش دهد و زیاد می کند برای کسی که بخواهد تا هفتصد برابر چنانچه میفرماید : « مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة »(۲) مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می کنند مانند دانه‌ی گندمی است که هفت خوشه

---

(۱) فتح ۶ . (۲) بقره ۲۶۱.

می‌رویاند و در هرخوشه‌ای صددانه است .

ولی یك گناه را یکی قرار داده وثواب تصمیم گرفتن به حسنه حسنه‌ای است اگرچه چیزی از آن تصمیم را انجام ندهد ولی اگر تصمیم گناه بگیرد گناه در نامه‌ی عملش نوشته نمیشود و توبه‌ی از گناه را ثواب قرار داده وهمانا خدای تعالی توبه کنندگان را دوست میدارد اینها که گفته شد همه دلیل است که خدا مارا آفریده تا بما سود رساند برای خلقت .

و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده که ابا دلف یکدرخت خرما صدقه داد که سه هزار و شصت دانه‌ی خرما داشت خداوند بعدد هردانه‌ی خرما یك قریه باو عنایت فرمود که مجموع سه هزاروشصت قریه باشد .

و روایت شده که زنی درزمان داود از خانه‌اش بیرون آمد وبا او بود سه‌گرده نان و سه رطل (۱) جو فقیری از او چیزی خواست پس سه گرده نان را به‌آن فقیرداد و گفت : جو ها را آرد میکنم و از نانش استفاده می کنم جوهادرظرفی بود بالای سرش ناگاه تندبادی وزید آنظرف را از بالای سرش افکند وجوها را پراکنده کرد و همه را باد برد زن ازاین واقعه بوحشت‌افتاد سینه اش تنگ شد بخدمت حضرت داود آمد و جریان را بعرض اورساند . حضرت داود فرمود:

(۱) اگر چنانچه خیانت درترجمه نمیشد هرگز مترجم کتاب این داستان را نقل نمیکرد زیراکه تمام جوآن زن سه رطل بوده است چقدر آن راحیوانات تاجرچنانچه درین داستانست خوردند و چقدر رادیگران و چطور باد آنها را بتاجر رساند . مترجم

برو پیش فرزندم سلیمان داستانرا برای او نقل کن‌زن خدمت سلیمان آمد سلیمان هم یکهزار درهم باو داد زن بسوی داود برگشت واورا خبر داد.

حضرت داود بآن زن فرمود، برگرد بسوی فرزندم بگو: من چیزی نمیخواهم مگر اینکه مرا خبردهی که چرا باد جوهای مرا ریخت و پراکنده کرد. سپس سلیمان بآنزن فرمود: هزاردرهم بتو دادم زن گفت: نخواهم گرفت. سلیمان هم گرفت هزار درهم دیگر باو داد، زن‌بسوی داود برگشت‌باو خبرداد. دوباره‌داودفرمود: برگرد بسوی سلیمان و بگو: چیزی ازنو نخواهم گرفت بلکه ازخدابخواه که فرشته‌ی مأمور باد را حاضر کند و از او بپرسد چرا جوها را ریخته آیا باذن خدا اینکاررا کرده یا بدون اجازه خدا این عمل را انجام داده.

آنحضرت ازخدا خواست که آنفرشته حاضرشد و از جوهای پیرزن برسید. فرشته گفت: باذن خدا گرفتیم زیراکه تاجری با حیواناتش دربیابان زاد وتوشه‌ی آنها تمام شد، نذر کرد اگر اززاد توشه‌ی کسی بتواند درآن بیابان استفاده کند یك سوم مالش را باو بدهد، ماجوها را به تاجردادیم او و حیوانات خوردند براوواجب شد که بنذرش وفا کند حضرت سلیمان تاجررا حاضر کرد وجریان را از او پرسید اوهم اقرار کرد دستورداد زنرا حاضر کردند تاجر بهآنزن گفت: یك سوم حیواناتم مال تواست قسمت. توسصید وشصت هزار دینار میشود مالم را دریافت کن.

داود فرمود: پسرم اگر کسی اراده دارد معامله سودمند کند

با این چنین خدای کریم سودا کند و از همینجاست که حدیث آمده هرگاه فقیر و نیازمند شدید با خدا سودا کنید بوسیله صدقه. پس منزه است خدا چقدر سودای با او سودمند است.

باب سی‌ام - شرم ازخدا

رسولخدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: حیا از ایمان است. و نیز روزی بهمراهانش فرمود: از خدا شرم کنید عرضکردند چگونه شرم کنیم ای رسولخدا فرمود: اگرمیخواهید حیا وشرم کنیدخودرا نگهدارید از سخنانی که نباید گوش دهید و شکم را ازحرام و باید مرگ و بلای طولانی را بیاد آورید وهر کس اراده‌ی آخرت را دارد واگذارد زینت دنیا راپس هر کس چنین کند مسلم از خدا حیا کرده وحق حیا را ادا کرده.

و روایت شده که همانا جبرئیل برآدم فرودآمد با حیا وعقل و ایمان، عرضکرد: که پروردگارت میفرماید: ازاین سه تا یکی را انتخاب کن آدم عقل را اختیار کرد. سپس جبرئیل بایمان وحیا گفت شما کوچ کنید آندو گفتند: مأموریم که ازعقل جدا نشویم. حضرت فرمود: حیا از ایمانست پس کسیکه شرم ندارد ایمان ندارد و خیری دراو نیست.

و روایت شده که خدایتعالی میفرماید: بنده‌ی من هرگاه از من شرم کنی، عیب های ترا ازخاطر مردم ببرم وگناهان

ترا ازنامه‌ی عملت محو کنم وهنگام بازجوئی برتو سخت نگیرم در روز قیامت و روایت شده که خدای تعالی میفرماید: بنده‌ی من هر گاه خواستی از من شرم کنی و ازمن بترسی گناه ترا می‌آمرزم.

وروایت شده که مردی کسی‌را دید که بردرمسجد نمازمیگذارد پرسید چرا درمیان مسجد نماز نمیخوانی؟ گفت: از خدا شرم دارم که وارد خانه‌اش گردم درصورتی که نافرمانیش‌را نمودم وازنشانه‌های کسیکه از خدا شرم‌میکنداین‌است که‌خود را در کاری نه بیند که شرم آور است.

و روایت شده که همانا خدا بحضرت عیسی وحی فرستاد که‌با خودت را اندرز ده یا ازمن‌شرم کن که‌مردم‌را اندرز دهی وعمل‌نکنی نشانه‌های مردمان‌نادان پنج است کمی حیا وخشکی چشم‌ومیل بدنیا و درازی‌آرزوها و سختی دل، خدای تعالی‌درقسمتی‌از کتابهایش‌فرموده: بنده‌ی‌من انصاف ندارد مرا میخواندومن‌شرم دارم که اورا رد کنم ولی‌او نافرمانی مرا میکند و از من حیا نمیکند.

وآخرین درجه‌ی حیا اینست که دل آب شود بواسطه‌ی اینکه میداند خدا ازکردارش‌آگاهست و آنی از نظر او پنهان نیست و هرگاه‌بنده عقیده‌اش این باشد که خدادرحال نافرمانی اورا می‌بیند همانا‌شرم وحیای او اندکاست وجاهل بقدرت خداست واگرهم‌عقیده‌اش این باشد که خدا اورا نمی‌بیند مسلّم او کافر است.

باب سی و یکم - حزن و اندوه

خداوند درستایش حضرت یعقوب میفرماید: «وابیضت عیناه من‌الحزن‌فهو کظیم(۱) ودیدگانش ازغصه سفید شد و اواندوهگین بود و نبود اندوه او مگر عبادت خدایتعالی نه بی‌تابی و روایت شده که پیغمبر همیشه درفکر واندیشه بود و اندوهگین وهمانا حزن واندوه از صفات مردمان شایسته است و خدا دلهای اندوهگین را دوست دارد.

وهرگاه خدا دلی را دوست داشته باشد پرده‌ای از حزن آن‌دل رافرا گیرد واندوه جانگیرد مگردر دل سالم و هردلی که درآن‌اندوه راه نیابد ویرانست و اگر در میان امتی یکدل غمگینی باشد خدا تمام را بواسطه‌ی او ببخشد وبر آنان رحم کند.

(مصنف‌این کتاب میگوید): جای‌شگفت نیست که انسان افسرده خاطر وغمگین نباشد،بلکه شگفت‌دراینجاست که‌دلی‌خالی‌ازغم باشد‌چرا چنین باشد درصورتی که اوصبح وشام میکند و در آستانه‌ی سفری طولانی‌قرارداردکه اولین منزلش مرگ است ومحل ورودش قبراست و بازگشت اوقیامت است و درپیشگاه خدای تعالی می‌ایستد و گواه کردارش اعضاء و جوارحش باشند و رازهای نهانش آشکار شود و جاسوسهایش اسرار درونش باشد.

---

(۱) یوسف ۸۴

شب را بروزوروزرا بشب رساند درمیان نعمتی که بیم زوالش‌را دارد و بآرزوهایش نرسد و از بلاهائیکه هماهنگ اواست در امان نباشد مرگش مسلم‌است و کانون مرضهاست ، کردارش نگهداري و ضبط شده وشکست خورده‌ی شکم است وبنده شهوت و مطیع و منقاد همسرش باشد .

در تمام شرایط زندگي خود را بزحمت اندازد حتّی در همان اوقات لذت و آسایش و در میان دشمنان فراواني قرار گرفته که‌آن دشمنان عبارتند از نفس ، شیطان ، آرزوها ، زن و بچه‌ایکه از او روزی و سایر نیازمندی هایشان را میخواهند ، حسودیکه دربار‌ه‌ی حسد میورزد، همسایه‌ایکه اورا آزاردهد ، فامیلیکه اورا ازراه راست منحرف کند ، رفیقیکه هرآن در انتظار مرگ ومردن اواست ، بلاهائیکه مانند باران برسرش می‌بارند و همه‌ی اینها را علي عليه السلام در سخن خود جمع کرده و میفرماید :

وروزگار بسوی ناخوشی میکشاند وحال‌اینکه‌مردم چشم بسته اند . بخدا سوگند که مرگ رسوا نموده دنیا و نعمت و لذتهایش را برای‌خردمند لذت و آسایشي واگذار نکرده وبرای مؤمنان دوستی و نه کسی باقي‌گذارده وهر کس اراده خوشنودی و دوستي خدایتعالی را کند تاسالم بماند ناگزیر باید از مردم جدا شود به تنهائي ودوری از مردم بسربرد چنانکه خدای تعالی میفرماید : « ففرّوا الی الله انّی لکم نذیر مبین » (۱) فرار کنید از گناه بسوی‌خدا که‌من برای‌شما بیم

(۱) الذاریات ۴۸ .

دهندی آشکاریم .

خدای تعالی باین قرار اراده فرموده پناه بردن بخودش را از گناه و دوری ازمردم و اعتماد کردن بخدا در تمام شئون زندگی و بزودی میشناسد مردم را کسی که باآنان نزدیك‌شودو کسیکه ازمردم وحشت کند همان وحشت دلیل است که مردم را خوب شناخته .

و مرد حکیمی به حکیم دیگر وصیت کرد خود را بکسانیکه ترا نمی‌شناسند معرفی‌مکن . آن حکیم بدو گفت : من ترا اینوصیت چیزی‌افزون کنم باکسانیکه ترا میشناسند رفت وآمد مکن زیرا که از آزار آنان ایمن خواهی ماند و برای شناسائی بین دو نفر خطری بزرگ ازجهات‌متعدداست که‌بعضی ازآنها ادای حقوق و نگهداری یکدیگر در برادری وهمراهی ، عیادت هنگام مریضی و بیماری ، نگهداری آبروی یکدیگر را پشت سر . در نبود او احوالپرسی از خانواده‌اش بطورنیکو ، و نصیحت کردن اورا باندرزها ، آنچه را که برای خویش دوست دارد برای او دوست داشته باشد .

اینها که گفته شد وظایف بزرگی است که کسی نمی‌تواندانجام دهد مگربیاری ونگهداری خدا . بخدا سوگند اگر نادانی وبیخبری نبود لذت نمیبرد خردمندی از زندگانیش . بستری برای خواب خود نمی گسترد ، غذائی برای خویش آماده نمیکرد ، لباسی برای خود مهیا نمیکرد،همیشه‌مهیای‌حرکت‌ومضطرب‌وناراحت‌بودمانندگوسفندی که اسیردست قصاب است وهمینطور است حال ما با فرشته‌ی مرگ در دنیامثل ما مثل گوسفند وفرشته‌ی‌مرگ مانند قصاب‌است‌واین شعر

از مصنف کتاب است :

(لاتنسواالموت فی غمٍ ولا فرج

والارض ذئب و عزرائیل قصّاب)

باید در حال سرور و اندوه مرگ را فراموش نکنی که زمین گرگ وعزرائیل هم قصاب است و از شگفتی های دنیا این است که مرد خاك برفرق کسی بریزد که اورا دوست دارد ومیداند اندك زمانی بیش نخواهد گذشت که دیگری برفرق او خاك بریزد همانطوریکه او برفرق دیگری خاك ریخته و شگفت انگیزتراین است که او در آنحال خنده میکند .

وخدای تعالی میفرماید: « افمن هذاالحدیث تعجبون وتضحکون ولا تبکون (۱) آیا ازین داستان درشگفتید و خنده میکنید وگریه نمی کنید .

وروایت شده درآن گنجی که خدابرای دو کودك یتیم حفظ و نگهداری میکرد نوشته بود : در شگفتم از کسیکه یقین بمرگ دارد چطور میخندد و شادمانست ، کسی که یقین بقیامت دارد چطور معصیت میکند ، کسیکه یقین بمقدرات الهی دارد چرا غمگین و افسرده خاطر است ، کسیکه دنیا و دگرگونی او را میداند چطور مطمئن بآن میباشد، خردمند ترین وفاضلترین مردم نیکوکاریست که از خدابیم دارد و نادان ترین مردم گنه کاریست که خود را ازعذاب خدا ایمن دارد .

مصنف کتاب (مرحوم دیلمی) میگوید که من در جوانی

---

(۱) نجم ۵۹ و ۶۰

هر گاه دعای پیش از نماز شب را میخواندم باین جمله‌ئ از دعا میرسیدم:
اللّهم انّ ذکر الموت وهول المطّلع والوقوف بین یدیك تغصّنی مطعمی و شربی واغصنی بریقی و اقلقنی عن وسادی و منعنی رقادی » (۱)
(یعنی بارالها یاد مرگ وقیامت وایستادن در پیشگاه تو طعام وشراب را در گلویم گره میکند و از خواب وآسایش مرا بازدارد)
شرمنده میشدم هنگامیکه این حالت را در خویش نمیدیدم بفکر آمدم راهی پیدا کنم که از دروغ برهم پس در نیت میگرفتم که این صفات پسندیده را بدست آورم.

چون عمرم زیاد شد و ناتوان گردیدم آثار مرگ در من پدید آمد این آرزو از خاطر نمیرفت طوری شدم که امید اینکه شب را بصبح یا صبح را بشب برسانم نداشتم و امیدوار براینکه گامی را که بر میدارم گام بعد را زنده باشم نبودم لقمه‌ایکه دردهن دارم امید فرو بردنش را نداشتم چنین شدم که می توانستم بگویم:

الهی انی اذا ذکرت الموت وهول المطلع والوقوف بین یدیك تغصنی مطعمی و مشربی واغصنی بریقی واقلقنی عن وسادی ومنعنی رقادی وتغص علی مهادی و ابتزلی راحة فؤادی الهی وسیدی و مولای مخافتك اورثتنی الحزن و نحول الجسد والزمتنی عظیم الغم و الهم و دوام الکمد واشغلتنی من الاهل والمال و الصفد و ترکتنی مسکیناً غریباً و ان کنت بفناء الاهل و الولد مااحس بدمعة ترقی من آماقی وزفیری تتردد بین صدری و التراقی.

یا سیدی فرد حزنی ببرد عفوك ونفس غمی وهمی ببسط رحمتك

و مغفرتك فانی لا آمن الا بالخوف منك ولا اعز الا بالذل لك ولا افوز الا بالثقة بك و التوكل عليك يا ارحم الراحمين وخير الغافرين»

باب سی ودوم - خضوع وفروتنی

خدای تعالی درقرآن فرماید: « قد افلح المؤمنون الذين هم فی صلوتهم خاشعون »(۱) مسلم رستگار شدند مؤمنان آنانکه در نماز ترسان و خاضعند مصنف کتاب میفرماید که خشوع ترسی همیشگی برای دل است و آن نیز ایستادن بنده است در پیشگاه خدای تعالی با توجه و دل ترسان.

و روایت شده : کسیکه دلی ترسان داشته باشد شیطان بدو نزدیک نشود از نشانه‌های خشوع بستن چشم ازمحرمات وصرف نظر کردن از علائق دنیا و شئون آن است خاشع کسی است که آتش شهوتش را خاموش کند و آرزو و آمالش را آرام کند وجلوه دهد نور بزرگی خدارا در دلش پس آرزویش را بکشد تا آنگاه که بامرگ روبرو شود اینجاست که اعضایش همه خاشع شده اندا شك ازدیدگانش جاری و افسوسش فراوان گردد و نیز خشوع رام شدن تمام بدن و دل است برای خدائیکه داننده ی رازهای پنهانست.

خدای تعالی میفرماید : « وعباد الرحمن الذين يمشون علی الارض هوناً واذاخاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً »(۲) وبندگان خاص خدا آنانکه روی زمین با تواضع و فروتنی راه میروند و هرگاه بانادانان روبرو

(۱) مؤمنون ۲. (۲) فرقان ۶۲ .

شوند بآنان سلام گویند یعنی مردمانی خاضع و فروتن باشند :

وروایت شده رسول خدا مردیرا دید که در حال نماز باریش خود بازی میکند فرمود : اگر اودلی خاشع داشت تمام اعضای او متواضع خواهند بود این حدیث دلالت دارد بر اینکه خشوع از کارهای دل است که اثرش بر اعضا و جوارح آشکار شود و نیز علامت خشوع متزلزل شدن دل است در مقابل بزرگی خدای تعالی که آن از مقدمات هیبت است و برای مرد سزاوار نیست که بیش از آنکه دلش خاشع است خودنمائی بخشوع کند .

و از نشانه های خشوع این است که بنده در انتهای پستی نسبت بخدا باشد صورت بخاك بگذارد و سجده کند و امام صادق عليه السلام سجده نمیکرد مگر برخاك قبر امام حسین عليه السلام برای اظهار کوچکی و پستی نمودن پیشگاه خدای تعالی .

و نبی اکرم از تواضع و فروتنی زیاد خودش لباسش را وصله میکرد ، کفشش را پینه می نمود ، گوسفندش را میدوشید ، باغلامان بروی زمین می نشست ، بر الاغ سوار میشد و کسی را در ردیف خود سوار میکرد و شرم نمیکرد از اینکه خودش از بازار چیزی بخرد و بخانه بیاورد ، بادارا و نادار دست می داد دستش را از دست کسی رها نمیکرد تا وقتیکه طرف مقابل دستش را رها مینمود و بر هر کس از مقابلش می آمد چه کوچك و چه بزرگ چه فقیر وغنی سلام میفرمود .

هر کس آنحضرت را دعوت به مهمانی میکرد می پذیرفت اگرچه

بچند دانهٔ خرما دعوت میشد ، کم خرج بود از نظر زندگی طبیعتی گرامی داشت با مردم خوش برخورد بود چهره‌ای بشاش ولبخندی برلب داشت اما نه اینکه‌خندان باشد ، غمگین بود ولی چهره اش گرفته نبود ، فروتن بود نه اینکه‌اظهار ذلت و پستی کند ، بخشنده بود نه اینکه زیاد روی کند .

دلی نازك و مهربان داشت نسبت بتمام مسلمانان ، غذای زیاد نمیخورد که باد گلو کند دست طمع بسوی کسی درازنمیکرد ، در ستایش او همین بس که خدای تعالی میفرماید : « و انك لعلی خلق عظیم » (۱) . ترا خلقی بزرگ است .

و خدا بموسی بن عمران وحی‌فرستاد که میدانی‌چرا ترا برای مناجات و پیغمبری مردم برگزیدم عرضکرد نه‌پروردگارا خطاب رسید که همانا من بندگانم را آزمایش کردم و نیافتم کسی را که دلش از تو خاشع تر باشد پس دوست داشتم مرتبه‌ی ترا بلند کنم و بالا برم در میان مردم زیرا که من در دلهای شکسته جا دارم .

و برای شخص خردمندسزاوار است خود را برتر از دیگران نداند وعزت دنیا وآخرت درفروتني و پرهیز کاربست کسیکه عزّت را از کبر و خود ستائی بخواهد پیدا نمیکند آنرا .

وروایت شده آندو ملکی که بربنده موکلند اگر بنده فروتن ومتواضع باشدمقامش را بلند کنند واگر متکبر باشداو را پست و

(۱) قلم۴

زبون کنند وشرف مرد درتواضع است وعزّت او در پرهیزکاری و ثروتش در قناعت وبهترین چیز برای پادشاهان و ثروتمندان فروتنی است و زشت ترین چیز برای فقیران تکبّر است.

خدای تعالی پیامبرش را فرمان عفو و بخشش و تواضع و طلب آمرزش برای مردم داده چنانکه میفرماید: ولو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضّوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم (۱) ای پیامبر اگر تو بدخوی وسنگدل باشی مردم از دور تو پراکنده شوند پس اینانرا به بخش و برایشان طلب آمرزش کن.

وخدا بحضرت موسی وحی فرستاد که ای موسی نعمتهای مرا به بندگانم خاطر نشان کن وبا آنان خوبی کن ومرا دوست آنان معرّفی کن زیرا که آنان دوست ندارند مگر کسی را که با آنان خوبی کند.

باب سی و سوم : نکوهش غیبت و سخن چینی

خدای تعالی درمذمت آن میفرماید : و لا یغتب بعضکم بعضاً ایحبّ احدکم ان یأکل لحم اخیه میتاً فکرهتموه (۲) ونباید غیبت نکند بعضی ازشما بعض دیگررا آیا دوست میدارد یکی از شما که گوشت برادرش را بخورد درصورتیکه مرداری باشد پس آنرا ناخوش دارید سپس خدای تعالی مبالغه وپافشاری فرموده در جلوگیری از غیبت و قرار داده غیبت را همانند مرداریکه ازگوشت آدمها است .

وپیغمبر فرمود : مرد روز قیامت می آید نگاه بنامه ی عملش

(۱) آل عمران ۱۵۷ . (۲) حجرات ۱۲ .

میکند اثری از کارهای نیک‌خود رادر آن نامه نمی‌بیند سپس عرض میکند کجاست کارهای شایسته‌ی من که در دنیا انجام دادم پاسخ داده میشود توغیبت مردم را کردی بجای غیبت هایت ثواب‌های تودر نامه عمل کسانیکه غیبت آنهارا کردی نوشته شد.

وخداوند بموسی بن عمران وحی فرستاد که‌هر کس بمیردولی ازغیبت‌هائیکه کرده توبه نماید او آخرین فردیست که وارد بهشت شود.وآنکس که بمیردواصرار بغیبت کردن داشته باشد پس او اول کسی است که وارد جهنم گردد و روایت‌شده که‌هما نا کسی که اورا غیبت کنند اسف گناهانش را می‌آمرزم.

ونیز روایت شده که روز قیامت نامه‌ی عمل مرد را بدستش میدهند پس در آن ثوابهائی می‌بیند که نمی‌شناسد باو گفته میشود این ثوابها در مقابل غیبت‌هائیست که مردم ازتو کرده‌اند.

دیگی ازبزرگان گفته است اگر بنا باشدمن غیبت کسی‌رابکنم غیبت فرزندم را می کنم زیرا که‌اوبه‌ثوابهای‌من‌از دیگران سزاوارتر است.

بحسن بصری گفتند که همانا مردی ترا غیبت کرد حسن بصری ارمغانی برای اوفرستاد او گفت من ارتباطی با حسن بصری ندارم حسن گفت درست است که‌ارتباطی نداریم ولی شنیدم که‌تو ثوابهای خودت را برای من ارمغان فرستادی منهم دوست داشتم که تلافی کنم. واگر درپیش کسی غیبت‌مؤمنی را بکنندواوبرادر مؤمنش رایاری نکند مسلم نسبت بخدا ورسولش خیانت کرده.

وحضرت فرمود : هر گاه از تو ببرادر مؤمنت نفعی نمیرسد پس زیانی باو مرسان هر گاه اورا شادمان نمی کنی غمگین وافسرده خاطرش مکن هر گاه او را ستایش نمی کنی نکوهش هم مکن.

ونیز فرمود بغض وحسد نورزید بعضی از شما بعض دیگر را غیبت نکند بندگان خدا بایکدیگر برادر باشید .

ونیز فرمود: زینهار از غیبت بپرهیزید زیرا که غیبت بدتر از زناست .

زیرا که مرد زنا میکند وبعد توبه می نماید خداوندهم توبه اش را قبول می کند ولی صاحب غیبت آمرزیده نمیشودمگر اینکه آنکسی را که غیبت اورا کرده از او راضی شود وحضرت رسول فرمود: درشب معراج بر گروهی گذشتم که رویشانرا با ناخنها میکندند از جبرئیل پرسیدم که اینان چکاره اند ؟ گفت: ایشان کسانی هستند که غیبت مردم را میکردند .

ورسول خدا دریك سخنرانی بزرگی خطر ربا را خاطر نشان ساخت وفرمود: که همانا یکدرهم از رباگناهش از هفتاد زنا آنهم با کسانی کهمحرمش باشند بزرگتر است و گناه بزرگتر ازین بردن آبروی مسلمانست .

وروایت شده است درتفسیر گفته‌ی خدای تعالی:ویل لکل همزة لمزة (۱) که همز طعنه زدن در باره‌ی مردم است و لمزخوردن گوشت آنانست وسزاوار است برای کسیکه میخواهدعیب‌جوئی دیگران را

---

(۱) لمزه ۱ .

کند اول بیاد عیب‌های خود باشد پس ازیادآوری آنها را ریشه کن کند واز آنها طلب آمرزش ازخدا کند وبر شما باد بذکر خدا که شفاست وبپرهیزیداز عیب جوئی مردم که درد است.

حضرت عیسی بن مریم باهمراهانش به‌مردار سگی برخوردند همراهان عرضکردند: این مردار چقدر گندیده است حضرت عیسی فرمود: چقدر دندانهایش سفید است کنایه ازاینکه زبانش جزبخوبی وخیر باز نشد.

غیبت این است یاد کنی برادرت را بچیزیکه اگر بشنود آنرا ناخوش داشته باشد چه آن یادآوری مربوط به نقص بدنی او باشد یااز نظر حسب و نسب یابستگی بخلقت و کردار و دین و دنیایش داشته باشد حتی اگراز نظر وضع لباس هم‌باشد غیبت است.

وحضرت فرمود: و حد غیبت این است که بگوئی درباره‌ی برادرت چیزی را که در او باشد اگر عیبی در اونباشد و بگوئی آن بهتان است براو وآنکس که‌در مجلس غیبت حاضر است و غیبت کننده را نهی نمی کند شریک‌تو است در آن غیبت وآنکه مانع از غیبت شود آمرزیده است.

وحضرت فرمود کسیکه آبروی مؤمنی‌رانگهداردبرخداست که او را از آتش آزاد کند.

وفرمود خوشا بحال کسی که از عیبجوئی مردم صرف نظر کند وسرگرم عیبهای خودش باشد وآنچه سبب غیبت میشودخشم وحسدی است که درسینه است هرگاه مردم خود رااز این دو حفظ کردند غیبت مردم را کمتر میکنندورسول خدا فرمود: که‌همانا برای‌دوزخ

دری است که داخل نمیشوداز آن مگر خشمگین .

وفرمود هر کس که خشم خود را فرو برد و قدرت برانتقام داشته باشد خدا او را در بهشت آزاد میگذارد هر حوریه‌ای را که بخواهد اختیار کند و در بعضی از کتابهای نازله‌ی از آسمانست که ای‌پسر آدم هنگام‌خشمت‌مرایاد کن‌منهم دروقت خشم‌ترا یاد می کنم. تا اینکه نابود نشوی و خردمند که باید سرگرم خود و مال و فرزندانش باشد چطور میتواندباآبروی مردم بازی کند و هر گاه انسان غافل ازیاد خداشد آن غفلت زیانست و ضرر تاچه رسد به‌غیبت کردن مردم وفرمود : آیا مردم‌را جز سخنهای بی‌مورد چیزی برو بآتش جهنم می‌اندازد ؟

تنها درین مورد این آیه کافیست لاخیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقة او معروف او اصلاح بین‌الناس (۱) فایده‌ای در بیشتری از سخنان مردم نیست مگر کسیکه فرمان بدادن صدقه دهد یاسخن خوب گوید ویابین مردم را آشتی دهد و اصلاح کند .

درین آیه‌ی شریفه خدا نفی خیر از تمام سخن‌ها کرده مگر درین سه مورد که صدقه وامر بمعرف و اصلاح بین مردم .

خدا چقدر مهربانست وچه قدر پند واندرز داده و دوست دارد آنانرا اگر بدانند ، یکی دیگر از صفات زشت سخن چینی است سخن چینی گناهش ازغیبت بزرگتروورز ووبالش بیشتر است زیرا که نمّام غیبت میکند و سخن‌راهم ازجائی بجای دیگر نقل میکند او را

---

(۱) نساء ۱۱۴ .

گمراه می‌نماید درنتیجه‌ی سخنی که باورسانده وشخص نمّام سخن را انتشار میدهد.

خدای تعالی اصلاباب سخن چینی رابسته‌ومنع‌فرموده که سخن اورا بپذیرید چنانچه میفرماید:

ان جائکم فاسق بنباء فتبینوا ان تصیبوا قوماً بجهالة فتصبحوا علی مافعلتم نادمین (۱) اگر فاسقی خبری آورد تحقیق کنید و زود باور مکنید که از روی نادانی مردمی‌را برابج اندازید بعدهم پشیمان شوید درین آیه نمّام فاسق نامیده‌شده ونیز دستور داده که‌حرف اورا قبول نکنیم مگرپس از بررسی و تحقیق یا بعد ازاقراربه‌سخن چینی ونیز آنکس راکه حرف سخن چین‌را بپذیردجاهل‌ونادان‌شمرده.

مردی بحضرت علی‌بن‌الحسین عليه السلام عرضکرد که فلانشخص‌درباره‌ی شما چنین وچنان میگوید حضرت‌باو فرمود: که حق برادری‌برادرت را بجانیاوردی بااینکه‌او ترا امین دانست تودرباره‌ی اوخیانت کردی ونیز احترام مارا هم نگاه نداشتی زیرا که‌ما ازتو سخنی شنیدیم که نیاز و احتیاجی به‌شنیدن آن نداشتیم آیا نمیدانی که سخن چینان سگ‌های دوزخند ببرادرت بگو مرگ برای‌همه‌ی ماست و قبرمارا دربر گیرد روز قیامت وعده‌گاه ماست خدا درآنروزبین‌ماقضاوت کند.

مردی از نمایندگان مأمون بدو نوشت که فلان نماینده‌ی تو مرده و یکهزار دینار از او بجا مانده وارثی جز طفلی صغیر ندارد اجازه میفرمائید اموالرا بنفع شما ضبط کنم فقط باندازه احتیاج

(۱) حجرات ۶.

کودك صغیر باو بدهم زیرا که این اموال ازمال شماست که‌پس‌انداز شده سپس مأمون درپاسخ نوشت‌مال‌را خدا زیاد کرده که فرزندانش بی‌نیاز شود و آنکه درین کار سعایت کند خدای لعنتش نماید .

باب سی وچهارم- در قناعت است

ودر تفسیر آمده است راجع بگفته‌ی خداتعالی: فلنحیینه‌حیوة طیبة (۱) زنده میگردانیم اورا بزندگی‌خوش وگوارا مرادازین‌زندگی قناعت است که باو میدهیم ونیز درتفسیرگفته‌خدای تعالی که نقل‌قول از سلیمان میکند چنین آمده : ربّ هب لی ملکاً لاینبغی لاحد من بعدی (۲) پروردگارا سلطنتی برمن‌به‌بخشا که‌پس از من سزاوار هیچ کس نباشد گفته است مراد باین ملك‌قناعت‌است زیرا که سلیمان با فقیران می‌نشست و میگفت فقیری درجرگه‌ی فقیران نشسته .

واز جابربن عبدالله روایت شده او گفته که رسول‌خدا فرموده: قناعت گنجی است که تمام نمیشود .

ونیز آنحضرت به‌بعضی از همراهانش فرموده: باورع باش که عابدترین مردم باشی، قانع‌باش که سپاسگذارترین خلق‌باشی ، هرچه راکه برای خویش دوست داری همانرا برای مردم دوست داشته باش تامؤمن باشی ، باهمسایگان نیکو رفتار کن تامسلمان واقعی باشی ، خنده‌ات را کم کن زیرا که خنده‌ی زیاد دل را میمیراند .

مردم، همه مردگانند مگر آنانرا که خدابوسیله قناعت زنده

---

(۱) نحل ۹۹ (۲) ص ۳۴ .

کرده باشد وقناعت قرار نمیگیرد مگر در دل مؤمنی که از هم وغم دنیا راحت است قناعت فرشته‌ایست که جز در دل مؤمن درجائی قرار نگیرد ورضا بودن بقناعت ریشه پارسائیست ومعنای رضا آرامش در مقابل فراهم نبودن خواسته است و خوشنود بودن باندکی ازروزی و افسوس نخوردن بر آنچه که ازدست انسان میرود.

و چنین آمده در تأویل آیه‌ی شریفه‌ی «ولیرزقنّهم الله رزقاً حسناً(۱) و همانا روزی میدهد ایشانرا خدا روزی خوب فرموده است: مراد ازین روزی قناعت است زیرا که معنای قناعت خوشنودی نفس است به آنچه که ازروزی دارد اگرچه آن روزی اندك باشد.

وبعضی از بزرگان گفته‌اند که ثروت وعزّت بخودبالیدند وتازش کردند سپس قناعت را دیدند آرام گرفتند.

وروایت شده که حضرت علی علیه السلام بقصابی گذشت که گوشتهای چاق وفربه در دکان داشت مرد قصاب عرضکرد: ای امیرالمؤمنین ازین گوشتهای چاق خریداری کنید حضرت فرمود: پول همراه من نیست. قصّاب گفت: نسیه میدهم فرمود من به نخوردن گوشت صبر می کنم ونسیه نمی‌برم.

وخدای تعالی پنج چیز رادر پنج چیز قرار داده عزّت را در طاعت ذلت وپستی را درگناه ومعصیت، حکمت ودانش رادر شکم خالی، هیبت را درنماز شب. و ثروت را درقناعت و در زبور است که قناعت کننده ثروتمند است اگرچه گرسنه وبرهنه باشد وهرکس قناعت کند از مردم زمانش راحت است و آرامش خاطر دارد.

---

(۱) حج ۵۸.

وچنین آمده درقرآن کریم «فك رقبة او اطعام فی یوم ذی مسغبة»(۱) آزاد کردن بنده یاغذا دادن در روز گرسنگی گفته است آزاد کردن بنده را ازحرص وطمع هر کس قناعت کند عزت را بر ذلت وآسایش را برناراحتی اختیار کرده .

درروایت شده که حضرت داود عرضکرد : پروردگارا میخواهم هم نشینم را دربهشت بدانم که کیست؟ پس خدا باووحی فرستاد که هم نشین تودربهشت متی پدرحضرت یونس پیغمبراست سپس از پروردگار اجازه ی ملاقات باوراخواست خدا هم باو اجازه داد داود دست پسرش حضرت سلیمان را گرفت تا آنکه بمنزل متی رسیدند دیدند که اورایك خانه ای ازنی است ازاو پرسیدند در کجاست گفته شد که در بازار هیزم فروشان هیزم شکنی میکند و میفروشد .

داود و سلیمان نشستند درانتظار متی ناگاه دیدند می آید پشته ی هیزمی بر سر دارد هیزم را بزمین افکند بعد حمد خدا کرد وبعد هم گفت کیست که از من بخرد جنس پاکیزه ای را بپول پاکیزه ای سپس یکنفر قیمت گذارد ودیگری هم خرید سلیمان وداود باو نزدیك شدند سلام کردند او گفت بفرمائید منزل برویم .

روانه شدیم باپول هیزم قدری گندم خرید گندمهارا با آسیاب دستی آرد کرد بعد در میان تغاری خمیر نمود سپس آتش تنور را روشن کرد نان پخت و نانهارا حاضر کرد قدری نمك آورد وظرف آبی دوزانو در مقابل سفره نشست لقمه ی اول را برداشت در دهان گذارد

(۱) بلد ۱۲ .

دو بسم الله الرحمن الرحیم، گفت چون آنرا جویدالحمد لله رب العالمین گفت .

بعد هر لقمه ای که برداشت تا بآخر حمد وستایش خدا کرد بعد آب آشامید و خدای تعالی راحمد وستایش نمود وگفت توسزاوار ستایش و حمدی ای پروردگار آنچنانکه مراغرق در نعمت فرموده‌ای کسی را چنین مشمول نعمت قرار نداده ای ؟ زیرا که تنم را سالم ، گوش و چشمم را سالم قرار داده ای آنقدرمرا نیرومند قرارداده‌ای که بروم بسوی درختی که نه نهالش رامن کاشتم و نه کشاورزیش را نموده ام و نه آنرا نگهداری کردم روزی مرا در آن قرار داده‌ای و مرا برقطع آندرخت کمك نمودی که بدوش کشم بیاورم بسوی کسی که آنرا بخرد از من منهم از آن پول گندمی را که نکاشته ورنج زحمتش رانکشیده‌ام بخرم و سنگ را در دست من رام قرار دادی که آنرا آرد کنم و آتش را در اختیار من گذاشتی که نان بپزم وبرای من میل و اشتها قرار دادی که از روی میل آنرا بخورم و نیرومند شوم بر پیروی و اطاعت فرمان تو پس حمد وستایش بر تو باد تا ازمن خوشنود شوی بعد با صدای بلند گریه کرد .

داود بفرزندش سلیمان گفت سزاوار است که برای مثل این بنده‌ی سپاسگذار در بهشت مقام و منزلتی بزرگ باشد من بنده‌ای را سپاسگذار تر ازین ندیده‌ام .

باب سی و پنجم- توکل بخدا

خدای تعالی میفرماید : « وعلی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین»(۱) و بر خدا پس توکل کنید اگر شما ایمان دارید و نیز فرموده : « وعلی الله فلیتوکل المتوکلون » (۲) و بر خدا توکل کنندگان توکل میکنند و نیز فرموده : « و من یتوکل علی الله فهوحسبه »(۳) وهر کس بر خدا توکل کند پس خدا اورا کافیست و فرموده است ان الله یحب المتوکلین » (۴)

هماناخداوند دوست داردتوکل کنندگانرا، پس بزرگ است مقام توکل بنام خدا و دوستی پروردگار نامیده شده زیرا که توکل ضامنش کفایت‌خداست همانا کسی‌را که خدا کفایتش کند ودوستش باشد مسلم بهره‌ی بزرگی نصیبش شده و خدای تعالی فرموده : «الیس الله بکاف عبده (۵) آیا خدا بنده را کفایت کننده نیست پس‌هر کس کفایت کارش را ازغیر خدا طلب کند ترك توکل کرده و این آیه را دروغ پنداشته .

و خدا نیز میفرماید : « و من یتوکّل علی الله فان الله عـزیز حکیم(۶) پس هر کس بخدا توکل کند همانا خدا پیروز و داناست.

یعنی عزیز کسی را که باو پناه بیاورد ذلیل نمیکند وحکیم کسی است هر کس ازویاری طلب کند ذلیلش نکند ودردوراندیشی او

(۱) مائده ۲۶ . (۲) ابراهیم ۱۴ .
(۳) طلاق ۳ (۴) آل عمران ۱۵۴ .
(۵) زمر ۳۷ (۶) انفال ۵۱ .

کوتاهی نکند کسیکه از او نگهداری طلب کند وهر کس بجز او پناه آورد اورا نکوهش کند بگفتارش چنانچه میفرماید: «ان الّذین تدعون من دون‌الله عباد امثالکم(۱) همانا آنانرا که جزخدا می‌خوانید بندگانندمانند شما، یعنی آنان کوچکتر ازاین‌اند که نیازمندی شما را برطرف کنند شما و ایشان نیازمندان بخدائید پس خدا راسزاوار است که بخوانید ودرهر کجا که خدا اسمی از توکل برده قصد کرده که مردم توجهی بغیرازخدا نداشته باشند و رسولخدا صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: همانا اگر بنده واقعاً توکل بخدا کند خدا اورا مانند مرغی قرار دهد که صبح با شکم گرسنه از آشیانه‌اش بیرون آید وشب باشکم سیر به‌لانه‌اش بر گردد.

ونیز فرمود: که هر کس توکل بخدا کند خداهم‌اورا ازحیث روزی کفایت کند وهر کس از دنیا امیدواری داشته باشد خدا اورا با دنیا واگذاردوهر کس اراده کند که‌روزیش‌را خدا برساند ازجائی که گمان ندارد پس باید توکل بخدا کند.

و خداوند وحی بداود پیغمبر فرستاد که ای داود بنده ای نیست که بمن پناه آورد و از مردم‌امیدی نداشته باشد و اهل آسمان وزمین هم بخواهند او را فریب دهند مگر اینکه من برای او راه روزی قراردهم.

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: که ایمردم تلاش زیاد در روزی‌شمارااز‌عملهای واجب‌باز ندارد زیرا که توکل کننده‌ی بخدا ازکسی چیزی نمیخواهد ولی‌احسان کسی راهم‌رد نمیکند و چیزی

(۱) اعراف ۱۹۴.

را هم پس‌انداز نمی کند از ترس اینکه مبادا فقیر وتهی دست شود.

و سزاوار است کسی که می‌خواهد راه توکل برود، خود را دراختیار پروردگار قرار دهد در حوادثی که براو واردمیشودمانند مرده ای که در اختیار غسل دهنده است که هرطرف بخواهد او را میگرداند همانطوریکه نبی اکرم فرموده: شگفت من از مؤمن‌است که خدا حکمی برای او صادر نمیکند مگر اینکه به خیر و صلاح او باشد.

یعنی مومن راضی بفرمان خداست چه آنفرمان‌برای اومشکل و چه آسان باشد هر دو یکسان است و توکل همان پناه بردن به خداست آنچنانکه جبرئیل بحضرت ابراهیم گفت آنوقتی که‌ابراهیم در میان منجنیق قرار گرفته‌بود. آیا برای توحاجتی است ای‌خلیل خدا؟ ابراهیم گفت اما بسوی تو مرا حاجتی‌نیست بواسطه‌ی اعتماد و اطمینانیکه بخدا داشت در نجات خود چون او توکل بخدا کرد خداهم آتش را برای او سرد و سلامت و بوستانی قرار داد که پراز گل و میوه شد.

بعد خدا ابراهیم را در مقابل این توکل‌ستایش فرمودچنانچه گفته است: «وابراهیم الذی‌وفی»(۱)وابراهیم که‌حق وفادا ادا کرد حال ابراهیم با یوسف یکسان نیست در آن سخنی که بامرد زندانی گفت: «اذکرنی عند ربك» (۲) در پیش سلطان یادی هم از من‌بکن چون بغیر خدا متوجه‌شد «فلبث في السجن بضع سنين» مدت هفت

---

(۱) نجم ۳۸. (۲) یوسف ۴۲.

یا نه سال بر دوران زندانش افزوده شد.

مردی بمن گفت روزی تو از کجا میرسد بدو گفتم: «و لله خزائن السموات و الارض ولکن المنافقین لایفقهون»(۱) و از برای خداست گنجینه های آسمانها و زمین ولی منافقان نمی‌فهمند.

و مردی را در بیابان دیدند که خدای‌تعالی را عبادت می کند بدو گفتند که روزی تو از کجاست؟ گفت از خزینه‌ی خدای عزیز علیم بعد بدندانهایش رجوع کرد و گفت آنکه این آسیا را آفریده گندمش را هم می رساند.

بدانید که توکل جایش دل انسان‌است ولی تلاش کردن درطلب روزی با توکل مخالف نیست زیرا که خدای تعالی امر فرموده به سعی و کوشش درطلب روزی بقول خودش که می‌فرماید: «فامشوا فی مناکبها و کلوا من رزقه والیه النشور»(۲) پس سیر وگردش کنید در اطراف زمین وبخورید از روزی خدا و برگشت‌شما بسوی اوست.

. عربی وارد مسجد پیغمبر شد حضرت بدو گفت شترت رابستی عرضکرد نه توکل بر خدا کردم حضرت فرمود شتر را به بند و توکل برخدا هم بکن‌خدا پیغمبر و یارانش را دستور توکل داده در آنجا که می‌فرماید: «خذوا حذرکم»(۳) سلاح جنگی را با خود بردارید و یکی از دروغهای بزرگ این است که مرد بگوید توکل بخدا می کنم ولی دلش درجای دیگر باشد و از خدا خوشنود نباشد زیرا که توکل تسلیم بودن بخدا وقطع ارتباط از غیر اوست.

---

(۱) منافقون ۷. (۲) ملك ۱۴.

(۳) نساء ۷۳.

پس حقیقت توکل اکتفا واعتماد بر خداست و برای توکل کننده سه درجه است ۱- ارتباط بخدا ۲- تسلیم شدن بخدا ۳- راضی بودن بقضای الهی آنکس که این درجات رادارا باشد دلش بوعده‌ی خدا آرامش پیدا می‌کند وبه‌تدبیر او اکتفا می‌کند و بفرمانش راضی می‌شود.

و نقل شده که بمردی گفتند چرا کسب وتجارت را واگذاردی گفت چون کفیل‌خرجم را با اطمینان یافتم.

ونیز روایت شده که خدای تعالی می فرماید: هر کس بمن پناه‌آوردآسمان و زمین را ضامن رساندن روزی او قرار دهم اگرمرا بخواند جوابش دهم اگر چیزی از من بخواهد باومی بخشم و اگر کفایت امورش را از من بخواهد کارش را بسامان رسانم.

محمد بن عجلان گفت فقر و تنگدستی‌بزرگی بمن روآورده قرض دار شدم طلب کارم‌اصرار زیاد درمطالبه‌ی طلبش کرد ومنهم درین حال تنگدستی‌دوستی نداشتم که درین‌باب باو مراجعه کنم رفتم پیش حسن بن زید که امیر مدینه بود و کمی شناسائی بین من واو بود در دربین راه محمد بن‌عبدالله‌نوهٔ‌امام‌باقر عليه السلام مرا ملاقات کرد سپس گفت‌بمن رسیده که تو تنگدست وفقیری از که امید واری که تنگدستی ترا برطرف کند گفتم به حسن بن زید امیدوارم گفت درین شرائط او حاجت ترابرنیاورد برو پیش کسیکه قدرتش از همه بیشتراست واز تمام مردم بخشنده تر است.

زیرا من‌شنیدم که عمویم جعفربن محمد عليه السلام میفرمود: خدابسوی

بعضی از پیامبرانش وحی فرستاد که سوگند بعزت وجلال وبزرگیم همانا قطع میکنم آرزوی هرآرزومندی را که امیدوار بغیر من است واورا لباس پستی و ذلت پوشانم درمیان مردم واورا ازفرج وفضل‌خودم دورنمایم آیا بنده‌ی من درگرفتاریهای خودبغیرازمن‌امیدواراست. در صورتیکه سختی‌ها همه بدست من‌است‌آیابغیر از من امیدوار است در حالتیکه من غنی وبخشنده‌ام و درهای حاجتها در پیش من و کلیدهای آنها در دست من است و حال اینکه تمام آندرها بسته است.

چرا بنده‌ام را می‌بینم که از من دوری میکند؟ در صورتیکه من اورا بجود و کرمم همه چیز بخشیده‌ام وقتی که ازمن‌نخواسته، از من روی گردانده و ازغیرمن حاجتهایش را خواسته و من خدائی‌هستم که جزمن‌خدائی‌نیست ومن ازدیگران‌زودترشروع‌ببخشش‌میکنم‌بدون اینکه بنده‌ازمن‌بخواهد عطامیکنم‌پس‌ازمن بخواه که‌جزمن‌بخشنده‌ای نیست.

آیا بخشش و کرم منحصر بمن نیست؟ دنیا و آخرت در دست من نیست؟ اگر تمام اهل آسمانها و زمین ازمن چیزی بخواهنداگر باندازه‌آسمانها وزمینها ازمن بخواهند خواهم‌داد وباندازه پرمگسی از ملك من کم نشود پس چقدر نا امیدی‌است برای کسیکه ازمن روی برتابد و درحاجتها وسختی‌ها بدیگری روی کند.

محمد بن عجلان گفت بآنجناب عرضکردم که این مطالب رابرای من تکرار کن سه مرتبه تکرار کرد پس من‌همه‌راحفظ کردم باخودم گفتم بخدا سوگند که ازهیچکس‌چیزی نخواهم بعد درخانه‌ام نشستم

چند روزی بیش درنگ نکردم خدا روزی بمن بخشید که از آن قرضم را پرداختم و امر زندگی زن وبچه‌ام را اصلاح کردم و ستایش سزاوار پروردگار است.

باب سی وششم

درفضیلت سپاسگذاری خدای تعالی است

خدای تعالی میفرماید: «و اشکروالي ولاتکفرون» (۱) و سپاسگذاری کنید مرا و ناسپاسی مکنید و نیز خدای سبحان فرموده «لئن شکرتم لازیدنکم» (۲) اگرسپاسگذاری کنید نعمتم را برای شما فراوان کنم و فرموده: «و من یشکر فانما یشکر لنفسه و من کفر فان‌الله غنیٌ حمید» (۳) و آنکسکه سپاسگذاری کند جز این نیست که برخود سپاسگذاری میکند و آنکسکه ناسپاس باشد. پس همانا خدا بی نیاز است و ستوده. ازین کفران در آیه اراده می‌شود انکار کردن نعمت خدا، و حقیقت شکر وسپاسگذاری این است که بنده اقرار به نعمت دهنده‌ی نعمت کند وروایت شده خدا بحضرت داود پیغمبر وحی فرستاد که سپاسگذاری کن مرا بطوریکه حق نعمت مرا ادا کنی.

سپس داود عرضکرد: خدایا چگونه ترا سپاسگذاری کنم که حق سپاسگذاری تو ادا شود درصورتیکه خود آن سپاسگذاری نعمتی از نعمت های تو است که باز احتیاج به سپاسگذاری دارد؟ خطاب رسید: بهمین کلامت حق سپاس گذاری مرا ادا کردی. زیرا

---

(۱) بقره ۱۵۲ (۲) ابراهیم ۷
(۳) لقمان ۱۱

فهمیدی که اینهم از ناحیه‌ی منست .

داود عرضکرد : پروردگارا آدم راپدر پیامبرانت قرارداد و فرمان دادی که‌فرشتگانت اورا سجده کنند اوچگونه‌حق‌سپاسگذاری و شکرت را ادا کرد ؟ خطاب رسید که آدم اقرار و اعتراف کرد که تمام اینها از طرف منست همان اقرار آدم باینها حق شکر مرا ادا کرد وبرای بنده سزاوار است که درهنگام سختی و بلاها خدا را مانند زمان نعمت ها و راحتی‌ها سپاسگذاری کند .

وروایت شده خدای سبحان بحضرت داود فرمود که : ای داود من بهشت راآفریدم ازیك خشت طلا ویك خشت نقره ، سقف های بهشت‌را از زمرد قرار دادم گلش را از یاقوت ، خاکش را از مشك ناب ، سنگهایش را از در ولؤلؤ ، ساکنانش‌را حوریه قرار دادم . ای داود هیچ میدانی آن بهشت را برای کی آماده کرده‌ام . عرض کرد : نه . پروردگارا ، خطاب رسید برای گروهیکه بلا را نعمت شمارند ولذت و آسایش را ، مصیبت و جای شك و شبهه‌ای نیست که بلاها چه مرضها و چه‌غیرمرضهاسبب وعوض اجروثواب باشد در صبر بر آنها و سبب‌آمرزش گناهان گردد و سبب یادآوری ایام صحت و سلامتی باشد ونیز انسان را وادار بتوبه میکند و در راه خداصدقه میدهد و بلا را خدا برای بنده‌اش اختیار کرده چنانکه میفرماید : « ویختار ما کان لهم‌الخیرة » (۱) و انتخاب میکند برای ایشان‌چیزی را که آنان اختیار ندارند .

---

(۱) قصص۶۸ .

و ازحضرت امام ابی‌الحسن موسی بن جعفر عليه السلام روایت شده که فرمود : مثل مؤمن مانند دوپله‌ی ترازو است هرچه ایمانش زیاد تر شود گرفتاریش بیشتر گردد تا روزیکه خدا را ملاقات کند ولی گناهی برای او نباشد و نعمت ها گاهی مهلتی میباشد که بنده سرگرم باشد بعد بزرگترین مصیبتها باشد واگرمهلت نباشدپس آن نعمت باعث شکر گذاری گردد و خود شکر وسپاسگذاری نیز نعمتی است برای بنده که باعث اقرار بگناه شود .

و جای شك و تردید نیست که نعمت زیاد انسان را از خدای تعالی غافل گرداند و بدین جهت است که خدا برای اولیاء و بندگان شایسته اش فقر ـ و تهی دستي را انتخاب کرده و دنیارا از آنان دریغ داشته زیرا که خدای تعالی در یکی ازوحی های خویش فرموده :

سوگند بعزت‌وجلالم اگر از بنده‌ی‌مؤمنم شرم نمیکردم برای اوحتی جامه‌ی کهنه‌ای هم نمیگذاشتم که‌خودرا بآن‌بپوشاند و هرگاه من ایمان بنده‌ی مومن را کامل گردانم او را گرفتار تنگدستي از مال یا مرض در بدن خواهم کرد پس اگر او بیتابی کرد فقیری و بیماری اورا زیاد ترکنم و اگر صبر وشکیبائی کند بواسطه او بر فرشتگانم افتخار و نازش کنم .تا آخر حدیث که میفرماید همانا علي را نشانه ایمان قرار دادم پس هر کس اورا دوست داشته باشد و پیروی از او کند هدایت شود وهر کس علی را واگذارد و دشمن دارد گمراه خواهد شد و همانا‌علي را دوست ندارد مگر مؤمن و دشمن

ندارد اورا مگر منافق.

و از سپاسگذاری نعمت این است که بواسطه او هیچ کس قدرت معصیت خدا را پیدا نکند و کسی را کمك بگناه نکند و سپاسگذاری مردم عوام برای خوراك و پوشاك است ولی سپاسگذاری بندگان خاص درگاه خدا بر آن است که صلاح و رضای خدا در آنست چه سختی و چه آسایش و راحتی.

و روایت شده که امام صادق علیه السلام به شقیق بلخی فرمود شما در شهرتان چگونه خواهید بود عرضکرد بخیر وسلامت ای پسر رسول خدا اگر کسی بما چیزی ببخشد سپاسگذاری کنیم اگر هم منع بخشش کند صبر وشکیبائی را پیشه کنیم حضرت فرمود سگهای حجاز هم همینطورند ای شقیق.

شقیق بحضرت عرضکرد پس چه بگوئیم حضرت فرمود چرا چنین نباشید که اگر بشما چیزی دادند شما هم انفاق کنید وگرنه سپاسگذاری نمائید و این پایه‌ی از شکر درجه ی آنحضرت وپدران گرام وفرزندان عالیقدرش باشد.

و روایت شده سبب اینکه ادریس پیغمبر را بآسمان بالا بردند این است که فرشته ای اورا مژده‌ی قبولی اعمال و آمرزش داد پس او آرزوی زنده شدن را کرد فرشته از او پرسید چرا این آرزو را کردی گفت برای اینکه شکر وسپاسگذاری خدای تعالی را نمایم زیرا که دوران حیوتم آرزوی قبولی اعمال را داشتم واکنون بمراد خودم رسیدم.

پس فرشته پر خویش را گسترد و یونس را فراز آن گذارد و بآسمان برد، سپاسگذاری زیادی و فراوانی نعمت را در نظر دارد چنانچه خدا میفرماید: «لئن شکرتم لازیدنکم»(۱) اگر سپاسگذاری کنید نعمت شما را زیاد کنم و انسان صابر و شکیبا ثوابی که از بلا عایدش میشود در نظر داردزیرا که او با خداست چنانکه خدامیفرماید «ان الله مع الصابرین» (۲) همانا خداوند با مردمان شکیبا باشد.

پس او در بلندترین درجات باشد و بدین جهت است که خدا برتری داد صبر کننده‌ی در گرفتاریها را بر کسی که درمقابل نعمت سپاسگذاری میکند و روایت شده اول کسی که وارد بهشت میشود سپاسگذارانند که در هرحال خدا را شکر و حمد می کنند و او سزاوار حمد است بواسطه‌ی اینکه دفع بلا می کند و بمردم بهره میرساند.

وروایت شده که خدای تعالی بحضرت موسی وحی فرستاد و فرمود: که ای موسی من رحم می کنم بر بندگان مریض و سالم خود موسی عرضکرد خدایا فهمیدم که گرفتاران را بواسطه گرفتاریشان رحم میفرمائی آنانکه مبتلای به بلائی نیستند چرا رحم میفرمائی فرمود زیرا که آنها کمتر سپاسگذاری می کنندچنانکه خدای‌تعالی میفرماید: «و ان تعدوا نعمة الله لاتحصوها» (۳) و اگر بخواهید شماره کنید نعمت های‌خدارانمیتوانید بشمارید یعنی نمیتوانید تمام

---

(۱) ابراهیم ۷. (۲) بقره ۱۴۸

(۳) ابراهیم ۳۴.

آنها را سپاسگذاری کنید.

واین مطلب درست است زیرا که انسان دریك آن واحد نگاه‌های متعدد و پی‌درپی می کند و بگوشش می شنود سخنها و حرفهائی که حساب ندارد و بزبانش سخنانی میگوید که بحساب نمی آید و دریك آن چقدر از رگهای بدن آرامش و قرار پیدا میکنند که عدد آنها رانمی داند و چقدر از آن رگها بحرکت و جنبش می‌آید که حسابش را نمی داند وچقدر نفس ها میکشد که از حد وحصر خارج است وتا نفس می کشد چقدر از هوا و اکسیژن استفاده میکنند که قدرت شمردن آنها را ندارد و همینطور اعضا و جوارحش چقدر فراوان حرکت می کنند تمام اینها در یك آن واحد است تا چه رسد که در یك روز چقدر خواهد شد در یك سال چه میشود و در تمام دوران عمرش چقدر می شود درست فرموده است خدای تعالی و بزرگ.

باب سی و هفتم ـ در برتری یقین است

خدای تعالی میفرماید: «والذین یؤمنون بما انزل الیك و ما انزل من قبلك و بالآخرة هم یوقنون» (۱) وآنانکه‌میگروند بآنچه که فرو فرستاده شد بسوی تو و آنچه که پیش از تو فروفرستاده شد و ایشان بروز رستاخیز یقین دارند.

پس خدا دارندگان یقین بآخرت را ستایش‌فرموده یعنی آنان

(۱) بقره ۳.

اطمینان دارند بآنچه که خداوعده کرده در آخرت از پاداش و آنچه که مردم را ترسانده است از مجازات گویا آنان قیامت را دیده‌اند .

و روایت شده که سعدبن معاذ بر رسول خدا وارد شد حضرت فرمود حالت چطوراست‌ای‌سعدعرضکرد خوبست‌یارسول الله شب را به صبح رساندم در حالتیکه‌دارای مرتبه یقین بخدا بودم حضرت رسول فرموده : ای سعد برای هر ادعائی حقیقتی است دلیل تو بر این قول چیست .

عرضکردای‌رسولخداشب‌را صبح کردم‌درصورتیکه یقین‌داشتم روز رابه شام‌میرسانم وروزرا به‌شام‌رساندم‌درصورتیکه یقین‌داشتم‌آنشب‌را به‌صبح خواهم رساند وگامی برنداشتم مگر اینکه‌یقین کردم گام‌بعدی را بر میدارم ویقین دارم که درقیامت‌هرجمعیت وقومی بزانودرآیند وهر امت و گروهی کتاب و نامه‌ی عملش همراهش باشد وباپیغمبر و امامشان سوی حساب خوانده شوند و گویا من هم اکنون می بینم که ساکنان بهشت غرق در نعمت باشند و اهل آتش گرفتار عذابند.

حضرت رسول فرمود : ای سعد حق را شناختی از آن‌جدامشو چون حضرت دید که یقین سعد درست است فرمود: ازین عقیده‌هرگز دوری نکنی .

و یقین بررسی کردن احوال آخرت است بطوریکه می بیند و مشاهده می کندچنانکه حضرت‌امیرالمومنین عليه السلام فرموده : اگر پرده از پیش دیدگانم برداشته شود بریقین من چیزی افزوده نمیشود این

کلام حضرت دلالت میکند براینکه او کاملا صحنه‌ی رستاخیز را باوجودی که از نظرش پوشیده است می‌بیند .

وآنحضرت فرمودهمه‌ی شما بهشت و دوزخ را می‌بینید اگرقرآن راتصدیق کنید وفرمایش آنحضرت راست است زیراکه یقین داشتن بقرآن یقین بهرچه که در قرآنست از وعده ووعید و آن یقین همیشه در دل انسان عارف است مانند علم بدیهی که هیچ گاه از او جدا نمیشود بدین جهت است که ما قبول نداریم که هیچگاه مؤمن بعداز معرفت بخدا و ایمان باو کافر نخواهد شد .

اگر کسی این مطلب را باین آیه رد کند وبگوید درین آیه خدا میفرماید : «ان الذین آمنوا ثم کفروا ثم آمنوا ثم کفروا » (۱) همانا آنانکه ایمان آوردندبعد کافر شدند بعد ایمان آوردند باز کافرشدند؟ شما که گفتید مؤمن بعدازمعرفت بخدا کافر نمیشود و درین آیه تصریح فرموده که کافر میشود ؟

جواب گوئیم که ایمان آنان زبانی بوده نه قلبی بحث ما در آنجاست که از ته دل ایمان‌آورده باشند ودلیل برپاسخ ماقول‌خدای تعالی است که میفرماید « قالت الاعراب آمنا قل لم تؤمنواولکن قولوا اسلمنا ولما یدخل الایمان فی قلوبکم » (۲)

عربهای بادیه نشین گفتند ایمان آوردیم : بگو ای پیغمبر که شما ایمان نیاوردید ولی بگوئید که اسلام آوردیم و هنوز ایمان در دلهای شما داخل نشده.

---

(۱) نساء ۱۳۶. (۲) حجرات ۱۴ .

پس اسلام اقرار بزبانست و ایمان اقرار بزبان وعقیده‌ی قلبی است چونکه خدای تعالی دانست که بدل عقیده ندارند از آنان نفی ایمان کرد پس اولین درجه ایمان معرفت است بعداز آن یقین است بعد از یقین تصدیق است‌وبعداز‌تصدیق‌اخلاص بعدهم گواهی‌دادن‌بتمام همین ها که گفته شد ایمان اسم است برای تمام‌اینها .

پس اولین قدم ایمان نگاه کردن بر این دلیل هاست ازروی فکر و اندیشه که از آن‌معرفت حاصل میشود پس هرگاه معرفت بدست آمد تصدیق لازم آید و هرگاه تصدیق آمد با معرفت ناچار یقین بدست آید آنگاه که یقین بدست آمد نور سعادت وخوشبختی در قلبش به جنبش‌آید .

اینجاست که آدم تصدیق می کند آنچه را که خدا باو وعده داده از روزی دنیا و ثواب در آخرت و اعضا وجوارحش خاضع شوند از ترس مجازاتیکه باو وعده داده اند وقیام بکردار نیك نمایدوبرای ترك محرمات خودرا‌بزحمت و ناراحتی اندازد و خرد ونفس را بپای حساب کشاند از کوتاهی در یاد آوری و ازبیداری اوحساب بکشد که چرا کوتاهی‌در ذکر و یاد خدا کرده .

پس صاحب این صفات شب را به بامداد رساند در حالتیکه سخنش ذکر خدا سکوتش فکر و اندیشه ، نگاهش عبرت گرفتن باشد و یقین اورا دعوت بکوتاهی آرزوها کند و کوتاهی آرزو اورا بپارسائی دعوت نماید و نتیجه ی پارسائی او اورا به حکمت و علم رساند بواسطه آسوده بودن خاطرش از غمهای دنیا چنانچه حضرت میفرماید که‌هر کس پارسا شود دل وبدنش‌آرامش‌پیدا کند وهر کس

که میل بدنیا کند دل و بدنش بزحمت ومشقت افتد .

بنا براین نگاهی برای او نماند مگر جز بطرف خدا وبکسی روی نیاورد جز بسوی خدا آنچنانکه خدای سبحان ستایش فرموده ابراهیم‌را بگفته خود که میفرماید: «ان ابراهیم لحلیم اواه منیب»(۱) همانا ابراهیم بردبار وناله کننده و رجوع کننده‌ی بسوی خدا بود. یعنی بسوی خدا بازگشت می‌نمود ونظری بسوی دنیا نداشت .

اخلاص و پرهیزکاری بنده باندازه‌ی یقین او باشد و این احوال‌را درست برای صاحبش بوجود آورد در حالتی که بین خواب و بیداری باشد و بواسطه‌ی یقین وسوسه‌های شیطانی برطرف شود زیرا که یقین دیدن بنده است حقیقت های ایمانی را .

ونیز بواسطه‌ی یقین شك و تردید ازدیدن چیزهای نهان برطرف شود وآن یقین آرامش نفس در جنب و جوشهای حوادث است هرگاه که دل بحقیقت های یقین کامل شد بلا و گرفتاری در پیش صاحب دل نعمت شود و نعمت برای او مصیبت است بطوریکه از بلا و گرفتاری لذت می برد و از نعمت در وحشت است بواسطه‌ی بررسی نمودن عاقبت کار را .

باب سی وهشتم - ستایش شکیبائی

خدای تعالی در فضیلت صبر و شکیبائی فرماید: «واصبر و ما صبرك الا بالله» (۲) و شکیبا باش و نیست شکیبائی تو مگر برای

---

(۱) هود ۷۷.　　(۲) نحل ۱۲۸ .

خدا و نیز فرمود : « و اصبر علی ما اصابك » (۱) شکیبائی را پیشه کن در مقابل آنچه که بتو رسد . « واستعينوا بالصبر والصلوة » (۲) و کمك بخواهید از صبر و نماز خدا صبر را کمك نماز قرار داده بلکه صبر کمك بر تمام طاعتها و ترك معصیت ها و نازل شدن مصیبت ها و بلاها باشد .

و خدای تعالی فرموده است : « و بشر الصابرين الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله و انا اليه راجعون » (۳) ومژده ده صبر کنندگان را آن کسانیکه هر گاه مصیبتی بر آنان وارد شود میگویند بازگشت ما بسوی خداست یعنی آنانرا مژده ده ببزرگی پاداش وامیدواری خوبی ها.

و خدا درود و رحمتش را بر صابرین واجب کرده و میفرماید: « الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله و انا اليه راجعون اولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئك هم المهتدون » (۴) آنانکه هر گاه مصیبتی بر ایشان برسد میگویند برگشت ما بسوی خداست ایشانند که بر آنان درود ورحمت خداست و ایشان هدایت شدگانند .

و نیز خدای سبحان میفرماید: «سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبی الدار »(۵)درود برشما بواسطه شکیبائی تان پس نیکوست سرانجام آنسرای ، در این آیه خدا بر صابرین سلام فرستاد و آخرت و عاقبت آنانرا نیکوقرار داده است. صبروشکیبائی سه قسم است صبر

(۱) لقمان ۱۶ . (۲) بقره ۴۲.

(۳) بقره ۱۵۱ . (۴) بقره ۱۵۱.

(۵) رعد ۲۴ .

بر طاعت پروردگار وصبر و خود داری درمقابل گناه ومعصیت وشکیبائی در مقابل مصیبتی که بر انسان وارد میشود .

ونیز حضرت فرمود صبر مرکبی است که صاحبش را بزمین نمیزند و سکندری نمیخورد و صبر برمصیبت مصیبتی است برای سرزنش کنندگان بآن صابر و شکی نیست که صابر پاداش خودرا می گیرد دشمن را باصبر خود بزمین میزند و ازضرر و زیان بیتابی سالم میماند که پاره کردن لباس یا درد و رنجیکه در بدن باشد و بر آدم بی‌صبر که بیتابی میکند سه ضرر وارد می‌شود اجرتش ضایع و دشمن او را سرزنش وتکوهش میکند و ضررجانی برخودش وارد میکند بواسطه‌ی دردهائیکه براو خواهد رسید وصبر کردن‌صبر کننده نکوهشی است برای نکوهش کننده .

و برای خردمند سزاواراست که مصیبت ها را برای خود پند و اندرز قرار دهد زیرا ممکن است همان ضرریکه برمالش واردشده بود برجانش وارد شود و اورا نابود کند پس او سزاوارتر است براینکه حمد و ستایش خدا را کند وباخودبگویدبلائی که بدیگری وارد شده از قبیل‌مردن‌یاگرفتاری دیگر سخت تر است ازین‌گرفتاری من‌وآنرا با دعا برطرف کند وسزاوار است بر انسان که خود را آماده کند برای‌بلاهاوگرفتاریهای بزرگ‌تااینکه اگر بلای کوچکی و اندکی بر او نازل شد آنرانعمت حساب کند درمقابل بلای‌بزرگ و فراوان .

و بهترین درجات انسان این است که‌نگاه کند درمصیبت ها

بلاها ، تنگی معاش ، و زندگی ، فقر و تهی‌دستی، بسوی کسی که بلا وگرفتاری او بزرگتر وسخت‌تر از خودش میباشد پس آن بلا برای او نعمت میگردد و در اعمال خیر و کردار نیکو نگاه کند بعمل کسی که از او عملش بیشتر و بالاتر است تا کردار خود را اندك شمارد و نفسش را سر زنش کند ووادار کند بر انجام دادن عمل کسی که عمل او بیشتر است وبالاتر، این چنین میباشد کسیکه اراده‌ی اصلاح نفس و بزرگی صبر و اندك شمردن غصه را دارد .

حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: که صبر و شکیبائی نسبت بایمان بمنزله سراست دربدن‌انسان و کسی که‌صبر نداردایمان ندارد و فرمود ما صبر بر طاعت خدا را آسانتر دیدیم از صبر بر عذاب خدا و نیز فرمود : صبر وشکیبائی کنید بر عملیکه نیاز و احتیاج بثواب و پاداش آن عمل دارید و صبر کنید ازعملی که شما بر عذاب آن طاقت ندارید وحقیقت صبر وشکیبائی‌اینست که هنگام مصیبت غصه هارا قطره قطره بنوشی و بلاها ومصیبت های بزرگ را بدوش بکشی و منتها پایه صبر این است که فرقی‌بین‌نعمت‌ومشقت نگذارد بلکه محنت و مشقت را بر نعمت ترجیح دهد بواسطه‌ی علمی که بعاقبت خوب کارش دارد اما تصبر این است که در پیشگاه بلا آرامش خاطرداشته باشد با اینکه سنگینی مصیبت و مشقت را هم بدوش میکشد مصنف کتاب چنین فرموده:

صبرت ولم اطلع هوای علی‌صبری واخفیت‌ما بی منك‌عن‌موضع‌الصبر

مخافة ان یشکوا ضمیری صبابتی الی دمعتی سراً فیجری ولاادری

برمصیبت ها صبر کردم ولی نفسم را بر صبر و شکیبائی خود

آگاه نساختم از ترس اینکه بیتابی نکند و اشکش در برابر مصیبتها پنهانی جاری شود و گریه‌اش را من ندانم.

روایت شده بداود پیغمبر وحی رسید که اخلاق خودرا مانند اخلاق من گردان و همانا یك قسمت از اخلاق من این‌است که من بسیار شکیبایم و انسان شکیبا و صابر اگر در حال صبر بمیرد شهید مرده است و اگرزنده بماند عزیز است بدانید که صبر کردن بر آنچه که نفس از انسان میخواهد سر لوحه‌ی پیروزیست و شکیبائی بر محنت ها سرلوحه‌ی فرج و گشایش است.

خدا ستایش کرده‌ایوب پیغمبررا در قرآن کریم که میفرماید «انا وجدناه صابراً نعم العبدانه اواب» (١) همانا ایوب را شکیبا یافتیم نیکو بنده ایست همانا او توبه کننده است.

وروایت شده که سخت شد گرفتاریها وبلاهای‌ایوب، همسرش روزی بدو گفت که همانا دعای پیامبران‌مستجاب‌است‌پس اگر ازخدا بخواهی که گرفتاری ترا برطرف کندخوبست‌ایوب بهمسرش فرمود که ای همسرم خداوند هفتاد سال تمام‌نعمتهایش را بما ارزانی داشته اکنون مارا واگذارده که بر بلاهای خدا صبر کنیم.

و نیز روایت شده که همانا همسرش‌بسوی او آمد در حالتیکه یکی از گیسوانش را برای قوت روزانه اش فروخته بود این منظره سخت ایوب را ناراحت کرد پس خود را در پیشگاه خدا قرارداد و عرضکرد پروردگارا مرا بهجران‌فرزندان واهل‌وعیالم گرفتار کردی شکیبائی را پیشه کردم، رنجور و بیمارم کردی صبر کردم بعد

(١) سورة ص ۴٣.

یك یك بیماریها و گرفتاری هایش را شمرد .

پس ناگاه ندائی از طرف خدا رسید که ایوب کسی باید در مقابل این شکیبائی برتو منت بگذارد کی قدرت و نیروی صبر و شکیبائی بتو دادپس‌عرضکرد بارإلهامنت گذاردن برای تست خاکها را بر سر میریخت وگریه میکرد ومیگفت : بارلاها منت برای تو است پس ندائی آمد که « ارکض برجلك هذامغتسل باردوشراب»(۱) پایت برزمین بزن که این چشمه‌ای است سرد وآشامیدنی.

پایش را برزمین کوبید پس چشمه ی بزرگی جوشیدن گرفت سپس خود را از آن شستشو داد و ازآن چشمه بیرون‌شد بدنش‌مانند لؤلؤ سفید درخشش داشت ملخ های‌طلا از آسمان‌بارید ایوب واهلش ملخ هارا گرفتند و خدا تمام فرزندانش راکه مرده‌بودند زنده کرد مانند اولش ثروتمند شد و زنانی را تزویج کرد و از آنها فرزندان فراوانی بوجود آمد هماطوریکه خدای تعالی میفرماید : « ووهبناله اهله ومثلهم معهم رحمة منا وذکری لاولی الالباب »(۲) وبخشیدیم بایوب کسان و فرزندانش راومثل‌آنانرابایشان رحمتی ازما و پندی است این‌داستان برای خردمندان .

رسول خدا فرمود : که صبر نصف ایمان و یقین‌تمام ایمانست وهر کس بر مصیبتی شکیبائی کند بهر مرتبه ایکه صبر کرده خدا درنامه‌ی عملش‌سیصد درجه مینویسد فاصله مابین هر درجه‌ای ازهفت طبقه‌ی زمین است‌تا عرش وهر کس درمقابل زحمتهای طاعت وبندگی

---

(۱) ص ۴۱ . (۲) ص ۴۲ .

صبر کند خداوند امر میفرماید که در نامه‌ی عملش ششصد درجه بنویسند فاصله‌ی درجه‌ای تادرجه‌ی دیگر ازدل زمین تابالای عرش است و هر کس صبر در مقابل گناه نماید خداوند امر فرماید که نهصد درجه در نامه‌ی عملش بنویسند فاصله از درجه ای تا درجه دیگر ازهفت طبقه ی زمین تافراز عرش است .

باب سی و نهم - توجه داشتن بخدا

خدای تعالی میفرماید : « وکان الله علی کل شیء رقیبا » (۱) و خدا بر هرچیزی نگهبان است و حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله به بعضی از یارانش فرمود ، طوری خدارا عبادت کن که گویا ترا می بیند پس اگر تو اورا نه بینی او ترا می‌بیند واین مطلب اشاره است بسوی مراقبت بنده خدایش را زیرا که مراقبت دانستن بنده است باینکه پروردگارش در هرحال آگهی بر کردار وحال او دارد و توجه کردن انسان باین حالت مراقبت است .

و بزرگترین مصالح بنده این است که با شماره های نفس کشیدنش بداند که خدا براو نگهبانست وباو نزدیك است خدا میداند کردارش را و می بیند حرکاتش را و می‌شنود حرفهایش را و بر رازهایش آگاهست و همانا آن بنده در اختیار قدرت او قرار دارد بهرطور که بخواهد اورا زیرو رو کند موی پیشانی و دلش در دست

(۱) احزاب ۵۲

اوست و همانا آن بنده طاقت ندارد که خود را ازخدا پنهان کند و نه‌هم قدرتی دارد که از تحت‌قدرت و سلطنت‌خدا بیرون رود .

لقمان بفرزندش فرمود : که ای پسرك من هرگاه که‌خواستی معصیت خدا را کنی جائی را در نظر بگیر که خدا ترا نبیند در آنجا، کنایه ازاینکه جائی پیدانمی کنی که ترا در آنجا نه بیند پس بنا بر این معصیت او را مکن و خدای تعالی میفرماید : «وهو معکم اینما کنتم » وخدا باشماست درهر کجا که باشید.

وبعضی از دانشمندان یکی‌ازشاگردانش‌را برسایرین‌فضیلت و برتری میداد شاگردان درین باب اورا نکوهش کردند مرد دانشمند بهریك از شاگردانش مرغی داد وگفت مرغرا درجائی بکش که در آنجا هیچ کس‌نباشد تمام شاگردان آمدند مرغ‌های کشته رابه‌محضر استاد آوردند .

شاگرد جوانی که استاداو رابرسایرین مقدم میداشت آمد و مرغش را زنده آورد ایستاداز او پرسید چرا مرغ‌را نکشتی؟عرض کرد طبق دستور شما عمل کردم که فرمودید درجائی بکشید که هیچ کس ترا در آنجا نه بیند وجائی نبود مگر اینکه‌مرا خدای واحد احد صمد دید استاد اورا تحسین کرد بعد بشاگردان دیگر گفت‌من بدین جهت‌او را برشما فضیلت میدهم و امتیازی باومیدهم .

و از نشانه های مراقبت انفاق کردن آنچه راکه خدا عطا فرموده میباشد و هرچه راخدا بزرگ‌شمرد بزرگ بشماری‌وکوچك شمردن آنچه را که خدا کوچك شمرده پس امید واری ترا واداد

بطاعت خدا میکند و ترس از خدا ترا از معصیت ها و گناهان دور می نماید و مراقبت ترا براه شرم وحیا ودرك حقایق کردن وبررسی حقایق میرساند و بهترین طاعت ها مراقبت خدای سبحانست در تمام حالات و از سعادت و خوشبختی مرد این است که از نفسش حساب بکشد و اورا مجازات کند بر اینکه خدا از کارهای او اطلاع دارد و شاهد کردارش میباشد و هیچ گاه نفس از نظرش ناپدید نمیشود و از دایره‌ی علم خدا بیرون نمیشود.

وسزاوار است برای کسیکه‌دیگری‌را موعظه میکند اول نفسش راپندواندرزدهدجمعیت‌زیاد که حرفهاوسخنان اورامیشنوند مغرورش نکند و فریبش ندهد زیرا که مردم مواظب ظاهر آن واعظ‌باشند ولی خدا بر باطن او شاهد و حاضر است.

و روایت شده که بعضی از بزرگان جوانی را دیدند که‌خوب عبادت و کوشش درعبادت میکند از او پرسیدند کارهای خود رابرچه پایه ای استوار کردی گفت بر چهار خصلت پرسیدند آن چهار خصلت چیست ؟

گفت اول دانستم که چیزی از روزی من کم نمیشود و وعده‌ی خدا راست و درست است اطمینان بوعده‌ی خدا پیدا کردم.

دوم ـ دانستم که کارهای مرا دیگری برایم انجام نمیدهد خودم مشغول کارهایم شدم. سوم اینکه دیدم‌اجل دمرگم ناگهانی میرسد منهم بسوی مرگ سبقت و پیشی گرفتم. چهارم‌اینکه‌دانستم که‌خدا نه‌در پنهان و نه‌آشکارا از نظرناپدید نمیشود پس من مواظب خدایم در تمام‌احوالم.

باب چهلم - در نکوهش حسد

خدای تعالی میفرماید : « قل اعوذ برب الفلق » (۱) بگو پناه میبرم به پروردگار فلق بعد سوره را باین آیه ختم فرموده « و من شر حاسد اذا حسد » و از شر آدم حسود پناه بخدا میبرم آنگاه که حسدش را آشکار کند .

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : از سه خصلت بپرهیزید زیرا که این سه خصلت سرآمد تمام گناهانست . زینهار از تکبر و سرکشی دوری کنید زیرا که تکبر شیطان را وادار کرد که بر آدم سجده نکند پس خدا اورا راند و نفرین کرد و زینهار از حرص و آز بپرهیزید زیرا که حرص و آز سبب شد که آدم از آن درخت بخورد و خورد و از بهشت بیرون شد و زینهاراز حسد بپرهیزید که که قابیل را حسد وادار کرد بر کشتن برادرش هابیل وشخص حسود منکر استوخشمکین بقضای خداوند .

بدانکه حسود بهره ای از حسد نمیبرد و در تاویل گفته‌ی خدای تعالی چنین آمده « قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن » (۲) بگو ای پیامبر که پروردگار منحرام کرده بدیهار آنچه ظاهر باشد وآنچه پنهان. گفته شده که مراد از فواحش نهان حسد است و خدا در بعضی از کتابهای‌آسمانیش فرموده کهآدم حسود دشمن نعمت من است و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود

---

(۱) فلق ۱ . (۲) اعراف ۳۱ .

خیر زیاد برحسد باد چقدر حسد عادل و دادگر است که اول صاحبش را میکشد.

و بعضی از بزرگان گفته اند که سپاس وحمد خدای را که حسد را در دل زمامداران قرار نداد وگرنه تمام مردم را نابود میکردند و روایت شده فرشته ای است در آسمان پنجم که اعمال بندگان از نظر او میگذرد چه بسا عملی را از نظر او میگذرانند که مانند خورشید میدرخشد پس آن عمل را برمیگرداند و میگوید در این عمل حسد است آنرا بزنید بصورت صاحبش وندیدم ستمگری را شبیه تر بمظلوم از آدم حسود.

وهر کسی راهی برای اینکه خدا ازاو خشنود باشد دارد مگر آدم حسود که راهی بسوی خوشنودی خدا ندارد زیرا که حسود را چیزی خوشنود نمیکند مگر زوال نعمت از دیگران واز نشانه های حسد این است که حسود خودش را نکوهش میکند که چرا نعمت از محسود زایل نشد و از نشانه های دیگر حسود آنست که هرگاه محسودش را به بیند. تملق و چاپلوسی میکند و هرگاه از نظرش پنهان میشود بدگوئیش را کند.

و روایت شده حضرت موسی مردی را دید که بر فراز عرش قرار دارد موسی بر آن مقام رشك برد و عرضکرد پروردگارا بچه عملی این مرد بدین مقام رسیده چه خوبی در اوست که ازسکنان سایه عرش گردیده خطاب رسید که این مرد حسد نورزیده شخص حسود هرگاه نعمتی را به بیند حیران و سرگردان میشود و هرگاه به بیندسختی

باو روآورشده دشنام وفحش می‌دهد.

و سزاوار است برای کسیکه بخواهد از حسد درامان و سالم باشد نعمتي را که خدا باو میدهد از دیگران پنهان کندوبزرگترین اخلاق نکوهیده حسد است و غیبت ودروغ وهرگاه شخص حسود بخواهد بدیهای محسود را نشر دهد طوری میشود که خوبیها را انتشار دهد درصورتیکه خودش نمی داند و چه نیکو سروده است شاعر :

و اذا اراد الله نشر فضيلة طويت اتاح لها لسان حسود (۱)

وكيف يرجى ذ وحسود لنعمة اذا كان لا يرضيه الازوالها (۲)

۱- وهرگاه خدا اراده کند انتشار فضیلتي را زبان حسود را برای انتشارش گویا کند.

۲- چگونه آدم حسود امیدوار نعمت میشود که از دیگران زوال آن نعمت را میخواهد.

و رسول اکرم فرمود که حسد کردار نیك انسان را میخورد آنچنانکه آتش هیزم را میخورد بنابر این پس حسد نورزید.

و حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود که حسد نورزید زیرا که حسد ایمان را میخورد همچنانکه آتش هیزم را میخورد پس هرگاه که پیغمبر و حضرت امیرالمؤمنین گواهی دهند باینکه حسد ایمان وکردار نیك را میخورند چه چیز بعداز رفتن ایمان و کردار نیك برای بنده بجا و باقی می ماند پس دوری کنید از حسد تا دلها و چشمهای شما درآسایش باشد از رنج وگناه.

(مرحوم دیلمي میفرماید) که هما نا مر اشادمان دارداین صفت که

چنین بخودم تزریق کرده ام که اگر دو چشم من از سر من بسر دیگری منتقل شود حسد نورزم زیرا که کار از کار گذشته چیزی جز صبر وشکیبائی بجا نمانده زیرا که خود غم و حسد بعد از اینکه نعمت از دست رفته مصیبت‌دیگری است.

خدای شمارا رحمت کند آخر کار را درنظر بگیرید که در آسایش و راحتی باشید و بفائده‌ی‌بزرگی برسید و آدم خردمندآخر کار را نگاه میکند و هنگامیکه در مقابل حسد رسید می ایستد و از آن نمیگذردزمانیکه برفکر و برزبانش ذکرخدا غلبه پیدا کرد همانا بنده دیگر حسد نمی‌ورزد وقتی هم برای‌انجام دادن گناه‌باقی نمی‌ماند همانا اندیشه‌و ذکرخدا شمشیر برنده ایست‌برای سر شیطان جنی و انسی و سپریست که انسان را ازغفلت و بیخبری نگاهمیدارد و بهترین ذکر آنست که پنهان باشد.

باب چهل ویکم - زیرکی وروشن بینی مؤمن

خدای‌تعالی درین باب میفرماید: «ان‌فی‌ذلك لایات‌للمتوسمین» همانا درین امر نشانه ایست برای روشن بینان پیغمبر اکرم فرمود از روشن بینی مؤمن پرهیزید که او بانور خدا نگاه می کند یعنی بنوریکه خدا باو بخشیده.

و ازاویس روایت شده که چون حیان بن هرم بدیدنش رفت

(۱) حجر. ۷۵

وقت ملاقات اویس گفت سلام بر تو ای برادرم حیّان بن هرم حیان عرضکرد از کجا تومرا شناختی بااینکه مرا ندیده‌ای اویس فرمود مؤمن بنور خدا نظر میکند و همانا روحهای مؤمنان بایکدیگر روبرو میشوند و آزادند آنچنانکه اسبها باهم تماس دارند وآزادند.

و فراست نورهائیست که بواسطه‌ایمان ومعرفت دردلها درخشش میکند و در نفوس جایگزین میشود از حالی بحالی میشود تا اینکه همه چیز را مشاهده میکند از آنجائیکه آقا و مولایش همه چیز را می بیند.

پس از رازهای نهان مردم سخن میگوید ولی از راز بزرگان نمي تواند پرده بردارد و نیز فراست نتیجه‌ی یقین وراه مؤمنین است و از پیغمبر اکرم راجع باین آیه پرسیدند که‌خدا میفرماید: «فمن یرد الله ان‌یهدیه یشرح صدره‌للاسلام»(۱) پس کسی را که‌خدا بخواهد راه نمائی کند سینه‌اش را می گشاید از برای اسلام فرموده است در دلش نوری واقع میشود که دلش را گشاده و پهناور می کند.

وفراست از خصوصیات مؤمنین است که در دلش نوری درخشش می کند بواسطه آن حقایق را درك می کند وهر کس ازمحرمات‌چشم پوشی کند ونفسش را از شهوتها نگهدارد و دلش را با صفای‌سرشتش و مواظبت خدای تعالی آباد کند وظاهرش‌را پیرو کتاب الهی وسنت پیغمبرقرار دهد ودر معده اش مال حرام‌وارد نکندو زبانش راازدروغ و غیبت و سخنان بیهوده نگهدارد هیچگاه فراستش اشتباه نمیکند.

و سزاواراست‌برای کسی که‌باراستگویان هم‌نشینی میکند با

(۱) انعام ۱۲۵.

آنان با راستی و درستی معامله کند زیرا که دلهایشان کار آگاهان دلهاست و سزاوار است که با آنان باشدچنانچه خدای تعالی میفرماید «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین» (۱) ای کسانی که ایمان آوردید از خدا بپرهیزید و باراستگویان باشید یعنی آنانکه راستگوئی شان معلوم است و ایشان آل محمد صلی الله علیهم می باشند.

و دلیل بر اینکه ایشان راست‌گویانند فرمایش خدای تعالی‌است که میفرماید: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً» (۲) همانا خدا اراده می فرماید که از شما آل پیغمبر پلیدی را ببرد وشما را پاك و پاکیزه نماید و دروغ هم‌یکی از پلیدیهاست.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود همانا من دو چیز گرانبهادرمیان‌شما می‌گذارم که اگرشما بر آن دو چنگ بزنید هرگز گمراه‌نخواهید شد بعداز من یکی کتاب خدا و دیگری‌فرزندان منست این دو از هم‌جدا نمیشوند تا اینکه‌برمن وارد شونددر کنار حوض پس‌رسولخدا فرمان به پیروی اهل بیتش داده تا روز قیامت.

این بیان دلیل است بر اینکه در هرعصری کسی ازآل‌پیغمبر میباشد که بپاخیزد با کتاب وسنت و عمل‌بدستورات کتاب نماید در تفسیرش و تفصیل حلال و حرامش و این قول را جز مردمان شیعه‌ی دوازده امامی کسی قائل نیست و همین تفصیل نیز دلالت برصدق و

(۱) توبه ۱۲۰.
(۲) احزاب ۳۳.

و درستی گفتارشان دارد پس واجب است که برمذهب شیعه بود و همانا راستی کلید تمام‌خوبیها و قفل درتمام باب‌بدیهاست وهر کسی این صفت را دارا باشد از تمام وادیهای گناه و رسوائیها و عیب ها نجات پیدا می کند وحضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمود که راستگو بر شریفترین جاهای نجات قرار گیرد وگرامی باشد و دروغگو در مقامی بسیار پست باشد.

وحضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودهمیشه بنده راستگوست تااینکه خدا نامش را در شماره راستگویان نویسد و همیشه دروغگوست تا خدا اورا در ردیف دروغگویان قرار دهد و راستی ستون دین وسبب نجات مسلمانان است و راستگوئی درجه‌ای است که‌همتای‌پیامبریست و سرچشمه‌ی جوانمردی وسبب رفاقت باپیامبرانست در بهشت چنانکه خدای تعالی می فرماید« فاولئك مع الذین انعم الله علیهم من النبیین والصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئك رفیقاً »(۱) پس‌ایشان باکسانی هستند که خدانعمتش رابرآنان ارزانی داشته از پیمبران و راستگویان وشهیدان و مردان شایسته وایشان نیکو رفیقانی‌هستند

و صادق اسمی است که لازم است برای راستگوئی و صدیق کسی‌است که‌مبالغه کننده‌است راستی را در کردار و گفتارش، در تمام احوال تصدیق میکند عملش و گفتارش را و هر کس‌میخواهد که‌خدا با او باشد همیشه راستگو باشد زیرا که‌خدای تعالی میفرماید: « ان الله مع الصادقین » همیشه‌خدا باراستگویان است و آدم بازیگر بوی

(۱) نساء ۷۱

بهشت را نمی شنود و راستگو کسی است که ظاهر و باطنش یکی است و خدای تعالی فرموده : فتمنوا الموت ان کنتم صادقین » (۱) پس آرزوی مرگ نمائید اگر راستگوئید یعنی در اینکه شما از دوستان خدائید زیرا که دوست آرزوی دیدار دوست را دارد وراستی نشانه‌ی دوستی معرفت و ترس و وحشت از خداست زیرا که خدا می بیند حال بندگانش را در نهان و خلوت و معامله کردن با خدای تعالی براستی دریکساعت بهتر است از یك سال شمشیر زدن در راه خدا .

و اگر کسی باخدا در میان بندگانش براستی معامله کند خدا نور فراست باومی بخشد فراستی که با او به بیند همه چیز را از شگفتیهای آخرت پس برشما باد براستی از همانجا که گمان ضرر و زیان می برید نفع بشما خواهد رساند و زینهار از دروغ بپرهیزید که از همان دروغیکه انتظار نفع دارید ضرر وزیان بشما برسد .

ونشانه‌ی دروغ زود سوگند یاد کردنست با اینکه کسی او را وادار بسوگند نمی کند مگر برای یکی از سه چیز یا بواسطه اینست که میداند حرفش را باور نمیکنند مگر زمانی که سوگند یاد کند و یا بواسطه‌ی پستی او در پیش مردم است یابیهوده گوئی در سخن است که سوگندیاد کردنش چیز زیادی در سخنش میباشد .

وراستی کشاننده‌ی روزی است بسوی انسان بدلیل قول حضرت که میفرماید : صحت عمل وراستی روزی را میکشاند بسوی صاحبشان و راستی اصل روشن بینی است و روشن بینی اولین مقامی است که

(۱) جمعه ۶.

معارضی ندارد اگر معارضی پیدا شد پس آن معارض و سوسه‌ی نفس است.

و همچنین در قرآن کریم آمده « افمن کان میتاً فاحییناه وجعلنا له نوراً یمشی فی الناس » (۱) آیا کسیکه مرده بوده سپس او را زنده کردیم و برایش نوری قرار دادیم که درمیان مردم راه‌رود که مراد مرده ذهنی است پس خدا او را بنور ایمان و روشن بینی زنده کرده.

و نیز در بیان‌خدای تعالی‌آمده : « کمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها » (۲) منظورش کافر است که در تاریکی کفراست و نه نوری‌برای او و نه فراستی ونه‌وسیله‌ای که‌به‌آن‌وسیله برای‌تاریکی نفسش‌طلب روشنی کند پس اندرز بگیرید ایصاحبان‌خرد و عقل.

باب چهل‌ودوم - ستایش خوش خوئی

خدای‌تعالی به‌پیامبرش‌میفرماید : « انك‌لعلی خلق‌عظیم »(۳) تو بر خوی بزرگی‌باشی، پیامبر را این ستایش که خدا میفرماید کافی است‌گفته شده که سبب‌نزول این‌آیه این است که پیامبر بردی بحرانی با حاشیه پوشیده بود در حالتی که راه میرفت عربی ازپشت سر آنرا گرفت و بشدت کشید بطوریکه برد بگردن آنحضرت

---

(۱) انعام ۱۲۲. (۲) انعام ۱۲۲.

(۳) قلم ۴

پیچیده شد بحضرت گفت ای محمد مستمری مرا از بیت المال بده.

حضرت برگشت نگاهی بآن عرب کرد در حالتیکه لبخندی برلبان مبارکش نقش بسته بود بیدرنگ فرمان داد مقرری او را از بیت المال پرداختند سپس این آیه فرو فرستاده‌شد. «انك لعلی خلق عظیم» پس خدا او را ستایش کرد باین آیه که هیچکس از آفریدگانش را چنین ستایشي نکرده‌بود(۱)

و ازحضرت نبی اکرم پرسیدند که کدام یك ازمؤمنان برترند از نظر ایمان فرمود: آنان که دارای خوی نیکندوحضرت‌صادق علیه السلام

(۱) و درتفسیر منهج الصادقین شان‌نزول‌آیه را چنین آورده که‌روزی رسول خدا بایکی‌ازیارانش دید پیرزنی فرتوت‌برسرچاهی است‌که‌میخواهد آب بکشد ولی نیروی آب کشیدن را ندارد حضرت پیش رفت و فرمود بمن اجازه میدهی که برای تو آب بکشم پیر فرتوت‌گفت‌اگر نیکي کنید بخود نیکي کرده اید پیامبر آب کشید و مشك آب را بردوش گرفت که بطرف خیمه‌ی‌عجوزه بردیکی‌ازهمراهان پیمبر عرضکرد اجازه‌فرمائیدتامن‌این‌باررا بدوش‌کشم حضرت‌اجازه ندادو فرمودمن سزاوارترم که‌این باررا بدوش کشم پیرزن جلو افتاد و رسول خداهم از پشت سر روان شد تابدر خیمه رسیدند مشك آب را برزمین نهاد و برگشت پیرزن وارد خیمه شد و بفرزندانش گفت برخیزید مشك آب را بدرون خیمه‌آورید فرزندان تا چشمشان بمشك آب افتادپرسیدند مادرچطوراین‌آب را آوردی با اینکه‌ترا نیرو وقدرت‌اینکار نیست‌گفت جوانمردی مرا کمك‌کرد وآورد گفتنداوکجا رفت پیغمبر رانشان بچه‌هایش داد آنان‌از پشت سر روان شدند تاباآنحضرت‌رسیدند و اوراشناختند بمادر گفتند این مرد همان کس‌است‌که روز وشب آرزوی‌دیدارش راداری و باوایمان آورده ای تمام‌از رسول‌خدا پوزش طلبیدندسپس آیه‌نازل‌شد-مترجم

فرمود کاملترین مؤمنان از نظر ایمان خوش خو ترین آنانست و فرمود: شکیبائی، راستی و درستی، بردباری، و خوی خوش از اخلاق و خوهای پیامبرانست وهرچه در میزان مردروز قیامت ازاعمال شایسته بگذارند به حسن خلق نخواهد رسید.

ونیز رسول خدا فرمود: همانا خوی‌خوش گناهان را آب‌میکند آنچنانکه خورشید یخ را آب می کند و همانا خو و اخلاق بد عمل را فاسد می کند آنچنانکه سر که عسل را فاسد میکند و فرمود که خوی خوش دوستی را پابرجا میکند و تواضع و فروتنی کینه را میبردو هر کس که یقین داشته باشد که عوض انفاقش باوداده‌خواهد شد بخودش سختی میدهد و انفاق مینماید.

روزی را بوسیله صدقه دادن فرود آورید زینهار مبادا اینکه صاحب حقی را از حقش محروم کنید وعکس العمل آنرا در گناه نشان دهید وفرموده است که آدم خوش خو درجه‌ی روزه دار ونماز شب خوان را دارد و نیز حضرت فرمود که مدارا برکت است و زشتخوئی شومی و نامبارکی است.

وفرمود: نزدیکترین شما بمن‌روز قیامت‌راستگوترین شماست و کسی که امانت را به صاحبش برگرداند و باوفاترین شما در پیمان خوشخوترین شما است. ونیز فرمود: که ای فرزندان عبدالمطلب سلام را آشکار کنید، پیوند خویشاوندی نمائید، مردم را غذا بدهید،خوش کلام باشید تا بسلامت وارد بهشت گردید.

ابوحمزه‌ی ثمالی روایت کند که حضرت علی‌بن الحسین علیه‌السلام فرموده: که همانا دوست ترین شما بسوی خدا خوشخوترین شما و

آنکس است که کردار نیکش بزرگ باشد و بآنچه که در پیشگاه خداست حد اکثر میل ورغبت را داشته و دورترین افراد ازعذاب خدا کسی است که بیمناکترین شما از خداست و گرامیترین شما در پیشگاه خدا پرهیزکارترین شماست .

و حضرت صادق عليه السلام فرمود بجراح مدائني آیاترابخوبیهای اخلاق حدیث نکنم؟ عرضکردچرا ای پسر رسولخدا . حضرت فرمود : بخشیدن مردم را در برابر خطاها و همکاری کردن مرد برادرمؤمنش را برای خدا و بسیار ذکر گفتن و بیاد خدا بودن از اخلاق پسندیده است .

و حضرت رسول فرمود : که بردبارترین مردم آنانند که هنگام خشم کردن می‌بخشند ، شکیباترین مردم اینهایند که خشم خود را فرو برند ، ثروتمندترین مردم کسانی باشند بآنچه که خدا نصیب آنان قرارداده راضی باشند ، دوست‌ترین مردم در پیشگاه خدا آنانند که بسیاربیاد خدایند ، دادگرترین خلق خدا کسی است که حق را بدهد ، دوست دار برای مسلمانان همان چیزرا که برای خود دوست داری و ناخوش دار برای مسلمانان آنچه را که برای خود ناخوش داری .

و ابوالحسن عطیه گفت حضرت ابی‌الحسن عليه السلام بمن فرمود : که اخلاق پسندیده ده قسم است اگر میتوانی دارا باشی خود را آماده کن زیرا که آنها در مرد است و در فرزندش وجود نداردوممکن است در فرزندش باشد ولی در پدر نباشد وممکن است در بنده باشد

و در شخص حر و آزاد نباشد و آنهارا ذیلا بعرض میرسانیم :

۱- راستگوئی ۲- بر گرداندن امانت ۳- پیوند خویشاوندی .

۴- مهمان نوازی . ۵ - عطا کردن به بینوایان . ۶ - جبران خوبی دیگران . ۷- پناه دادن همسایه . ۸ - پناه دادن رفیق .

۹ - بسیار ذکر خدا گفتن، ۱۰- حیا داشتن که سر آمد همه اینها حیاست .

و حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمود هر کس زبانش راستگو باشد کردارش پاکیزه باشد و هر کس نیت خیر داشته باشد روزیش فراوان گردد و هر کس بازن و بچه اش خوشرفتار باشد عمرش دراز شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود : فریب نماز و روزه‌ی مستحبی مردم را نخورید زیرا که ممکن است مرد طوری عادت بنماز وروزه کرده که اگر ترك نماید ناراحت شود ولی آنانرا هنگام سخن گفتن ، رد کردن امانت پیوند خویشاوندی ونیکی به برادران آزمایش کنید .

به احنف بن قیس گفته شد که بردباری را از کی آموختی ؟ گفت از قیس بن عامر منقری آموختم احنف گفت قیس را مهمانی بود سپس کنیز سیخ کبابی را که کباب داشت آورد برای مهمان ناگاه سیخ افتاد بر سر پسر قیس خورد در دم جان سپرد کنیزك مضطرب و متوحش گردید قیس بکنیزش گفت ترس وبیمی بخود راه مده و افسرده خاطرهم نشوی ، ترا در راه خدا آزاد کردم.

و حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شما که نمیتوانید بامالهایتان بمردم همراهی کنید پس با خوی خوش خود و روی گشاده بمردم

کمك کنید و نیز آنحضرت فرمود سه چیز است که شناخته‌نمی‌شود مگر در سه چیز بردباری شناخته نمی‌شود مگر درحال خشم ،شجاعت شناخته نمی‌شود مگر در میدان جنك ، برادر شناخته نمی‌شود مگر هنگام نیازمندی باو .

ونیز گفته اند که مردی پشت سر احنف میرفت واورا فحش‌و دشنام میداد . چون‌بنزدیك خانه رسید بآنمرد دشنام‌دهنده گفت‌اگر از دشنام هایت چیزی باقی مانده بگو پیش از آنکه‌غلام ها وفامیل من بشنوند مبادا اینکه ترا بکشند .

وحضرت علي بن الحسین علیه‌السلام یکی ازغلامانش را چندمرتبه صدا زد اوجواب نداد حضرت فرمودچه باعث شد که جواب‌مراندادی عرض کرد بخشش شما مرا از مجازات در امان داشت‌حضرت‌فرمودبرو ای غلام که تو در راه خدا آزادی . ازنشانه‌های حسن خلق این‌است که بنده همان را که برای خودش دوست دارد بمردم بدهد و نیز تحمل ستم مردم را بکند درصورتیکه مردم از او تحمل خشم و اذیت را نمی کنند

و حضرت موسی علیه‌السلام در مناجاتش عرضکردخدا یاازتو میخواهم که در باره‌ی من گفته نشود چیزی که در من نیست خطاب رسید ای موسی‌من این کار را برای خودم نکردم پس چطور برای تو چنین کنم و خلق خوب تحمل کردن ناراحتی است باروی گشاده و دندان خندان .

و از رسول خدا پرسیدند که شومی چیست ؟ فرمود بداخلاقی

است و بحضرت رسول عرض شد که ای رسولخدا از خدا بخواه که مشرکانرا نابود کند فرمود برای رحمت برانگیخته شدم نه برای عذاب و نیز مردی بحضرت رضا ﷺ عرضکرد که اندازه‌ی حسن خلق چقدر است؟ فرمود همانرا که برای خودت از مردم انتظار داری همانرا برای مردم بگوئی سپس عرضکرد پس اندازه‌ی توکل چقدر است؟ فرمود بجز از خدا از هیچکس نترسی عرضکردمن دوست دارم بدانم که شما مرا چقدر دوست داری فرمود: مراجعه‌ی بدلت کن به بین تومراچقدر دوست داری منهم همان اندازه ترا دوست دارم.

متوکل عباسی کلام و سخنی بحضرت هادی ﷺ گفت که آن حضرت را نکوهش و سرزنش میکرد در آن‌سخن، حضرت فرمود ای متوکل امید بخشش نداشته باش از کسی که او را افسرده خاطر کرده ای و نیز وفامطلب از کسی که‌اورا بخود بدگمان کرده‌ای زیرا قلب او درباره‌ی تو مانند قلب تو است در باره‌ی او دل بدل راه دارد.

وحضرت فرمود ایمان مردمؤمن کامل نمی‌شود مگر اینکه در او سه‌خصلت باشد یك خصلت ازپروردگارش و یك خصلت ازپیامبرش و یك خصلت هم ازامامش اما خصلتی که از پروردگارش داشته‌باشد راز پوشی است زیرا که خدا میفرماید: «فلا یظهرعلی غیبه احداً الا من ارتضی من رسول» (۱) پس بر رازش آگاه نمیکند هیچ کس را مگر کسی را که انتخاب کرده است از رسول.

و اما خصلتی که از پیغمبر دارا باشد این است که خدای‌تعالی

(۱) جن ۲۶.

میفرماید« خذ العفو وأمر بالعرف و اعرض عن الجاهلین » (۱) بخشش را بگیر و امر کن بکارهای شایسته و دوری کن از نادانان.

و اما خصلتی که از امام باید داشته باشدصبر کردن در شدائد و سختی ها است چنانچه خدای تعالی میفرماید: « و الصابرین فی البأساء و الضراء » (۲) شکیبایان درسختی‌های تهی دست وسختی‌های بیماری ها.

و از نشانه های خوی خوش این‌است که مرد شرم‌وحیای فراوان داشته باشد اذیت و آزارش اندك باشد زبانش راستگو دروغش اندك کردارش‌زیادلغزشش کم‌باشدباوقاروباسکینه‌وشکیباباشدراضی برضای خدا ، سپاسگذار ،بامدارا ، عفیف ، مهربان ، نه سخن چین ، نه‌غیبت کننده ، نه شتاب کننده و عجول ، نه حسود و بخیل ، دوستی او مؤمنانرا برای خدا و دشمنی او گنه کاران را برای خداست بخشش برای خدا امساك و خود داری او از بخشش برای خداست خوشنود است برای خدا خشمگین است برای خدا خوبیش برای‌خداگریه‌اش برای خدا برخلاف او منافق بدی میکند و میخندد.

و حضرت‌نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: که همانا نزدیکترین مردم بخدا روز قیامت کسی است که طولانی باشد گرسنگی و تشنگی و اندوهش در دنیا پس‌ایشانند پاکان و پاکیزگان اینان کسانی‌باشند که هرگاه حاضر باشند شناخته نمیشوند وهرگاه ناپدید گردند کسی از آنان‌جستجو نمی کند بقعه های‌زمین ایشان را می‌شناسد فرشتگان

---

(۱) اعراف ۱۹۸ . (۲) بقره ۱۷۲.

دور آنان را محاصره کنند .

مردم از نعمتهاي دنیا برخور دارند آنان نعمتشان ذکر و یاد آوری خداست مردم فرشها برای خود دارند و آنان زمین را فرش خویش قرار داده اند وچهره بر زمین در مقابل پروردگاد می‌سایند مردم را باخلاق خود کمك میکنند در فراقشان زمین گریه میکند وخدا خشمگین است بر شهر و مکانی که‌از آنان کسی درآن شهر و دیار نباشد مانندسگانیکه بمردان هجوم‌میکنند آنان بدنیا هجوم نمی آورند چنان از ترس خدا رنگهایشان زرد شده .

مردم که آنان‌را می بینند گمان میکنند بیمارند و یاخیال میکنند دیوانه اند عقل آنان رفته در صورتیکه عقل ازسرشان نرفته بلکه بآخرت نگاه میکنند و دوستي دنیا از دلهایشان رفته آنان خردمندانند در آنوقتی که همه مردم بی‌خردند پس ای مردم شماهم مانند آنان باشید .

وحضرت ابیعبدالله فرموده که خوبیهای‌دنیا وآخرت این‌است پیوند خویشاوندی کنی با کسی که ازتوقطع رابطه کرده و به بخشی بکسیکه ترا نا امید نموده و درگذری ازکسیکه بتو ستم کرده.

باب چهل و سوم - ستایش جود و بخشش

خدای تعالی میفرماید: «ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة»(۱) و دیگران را برخود مقدم میدارند اگرچه خودشان نیاز بیشتری دارند.

و نیز میفرماید « و یطعمون الطعام علي حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً » (۲) و میخورانند طعام را بدوستی خدا بر بینوا ویتیم واسیر خدای سبحان ستایش کرده مردمانی راکه از خودگذشتگی درانفاق میکنند با اینکه خودشان احتیاج بیشتری دارند ونیز ستایش فرموده آنانرا که طعام بدیگران میخورانند بواسطه‌ی دوستی خدا وگفته شده دوستی اطعام و قول دیگر نیز گفته‌شده که مراد دوستی خداست و ممکن است هم دوستی خدا هم طعام باشد و این آیه در باره‌ی علي و فاطمه و حسن و حسین بدون هیچ خلافی نازل شده.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده: که مرد سخاوتمند بخدا و مردم و بهشت نزدیك است و از آتش دوزخ دور است ولی شخص بخیل از خدا و مردم و بهشت دور است وبآتش دوزخ نزدیك است و نادان سخاوتمند دوست‌تر است بسوی خدا از عابد بخیل، بین جود و سخا فرقی نیست بخدا یاجواد میتوان گفت ولی یا سخي نمیشود گفت زیرا که اسم های خدا توقیفیه است یاسخي نه در کلام خدا و نه در کلام رسول و ائمه و نه هم در کلام علمای بزرگ استعمال‌شده.

و حضرت علي بن الحسین علیه‌السلام فرمود: که من سبقت‌میگیرم

(۱) حشر ۹۰ (۲) دهر ۸۰

برای بر آوردن حاجت دشمنم از ترس اینکه مبادا دیگری حاجت اورا بر آورد و او از من بی نیاز شود دیگری گفته که دوست ندارم حاجت هیچکس را رد کنم یا آن شخص محتاج و نیازمند مردی کریم میباشد که آبرویش را حفظ کرده ام یا اینکه لئیم میباشد که آبروی خودم را نگاه داشته‌ام .

و مردی بمرد دیگر برخورد کرد پرسید از کجائی گفت از شهر مدینه ام سپس باو گفت مردی از شهر شما در شهر ما جا گرفته همه‌ی ما را بی نیاز کرده نامش را پرسید او هم نامش را گفت گفت شناختم ولی او وقتی به شهر شما آمد مالی نداشت جواب داد که بمالش مارا بی‌نیاز نکرده بلکه او بما جود و کرم آموخته در نتیجه بعضی ازما بر بعض دگر بخشش کرده همه بی نیاز شده ایم .

و روایت شده که امیر المؤمنین هر گاه حاجتمندی خدمتش میرسید بدو میفرمود که حاجت خود را بر زمین بنویس زیرا که من خوش ندارم که ذلت و پستی سؤال را در صورت سائل به بینم .

و مردی خدمت حضرت رضا عليه‌السلام آمد و عرضکرد که ای پسر رسول خدا خرجی راهم را گم کرده ام پولی ندارم که مرا بسوی اهل و عیالم برساند بمن پولی بقرض بده منهم در وطنم از طرف شما آن پول را صدقه میدهم حضرت وارد اطاق شد دستش را از شکاف در بیرون کرد و فرمود این کیسه را بگیر و در آن دویست دینار است و فرمود نیازی هم بدادن صدقه نداریم .

سائل عرض کرد ای پسر رسول خدا چرا صورت خود را بمن

نشان ندادی فرمود ما آل پیغمبر نمیخواهیم ذلت سؤال را درصورت سائل به بینیم.

و نیز مردی از حضرت حسن بن علي عليهما السلام چیزی خواست حضرت پنجاه هزار درهم باو بخشید و عبای خود را برای کرایه و حمالی پولها باو داد وفرمود جوانمردي این است که پول کرایه هم داده شود

و گفته شده که همانا امیرالمؤمنین روزی گریه کرد از آن حضرت پرسیدند چرا گریه میکنید فرمود هفت روزتمام برما گذشت و مهمانی برای ما نیامد و خانه ای نساختند مگر اینکه درآن خانه مهمانخانه ای بود ومهمان آدم کریم کریم است.

و چهار خصلت است سزاوار نیست که مرد از آنها رو برگرداند بلند شدن مرد در مجلس برای پدرش و نشاندن او را بجای خودش و خدمت کردن مرد برای مهمانش و خدمت کردن عالم برای کسی که ازاو چیزی می آموزد وسؤال کردن از چیزیکه نمیداند وآل پیغمبر خودشان مهمان را خدمت میکردند پس هرگاه مهمان اراده ی حرکت و رفتن میکرد اورا کمك نمیکردند در برداشتن اثاثیه برای اینکه خوش نداشتند برود.

و بزرگترین بخشش از خود گذشتگی است درصورتی که شدت احتیاج را داشته باشد آنچنانکه آل محمد صلی الله علیه وآله هنگام افطارشان نانشان را ایثار کردند وشب را گرسنه بسر بردند سپس خدا آنان راستایش کرد بنزول سوره ی هل اتی.

مصنف این کتاب فرموده است که برای بنده سزاوار است که بخشش و رحمت و مهربانی بر مردم و نیکی بآنان بر او غلبه کند

زیرا که اینها از صفات و خوی دوستان خداست و این صفات ریشه نجاتست و سبب قرب بخداست نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرموده سخاوت درختی است از درختهای بهشت هر کس بشاخه ای از آن بچسبد نجات پیدا کرده است .

جبرئیل گفته است که خدای فرموده است این است دینی که من اختیار کردم برای خودم و آنرا حسن خلق وسخاوت اصلاح میکند تا آنجا که قدرت دارید این دوصفت را دارا باشید

ونیز حضرت رسول فرمود که خدا سخاوت را فطری دوستانش قرار داد عرضکردند ای رسول خدا کدامیك از اعمال نیك ازهمه برتر است فرمود سخاوت و خوشخوئی آندورا دارا باشید تا بهره مند گردید .

ونیز آنحضرت فرمود که روزی بسوی سخاوتمند تندتر میرود از کاردی که بگلوی شتر میرود خداوند بکسی که بر دیگران غذا میخوراند بر فرشتگانش مباهات وفخر میکند و نیز فرمود دو صفت است که خدا آندورا دشمن دارد یکی بخل ورزیدن ودیگر زشتخوئی و خدا این صفات رادرین آیه‌ی شریفه جمع کرده چنانچه میفرماید « ومن یوق شح نفسه فاولئك هم المفلحون» (۱) وآنکه نگه‌داشته‌شود از بخل نفسش پس ایشان رستگارانند .

و روایت شده که فرزندان عبدالله بن جعفر بن ابیطالب اورا نکوهش کردند در باره بخشش زیاد او فرمود که ای فرزندان من

(۱) حشر ۹ .

همانا خدا بمن بخشش فراوان کرده منهم به بندگانش می‌بخشم وعطا می کنم من بیم این دارم که روش خود را ترك نمایم خداهم ترك عادتش فرماید.

و روایت شده که روزی عبدالله وارد یکی ازباغهایش شد درآن باغ غلام همسایه اش نشسته بود وسه گرده نان در مقابلش نهاده بود سگی بر او وارد شد یکی از نانهارا پیش آن حیوان انداخت بعد نان دیگر را انداخت سر انجام هرسه نان خود را به آن سگ داد.

عبدالله باو گفت مگر خود ازین نانها نمیخوری که همه را باین حیوان دادی غلام گفت این حیوان هم غریب است وهم گرسنه او را برخود مقدم داشتم سپس عبدالله گفت مردم مرا در سخاوت و بخشش سرزنش میکنند و حال اینکه این غلام از من سخاوتمندتراست بعد عبدالله آن غلام را خرید و آزاد کرد وهمان باغ را باو بخشید.

وجای شگفت است برای کسیکه در دنیا بخل میورزد ازانفاق و حال اینکه دنیا رو آورنده‌ی بشخص جواد است زیرا که جود و بخشش ثروت را تمام نمیکنند ولی بخیل باقی‌نمیماند وچه نیکوسروده کسی که این شعر را گفته

اذا جادت الدنیا علیك فجد بها

علی الناس طراً قبل ان تتفلت (۱)

فلا الجود یفنیها اذا هی اقبلت

ولا البخل یبقیها اذا هی ولت (۲)

۱ ــ هرگاه دنیا برتورو آورد پس‌از آندنیا بخشش کن بر تمام مردم پیش از آنکه از دست برود.

۲ ـ پس نه بخشش تمام میکند ثروت را هنگامی که دنیا بتو رو آورد و نه هم بخل باقی میگذارد زمانیکه دنیا بتو پشت نماید .

و روایت شده که همانا حضرت امیرالمؤمنین بکمیل بن زیاد فرمود ای کمیل اهل و عیالت را فرمانده که بطرف خوبیها بروند و شبها پی حاجت خوابیدگان بروند سوگند بآنخدائیکه تمام‌صداها را می شنود هر کس دلی را شاد کند خداوند بجای‌آن شادی مهربانی بیافریند که هرگاه مصیبت و بلائی بر او روآورد آن مهربانی‌مانند سیل بسوی او سرازیر شود پس آن مصیبت‌را ازاو دور کند مانندشتر غریبی را که از گله شتران دور کنند .

و نیز حضرت فرمود که توجه کنید بکارهای خوب وبشتابید بسوی آنچه که برای شما منفعت دارد .

بدانید که نیازمندیهای‌مردم بسوی شما از نعمت های خدای تعالی است برشما و کریمترین مردم کسی است که عطا کند بکسی که باو امیدی ندارد وهر کس یک گرفتاری از مؤمنی برطرف کند خدا از او هفتاد و دو گرفتاری از گرفتاریهای دنیائیش برطرف کند و هفتاد و دو گرفتاری از گرفتاریهای آخرتش‌راو هر کس بکسی‌نیکی نماید خدا باو نیکی کند و خدا نیکوکاران را دوست دارد .

وفرمود : کسیکه یقین دارد خدا عوض انفاقش را باو میدهد از انفاق کردن خود داری نمیکند.وروایت شده هر روزملکی فریاد میزند که پروردگارا شتاب فرمادرعوض دادن‌مال‌سخی‌و نابودن کردن مال بخیل .

وحضرت رسولخدا فرمود: هر کس مهمان‌را گرامی دارد گویا

هفتاد پیامبر را گرامی‌داشته وهر کس درهمی بمهمان انفاق کند گویا یك ملیون دینار در راه خدا انفاق کرده وحضرت ابی عبدالله فرمود آیا میدانید شحیح کیست ؟ عرضکردم بخیل است .

فرمود شحیح از بخیل سخت تر است زیرا بخیل از مال خودش بخالت می‌ورزد ولی شحیح برمال‌مردم‌هم‌بخالت می کند بالاتر‌ازاینکه هرچه در دست مردم میبیند آرزو میکند که خدا باو بدهد ازحلال و حرام‌هیچگاه سیر نمیشود وبآنچه خدا روزیش داده‌قناعت نمی کند.

و از برای بخیل سه نشانه است ازگرسنگی هراس دارد و از فقیریکه رو باو می آورد بیم دارد و بازبان ببرادرانیکه چیزی انفاق میکنند مرحبا میگوید :

و برای‌سخی نیز سه نشانه است‌بخشش بعدازاینکه قدرت‌جبران دارد ، خارج کردن زکوة مال ، دوست داشتن انفاق .

و نبی اکرم فرمود چون‌خدابهشت راآفرید بهشت ازخدا پرسید من را برای چه طایفه ای آفریده ای؟ خطاب رسید برای مردان سخاوتمند پرهیز کار عرضکردخدا یا منهم راضی شدم

و روایت شده که مردی از حضرت صادق عليه السلام پرسید اندازه‌ی تدبیر ، تبذیر و تقتیر چیست ؟ حضرت فرمود : تبذیر این است تمام مالت‌را تصدق دهی تدبیر آن است که‌قسمتي ازمال‌را انفاق کنی تقتیر‌این‌است که چیزی‌ازمالت‌راتصدق ندهی‌عرضکرد بیشتر بفرمائید ای پسر رسول خدا

حضرت فرمود که پیغمبر یك مشت‌خاك از زمین برداشت‌سپس انگشتان خود را باز کرد بعد مشتش را باز کرد خاکها روی زمین

ریخت چیزی در دست حضرت نماند فرمود این تبذیر است پس از آن مشتی دیگر برداشت انگشتانش را باز کرد قسمتی از خاکها ریخت قدری هم باقی ماند فرمود این است تدبیر بعد مشت دیگر برداشت دستش را محکم بست بطوریکه چیزی از آن خاك بزمین نریخت سپس فرمود: این است تقتیر و حضرت فرمود که مؤمن کسی است که از مال خود انفاق و از مال مردم اجتناب نماید.

و نیز حضرت فرمود که سخاوت نام درختی است در بهشت که روز قیامت سخاوتمندان را شاخهایش به بهشت میبرد و بخل درختی است در دوزخ که بوسیله شاخه هایش بخیل هارا بسوی آتش میکشاند و نیز بر در بهشت دیدم نوشته شده که بهشت بر بخیل، ریا کار عاق والدین سخن چین حرام است.

باب چهل و چهارم = پرسش ابی ذر

از ابی ذر روایت شده که گفت روزی بر پیغمبر صلى الله عليه وآله وارد شدم آنحضرت در مسجد تنها نشسته بود تنهائی آنحضرت را غنیمت شمردم سپس حضرت رسول فرمود ای اباذر همانا برای مسجد تحیتی است من عرضکردم تحیت مسجد چیست؟ ای رسول خدا سپس فرمود: دو رکعت نماز است من دو رکعت نماز را خواندم بعد متوجه آنحضرت شدم پس عرضکردم ای رسول خدا مرا فرمان نماز دادی نماز چیست حضرت فرمود بهترین چیزهاست پس هر کس بخواهد زیاد بخواند و هر کس بخواهد کم بخواند.

عرض کردم ای رسول خدا کدام یك از اعمال در نزد خدا دوست تر

است ؟ فرمود ایمان بخدا بعد جهاد در راه خدا عرضکردم ای رسول خدا کدامیك ازمؤمنان ایمانشان از همه کاملتر است ؟ فرمودآنکه خویش از همه نیکو تر است ؟ عرضکردم کدامیك ازمؤمنان از همه برتر است ؟ فرمود آنکه مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند

پرسیدم کدام هجرت برتر است : فرمود هجرت و دوری از بدی

پرسیدم چه وقت از شبها افضل است ؟ فرمود نیمه‌ی آخر شب عرضکردم چه چیز از نماز افضل است ؟ فرمود طول دادن‌دعای دست پرسیدم چه قسم ازصدقه افضل است؟ فرمود صدقه ایکه پنهانی آنهم در حال فقر و تنگدستی‌داده شود .

پرسیدم روزه چیست ؟ فرمود واجبی است که هرکس آنرا انجام دهد در پیش خدا چند برابر آن پاداش دارد عرضکردم چه بنده ای را در راه خدا آزاد کنم افضل است ؟ فرمود آنکه قیمتش بالاتر است و ارزشش‌بیشتراست‌عرضکردم کدام قسم‌جهاد افضل است ؟ فرمود آنجهادیکه دست و پای اسب قطع شود و صاحبش‌شهید گردد وخونش بریزد .

پرسیدم از آیاتیکه بر شما نازل شده کدام یك از همه افضل و اعظم است ؟ فرمود آیة الکرسی تا سخن بدینجا رسید پرسیدم ای‌رسول خدا صحف ابراهیم چه بود؟

فرمود تمامش پند و امثال بود وقسمتی از آنها این است که ای پادشاه مغرور مسلط بر مردم من ترا برا اینکه دنیارا جمع آوری کنی نفرستادم بلکه ترا برانگیختم‌ناله مظلوم رااز درگاه من بر گردانی همانا من کسی را نا امید نمی کنم اگر چه کافر باشد یا فاجرمن

نگاه بکفر و فجور آنها نمی کنم .

ودر آن صحف پند و اندرزهائی بود که بر خردمند سزاوار است که شکست خورده‌ی نفس نباشد شبانه روز خود را چهار قسمت نماید ساعتی برای نیایش ومناجات باپروردگار ، ساعتی برای اینکه اندیشه کند در قدرت نمائی پروردگار ، ساعتی که در آنساعت نفسش را بازجوئی کند در کارهای گذشته و آینده ساعتی که در آن ساعت خلوت میکند برای رسیدگی بحلال وحرام در خوردن وآشامیدنش .

و بر شخص عاقل و خردمند است که سفر نکند مگر برای سه چیز اصلاح معاش ، بدست آوردن زاد وتوشه‌ی آخرت ، خوشی درغیر حرام و بر خردمند است که بینا و دانای بعصر و زمانش و متوجه آبرویش باشد و زبانش را نگهدارد وهر کس که سخن گفتنش را حساب کند نسبت به عملش کمتر سخن میگوید مگر سخنانیکه فایده‌ای برآن بار شود .

پرسیدم ای رسول خدا این صحف موسی چه بود فرمود تمامش عبرت بود ازین قبیل مواعظ: شگفت است برای کسیکه یقین بمرگ دارد چگونه خوشحال است ، جای تعجب است برای کسیکه یقین بآتش دوزخ داردچگونه می خندد، شگفت است برای کسیکه دنیاودگرگونیش را باهلش دیده که از حالی بحالی میکند بعد او اطمینان بآن دنیا دارد تعجب است برای کسیکه یقین بحساب فردا دارد چرا کردارنیک انجام نمیدهد .

عرض کردم ای رسول خدا از آنچه که درصحف ابراهیم و موسی میباشد برشما هم چیزی نازل شده فرمود بخوان ای اباذر:

« قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی بل تؤثرون الحیوة الدنیا والاخرة خیر و ابقی ان هذا لفی الصحف الاولی صحف ابراهیم و موسی »

مسلم رستگار شده آنکه زکاة فطره‌اش را داده ، یاد کرده پروردگارش را سپس‌ اماز خوانده،ولی‌ شمادنیارا بر آخرت مقدم‌میدارید بااینکه‌آخرت بهتروجاویدان‌است، اینها درصحیفه های نخستین‌است، صحیفه های‌ابراهیم‌وموسی‌است ، یعنی این آیات درصحیفه‌های‌نخستین ابراهیم وموسی‌باشد .

عرض کردم یا رسول لله وصیت کن مرا فرمود وصیت میکنم ترا بپرهیزکاری زیرا که تقوی سرآمد همه‌ی کارهاست‌عرض کردم ای رسول خدا بیشتر بفرما ، فرمود برتو باد بخواندن قرآن و ذکر خدا زیرا ترا در آسمان یاد کنند و در زمین برای تو نوریست که‌ترا نورانی کند.

عرض کردم ای رسول خدا بیشتر ازین بفرمائید فرمود برتو باد بجهاد و جنگیدن در راه خدا زیرا که جهاد گوشه گیری امت‌من است عرضکردم ای رسول خدا بیان بیشتری بفرمائید فرمود برتو باد بخاموشی مگر از کلام خیر زیرا که کلام خیردور کننده‌ی شیطانست از تو و آن خیر یاور تو است برای کار دینت .

عرض کردم ای رسول‌خدا بازهم بیان‌بیشتری بفرمائید فرمود زینهاربپرهیز از خنده‌ی‌زیادزیرا که دل‌را می میراند و نورصورت را میزداید عرضکردم‌ای‌رسول‌خدابیشتربفرمائیدفرمود بزیر دستت نگاه

کن نه به بالا دستت تا اینکه نعمت خدا را برخود ناچیز نشماری .

عرض کردم ای رسول خدا بازهم بیشتر بفرمائید فرمود پیوند خویشاوندی کن اگر چه آنان با تو قطع رابطه کنند، بینوایان را دوست بدار باآنان زیاد بنشین‌عرضکردم‌ای‌رسول‌خدا بیشتر بفرمائید فرمود از نکوهش سرزنش کننده بیمناك مباش .

عرضکردم بیش ازین بفرمائید ای‌رسول خدا فرمودعمل‌زشتی که خودت‌انجام میدهی برای همان‌عمل‌بردیگران تاسف‌مخور و کافی است دربدبختی مرد که عیبجویی مردم‌را بکندولی‌اززشتی‌های خودش بیخبر باشد ابوذر میگوید که بعداز این حرفها حضرت رسول به سینه‌ی من زد و فرمود خردی مانند دور اندیشی نیست وورعی مانند خود داری ازحرام نیست و حسب ونسبی‌مانند خوش‌خوئی نباشد.

و از حضرت ابی عبدالله علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت شده که آنحضرت فرمود که از جمله گفتار پیغمبر به‌ابی‌ذر این است که فرمود :

ای دانشجو دنیا ومردم دنیاوآرزوهای‌دنیا ترا سرگرم و غافل نسازد از آنروزیکه از آنان جدا میشوی مانندمهمانی که شب را خوابیده درمیان آنها وصبح هم از آنجا بجای دیگر کوج کرده دنیا و آخرت مانند منزلیست که از آنجا بجای دیگری کوج کرده ای وفاصله ای نیست بین مردن و قیامت مگر بقدر خوابیکه میخوابی بعد ازآن خواب بیدار میشوی.

ای نادان بیاموز دانش را زیرا دلیکه در آن نور دانش نتابد مانندخانه‌ی خرابی است که کسی اورا تعمیر نمی کند ونیز ازابی‌ذر

روایت‌شده که ای طالب دانش پیش بفرست برای روز قیامت خود چیزی زیرا که تو در گرو کردارت باشی هرچه بدیگران کنی بتو همان معامله را خواهند کرد.

ای دانشجو نمازبخوان پیش‌ازآنکه قدرت نمازخواندن نداشته باشی همانا مثل نماز برای نمازگذار مانند مردیست که بر سلطان وارد شده ساکت درگوشه ای‌نشسته تاسلطان از کارهایش فارغ شود بعد خواسته اش را درمیان گذارد همینطور است مرد مسلمان در اختیار پروردگار است تا وقتیکه در نماز است تمام حواسش متوجه خداست خداهم همیشه‌باو توجه دارد تا زمانی که از نماز فارغ‌شود.

ای دانشجو انفاق کن پیش ازآنکه ثروت‌ازدستت برود وقدرت بر انفاق نداشته باشی همانا مثل صدقه برای صاحبش مانند مردیست که مردم اراده‌ی کشتن‌اورا دارند او میگویدمرا مکشید ومرامهلت بدهید تا بتوانم رضایت شما را جلب کنم.

همینطور است مرد مسلمان بفرمان خداست بهر صدقه ایکه میدهد گرهی بآن صدقه ازگردنش‌بازمیکندتا زمانیکه خدا گرهی را بمیراند و خدا از آنان راضی بود پس از آتش دوزخ آزادشده.

ای دانشجو. این زبان هم کلید خیراست و هم کلید شر همانطوریکه کیسه پولت‌را مهر می‌زنی دهنت راهم مهربزن.

ای دانشجو این مثلهارا خدای عزوجل برای‌مردم زده‌وفرموده است «وما یعقلهاالاالعالمون» (۱) و نمیدانند آنهارا مگردانایان.

(۱) عنکبوت ۴۳.

ای دانشجو آنچه که در دنیا باشد از دو حال خارج نیست یا عملی است نفعش خوبی میباشد یا شری است که زیان میرساند مگر خدا رحم کند.

ای دانشجو ترا زن و فرزند و مالت سرگرم وبیخبر نگرداند زیرا آنها ترا بی نیاز نمی کنند.

باب چهل و پنجم - دوستی خدا

خدای تعالی میفرماید: «الاان اولیاء الله لاخوف علیهم ولاهم یحزنون» (۱) آگاه باشید که دوستان خدا ترس و بیمی ندارند و افسرده خاطر نمی شوند، ودوستی خدا شناختن خدا و پیغمبرش و شناختن امامان و پیشوایان از اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و دوستی آنان دوستی تمام دوستان خدا باشد و دشمنی دشمنان خدا و دشمنان رسولش و دشمنان اهل بیت رسول و بیزاری جستن از هر کس که دین خدا رادین اسلام نداند و بزرگترین دستگیره‌ی ایمان دوستی در راه خدا و دشمنی در راه‌خدااست و راهی نیست بسوی اینها که گفته شد مگر بعداز معرفت و شناختن.

وهرگاه که دوستان خدا شناخته نشدند ممکن‌است بادوستان خدا دشمنی کنند و با دشمنانشان دوستی بدین سبب از راه ولایت و دوستی بیرون شود بلکه از طریق ایمان خارج می شود وهریك از اینها که گفته شد دلیلی از کتاب خدا وسنت پیغمبر دارد و شرحش

---

(۱) یونس ۶۲.

بتفصیل در کتابهای علمی ذکر شده.

و بر خردمند سزاوار است که خویش را ملتزم کند بریشه و دستگیره‌ی ایمان و خویش را زینت بخشد به پیروی اهل ولایت پس هر کس این روش راداشت زبانش بذکر خدا گویاست، دلش بفکر و اندیشه‌ی فرداست، از مردمان دنیا کناره گیری کندو با مردمان شایسته و صالح هم نشینی نماید و بآنان اقتدا کند در ترك دنیا و از زندگی قناعت کند بآنچه که دارد و بخدا نزدیك شود بوسیله‌ی شایسته ترین عملها از قبیل نماز نافله و نیکی کردن ببرادران مؤمن و برآوردن حاجتهایشان را و پیوند با ایشان و از خود گذشتگی و روزه‌های مستحبی و نگهداری شکم را از حرام و نگهداری زبانرا از سخن های زیادی.

و باید بداند که همانا خدا اورا دوست دارد همچنانکه اوخدا رادوست دارد زیرا که خدا میفرماید: «وهو یتولی الصالحین» (۱) و او مردمان شایسته را دوست دارد پس دراینوقت خداآن بنده را بخودش وانمیگذارد بلکه عنایت و توجه خدا شامل حال آن بنده می شود خدای سبحان فرموده است بامن اعلام جنگ باید بکند هر کس که بنده‌ی مؤمن مرا آزار کند یا اینکه یکی از دوستان‌مرا بترساند.

و خدای سبحان میفرماید: تردیدی برای من نیست مانند تردیدی که در گرفتن روح بنده مؤمنم دارم که او مرگ رانا خوش میدارد و من خوش ندارم بدی اورا.

و ازحضرت‌ابیعبدالله‌روایت شده که آنحضرت فرمود: هرگاه

---

(۱) اعراف ۱۹۵.

روز قیامت شود ندا کننده ای فریاد زند کجایند آنانکه دوستان مرا اذیت کردند؟ گروهی بپاخیزند که بر صورتهای آنان گوشت نباشدسپس گفته شود که اینان کسانی باشند که مؤمنان رااذیت وبا آنان دشمنی کرده اند وعناد ورزیده اند و آنان را تحت فشار قرار داده اند در باره دینشان بعد فرمان رسد که آنان را بسوی جهنم برند.

و حضرت فرمود هر کس مؤمنی را کوچك شمارد همیشه خدا اورا کوچك شمارد تا اینکه بر گردد از این عمل و فرمود هرمؤمنی که منع کند مؤمنی را از چیزیکه نیاز بآن دارد و او قادر بدادن آن چیز باشد یا قدرت داشته باشد ازجای دیگر تهیه کند اورا روز قیامت روسیاه و با چشم کبود و دستهای بسته بگردن برانگیزانند پس به او گفته‌می‌شود که این‌خیانتکار کسی‌است که به‌خدا ورسولش خیانت کرده بعد فرمان رسد که او را بجهنم ببرند.

و ازحضرت ابی عبدالله روایت شده که‌هر کس مؤمنی‌را ناامید کند در صورتیکه قدرت بر آوردن حاجتش را داشته باشد خداوند اژدهائی را از آتش برو مسلط کند که تا روزقیامت او را در قبرش بگزد.

و فرمود هر که نگاه کند بسوی مؤمنی که‌اورا بترساندخدای عزوجل اورا بترساند روزیکه سایه ای جز سایه او نباشد.

و فرمود: هر کس حق مؤمنی را نگاهدارد خداوند اورا روز

قیامت پانصد سالی سرپا نگاهدارد تا اینکه عرق او مانند نهری جاری شود و ندا کننده‌ای از طرف خدا فریاد زند این مرد ستمگریست که حق خدا را نگاهداشته فرمود که چهل روز او را سرزنش کنند و فرمان رسد که او را بجهنم برند و از حضرت ابی‌عبدالله روایت شده که فرمود کسیکه مؤمنی را بقدرت سلطانی بترساند که از آن سلطان ناراحتی باو برسد یا نرسد جایش در دوزخ است.

و هر کس مؤمنی را بزور سلطانی بترساند تا اینکه از آن سلطان باو ناراحتی وارد شود او با فرعون و آل فرعون در آتش دوزخ است.

و هر کس در باره ی مومنی سعایت کند اگر چه بیك کلمه باشد خدا را روز قیامت ملاقات میکند در حالتیکه بر پیشانیش نوشته شده که این مرد محروم از رحمت پروردگار است و حضرت فرمود که از نشانه هائیکه ثابت میکند که شیطان در نطفه‌ی او شرکت دارد این است که مرد فحاش باشد باکی نداشته باشد که چه می گوید و چه میشنود.

و از حضرت رسول روایت شده که آنحضرت فرمود بهشت بر فحاش و هرزه گوی کم حیائی که باك ندارد چه میگوید و چه می‌شنود حرام است و حضرت رسول فرمود: شریرترین بندگان خدا کسی است که مردم بواسطه ی فحاشی او خوش ندارند که هم‌مجلسش باشند

و حضرت صادق عليه‌السلام فرمود هر کس مردم از زبانش بترسند در آتش است و از حضرت رسول روایت شده که فرمود بدترین مردم

روز قیامت کسانی باشند که‌از ترس،آنهارادر دنیا احترام میکنند .

و سزاوار است برای‌مؤمن که در اوهشت خصلت باشد درسختی ها باوقار در گرفتاریهاشکیبا ، بر نعمت ها سپاسگذار ، بر آنچه خدا بوی داده قانع ، دشمنانش رانهم‌ستم نکند ، کارهایش را تحمیل و بار دوش دوستانش نکند ، بدنش در رنج و تعب از مردم باشد ولی خلق از او در آسایش باشند .

دوست‌خداآنست که گفتارش‌بارفتارش موافق کتاب خدا وسنت پیغمبر باشد هر کس چنین بود او را خدا دوست دارد وگناهانش را بلطفش بیامرزد و او را نگهداری کند در نهان و آشکارا و اورا در میان اهل وعیال وهمسایگانش حفظ نماید زیرا در حدیث نبوی‌است که همانا خدا حفظ میکند مرد را در فرزند و فرزند فرزندش و خانه های اطرافش .

و در تأویل قول خدای تعالی « وکان ابوهما صالحاً » (۱) چنین آمده که فاصله بین آندو پسر وپدر صالحشان هفت پشت بوده و بعضی گفته اند هفتاد پشت وولی خدا ریحانه خداست در روی زمین که او را مؤمنان می بویند و بسوی او مردان شایسته اشتیاق دارند .

و نشانه ی ولی سه چیز است: سرگرم بخدا ، هدفش خدا ، گریزش بسوی خداست وهرگاه خدا اراده کند که بنده‌ای را دوست بدارد زبانش را بذکرخدامیگشاید ، دلش‌را اندیشه مند قرارمیدهد و هرگاه آن بنده از ذکر خدا لذت برد باب تقرب و نزدیکی بخدا

---

(۱) کهف ۸۲ .

برویش باز می‌شود، بعد باب‌دانش‌بخدا برویش گشاده می‌شود ودوری از مردم اختیار میکند .

سپس خدا آن بنده را بر کرسی ولایت می نشاند و با عنایت خودش با او معامله میکند و اوراوارث سرای کرامت قرار میدهدو پرده های کوری را از دل و چشمش یکطرف میزند پس شب را صبح میکند در صورتیکه بنور خدا نگاه میکند و غم وغصه‌ی روزی از او برطرف می‌شود دیگرباکی از دشمن ندارد ازآنجا که توکل درونش جایگزین است و راضی وخوشنود بقسمت‌الهی است .

و به همین جهت است که‌خدای تعالی میفرماید « الا ان‌اولیاء الله لاخوف علیهم ولاهم یحزنون » (۱) آگاه باشید که دوستان خدا نه ترسی دارند و نه اندوهگین باشند واز هول وهراس قیامت وآتش دوزخ در امان باشند.

باب چهل‌وششم ـ سخنان علی و فرزندانش

حضرت امیر علیه‌السلام فرمودمباش‌ازآنکسانیکه امیدوار بآخرتند ولی بدون عمل ، و توبه را بواسطه آرزوهای دراز بتاخیر می‌اندازند در دنیا سخنان زاهدان‌را گویند ولی کار دنیا طلبان را انجام‌می‌دهند اگر دنیا بوی داده‌شود سیر نمی شود و اگر داده نشود قناعت‌نمی کند ناتوانست از شکر نعمتهائی که باو داده شده و ازآنچه باوداده نشده

(۱) یونس ۶۲.

زیادی طلب می کند مردم را در کارها امر و نهی میکند ولی خودش عمل نمیکند .

فرمان میدهد باعمالیکه خودش انجام نمیدهد و مردان شایسته رادوست دارد و کردار آنان را انجام نمیدهد گنه کاران را دشمن دارد خودش یکی‌از همانهاست مرک را ناخوش‌دارد بواسطه گناهان فراوانش‌ولی پافشاری میکند بر گناهانیکه بواسطه همانها از مرک می ترسد اگرمریض گرددپشیمان‌شودواگر تندرست‌شودسرگرم‌لهویات گردد بخودش عجب و خود نمائی کند زمانیکه عافیت پیدا کند امیدوارمی‌شود. زمانیکه گرفتارشود:اگر اورا بلائی‌رسد ازروی‌اضطرار دعا کند و اگر بلا برطرف شداز روی غرور دوری کند .

نفسش بر او غالب و پیروز شود بواسطه ی گمانی که دارد ولی او بواسطه ی یقینی که دارد بر نفس پیروز نمی شود و از مردم میترسد بواسطه کمترین‌گناهی که‌دارد وامیدواریش‌از اندازه عملش بیشتر است اگر بی نیاز شود در شدت خوشحالی‌است ولی درفتنه‌افتد اگرتهی دست شود اگر امیدوار شود در عبادت سست گردد در کردار نیك کوتاهی میکند ولی هرگاه چیزی بخواهد اصرار زیاد میکند.

اگر شهوت براو غلبه کند درگناه پیشی‌گیرد و توبه را بتاخیر اندازد و اگر اندوهی بدو رسد از دستورات اسلام دوری کند عبرت گرفتن ازگذشتگان را بمردم میگوید ولی خودش عبرت نمیگیرد در موعظه و پند و اندرز دادن اصرار میکند ولی‌خودش‌عمل نمیکند

و به‌سخنش مردم را ارشاد و دلالت میکند ولی خودش کمتر عمل می کند.

در دنیائیکه فانی است رغبت ومیل میکند و درباره‌ی آخرتیکه باقیست سهل‌انگاری میکندسودراغنیمت‌می‌بیند ازمرگ می‌ترسدولی پیشی بسوی فرصتی که از دست میرود نمی‌گیرد گناهان دیگران را بزرگ می شمارد بااینکه گناهان‌خودش بزرگتر و بیشتر است وعملهای خوب خود را از دیگران بیشتر می شمارد با اینکه عملش کمتر است.

او مردم را نکوهش میکند ولی کارهای خودش را شایسته می بیند: لغو وبیهوده گوئی باثروتمندان را ازذکر بافقرا دوست‌تر دارد، برای سود خود بر ضرر دیگران فرمان می‌دهد، ولی برای منفعت دیگران بزیان‌خود فرمان نمیدهد، دیگران‌را ارشاد میکند خودش در گمراهی بسر میبرد.

پس او کسی است که درعمل صالح‌مردم از او پیروی‌می کنند در صورتی که خودش نافرمانی خدا را می نماید، ازمردم انتظار وفا دارد ولی خودش وفای بعهدش نمی کند، از مردم میترسد ولی نه در راه خدا اما از خدا برای خدا نمیترسد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای نوف خدا مارا ازطینت نوری آفریده‌وشیعیان‌مارا ازطینت ما آفرید پس‌هرگاه‌روزقیامت بیاید بما می پیوندند نوف میگوید عرضکردم یاأمیرالمؤمنین شیعیانت را برای من تعریف فرمائید حضرت بصرف یاد آوی شیعیانش گریه کرد.

بعد فرمود ای نوف شیعیان من بخدا مردمان شکیبا و دانشمند بخدا و دین خدایند، بطاعت و امر خدا عمل میکنند. هدایت کنندگان بدوستی خدایند، یاوران بندگان خدایند، همنشین پارسایانند.

از اثر شب زنده داری رنگ چهره هایشان زرد است، چشمان شان از گریه ضعیف است، لبهای شان از ذکر خدا خشك است، شکمهای شان از روزه گرفتن به پشت چسبیده، آثار خدا پرستی از چهره های شان درخشان است، قصد شان گوشه گیری از مردم است، چراغهای تاریکی ها باشند، گلهای خوشبوی قبیله و فامیل شان باشند. هیچگاه مسلمانی را دشمن ندارند و درجستجوی عیبهای مردم نیستند شرشان بکسی نمیرسد، دلهایشان افسرده است، نفس های عفیف و پاك دارند، خواسته هایشان سبك است. آنان از مردم در زحمت و رنجند و مردم از آنها در آسایشند، پس ایشان خردمندانی هستند که افسرده خاطرند، و مردان نجیب و شایسته اند، ایشان رغبت کنندگان بخدا و فرار کنندگان از گناهند.

اگر حاضر شوند شناخته نمی شوند و اگر غایب شوند کسی آنانرا جستجو نمیکند اینان شیعیان پاك منند و برادران گرامی من باشند آگاه باشید که چقدر دلباخته و عاشق آنهایم.

و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا فرمود: من درختی هستم که فاطمه شاخه و علی تنه آن درخت، حسن و حسینم میوه ی آن و شیعیان ما شاخه های کوچك آن درختند و هر بنده ایکه دوست دارد ما اهل بیت را و اعمالیکه ما بجا می آوریم بجا آورد و

نفش را بازجوئی و بررسی کند پیش ازآنکه او را بازجوئی کنند خدا اورا وارد بهشت کند.

ونیز از حضرت علی علیه السلام روایت شده که به نبی اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردم برای من بیان فرمائید تا براهنمای شما هدایت شوم حضرت در جواب من فرمود یا علی هر کس را که خداوند هدایت وراهنمائی کند برای او گمراهی و انحرافی نیست وهر کس را که خداگمراه کند برای او ارشاد و هدایتی نیست همانا خدا راهنما و آموزگار تو است وسزاوار است که جز بسوی خدا بجائی نروی وخدا پیمان من و تو وشیعیان و دوستانت را تاروز قیامت گرفته که جز راه او راه دیگری را نه پیمائیم پس اینان شیعیان و دوستان من و صاحبان خرد باشند یا علی برخداست که ایشان را دربهشت فرود آوردو آنانرا درجایگاه پادشاهان جا دهد و سزاوار است که اطاعت خدا را آنچنان که سزاوار است بکنند.

ونیز روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سئوال شد کدام یك از اعمال پسندیده بعداز معرفت خدا افضل و برتر است فرمود عملی نیست که بعداز خدا شناسی مساوی با نماز باشد ونه هم عملی بعداز نماز و خدا شناسی مساوی بازکوة خواهد بود و نه هم بعداز زکوة عملی مساوی حج می شود و اول و آخر تمام این عملها معرفت ما خانواده است و بعد ازین اعمال چیزی مانند نیکی کردن ببرادران مؤمن و همراهی کردن ایشان مانند بخشیدن دینار و درهم نیست.

همانا درهم و دینار دو سنگی هستند که مسخ شده اندبوسیله

این دو خدا بندگانش را آزمایش میکند بعداز اینها که برای تو شمردم ندیدم‌چیزی را که بزودی سبب ثروت شود وفقر و تهی دستی‌را نابود کند از ادامه دادن سفر حج ، و نماز واجب در پیشگاه خدا مساوی یکهزار عمره‌ی‌قبول شده‌است و عمل حج درنزد خدا بهتراست از خانه ایکه پر از طلا باشد و در راه خدا انفاق کردن.

بآنخدائیکه محمد را برانگیزاند و مبعوث برسالت کردبر آوردن حاجت برادر مؤمن و برطرف کردن غصه‌ی او بهتر است از یك حج و طواف عمره و یك عمره تا ده حج و عمره شمرد، بعد حضرت دستش را بلند کرد و فرمود ازخدا بپرهیزیدودر کارهای خیر کسل‌نشوید زیرا که خدا و رسولش نیازی بشما و کردار شما ندارند وشمافقیران ونیازمندان بسوی خدائیدوهمانا خدا اراده دارد وسیله‌ای فراهم کند که شمارا وارد بهشت نماید.

و از حضرت ابی عبدالله روایت شده که فرمود دست دادن بمؤمن مساوی یك هزار حسنه است و از حضرت امیر المؤمنین عليه‌السلام روایت شده که فرمود رسول خدا فرموده است برای خدا بندگانی‌از خلقش هستند که‌مردم برای نیازمندیهایشان بسوی آنان میروند اینانند که از عذاب خدای عزوجل در امانند و از آنحضرت ورسول اکرم روایت شده که فرمود بهترین اعمال در پیشگاه‌خدا خنك نمودن جگر های تشنه آتشین و داغ و سیر کردن شکم های گرسنه‌است.

بخدائیکه جان محمد در دست قدرت اوست ایمان نیاورده است بمن بنده ایکه سیر بخوابد و برادر مؤمن یا همسایه اش گرسنه

باشد و نیز از پیغمبر اکرم روایت شده که فرمود هر کس مؤمنی را بپوشاند خداوند هزار حله بهشتی باو بپوشاند؛ هزار حاجتش را بر آورد، ثواب عبادت یکسال در نامه عملش بنویسد، تمام گناهانش را بیامرزد اگرچه آمار گناهانش از ستاره های آسمان بیشتر باشد روز قیامت ثواب هزار شهید باو عنایت فرماید، هزار حوری بهشتی باو عطا فرماید، خدا برایش برات آزادی از آتش وجواز عبور از صراط را بنویسد.

و پیغمبر اکرم فرمود هر گاه بیکدیگر برخوردید سلام کنید و دست بهم دیگر بدهید و هر گاه خواستید از یکدیگر جدا شوید برای خودتان طلب آمرزش کنید.

و از حضرت ابی جعفر روایت شده کسی که برای بر آوردن حاجت مؤمن قدمی بردارد خداوند دستور فرماید که هفتاد و پنجهزار فرشته او را روز قیامت سایه کنند و هر قدمی که برمیدارد برایش حسنه‌ای نوشته می شود و گناهی از نامه عملش برداشته شود و بآن قدم درجه‌ای باو در بهشت داده شود هر گاه از حاجت آن مؤمن فارغ شد خداوند پاداش حج وعمره در نامه عملش می نویسد.

و از حضرت ابی عبدالله عليه السلام روایت شده که هر کس پی حاجت برادر مؤمن برود این عمل دوست تر است بسوی خدا از آزاد کردن هزار بنده و بردن هزار اسب زین و لجام شده برای جهاد در راه خدا و فرمود هر کس کوشش کند در باره‌ی حاجت برادر مسلمانش برای رضای خدا خدا هم یکهزار حسنه در نامه عملش بنویسد بواسطه این عمل

خودفامیل و نزدیکان و همسایگان و برادران ودوستانش راهم بیامرزد.

وفرمود هر کس یاری کند برادر مؤمن افسرده خاطر و بیچاره اش راو اندوهش را برطرف نماید و کمك کند او را برای برآوردن حاجتش خداوند بواسطه این عمل هفتاد و دو رحمت در نامه عملش مینویسد یکی در دنیا باو عطا میکند که امر زندگی خودرا اصلاح کند وهفتاد و یك رحمت را پس انداز میکند برای ترس وهول روز قیامتش .

و فرمود هرمؤمنی که ناراحتی از مؤمنی که درفشاروسختی قرار گرفته برطرف کندخدا خواسته هایش رابه آسانی در دنیاو آخرت تأمین کند .

و فرمود : هر کس مؤمنی را سیر کند بهشت براو واجباست وهر کس کافری را سیر کند بر خداست که شکمش را از زقوم جهنم پر کند .

و همانا سیر کردن شکم مردی ازمسلمانان دوست تراست بسوی خدا از اینکه غذا دهد افقی از مردم را راوی از امام پرسید که افق چیست حضرت فرمود صدهزار نفر جمعیت یك افق است و ازحضرت باقر عليه السلام روایت شده که فرمود هر کس سه نفر مسلمان را طعام دهد خدا او را از سه بهشت طعام خوراند از فردوس و بهشت عدن و طوبی و حضرت علي عليه السلام فرمود هر کس که دونفر مؤمن بخانه اش واردشود و آندو را سیر کند ثوابش بیشتر است از آزاد کردن بنده ای در راه خدا .

و از حضرت حسین بن علي عليه السلام است که فرمود : هر کس مؤمن گرسنه ای را غذا دهد خدا اورا ازمیوه های بهشت بخوراند وهر کس

تشنه ای را سیرآب کند خدا اورا از شراب طهور بهشتي بچشاند.

واز حضرت صادق عليه السلام روايت شده که هر کس مؤمنی راسیر گرداند پاداش و ثواب اورا در قیامت هیچ کس از آفریدگان خدا وهيچ ملك مقرب وپیغمبر مرسلی جز پروردگار عالمین کسی نمیداند بعد فرموداز اسباب آمرزش طعام‌دادن مسلمانست‌درروز سختی چنانچه خدای تعالی میفرماید: «اواطعام فی یوم ذی مسغبة يتيماً ذامقربة او مسكيناً ذامتربة» (۱) یاخورانیدن طعام در روزگرسنگی یتیمی را که خویشاوند است یا تهی دستي راكه نیازمنداست . وحضرت رسول خدا فرمود: هر کس شربت آبی بمؤمنی بچشاند در جائی که آب باشد خدا برای هر شربتی ازآب هفتاد هزار حسنه باو به بخشد و اگر در جائی که آب پیدا نشود اورا سیرآب کند گویا ده بنده از نسل اسماعیل در راه خدا آزاد کرده.

و حضرت صادق عليه السلام فرمود: همانا غذا خوراندن به مؤمن بهتر است در پیشگاه خدا از آزاد کردن ده بنده در راه خدا و ده سفر حج و هر کس جامه ای بآن مؤمن پوشد چه آن لباس تابستانی و چه زمستانی باشد بر خداست او را از لباسهای بهشتی بپوشاند و سختی جان کندن رابراو آسان کند گورش راگشاد ووسیع نماید ، هرگاه ازقبر بیرون‌آیدفرشتگان باستقبالش آیند و مژده‌ی بهشت باو دهند چنانچه خدای تعالی میفرماید «تتنزل علیهم الملائكة الا تخافوا ولاتحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون» (۱) وبر ایشان فرشتگان فرود آیندو گویند که مترسید و غمگین مباشید و

---

(۱) بلد ۱۴ . (۲) فصلت ۳۰.

و مژده باد شما را به آن بهشت که وعده داده‌شدید .

و فرمود که هر کس یکی از فقیران برهنه‌ی مسلمان را جامه‌ای بپوشد یا اورا یاری کند بکسری معیشت او خدای عزوجل هفتاد هزار فرشته را موکل او گرداند به هر گناهی که انجام داده تا روز قیامت برایش طلب آمرزش کنند وفرمود هر کس که مؤمن فقیری‌راجامه‌ای پوشاند خدااورا ازلباسهای استبرق بهشتی بپوشاندوهر کس به‌مؤمن‌دارائی لباس پوشاند تازمانیکه آن جامه باقی باشد ، خداعیب‌های‌اورا بپوشاند.

و نقل شده که مشرکی بمؤمنی مهربانی کرد هنگامی که مرد خداوند باو وحی فرستاد که اگر در بهشت من جائی برای مشرك بود ترا در آن جا میدادم ولی آن بهشت حرام است بر کسی که بحال شرك بمیرد سپس خطاب بآتش رسید که‌ای آتش او را آزار مرسان و روزی او از جائی که خدا میخواست میرسید وحضرت نبی اکرم فرمود کسی که در دل مؤمنی شادی وسرور وارد کند خدا آن سرور را مجسم کند یا او درقبر باشد و اورا مژده بهشت دهد .

باب چهل و هفتم

دعا و برکت و فضیلت آن

خدای تعالی فرموده است « ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین » (١) مرا بخوانید تا اجابت کنم شمارا همانا آنانکه از عبادت من سر کشی میکنند بزودی داخل دوزخ شوند مراد از عبادت دعاست .

و نیز خدای تعالی فرموده است : « امن یجیب المضطر اذا دعاه

(١) مؤمن ٦٢ .

ویکشف السوء» (۱) آیا کسی هست که جواب دهد بیچاره وگرفتار را هنگامی که اورا بخواندو بدی اورا برطرف کندو نیزخدای سبحان فرموده : «ولقد ارسلنا الی امم من قبلك فاخذناهم بالبأساء والضراء لعلهم یتضرعون فلولا اذجائهم باسنا تضرعوا ولکن قست قلوبهم» (۲) و بحقیقت فرستادیم بسوی امتان پیامبرانی پیش از تو پس گرفتیم ایشان را به سختی و رنجوری شاید ایشان زاری کنند پس کاش تا سختی ما بسوی ایشان می آمدزاری می کردند ولی دلهایشان سخت شد .

ونیز خدای تعالی فرموده است : «قل من ینجیکم من ظلمات البر و البحر تدعونه تضرعاً و خفیة» (۳) بگو کیست که برهاندشما را ازتاریکیهای دشت و دریا اوراپنهان و بازاری میخوانید وگروهی را بردعا ستایش کرده سپس فرموده: «انهم کانوایسارعون فی‌الخیرات یدعوننا رغباً ورهباً و کانوا لنا خاشعین» (۴) ایشان در کارهای نیك می شتافتند ومیخواندند مارا از راه میل و ترس .

و رسول اکرم فرمود : بهترین عبادتها دعاست و فرمود : دعا مغز وحقیقت عبادت است و نیز فرمود : هرگاه خدا برای بنده‌اش اجازه‌ی دعا بدهد بزودی خدا با رحمت خود در اجابت را برویش باز کند هرکس دعا کند نابود نمیشود و خدا بر بنده ایکه از او چیزی نخواهد خشم میکند وباید بنده از خدا بخواهد اگرچه بند کفشش باشد و اسلحه‌ی مؤمن دعا کردنست .

---

(۱) نمل ۶۳
(۲) انعام ۴۲.
(۳)انعام ۶۳ .
(۴) انبیاء ۹۰.

و خدای سبحان فرموده بنده گرفتار می‌شود تادعا و زاری کندو حضرت فرموده است که خدا چنین نباشد که باب دعا را بروی بنده بگشاید و از آنطرف باب اجابت را بروی بنده به بندد وخدامیفرماید بخوانید مرا تا شمارا اجابت کنم و خدا چنین نیست که از طرفی در توبه را بروی بنده باز کند و ازطرف دیگر درآمرزش را برویش به بندد «وهو الذی یقبل التوبة عن عباده و یعفو عن السیئات» (۱) و اوست که میپذیرد توبه را از بندگانش و درمیگذرد ازبدیها.

و نیز خدا چنین نباشد که در شکر را بگشاید و در زیادی نعمت را بروی بنده به بندد زیرا که خودش میفرماید: «لئن شکرتم لازیدنکم» (۲) اگر شما سپاسگذاری کنید مسلم نعمت شمارا زیاد کنم وهیچ گاه خدا در توکل رابروی کسی نمیگشاید که برای توکل کننده مخرجی قرار ندهد زیرا که خدای سبحان میفرماید: «و من یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لایحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه» (۳) و هر کس از خدا بپرهیزد خدای برای او راهی قرار میدهد و روزیش را از آنجا که گمان ندارد میرساند و هر کس برخدا توکل کند همان توکل اورا کافیست.

و حضرت فرمود که دعا برطرف میکند قضای مسلم را وفرمود هر کس شادمانست که بلا از او برطرف شود باید دعا زیاد کند و سزاوار است که بنده باتمام همت و قلب متواضع ونیت خالص و بدن

---

(۱) شوری ۲۴، (۲) ابراهیم ۷.

(۳) طلاق ۳

خاضع واعضای ذلیل‌شده برای خداویقین محکم‌داشته باشد به‌مستجاب شدن دعا با این شرائط دعا کند تا اینکه گفته‌ی خدای تعالی را که میفرماید: «ادعونی استجب لکم» تصدیق نماید و دلش سرگرم‌بجز خدا نباشد.

وحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: که برای دعا چهارشرط است اول توجه کامل بخدا دوم سرشت با اخلاص سوم شناختن خدا چهارم انصاف در سئوال زیرا روایت شد که‌حضرت موسی‌بمردی گذشت که در حال سجود گریه میکرد و زاری می‌نمودو خدا را میخواند موسی عرض کرد: پروردگارا اگر حاجت این بنده بدست من‌بود، مسلم برآورده میکردم، خدا به موسی‌وحی فرستاد که اومرا میخواند ولی دلش به گوسفندانش مشغول است پس اگر آنقدر مرا سجده کند که مهره های پشتش خشك شود و دیدگانش نابینا دعایش را مستجاب نکنم.

و در روایت دیگر است که دعایش‌را مستجاب‌نکنم تا از آنچه که من دشمن دارم برگردد و بآنچه که دوست دارم‌توجه کند وخدای تعالی میفرماید که‌همانا بنده برای حاجتی که‌داردمرا میخواندسپس من دستور میدهم که‌برآورده‌شود پس او گناه میکندمن‌بفرشته‌میگویم که بنده‌ی من متوجه به خشم من شد به سبب معصیت وگناه پس او سزاوار است که نا امید شود و او نخواهدرسید بآنچه که در پیش من است مگر به پیروی از من.

ونبی‌اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌است که همانا بنده دستهایش را بسوی خدا بلند میکند وحال آنکه خوراکش حرام است‌ولباسش حرام‌است

با اینحالت‌چطور برای‌او دعامستجاب می‌شود و فرمود سه خصلت‌است که به آن سه خصلت خیر دنیا و آخرت بدست می آید یکی سپاسگذاری در برابر نعمت های پروردگار و شکیبائی‌هنگام سختی‌ها و دعا هنگام رسیدن بلا .

و حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود : که‌هرگاه نعمت ازمردم گرفته شود و بر آنان بلا فرودآیدپس‌باعشق‌فراوان‌ونیت خالص بخدا پناه آورند مسلم نعمت از دست رفته‌برگردد وخدا اصلاح کند مفاسد کارهایشانرا ولی آنان کوتاهی در سپاسگذاری نعمتها کنند خداهم نعمتهارا بگیرد و همانا خدای تعالی نعمتهارا به‌بندگانش عطامیکند بشرط‌اینکه سپاسگذاری کنند و برای ادای حقوق الهی بپاخیزند سپس هرگاه بنده کوتاهی در وظیفه کرد برخداست که نعمتش را تغییر دهد .

و نیز حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام فرمود : که‌مریضی زکوة بدن است ، احسان زکوةنعمتهاست و هر نعمت که از آنان بدیگران احسان شود از نابود شدن درامانست ونگهداری ازتغییرمی‌شود ونیز فرمود که بخداسوگند خدانعمتی را ازمردم نمیگیردمگربواسطه‌ی گناهانی که کسب کرده اند پس به بندید نعمتها را به سپاسگزاری ونگاه داری به طاعت خدا ونیز فرمود دعا کلید رحمت ، چراغ پارسایان ، وسیله‌ی عشق عابدان است نزدیکترین‌مردم به اجابت دعاو رحمت پروردگار بیچاره‌ایست که ناچار است از دعا کردن بویژه آنگاه که شکیبائی را از دست داده .

و حضرت نبی‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود : هنگام‌تمام شدن صبر گشایش

و فرج می‌آید و زنی خدمت حضرت صادق علیه السلام آمد وعرضکرد ای پسر رسول خداپسرم بسفری رفته مسافرت‌او طولانی‌شده خیلی مشتاق دیدار اویم خدارا برای‌من بخوان حضرت فرمودبر تو باد به‌صبر کردن زن برگشت و چند روزی شکیبائی را پیشه کرد بعد از آن خدمت حضرت آمد وعرضکردنیامدن پسرم طولانی شد حضرت فرمود: بتو نگفتم که صبر کن عرضکرد ای پسر رسول خدا چقدر بایدصبر کنم بخدا سوگند که دیگر صبر من تمام شده.

حضرت فرمود بخانه‌ات برگرد پسرت از سفرآمده زن‌بخانه برگشت دید پسرش از سفر برگشته زن بخدمت حضرت آمد وعرض کرد بعد از رسول خدا بشما وحی نازل می شود فرمود نه ولی رسول خدا فرموده هرگاه صبر تمام شدفرج میرسد چون تو گفتی صبرم تمام شده فهمیدم که خدا غم ترا برطرف کرده است بآمدن پسرت. دعا آشکار کردن بنده است تهی دست‌واحتیاجش را بسوی‌خدای تعالی با منتها درجه‌ی پستی و کوچکی و فروتنی و هرگاه بنده چنین شد حق بندگی‌را بجا آورده و خواسته ی‌خداهم بر استجابت‌بهمان اندازه که صلاح بنده و اقتضای عدل وحکمت خداست‌برآن تعلق گیردزیرا که جود و بخشش‌خدا ازمرزحکمتش تجاوز نمیکند.

هما نا خدا منع فیض‌از بنده به جهت بخل یا نبودن نمیکند بلکه منع بواسطه‌ی مصلحتی است که بنده نمیداند و اقتضای حکمت خدا برآن منع‌است نه بر سئوال بنده درآنچه که میل‌آن بنده‌است و بهمین جهت فرموده‌است خدای تعالی: لو اتبع الحق اهوائهم‌لفسدت

السموات ومن فیهن » (۱) و اگر خدا از خواسته‌های ایشان پیروی کند مسلم تباه شوند آسمانها وزمین وهر که در آسمان وزمین است زیرا که بنده میخواهد ازخدا آنچه را که خیال میکند صلاح اوست ولی خدا عمل میکند بر آنچه که میداند مانند کسیکه از خدا مال فراوان میخواهد ولی خدا میداند که دادن مال زیاد سبب طغیان و سرکشی او میشود پس خدا مهربانی میکند بآن بنده و مال فروان بوی نمیدهد .

پس منزه است خدائی که بخشش کرم ومنع جودش فضل است و هر کس زیاد دعا کند و سپاسگذاری و حمد وثنای برخدا نمایدخدا هم باو عطا میکند بهتر از آنچه که به سؤال کنندگان می بخشد زیرا که خدای تعالی در بعضی از کتابهایش میفرماید : هرگاه بنده بجای سئوال از من سرگرم ذکرمن شود باو عطا می کنم بهتراز آنچه که به سئوال کنندگان میبخشم .

و سزاوار است آدمی که بزبانش دعا می کند بدلش از آنچه که برسرش آمده راضی باشد تا اینکه بین رضا وامیدواری را جمع کند و سزاوار نیست که بنده از دعا کسل و ملول شود، طول دادن برای او بهتر است تا زمانیکه وقت عمل واجب را تنگ نکند ودر خبر است که همانا خدای تعالی زمانیکه دوست دارد که بشنود صداو دعای بنده‌اش را مستجاب شدن دعایش را بتأخیر می اندازد و میفرماید ای جبرئیل برآوردن حاجتش را دنبال بینداز زیرا که من گریه وزاری اورا دوست دارم وهرگاه خدا خوش ندارد که صدای بنده اش را بشنود میفرماید

ای جبرئیل شتاب کن در حاجت‌او زیرا که من خوش ندارم صدایش را بشنوم .

این کار زمانیست که بنده نافرمانی خدا را نماید و همانا بنده خدا را میخواند ولي خدابراو خشمگین‌است پس اورا ردمیکند دوباره بنده خدایش را میخواندخداوندمیفرماید که بنده‌ی من‌سوای من را نخواند و بدرخانه‌ی غیر من نرفت پس منهم دعایش‌را مستجاب کردم .

پس باید از تاخیر افتادن اجابت نا امید نشوید و بجای دیگر نروید و فاصله بین دعا کردن موسی وهرون در باره‌ی فرعون تازمان مستجاب شدن چهل سال بود از آنوقتی که خدا فرمود دعای شما را مستجاب کردم تا زمانی که مستجاب شد چهل سال طول کشید .

و روایت شده که در زمان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تاجری از مدینه بشام مسافرت میکرد ولی با کاروانی نمیرفت و توکل برخدا داشت در یکي از سفرها دزدی سر راهش را گرفت و باو فریاد زد که در جای خود بایست تاجرایستاد وبمرد دزد گفت مال مرا بگیر و مرا واگذار دزد گفت ترا وانگذارم تاجر گفت پس بمن اجازه ده وضو بگیرم و چهار رکعت نماز بجا آورم دزد گفت هرچه خواهی‌انجام ده

تاجر وضو ساخت و نماز گذارد بعد دستهایش را بسوی آسمان بلند کرد وگفت : « یا ودود یا ودودیاذاالعرش المجید یامبدء یامعید یاذاالبطش الشدید یا فعالا لما یرید اسئلك بنور وجهك الذی ملا ارکان عرشك‌واسئلك‌بقدرتك‌التي‌قدرت بهاعلي‌جمیع خلقك‌وبرحمتك

التی وسعت کل شیء لااله الا انت یا مغیث اغثنی یا مغیث صل علی محمد و آل محمد و اغثنی .

ناگاه سواره ایکه بر اسب سیاهرنگی مایل بزردی سوار بود و لباسهای سبزی بر تن پوشیده بود و نیزه ای بدست داشت پیدا شد و بر دزد سخت گرفت با نیزه اورا کشت بعد بتاجر گفت بدانکه من فرشته ای از آسمان سوم باشم هنگامیکه دعا کردی شنیدیم که درهای آسمان بازشد جبرئیل فرود آمد و مرا فرمانداد کهاین مرد را بکشم و بدانکه ای بندهی خدا هر گرفتاروغمگین ایندعای ترا بخواند خداوند گرفتاری او را برطرف کند و اورا پناه دهد مرد بازرگان بسلامت بمدینه آمد سپس پیغمبر بآنمردخبر داد کهخدای اسم های حسنایخودش‌را بتو تلقین کرد همان اسمائیکه هرگاهخدا بآنها خوانده شود جواب دهد وهر گاه بواسطه آنها از خدا چیزی بخواهد باو داده شود .

(مصنف این کتاب) که خدا او را شامل رحمت پهناورش‌قرار دهد گفته است که از شرائط و آداب‌دعا این‌است که بندهٔزیرك باشد که دلش را سرگرم بغیراز خدا نکند زیرا نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود همانا خدا مستجاب نمیکند دعای بنده ای را که دلش مشغول‌لهو است و شرط دیگر دعااین است کهخوراك و لباس بنده ازحلال تهیه شده باشد زیرا که خدایتعالی‌میفرماید : «انما یتقبل اللهمن‌المتقین» همانا خدا از پرهیزکاران میپذیرد .

مردی‌بحضرت صادق علیه السلام عرضکرد که مادعا می کنیم ومستجاب

نمی‌شود فرمودشما کسی را میخوانید که ازاو نمیترسید ونافرمانیش را میکنیدچطور دعای‌شما را مستجاب کند عثمان بن عیسی‌از کسیکه از حضرت ابیعبدالله حدیث کرده روایت نموده که او گفت بحضرت صادق علیه السلام عرضکردم دو آیه است در کتاب خدا که بآندوعمل‌میکنم ولی نتیجه ی مثبت نمیگیرم فرمود کدام دوآیه ؟ عرض کردم قول خدای‌تعالی که میفرماید « ادعونی استجب‌لکم » ما خدا را میخوانیم و جوابی نمی‌شنویم .

حضرت فرمود آیا خدا را دیده ای که خلاف وعده‌ی خود کند عرض کردم‌نه‌حضرت پرسید پس چرا اجابت نمی کندعرضکردم نمیدانم سپس حضرت فرمود من ترا خبر میدهم هر کس فرمان‌خدا را اطاعت کند از راهش خدا دعایش رامستجاب کند عرضکردم‌راه دعا چیست ؟ فرمود راه دعا این است که شروع به ستایش پروردگار کنی و نعمتهائی را که بتوارزانی داشته یاد آوری و سپاسگذاری نمائی بعد صلوات بر پیامبر فرستی بعد گناهانت را بخاطر آوری و اقرار بآنها کنی سپس طلب آمرزش از خدا کنی این است راه و شرائط دعا کردن .

حضرت پرسید آیه دیگر چیست‌عرضکردم گفته‌ی خدای تعالی که میفرماید : « ماانفقتم من شیء فهو یخلفه » (۱) هرچه در راه‌خدا انفاق کنید پس خدا عوضش را بشمامیدهد ولی من در صدقات خود عوضی ندیده ام‌حضرت فرمود آیا خدا خلاف وعده‌اش می کند عرض

---

(۱) مؤمن ۵۹ .

کردم نه فرمود پس چرا خدا عوض انفاق بنده اش را نمیدهد عرض کردم نمی‌دانم فرمود اگر یکی از شما مال حلال بدست آورد واز آن در راه خدا انفاق کند در راهش انفاق نمیکند مگر اینکه خدا عوضش را باو بدهد.

وحضرت رسول فرمود بنده ای نیست که بخواند خدارا خواندنی که قطع پیوند خویشاوندی و گناه دیگری نداشته باشد مگر اینکه خدا سه خصلت باو عطا میکند یا شتاب در برآوردن حاجتش یااینکه آن دعا را برای او پس اندازمی کند یا بدی‌ها را از او برطرف میکند عرضکردند ای رسولخدا دراین هنگام بما چیزی فروان بخشیده شده فرمود خدا بیشتر و بهتر از اینها دارد.

و در وحیی که بموسی فرستاد فرمود که من نیافریدم آفریدگانی را دوست تر بسوی خودم از بنده‌ی مؤمنم و همانا اورا گرفتار میکنم برای چیزی که خیر اوست وعافیت عطا می کنم برای چیزیکه آن بهتر است برایش ومن دانا ترم با نچیزیکه اصلاح میشود بآن بنده‌ی من پس باید صبر بر بلای من وشکر نعمتهای من را بکند تا اورادر زمره‌ی راستگویان قرار دهم درپیشگاه خودم اگر راضی برضای من باشد واطاعت امر مرا کند.

و از حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام روایت شده که خدای تعالی میفرماید فرمانبرداری مرا بکنید در آنچه که شما را فرمان میدهم ومصالح خود را بمن میاموزید که من بمصالح کارتان آماده ترم و من در بارهٔی مصالح تان برشما بخالت نمی ورزم وحضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله

فرمود : ای بندگان خدا شما مانند بیمارانید و پروردگار عالمین مثل دکتر است پس صلاح مریض در دست طبیب است که هرچه در بارهٔ بیمار پیش‌بینی کند در آنچه که‌میل‌مریض‌نمیکشد آگاه باشید امر خدا را بخدا واگذارید تا بهره مند شوید .

و از حضرت صادق روایت شده که خداهیچ حکمی در بارهٔ مؤمن نمیکند مگر اینکه برایش خیر باشد اگر با قیچی ریز ریز شود برایش خیراست و اگرهم مالك شرق وغرب عالم شود برایش‌خیر است و در آنچه که بداود وحی رسید چنین باشد که هر که با من بپیوندد کفایت امرش را نمایم وهر کس از من بخواهد باو عطا کنم و هر کس مرا بخواند جواب دهم و همانا خواسته اش را بتاخیراندازم تا اینکه مقتضی موجود شود هر گاه مقتضی موجود شد آنچه خواسته باو بدهم .

ای داود بگو بمظلوم همانا مستجاب شدن دعایت را بتاخیر اندازم، عاقبت دعای‌ترا بر ضرر ستمگر تومستجاب می کنم‌تاخیر آن برای مصالح زیادی ایست که ازنظر تو پنهانست ومن ارحم الراحمین و بهترین قضاوت کنندگانم .

یا بواسطهٔ این است که تو مردی را ستمکرده ای اوهم بر ضرر تو دعا کرده پس این دعای تو در مقابل دعای او است که نه بنفع ونه‌هم برضرر تو باشد و یا بدین جهت است که برای تو در بهشت درجه و مقامی باشد که کسی بآن درجه‌نمیرسد مگر بواسطه ظلمی که باو برسد زیرا که من بندگانم را در مالها . و جانهایشان

آزمایش میکنم چه بسا بنده را بیمار کنم پس خدمت واطاعت ونمازش کم‌می‌شود او دراین حال غم وغصه که مرامیخواند دوست‌تر است برای من از نماز نمازگذاران و چه بسا بنده نماز می‌خواند پس آن نماز را بصورت او میزنم که‌صدایش‌راازمن پوشیده دارد.

آیا میدانی که این بنده کیست‌ای داود این شخصی‌است زیاد بخانواده‌ی مؤمنان بچشم بدنگاه میکنداین کسی‌است‌باخودش‌میگوید اگر روزی زمامدارمردم شدم گردن های‌مردم‌راازروی ستم‌میزنم ای داود گریه کن برگناهانت مانند زن بچه مرده‌برفرزندش.

اگر دیدی‌درجهنم مردمی راکه گوشت یکدیگرر امیخورند بوسیله‌ی زبانهایشان و بین دو متخاصم قرارگرفته اند و باگرزهای آتشین آنانرا میزنم سپس فرشتگانی را بر آنان مسلط میکنم که آنانرا نکوهش کنند میگویند ای اهل دوزخ‌این‌فلان‌زبان درازاست (که زبان درازی میکرد) بشناسید اورا چقدر نمازهای‌طولانی‌خواند وچقدر در آن نمازها گریه کرد از خوف خدا ودرنزدخدا باندازه‌ی شکاف دانه‌ی خرما ارزش نداشت هنگامیکه بدلش نگاه کردم او را از نظر نماز سالم یافتم ولی زنی برای‌او آشکار شد وخودش‌را دراختیار او قرار داد اوهم اورا پذیرفت و اگر بامؤمنی معامله کرد خیانت در حق او نمود.

وحضرت صادق عليه‌السلام فرمود : کیفیت بلند کردن دو دست برای دعا این است که کف دو دست را بسوی آسمان‌بلند کنی این نوع دعارغبت است یا قراردادن پشت دستها را بطرف آسمان که‌رهبت

است یا بلند کردن دو انگشت سبابه را وحرکت دادن بطرف چپ و راست که تضرع و زاریست و بلند کردن دستها را بطرف آسمان ابتهال است وفرمود : کیست از شما ابتهال کند که اشك چشم بصورتش جاری باشد .

و سزاوار است از برای کسی که دعا میکند پاك و رو بقبله باشد و یکی از آداب دعا این است که درمکانهای شریفه ودر اوقات شریفه و بعداز نماز باشد و دردستش انگشترعقیق باشد روایت دارد دستی که در آن انگشتر عقیق باشد دعایش رد نمیشود وفرمود دستی بسوی آسمان بلند نمیشود که دوست تر باشد در نزد خدا از دستی که در آن عقیق است و آن عیقق امان است در سفر و حضرت رسول فرمود دو رکعت نماز با انگشتر عقیق بهتر است از هفتاد رکعت بدون انگشتر عقیق و فرمود عقیق اولین گوهری است که اقرار به یکانگی خدا و نبوت حضرت محمد و ولایت علي عليه السلام کرد و خدا مقدر فرمود هر دستی که در آن انگشترعقیق باشد و بدعا بلندشود آنرا رد نکند و آنرا عذاب نکند .

و روایت شده که مردی نابیناشدمصیبتش را بسوی خد اشکایت کرد در خواب دید که گوینده ای میگوید این دعا را بخوان : « یا قریب یا مجیب یا سمیع یا بصیر یا لطیف یا خبیر یا لطیفاً لما یشاء صل علي محمد و آل محمد ردّ عليّ بصري » پس خدای تعالی چشمانش را باو بر گرداند .

و روایت شد که جوانی بپردهٔ خانهٔ کعبه چسبیده بود و گریه میکرد و میگفت «الهي لیس لك شريك فيؤتي ولاوزير فيرشي

ولا حجاب فینادی ان اطعتك فلك الحمد و الفضل و ان عصیتك فلك الحجة فباثبات حجتك علي وقطع حجتي اغفرلي » پس شنید که گوینده‌ای میگوید که تو از آتش آزادی و بهترین دعا آنست که درد وغم را را بهیجان آورد وپارتی کنه کاران اشکهای چشم آنانست پیغمبر فرمود برشما باد بگریه کردن از ترس خدا زیراکه بهر قطره‌ی اشکی که بریزید خداخانه ای در بهشت برای شما بنا کند وچیزی در نزد خدا بهتر از قطره‌ی اشکی که ازترس خدا ریخته شود و ازقطره‌ی خونیکه در راه خدا روانشود نیست وهرگاه خدا بخواهد خیری به بنده‌اش برساند در دلش پرده ای از غم واندوه قرار دهد.

همانا خدا قلبهای اندوهناك را دوست دارد بهترین دعا آنست که پنهان باشد چنانچه خدای تعالی فرموده « ادعوا ربکم تضرعاً وخفية » (۱) خدارادرنهان بخوانید.

رسول اکرم فرمود: بهترین عبادات پنهان ترین آنهاست و نیز فرمود بهترین ذکر، ذکر پنهانی است وفرمود دعای نهانی هفتاد برابر دعای آشکار فائده دارد و خدا بدین جهت زکریا را ستایش میفرماید: « اذنادی ربّه نداءاً خفیا »(۲) هنگامی که خواند پروردگارش را خواندنی پنهان پیغمبر اکرم شنید که گروهی باصدای بلند دعا میکنند فرمود صداها تانرا بلند مکنید زیراکه خدای شما کر نیست.

---

(۱) اعراف ۲۶ . (۲) مریم ۲ .

باب چهل و هشتم

درستایش فقر و سر انجام کار

بهترین گواه برفضیلت و برتری فقیران بر ثروتمندان گفته‌ی نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود فقیران پانصدسال زود تر از ثروتمندان وارد بهشت می شوند.

و از حضرت ابی عبدالله علیه السلام روایت شده که فقیران و تهی‌دستان مؤمنان در بهشت گردش میکنند چهل سال پیش از ثروتمندان فرمود برای شما مثلی بزنم همانا مثلش مانند دو کشتی باشند که ازگمرک میگذرند مأمور وصول گمرک بیکی از آندو نگاه میکند آنرا پر از بار می بیند دستور میدهد آنرا نگاه دارید.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده هرگاه روز قیامت شود دو بنده‌ی مؤمن را نگاه‌دارند برای بازجوئی که هر دوی آنها اهل بهشت باشند یکی تهی‌دست و دیگری ثروتمند فقیر عرض میکند پروردگارا چه بازجوئی از من‌میکنیدسوگند بعزت تو که تو میدانی نه زمامدار بودم که عدل و داد یا ستم کنم مالی هم بمن ندادی که حقی رابدهم یا منع کنم روزی من باندازه‌ی نیازم بیش نبود خطاب میرسدبنده‌ی من راست میگوید اورا وارد بهشت کنید.

ثروتمند را آنقدر نگاهدارند عرق ازبدنش جاری شود که‌اگر چهل‌شتر بیاشامند ازآن‌عرق‌سیر آب شوندبعد اورا وارد بهشت کنند سپس مرد فقیر از او می پرسد چرا دیر آمدی جواب دهد حساب‌من

خیلی طولانی بود می از من میپرسیدند از چیزی بعداز آن از چیز دیگر حساب میخواستند و خدا آنرا بمن میبخشید باز از چیزدیگر حساب میخواستند تا عاقبت خدا مرا برحمت‌خود پوشاند ثروتمند از او می پرسد شما چکاره هستی؟ در پاسخ گوید من همان فقیرم که با تو برای حساب ایستاده بودم ثروتمند گوید که نعمت بهشت کاملا ترا تغییر داده که ترانشناختم واین از بزرگترین نعمت های خداست برفقیر که حسابش را سبك شمارد واورا پیش ازثروتمند واردبهشت کند.

و یکی دیگر از خوشبختی های فقیر این است که در دنیا از او مالیات و عوارضی نمی گیرند و در آخرت حسابی ندارد ودلو قلبش از خدا برنمیگرددبواسطه غم و اندوه ثروت ازقبیل نگهداری آن ثروت، ترس ازبین رفتن ثروت، ترس خراج و مالیات سلطان، بیم خطر دزد برآن ثروت، ترس حسد حسودان برآن دارائي که با چه پیش بینی آنها را دفع کند، چطور آن ثروت را زیاد کند، چگونه‌ملك هایش را آباد کند، به چه وسیله به نمایندگانش برسد برای پول کرایه حمل و نقل چکار کند، باچه‌ترتیبی زراعتهایش را بخش کند، بارنج وزحمت مسافرت های‌تجارتي چه کند، با غرق شدن مرکبها چه باید کرد با ارث برهائي که هرآن آرزوی مرگ و مردنش را دارند چطور بسر برد.

و اگرخیال او از آفتهای‌مالي و جاني دنیا راحت شد حسرت و اندوه مردن و حساب اموال درآخرت اورا ناراحت دارد غصه‌ی این

را دارد که این اموال بدست کی بعداز او بیفتد یا شوهر بعدی زنش ارث برد یا بدست همسرش افتد و یا دامادش ارث برد خواهی نخواهی یکی از اینها که گفته شد مالش را بارث تصرف کنند نتیجه ایکه باو رسیده همان رنج و زحمت بدست آوردن مال وغم غصه ی نگهداری آن که بدان وسیله بکلی از خدا بیخبر شده و از بندگی خدا غافل گردیده و بهره ی مالش را دشمنانش برده اند درصورتیکه همیشه ثروتمند بواسطه آن مال جانش را در خطر نابودی در کوه و صحرا وبیابانها انداخته اگر در دریا بوده با مالش غرق شده و اگر در بیابان بوده دزدها از او گرفته اند واو را کشته اند پس ثروتمند همیشه در خطر مالی وجانی قرار گرفته ولی فقیر از همه ی عالم قطع کرده و با خدا ارتباطش را بر قرار کرده و باندکی از روزی و پوشاکی که خود را بپوشاند قناعت کرده .

و بعضی از دانشمندان گفته اند که فقیر ازسه چیز راحت است ولی ثروتمند گرفتار آن سه باشد پرسیده شد که آن سه چیز چیست گفت ظلم سلطان، حسد همسایگان، چاپلوسی برادران، و بعضی گفته اند که فقیران سه چیز را اختیار کرده اند یقین و آسودگی خاطر و سبکی حساب، وثروتمندان هم سه چیز را اختیار کرده اند رنج وزحمت نفس ، سرگرمی قلب و دل و سختی حساب و بدین جهت است که فقر وتنگدستی زینت اولیاء وشعار مردمان شایسته است .

وبحضرت موسی وحی شد که هرگاه دیدی فقر بتو روآورد بگو مرحبا به شعار صالحین و هرگاه دیدی که ثروت بتو روآورده

بگو گناهی است که بزودی مجازاتش خواهد رسید.

بعد نگاه کن در داستان و صفات پیامبران و آنچه که درشرح حال آنانست از قبیل تنگدستی درزندگی، این موسی کلیم خداست که خدا اورا برای وحی خود انتخاب کرده آنقدر از علفهای بیابان بجای غذا خورد که از پوست بدنش اثرسبزی آنها پیداست وبدن بر اثر ریاضت لاغر ونحیف است.

وآنچه که ازخدا خواست هنگامیکه زیرسایه‌ی درخت رفت(۱) و عرضکرد «ربانی لما انزلت الی من خیر فقیر» (۲) پروردگار من برای آنچه که ازخیر بسوی من فرستادی نیازمندم اورا نانی نبود که بخورد حالش چنین بود که سبزیهای زمین را میخورد و روایت شده که موسی روزی عرضکرد پروردگارا همانا من گرسنه‌ام خطاب رسید من بگرسنگی تو آگاهم عرضکرد پروردگارامرا غذابده فرمود تا اراده‌ی من کی تعلق بگیرد بغذا دادن تو.

و روایت شده وحی بموسی رسید که ای موسی فقیر و بینوا کسی است که مانندمن روزی رسانی نداشته باشد، مریض آنکس باشد که پزشك و طبیبی مانند من نداشته باشد، غریب ودور از وطن آنکس باشد که مانند من مونس و دوستی نداشته باشد.

ایموسی خوشنود شو به تکه ای از نان جو که جلو گرسنگی

---

(۱) اشاره بوقتی است که برای دختران شعیب در مدین آب کشید و خسته شد سپس رفت در سایه ای نشست درحالتیکه گرسنه بود از خداچیزی خواست که سد جوع کند - مترجم.

(۲) قصص ۲۴.

بگیرد و به لباس کهنه ای که بآن خود را بپوشانی و بر مصیبت ها شکیبائی کن و هر گاه دیدی دنیا بتو رو آورده بگو «اناللّٰه وانا الیه راجعون» و باخود بگو مجازات عملی است که بمن روآورده درد نیا و هر گاه دیدی که دنیا پشت بتو کرده بگومرحبا به شمار صالحین.

ای موسی شگفت منما از آنچه که بفرعون داده شده وازآن بهره برده زیرا که آن خوشی موقتی است در دنیا که زودگذر است.

و اما داستان زندگی حضرت عیسی بن مریم روح و کلمه‌ی خدا این است که میفرمود: خادم من دستهای من است مرکب سواریم پاهایم، فرش و بستر من زمین، متکای من سنگ، وسیله‌ی گرمی من آفتاب، چراغ شبم ماهتاب، نان خورشم گرسنگی، شعارمن ترس و بیم از خدا، لباس من پشمی، میوه‌ی و گل و ریحان من همان است که از زمین برای وحشیان و چهار پایان میروید، شب را صبح کردم با تهی دستی، روز را به شب رساندم با نیازمندی در عین حال کسی در روی زمین ازمن بی نیاز تر نیست.

و اما زندگی و داستان نوح چنین است با اینکه اواز نظر من بزرگترین رسولان بود و در دنیا عمری طولانی داشت چنانکه در بعضی از روایات است یکهزار و پانصد سال زندگی کرد وپس ازآن درگذشت درصورتیکه خانه ای برای خودش درین مدت نساخت وچنین بود هرگاه شب را صبح میکرد میفرمود روز را به شب نخواهم رساند و چون روز را به شب میرساند میگفت تا صبح زنده نخواهم ماند.

و چنین بود پیغمبر ما حضرت محمد صلى الله عليه وآله وسلم او از دنیا رفت ولی دو تا خشت درین دنیا برای خودش روی‌هم نگذاشت و روزی حضرت مردی از اصحابش را دید که خانه میسازد با گچ و آجر فرمود کار از این زودتر میگذرد (یعنی مرگ ازساختن اینخانه زود ترمیرسد) و اما شرح حال وزندگی ابراهیم پدرپیامبران لباسش پشم وخوراکش نان جوین بود.

و اما داستان وقصه‌ی یحیی فرزند زکریا، لباسش لیف خرما، خوراکش برگ درختان بود و اما حضرت سلیمان با آن زمامداری وکشور داری لباس موئی میپوشید و چون تاریکی شب فرامیرسید دستهایش را بگردنش می بست‌تاصبح سرگرم نماز وگریه بود وخرج خانه او ازفروش زنبیل ها که میبافت تامین میشد.

و همانا سلیمان از خدا سلطنت خواست تا نیرومند شود و بر سلاطین کافر مسلط و پیروز شود و گفته شده که از خدا قناعت خواست.

و اما سید بشر حضرت محمد صلى الله عليه وآله وسلم غذا و لباسش را فهمیدی و گفته شده که آنحضرت گرسنه شد سنگ بر شکم بست بعد فرمود چه بسا افراد که نفس خود را گرامی داشتند همان احترام نفس را پست و خوار کرد و چه بسااشخاصیکه نفس خویش‌را توهین کردند و آن توهین باعث احترام نفس شد آگاه باش چقدر گرسنه‌ی برهنه‌در دنیا در آخرت سیر و در ناز و نعمت قرار گرفتند آگاه باش چقدر کسانیکه در دنیا غرق‌درنعمت‌وخوشگذرانی بودند ولی‌مطابق آنچه که

خدا برسولش عطا فرمود آنان را در قیامت بهره‌ای نیست آگاه باشید که عمل اهل بهشت سختی های فراوانست ولی عمل دوزخ شهوترانی وکارهای آسانست آگاه باش که شهوترانی یکساعت اندوه و غصه‌ی طولانی روز قیامت بار آورد.

و اما زندگانی حضرت علی سیدالوصیین و تاج عارفین وبرادر مهربان رسول پروردگارعالمین ﷺ پس حال آنحضرت درپارسائی و دلباختگی آشکارتر است از اینکه حکایت شود سویدبن غفلة گفت بر حضرت امیر المؤمنین ؏ وارد شدم بعدازآنکه با نحضرت برای خلافت بیعت کرده بودند و آنحضرت برفراز حصیری نشسته بود درخانه جز او کسی نبود سپس عرضکردم یا امیرالمؤمنین بیت‌المال مسلمین در اختیار شماست من در این خانه‌چیزی ازآنچه که‌یك‌خانه را لازم دارد نمی بینم.

سپس حضرت فرمود ای پسر غفلة‌خانه ایکه‌باید ازآن بیرون شد نیازی باثاث ندارد ومارا خانه ایست که بهترین اسباب واثاثیه‌ی خود را بدانجا انتقال‌داده ایم و مابزودی بآنجا خواهیم رفت و چنین بود که هرگاه‌میخواست لباسی‌بپوشد وارد بازارمیشد دوجامه‌میخرید و جامه بهتر را بقنبر می‌داد ودیگری را خودش می‌پوشید وبعدپیش نجار می‌آمد آستینش را میکشیدومیفرمود آستین را باتیشه‌قطع کن تا در مورد دیگری مصرف شود آستین دیگری را بحال خودش باقی می گذاشت و می فرمود این را از بازار میگیری برای حسن و حسین.

پس باید ای خردمندان با چشم‌صاف و روشن و اندیشه‌ی‌دست نخورده نگاه کنید که اگر در دنیا و زیادی دنیا خیری میبود ازین مردان زیرك فوت نمی‌شد آنانکه‌خلاصه‌ی آفرینش وحجت‌های خدایند برسایر مردم بلکه بواسطه‌ی دوری از دنیا مقرب درگاه خدا شدند بطوریکه امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود ترا ای دنیاسه طلاقه کردم که رجوعی درآن نباشد.

و روایت شده خدای‌تعالی در قیامت بفقرا میفرماید من شما را برای پستی فقیر نکردم بلکه چون فقر برای شما بهتراست شما را تهی دست قرار دادم و خدای تعالی در بعضی از کتابهایش فرموده وای برشما ثروتمند را ثروت ندادم بجهت گرامی داشتن او همانا ثروتمندان را بوسیله فقرا آزمایش می‌کنم و اگر فقرا نبودند ثرتمندان سزاواربهشت نمیشدند.

و رسول خدا فرمود: که همانا خدا گرد آورد روز قیامت ثروتمندان وتهی دستان را سپس ندا کننده ای برانگیزاند که از فراز عرش صدا میزند ای گروه مؤمنان هریك از شما پیوند کرده با برادر مؤمنش در راه خدا اگر چه بیك لقمه‌ی نان و خورش باشد خدا باو غذای بهشت دهد پس دست‌اورا بگیرد و داخل بهشت کند.

و فرمود که فقرا روز قیامت بهتر می شناسند ایشان را از پدران و مادرانشان فرمود مرد فقیر می‌آید ودست برادر مؤمنش که با او پیوند کرده و اکرام باو نموده میگیرد و میگویدای برادرآیا مرا میشناسی آیا تو نبودی که در فلان روز خوبی بمن کردی تمام

خوبیهایش را یاد آوری می کند وبخاطرش‌می‌آورد که چطورخوبی کرد و چطور باو اکرام کرد و بعد دستش رامیگیرد می گوید کیجا سپس مرد فقیر میگوید بسوی بهشت میرویم‌زیرا که خدا بمن اجازه عنایت فرموده که ترا به بهشت ببرم پس راه می‌افتند بطرف‌بهشت او را وارد بهشت میکنند برحمت و فضل و کرم خدا نسبت به‌بنده‌ی فقیر و مؤمنش .

و روایت شده که فقیران مؤمنین هفتاد سال زودتر از ثروتمندان وارد بهشت می‌شوند و اماثروتمندسر کشی میکنند چنانکه خدای تعالی میفرماید : « ان الانسان‌لیطغی ان‌رآه استغنی »(۱)همانا انسان چون خویش را بی نیاز دید سر کشی می کند ثروتمند ثروت را جمع نمیکند مگر برای لذت و خوشگذرانی در دنیا خدای تعالی میفرماید « اذهبتم طیباتکم فی حیوتکم الدنیا و استمتعتم بها فالیوم تجزون عذاب الهون » (۲) خوشی تان را در دنیاگذرانیدید بشهوترانی پس امروز بهره ببرید عذابی را که پست میکند .

پس خدا آنانرا وعده‌ی عذاب داده وتکوهش در زیادی کرده چنانچه میفرماید «الهیکم التکاثر » این زیادطلبیهاشما را از عبادت و پارسائی باز داشته .

و از حضرت صادق ؑ روایت شده که مرد فقیری بخدمت رسول خدا آمد و در محضر آنحضرت ثروتمندی نشسته بود تا مرد فقیر پهلوی پولدار نشست اوبلا فاصله لباسهایش را جمع کرد و ازاو

---

(۱) اقرء ۵　　(۲) احقاف ۱۹.

دوری کرد رسولخدا فرمود چه چیز ترا وادار کرد که ازاودوری کنی ترسیدی از فقر او بتو چیزی بچسبد ؟ یا از ثروت تو باو چیزی بچسبد ثروتمند عرضکردحالا که چنین فرمودید بجرم اینکارم‌نصف ثروتم را باو دادم حضرت نبی اکرم بآنمرد فقیر فرمود قبول میکنی مرد فقیر عرضکردنه‌ای رسول‌خدانه حضرت‌پرسید چرا قبول نمیکنی عرضکردمیترسم همان مرضی که اورا فرا گرفت مرا نیز فرا گیرد.

بدانکه زنده کردن دین‌خدا وعزت دادن کلمات خداو فرمان برداری پیامبران و پیروی از شرایع واحکام و یاری کردن پیامبران و نشر دادن ادعای آنان اززمان آدم‌تا زمان پیغمبر ماحضرت محمد صلی الله علیه و آله نبوده مگر بواسطه فقیران مگر نشنیده‌ای‌داستان‌را که خدا در کتاب بزرگش با زبان پیغمبرش بیان میکند و نیز بیان کرده که متصدی انکار کردن ادیان ثروتمندان‌ستمگر وبزرگان متکبراند .

خدای تعالی از قول نوح حکایت میفرماید هنگامیکه او را سرزنش میکنند« قالوا انؤمن لك و اتبعك الا رذلون» (۱) گفتندآیا بتو ایمان بیاوریم با اینکه مردمان فرومایه ازتو پیروی کنند مراد از «اردلون» فقیرانند ونیز بحضرت شعیب گفتند : « وما نریك اتبعك الا الذین هم اراذلنا » (۲) نمی‌بینیم ترا مگراینکه فرومایگان ما از تو پیروی میکنند

و به شعیب گفتند « و انا لنریك فینا ضعیفا » (۳) و همانا ما ترا در بین خود فقیر می بینیم « ولولا رهطك لرجمناك و ماانت‌علینا

---

(۱) شعراء ۱۱۱. (۲) هود۲۹.

(۳) هود ۹۳ .

بعزیز » و اگر دار و دسته او نبود مسلم ترا سنگباران میکردیم و تو برما پیروز نیستی و مردمان سرکش ازقوم‌صالح گفتندبه کسانیکه از نظر عقیده ضعیف بودند. « اتعلمون ان صالحاً مرسلا من ربه قالوا انا بما ارسل به مؤمنون قال الذین استکبروا انا بالذی آمنتم به کافرون » .

آیا میدانید که صالح پیامبر خداست گفتند ما بآنچه که‌او‌از طرف خدا آورده ایمان داریم آنانکه‌تکبر ورزیدند گفتند ما بآنچه که شما ایمان آورده اید کافریم و فرعون از روی اهانت و تمسخر بموسی گفت « فلولا القی علیه اسورة من ذهب » (۱) پس‌چرا بر او دستبندهای از طلا انداخته نشد و نیز بحضرت‌محمد گفتند « او یلقی الیه کنز او تکون له جنة یاکل منها » (۲) یا چرا بسوی‌او گنجی افکنده نمیشود یا چرا اورا بوستانی که از آن بخورد نباشد .

تمام‌این ستایشها که گفته شدبرای‌فقیرانیست که برضای‌خدا راضی باشندونکوهش درباره ثروتمنداست .

باب چهل و نهم - ستایش ادب

و روایت‌شده در تاویل قول خدای تعالی که میفرماید : «قوا انفسکم واهلیکم ناراً وقودها‌الناس‌والحجارة» (۳) نگهدارید خودتان و اهل وعیالتان را از آتشی که هیزم آن‌مردم وسنگها است ابن‌عباس فرموده اراده کرده است باینکه خود وفرزندانتان را فقیه در دین

(۱) زخرف ۵۳ . (۲) فرقان ۹.

(۳) تحریم ۶.

نمائید و ادب کنیدآنانرابآداب شرع مقدس وخدای تعالی که بحضرت موسی بن عمران فرموده «فاخلع نعلیك انك بالوادالمقدس طوی» (۱) کفش خویش را بیرون آور زیرا که تو در وادی پاك و پاکیزه‌ای پس خدا فرمانداده است موسی را بکندن کفش هنگام مناجات و نیایش .

چونکه این آیه‌بر پیغمبر نازل شد « خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین » (۲) بگیر خوبیها را و فرمان بخشش بده و از نادان دوری کن رسول‌خدا فرمود که خداوندمرا باین آیه‌بتمام خوبیها ادب فرمود و بزرگترین آفریدگان از نظرادب نسبت‌بخدای تعالی پیامبرانند بعد جانشینان آنان و بعد کسانیکه کاملا از آنان پیروی میکنند .

و پیغمبر ما حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله ازتمام مردم ادبش نسبت بخدا بیشتر است چنانچه خدای‌تعالی میفرماید « انك لعلی‌خلق عظیم»(۳) همانا تو ای پیامبر دارای خوئی بزرگی وحضرت امیرالمؤمنین بفرزندش‌امام حسن فرمود : که ای پسرم بهره‌ی خود را از شرافت ادب بگیر و خاطرت را برای ادب آماده کن زیرا که‌ادب دل بالاتر از این است که آنرا آلوده ی به پلیدی کنی‌بدانکه‌هرگاه‌نیازمند شدی ادب ترا بی نیاز کند و هرگاه در دیار غربت‌بودی ادب برای توهمراهی باشد که با وجود آن‌ترس و بیم نداری ای پسرك من ادب پدیده‌ی خرد است و پاك کننده‌ی دل است و سر لوحه‌ی فضل است .

---

(۱) طه ۱۲. (۲) اعراف ۱۹۸ (۳) قلم ۴.

بدانکه به سبب مال برای هیچ کس دوست واقعی پیدا نمیشود بلکه ادب است تکیه گاه مرد و بازگو کنندهٔ عقل و خرد است ورهنمای اوست بر صفات پسندیده و انسان بی‌ادب جز چارپائی بیهوده چیزی نیست و حضرت جواد عليه السلام فرمود دو مرد باهم گرد نیایند مگر اینکه بهترین آندو در پیشگاه خدا همانست که ادبش بیشتر باشد.

بحضرت عرض کرد که ای پسر رسولخدا برتری او را از نظر مردم دانستیم ولی درپیشگاه خدا بر تری او چیست فرمود بخواندن قرآن بآنطوریکه نازل شده و روایت کند احادیث ما را آنچنانکه گفته ایم و بخواند خدا را از روی میل و حقیقت ادب جمع شدن صفت های نیك و دور کردن صفات زشت است و بوسیلهٔ ادب مرد بخوبیهای اخلاق در دنیا و آخرت میرسد ووسیله‌رسیدن بهشت است ولی ادب از نظر مردم خوب حرف زدن است و جز این چیزی نیست در صورتیکه باین تعریف اعتنائی نمیشود تا زمانیکه آدم را بسوی خشنودی خدا و بهشت نرساند.

و بهترین ادبها آداب دینی است پس مؤدب بآداب دین‌باشید وهر کس هم‌نشینی پادشاهان را کند و ادب نداشته باشد سرانجام او را بسوی نابودی کشاند تا چه رسد بکسی که بخواهد با پادشاه پادشاهان در تماس باشد که ناچار باید ادب کامل داشته باشد.

و روایت شده که همانا خدای تعالی در بعضی از کتابهایش میفرماید: بندهٔ من آیا نیکو کاریست که تومرا مناجات کنی‌ولی

متوجه چپ و راست باشی و بمن توجه نداشته باشی درصورتیکه اگر بنده ای مانند خودت باتو سخن گوید کاملا متوجه بسوی او باشی و اگر با دیگری سخن گوئی باکمال ادب توجه باو میکنی پس بد بنده ایست بنده ایکه چنین باشد.

و روایت شده که نبی اکرم بسوی گوسفندانش رفت شبانش را برهنه دید شبان تا دید که پیغمبر صلی الله علیه و آله می آید لباسهایش راپوشید حضرت فرمود برو که مارا نیازی به شبانی تو نیست شبان عرضکرد برای چی؟ حضرت فرمود ما خاندان کسی را که ادب نداشته باشد استخدام نمی کنیم آیا در خلوت از خدا شرم نمیکنی پیغمبر این کار راانجام داد بواسطه‌ی اینکه شبان نسبت بخداادب روا نداشته بود.

و روایت شده است آنحضرت را پسری نا بالغ سلام کرد و بروی حضرت تبسم کرد، حضرت بآن پسر بچه فرمود مرا دوست داری؟ عرضکرد آری بخدا سوگند ای رسول خدا حضرت فرمودمانند چشمانت مرا دوست‌داری عرضکرد بیشتر، فرمود مانند پدرت عرض کرد بیشتر! حضرت فرمود باندازه‌ی مادرت مرا دوست داری عرض کرد بیشتر، فرمود بقدر خودت عرضکرد بخدا ای رسول خدابیشتر فرمود بقدرخدا مرا دوست داری عرضکرد الله الله ای رسول خدا نه این مقام برای تو نیست و نه برای هیچ کس من ترا برای خدا دوست دارم حضرت توجهی بهمراهان خود کرد و فرمود اینطور خدارا دوست بدارید بواسطه ی احسان و نعمتهائیکه برشما ارزانی داشته و مراهم بواسطه دوستی خداددوست بدارید. پیغمبر از ادب و معرفت او

نسبت بخدا او را ستود و آزمایش کرد .

پس ادب بخدا اقتداء و پیروی از آداب خدا و نبی اکرم واهل بیت پاکش عليهم السلام است و آن عمل کردن بطاعت خدا وستایش خدادر سختیها و راحتی ها وشکیبائی در بلاهاست و بدین جهت ایوب پیغمبر بدرگاه خدانالید وگفت : «انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین»(۱) پروردگارا سختی بمن رو آورد ولی تو رحم کننده‌ای دربن جا از دو جهت ایوب با ادب سخن گفت یکی اینکه نگفت تو بمن سختی رسانده ای جهت دیگر نگفت بمن رحم کن بلکه گفت تو « ارحم الراحمین » هستی ایوب چنین کرد تا مقام صبر و شکیبائی خودرا نگهداری کند .

و نیز چنین گفته است ابراهیم خلیل « واذا مرضت فهو یشفین »(۲) و هرگاه رنجور و بیمار شوم او مرا شفا بخشد نگفت هرگاه خدا مرا مریض کند از جهت حفظ ادب و درجای دیگر ایوب گفته است: « انی مسنی الشیطان بنصب و عذاب»(۳) شیطان مرا برنج وعذاب افکند اشاره کرد باینکه شیطان اورا گرفتار کرد ومردم را فریب میدهد و آزار میرساند و تمام این گفتاراز انبیا ادب‌است نسبت با خدا در وقت سخن گفتن باا و وگروهی از بندگان کوته فکر بخدا نسبت دروغ‌داده‌اند و زشتی ها راازطرف خدا دانسته پدران و مادران بی ادب خود را بری از تمام زشتی ها دانسته اند .

گفته اند تمام آنچه که در عالم و جهان هستی میباشد از کفر

(۱) انبیا ۸۲.
(۲) شعراء ۸۱ .
(۳) ص ۴۱ .

وظلم و فساد و قتل وغصب از طرف خداست اراده وتقدیر اوست ولی این فکر غلط مسلم باطل است زیرا که خدای تعالی میفرماید : « والله یقضی بالحق » (۱) خدا حکم بحق میکند و نیز عقیده‌ی آنان این است که میگویند خدای سبحان فرمان میدهد بآنچه که اراده نمیکند و مانع می شود ازآنچه که اراده میکند وهمانا خدا گروهی را فرمان ایمان داده ولی از ایشان اراده کفر کرده در صورتیکه خود خدا میفرماید : « ولا یرضی لعباده الکفر » (۲) و خدا برای بندگانش کفر و شرك را نمی پسندد .

اگر بیکی ازاینان گفته شود که تو بچیزی که نمیخواهی فرمان میدهی و از چیزیکه میل داری مانع می‌شوی پدر ومادرت هم مانند تو میباشند ازین گفته درخشم می‌شود وبگوینده اش میگوید تو مرا نسبت بنادانی و دیوانگی و جهل دادی پس منزه است خدا چقدر حلیم است و کریم اگر حلم و رحمت خدا نبود برای این افتراء زمین بر گوینده اش و کسی که راضی باین گفته است خشم وغضب می کرد و کسی خدارا از روی جبر وزور معصیت نکرده وبااکراه وناراضایتی او را عبادت نکرده .

و همانا خدا فرمان عبادت از روی اختیار به بنده داده ولی با ترس اورا نهی ازگناه نکرده وخدا برهر دو حالت قدرت دارد وخدای تعالی فرموده است : «وهدیناه النجدین »(۳) ورهنمائی کردیم انسان را براه خیر و شریعنی هردوراه‌را باو شناساندیم راه خیر وشر را

---

(۱) مومن ۲۱ . (۲) زمر ۹.

(۳) بلد ۹.

و خدای سبحان فرمان بانجام کارهای خیر داده و از کارهای بد نهی فرموده است آنچنانکه فرموده است «فاما ثمود فهدیناهم فاستحبوا العمی علی‌الهدی» (۱)

اما قوم ثمود را پس راهنمائی کردیم ما ایشانرا پس کوری را بر هدایت اختیار کردند و نیز فرموده است «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافة (۲) ای کسانیکه ایمان آوردید همگی در دین اسلام داخل شوید وهیچگاه خدا امر بداخل‌شدن اسلام نمیکند که آن در را بروی کسی به بندد خدا بزرگتر ازاین‌است که‌فرمان انجام کاری را بدهد و از طرفی مانع شود.

پس عبرت بگیرید و اندیشه کنید و پیروی هوای نفس را واگذارید زیرا که نفس پست کننده است صاحبش را وهلاك می کند اورا پس خدای سبحان‌چگونه بندگانش را مجبور بکافر شدن‌می کند و از طرفی بر آن کفر آنان را مجازات می‌نماید و برزنا کردن و دزدی نمودن و نسبت بزنا دادن برای‌زن شوهر دار حد جاری‌میکند آیا عدالت است که دستور گناه‌دهدو بعدهم برای‌همان گناه که‌بدستور خودش انجام داده اند مجازات شوندیا اینکه مارا مختار قرار داده و شکی نیست که این کیدو نیرنگ بزرگ از شیطان است برای بجا آوردن هرزشتی و گمراهی.

و حضرت امیر المؤمنین فرموده آیا درست است که خدا ترا براه دلالت و راهنمائی کند و بعد راه را برتو تنگ‌نماید اینکار از

(۱) فصلت ۱۷ (۲) بقره ۲۰۴.

روی حکمت نخواهد بود و نیز فرموده است آیا بشما فرمان دادگری داده است وخودش مخالفت می کندو نهی می کند شمارا از زشتی وخودش مرتکب میشود مسلم دروغ بر آن خدا بسته است آنکه عقیده اش چنین باشد .

و نیز فرمود زمانیکه گناه کردن در اصل حتمی باشد مسلم کسی که مرتکب میشود و اورا قصاص میکنند برای آن گناه مظلوم خواهد بود وفرمود گناهی را که مرتکب شدی وسپس از خدا برای آن گناه طلب آمرزش نمودی از طرف خودت میباشد و کارهای خیری که سبب میشود ستایش وثنای خدارا انجام دهی از طرف خدا است که بتو توفیق داده که انجام دهی چنانچه خدای تعالی میفرماید « ماأصابك من حسنة فمن الله وماأصابك من سيئة فمن نفسك » (۱) هرچه خوبی بتو میرسد از طرف خداست و هرچه بدی بتومیرسد ازطرف نفست میباشد .

و این گفتار همه پاسخ علمی است برای کسی که از قضا وقدر بپرسد و اما پاسخ حضرت حسن بن علي عليه السلام هنگامی که حسن بصری بوی نوشت در آن نوشته از قضا وقدر سئوال میکرد پس آنحضرت در پاسخش فرمود آنکس که بقضا و قدر خیر و شر ایمان نیاورد مسلم فاجر است و هرکس بگوید خدا بنده را مجبور بگناه کرده مسلم کافر است .

خداوند هیچ گاه بزور اطاعت نمی شود و از روی اکراه

(۱) نساء ۸۱ .

معصیت نمی شود هیچگاه مردم را مجبور باطاعتش نکرده و بندگانش راهم بیهوده وا نمی‌گذارد که نابود شوند بلکه خداوندمالك آنچه‌را که در اختیار بندگانش قرار داده میباشد قادر است بر هرچه که بآنان قدرتش را داده اگر بندگان بخواهند اطاعت خدا را کنندخدا آنان را جلوگیری از اطاعت نمی کند و اگر گناه کنند پس اگر خدا بخواهد بین آنان و گناه فاصله قرار میدهد که انجام ندهندو اگر نه آنانرا آزادمیگذارد هرچه بخواهند انجام دهند.

خداوند آنانرااز روی جبر وادار بر گناه نمیکند و آنانراملزم برمعصیت نمی فرماید بلکه ازطرف خود بر ایشان حجتی است اگر بشناسند و برایشان راهی قرارداده خدا مردم رابسوی گناه دعوت نکرده و برای خداست حجتی بالغه بر تمام مردم .

(مصنف این کتاب)گفته است که معنای ادب تفقه‌در دین است و یادگرفتن علم یقین سه چیز است که اصل‌ادب است دوری ازتردید و شك ، سلامت بودن از عیب و ایمان آوردن بغیب و کمال ادب این است که خدا نه بیند ترا در جائی که نهی فرموده و به بیند ترا در آنجا که دستور داده.

و مردی گفت که جنید بغدادی گفته است هرگاه دوستی‌محکم شد شرائط ادب از بین میرود میگویم این سخن غلط است بواسطه ترك ادب بلکه هرگاه دوستی محکم‌وخالص‌شد دوست تاکیدوپافشاری بیشتر در ادب میکند دلیل بر این مطلب این است که رسول خدا از تمام مردم دوستیش نسبت‌بخدای‌تعالی بیشتر و ادب آن‌حضرت‌ازهمه‌ی مردم بزرگتر بود .

و روایت شده که خلیل بن احمد بفرزندش گفت -ای پسرک بیاموز ادب را زیرا که ادب ترا نیرومند میکند در کوچکی ترا با استقامت و در بزرگی ترا قوی پنجه و مرد افکن میکند

و روایت شده که بچه هفت ساله ای دربرابر حجاج بن یوسف ایستاد و گفت ای امیر بدانکه پدرم مرد و من در شکم مادرم بودم مادرم نیز مرد و من کودکی شیرخوار بودم مردم کفالت امر مرا کردند برای من ملکی ماند که تامین زندگی من‌را کند مردی از نمایندگان تو آنرا گرفته وغصب نموده که او نه‌ازخدا میترسد و نه از قدرت تو بیم و هراسی دارد برتو واجب است که ستمگر را از من دور کنی و حق مرا بمن‌بر گردانی تاپاداش کارت را روز رستاخیز دریابی در آنروزی که خدا میفرماید: « یوم تجد کل‌نفس ماعملت من خیر محضراً وماعملت من سوء تود لوان بینها و بینه امداً بعیداً » روزیکه هر نفسی‌حاضر می‌بیند کردار نیکی‌را که انجام داده وهرچه را که از بدیها انجام‌داده دوست دارد بین آن کردهٔ زشت واو فاصله طولانی باشد.

حجاج را خوش آمد فرمانداد ملکش را باو برگردانند و ادیبان را از خانه اش دور کرد و گفت ادب همانست که‌خداعنایت فرماید بهر کس که بخواهد و برخردمندانست که با استادش ازطریق ادب در آید.

و از عبدالله بن حسن بن‌علی علیهما السلام روایت شده از پدرش‌ازجدش که گفت از حقوقیکه استاد بر شاگرد دارد یکی این‌است که‌شاگرد

زیاد چیزی از استاد نپرسد اگر کسی از استاد چیزی پرسید شاگرد در جوابش پیشی بر او نگیرد هنگامیکه استاد مایل نبود جواب بدهد شاگرد اصرار نکند جامه استاد را نکشد بدستش بسوی استاد اشاره نکند باو چشمك نزند در مجلس استاد با کسی مشورت نکند واسرارش را فاش نکند و در محضر او نگوید فلانی غیر از این که تو میگوئی گفته کسی در خدمت او غیبت نکند در نهان و آشکارا استاد را نگهداری کند در مجلس که برهمه سلام کند اورا به تحیت مخصوصی اختصاص دهد در مقابل استاد ننشیند اگر استاد حاجتی داشت اورا بر دیگران مقدم دارد از همنشینی او کسل نشود.

استاد مانند نخله خرماست باید انتظار داشت کی خرما بتو میدهد دانشمند مانند روزه دار شب زنده دار ومجاهد در راه خداست و هر گاه دانشمند بمیرد رخنه ای در اسلام افتد رخنه ای که تا روز قیامت بسته نشود و همانا دانشجوئی که بمیرد هفتاد هزار فرشته اورا تشییع جنازه کنند.

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس طالب علم را کمك کند مسلم پیامبران را دوست داشته و با آنان همنشین میباشد وهر کس دشمن داشته باشد طالب علم را مسلم پیامبران را دشمن داشته و مجازات او جهنم است وهمانا طالب علم روز قیامت مانند پیغمبران شفاعت می کند و برای طالب علم در بهشت فردوس یکهزار کاخ طلاست و در بهشت جاویدان یکهزار شهر از نور و در جنة الماوی هشتاد درجه از یاقوت سرخ و برای هر درهمی که در راه کسب علم

خرج کند به شماره‌ی ستاره‌های آسمان و فرشتگان حوریه باشد و هر کس بطالب علم دست دهد خدا بدنش را بر آتش دوزخ حرام گرداند وهر کس طالب علم را کمك کند هنگامیکه بمیرد خدا اورا و هر کس که تشییع جنازه اش را کرده بیامرزد.

و بمالك بن دینار گفتندای ابا یحیی خیلی هستند که علم را برای دنیا می آموزند فرمود وای برشما از طالب علم نیست بلکه او طالب دنیاست آگاه باشید هر گاه‌علم ازمیان رفت‌علماء ازمیان‌میروند وهر کس‌طالب‌علمی را اذیت کند فرشتگان او را روزقیامت بیاورند درحالی که خدا بر او خشمگین‌باشد آگاه‌باشیدهر کس‌طالب‌علمی را بدرهمی کمك کند هنگام جاندادن فرشتگان او را بشارت بهشت بدهند و خدا برای او در قبر دری از نور بگشاید.

و حضرت نبی‌اکرم صلی الله علیه و آله فرموداز‌جبرئیل‌پرسیدم که‌دانشمندان برترند یا شهیدان راه حق فرمود یك دانشمند گرامی تر است در پیشگاه خدا از یك هزار شهید همانا دانشمندان بانبیا اقتدا میکنند وشهدا از دانشمندان پیروی میکنند.

و نیز حضرت رسول فرمود که طالب علم درنزد خدا برتراست از مجاهدین و سربازان و حاجیان و عمره گذاران و شب زنده داران و مجاهدین خانه ی خدا وطلب آمرزش کنند برایش درختها، بادها ابرها. دریاها، ستاره‌ها، گیاهان و هر چیزیکه آفتاب براو‌می‌تابد.

و از حضرت رضا علیه السلام از پدرش موسی بن جعفراز پدرش جعفر بن محمد از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن الحسین از پدرش

حسین بن علی از پدرش علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین روایت شده که حضرت گفت شنیدم رسول خدا را که میفرمود: دانشجوئی واجب است بر هر مسلمان، بجوئید علم را از هر کجا که گمان دارید و بپذیرید آنرا از اهلش زیرا آموختن دانش برای خدا حسنه است و کسب علم عبادت است مذاکره ومباحثه‌ی علمی تسبیح خداست و عمل کردن بعلم جهاد است و آموختن علم را بکسی که یاد ندارد صدقه است و بخشیدن علم را بکسیکه یاد ندارد برای رضای خدا سبب قرب بخداست زیرا که علم وسیله دانستن حلال و حرام است وروشن کننده‌ی راه بهشت است ومونس در ترس ووحشت است و یار انسان در غربت و تنهائی است، همزبان مردمان است و رهنما در حالت سختی است، سلاح جنگنده‌ی با دشمنانست، زینت پیش دوستان.

وخدا به سبب علم مرتبه و درجه گروهی را بلند میکند پس آنان را در خیر قرار میدهد، جلو دارانی باشند که مردم از آنان پیروی میکنند وبکردارشان رهنمائی میشوند و رای آنانرا میپسندند فرشتگان مایل دوستی با آنان باشند، پرهای خود را بآنان بمالند در نماز های خود برآنان درود فرستند و برای آنان طلب آمرزش کنند هر تر وخشکی از موجودات حتی ماهیان دریا وحشرات زمین و درندگان بیابان و چهار پایان.

همانا علم سبب زنده شدن دل از نادانی، روشنی بخش دیده‌هاست از تاریکی، نیروی بدنهاست از ناتوانی، علم بنده را بسر منزل خوبان وهمنشینی نیکوکاران و درجات بلند در آخرت میرساند و کسانیکه

در باره ی علم اندیشه میکنند فکر آنان مساوی میشود باثواب روزه گرفتن و درس دادن آن مساوی عبادت شبهاست ، بواسطه علم خدا پرستش میشود ، بواسطه علم پیوند خویشاوندی می‌شود وحلال وحرام شناخته می‌شود ، علم پیشوا وعمل پیرو اوست خدا به خوشبختان الهام میکند و بدبختان را از آن محروم می نماید خوشا بحال آنانکه از بهره ی علم محروم نمی‌شوند .

واز حضرت رسول ﷺ روایت شده که دانشمند در میان مردم نادان مانند زنده ایست که در میان مردگانست و همانا برای طالب علم تمام موجودات طلب آمرزش میکنند طلب کنید علم را که سبب تقرب بین شما و خدای عزوجل می شود وهمانا طلب علم بر هر مسلمانی واجب است وفرمود هرگاه روز قیامت شود مداد علما باخون شهیدان سنجیده می شود پس مداد علما برتری پیدا می کند برخون شهیدان .

و فرمود عملی برای مرد بعد از بپا داشتن واجبات بهتر از آشتی دادن بین مردم نیست که لیتش خیر است وخیررا هم میگوید ونیز فرموده است که برشما باد بحفظ سنت من پس عمل درسنت بهتر است ازعمل فروان در بدعت .

ونیز فرمود که هرکس عالم را کوچك شمارد مرا کوچك شمرده وهرکس مرا کوچك شمارد کافر است وفرمود از جبرئیل پرسیدم از حال علما گفت اینان چراغهای امت تواند در دنیا وآخرت خوشا بحال کسیکه ایشان را بشناسد و دوست دارد ایشان را وای

بر کسی که معرفت ایشان را انکار کند و ایشان را دشمن دارد و هر کس آنان را دشمن دارد گواهی میدهم که در آتش است وهر کس آنانرا دوست داشته باشد گواهی میدهم که در بهشت است .

و ازحضرت امیر المؤمنین عليه السلام روایت شده فرمود که هرگاه دانشجو در برابر استاد بنشیندخداوند هفتاد در رحمت برویش بگشاید آنگاه که از مجلس استاد حرکت کند گناهانش آمرزیده میشود مانند روزی که از مادر متولد شده وخدا در برابر هرحدیثی که یاد بگیرد ثواب یکسال عبادت باو دهد و برای هروقتیکه بخواندشهری مانند دنیا در بهشت برایش ساخته شود .

و فرمود : نشستن یکساعت در پیش‌دانشمند دوست‌تراست‌بسوی خدا از عبادت یکسال که هیچ معصیت خدا را نکرده باشد و نگاه کردن به عالم دوست تر است بسوی خدا ازاعتکاف یکسال‌درمسجد الحرام و زیارت دانشمند دوست تراست بسوی‌خدا ازهفتاد حج وعمره و بهتر است از هفتاد مرتبه طواف خانه‌ی خدا و خدا برایش هفتاد درجه بلند گرداند و خدا بهر حرفی که ازدانشمند می‌آموزد ثواب هفتاد حج قبول شده در نامه‌ی عملش می‌نویسد و براورحمتش رافرو می‌فرستدوفرشتگان‌گواهی دهند که بهشت بر اوواجب است .

و فرمود زمانیکه روز قیامت شود خداوداشمندان را گردآورد سپس بایشان میفرماید بندگان من امروز من بشما خیرفروان عنایت فرمایم زیرا که شما در راه من رنج و مصیبت زیاد کشیدید مردم را بعبادت من وادار کردید مژده باد شمارا که دوستان من باشید وشما

بهترین آفریدگان بعداز پیامبران باشید مژده باد که گناهان شمارا آمرزیدم و اعمال شمارا پذیرفتم و برای شما در میان مردم شفاعتی است مانند شفاعت پیامبران و همانا من ازشما خوشنودم رازهای شما را آشکار نکنم و درین روز اجتماع شما را رسوا نکنم.

و حضرت نبی اکرم فرمود: خوشا بحال استاد و شاگردان وعمل کننده‌ی بعلم عرضکردند ثواب شاگرد چقدر است فرمود استاد وشاگرد پاداششان یکسانست و نیز حضرت فرمود یاعالم باش یا شاگردیا شنونده‌ی علم یا دوست اینان و مباش پنجمین که نابود میشوی همانا دانشمندان بزرگانند همنشینی با آنان سبب ثواب زیاد و دست دادن با آنان زیارت است.



باب پنجاهم

یکتائی خدای تعالی

حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود اینکه میگوئی خدا یکتاست چهار معنی دارد دو معنی نسبت بخدا جایز و دو معنای دیگر جایز نیست پس آن دو که جایز نیست که برخدا اطلاق شود این است که میگوید واحد است ولی در برابر اعداد پس این اطلاق از چیزهائیست که بر خدا جایز نیست زیرا که او واحد درمقابل عدد نیست واحدی است که دومی ندارد و آنچه دومی نداشت در باب اعداد داخل نمیشود مگر نمی بینی که خدای تعالی جزء کافران شمرده کسی را که گفته است

ثالث ثلاثة(۱) یعنی خدا سومی ازخدایانست.

وهمین طور است گفته‌ی کسی که میگوید واحد،اراده میکند نوع جنس را که واحد نوعی است یعنی واحدیست که از یك جنس است با تمام واحدهای عالم اینهم برای خدا درست نیست زیرا که خدای تعالی را تشبیه بسایر واحدها کرده و خدا بالاتر از این‌است که تشبیه بچیزی شود و اما آندو معنی که برخدا جایز است اطلاق شود اینست که خدا واحدیست که‌دراشیاء شبیه ومانند و شریکی ندارد و همچنین است قول گوینده ایکه میگویداو واحد است باین معنی که احدیّ المعنی‌است یعنی تقسیم نمیشود نه در وجود ذهنی و خارجی وعقلی ووهمی و خیالی .

مردی بحضرت‌صادق عرضکردچه چیزراپرستش‌می کنی؟فرمود خداراپرستش‌می کنم‌عرضکردآیاخداراديده‌ای‌حضرت‌فرمود دیدگان او را نمی بینند ولی دلها بانور ایمان او را می‌بینند او باقیاس کردن با موجودات دیگر شناخته‌نمیشود : هیچ گاه در فرمایش ظلم وستم نمیکند این‌خدائیست که جز او خدائی نباشد اوپروردگار من است باو توکل میکنم و بسوی او بر میگردم .

ونیز مردی بآنحضرت عرضکرد که ای اباعبدالله خبر ده مرا از خدا که درکجا باشد ؟ حضرت فرمود وای برتو ، توخبر ده مرا که خدا درکجا نیست تا ترا خبر دهم که کجا میباشد مردیگری پرسید که خدا همیشه میداند و می شنود و می بیند حضرت فرمود

(۱) این قول نصرانیانست که‌قائل باقانیم ثلاثه هستند ـ مترجم .

ذات خدای تعالی دانا و شنوا و بیناست .

و مرد دیگری از آنحضرت سئوال کرد از قول خدای‌تعالی که میفرماید :«ومن یحلل‌علیه‌غضبی‌فقدهوی » وخشم من بر هر کس فرود آید نابود می‌شود پرسید این خشم چیست ؟ حضرت فرمود مجازات است در قیامت ای مرد هر کس گمان کند که خدای تعالی تغییر حال می دهد از چیزی به چیزی دیگر ، مسلم اورا توصیف کرده به صفت و خصوصیات آفریدگان و خدای تعالی را هیچ چیزی تغییر نمیدهد و چیزی باو شباهت نمیرساندوهرچه درخیال‌انسان قرار گیرد مخالف خداست زیرا که خدا در خیال قرار نمیگیرد .

وذعلب یمانی بحضرت امیرالمومنین‌عرضکرد آیا پروردگارت را دیده ای ؟ حضرت فرمود خدائی‌را که نه بینم پرستش‌نمیکنم سپس ذعلب عرض کرد چطور می‌بینی ؟ فرمود چشم ها با نگاه کردن اورا نمی بینند ولی دلها باحقیقت‌ایمان اورا می بینند او بهمه چیزنزدیك است بدون اینکه باچیزی تماس بگیرد از همه چیز دور است اما جدا از آنها نیست .

سخن گوید بدون فکر و اندیشه اراده کند ولی بدون تصمیم قبلی ایجاد کننده است بدون کمك اعضاو جوارح ، لطیفی‌است که‌به ستمگری شناخته نمی‌شود بزرگی است که به پنهانی تعریف نمیشود بیناست نه بوسیله چشم مهربانست از روی فضل و کرم نه بدل سوزی بواسطه بزرگیش آفرینش متوجه‌اویند و از ترس عذابش دلها می‌طپد اراده اش ثابت است و دگرگون نمیشود اولی باشد پیش از آنکه آخر شده‌باشد ، آشکار باشد پیش از آنکه نهان باشد .

جز او یکتائی نباشد و هرعزیزی‌غیراو ذلیل‌است وهرنیرومندی

غیر او ناتوانست و هرمالکی غیر او رعیت است و هر استادی غیر او شاگرد است و هر قادری غیر او عاجز است هر شنونده ای غیر او را صداهای بلند کرمی کند و صدای آهسته و دور را نمی شنود و هر بینائی غیر ازاو از دیدن رنگهای پنهان و جسم های لطیف کور می شود و هر آشکاری غیر اوپنهان‌است و هرپنهانی غیر او آشکار است‌وآفریدگانش‌رابرای‌محکمی‌سلطنت‌وترس‌از پیش آمدهای‌روزگار نیافریده و از مشورت کسی کمك نخواسته و نه هم برای دفع شریك و ضد خود نیازمند به کمك است بلکه آفریده‌هایش پرورده نعمتهای اویند و بندگان‌ذلیل وخوارند.

و او در موجودات داخل نشده تاگفته شود که او در آنهاست و از هیچ چیز دور نگشته تا گفته شود که از آنها جداست‌وآفریدن موجودات برای او کار بزرگی نیست و نه هم تدبیر امور واصلاح آنها برای او مهم است واز آفرینش عاجز و ناتوان‌نیست وشبهه ای هم در آنچه که مقدر کند وحکم نماید پیدا نمیشود بلکه حکم و دانشش محکم است و پابرجا و امرش ثابت و برقرار، بندگانش با اینهمه نعمت که ارزانی داشته ازمجازاتش بیمنا کند و از بلاهایش ایمنند.

ذعلب عرضکرد یا علي پروردگارت را بچه شناختی ؟ فرمود بفسخ تصمیم ها و اراده ها و به درهم شکنی همت ها و فعالیت ها هرگاه بر کاری تصمیم‌گرفتم وهمت گماشتم فاصله شد بین من وهدفم مهیای کاری شدم قضای الهی باراده‌ی من مخالفت کرد آنجا فهمیدم آنکه مدبر است غیر من است.

ذعلب عرضکرد پس نعمتهای خداراچگونه سپاسگذاری میکنی فرمود من به بلائی نگاه میکنم که ازمن دور کرده‌ودیگری را گرفتار

کرده و می بینم مرا مشمول احسان و بخشش خود کرده پس میدانم که بمن خوبی کرده و نعمتش را ارزانی داشته پس اورا سپاسگذاری می کنم.

ذعلب عرضکرد دیدار اورا دوست داری فرمود هرگاه می بینم که او دین فرشتگان و پیامبران را برای من انتخاب کرده می‌فهمم که مرا گرامی داشته؛ چون برای من بهشت را اختیار کرده اشتیاق دیدارش را پیدا می کنم.

و فرمود هر کس خدا را عبادت کند بخیال اینکه او صورت یا جسم است مسلم کافراست و هر کس نام خدا را غیر از مسمی پرستش کند مسلم غیر ازخدا را پرستش کرده و هر کس معنای اسم را سوای اسم پرستش کند شخص غائبی را پرستیده و هر کس پرستش کند معنائی را که بر اسم واقع شده و دلش را بر آن به‌بندد و زبانش بآن گویا باشد در نهان و آشکارا پس این دین من و پدران من است.

و روایت شده که مردی از حضرت صادق علیه السلام پرسید مرا بپروردگارت رهنمائی کن که جدال کنندگان بر من فراوان شده‌اند ومرا سرگردان کرده اند حضرت فرمود ای بنده ی خدا آیا کشتی سوار شده ای؟ عرض کرد بلی.

حضرت فرمود آیا هیچگاه کشتی تو شکسته که کشتی دیگری هم نباشد که ترا نجات بدهد؟ وشناگری هم نباشد که ترا بی‌نیاز کند؟ عرضکرد بلی.

حضرت فرمود درین هنگام دل تو بجائی متوجه شده که چیزی

ازموجودات ترا ازین گرفتاریت خلاص کند؟ عرضکرد بلی.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: همانچیزیکه در آن شرایط از او امید نجات داری خدای قادر بر نجاتست در آنوقتی که نجات دهنده ای نیست و پناه دهنده‌ای پیدا نمی شود و در تفسیر قول خدایتعالی که میفرماید: «وماقدروا الله حق قدره»(۱) فرمود: وحق معرفت وشناسائی خدا را ادا نکردند و حق بزرگیش بجا نیاوردند و او را پرستش کامل نکردند.

و حضرت امیر المؤمنین عليه السلام در وصیتیکه بفرزندش حسن عليه السلام کرد فرمود که همانا پروردگار تو بالاتر از این است که‌خدائیش بوسیله قدرت شنوائی و بینائی ثابت گردد وچنین بود حضرت هرگاه که در ستایش خدا مبالغه میکرد میفرمود: «سبحان من اذا تناهت العقول فی وصفه کانت حائرة دون الوصول الیه و تبارك من اذا غرقت الفطن فی تکیفه لم یکن لها طریق الیه غیر الدلالة علیه» و کافیست در تعریف خدای تعالی که میفرماید: «ولیس کمثله شیء و هوالسمیع البصیر» (۲) مانند او چیزی نیست او بینا و شنواست.

(مصنف کتاب) گفته است دارو‌ی دلها هفت چیز است اندیشه‌ی در راه سلامت و پیش بینی دلیلهای عقل، ترك هوی، خواندن قرآن مجید بافکر، خالی نگهداشتن شکم، شب زنده داری و گریه‌وزاری در سحرها، همنشینی دانشمندان و مردان شایسته و هر کس خودش را مقید بآداب کتاب عزیز خدا و عمل به آن وبه سنت پیامبر ما حضرت

---

(۱) انعام ۹۰ ، (۲) شوری ۱۰ ،

محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امامان و پیشوایان از اهل بیت پیغمبر کند خدا دلش را بنور ایمان روشن نماید و اورا قدرت برهان ودلیل عنایت کند و گفتار و کردارش را گواه حق قرار دهد چنانچه بعضی از شعرا گفته اند:

وقلّ من ضمنت خیراً طویته		الاّ وفی وجهه للخیرعنوان

اندکست کسیکه کردار خیر انجام دهد مگر درچهرهٔ اواز خیر نشانه ای باشد.

و پیغمبر فرمود که ستون خانهٔ خدا پایه های آنست وستون دین خدا شناسی ویقین داشتن بتوحید ویگانگی خداست و خرد قامع است پرسیدند ای رسول خدا خرد قامع چیست؟ فرمود خودداری از گناه و حرص داشتن بر اطاعت خدا و سپاسگذاری بر نعمت خوب خداست و از نشانه های خدا شناسی زیاد ترسیدن ازخداست چنانچه خدای تعالی میفرماید: «انما یخشی الله من عباده العلماء» (۱) وهما نا میترسند خدارا بندگان دانشمند خدا.

این ترس بواسطهٔ این است که دانشمندان می بینند خدا را در سرّ ضمیر و دلهایشان خدا شناسی آنان خدای تعالی را این است که اورا در همه جا ناظر اعمال و حاضرمیدانند چنانچه خدا میفرماید: «هو معکم اینما کنتم» (۲) او با شماست در هر کجا که باشید پس هرچه معرفت بنده بپروردگارش بیشتر باشد ترسش از خدا بیشتر می شود و همچنین کارمندان سلطان هرچه باو نزدیکتر باشند بیشتر ازاو

---

(۱) سوره فاطر ۲۸		(۲) حدید ۴

میترسید و مانند دومرد که بیك خانه ای وارد میشوند یکی از آن دو میداند که پادشاه بر در آن خانه ایستاده ونزدیك باوست کاملا ادبش را نیکو میکند و کاری نمیکند که سلطان ناراحت شود ومرد دیگر نمیداند که سلطان نزدیك اوست پس بی‌ادبی میکند و کارهائی انجام میدهد که‌مناسبت با حضور شاه ندارد .

و همینطوراست کسیکه عارف بخداست زیرا که او خدارا در تمام حالات حاضر و نگران رازها و کردارش می بیند پس او بااین شرائط مؤدب و از خدا ترسانست و کاملا مراقبت کارهایش را برای خدا میکند ولی کسیکه جاهل است ومعرفت وشناسائی پیروردگارش ندارد ازین حالت خارج است و اسب نادانی را سوار شده بدینجهت میگوئیم اگر گنه کار عقیده داشته باشد هنگامیکه مرتکب گناه میشود همانا خدای تعالی اورا می بیند مسلم او جاهل ونادانست زیرا که‌خدارادرین حال پست‌ترین نظر کنندگان‌قرار داده واگرعقیده‌اش این باشد که‌خدا هنگام انجام‌دادن گناه‌اورا نمی بیند مسلم‌او کافر است پس هردو امر خطریست بزرگ و کاری بزرگتر وشکی‌نیست که معرفت خدا سبب خوف و حیاء از خداست .

و از نشانه های عارف بالله این است که خاطر آسوده از علاقه های دنیائی و غمها باشد و همیشه بیاد آخرت وهولهای قیامت باشد مردعارف بچیزیکه‌از دست داده افسوس‌نمیخورد مگر بر آنچه که از ذکر خدا از او فوت شده زیرا اوهمیشه خدا را در نظردارد پس تاسف نمیخورد باوجود خدا به هیچ چیز زیرا که او جزخداهمه چیز را بچشم نابودی می‌بیند پس چطور بچیزی که فانی و نابود شود

نگاه میکند چنانچه خدای تعالی میفرماید: «کل شیء هالك الا وجهه»(۱) همه‌چیز نابود میشوند مگر ذات پروردگار و مرد عارف با تاسف از دنیا نمیرود مگر بر کم گریه کردن بر گناهش و کوتاهی نمودن در ستایش پروردگارش، برای هر چیز میوه ایست و میوه‌ی معرفت ترس از خداو انس گرفتن با اوست و برای هرچیزی مجازاتی است ولی مجازات عارف سستی او از ذکر خداست و غافل شدنش ازفکراو است.

وقسمتی دیگر از نشانه های عارف این که خدا را خیلی دوست دارد وهرگاه دوستی عارف نسبت بخدا شدت یافت بنور خدا می‌بیند و می شنود وتایید میشود ورسول‌خدا فرمود هرگاه خدا بنده ای را دوست دارد بجبرئیل میفرماید که من اورا دوست دارم شماهم دوست دارید او را و اورا در زمین مورد قبول قرارمیدهد.

و دوستی خدا حالت خوبی است چنانچه خدای تعالی ستایش فرموده بر آن حالت ایشان را بر گروهی پس فرمود زود است خدا بیاورد گروهی را که آنان را دوست دارد و آنان خدارا دوست‌دارند و دوستی خدا برای بندگان تمام کردن نعمت است بر آنان در دنیا ولی با اطاعت کردن‌آنان خدارا در آخرت پاداش می‌دهدواما نعمتش بر کفار وگنه کاران همانا مهلت واستدراجی است‌برای آنان چنانچه خدای تعالی میفرمایند: «سنستدرجهم من حیث لایعلمون» (۲)بزودی در نوردیم ایشان را از جائی که ندانند و همچنانکه خدای تعالی میفرماید: «ولایحسبن الذین کفروا انما نملی لهم‌خیر لانفسهم انما

(۱) قصص ۸۸ (۲) اعراف ۱۸۱.

نملی لهم لیزدادوا اثماً » (۱) و باید نپندارند آنانکه کافر شدند که همانا آنانرامهلت‌میدهیم بر ایشان بهتر است مهلت میدهیم ایشانرا تا گناهشان زیاد شود.

ونیز میفرماید : « ایحسبون انما نمدهم‌به من‌مال وبنین‌نسارع لهم فی الخیرات بل لا یشعرون » (۲) آیا می پندارند آنچه که‌مدد میکنیم ایشان را بآن از مال وفرزند می شتابیم بر ایشان در خوبیها بلکه نمیدانند .

و دوست خدای تعالی برای آنانکه اطاعتش‌را میکنند اراده‌ی نفع دنیا و پاداش آخرت کرده و نامیده شده این محبت رحمت از طرف خدا وستایش بربندگان چنانچه‌خدا نکوهش فرموده کسی‌را که بر او خشمگین است .

و خدا دوستانش را بطرف شرافت دنیا وآخرت‌فرستاده بدلیل قول پیغمبر که میفرماید مرد با دوستش باشد وچه مرتبه ی اشرف وچه درجه ای‌بالاتر است‌ازدرجه‌ی کسی که باخداباشد و راست‌نگفته است کسیکه ادعای دوستی خدا کند و حفظ حدود خدارا نکند واز نشانه های دوستی بنده برای خدا این است که ذکرخدا را فراموش نکند و بیان این مطلب‌چنین است که هر کس دوستی را دوست دارد یاداورا هم دوست دارد چه‌درخواب وچه‌بیداری ونیکوسروده گوینده‌ی شعر :

عجبت لمن یقول ذکرت ربی　　وهل انسی فاذکر ان نسیت

---

(۱) آل‌عمران ۱۷۲.　　(۲) مؤمنون ۵۷.

شربت الحب کاساً بعد کأس فما نفد الشراب وما رويت

۱ـ درشگفتم ازکسیکه‌میگوید که‌من بیاد خدایم وآیافراموش میکند از دوستش اگر فراموش کردی بیادآورش .

۲ـ شربت دوستی را چشیدم جامی بعدازجامی نه‌شراب تمام شد و نه از شربت محبت سیر شدم .

وهرگاه بنده مردد ماند بین شوق به ملاقات پروردگار و بین ماندنش در دنیا برای میل بعبادت، کارش را بخدا وا می‌گذارد و میگوید پروردگارا برای من بهترین امر را اختیار کن بسوی خودت.

روایت شده که داود تنها بسوی صحرا روان شد پس خدابدو وحی فرستاد که ای داود چرا ترا تنها می‌بینم‌عرضکردبارإلاها سخت شوق دیدار ترا دارم بین من وآفریدگانت فاصله بینداز خطاب رسید برگرد بسوی بندگانم که اگر تو یك بنده‌ی‌گریز پای مرا هدایت کنی و بسوی من بیاوری ترا درلوح جزء بندگان نیك ثبت می کنم و می‌نویسم .

و نیز سزاوار است که بنده‌ی واقعی آرزوی مردن کند درحال آسایش و نعمت وعافیت مانند حضرت یوسف چونکه در چاه افتاد و در زندان نه‌گفت خدایامرا بمیران بعداز آنکه پدر و مادرش آمدند و در مقابلش به سجده افتادند و او را تعظیم کردند که‌بزرگترین تعظیم بود درکمال سرور و شادمانی بدیدار دوستان و پدر و مادر و سرحد اعلای پادشاهی وکمال نعمت گفت : « توفني مسلماً والحقني بالصالحين » (۱) مرا مسلمان بمیران و بمردان شایسته ملحق کن .

(۱) یوسف ۱۰۲ .

و روایت شده که حضرت شعیب آنقدر گریه کرد که دیدگانش نابینا شد خداوند چشمش را بوی برگرداند باز گریه کرد تا چشمش کور شد خدا دوباره چشم اورا بوی برگرداند سپس خطاب رسید ای شعیب اگر این گریه بخاطر بهشت است که بهشت را برای تو مباح کردم و بخشیدم اگر برای آتش دوزخ است که آنرا هم برتو حرام کردم سپس شعیب عرضکرد نه برای بهشت و نه هم از ترس آتش دوزخ است بلکه بجهت شوق لقای تو است پس خدای تعالی فرمود بخاطر این کارت پیامبرم موسی بن عمران را ده سال خدمتکار تو قرار دادم و هر کس مشتاق خدا باشد خدا هم مشتاق اوست .

و روایت شده که همانا خدای تعالی در بعضی از کتابهایش نازل کرده که بندهی من بآن حقی که من بر تو دارم من ترا دوست دارم توهم مرا دوست داشته باش و محبت جنبش شوق است بسوی دیدار خدای تعالی و سبب انگیزش کارهای شایسته است چنانچه خدای تعالی میفرماید: «فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا صالحاً ولایشرك بعبادة ربّه احداً »(۱) پس هر کس امیدوار دیدار پروردگارش میباشد باید عمل شایسته انجام دهد و بپرستش پروردگارش مشرك نشود.

و از دلائلی که میتوان برای اثبات وجود خدا و معرفة الله استفاده کرد این است که جهان را حتماً صانعی هست زیرا که درست نیست یك کشتی تختهها و میخ هایش بیکدیگر وصل شود بدون نجار و آهنگری و مردم را بدون کشتیبان نمیتواند از دریا عبور دهد

(۱) کهف ۱۱۰

ونیز کشتی بدون مدبری که تدبیر وپیش بینی کند نمیشود و خود بخود پر از کالای تجارتی نمیشود تا در کشور ها حرکت کند وبارخودش را خالی نماید بس اگر بناست یك کشتی بدون صانع درست نشود و بدون کشتیبان حرکت کند در تمام شرائط احتیاج ونیاز بکسی داشته باشد از نظر عقلی چطور می‌شود وجود این عالم پهناور بزرگ بدون مدبر وصانعی باشد .

ونیز ما ندیده‌ایم که دلوی خود بخود از چاه بیرون آید و یا سنگ دستاس خود بخود بچرخدوچراغی خود بخود روشن شود وچه چراغی بزرگتر از نور خورشید وماماست که آسمانهاو زمین را نور میدهند و چه چرخی ازاین افلاك نه گانه ای که در یکشبانه روز هزاران سال راه‌را باخورشید وماه و ستارگانش می پیمایند این ها را بدون خبر دهنده‌ای که بتو خبر دهد می بینی چنانچه خدای تعالی میفرماید : « رفع السموات بغیر عمد ترونها » (۱) آسمانهارابدون ستونی که تو به بینی بلند کرده و اشاره کرده است که این آیات بزرگ دلالت میکند بر بزرگی صانع وسازنده و محکمی تدبیر آن صانع و قدرت پهناور او .

ونیزخدای تعالی میفرماید: «افلاینظرون الی الابل کیف خلقت والی السماء کیف رفعت والی الجبال کیف نصبت والی الارض کیف سطحت» (۲) آیا در آفرینش شتر نمی‌نگرند چگونه آفریده شده و بسوی آسمان نمی نگرند چطور بلند شده وبسوی کوه‌ها نگاه نمی کنند چگونه

---

(۱) رعد۱۳ (۲) غاشیه ۱۷

میخ زمین شده و زمین چطور گسترده شده .

و نیز خدای تعالی میفرماید : «ان فی خلق السموات والارض و اختلاف اللیل و النهار لایات لاولی الالباب » (۱) همانا در آفریدن آسمانها و زمین و رفت آمد شب و روز مسلم نشانه های توحید است برای خردمندان ، آیات درین باب فراوانست و برای تمام اینها آفریننده و صانعی هست مسلم مدبر و حکیمی دارد .

پس عبرت بگیرید و اندیشه کنید تا نشانه‌ی‌ها توحید خدا راپیدا کنید که روشن تر از خورشید و آشکار تر از نور ماهست وهر کس خدارا محدود بحدی کند کافر است وهر کس بگوید دریکطرفی است ملحد است و هر کس بخواهد ذات او را تصور بصورتی کند گمراهست و آنکه اورا تشبیه بچیزی کند منکر و جاحد است و آنچه را که باخیال بخواهید او را تمیز دهید و در قوه‌ی خیالیه او را مجسم یا صورت دهید او مصنوع است و محدث است مانند خود شماست پس عارف بخدا یکتاپرست است وموحداست با این نشانه‌ها و آیات خدائی .

و نیز از دلائلی که دلالت بریکتائی و توحید و بزرگی قدرت خدا می کند داستان فیل و اصحاب فیل است که خداوند از آنها و مصیبتی که بر سر آنان آمده خبر داده و این داستان را هیچ کس انکار نکرده بواسطهٔ شهرت آن داستان زیرا جایز نیست که پیغمبر با آنهمه عناد ودشمنی قریش که همیشه پی فرصت بودند که نقطه‌ی ضعفی بدست آورند تا او را رد کنند دروغ بگوید چنانچه

(۱) سوره آلعمران ۱۸۷.

خدا از این داستان خبر داده و میفرماید: «الم تر کیف فعل ربك باصحاب الفیل» (۱) آیا نمی بینی که پروردگارت با اصحاب فیل چه کرد خداوند داستان آنانرا با عذابیکه بآنان فرود آمد نقل میکند که گروه زیادی داستانرا بچشم خود دیدند.

داستان اصحاب فیل را خدا بیان میکند برای آنانکه ملحدند عادتشان احتجاج و انکار ضروریات است که پیش از آن عادتشان چنین نبود بلکه در تاریخ چنان داستانی ندیده بودند و داستان این بود که مرغ فراوانی می آمد و در منقار هریك از آنها سنگی بود بعد آنسنك را بر سر هریك از آن صدهزار سربازیکه برای خرابی کعبه آمده بود می انداخت و از پائین آن سرباز بیرون میشد بطوری که مانند علف یا کاه خورده شده ی زیر دندان حیوان میشد وهمین طور با تمام سربازان مرغی بود که سنگ برفرقش می افکند و از پائینش بیرون می آمد پس تمام آنان نابود شدند و این کار نمیشود مگر از صانعی حکیم و دانا و اینکار شایسته نیست مگر از پروردگار جهانیان جل جلاله که خدائی جز او نیست واو رحمن و رحیم است.

---

(۱) فیل ۱

باب پنجاه و یکم

خبرهائی که از رسول خدا نقل شده

درین باب خبرهای رسول خدا وائمه طاهرین است که از کتاب مجموعه‌ی ورام نقل شده .

از حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام روایت شده که فرمود برای اهل بهشت چهار نشانه است چهره گشاده ، زبان گویاولطیف ، دل مهربان دست بخشنده .

و از آنحضرت روایت شده که مؤمن گرامی تر از آنست که براد چهل روز بگذرد و خدا اورا از گناه پاك نکند هرچند بخراشی که بزمین افتد یا پاره شدن بند کفش یابحرکت اضطراری چشم باشد و مانند اینها که گفته‌شد وباینها دوست‌ماپاك‌میشود از گناهش یااینکه غمگین میشود و سبب اندوهش را نمیداند .

و اما تب همانا پدرم مرا حدیث کرد ازپدرانش از رسول خدا که فرمود تب یك شب کفاره‌ی یکسال گناهست .

و حضرت رسول فرموده که سلطان عادل دادگر درزمین سایه‌ی خداست که هر ستمدیده ای بسوی او میرودپس‌هر کس عدالت کند برای اوست عدل و باداش عدل و بر رعیت واجب است که از سلطان عادل سپاسگذاری کند و اگر سلطانی ستم کند گناه ستم بر اوست و بر رعیت است که صبر و شکیبائی کند تا مرگ آن ظالم برسد و نیز

فرمود در جهنم وادی‌است که اهل جهنم روزی هفتاد مرتبه از آن استغاثه میکنند ودر این‌وادی خانه‌ای از آتش‌است ودرین خانه چاهی از آتش و در آن چاه تابوتی از آتش و درآن تابوت ماری است که دارای هزار نیش است و هر نیشی یکهزار ذراع است انس بن مالك گفت عرضکردم یا رسول‌الله این عذاب برای کی میباشد فرمود برای شرابخواریکه از اهل قرآن است و برای بی نماز.

و نیز از آنحضرت روایت شده که فرمود جبرئیل بر من نازل شد اما رنگش تغییر کرده بود پس گفتم ای جبرئیل چرا رنگت پریده گفت بر دوزخ گذشتم وادی‌درجهنم دیدم که میجوشید ازمالك پرسیدم این وادی جای کیست؟ گفت برای سه طایفه است آنانکه به‌شرابخواری‌ادامه میدهند، آنانکه‌خوراك و غذا را احتکار میکنند (۱)، آنانکه زن و مرد را بطور حرام بیکدیگر میرسانند

ونیز از رسول خداست که فرمود: هرگاه روزقیامت شود ندا کننده‌ای صدا میزند کجایند دشمنان من پس جبرئیل عرض میکند پروردگارا دشمنان تو فراوانند کدام طایفه‌ی از دشمنانت را میخواهی پس خدای عزّوجل میفرماید کجایندشرابخواران آنانکه شبها تاصبح مست بسرمیبردند، کجایند آنانکه ناموس مردم‌رابرخود حلال میدانستند و با آنان نزدیکی میکردند.

ونیز رسول خدا فرمود هرزنی‌راضی‌شود که بازدواج مردفاسق

---

(۱) احتکار حبس کردن آذوقه ای‌است که مورد نیاز مردم است برای اینکه گرانتر بمردم بدهد - مترجم.

درآید آن زن منافق است و در آتش جهنم زندانی شود و هر گاه بمیرد هفتاد در عذاب بگورش باز میشود و اگر بگوید «لااله‌الاالله» او را هرچه فرشته‌ای که بین آسمان و زمین است لعنت کنند و خداوند در دنیا و آخرت برو خشمگین باشد و در هر شبانه روزی هفتاد گناه خدا در در نامه‌عملش بنویسد و فرمود هر کس دخترش‌را بفاسق بدهد درهر روزی هزار لعنت براو نازل میشود وعملش‌قبول نخواهد شد و دعایش مستجاب نگردد.

و فرمود هرزنی که مهرش را بشوهرش به بخشد بهر مثقالی از طلا که بخشیده ثواب آزاد کردن یك بنده است در راه خدا و نیز فرمود هرزنی‌راز همسرش را پوشیده دارد که کسی براسرارش آگاه نشود درجه‌ی او در بهشت مانند درجات‌حوریان است ولی اگر سرّش درغیر طاعت خدا بود لازم نیست که پوشیده دارد.

ونیز رسول خدا فرمود که هر کس حاضرشود در مجلس‌ازدواج زن مسلمان غرق‌در رحمت خدا می‌شود و برایش ثواب هزار شهید است و بهر قدمی که بسوی آن مجلس برمیدارد ثواب عمل یك پیغمبر دارد وخدا بهر جمله ای که سخن درآن مجلس بگوید عبادت یکسال برایش بنویسد و از آن مجلس برنمیگردد مگر اینکه آمرزیده باشد و آنکس که برای ازدواج دو نفر کوشش میکند و رهنمای آنانست خداوند بشماره‌ی هر موئی که در بدن داردیك شهر در بهشت باو عطا کند و هزار حوریه بازدواج او درآورد و گویا اسیران آل‌محمد را خریده و آزاد کرده و اگردرآن رفت وآمدبمیرد

شهید مرده است و فرمود فرشتگان درخانه ایکه‌شراب ،طنبورودایره است داخل نمیشوند و دعای آنان مستجاب نمیشود ، خدا برکتش را از آنان بر میدارد .

وفرمود هرزنیکه‌شوهر شرابخوارش‌را اطاعت کندبرای اوبعدد ستارگان آسمان گناه است و هر بچه ایکه از او متولد شد نجس و آلوده است و اعمالش قبول نمی شود تا وقتی که همسرش بمیرد یا طلاقش بدهد و رسول خدا فرمود یکزن صالحه‌ی شایسته بهتر است از یکهزار مرد ناصالح و هر زنی هفت روز همسرش را خدمت کند خدا هفت در جهنم را بروی او به بندد وهشت در بهشت را برویش‌باز کند از هر دری که بخواهد وارد بهشت شود .

و فرمود هر مردیکه همسرش را بیگناه و تقصیر بزند من‌روز قیامت دشمن اویم زنهایتان را مزنید هر کس بی تقصیر آنانرا بزند معصیت خدا و رسولش را کرده.

و نیز فرمود هر کس زنرا برای زیبائی و خوشگلی بگیرد خداوند جمال آنزن را برای او بدعاقبت قرار دهد و فرمود هر زنی که همسرش را سیراب کند بجرعه‌ی آبی ثواب عبادت یکسال نماز و روزه و شب زنده داری برایش باشد و برای هر شربت آبی که بشوهرش داده خدا شهری در بهشت برای او بنا کند و شصت گناه اورا بیامرزد.

و فرمودسه طایفه‌ی از زنهایند که عذاب قبرازآنها برداشته‌شود وباحضرت فاطمه دختر حضرت‌محمد محشورشوند زنیکه‌برغیرت‌شوهرش صبر کند ، زنیکه باشوهر بد اخلاق بسازد و زنیکه مهریه اش را

به بخشد خدای تعالی بهریك از این سه طایفه‌ی زنها ثواب یك هزار شهید می بخشد و برای هریك از آنان ثواب عبادت یك سال نوشته میشود .

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که رسول خدا فرمود : هر کس کمك کند مسلمانی‌را بآبی یا آتشی برای اوست بهشت جاویدان وفرمود هیچ کس نیست که‌ازقبرستانی بگذردمگر اینکه اهل آنگورستان فریاد میزنند ای بیخبر اگر آنچه راکه ما میدانیم تو بدانی مسلم گوشت بدنت آب خواهد شد وفرمودهر کس برجنازه‌ای بخندد خدای تعالی اورا روز قیامت پیش مردم پست و خوار کند ، ودعای او مستجاب نمی شود ، و هر کس در قبرستان بخندد وبرگردد براوست‌گناهی مانند کوه‌احد و هر کس بر مردگان گورستان ترحم کند از آتش دوزخ نجات پیدا میکند .

و فرمودهرگاه مرد به نیت مردگان‌صدقه بدهدخدا بجبرئیل فرمان دهد که هفتاد هزار فرشته بر قبراو بفرستند دردست‌هرفرشته ای طبقی از نور باشد بقبر او ببرندو بگویند سلام برتو ای‌دوست‌خدا این ارمغان فلانی فرزند فلانی است که برای تو فرستاده پس قبرش روشن و نورانی شود و خدا هزار شهر در بهشت باو عنایت فرماید و هزار حوریه‌ی بهشتی بعقدش درآورد و هزار حله بهشتی بر او بپوشانند و هزار حاجت او بر آورده شود .

و فرمود هرگاه‌مؤمن آیة‌الکرسی را بخواند وثوابش رابرای مردگان‌گورستان قرار دهد خداوندبهرحرفی از آیة‌الکرسی‌فرشته‌ای

را قرار دهد که برای او تسبیح خدا کنند تا روز قیامت و فرمود هر گاه شرابخوار بمیرد روحش را بآسمان هفتم ببرند و با او نگهبانانی باشند و بگویند پروردگارا فلان بنده‌ی تو مرد در حالتی که مست بود پس خدای تعالی میفرماید روحش را بقبرش بر گردانید. و تا روز قیامت لعنتش کنید.

و فرمود هر گاه دوستی از دوستان خداوند بمیرد روحش را بآسمان هفتم برند و نگهبانان با او باشند و بگویند پروردگارا فلان بنده‌ی تو مرد پس خدای عزوجل امر کند او را بسوی قبرش برگردانید و تا روز قیامت برایش حسنه بنویسید و فرمود هر کس بمیرد و میراثش کتابهای اخبار وفقه اسلامی باشد بهشت براو واجب است.

و فرمود دنیارا فحش ندهید که نیکو مرکبی است برای مؤمن بواسطه‌ی دنیا باو خیر و خوبی میرسد و از شر و بدیها نجات پیدا میکند همانا هرگاه بنده بگوید خدا دنیارا لعنت کند دنیا درجواب میگوید خدا لعنت کند هر کرا از ما پروردگارش را بیشتر نافرمانی می کند.

و حضرت ابیعبدالله فرمود هر کس بازنی زنا کند از ایمان خارج شده، هر کس شراب بخورد بی ایمانست.

و از حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام روایت شده که فرمود عمرو بن‌عبید بر پدرم حضرت صادق وارد شد چون بر آنحضرت سلام کرد و نشست این آیه‌را خواند: «والذین یجتنبون کبائر الاثم والفواحش» (۱) و آنانکه از گناهان بزرگ دوری میکنند بعد ساکت شد حضرت

(۱) شوری ۳۵.

فرمود چرا ساکت شدی؟ عرضکرد دوست دارم گناهان بزرگ را از کتاب خدای عزوجل بشناسم حضرت فرمود بلی ای عمرو بزرگترین گناهان شرك بخدای عزوجل است «من یشرك بالله فقد حرم الله علیه الجنة» (۱) وهر کس شرك بخدا آورد مسلم بهشت بر او حرامست.

و بعداز شرك بزرگترین گناهان نا امیدی از رحمت خداست چنانچه خدای میفرماید: «فلا تیأسوا من روح الله انه لاییاس من روح الله الا القوم الکافرون» (۲) و از رحمت خدا نا امید مشوید همانا جز کافران کسی از رحمت خدا نا امید نمیشود بعد از آن ایمن بودن از نیرنگ خداست چنانچه میفرماید: «فلا یامن مکر الله الا القوم الخاسرون» (۳) از مکر و نیرنگ خدا کسی جز زیانکاران ایمن نیستند یعنی مجازات میشوند بواسطه نیرنگشان بخدا.

و گناه بزرگ دیگر عاق پدر ومادر است زیرا که خدای تعالی عاق را ستمگر و بدبخت قرار داده وگناه بزرگ دیگر آدم کشی است که خدا جایگاه آدم کش را دوزخ قرار داده مگر آدم کشی بحق باشد که خدای تعالی میفرماید: «جزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه ولعنه واعد له عذاباً عظیماً» (۴) پس مجازات او دوزخ است برای همیشه وخشم و لعنت خدا بر اوست و برایش عذابی بزرگ مهیا شده.

ونیز خوردن مال یتیم است که خدای تعالی میفرماید «ان الذین

---

(۱) مائده ۷۶. (۲) یوسف ۸۷.

(۳) اعراف ۹۷ (۴) نساء ۹۳

یأکلون اموال الیتامی ظلماً انما یأکلون فی بطونهم ناراً و سیصلون سعیراً » (۱) همانا کسانیکه مالهای یتیمان را میخورند از روی ستم همانا در شکم های خود آتش دوزخ فرو میبرند و بزودی در آتشی افروخته افکنده میشوند.

گناه دیگر فرار از صحنه‌ی جنگ و پیکار است که خدای تعالی میفرماید: « و من یولهم یومئذ دبره الا متحرفاً لقتال او متحیزاً الی فئة فقد باء بغضب من الله و مأویه جهنم و بئس المصیر » (۲) وهر کس پشت بایشان بگرداند مگر کناره گرفته باشد برای جنگ یا برای جا گرفتن در میان گروهی از جنگجویان پس بخود گرفته است خشمی از خدا و جایگاهش دوزخ است و بد جایگاهی است.

و گناه بزرگ دیگر خوردن رباو فرع است خدای تعالی میفرماید: « الذین یأکلون الربا لایقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس » (۳) آنانکه ربا میخورند بر نخیزند روز قیامت مگر مانند آنها که شیطان آنان را دیوانه میکند از جنون.

گناه دیگر سحر است که خدای تعالی فرموده است « ولقد علموا لمن اشتراه ماله فی الاخرة من خلاق » (۴) و بحقیقت دانسته اند کسیکه اورا خریده که برای اودر آخرت بهره‌ای نیست گناه دیگر زناست که خدای تعالی فرموده است: « و من یفعل ذالك یلق اثاماً یضاعف له العذاب و یخلد فیه مهاناً » (۵) وکسیکه انجام میدهد آنرا

(۱) نساء ۱۱ .
(۲) انفال ۱۶.
(۳) بقره ۲۷۶ .
(۴) بقره ۹۶ .
(۵) فرقان ۶۸

ملاقات میکند مجازات را دو برابر و او را عذاب روز قیامت است و با خواری در آن عذاب جاویدان باشد.

و گناه دیگر سوگند بناحق است خدای تعالی میفرماید «ان الذین یشترون بعهد الله وایمانهم ثمناً قلیلا اولئك لا خلاق لهم فی الاخرة» (۱) همانا کسانیکه پیمان و سوگند خدا را ارزان میفروشند ایشان را بهره ای در آخرت نیست گناه دیگر خیانت است که خدا فرموده «ومن یغلل یأت بما غل یوم القیمة (۲) و هر کس خیانت کند روز قیامت بیاید با آنچه که خیانت کرده.

گناه بزرگ دیگر منع کردن زکوة است خدای تعالی فرموده است: «یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم وجنوبهم» (۳) روزیکه افروخته می شود بر آنها آتش دوزخ پس چهره های آنان و پهلوهاشان داغ می شود.

گناه دیگر گواهی دادن بناحق و کتمان کردنست خدای تعالی فرموده است «ومن یکتمها فانه آثم قلبه» (۴) و هر کس بپوشد آنرا همانا دلش گناهکار است و شراب خوردن زیرا که خدای تعالی مانع شده از خوردن شراب آنچنانکه از پرستش بتها مانع شده.

و گناه بزرگ دیگر نماز نخواندنست یا ترك نمودن واجبی از واجباتی که خدا واجب فرموده زیرا که رسول خدا فرموده هر کس بدون عذر نماز را ترك نماید و نخواند از امان و پناه خدا و رسولش

---

(۱) آل عمران ۷۱. (۲) آل عمران ۱۵۵

(۳) توبه ۲۵. (۴) بقره ۲۸۳.

بدور است و پیمان شکنی و رفت و آمد نکردن با قوم و خویشان خدای تعالی میفرماید : « اولئك لهم اللعنة و لهم سوء الدار » (۱) .
حضرت فرمود عمرو خارج شد از محضر پدرم صدایش بگریه بلند بود و داد میزد و میگفت نابود میشود هر کس که قرآن را برای و اندیشه‌ی خود تفسیر نماید و با شما در فضیلت و علم بجنگد که خود را با شما برابر کند .

و رسول خدا فرمود اول چیزیکه بواسطه آن خدا را معصیت کردند شش چیز است دوستی دنیا ، جاه طلبی ، راحت طلبی ، دوستی خواب ، زنان را دوست داشتن ، غذا را دوست داشتن ، و فرمود که خشم ایمان را تباه میکند آنچنانکه سر که عسل را تباه میکند و حضرت ابیعبدالله فرمود: خشم کلید تمام بدیهاست ، نبی اکرم فرموده هر کس نفسش را نگهدارد از ریختن آبروی مسلمانان خداوند او را از لغزش روز قیامت نگهدارد و هر کس خود داری کند از خشم کردن بر مردم خداوند او را از عذاب روز قیامت حفظ کند .

و فرمود در جهنم وادی‌است برای متکبران وخودستایان که نام آن وادی سقر است بخدای تعالی از گرمی خود شکایت کرد و از خدا خواست که نفسی بکشد پس بامر خدا نفسی کشید که تمام جهنم را سوخت.

و از حضرت ابیجعفر روایت شده فرمود که حضرت علی بن الحسین بفرزندانش میفرمود : از دروغ کوچك و بزرك چه شوخی و چه جدی بپرهیزید زیرا که هرگاه مرد دروغ کوچك گفت بر دروغ

(۱) رعد ۲۵ .

بزرگ گفتن هم جری و چیره‌میگردد مگر نمیدانید که رسول خدا فرمود بنده همیشه راست میگوید تا اینکه خدای عزوجل نامش رادر زمره‌ی راست گویان می نویسد و دروغ‌میگوید آنقدر تا اینکه‌خدا او را در شماره‌ی دروغگویان نامش را می نویسد و فرمود همانا دروغگو ویران کننده‌ی ایمان است .

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که فرمود بنده مزه ایمان را نخواهد چشید مگر اینکه دروغ جدی و شوخی‌راترك‌نماید حضرت عیسی بن مریم فرمود هر کس‌دروغش زیادشودآبرویش میرودحضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود برای‌مرد مؤمن سزاواراست که‌دوری کند از برادری دروغگو زیرا که دروغگو همیشه دروغ میگوید تااینکه اگر راستی هم بگوید از او باور نمیشود .

و از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده هر کس دورو و دو زبان با مسلمانان روبرو شود روز قیامت بیاید درحالتی که دوزبان از آتش دارد و از حضرت باقر علیه‌السلام است که فرمود بد بنده ایست بنده‌ایکه دورو و دوزبان باشد در پیش‌رو اورا ستایش کند و پشت سر اوراغیبت کند اگر خدا باو چیزی بدهد حسد ورزد و اگر گرفتاری برایش پیش آید اورا خوار کنند .

خدای تعالی بحضرت عیسی فرمود که باید زبانت در نهان و آشکارا یکی باشد و هم چنین دلت هم یکی باشد من ترا هشدار میدهم از نفست که خبیرو بینایم بکردار بنده ، دو زبان دریکدهن شایسته نیست و نه دو شمشیر دریك غلاف و نه دو دل در یك سینه

چنین است ذهن ها و از حضرت ابیعبدالله روایت‌شده که فرمود : دو مرد بواسطه قهر کردن از یکدیگر جدا نمیشوند مگر اینکه یکی از آندو سزاوار لعنت و دوری از بهشت گردد وممکن است هر دوی آنها سزاوار لعنت وبرائت شوند.

و از آنحضرت روایت شده فرمود پدرم از قول پیغمبر فرموده که هرگاه دو مسلمان بایکدیگر قهر کنند و باهم آشتی نکنند از دین اسلام خارجند و بین آندو دوستی نباشد و هر کدام درصلح و آشتی پیشی بر دیگری گیرد زود تر وارد بهشت شود روز قیامت و از حضرت‌ابیجعفر روایت شده که شیطان میان مؤمنین‌ایجاد نزاع و دعوا کند تا وقتیکه یکی از آندو از تقصیر وگناهش برنگردد پس هرگاه نزاع کردند و از یکدیگرقهر نمودند شیطان از خوشحالی به پشت افتد و بگوید رسیدم بآنچه میخواستم .

پس خدا رحمت کند مردیرا که‌بین دودوست‌ما ایجاد مهربانی و آشتی کند ای گروه مؤمنان بایکدیگرمهربان شوید و ازحضرت ابی عبدالله عليه‌السلام روایت شده هرگاه روز قیامت شود پرده ای از پرده‌های بهشت برداشته شود بوی بهشت را از پانصد سال راه‌بشنود هر کس که دارای‌شامه‌ای باشد مگر یك طایفه که نشنوند عرضکردم آنها کیستند فرمود عاق پدر و مادر .

و فرمود: کمتربن عاقها گفتن کلمه‌ی اف باشد و اگر از آن کلمه پست تر کلمه‌ای بود خدا ازآن‌نهی‌می کرد همچنانکه خدای تعالی فرموده : « فلا تقل‌لهما اف‌ولاتنهرهما‌وقل لهما قولا کریما» (۱)

(۱) اسراء ۲۴ .

پس مگوی مر آن دو را اف و آزارشان مده و بگوی بآنها سخنی نیکو و پسندیده و فرمود هر کس بروی پدر ومادر از روی خشم نگاه کند اگر چه پدر و مادر در حق او ستم کرده باشند خدای تعالی نماز اورا قبول نمی کند .

و از حضرت ابیجعفر روایت شده که رسولخدا فرموده بپرهیزید از عاق پدر و مادر زیرا که بوی بهشت ازهزار سال راه شنیده میشود وعاق والدین و قاطع رحم وپیر مرد زنا کار بوی آنرا نمی شنوند .

و ازحضرت ابی جعفر روایت شده رسول خدا فرمود که خدای تعالی میفرماید بعزت و جلال وبزرگی ونور وبلندی مقام و عظمتم که اختیار نمی کند بنده هوای نفس و خواسته خود را برخواسته ی من مگر اینکه اورا سرگردان کنم در کارش ودنیارا ازاوبرگردانم و دلش را سرگرم بدنیا کنم و باو جز قوت لایموت چیزی ندهم و سوگند بعزت و جلالم و بلندی مقام وعظمتم که اختیار نمیکند بنده خواسته مرا برخواسته خودش مگر اینکه فرمان دهم که فرشتگان اورا نگهبانی کنند و زمین وآسمان ضامن روزی او شوند و من در مقابل تجارت هر تاجری قرار دارم که دنیا را باو برسانم در حالتی که دنیا براو خشمگین است .

و نیز رسول خدا فرمود کسیکه خوشنودی مردم را بوسیله ی خشم خدا بدست آورد خداوند هم آنان را که انتظار ستایش از از آنها دارد بدگو و نکوهش کننده ی او قرار دهد وکسیکه اطاعت پروردگار را اختیار کند به سبب چیزیکه خشم مردم در آنست

خداوند او را از دشمنی هر دشمنی و حسد هر حسودی و از ستم هر ستمگری نگهدارد و خدای عزوجل یار و یار او باشد و از حضرت ابی جعفر است که فرموده: ولایت و دوستی علی علیه السلام دری است که خدا باز کرده هر کس از آن در داخل شود مؤمن است و هر کس بیرون آید کافر است.

و از حضرت ابیعبدالله علیه السلام روایت شده که فرمود همانا بنده گناه را انجام میدهد وخدا او راوارد بهشت من کند راوی گفت‌عرض کردم ای پسر رسول خدا بگناه داخل بهشت می‌شود فرمود هر کس گناهی انجام دهد و بداند خدا اگر بخواهد او را بهشت میبرد و اگر بخواهد بجهنم میبرداگر طلب آمرزش هم نکند خدا او را می آمرزد.

عبد الله بن موسی بن جعفر علیهما السلام از پدرش روایت کرده که گفت پرسیدم از پدرم دو فرشته ای که همراه بنده‌اندآیا گناه‌بنده را میدانند زمانیکه بنده اراده نماید که گناه کند یا ثواب نماید حضرت فرمود بوی خوب و بد یکسانند عرضکردم نه فرمود بنده هر گاه همت بر انجام دادن کار خوب میگمارد از دهانش بوی خوشی بیرون آید سپس فرشته‌ی دست راستی میگوید به ملك طرف چپ بایست و منویس که اراده‌ی کار خوب کرده است.

پس هر گاه عمل را انجام داد زبانش قلم و آب دهنش جوهر شود در نامه‌ی عملش نوشته شود و هرگاه اراده‌ی معصیت و نافرمانی خدا را کند از دهنش بوی گندی بیرون آید فرشته دست چپ

بدست راستی گوید باز ایست که ارادهٔ گناه دارد پس چون گناه را انجام داد در نامه‌ی عملش نوشته شود و از حضرت ابی عبدالله روایت شده که فرمود هر گاه بنده توبه‌ی نصوح کند برای رضای خدا همانا خدای تعالی بر او در دنیا و آخرت گناهانش را پوشیده‌دارد.

عرضکردم چطور خدا گناهانش را براو بپوشاندفرمودفراموش میکنند دو فرشته‌ی نویسنده آنچه را که میخواهندبنویسند برای او از گناهان سپس خدا به اعضا و جوارح اوامرمیکند که‌گناهانش را بر اوبپوشانید و کتمان کنید و بسوی زمین فرمان رسد هر گناهی که فراز تو انجام‌داده بپوشان پس‌هنگام ملاقات‌خدارا ملاقات‌میکند در صورتیکه گواهی دهنده ای برای او بر گناهانش نیست.

و از حضرت ابیجعفر روایت‌شده که بمحمدبن مسلم فرمود که گناه مسلمان هر گاه توبه کند برایش آمرزیده است پس باید مؤمن بعداز توبه عمل را از سر بگیرد و بداند که بخداسوگند که توبه‌نیست مگر برای اهل ایمان محمّدبن مسلم عرضکرد اگر بعداز توبه‌و طلب آمرزش گناه کرد تکلیف چیست؟

فرمود ای محمّد بن مسلم گمان میکنی که خداوند بعدازپشیمانی مؤمن از گناه خود توبه‌ی اورا نمی پذیرد عرضکرد اگر بعداز توبه بازهم گناه کرد باز توبه کرد بازهم گناه تکرار شد و همین‌طور تکرار شد چه میشود؟

حضرت فرمود هرچه بنده طلب آمرزش کند خدا برایش می آمرزد و همانا خدا آمرزنده و مهربانست وتوبه را می پذیرد و

گناهان را می بخشد مبادا اینکه مومنان را نا امیدازرحمت‌خدای تعالی کنی.

و نیز از آنحضرت روایت شده توبه کننده‌ی از گناه مانند کسی است که گناه ندارد و کسی که پای‌گناه‌ایستاده وترك نمیکند ولی‌طلب آمرزش از خدا میکند مانند کسی است که خدارا مسخره میکند.

و حضرت صادق عليه السلام فرمود هر کس که در هر روزی هفتاد بار طلب‌آمرزش از خداوند کند خداوند هم هفتصد گناهش را بیامرزد.

و فرمود مؤمنی نیست مگر اینکه مدتی ازگناه دوری کرده باشد ولی بعد گناه کوچك انجام داده و ازآنحضرت پرسیدند ازقول‌خدای تعالی که میفرماید: «الذين يجتنبون كبائر الاثم و الفواحش الا اللمم» (۱) کسانیکه دوری‌میکنندازگناهان بزرگ و کارهای زشت مگر گناهان کوچك حضرت فرمود فواحش زنا کردن و دزدی کردنست و لمم مردیست که‌گناه کوچك انجام میدهد و طلب‌آمرزش میکند از خدای تعالی.

و از بعضی از اصحاب ما روایت شده که حضرت امیرالمؤمنین بر منبر مسجد کوفه نشست حمد وستایش خدا را کرد سپس فرمود ای مردم گناهان سه قسم است بعد ساکت شد سپس‌مردی از اصحاب باآنحضرت عرضکرد یا امیرالمؤمنین فرمودید گناهان سه قسم است ولی ازگفتن خود داری کردید حضرت فرمود نگفتم مگر اینکه آنها

---

(۱) نجم ۳۲.

را با تفصیل بیان کنم ولی چیزی عارض شد که فاصله شد بین من وسخنم .

بلی گناهان سه قسم است گناهیکه آمرزیده می‌شود وگناهی که آمرزیده نمی‌شود وگناهی است که صاحبش بین خوف ورجاست آنمرد عرضکرد ای امیر مؤمنان برای ما مطلب را روشن کن فرمود بلی اما گناهی که آمرزیده می شود پس بنده ای در دنیا مرتکب آن گناه میشودخدا هم او را درین دنیا برآن گناه مجازاتش میکند خدای تعالی کریمتر وحکیم‌تر ازین است که بنده اش را دو مرتبه مجازات کند و اما گناهیکه آمرزیده نمیشود ستم کردن بندگان گروهی بر گروه دیگر است همانا خدا بذات خود سوگند یاد کرده سپس فرموده بعزت و جلال خودم گذشت از ستم ستمگری جایز نیست اگر چه زدن دستی بدستی باشد و یادست کشیدن بر سر کسی باشد یا دست زدن بر سر حیوانات باشد خداوند در قیامت قصاص نماید بعضی از بندگان را به بعض دیگر تا اینکه باقی نماند برای کسی حقی بر کسی .

و اما گناه سومی گناهی است که خداوند بر بنده اش پوشیده و توبه را روزی او کرده پس صبح کند بنده در حالتی که ترسان از گناهش وامیدوار بپروردگارش باشد همانطور که او برای خودش هست ما برای او باشیم پس بنده امیدوار رحمت اوست .

و از حضرت ابی‌جعفر عليه السلام است که فرمود همانا هرگاه خدای عزوجل اراده کند که بنده را گرامی دارد ولی آن بنده را گناهی

باشد او را گرفتار بیماری کندواگرمبتلای به بیماریش نکندجان کندن اوراسخت نماید تا بااین سختی‌ها جبران گناهانش بشود فرمود اگر خدا اراده کند که بنده‌ی خودش را پست و خوار کند ولی اورا کارهای نیکو باشد بدنش را سالم نگهدارد و اگر بدنش را سالم نگه ندارد روزی او را وسعت دهد و اگر اینکار را نکند قبض روحش را آسان میکند پس عمل نیك اورا با اینها جبران میکند .

و از حضرت ابیعبدالله عليه‌السلام روایت شده که همانا بنده هرگاه گناهش زیاد شود و عمل نداشته باشد که جبران گناهانش را بکند اورا بغم و اندوه گرفتار میکند تا کفاره‌ی گناهانش باشد :

و از آنحضرت روایت شده که رسول خدا فرمود همانا خدای تعالی میفرماید بعزت وجلالم سوگند بنده ای را از دنیا بیرون نبرم در صورتیکه اراده داشته باشم باو رحم کنم گناهانش را میریزم یا بوسیله‌ی بیماری بدنش و یا بواسطه‌ی تنگی روزیش یا بوسیله ترس در دنیایش پس اگر چیزی از گناهانش بجا بماند جان کندن و قبض روح اورا سخت گردانم تا اینکه برمن وارد شود و گناهی براو نباشد سپس اورا داخل بهشت کنم .

بعزت و جلالم سوگند بنده‌ای را از دنیابیرون نبرم درصورتیکه اراده‌ی عذاب کردن اورا داشته باشم مگراینکه جزا و پاداش کردار نیك اورا بوی بدهم یا بوسیله‌ی وسعت رزق و روزی او یا بوسیله سلامتی بدنش و یا دنیای او را ایمن گردانم پس اگر چیزی باقی‌ماند مرگ را بر او آسان گردانم تا اینکه برمن وارد شود واوراحسنه‌ای

نباشد سپس اورا داخل آتش کنم .

و فرمود هرگاه خداوند اراده‌ی بدی به بنده اش کند گناهانش را نگهدارد تا او را روز قیامت بواسطه گناهش مجازات کند وهر-گاه اراده ی خیر به بنده اش داشته باشد شتاب میکند در مجازات اودردنیا .

و حضرت رسولخدا فرموده که مؤمن همیشه غمگین و افسرده خاطر است تا اینکه گناهی برای او بجا نماند .

و از حضرت امام موسی کاظم عليه السلام نقل شده که فرمود: از ما نیست کسیکه بازجوئي نکند نفسش را در هر روز پس اگر کردار نیك انجام داده ازخدا توفیق زیادی در عمل بخواهد و اگر کرداربد انجام داده از آنها طلب آمرزش از خدا کند و توبه نماید.

و از سخنان آنحضرت است که فرمود خیری در زندگی نیست مگر برای دو مرد یکی مردیکه هر روز کردار نیکش را زیاد میکند دیگر مردی که گناهانش را بوسیله توبه جبران میکند ولی توبه کجاست بخدا سوگند اگر آنقدر سجده کند که گردنش قطع شود خدا توبه اش را نمی پذیرد مگر بولایت و دوستی اهل بیت پیغمبر آگاه باشید هرکس حق مارا بشناسد وامیدوار ثواب در باره‌ی ما باشد و به‌روزی خود راضی باشد وشرمگاه خود را بپوشاند و بوسیله دوستی ما بخدا نزدیك شود پس او در روز قیامت در امان باشد و از حضرت ابی جعفر است که فرمودچقدرخوبست کردار نیك بعداز کردار زشت و چقدر زشت است کردار بد بعداز کردار خوب ؟

و از حضرت ابیعبدالله روایت شده که فرمود همانا شما در عمرهای کوتاه و روزهای معین باشید و مرگ ناگهان میرسد هر کس کشت نیکی کند آنرا از روی رشك درو میکند و هر کس بدی کشت کند با پشیمانی آنرا در روز قیامت درو میکند و از برای هر کشاورزی همانست که کاشته و آدم تنبل از شما به بهره خود نمیرسد و آدم حریص بآنچه که برایش مقدر نشده نمیرسد پس هر کس خیری بکسی به بخشد خداهم باو خیر و خوبی به بخشد و هر کس شری را نگهدارد خداوند نگهدار او باشد.

و از آن حضرت روایت شده که فرمود مردی پیش ابی در آمد و عرض کرد ای اباذر چرا ما مرگ را خوش نداریم فرمود زیرا که شما خانه‌ی دنیا را آباد کردید ولی خانه‌ی آخرت را ویران و خراب کردید پس ناخوش دارید که از خانه آباد بخانه ویران منتقل شوید پرسید ورود ما را بر خدا چگونه می بینی؟ فرمود اما نیکو کار مانند مردی است که از اهل وعیالش پنهان و در مسافرت است بعد بر اهلش وارد می شود و اما گنه کار مانند بنده‌ی فراریست که بر مولایش وارد میشود.

عرض کرد حال ما را در پیش خدا چگونه می بینی فرمود اعمال و کردار تان را بر کتاب خدا عرضه بدارید خداوند میفرماید: «ان الابرار لفی نعیم و ان الفجار لفی جحیم» (۱) همانا نیکو کاران در بهشت و فاجران در دوزخند سپس آن مرد پرسید رحمت خدا در کجاست؟ فرمود: «ان رحمة الله قریب من المحسنین» (۲) همانا

---

(۱) انفطار ۱۳ (۲) اعراف ۵۴

رحمت خدا به نیکو کاران نزدیك است .

حضرت ابیعبدالله فرمود مردی بابی ذرنوشت که چیزی از علم خداشناسی برای من حدیث کن سپس ابی‌ذر بسوی او نوشت دانش فراوانست ولی اگر تو قدرت داشته باشی بکسی که دوست داری باو بدی نکنی اینکار را انجام ده سپس عرضکرد مگر کسی را که بدوستش بدی کند دیده‌ای ابی‌ذر فرمود آری نفس تو دوست ترین نفسها است برای تو پس هرگاه نافرمانی خدا را کنی مسلم بنفست بدی کرده ای .

و از حضرت علی بن الحسین روایت شده فرمود خیریکه از همه چیز ثوابش زودتر بانسان میرسد ، خوبی کردن است وشری که‌از همه‌چیز زودترمجازاتش بانسان‌میرسد ستم‌و‌مردرا همین‌عیب کافیست که از عیبهای خود فراموش کند و سرگرم عیب های دیگران‌باشد ولی عیبهای خودش را نمی بیند و یا اینکه بی جهت همنشین خود را آزار دهد و مانع شود مردم را از چیزیکه‌قدرت ترکش‌را ندارند.

و از حضرت ابیعبدالله روایت شده که‌حضرت‌امیرالمؤمنین علیه‌السلام فراوان در سخنرانیش‌میفرمود: ای مردم دین خود را حفظ کنید زیرا که گناه کردن درین دین بهتر از عمل شایسته‌ی در غیر این دین است بجهت اینکه گناه درین دین آمرزیده میشود ولی حسنه وثواب در غیر این دین پذیرفته‌نمی‌شود وفرمودهر کس‌همسایه ای‌داشته‌باشد که نافرمانی خدارا کند.و او را مانع از نافرمانی خدا نشود پس او درگناه همسایه اش شریك است .

و فرمود برای بنده مجازاتی بزرگتر از قساوت قلب نیست .
و فرمود بهیچ کس چیزی از زن صالحه و شایسته بهتر داده نشده که هرگاه اورا ببیند شادمان شود و هرگاه چیزی باو به بخشد خوبی کند و هرگاه از او غائب شد آبرویش را حفظ کند .

و پیغمبر اکرم فرمود که نابود شدن زنان امت من در دو چیز است یکی طلا و دیگری لباسهای نازك و بدن نما و نابود شدن مردان امت در ترك علم و جمع آوری مال است و از مجاهد است گفت که پیامبر بر جوانی وارد شد و حال اینکه آخرین دقایق زندگیش را طی میکرد حضرت پرسید چطوری؟ عرض کرد بخدا امیدوارم و از گناهانم بیمناکم حضرت رسولخدا فرمود جمع نمیشوند در دل بنده این چنین حالتی درین موقع مگر اینکه خدا عطا کند آنچه را که امیدوار است و ایمن گرداند اورا از آنچه که میترسد و خائف است

و حضرت رسول اکرم فرمود که همانا خدای عزوجل شرم میکند از بنده اش هنگامیکه نماز جماعت میخواند و بعد از او حاجتش را طلب کند و خداهم حاجت او را برآورده نکند و فرمود بیشتر گناهان فرزند آدم از ناحیه ی زبانش باشد فرمود هر کس دو رکعت نماز در خلوت بخواند که جز خدا کسی اورا نه بیند برائت آزادی دوزخ برایش باشد و فرمود گروهی نیست که درمجلسی بنشینند بعد بلند شوند وذکر خدا نگویند مگر اینکه بر ایشانست حسرت واندوه روز قیامت و فرمود طلب آمرزش فراوان کنید زیرا که خدا استغفار را بشما نیاموخت مگر اینکه اراده ی آمرزش شما را داشت.

و فرمود آیا شمارا رهنمائی نکنم بچیزیکه خدا بواسطه‌ی آن گناهان شمارا نابود میکند و بواسطه‌ی آن گناهان شمارا میبرد پس عرضکردیم بلی یا رسول‌خدا فرمود وضو گرفتن در شدت سختی سرما و زیاد رفتن بمسجد ها و بانتظار نماز بودن بعداز نماز وفرمود از محرمات بپرهیزتا عابد ترین مردم باشی و به آنچه‌که خدا بتو داده راضی باش که ثروتمند ترین مردم باشی وبه‌همسایه‌ات خوبی کن تا مؤمن باشی و هرچه برای خودت دوست می داری برای مردم دوست داشته باش تا مسلمان واقعی باشی خندهٔ زیاد مکن که خندهٔ زیاد دل را میمیراند و فرمود هرگاه مرد طلبی از برادر مسلمانش دارد اورا مدتی مهلت بدهد ثواب صدقه وانفاق‌رادارد واگر مهلت داد تا بعداز مدت معلوم برای هر روزی ثواب صدقه ای دارد.

و فرمود کار خوب فراوانست ولی کسی که انجام‌دهد کم‌است و از آنحضرت است که فرمود همانامردی پروردگارش را میخواند ولی خدا از او رو برمیگرداند بعد خدارا میخواند بازهم خدا از او دوری می کند بعد هم خدارا میخواند بازهم خدا رو از او برمیگرداند پس هرگاه مرتبه‌ی چهارم شدخدای‌تعالی میفرماید بنده‌ی من مرا میخواند و من از او رو برمیگردانم بنده ام فهمیده است که جز من کسی آمرزنده نیست من شمارا گواه میگیرم که اورا آمرزیدم و فرمود: تمام شما شبانید و تمام شما مسئول زیردستان‌باشید.

مرد چوپان اهل و عیالش باشدومسئولیت تربیتی‌آنها بعهده‌ی اوست و زن چوپان است بر اهل‌بیت شوهرفرزندانش‌وزن مسئولیت تمام آنانرا دارد وآقامسئولیت بنده اش را دارد.

و ازحضرت نبی اکرم روایت شده که هر گاه کسی آب گوشتی بپخت آبش را زیاد کند تا بهمسایه گان هم بدهد وفرمود مردم همیشه در خوبی و خیر باشند تا آنگاه که شتاب نکنند عرضکردند ای رسولخدا چگونه شتاب میکنند فرمود میگویند ما دعا کردیم ولی نشد و فرمود هر کس چهل روز نماز جماعت بخواند دوری از نفاق و دروئی ودوری از آتش برایش نوشته شود .

و نیز فرمود همانا خدا بنده‌ی تهی دست وعفیف خود رادوست دارد و فرمود دهنهایتان را پاك نمائید زیرا که دهنهای شما راههای خواندن قرآنست و نبی اکرم فرمود حاجتهای خود را از رحم دلان امت من بخواهید تا برآورده شود زیرا که خدای عزوجل میفرماید رحمت من شامل حال رحم دلان از بندگانم میشود و از سنگدلان حاجت نخواهید که بر آورده نخواهد شد زیرا که خدای تعالی میفرماید که خشم من برای سنگدلانست .

و فرمود همانا بنده را روز قیامت برای یك گناه از گناهانش صد سال حبس کنند و همانا او نگاه میکند برادران وهمسرانش را در بهشت می بیند و فرمود هر کس که گناه را انجام دهد و خنده کند وارد آتش میشود در حالیکه گریه میکند .

و فرمود آیاشما را از بزرگترین گناهان خبر ندهم عرضکردند چرا یا رسول الله فرمود بزرگترین گناهان سه چیز است شرك بخدای تعالی وعاق والدین حضرت تکیه کرده بودنا گاه برخاست ونشست و فرمود وسخن بناحق گفتن وگواهی ناحق دادن آنقدر حضرت این مطلب

را تکرار کرد بطوریکه گفتیم ای کاش ساکت‌می‌شد .

و از حضرت رسولخدا روایت شده که فرمود هفتاد هزار از امتان من وارد بهشت می شوندبدون‌حساب بعدتوجهی بسوی‌علی عليه‌السلام کرد و فرمود آنان شیعیان تو باشند یا علی و تو امام آنانی .

و از رسول خدا روایت شده که هر کس کاغذی را که اسم خدا در آن نوشته‌شده برای‌اجلیل نام‌خدا که روی خاك میباشد بردارد در پیشگاه خدا در شماره‌ی صدیقین باشد و تخفیفی در مجازات پدرو مادرش باشد اگرچه مشرك باشند .

و فرمود از مانیست کسی که بر صغیرما (سادات)رحم نکند و بزرگ مارا احترام نکند و فرمود هر کس پیر مردی‌را بواسطه‌ی زیادی سنش احترام کند خدا اورا از ترس روز قیامت ایمن دارد و فرمود هر گاه مؤمن به سن هشتاد سال برسد پس اسیر خداست در زمین برای اوحسنات نوشته شود وگناهانش نابود شود.

و از ابن عباس روایت شده هر کس عمرش به چهل سال برسد وکارهای خیرش بر کردار شرش پیروز نشود باید آماده ی آتش دوزخ شود .

و از محمد بن علي بن الحسين عليه‌السلام روایت شده که هر گاه مرد عمرش بچهل‌سال رسید ندا کننده ای ازآسمان صدا میکند که کوچ کردن نزدیك شد زاد وتوشه را مهیا کن ودر گذشته رسم چنین بود که مرد هر گاه بچهل سالگي میرسید حساب نفسش را میکرد .

و از عبدالله بن عمر روایت شده که‌مردی‌خدمت پیغمبر آمد و

عرضکرد ای رسول خدا کردار اهل بهشت چیست؟ فرمود راست گفتن وهرگاه بنده راست بگوید: نیکی خواهد کرد وهرگاه نیکی کرد ایمان خواهد آورد و هرگاه ایمان آورد وارد بهشت می شود عرض کرد ای رسول خدا کردار اهل آتش چیست؟ فرمود دروغ گفتن هرگاه بنده دروغ بگوید فاجر شود و هرگاه فاجر شد کافر شود و هرگاه کافر شد داخل آتش گردد.

و فرمود هر کس باستمگری راه رود که او را یاری کند با اینکه میداند او ستمگر است مسلم ازدین اسلام بیرون شده و ازرسول خدا روایت شده زمانیکه روزقیامت شود صدا کننده ای صدا میزند کجابندستمگران و همکارانشان و کسانیکه مانندوشبیه ستمگرانند حتی کسانیکه برای آنان قلمی سر کرده اند و دواتی لیقه نموده اند پس همه در تابوتی از آهن گرد آیند بعد در دوزخ افکنده شوند.

و از آنحضرت روایت شده مردمی درآخرالزمان بیایند که در مسجد ها روند و سپس در آنجا دور هم مانند حلقه بنشینند بیاد دنیا و دوستی دنیا باشند با آنان همنشینی مکنید که خدا را بایشان نیازی نیست.

و از حضرت عیسی بن مریم فرمود من دنیارا بصورت پیرزالی ازرق چشم دیدم که بر اوتمام زینت ها بود از او پرسیده شد که چندتا شوهر کرده ای گفت حساب ندارد و ازاو پرسیدند که همه مردند یا ترا طلاق دادند پاسخ داد که تمام آنان را کشتم بدو گفته شدوای بر حال شوهرهای آینده ی تو که چطور ازحال شوهرهای گذشته ات

پند و اندرز نمی گیرند و چطور از تو نمیترسند وحضرت‌حسین بن‌علی عليه السلام خیلی باین شعر متمثل میشد و میفرمود .

یا اهل لذات دنیا لا بقاء لها ان‌اغتراراً بظل زائل حمق

ایکسانیکه سرگرم‌لذتهای دنیا باشید دوامی برای آن لذتها نیست وهر کس فریب بخورد بسایه ایکه زائل شونده است در انتهای احمقی و نادانی نیست .

وحضرت رسول اکرم فرمود دنیا خانه‌ی کسی است که خانه ندارد و برای آندنیا جمع‌می کند کسیکه‌خردمند نیست‌وطلب میکند شهوتهای دنیا را کسی که فهم‌ندارد و برای خاطردنیادشمنی می کند کسی که علم ودانش ندارد و بخاطر دنیاحسد میورزد کسی که فقاهت ندارد و برای دنیا کوشش می کند کسی که دارای‌مرتبه‌ی‌یقین نیست وهر کس همتش برای دنیا باشد حزن و اندوهش در دنیا و آخرت زیاد است .

و گفته شده هنگام مردن عابدی رسید در حالت احتضار گفت غصه‌ی من برآنشبی است که خوابیدم و روزیست که افطار نمودم و ساعتی است که غفلت از ذکر خدای تعالی کردم .

و از نبی‌اکرم روایت شده که هر کس حمایت از آبروی برادر مسلمانش بکند این عمل برای او مانعی است‌ازآتش وهر کس که در دلش دوستی برادر مؤمنش باشد واورا آگاه نکند مسلم‌خیانت باو کرده و هر کس خوشنود نشود از برادر مؤمنش مگر هنگامیکه چیزی باو به بخشد دشمنیش همیشگی می شود و هر کس دوستش‌را

بر هرگناهی نکوهش و سرزنش کند دشمنانش زیاد شوند .

و فرمودهمانا خدا دنیارا عطا میکندبکسانیکه درفکرآخرتند ولی آخرت را عطا نمی کند بکسانیکه درفکر و اندیشه‌ی دنیایند آخرت را سرلوحه ی کارخود قرارده پس هرچه از دنیا بتو رسد سوداست.

باب پنجاه و دوم - احادیث برگزیده

از کتاب مجموعه‌ی ورام ازحضرت صادق ﷺ روایت شده که به بعضی از شاگردانش روزی فرمود : چه چیز از من آموختی ؟ عرضکرد:آقامن ازشما هشت مسئله یاد گرفتم حضرت فرمود آنها را بیان کن تا بشناسم عرضکرد اول دیدم هر دوستی هنگام مردن از دوستش جدا میشود پس همتم را مصرف کردم دوستی انتخاب کنم که هیچوقت از من جدا نشود بلکه مونس و یار تنهائی من باشد و آن دوست عمل خیر است که هیچگاه از صاحبش جدا نمیشود. حضرت فرمود احسن بر تو بخدا .

دوم گفت مردمی را دیدم بحسب و نسب شان افتخارمی کنند و گروهی را دیدم بمال و فرزندشان‌افتخار میکنند ولی من دیدم که در این ها فخری نیست و فخر بزرگ را در قول خدای تعالی دیدم که می فرماید : «إن اکرمکم عندالله اتقاکم» (۱) گرامی‌ترین شما

(۱) حجرات ۱۳ .

در پیشگاه خدا پرهیزگارترین شماست پس من سعی و کوشش کردم که درپیشگاه خدا گرامی باشم فرمود «احسنت والله»

سوم- مردم را سر گرم لهو ولعب دیدم وشنیدم گفته‌ی خدای تعالی را که میفرماید: «و اما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی فان الجنة هی المأوی»(۱) و اما کسیکه ازمقام عظمت پروردگار بترسد و مانع شود نفسش را از هوس ها همانا بهشت جایگاه اوست پس کوشش کردم که هوس را از خود دور کنم تااینکه برطاعت خدا ثابت باشم فرمود احسنت والله.

چهارم - دیدم هر کس که چیزی پیدا میکند در نگهداریش کوشش میکند و آنرا گرامی دارد و لی من شنیدم که خدای تعالی می فرماید: «من ذاالذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له وله اجر کریم»(۲) کیست آنکه وام بدهد خدا را وامی نیکو پس خدابرای او چند برابر کند و برای اوست پاداشی سودمند پس من چندین برابر را دوست داشتم و ندیدم من چیزی را بهتر برای حفظ ازآنچه که در پیش خداست پس هرچه پیدا کردم او را در راه خدا انفاق می کنم تا پس‌اندازروزنیاز مندیم باشد فرمود احسنت والله.

پنجم - دیدم مردم راکه گروهی بر گروه دیگرحسدمیورزند وگفته‌ی خدای تعالی‌راشنیدم که‌میفرماید: «نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوة الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضاً سخریاً و رحمة ربك خیر مما یجمعون»(۳) و ما روزی ایشان

---

(۱) نازعات ۴۱. (۲) حدید ۱۱.

(۳) زخرف ۳۱.

را بینشان بخش می کنیم در زندگانی دنیا و بلند گردانیم بعضی از ایشان را بر بعضی در مراتب و درجات تا برخی برخی دیگر را به کار بگیرند و رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه که گرد می‌آورند پس چون شناختم که رحمت پروردگار بهتر است از آنچه که ایشان گرد می آورند بهیچ کس حسد نورزیدم و بر آنچه از دستم رفت افسوس نخوردم فرمود احسنت و الله.

ششم ـ دیدم دشمنی مردم را بعضی بر بعض دیگر درسرای دنیا و کینه هائیکه در دلشان هست وشنیدم گفته‌ی خدای را که میفرماید « ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدواً » (۱) همانا شیطان برای شما دشمن است پس او را دشمن خود بگیرید پس سرگرم عداوت شیطان شدم از عداوت غیر شیطان فرمود احسنت والله.

هفتم ـ دیدم که مردم سعی و کوشش میکنند درپیدا کردن روزی وشنیدم گفته‌ی خدای تعالی را که فرموده « وما خلقت الجن والانس الالیعبدون » (۲) نیافریدم جن و انس را مگر برای عبادت وبندگی و نیز فرموده : ماارید منهم من رزق وما ارید انیطعمون ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین » (۳) نمیخواهم از ایشان روزی و نمیخواهم از ایشان که طعام بدهند همانا اوروزی دهنده وصاحب نیروئی قویست پس من دانستم که همانا وعده‌ی خدا درست است وگفته‌اوراست است پس تاهنگام وعده‌ی خدا صبر کردم وبگفته‌ی او راضی شدم ومشغول اعمال

---

(۱) فاطر ۶.

(۲) ذاریات ۵۶ .

(۳) ذاریات ۵۷ .

خودم شدم فرمود احسنت واللّه .

هشتم ـ دیدم گروهی را که ازسلامتی بدنشان حرف میزنند و گروهی‌ازفراوانی ثروت سخن میگویند وگروهی ازخلقت‌وآفرینش دیگران صحبت میکنند و من شنیدم که خدای تعالی میفرماید : «و من یتق اللّه یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی اللّه فهو حسبه ان اللّه بالغ امره قد جعل اللّه لکل شیء قدراً» (۱) وهر کس از خدا بپرهیزدخدا برای او محلی قرار میدهد و روزی میرساند برای او از جائی که‌گمان‌نداردوهر کس که توکل بخدا کند اورا کافیست هماناخداوند کارش‌را تامین میکند و برای هرچیزی وقتی قرار داده پس من توکل بر خدا کردم و از غیر او بریدم .

حضرت بآن شاگرد فرمود بخدا سوگند که تورات و انجیل و زبور و قرآن و دیگر کتابهای آسمانی به همین‌مسائل برمیگردند.
نبی اکرم فرمود که هرکس علم و دانش را برای رضای خداطلب کند بهر بابی که از علم میرسد و یاد میگیرد فروتنی و تواضعش بیشتر میشود برای‌مردم و ترسش‌ازخدابیشتر میگردد و سعی او بیشتر میشود پس این مرد کسی است بهره ای از علم و دانش میبرد و بدیگران می آموزد و هر کس دانش را برای دنیا ومقام در پیش‌مردم و رفت و آمد پیش سلطان بجوید بهربابیکه از علم برسد در خود بزرگی و عظمتی زیاد میکند و بر مردم‌احساس تسلط و بخدا مغرور

(۱) طلاق ۲.

میشود و در دین ستم می‌نماید پس این کسی‌است که از علم بهره‌ای نمی‌برد و در قیامت جز پشیمانی چیزی ندارد و علمش برای او حجت است در قیامت .

واز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت‌شده که رسول‌خدا فرمود همانا ملک‌الموت‌هرگاه برای قبض روح فاجر بیاید بااوست‌سیخ‌هائی از آتش علی علیه السلام عرضکرد : ایرسول خدا آیا آن سیخ‌ها بکسی از امت تو میرسد فرمود: بلی بحاکم ستمگر وخورنده‌ی مال یتیم و بکسیکه شهادت بناحق بدهد وهمانا گواهی دهنده‌ی بناحق زبانش‌را درآتش زند و آنرا بلیسد مانندسگی که ظرف‌را می‌لیسد .

و از یکی از بزرگان پرسیدند کار خود را برچه پایه‌ای استوار کردی فرمود : برچهار پایه یکی اینکه دانستم روزی مرا کسی نمیخورد اطمینان خاطر پیدا کردم ، دانستم که‌عمل مرا کسی برایم انجام نمیدهدخودم سرگرم کار خود شدم ، دانستم که مرگم ناگهان‌فرامیرسدبیشی بکردار نیك وخوب‌جستم وفهمیدم که هیچگاه ازنظر خدا پنهان نمیشوم پس از اوحیا وشرم کردم .

وفرمود : هرکه باتازیانه درپیش سلطانی ستمگر بایستد آن تازیانه روز قیامت اژدهائی شود از آتش که قدش هفتاد ذراع باشد خدا آن‌اژدهارابراو مسلط کند روز قیامت درآتش جهنم‌وبدجائیست جهنم و فرمود هرکس که ظاهرش بهتر از باطنش باشد میزان اعمال نیک او سبک میشود وهرکس که باطنش بهتر ازظاهرش‌باشدمیزان کردار نیکش در قیامت سنگین شود .

و از حضرت حسن‌بن علی علیه السلام روایت شده که‌فرمود هرگاه که

روز قیامت شود ندا کننده‌ای فریاد میزند ایمردم هر کسی که برخدا حقی دارد بپاخیزد فرمود جز نیکوکاران کسی پا نمیشود و گفته‌شده هر کس که غنا و بی‌نیازی خود رادر کسب بداند همیشه نیازمند و فقیر است وهر کس که بی‌نیازیش در دلش باشد همیشه بی‌نیاز است .

ویکی از بزرگان گفته است هر کس که‌دلش را در اختیار تو نمیگذارد ظاهرش ترا فریب ندهد رفاقت کن‌با کسی که ترا بی‌نیاز کند و ترا بدیگری وانگذارد یاری بجو درحوادثی که ترا خورد میکند از کسیکه ترا در مشقتها یاری میکند.

واز حضرت نبی اکرم روایت شده که‌فرمود بپرهیزیدازغیبت که غیبت مجازاتش از زنا کردن سخت‌تر است همانا مرد زنا میکند وتوبه می‌نماید خداهم توبه‌اش را می‌پذیرد ولی کسیکه غیبت میکند خدااو را نمی‌آمرزد مگر آنکسی که غیبت او را کرده از او راضی شود .

وفرمود ایگروه مردمان هر کس که غیبت کند بزبانش ایمان آورد ولی بقلبش ایمان نیاورده مسلمانانرا غیبت مکنید و بی‌جوئی عیبهایشانرا مکنید زیرا که هر کس عیبجوئی برادرش بکند خداوند عیبجوئی اورا بکند ودر دل خانه خودش او را رسوا کند و خداوند بموسی وحی فرستاد کسیکه ازغیبت توبه کندوبمیرد آخرین کسی است که واردبهشت شود وهر کس بمیرد واصرار برغیبت داشته باشد اواولین کسی است که وارد آتش میشود .

وفرمود قهرمان نیست کسیکه مردم را بزمین‌بزندهمانا شجاع وقهرمان کسی است که‌هنگام خشم بتواند خود را نگهدارد زیرا که

خشم کلید هر بدیست وخدای‌تعالی نکوهش فرموده کبروخودپسندی را درچند جای از کتابش ونکوهش کرده هرستمگر باعناد را چنانکه میفرماید:

«ساصرف‌عن‌آیاتی‌الذین‌یتکبرون‌فی‌الارض‌بغیرالحق»(۱) بزودی می‌گردانم ازآیتهایم‌آنانرا که‌درزمین بدون‌حق خود پسندی و تکبر کردند .

وفرموده است «ومن یستنکف عن عبادته و یستکبر فسیحشرهم الیه جمیعاً» (۲).

و آنانکه ننگ دارند ازعبادت‌خداو تکبر میورزند وگردنکشی میکنند بزودی تمامشان بسوی اوبرانگیخته شوند .

و نیز فرموده «الیوم تجزون عذاب‌الهون‌بما کنتم تقولون‌علی‌الله غیرالحق وکنتم عن آیاته تستکبرون » (۳) امروز جزا داده شوید عذاب خواری را بسبب اینکه میگفتید‌ناحق رابخدا و شمابودید که از آیات او گردنکشی میکردید.

ونیز فرموده« بئس مثوی‌المتکبرین»(۴)بداست‌جایگاه‌گردنکشان وفرموده است « کذالك‌یطبع‌الله علی کل قلب متکبر جبار» (۵) چنین مهر میگذارد خدا بردل هر گردنکش جفا کاری .

ونیز فرموده : «واستفتحواوخاب کل‌جبارعنید(۶) ودرخواست پیروزی کردند و ناامید شد هرسرکش حق‌ناپذیر .

۱- اعراف ۱۴۳ .

(۲) نساء ۱۷۱ (۳) انعام ۹۳ (۴) نحل ۷۲

(۵) مؤمن ۳۷ (۶) ابراهیم ۱۵ .

ورسول‌خدا فرموده است که وارد بهشت نمیشود کسیکه باندازه‌ی خردلی کبر در دلش باشد و وارد آتش نمیشود کسیکه باندازه خردلی در دلش ایمان باشد ونیز رسول‌خدا فرمود که همانا خدای تعالی میفرماید کبریائی و بزرگی وخودستائی سزاوار من است و بس هر کس بامن دریکی از ایندو برابری کند او را در آتش می‌افکنم.

واز نبی‌اکرم روایت شده که‌فرمود: هر کس‌ازامت‌من کوشش کند در ترك شهوتی از شهوتهای دنیا سپس آنرا ازترس خدا ترك نماید خداوند اورا ازترس وبیم روز قیامت‌در امان دارد و او را وارد بهشت کند.

واز نبی اکرم روایت‌شده که‌فرمودهر کس پسربچه‌ای‌راازروی شهوت ببوسد خداوند اورا یکهزارسال در آتش عذاب‌میکندوهر کس بااو لواط کند بوی بهشت‌را نشنود درصورتی که بوی بهشت ازفاصلهٔ پانصد سال راه شنیده میشود.

واز آنحضرت روایت شده هر کس از امت من مرا یاد کند و درود برمن بفرستد خداوند گناهانش‌را بیامرزدا گرچه‌بشماره‌ریك‌ها باشد ونیز از رسول‌خدا روایت شده که صدقه دادن مؤمن برطرف کند ازاو آفتهای دنیا وعذاب قبر وعذاب روز قیامت را.

ونیز روایت شده ازنبی اکرم که‌فرموده نماز شب چراغی است برای خواننده‌ی آن درتاریکی قبر وگفتن‌لااله‌الاالله‌شیطانراازگوینده اش دور میکند.

واز ابن‌عباس روایت شده که‌گفت هر کس غریب و دوراز وطن بمیرد شهید مرده وفرموده است کهمردن در دیارغربت شهادت است

پس هرگاه درحال جاندادن نگاه بطرف راست‌وچپش کند سپس کسی را نه‌بیند ویاداهل و عیالش بیفتد ونفس بکشد پس برای او درمقابل هرنفس کشیدن محوو نابود شود ازنامه‌ی عملش یك ملیون گناه و برایش نوشته‌شود یك‌ملیون حسنه وکردار نیك و هرگاه‌درین شرائط بمیرد شهید مرده .

واز ابن عباس است که گفت : رسول خدا فرموده دور از وطن هرگاه بیمار شود سپس نگاه بطرف راست وچپ‌و پیش‌رو و پشت‌سر کند وهیچ کس رانه‌بیند خداوند گناه گذشته‌اش را بیامرزد و در روایت است هر کس که بسوزاند هفتادقرآن‌را وبکشد هفتادفرشته را وباهفتاد دختر باکره زنا کند به‌نجات نزدیکتر است از کسیکه نماز را عمداً ترك نماید .

واز نبی اکرم روایت شده که نشستن در پیش عالم برای یاد آوری علم دوست‌تر است بسوی خدا از یکهزار رکعت نماز مستحبی و یکهزار تسبیح گفتن و از ده اسب که باآنها در راه خدا مؤمن بجنگد وازنبی اکرم روایت شده هرگاه که نماز در وقتش خوانده شود بطرف آسمان بالارود در حالتی که نوری میدرخشد برای نماز گذار، درهای‌آسمان باز شود تااینکه بعرش برسد سپس برای نماز گذار شفاعت میکندومیگوید چنانکه مرا نگهداری کردی خداترا نگهداری کند ولی هرگاه درخارج ازوقت مختصش نماز را بخواند بآسمان بالارود در حالت ظلمت وتاریکی و درهای آسمان برویش بسته شود بعد پیچیده میشودمانندلباس کهنه ونماز بصورت صاحبش زده میشود سپس میگوید ضایع کردی مراخداترا ضایع کند .

واز حضرت صادق‌از پدران بزرگوارش از حضرت امیرالمؤمنین که‌فرمود : حضرت رسول فرموده نمازشب سبب خوشنودی‌پروردگار ودوستی فرشتگان و روش پیامبران ونور معرفت‌وریشه‌ی ایمان‌ووسیله آسایش بدنها وباعث ناراحتی شیطان و اسلحه‌ی دشمنان و وسیله‌ی مستجاب شدن دعا وقبولی اعمال وفراوانی روزی وشافع‌نمازگذاربین ملك‌الموت وچراغ قبرو فرش قبر وپاسخ نکیرومنکر و مونس‌و زائر در قبرش باشد .

پس هرگاه روز قیامت‌شود نمازسایه‌ای‌براوباشد وتاجی برسرش ولباسی برپیکرش ونوریکه بدرخشد پیش رویش و حجابی بین او و مردم باشد وحجتی باشد برای مؤمنان در مقابل خدای تعالی و سبب سنگینی میزان و عبور برصراط و کلید بهشت زیرا که نماز تکبیر است و حمد وتسبیح وتمجید وتقدیس و تعظیم وقرائت و دعا و همانا ریشه‌ی همه‌ی عبادتهاست نمازیکه در وقت مخصّش خوانده شود .

وفرمود : خدای شما را رحمت کند همانا شما را نشانه‌های آشکاری باشد که راه بهشت را برشماروشن میکند وشمادر خانه‌ای باشیداینك که‌رضا وخوشنودی خدا را بافراغت و خاطر آسوده بدست آورید ونامه‌های اعمال‌تان باز وقلمها روان برای‌نوشتن، بدنها صحیح وسالم ، زبانها باز و آزاد ، توبه وبازگشت بسوی خدا پذیرفته میشود وعملهایتان قبول میشود .

واز حذیفه‌ی یمانی است که رسول خدا فرمود : گروهی روز قیامت می‌آیند که‌کارهای نیك آنان مانند کوههاست ولی‌تمام‌حسنات آنها را خدا نابود وپراکنده میفرماید سپس دستور داده میشود که

آنان‌را وارد جهنم کنند سلمان عرضکرد : ایرسول خداآنانرا برای ما تعریف فرمائید سپس رسول خدا فرمود : که همانا ایشان روزه میگرفتند و نماز میخواندند و قسمتی ازشب را برای شب زنده داری انتخاب میکردند ولی هرگاه چیز حرامی را بآنان عرضه میداشتند ناگهان برآن حرام می‌شتافتند .

وفرمود : آهای مردم یاد آورید نابود کننده‌ی لذتها را ودرهم شکننده‌ی خوشی‌هارا و جدا کننده‌ی آرزوها را هنگام انجام دادن کارهای زشت و ازخدا کمك بخواهید برای ادا کردن حق واجب‌او وسپاسگزاری نعمتها و احسان او و فرمود : خدای بیامرزد مردی راکه اندیشه کند و عبرت بگیرد بینا شود که آخرت پایدار و دنیا ناپایدار است و آنچه که در دایره‌ی حساب آید سرانجام‌پایان‌پذیر است وهرچه‌را که درانتظارو امیدآن باشید ، بدانید که هرآینده ای نزدیك است .

ونیز فرمود : بدانید که آخرت بشما روآورده و دنیا پشت بر شما کرده و برای هریك از ایندو فرزندانی است پس از فرزندان آخرت باشیدواز فرزندان دنیانباشید زیرا که هرفرزندی‌روزقیامت بمـادرش می‌پیوندد وهمانا امروز فقط عمل است وبس ولی فرداحساب است بدون عمل .

وفرمود : همانا زنان ایمان‌وارث‌شان ناتمام‌وعقلشان‌ناقص است علت ناتمامی ایمانشان نماز نخوانـدن دوران حیضشان باشد و علت نقصان بهره‌ی آنها این است که زن نصف ارث مرد میبرد

چنانکه خدای تعالی میفرماید : « للذکر مثل حظ الانثیین» (۱) برای مرد است باندازه ارث دوزن و اما ناقص بودن عقلشان بواسطه‌ی این است که گواهی دوزن مانند گواهی دادن یکمرد است از خانم‌های بد بترسید و از خوب هایشان بپرهیزید و در کارهای خوب با آنان مشورت مکنید تا اینکه مبادا طمع در کارهای بد کنند .

و فرمود شگفت است از بخیل که شتاب میکند بسوی فقری که از آن گریزانست و از دست میدهد توانگری وثروتی را که در جستجوی اوست پس زندگانیش در دنیامانند زندگی فقیران ودرآخرت حسابش حساب ثروتمندانست وشگفتا از متکبر وگردنکشی که دیروز نطفه بوده و فردا مردار است وتعجب است از کسیکه شك در وجود خدا دارد و حال آنکه آفریدگان و مخلوقاتش را می بیند و شگفت است ازکسیکه مردگان را می بیند ولی از مرگ فراموش می کند وشگفتا از کسیکه نادیده میگیرد آخرت را با اینکه دنیا را می‌بیند و شگفتا از کسی که سرای دنیا را آباد کرده و خانه آخرت را واگذارده .

وفرمود هر کس که همسایه اش را آزار دهد خدا بوی بهشت را بر او حرام فرماید وجایش جهنم باشد بد جائی است دوزخ و هر کس حق همسایه اش را ضایع کند از شیعیان ما نیست .

و فرمود هر کس پیوند خویشاوندي کند وصله‌ی رحم بجاآورد یابدیدن یا بخشیدن مال باو خدای‌عزّوجل ثواب صد شهید باوعنایت فرماید و بهر قدمیکه درین راه بردارد چهل هزار حسنه در نامه‌ی

(۱) نساء ۱۲

عملش نوشته و چهل هزار گناه از آن نامه برداشته شود وهمین مقدار هم درجه اش را بلند کند و گویا خدارا صد سال با صبر و شکیبائی بندگی کرده وهر کس حاجت تهی‌دستی را برآورد ازحاجتهای دنیا و پی آن حاجت برود تاوقتیکه برآورده شود خدا اورا از نفاق و از آتش دور کند وهفتاد هزار حاجت ازحاجتهای دنیایش برآورده کند و همیشه در رحمت خدا فرو رود تا اینکه برگردد .

و از نبی اکرم سئوال شد که چه چیز ازآسمان سنگین‌تر و چه چیزاز دریا بی نیاز تر است ؟ پهناورتر از زمین چیست ؟ گرم‌تر ازآتش چیست ؟ سرد تراز برف چیست ؟ سخت تر از سنگ چیست ؟ تلخ تر از زهر چیست ؟

فرمود تهمت سنگین تر از آسمانست و سیع تر از زمین خق است، بی نیاز تر از دریا دل قناعت کننده است ، گرمتر از آتش پادشاه ستمگر است ، خواستن چیزی از آدم پست سرد تر از برف است ، دل منافق از سنگ سخت تر است ، شکیبائی و صبر بر سختی ها تلختر از زهر است و فرمود شش چیز است که نیکوست ولی شش چیز دیگر از آنها نیکوتر است دادگری نیکوست ولی از زمامداران نیکوتر است صبر وشکیبائی نیکوست ولی ازفقرا نیکوتر است ، پرهیز از محرمات نیکوست ولی از علما نیکوتر است ، جود وبخشش نیکوست ولی از ثروتمندان نیکوتر است ، توبه کردن نیکو است ولی از جوانان نیکوتر است، شرم وحیا نیکوست ولی اززنان نیکوتر است .

وپادشاهی که عدل و دادگری نداشته باشد مانند ابریست که

باران ندارد فقیریکه صبر ندارد مانند چراغی است که نورو روشنی ندارد ، عالمی که ورع ندارد مانند درختی است که میوه ندارد ، ثروتمندی که سخاوت ندارد مانند زمینی است که گیاه ندارد ، جوانی که توبه نداشته باشد مانند نهریست که آب ندارد ، زنی که شرم ندارد مانند غذائی است که نمك ندارد .

و از حضرت رسول روایت شده که هر کس توبه کندوزبانش را تغییر ندهد توبه نکرده است و هر کس توبه کند خوابگاه خود را عوض نکند توبهٔ واقعی نکرده وهر کس توبه کندو کردارش را عوض نکند توبه‌ی حقیقی نکرده هرگاه این‌ها که گفته شد دراوپیدا شود او توبه کننده است .

و از نبی اکرم روایت شده که فرمود خدای تعالی فرشته ای در زیر عرش آفریده که خدا را با تمام زبانهای مختلفه تسبیح و تقدیس می کند پس هر گاه که شب جمعه فرا رسیداورا فرمان دهد که بر آسمان دنیا فرود آید و بر اهل زمین آگاه میشود ومیگوید ای جوانان بیست ساله دنیا شمارا فریب ندهد ، آهای سی ساله ها بشنوید و بگوش بگیرید آهای چهل ساله‌ها سعی و کوشش کنید. ای پنجاه ساله‌ها دگر عذری برای شما نیست، ای کسانیکه شصت سال ازعمر تان گذشته از دنیا چه چیز برای آخرت تان پیش فرستادید ، آهای هفتاد ساله ها شما مانند کشت و زراعتی باشید که هنگام دروش رسیده ، ای هشتاد ساله ها خدا را در زمین اطاعت کنید آهای نود ساله ها هنگام کوچ کردن شما ازین دنیا نزدیك شده بفکر زاد و توشه‌ی آخرت باشید و توشه بر گیرید آهای صدساله‌ها ساعت حرکت شما رسیدوشما نمیدانید .

بعد میگوید اگر پیر مردانی که در رکوعند نبود و جوانان خاشع و کودکان شیر خوار نبودند مسلم برشما عذاب خدا مانند باران می ریخت .

و فرمود برای خدا فرشته ایست که فریاد میزندبزائید برای مردن و گرد آوری کنیدبرای نابودی وبنا کنید برای‌خراب‌شدن .
ونیز فرمود هر کس مصیبت های کوچك را بزرگ شمارد خدا او را گرفتار بلاهای بزرگ تر نماید و فرمود دوستی‌دوست ثابت نمیشود مگر اینکه در سه چیز دوستش راحفظ و نگهداری کند در رنج و گرفتاری و در پشت سر و بعداز مردن .

و حضرت امیرالمؤمنین فرمود که دوستان تو سه تا ودشمنانت سه تا باشند پس دوستانت ازین قرارنددوست خودت و دوست دوستت و دشمن دشمنت و اما دشمنانت ازینقرارند دشمن‌خودت ودشمن‌دوستت و دوست دشمنت.

و از رسول خدا روایت شده که پروردگار باین امت توجه‌دارد بواسطه‌ی علما و دانشمندان و فقراشان فرمود دانشمندان وارثان‌منند و فقیران دوستانم باشند و خدا خلق را از خاك زمین آفرید ولی پیامبران و فقیران‌را از خاك بهشت آفرید و هر کس میخواهدبرعهد و پیمان‌خدا باشد باید فقیران را گرامی دارد .

و فرمود چراغ ثروتمندان در دنیا و آخرت فقیرانند و اگر فقیران و تهی دستان نبودند مسلم ثروتمندان هلاك و نابود میشدند.

و مثل ثروتمندان با فقیران مانند عصا میباشد در دست کور نابینا واز رسول خدا روایت شده که خدالعنت کند هر کس را که ثروتمند را گرامی دارد بواسطه ثروتش وفقیر را جسارت کندبواسطه فقرش و این را جز منافق کسی نخواهد کرد و هر کس گرامی دارد ثروتمند را بواسطه ثروتش و اهانت و جسارت کند فقیر را بواسطه فقرش در آسمانها دشمن خدا و پیامبران نامیده میشود ودعایش مستجاب نمیشود و حاجتش برآورده نخواهد شد.

و فرمود فقر ذلت است در دنیا و فخر است در آخرت ولی ثروت فخر است در دنیاو ذلت وپستی است در آخرت پس خوشا بحال آنکه فخرش در آخرت باشد و فرمود کسی که بسیار منت برفقیران بگذارد در دنیا و آخرت ملعون است کسی که منت بر پدر و مادر و برادران وخواهران بگذارد از رحمت خدا و فرشتگان دور و نزدیك بآتش است ودعائی برای او مستجاب نمیشود و حاجتی برایش برآورده نمیگردد و خدا در دنیا و آخرت باو توجه نمیکند.

و فرمود هر کس که مؤمن فقیری را آزار کند بناحق پس گویا ده مرتبه مکه و بیت المعمور را خراب کرده و یکهزار فرشته مقرب را کشته وفرمود احترام مؤمن تهی دست و بینوا در پیشگاه خدا بزرگتر است از آسمانهاوزمینهای هفتگانه و فرشتگان و کوهها و هرچه در زمین ها و آسمانهاست.

و از حضرت امیرالمؤمنین روایت شده که جوانمردی درچهار چیز است تواضع داشتن با ثروت وگذشت باقدرت ونصیحت با دشمنی

وعداوت و بخشش بدون منت و فرمود بیشتر وسیله‌ای که مردراوارد بهشت می کند پرهیز کاری از خدا است و بهترین چیزیکه انسان بمردم به بخشد خوی نیك است و بهترین زاد و توشه آنست که همراه با پرهیز کاری باشد و بهترین گفته آنست که عمل آنرا تصدیق کند .

و فرمود هر کس پنج چیز را انجام دهد ناگزیر است از پنج چیز و ناچار است انجام‌دهنده؛ آن پنج چیز که وارد آتش گردد اول هر کس آب انگوری که ثلثان نشده بنوشد ناچار است از نوشیدن شراب و ناگزیر شرابخواروارد آتش گردد دوم هر کس لباس فاخر بپوشد ناگزیر است از تکبر وهر کس تکبر کند وارد آتش شود سوم هر کس در مجلس سلطان بنشیند ناچار است که بمیل دل‌سلطان سخن گوید و ناگزیر هم صحبت سلطان وارد آتش خواهد شد . چهارم هر کس با زنان بنشیند ناگزیر است از زنا و ناگزیر زناکار واردآتش‌میشود . پنجم هر کس‌معامله کندبدون‌اینکه‌مسائل واحکام بیع‌وشرایط را بداند ناچار است‌ازخوردن ربا و ناگزیراست خورنده ی ربا از وارد شدن در آتش .

وحضرت فرمود که پنج چیز از پنج طایفه محال است احترام کردن از فاسق‌محال‌است، مهربانی ازدشمن‌محال است ، پند واندرز از حسود محال است ، ابهت‌ازتهی دست محال است ، وفا داری از زن محال است و فرمود هر کس دوقدم در پی علم و دانش برود در مجلس عالم دوساعت بنشیند و دو کلمه از علم بشنود خداوند دو بهشت

بر او واجب می کند چنانکه خدای تعالی فرموده : «ولمن خاف مقام ربه جنتان»(۱) و برای هر کس که در پیشگاه پروردگارش بترسد دو بهشت است .

و از حضرت ابی عبدالله روایت شده که فرمود که کامل نمیشود ایمان بنده‌ی مؤمن مگر اینکه دراو چهار خصلت باشد اخلاقش نیکو باشد ، بخشنده باشد ، از گفتن حرفهای زیادی خود داری کند ، زیادی از مالش را انفاق کند و از امام صادق عليه السلام است که فرمود خدا تمیزی و زینت‌را دوست دارد ، کثافت و نا تمیزی‌را ناخوش‌دارد و خدای عزوجل هر گاه نعمتش‌را بر بنده اش‌ارزانی‌دارددوست میدارد که اثر نعمتش را بر آن بنده به بیند .

از حضرت پرسیدند چطور اثر نعمت را آشکار کند فرمود لباسش را تمیز کند خودش را خوشبو کند خانه اش را گچ کاری کند کثافتهای خانه را جاروب کند بطوریکه روشن کردن چراغ پیش از غروب خورشید فقر و تهی دستی را نابود کند و روزی را زیاد کند .

و از حضرت صادق عليه السلام روایت شده فرمود که نبوده ونخواهد بود تا روز قیامت مرد مؤمن مگر اینکه او را همسایه‌ای باشد که او را آزار دهد و نیز فرمود که مرد پدر و مادرش میمیرند واوعاق پدر و مادر است بعداز مرگشان برایشان‌دعا می کند پس نامش درشماره‌ی نیکو کاران نوشته میشود .

---

(۱) الرحمن ۴۵ .

و رسولخدا فرمود ای ابا ایوب آیاترا رهنمائی نکنم بعملی که بآن خداوند خوشنود می‌شود عرضکرد بلی یارسول الله فرمود بین مردم آشتی بده هر گاه فسادی بینشان پدید آمد وهرگاه با یکدیگر دشمنی کردند بینشان ایجاد دوستی کن و فرمود شما را خبر دهم بر کسی که فردا آتش دوزخ بر او حرام می‌شود بر کسی که بنرمی وشیرینی و آرامی سخن میگوید .

و فرمود پنج کلمه است در تورات که سزاوار است بآب طلا نوشته شود سخن اول این است که سنگ غصب اگر درخانه ای باشد آنخانه در گرو خرابی است برای برداشتن آنسنگ ، پیروزی باستم عین شکست است . سوم پیروز نشده هر کس که بوسیله گناه پیروز شود ، کمترین حق خدا برتو این است که نعمت خدا را مصرف گناه نکنی آبروی تو جامد وبسته است ولی هنگام سؤال باز میشود و میریزد مواظب باش که آبرویت را پیش کی میریزی .

و از ابن عباس روایت شده که رسولخدا فرمود سه نفرند که برای آنان اهل آسمانها و زمینها و فرشتگان و شب و روز طلب آمرزش می کنند دانشمندان و دانش جویان و بخشندگان .

و سه نفرند که دعایشان رد نمیشود مریض ، توبه کننده‌ی از گناه ، سخاوتمند، سه نفرند که آتش باآنان تماس نمیگیرد . زنیکه اطاعت شوهرش را میکند، فرزند خوبیکه فرمانبردار پدر ومادر است سخاوتمندی که بخشش‌او خوی نیك است .

سه نفرند که ازشرشیطان ولشکرش‌دراماتند . ذکرگویندگان

برای خدا : گریه کنندگان از ترس خدا ، استغفار کنندگان در سحرها ، سه نفرند که خداوند روز قیامت عذاب را از آنان برمیدارد راضی بقضای خدا ، پند واندرز دهنده‌ی مسلمانان،راهنمائی کننده‌ی برخیرات وخوبیها .

سه نفرند بر فراز کوهی از مشك اذفر باشند در قیامت که بهراس نیندازد ایشان‌را ترس بزرگ قیامت وحسابی هم ندارند مردی که قرآن را بخاطر خدا بخواند ، و مردیکه پیشوائی مردم را کند و مردم هم از او راضی باشند ، مردی که در مسجد برای خاطر خدا اذان بگوید .

و سه نفرند که بدون حساب وارد بهشت میشوند . مردی که پیراهنش را بشوید و برایش پیراهن دیگر نباشد ، مردیکه دو غذا در یك مطبخ نپزد، مردی که روزی امروزش‌را دارد و بفکر فردایش نباشد .

وسه نفرند که بدون حساب‌وارد دوزخ میشوند پیرمرد زناکار عاق پدر و مادر ،و کسی که شرابخوریش دوام داشته باشد .

گفته شده که ابراهیم‌ادهم‌وارد شهر بصره شد مردم دورش‌جمع شدند بوی گفتندای اباسحق خدای تعالی فرموده است بخوانید مرا تا شمارا اجابت کنم و حال اینکه ماخدارا میخوانیم و ما را جواب نمیدهد ابراهیم گفت ای مردم بصره باین جهت دعای شما اجابت نمیشود. که ده چیز در دلهای شماست که مانع از استجابت دعاست . اول آنها اینست که خدارا شناختید حقش را ادا نکردید دوم اینکه

قرآن راخواندید ولی عمل نکردید. سوم اینکه گفتید که دوست میدارید رسول خدا را ولی سنت او را واگذاردید. چهارم ـ اینکه گفتید که شیطان را دشمن داریم ولی موافق خواسته‌ی اوعمل کردید پنجم گفتید بهشت را دوست داریم ولی کاری برای بهشت نکردید. ششم گفتید مرگ حق است ولی مهیای مردن نشدید. هفتم از خواب بیدار شدید ولی سرگرم غیبت برادرانتان شدید هشتم نعمت های خدارا خوردید و سپاسگذاری نکردید. نهم گفتید از آتش دوزخ می‌ترسید ولی از آن فرار نکردید دهم مردگانتانرا دفن کردید ولی از آنها عبرت نگرفتید.

وگفته شد که حضرت امیرالمؤمنین کنار قبرستان ایستاد و فریاد زد ای ساکنان گورستان از مؤمنین و مؤمنات سپس فرمود السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته صدائی‌را شنیدیم که میگفت وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته ای امیرالمؤمنین فرمودماشمارا خبر دهیم، یاشمامارا خبرمیدهید عرضکردند شمامارا خبر دهید ای امیرالمؤمنین.

فرمود زنان شما با دیگران ازدواج کردند، وارثان مالهای شمارا بخش کردند، فرزندان شما در شمار یتیمان درآمدند خانه هائی را که محکم ساختید دشمنان شما جایگزین شدند این بود اخبار ما خبرهای شما چیست؟ جواب دهنده ای پاسخ داد که تنهای ما پوسید و پاره شد، موهای ما پراکنده گردید، پوستها از هم جدا شد، چشمها برصورتها روان شد، اضطراب وناراحتی برما فرودآمد دهنهای ماپرازچرك وخون شد، هرچه از ما بجاماند زیانش رادیدیم

ما در گرو کردار مان باشیم ازخدا امیدوار بخشش وآمرزش بکرم ولطفش می‌باشیم.

باب پنجاه و سوم

چگونگی خرد

از حضرت امیر المؤمنین روایت شده که رسولخدا صلی الله علیه و آله فرمود همانا خدای تعالی خرد را آفرید از نوری که در خزانه‌ی علمش گذشته‌بود هیچ کس برآن آگاه نبود نه نبی‌مرسل ونه‌فرشته‌ی‌مقرب سپس علم را نفس او وفهم را روح‌وپارسائی را سر و شرم وحیا را چشم وحکمت را زبان و رحمت را دل او قرار داد بعد اورا پر نمود و نیرومند کرد بده خصلت که عبارت است از یقین، ایمان ، راستی ، سکینه و سنگینی ، وقار ، مدارا پرهیز کاری ، اخلاص ، بخشش ، قناعت ، تسلیم . رضا ، شکر . بعد باو فرمود جلو بیا جلو آمد بعد امر کرد برگرد برگشت بوی امر کرد سخن بگو چنین سخن گفت : الحمد لله الذی لیس له ضد ولا مثل ولاشبیه‌ولا کفو ولا عدیل الذی کل شیء لعظمته خاضع ذلیل .

خدای تعالی فرمود بعزت‌وجلالم‌سوگنداز‌تو بهتر موجودی نیافریدم و از توهم کسی بهتر اطاعت مرانمیکند و از تو بالاتر وباشرافت‌تر آفریده‌ای نیست و نه هم در پیش‌من ازتو عزیزتری باشد بوسیله تو یکتائی من آشکار شود و بواسطه تو من پرستش میشوم و به سبب‌تو

مرا بخوانند و نیز امیدواری مردم بمن و ترس و بیمشان از من بواسطه‌ی تست منهم باوجود تو بنده را اختیار می کنم جزا و پاداش میدهم و مجازات می کنم.

سپس خرد درمقابل این گفتار خدای تعالی برو افتاد در حال سجود قرار گرفت یکهزار سال سجودش طول کشید خدای تعالی فرمان دادسرت را بردار و بخواه که بتو عطا خواهد شد و شفاعت کن که شفاعت تو پذیرفته میشود.

سپس عقل سرش را بلند کرد عرضکرد بارالاها از تو میخواهم که مرا شفیع آنکس قرار دهی که مرا دراو قرارداده‌ای سپس خدای تعالی بفرشتگان فرمود گواه باشید که من عقل‌را شفیع آنکس قرار دادم که او در وجودش باشد.

و رسولخدا فرمود که مؤمن خردمند نباشد مگر اینکه دراو ده خصلت گرد آید انتظار خیر از او برده شود، مردم ازشر و بدیش ایمن باشند، خوبی کم را از غیر خودش زیاد بشمارد خوبی زیاد از خودش را اندك شمارد، بواسطه عمر زیادش از طلب علم نا امید نشود، برای طلب حاجت خودش کوتاهی نکند، ذلت برای اوازعزت عزیز تر باشد، تهی دستی برایش از ثروت بهتر باشد، بهره‌اش ازدنیا فقط روزی او باشد، دهم بهر کس نگاه کند بگوید اواز من بهتر است و پرهیز کار تر.

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده که عقل فطریست و علم کسبی است و هم نشینی با علما باعث زیادی علم است.

و روایت شده که جبرئیل بسوی آدم فرود آمد و گفت ای

ابی‌البشر من‌مأمور شدم که ترا بین سه چیز مخیر گردانم اختیار و انتخاب کن از آن سه چیز یکی را و دوتای دیگر را واگذار آدم بجبرئیل گفت آن سه چیست ؟ جبرئیل گفت : عقل وحیا و ایمان . آدم گفت عقل را برگزیدم جبرئیل به حیا وایمان گفت شما کوچ کنید و بروید آندو گفتند ما مأموریت داریم از خردجدا نگردیم .

(مصنف کتاب) گوید: برای هر چیزسرچشمه‌ای است‌وسرچشمه‌ی ادب‌عقل‌است که‌خداوند اورا برای شناسائی خود و دین أصل و ریشه قرار داد وبرای‌دنیا وسلطنت ستون أست و سبب‌نجات‌از گرفتاریهاست وخداوند کمال‌بندگان‌را به تکمیل‌عقل قرار داده و مدبرو دور اندیش دیاراعقل‌قرار داده و بوسیله آن‌بین بندگانش‌را بایکدیگر مهربان فرموده‌،بااینکه بین آنان‌اختلاف‌نظر وتفاوت‌هدف‌ورأی فراوانست .

و خداوند عقل را به هیچ کس امانت نسپرد مگر اینکه او را روزی نجات بدهد وعقل راستگوترین مشورت کننده‌است و بهترین دوست پند دهنده است و نیکوترین همنشین است و خوب وزیری است و بهترین عطاهای پروردگار عقل و خرد است و بدترین آنها نادانی وجهل است بعضی‌ازشاعران گفته است .

اذا تم عقل المرء تم اموره   و تمت ایادیه و تم ثناؤه

هرگاه خرد انسان کامل شد کارهایش کامل‌میشود ودوستانش او را ستایش کامل کنند .

ورسول خدا فرمود که‌عقل نوریست دردل که بواسطه آن‌فرق بین حق و باطل گذاشته می‌شود و در بیان خدای تعالی آمده است ولینذر من کان‌حیاً(۱) تابترساند آنکس‌را که زنده است ومراد‌ازین

(۱) یس ۷۰ .

زنده عاقل و خردمند است .

و نیز رسول خدا فرمود : خردمندترین مردم بافضیلت ترین مردم‌است وهر کس عقل‌اوغلبه‌نداشته‌باشد کارهای نیکش کمتر است و هرچیزیکه فراوان‌باشد پائین می‌آید مگر عقل که هرچه زیاد شود بالامیرود و عقل درست‌آنست که از او بهشت بدست‌آید خردمند باخردمند تماس‌گیرد نادان با نادان رفت و آمد کند و نیکو گفته است شاعر درین باب

اذا لم‌یکن‌للمرءعقل یزینه ولم یك‌ذارای سدید ولاادب

فما هو الا ذوقوائم اربع وان کان‌ذامال کثیروذاحسب

هرگاه مرد عقلی نداشت که اورا آرایش دهد وصاحب رأی محکم و ادب نبود او جز یك‌چهار پا نیست اگرچه مال فراوان داشته باشد و صاحب حسب باشد .

و فرمود که هرگاه خداوند بخواهد بنده ایرا خوار کند علم و ادب را از او دریغ دارد و همیشه مرد در صحت ودرستی عقل است مادامیکه مسکر و مست کننده‌ای نیاشامیده و دارای جوانمردی‌است تا آنگاه که خطاها ولغزش‌ها از او سر نزده و درامانت داری درست است مادامیکه امانتی را نپذیرفته و سفارشی را قبول نکرده ودارای فضیلتی است مادامیکه امامت وپیشوائی گروهی را بعهده نگرفته یا بالای منبر نرفته وشریفترین مردم علماوداننشمندانند و بزرگترین مردم پرهیزکارانند و پادشاهان پارسایانند و گفتار احمقانه دلالت بر کمی عقل دارد .

وروایت شده که حسن بن علی علیه السلام در سخنرانیش فرمودبدانید که عقل حصاریست برای نگهداری و حلم زینت است و وفا داری جوانمردی است و شتاب کردن نادانی است و نادانی ناتوانیست و همنشینی مردمان دنیا فتنه است وآمیزش بامردمان فاسق ایجاد شك و ریب میکند و هر کس برادرانش را کوچك بشمارد ناجوانمرد است و نابود نخواهد شد مگر آنانکه در شك و ریبند ونجات پیدامیکنند هدایت شد گان .

و آنانکه خدارا در آرزوها و روزی‌هاشان آنی متهم نمیکنند جوانمردی آنان کامل است حیا و شرمشان بسرحد کمال رسیده صبر می کنند تا اینکه خدا روزی آنانرا برساند و آنان دین فروشی نمیکنند و چیزی از دنیا را به نافرمانی خدا بدست نمی آورند .

و از خرد و جوانمردی مرد این است برای بر آوردن حاجتهای برادران دینی شتاب میکنند اگرچه باو درحاجتها مراجعه نکرده باشند و بهترین چیزیکه خدابه بنده‌اش بخشیده عقل است زیرا که نجات بنده از آفتهای دنیا بوسیلهٔ عقل است و وسیله سلامتی از عذاب خدا است در آخرت .

و گفته شده که اصحاب مردی‌را در محضر رسول خدا تعریف کردند که عبادت میکند حضرت فرمود بعقل او توجه کنید زیرا که خدا روز قیامت بندگان را باندازه‌ی عقلشان پاداش میدهد و ادب خوب دلیل درستی عقل است .

باب پنجاه وچهارم

پرسشهای پیغمبر

این باب در پرسش های رسول خداست از پروردگار درشب معراج و اینها پایان کتابست.

روایت شده از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که همانا رسول خدا شب معراج از خدای تعالی پرسید پروردگارا کدامیك ازاعمال برتر و افضل‌است؟

خدای تبارك و تعالی فرمود در پیش من عملی بهتر از توکل برمن و رضای بقضای‌من بهتر نیست ای محمد دوستی خودم را بردوستانم واجب کردم و نیز محبتم را واجب کردم برآنانکه بسوی من توجه می‌کنند و دوستیم را واجب کردم برآنانکه بمن متصل میشوند و برکسانیکه برمن توکل دارند و برای محبت من حدی نیست و دوستی خود را برای دوستانم زیاد کردم ونشانه ای قرار میدهم اینان کسانی باشند که باتوجه من به آفریدگانم توجه‌میکنند و حاجتهای خود را بمردم‌نمیگویند شکمهای آنان خالیست از حرام نعمتشان در دنیا ذکر ومحبت من و رضای من از ایشان است‌ای احمداگر دوست داری که باورع‌ترین‌مردم‌باشی‌پارسائی کن‌دردنیا ومیل‌به‌آخرت‌داشته باش‌عرض کردبارالاهاچگونه‌دردنیاپارسائی کنم‌فرموداز‌غذاوآشامیدنی لباس دنیا اندگی بگیر و برای فردایت پس انداز مکن وذکر مرا ادامه بده‌عرضکرد بارلاهاچطور ذکر ترا ادامه بدهم فرمود بدوری

از مردم و توجه نداشتن بتلخ وشیرین دنیا و خالی کردن خانه دلت را ازدنیا ای‌احمد بترس ازاینکه مانند کودك باشی که هر گاه نگاه به سبز وزردی کند و هر گاه ترش و شیرینی باو داده شود فریب بدهند اورا.

عرضکردپروردگارامرا بکاری دلالت کن بوسیله‌آن بتو نزدیك شوم فرمود شبت را روز وروزت‌راشب کن عرضکرد پروردگارا چطور شب را روز و روز را شب قرار دهم فرمود خوابت‌را نماز وغذایت را گرسنگی قرار ده ای احمد بعزت و جلال خودم هربنده ایکه با چهار خصلت بامن‌پیمان ببندد اورا وارد بهشت میکنم زبانش را باز نکند مگر بچیزیکه اورا یاری کند و دلش را از وسواس نگهدارد و علم مرا حفظ کند و بگرسنگی بسر برد.

ای احمد اگر شیرینی گرسنگی وسکوت و خاموشی و گوشه نشینی و نتیجه‌ی آنها را بچشی از اینها دست بر نداری عرضکردند پروردگارابهره‌ی گرسنگی چیست ؟ فرمود حکمت ونگهداری دل ، نزدیکی بمن ، خاطر افسرده ، خرج کم وزندگی ساده در میان مردم گفتن سخن حق باك نداشتن ازسختی وسستی‌زندگی ای احمد میدانی درجه وقتی بنده مقرب درگاه من میشود ؟ عرضکرد نه پروردگارا فرمود هرگاه‌در حال گرسنگی و حال سجود باشد.

ای احمد من از سه طایفه‌ی ازبندگانم‌درشگفتم بنده ای که مشغول نماز می‌شود و میداند که دستهایش را بسوی کی بلند میکند و در برابر کی ایستاده؟ با اینحال چرت و پینکی میزند و در شگفتم از

بنده ایکه روزی امروزش را داردو همت برای بدست آوردن روزی فردایش گمارده و درشگفتم از بنده ای که امیداند که من از او راضیم یا بر او خشمگین ولی می خندد ای احمد در بهشت کاخی است ازلؤلؤ بالای لؤلؤ و در بالای دژ درآنجا نابودی نیست و درآن قصر ها جای بندگان خاص من باشد که بآنان نظرو توجه میکنم در هر روزی هفتادمرتبه پس باآنان سخن میگویم هر مرتبه ایکه بآنان توجه کنم کاخهای آنان را هفتاد برابر کنم .

وهر گاه اهل بهشت بغذا وآشامیدنی لذت برندایشان بذکر من و سخن گفتن با من لذت برند پیغمبر عرضکرد پروردگارا نشانه ایشان چیست ؟ فرمود ایشان همیشه زندانی باشند زبانهایشان حبس باشد از سخن گفتن بیهوده وشکمهایشان خالیست از غذای حرام.

ای احمد دوستی خدا دوستی با فقیرانست و نزدیك شدن بآنان و از فقیران کسانی باشند که باندك راضی هستند و برگرسنگی شکیبا و صابرندوسپاسگذارند بر زندگی گوارا وازگرسنگی وتشنگی شکایت نمی کنند با زبانشان دروغ نگویند و بر پروردگارشان خشمناك نباشند و بر آنچه از دست داده اند افسرده خاطر نمی شوند و بآنچه که بدست آرند شادمان نمی باشند .

ای احمد دوستی من دوستی فقیرانست، بهفقیران ومجلسشان نزدیك شو که ترا بخودم نزدیك میکنم وازثروتمندان ومجلسشان دورشوزیرا که فقیران دوستان منند .

یا احمد لباسهای نرم مپوش وغذاهای رنگارنگ مخور وبالای

فرشهای نرم منشین زیرا که نفس سر چشمه‌ی تمام شرور ورفیق تمام بدیهاست تو اورا بطرف بندگی خدا میکشانی او ترا بسوی نافرمانی خدا میبرد و در اطاعت خدا باتومخالف میکند و پیروی ترا درآنچه که خوش نداری میکند وهرگاه سیرشدی سرکشی میکند وزمانیکه گرسنه شدی شکایت می‌نماید وخشمگین می‌شود هرگاه که تهی دست شوی‌گردنکشی میکند هرگاه بی نیاز شوی فراموش میکند هرگاه بزرگ شوی غافل می شود و ایمن باشد و این نفس رفیق شیطان است و مثل نفس مانند شتر مرغ است زیاد میخورد و پرواز نمی کند و مانند خرزهره است که رنگ خوب ومزه‌ی تلخ دارد .

یا احمد دنیا و اهلش را دشمن بدار آخرت و اهلش را دوست بدار عرضکرداهل دنیا و آخرت کیست؟

فرمود اهل دنیا کسی است که خنده‌اش زیاد وخواب‌وخشمش فراوان باشد ولی راضی بقضای الهی نیست بکسی که بدی میکند از او پوزش طلب نمی کند و اگر کسی هم از او پوزش طلبد نمی پذیرد هنگام اطاعت‌خدا کسل‌است‌وهنگام‌نافرمانی خدا قهرمانست آرزویش دور و دراز ، مرگش نزدیك.نفسش را باز جوئی نمیکند ، بهره اش اندك و سخن گفتنش‌زیاد، ترس و بیمش کم سرورش زیاد است وهمانا مردم دنیا سپاسگذارنیستند ، برگرفتاریها شکیبا نباشند مردم زیاد در پیش آنان‌ناچیزند. خود ستائی میکنند بکاری که انجام نداده‌اند مردم‌را دعوت می کنند بکرداریکه خودشان انجام نمی‌دهند سخنی را میگویند که خود تمام نمی کنند وذکرمرا باندازه‌ی سایرمردم

میگویند .

یا احمد همانا درمیان اهل دنیا نادانی فراوانست برای آموزکاران کوچکی و فروتنی نمیکنند آنان پیش خودشان دانشمندانند و در پیش عارفان احمقانند .

یا احمد همانا اهل خیر و آخرت صورتهایشان لاغر وشرمشان زیاد ، حمقشان اندك ، نفعشان بسیار ، نیرنگشان اندك ، مردم ازآنان در آسایش و نفسشان در اذیت و زحمت سخنانشان با ادب و متانت نفس هایشان را بازجوئی کنند نفس خود را بزحمت اندازند چشمشان بخوابد ولی دلهایشان بیدار باشد ، چشمشان گریان دلشان بذکر خدا سرگرم باشد هرگاه مردم در شمار بیخبران نوشته شوندآنان در زمرهٔ ذاکرین نوشته شوند در آغاز هر نعمتی ستایش خدا کنند و در پایان آن سپاسگذاری میکنند دعای آنان مستجاب و به سخنانشان توجه میشود ، فرشتگان بوجود آنان شادمیشوند ودعایشان در زیر حجابهاست .

دوست دارد پروردگار که سخنانشان رابشنودآنچنانکه مادرسخن گفتن فرزندش را دوست دارد آنان از یادخدا غافل نیستند، بفکر غذای زیاد یاسخن گفتن بسیار یالباسهای فراوان نیستند مردم در نظرشان مانند مردگانند و خدا در پیش آنان زنده و کریم است که دور اندیشان اورا بکرمش میخوانند و هرکس بآنان رو بیاورد باوی مهربانی میکنند دنیا و آخرت در نظر آنان یکسان است .

یا احمد میدانی پارسایان در پیش من چه مقامی دارند ؟عرض

کرد نه پروردگارا فرمود مردم برانگیخته میشوند که بحسابشان رسیدگی شود ولی پارسایان از حساب درامانند همانا کمتر چیزیکه به پارسایان داده می‌شود در آخرت آنست که تمام کلید های بهشت بآن داده میشود تا هر دری از درهای بهشت رابخواهند باز کنند ومن نظرمرحمت خود را از آنان نمی پوشم که نعمتهای‌رنگارنك بهشت را بآنان ارزانی دارم و آنان را در بهترین جاهای‌بهشت جادهم و کارهای نیك و پسندیده‌ی‌آنانرا که در دنیا انجام‌دادندورنج کشیدند خاطر نشان آنان کنم.

و چهار در از درهای بهشت بروی آنان بگشایم یکدر که از آن ارمغانها و هدایای بهشت صبح وشام بر آنان از طرف من وارد میشود، دری که از آن بسوی من نگاه کنند هرجور که بخواهند بدون زحمت، دری که از آن بآتش جهنم نگاه کنند و تماشا نمایند که چگونه ستمگران عذاب میشوند. دری که از آن خدمتگذاران و حوریان بهشت برآنان وارد شوند.

پیامبر عرضکرد پروردگارا این پارسایان که تعریف فرمودی کیستند؟فرمودپارسا آن کسی‌است که خانه ای ندارد که خراب شود تا افسرده‌خاطر گردد بواسطه‌ی خرابی آن و نه فرزندی دارد که بمیرد و در مرگش غمگین‌گردد و نه مالی‌دارد از دست او برودتابرای ازدست دادنش غصه بخورد وهیچ انسانی اورا نمی شناسد که اورا از خدا باز دارد یك‌چشم بهم زدن، غذای زیادی‌هم ندارد که روز قیامت از او بازجوئی کنند ونه هم برای اولباس نرمی است که‌بپوشد.

یا احمد صورت پارسایان از شب زنده داری و روزه گرفتن زرد است و از بسیاری ذکر خدا زبانهایشان ناتوان شده‌دلهایشان در سینه از بسیاری روزه گرفتن می‌طپد کوشش زیاد در اطاعت پروردگار کردند ولی نه از ترس آتش دوزخ و نه از اشتیاق بهشت ولی آنان نگاه در آسمانها و زمینها میکنند سپس می‌دانند که همانا خدای سبحان سزاوار عبادت است.

یا احمد این است درجه‌ی پیامبران و راستگویان از امت تو و امت پیامبران غیر از تو و گروهی از شهیدان. عرضکرد پروردگارا کدام طایفه از پارسایان از همه پارساترند پارسایان امت من یا پارسایان بنی اسرائیل فرمود پارسایان بنی اسرائیل نسبت بامت تو مانند یك موی سیاهست در بدن گاوی سفید.

عرض کرد پروردگارا چگونه چنین میباشد در صورتیکه شماره بنی اسرائیل از امت من بیشترند فرمود زیرا که آنان بعد از یقین انکار کردند و بعد از اقرار انکار کردند پیغمبر اکرم فرمود سپس حمد کردم خدای تعالی را و سپاسگذاری کردم و برای امت دعا کردم که خدا آنانرا نگهداری کند و مشمول رحمت خدا و سایر خیرات الهی گردد.

یا احمد بر تو باد باجتناب و دوری از محرمات زیرا اول و وسط و آخر دین است همانا دوری از محرمات وسیله‌ی قرب و نزدیکی بخدای تعالی است ای احمد ورع زینت مؤمن و ستون دین است مثل ورع مانند کشتی است همانطور که از دریا کسی نجات پیدا نمی کند

مگر بوسیله ی کشتی همچنین پارسایان نجات پیدا نمی کنند مگر بوسیلهٔ ورع یااحمد هر کس مرا شناخت ودربرابر من فروتنی وکوچکی کردتمام موجودات برای او کوچکی کنند .

یا احمد ورع درهای عبادت را بروی بنده باز کند پس بنده بواسطه‌ی ورع در پیش خلق گرامی باشد و بواسطه ورع بخدا برسد یا احمد برتو باد برسکوت که همانا آباد ترین مکانها دلهای مردان شایسته‌ی ساکت باشدوخراب ترین‌مکانها دلهای‌آنانست که‌سخنهای بی فایده گویند .

یا احمد عبادت ده جزءاست نه جزء آن درطلب حلال است اگر خوردنی و آشامیدنی تو حلال بود پس‌تو در نگهداری وپناه منی .

عرضکرد پروردگارا اول عبادت چیست ؟ فرمود اول عبادت سکوت است و روزه گرفتن پرسید بهره‌ی روزه‌چیست فرمودحکمت است و بهره‌ی حکمت معرفت است و نتیجه معرفت یقین است پس هرگاه بنده‌یقین پیدا کرد باکش نیست که خوب‌زندگانی کند یابد وهر گاه بنده در حالت مرگ ومردن‌باشد برفراز سرش فرشتگانی می ایستند بدست هر فرشته ای جامی از آب کوثر است و جامی از شراب طهور و بروح او می چشانند تا تلخی جان کندن از او برود و اورا مژده‌ی بزرگی دهند و بگویند خوشا بحالت که جایت خوب است همانا تو بر پروردگار عزیز کریم وارد میشوی .

پس روح از دست فرشتگان پرواز میکند بسوی خدای تعالی به فاصله یك چشم بهم زدن بالا رود و پرده ومانعی بین‌او وخدایتعالی باقی‌نماند و خدای عزوجل‌هم مشتاق‌اوست و در عرش کنار چشمه‌ای

بنشینند بعد باو گویند چطور دنیا را واگذاشتی سپس بگوید خدایا بعزت و جلالت سوگند من از دنیا خبری ندارم از آنروزیکه مرا آفریدي از تو بیمناك و ترسان بودم .

خدامیفرماید راست میگوئی بنده‌ی‌من بدن تو در دنیا بودوروح تو بامن، تو پیش نظر من‌در نهان‌وآشکارا بودی بخواه هرچه‌میخواهی ازمن تا بتو عنایت کنم این بهشت‌من است که برای تو مباح است و در جوار رحمت من‌قرار گیر.

پس روح عرض کند که خدایا خودت را بمن شناساندی بشناسائی تو از آفریدگانت بی نیاز شدم بعزت و جلالت سوگند اگر خوشنودی تودرین باشد که‌پاره‌پاره شوم وهفتادمرتبه کشته شوم سخت ترین کشتنی که مردم کشته میشوندبآنحالت، رضا و خوشنودی تو برای من دوست تر است .

بارالاهاچگونه‌من خود پسندی کنم و حال اینکه اگر تو مرا اکرام نکنی ذلیل وپست باشم وشکست خورده‌ام اگر مرایاری‌نکنی نا توانم اگر توانائی بمن‌ندهی، مرده ام اگر تو مرا زنده‌نکنی بیاد خودت و اگر پرده پوشی تو نبود مسلم رسوا میشدم همان مرتبه ی اول که نافرمانی و معصیت ترا کردم بارالاهاچطور من رضای ترا نجویم و حال اینکه تو مرا خردمند کردی تااینکه ترا شناختم وحق را از باطل و امر را از نهی وعلم را ازجهل و نور را از ظلمت‌شناختم سپس خدای عزوجل فرماید بعزت و جلالم‌سوگند هیچ گاه بین‌خودم با تو حجاب و مانع قرار نمیدهم .

یا احمد میدانی چه زندگی گوارا تر و چه زنده بودنی‌بادوامتر

است ؟ عرضکرد بارإلاهانه. فرمودامازندگی گوارا آنست که صاحبش در ذکر من سستی نکند و نعمت مرا از خاطر نبرد و جاهل بحق من نباشد رضا وخوشنودی مرا شب و روز بجوید و اما زنده بودن همیشگی آنست آنچنان نفس‌را تربیت کند که دنیا درنظرش پست و در چشمش کوچك و آخرت درنظرش بزرگ گردد و خواسته مرا بر خواسته‌ی خودش مقدم دارد و رضا و خوشنودی مرا اختیار کند وحق مرا بزرگ شمرد و دانش مرا نسبت بخودش بخاطر سپارد و مرا در شب‌وروزهنگام‌انجام‌دادن‌هر گناه‌ونافرمانی‌فراموش نکندودلش را از آنچه که من‌خوش ندارم دور کند وشیطان ووسوسه اورا دشمن دارد و برای شیطان بردلش راهی قرارندهد.

اگرچنین کرد دوستی خود را در دلش‌جایگزین کنم تا اینکه دلش را در اختیار خود قرار دهم واز دنیاباز دارم و سرگرم آخرتش کنم و از نعمتهای تازه‌ایکه دوستانم را بر خوردار کرده ام او را برخوردار کنم وچشم وگوش دلش را باز کنم تا اینکه بوسیله دلش بشنود و نگاه کند بجلال و بزرگی من و دنیابراو تنگ و لذتهای دنیارا دشمن دارد واورا از دنیا و هرچه که در اوست بترسانم همان طور که چوپان‌را از چراگاههای خطرناك و نابود کننده میترسانم هرگاه چنین شد از مردم‌فرار میکند وازسرای‌فانی بسرای جاویدان منتقل می‌شود از خانه ی شیطان قدم بخانه‌ی رحمن میگذارد ای احمد اورا به هیبت خودم زینت بدهم پس این است زندگانی گوارا وحیاة جاویدان و این است‌مقام آنانکه ازخدا راضی باشند.

هر کس رضای مرا بدست آورد اورا ملازم سه خصلت گردانم معرفتی که با آن نادانی آمیخته نباشد، ذکریکه با آن فراموشی آمیخته نباشد، دوستی که باآن دوستی محبت آفریدگانم را اختیار نکند، پس هرگاه مرا دوست دارد منهم‌اورادوست دارم وچشم دلش را بجلال و بزرگیم باز کنم آفریدگان خاصم را از او پوشیده ندارم.

و در تاریکی شب و روشنائی روز با او سخن گویم بطوری که سخن گفتن او با آفریدگانم قطع شود و با آنان هم نشینی نکند و سخنان خود و فرشتگانم رابشنود و اورا براز هائیکه از مردم پنهان داشتم آگاه کنم ولباس شرم بر اندامش بپوشانم تا اینکه تمام مردم از او شرم کنند و بر زمین راه رود و آمرزیده باشد ودل او راشنوا و بینا قرار دهم و چیزی بر او پوشیده نماند از بهشت و دوزخ.

و اورا از آنچه که برمردم میگذرد روز قیامت ازهول وشدت عذاب آگاه کنم و اورا بر حساب بینوایان و ثروتمندان و دانایان و نادانان باخبر کنم وگور اورا روشن کنم تا اینکه نکیر و منکر بروی فرود آیند واز او پرسش کنند اوغصه‌ی مرگ و تاریکی‌قبر ولحد و بیم روز قیامت را نه بیند تااینکه‌برایش‌میزان را نصب کنم و نامهٔ عملش را بگشایم نامه‌ی اورا بدست راستش بگذارم نوشته اش‌را بخواند بعد بین خود و او ترجمه کننده‌ای قرار ندهم بیواسطه با او سخن گویم .

پس اینها که گفته شد نشانه های دوستان است .

یا احمد همت خود را یکی قرارده و یکزبان داشته باش بدن

خود را زنده قرار ده که هیچ گاه غافل و بیخبر نباشی هر کس ازمن غافل شد باکی ندارد بهر کجا که بخواهم اورا نابودمی کنم یا احمد عقلت را بکار انداز از پیش از آنکه از دست تو برود پس هر کس که خرد و عقلش را بکار انداخت نه خطا میکند و نه سرکشي.

یا احمد آیا می دانی چرا ترا بر سایر پیامبران برتری دادم عرضکرد نه بارإلاها فرمود به‌صفت یقین وخوی نیک وسخاوت ومهربانی بخلق و هم چنین پارسایان و مردمان شایسته پارسا نمیشوند مگر با پیدایش این صفات در آنها.

یا احمد هرگاه بنده شکمش را گرسنه نگهداشت و زبانش را حفظ کرد او را حکمت بیاموزم اگرچه او کافر باشد تا حکمت او بر او حجتی باشد ولی اگر مؤمن بود حکمتش برایش نور و برهان وشفا و رحمت است پس میداند چیزی را که نمیدانسته و می بیند چیزیرا که نمی دیده پس اول چیزیکه او می بیند عیبهای خودش میباشد تا اینکه از عیبهای مردم سرگرم عیبهای خودش گردد و او را بر ریزه کاریهای علم بیناگردانم تا اینکه شیطان بر او وارد نشود.

یا احمد عبادتی پیش من دوست‌تر ازسکوت وروزه گرفتن نیست پس هر کس روزه بگیرد وزبانش راحفظ نکند مانند کسی باشد بنماز ایستاده و حمد و سوره را نخوانده پاداش ایستادن باو میدهم ولی پاداش عبادت کنندگان باو نمیدهم.

یا احمد آیا میدانی چه وقت بنده عابد میباشد عرضکرد نه پروردگارا فرمود هرگاه هفت خصلت در او جمع شود پرهیز کاری

که اورا از کارهای حرام مانع شود ، سکوتی که اورا از حرفهای بیهوده نگهدارد ، بیمی که هر روز گریه اورا زیاد کند . شرمیکه هر روز در خلوت از من شرم دارد ، خوردن غذائیکه از خوردنش ناچار است ، دشمن دارد دنیا را بواسطه اینکه من آنرا دشمن دارم، خوبان را دوست دارد بجهت اینکه من آنانرا دوست دارم .

یا احمد هر که ادعا کند و بگوید خدا رادوست دارم درست نیست مگر اینکه اکتفا بقوت روزانه‌اش کند، لباس ساده بپوشد ، در حال سجود بخوابد ، قیامش را طول بدهد ، ساکت و خاموش باشد بر من توکل کند، زیاد گریه کند کم خنده نماید ، مخالفت هوای نفسش را کند ،مسجد را خانه خویش قرار دهد ، پارسائی راهمنشین خود کند، دانشمندان را دوستان خود قرار دهد ، فقیران وتهی دستان را رفیقان خود بداند ، رضا و خوشنودی مرا بخواهد ، ازگناهکاران فرار کند، بذکر من سرگرم و مشغول باشد ، همیشه‌تسبیح‌مرا بگوید سست پیمان نباشد ، بوعده اش وفا کند ، دلش‌پاك باشددر نمازپاکیزه باشد ، درواجبات‌سعی و کوشش‌داشته باشد، درآنچه که پیش من‌است از پاداش مایل باشد ، از عذاب من ترسان باشد ، نزدیك و همنشین دوستان من باشد .

یا احمد اگر بنده باندازه‌ی اهل آسمان‌وزمین نماز بخواند و روزه بگیرد و مانند فرشتگان غذا نخوردومانندبرهنه‌گان بی‌لباس باشد بعد در دل او ذره‌ای دوستی‌دنیا را یاشهرت بین مردم یا حب

ریاست یا زینت دنیا را به بینم او را وارد بهشت نخواهم کرد و دوستی خود را ازدل‌او بر کنم و بر تو ای محمدسلام ورحمت من باد .

* * *

بپایان رسید ترجمه ارشاد القلوب دیلمی اول آذرماه یکهزارو سیصد و پنجاه و دو امید وارم خوانندگان محترم در مظان استجابت دعا فراموشم نفرمایند .



فهرست

ابواب جلد اول ارشادالقلوب دیلمی

عنوان | صفحه

عنوان صفحه

عنوان	صفحه

پایان

